1381

گزیدهٔ

اسناد سیاسی ایران و عثمانی

جلد پنجم

واحد نشر اسناد

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

FREE GIFT
0134

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

بسم الله الرحمن الرحيم

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

وزارت امور خارجه

شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

گزیدهٔ
اسناد سیاسی ایران و عثمانی

دورهٔ قاجاریه

جلد پنجم

واحد نشر اسناد

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

تهران، ۱۳۷۰

KASHMIR UNIVERSITY
Allama Iqbal Library
Acc. No. 563095
Dated... 6-2-09

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
وابسته به وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران

گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی: دورهٔ قاجاریه (جلد پنجم)

واحد نشر اسناد

چاپ اول: ۱۳۷۰

امور فنّی چاپ: دفتر ویرایش

لیتوگرافی و چاپ: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

تعداد: ۲ هزار جلد

تمامی حقوق محفوظ است.

فهرست

پیشگفتار — پانزده

مقدمه — هفده

فصل اول

امور اتباع و مسائل زوّار

۸۲۹. اعلان کار پردازی ایران در بغداد — ۳

۸۳۰. نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه — ٦

۸۳۱. نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه — ۸

۸۳۲. نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه — ۱۱

۸۳۳. خلاصهٔ نوشتجات ناظم‌الملک کار پرداز بغداد — ۱٤

۸۳٤. خلاصهٔ نوشتجات ناظم‌الملک کار پرداز بغداد — ۱٦

۸۳۵. گزارش کار پردازی ایران در مکه مکرمه به وزارت خارجه — ۱۸

۸۳٦. گزارش کار پردازی ایران در مکه مکرمه به وزارت خارجه — ۲۰

۸۳۷. نامهٔ کار پرداز ایران در بغداد به وزارت خارجه — ۲۲

۸۳۸. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه — ۲٦

۸۳۹. خلاصهٔ نوشتجات ناظم‌الملک کار پرداز بغداد — ۳۰

۸٤۰. خلاصهٔ نوشتجات ناظم‌الملک کار پرداز بغداد — ۳۲

۸٤۱. خلاصهٔ نوشتجات ناظم‌الملک کار پرداز بغداد — ۳٤

۸٤۲. نامهٔ عده‌ای از علما و فقها به وزارت خارجه — ۳٦

۸۴۳. سواد مراسلهٔ وزارت خارجه به سفارت عثمانی ۴۰
۸۴۴. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۴۲
۸۴۵. سواد کاغذ وزارت خارجه به علاءالملک سفیرکبیر ایران در اسلامبول ۴۴
۸۴۶. عریضهٔ حاجی میرزامحمد ذوالریاستین به مظفرالدین شاه ۴۶
۸۴۷. تلگراف نظام‌العلما به وزارت خارجه ۴۹
۸۴۸. نامهٔ علاءالملک به وزارت خارجه ۵۱
۸۴۹. سواد کاغذ وزارت خارجه در عراق عرب به نظام‌العلما ۵۷
۸۵۰. نامهٔ ژنرال قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه ۵۹
۸۵۱. گزارش وقایع‌نگار کردستانی به وزارت خارجه ۶۱
۸۵۲. سواد کاغذ وزارت خارجه به اعتلاءالملک ۶۵
۸۵۳. سواد مراسلهٔ اتابک اعظم به محافظ پاشا محافظ مدینهٔ منوّره ۶۷
۸۵۴. ترجمهٔ نامهٔ وزیر خارجهٔ دولت عثمانی به سفارت ایران در اسلامبول ۶۹
۸۵۵. نامهٔ سفارت کبرای ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۷۱
۸۵۶. نامهٔ قونسول ژنرالی ایران در بغداد به وزارت خارجه ۷۳
۸۵۷. کاغذ به سفارت کبرای ایران در اسلامبول ۷۵
۸۵۸. گزارش نظام‌العلما به وزارت خارجه ۷۷
۸۵۹. عریضهٔ صبیهٔ حاجی میرزاعلی به مظفرالدین شاه ۸۴
۸۶۰. فهرست عرض وزارت خارجه است ۸۷
۸۶۱. نامهٔ وزارت خارجه به مشاورالملک در بغداد ۸۹
۸۶۲. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۹۱
۸۶۳. نامهٔ قونسول ژنرالی ایران در بغداد به وزارت خارجه ۹۳
۸۶۴. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۹۵
۸۶۵/۱. نامهٔ قونسولگری ایران در شام به وزارت خارجه ۱۰۰
۸۶۵/۲. سواد کاغذ وزارت خارجه به مفخم‌الملک مأمور شام ۱۰۲
۸۶۶. نامهٔ کار پرداز بصره به سفارت کبرای ایران در اسلامبول ۱۰۴
۸۶۷. نامهٔ کار پردازی ایران در کربلا به وزارت خارجه ۱۰۷
۸۶۸. سواد کاغذ وزارت خارجه به مشاورالوزاره مأمور کربلا ۱۰۹
۸۶۹. نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه ۱۱۱
۸۷۰. نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه ۱۱۴
۸۷۱. نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه ۱۱۷

۸۷۲. سواد کاغذ وزارت خارجه به سفارت کبرای اسلامبول ۱۱۹

فصل دوم
امور تشریفاتی

۸۷۳. به سفرای دول متحابّه نوشته می شود (تعیین ولایت‌عهدی محمدعلی میرزا) ۱۲۳
۸۷٤. فهرست فرامین نشان که برحسب خواهش سفارت عثمانی صادر می شود ۱۲۵
۸۷۵. فهرست فرامین نشان که برحسب استدعای سفارت عثمانی صادر می شود ۱۲۷
۸۷٦. خلاصهٔ نوشتجات ناظم‌الملک کار پرداز بغداد ۱۲۹
۸۷۷. گزارش کار پردازی ایران در طرابوزان به وزارت خارجه ۱۳۱
۸۷۸. گزارش سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۱۳۵
۸۷۹. صورت‌حساب بابایان جواهرساز سلطنتی برای منیر پاشا ۱۳۹
۸۸۰. گزارش کار پردازی ایران در شام به وزارت خارجه ۱٤۱
۸۸۱. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۱٤۳
۸۸۲. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۱٤٦
۸۸۳. ترجمهٔ نامهٔ اعلی‌حضرت سلطان عثمانی (عبدالحمید) به مظفرالدین شاه ۱۵۱
۸۸٤. سواد کاغذ وزارت خارجه به سفارت کبرای اسلامبول ۱۵۳
۸۸۵. سواد کاغذ وزارت خارجه به مأمور شام ۱۵۵
۸۸٦. نامهٔ سفیرکبیر عثمانی در پاریس به صدراعظم ایران ۱۵۷
۸۸۷. گزارش سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه، ترجمهٔ روزنامهٔ تایمز ۱٦۰
۸۸۸. گزارش سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه، ترجمهٔ روزنامهٔ تایمز ۱٦۲
۸۸۹. فهرست عرض وزارت خارجه به مظفرالدین شاه ۱٦٤
۸۹۰. ترجمهٔ آرتیکل روزنامهٔ ترکی انوار شرقیه ۱٦٦
۸۹۱. گزارش اسلامبول به وزارت خارجه ۱٦۸
۸۹۲. نامهٔ یکی از اتباع ایران با پیوست دو قصیده در مدح مظفرالدین شاه و صدراعظم ۱۷۱
۸۹۳. گزارش روزنامه‌های فرانسه در مورد سوءقصد به مظفرالدین شاه در پاریس ۱۷۹
۸۹٤. اهدای نشان به شخصیتهای عثمانی ۱۸۲
۸۹۵. صورت اسامی افرادی که باید نشان بگیرند ۱۸٤
۸۹٦/۱. تلگراف مظفرالدین شاه به ارفع‌الدوله ۲۳۳
۸۹٦/۲. تلگراف مظفرالدین شاه به ارفع‌الدوله ۲۳۵

اهدایی خانه فرهنگ
جمهوری اسلامی ایران
دهلی نو

۸۹۷/۱. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۲۳۷
۸۹۷/۲. نامهٔ مظفرالدین شاه به مشیرالدوله وزیر خارجه ۲۳۹
۸۹۸. ترجمهٔ آرتیکل روزنامهٔ عثمانی چاپ انگلیس ۲۴۰
۸۹۹. سواد کاغذ وزارت خارجه به سفارت پطرزبورغ ۲۴۳
۹۰۰. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۲۴۵
۹۰۱. دستخط مظفرالدین شاه به صدراعظم ۲۴۹
۹۰۲. نامهٔ سفارت کبرای ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۲۵۱
۹۰۳. تلگراف سلطان عبدالحمید به مظفرالدین شاه و پاسخ متقابل آن ۲۵۴
۹۰۴. نامهٔ سفارت عثمانی در تهران به وزارت خارجه ۲۵۸
۹۰۵/۱. نامهٔ سفیرکبیر عثمانی در ایران به وزیر امور خارجه ۲۶۲
۹۰۵/۲. سواد مراسلهٔ وزارت خارجه به سفارت عثمانی ۲۶۴
۹۰۶. ترجمهٔ نامهٔ سفیر عثمانی به وزیر خارجه ایران ۲۶۶

فصل سوم

امور کنسولی و اداری

۹۰۷. گزارش علاءالملک از اسلامبول به وزارت خارجه ۲۷۱
۹۰۸. حکم عمدةالامراءالعظام احمدخان دریابیگی ۲۷۳
۹۰۹. نامهٔ منیف‌السلطنه به وزارت خارجه ۲۷۵
۹۱۰. تلگراف علاءالملک سفیرکبیر ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۲۷۸
۹۱۱. نامهٔ علاءالملک به وزارت خارجه ۲۷۹
۹۱۲. خلاصهٔ نوشتجات ناظم‌الملک کار پرداز بغداد ۲۸۳
۹۱۳. خلاصهٔ نوشتجات ناظم‌الملک کار پرداز بغداد ۲۸۵
۹۱۴. نامهٔ کار پرداز سلیمانیه به وزارت خارجه ۲۸۶
۹۱۵. سواد کاغذ وزارت خارجه به مأمور سلیمانیه ۲۸۸
۹۱۶. تلگراف وزارت خارجه به احتشام‌السلطنه حکمران کردستان ۲۹۰
۹۱۷. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۲۹۲
۹۱۸. نامهٔ محرمانه سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۲۹۴
۹۱۹. گزارش محرمانهٔ علاءالملک به وزارت خارجه ۳۰۵
۹۲۰. دستخط مظفرالدین شاه به صدراعظم ۳۰۹

۹۲۱. سواد کاغذ وزارت خارجه به علاءالملک سفیرکبیر	۳۱۱
۹۲۲. سواد کاغذ وزارت خارجه به حاجی شیخ عبدالرحیم	۳۱۳
۹۲۳. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه	۳۱۵
۹۲٤. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه	۳۱۷
۹۲۵. نامهٔ ژنرال قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه	۳۲۱
۹۲٦. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه	۳۲٤
۹۲۷. حکم مجدالسلطنه از طرف محمدعلی میرزا ولیعهد	۳۲٦
۹۲۸. نامهٔ ژنرال قونسولی ایران در بغداد به وزارت خارجه	۳۲۸
۹۲۹. نامجات میرزاملکم خان ناظم‌الدوله از پاریس به وزارت خارجه	۳۳۲
۹۳۰. راپورت توپخانهٔ مبارکه	۳٤۲
۹۳۱. سواد کاغذ وزارت خارجه به سپهسالار وزیرجنگ	۳٤٤
۹۳۲. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه	۳٤٦
۹۳۳. کاغذ میرزا مهدی مدیر روزنامهٔ اختر به وزارت خارجه که از شرف عرض می‌گذرد	۳۵۰
۹۳٤. نامهٔ میرزا مهدی مدیر روزنامهٔ اختر به مظفرالدین شاه	۳۵۲
۹۳۵. صفحاتی از کتاب سیاحتنامهٔ میرزا مهدی مدیر روزنامهٔ اختر	۳۵۸
۹۳٦. نامهٔ تجار ایرانی مقیمین ارزروم به وزارت خارجه	۳٦۷
۹۳۷. سواد کاغذ وزارت خارجه به عموم تجار ایرانی مقیمین ارزروم	۳۷۰
۹۳۸. نامهٔ قونسولگری ایران در شام به وزارت خارجه	۳۷۲
۹۳۹. نامهٔ وزارت خارجه عثمانی به سفارت کبرای ایران در اسلامبول	۳۷٤
۹٤۰. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه	۳۷٦
۹٤۱. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه	۳۷۸
۹٤۲. نامهٔ وزارت گمرک به وزارت خارجه	۳۸۰
۹٤۳. سواد کاغذ از وزارت خارجه به مسیو نوز وزیر گمرک	۳۸۳
۹٤٤. سواد کاغذ از وزارت خارجه به مفخم‌الملک مأمور شام	۳۸۵
۹٤۵. نامهٔ کار پردازی بایزید به وزارت خارجه	۳۸۷
۹٤٦. نامهٔ سفارت انگلیس به وزارت خارجه	۳۸۹
۹٤۷. سواد کاغذ وزارت خارجه به میرزا آقاخان کار پرداز بایزید	۳۹۲
۹٤۸. سواد کاغذ وزارت خارجه به سعدالسلطان مأمور وان	۳۹٤
۹٤۹. نامهٔ کار پردازی ایران در وان به وزارت خارجه	۳۹٦

۹۵۰. نامهٔ کار پردازی ایران در وان به وزارت خارجه ۳۹۸
۹۵۱. نامهٔ آقای ناصرالملک حاکم کردستان به وزارت خارجه ٤۰۰
۹۵۲. فهرست عرض وزارت خارجه به مظفرالدین شاه ٤۰۳
۹۵۳. نامهٔ سفارت کبرای ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ٤۰۷
۹۵٤. نامهٔ ارفع‌الدوله سفیرکبیر ایران در عثمانی به وزارت خارجه ٤۱٦
۹۵۵. تلگراف سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ٤۱۹
۹۵٦. فهرست عرض وزارت خارجه به مظفرالدین شاه ٤۲۱
۹۵۷. نامهٔ مظفرالدین شاه به صدراعظم ٤۲۳
۹۵۸. تلگراف کار پردازی ارزروم به وزارت خارجه ٤۲۵
۹۵۹. نامهٔ سفارت کبرای ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ٤۲۷
۹٦۰. گزارش سفارت ایران از اسلامبول به وزارت خارجه ٤۳۰
۹٦۱. نامهٔ سفارت ایران از پطرزبورغ به وزارت خارجه ٤۳۲
۹٦۲. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ٤۳٤
۹٦۳. گزارش میرزا فتح‌الله خان آتشه میلیتر سفارت ایران در اسلامبول ٤۳٦
۹٦٤. گزارشات سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه، ترجمهٔ روزنامهٔ فیگارو ٤٤۱

فصل چهارم
امور اتباع، حقوقی و اقتصادی

۹٦۵. نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه ٤٤۷
۹٦٦. نامهٔ حاجی میرزاموسی سیاح اصفهانی به وزارت خارجه ٤۵۰
۹٦۷. نامهٔ سفیرکبیر عثمانی در تهران به وزارت خارجه ٤۵۳
۹٦۸. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ٤۵۵
۹٦۹. سواد کاغذ وزارت خارجه به علاءالملک ٤۵۹
۹۷۰. نامهٔ سفارت ایران از اسلامبول به وزارت خارجه ٤٦۱
۹۷۱. سواد کاغذ وزارت خارجه به علاءالملک ٤٦٤
۹۷۲. ترجمهٔ مراسله باب‌عالی به سفارت کبرای ایران ٤٦٦
۹۷۳. ترجمهٔ مراسله سفارت کبرای ایران به باب‌عالی ٤٦۸
۹۷٤. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ٤۷۰
۹۷۵. نامهٔ سفارت ایران به وزارت امور خارجه دولت علیه عثمانی ٤۷۱

۹۷۶. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۴۷۳
۹۷۷. نامهٔ ناظم‌الدوله از سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۴۷۶
۹۷۸. سواد مراسله وزارت خارجه به سفارت عثمانی ۴۷۸
۹۷۹. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه ۴۸۰
۹۸۰. نامهٔ کار پرداز ایران در بصره به وزارت خارجه ۴۸۲
۴۸۱. مکتوب و راپورت بسیار محرمانهٔ ناصرالملک به وزارت خارجه ۴۸۶
۹۸۲. ترجمهٔ مراسلهٔ سفارت کبرای ایران در اسلامبول به وزارت خارجه عثمانی ۴۹۳
۹۸۳. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۴۹۵
۹۸۴. نامهٔ ژنرال قونسولی ایران در بغداد به وزارت خارجه ۴۹۷
۹۸۵. نامهٔ سفارت کبرای ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۴۹۹
۹۸۶. سواد کاغذ وزارت خارجه به سفارت کبرای ایران در اسلامبول ۵۰۲
۹۸۷. سواد کاغذ وزارت خارجه به سفارت کبرای ایران در اسلامبول ۵۰۴
۹۸۸. نامهٔ ویس قونسولگری ایران در قارص به سفارت ایران در اسلامبول ۵۰۶
۹۸۹. نامهٔ سفارت ایران از اسلامبول به وزارت خارجه ۵۱۱
۹۹۰. راپورت کار پردازی از بغداد به وزارت خارجه ۵۱۳
۹۹۱. نامهٔ عده‌ای از اتباع ایران مقیم عثمانی به امیراتابک اعظم ۵۱۵
۹۹۲. نامهٔ سفارت انگلیس در طهران به وزارت خارجه ۵۱۸
۹۹۳. نامهٔ ژنرال قنسولی ایران در بغداد به وزارت خارجه ۵۲۰
۹۹۴. نمونهٔ ورقهٔ چاپی اخذ رسم (وصول مالیات عشایری) ۵۲۲
۹۹۵. استشهادنامه مربوط به الیاس یهودی ۵۲۴
۹۹۶. سواد کاغذ وزارت خارجه به مشاورالملک کار پرداز بغداد ۵۲۶
۹۹۷. معروضهٔ کارگزاری ولایت مکری به وزارت جلیلهٔ خارجه ۵۲۸
۹۹۸. عریضهٔ یک پناهندهٔ عثمانی به وزارت خارجه ۵۳۰
۹۹۹. فهرست عرض وزارت خارجه در مورد پناهندهٔ عثمانی ۵۳۲
۱۰۰۰. گزارش ارفع‌الدوله از اسلامبول به وزارت خارجه ۵۳۴
۱۰۰۱. عریضهٔ جمعی از اتباع دولت ایران مقیمین ناصریه منتفک به سفارت ایران در اسلامبول ۵۳۷
۱۰۰۲. ترجمهٔ روزنامهٔ عثمانی موسوم به صباح از اسلامبول ۵۴۰
۱۰۰۳. نامهٔ ارفع‌الدوله از اسلامبول به وزارت خارجه ۵۴۲
۱۰۰۴. نامهٔ فرمانفرما از ایالت کرمانشاهان به وزارت خارجه ۵۴۵

۱۰۰۵. نامهٔ ارفع‌الدوله از اسلامبول به وزارت خارجه ۵۴۷
۱۰۰۶. نامهٔ عده‌ای از تجار و کسبهٔ کرمانشاه به وزارت خارجه ۵۵۱
۱۰۰۷. نامهٔ وزیر خارجه به مظفرالدین شاه ۵۵۴
۱۰۰۸. نامه‌ای از حکومت ارومی به وزارت خارجه ۵۵۶
۱۰۰۹. سه فقره تلگراف از کارگزاری ارومی به وزارت خارجه ۵۵۸
۱۰۱۰. عریضهٔ حاج خلیل دیلمقانی به حکومت ارومی ۵۶۳
۱۰۱۱. از حکومت ارومی به وزارت خارجه ۵۶۵
۱۰۱۲. نامهٔ سفارت عثمانی به وزارت خارجه ۵۶۷
۱۰۱۳. از حکومت ارومی به وزارت خارجه ۵۶۹
۱۰۱۴. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه ۵۷۰
۱۰۱۵. ترجمهٔ نامهٔ مادام رؤف‌بیک به وزارت امور خارجه ۵۷۴

پیشگفتار

جای بسی خوشوقتی است که پنجمین جلد کتاب **گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی**(دورهٔ قاجاریه) به زیور طبع آراسته شده است. تاریخ طولانی روابط دو کشور مسلمان و همسایهٔ ایران و عثمانی که مشحون از حوادث گوناگون و صحنهٔ کشمکشهای سیاسی داخلی و رقابتهای استعماری خارجی بوده، از بسیاری جهات درخور مطالعه و دقت نظر است، زیرا بررسی مسائل حال و آینده در هر جامعه و کشور بدون روشن شدن نکات مکتوم تاریخ گذشته و مطالعهٔ سیر وقایع مقدور و ممکن نیست. تاریخ یک جریان مداوم و پیوستهٔ زندگی است و ریشهٔ اصلی مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را باید در هویتهای آن جستجو نمود و از آنها به عنوان عوامل زیربنایی و الگو در برنامه ریزی های حال و آینده سود برد.

به همین ملاحظه انتشار اسناد تاریخی ضمن روشن کردن حقایق و اصلاح و ابطال نادرستی های سلایق، می تواند راهگشای موثق محققان و مورخان بی نظر و بی طرف در نوشتن تاریخ باشد و بدین ترتیب بهره‌مندی مثبت از تاریخ صحیح، موجب ترقی و تعالی اقوام و ملل و عدم توجه به آن، باعث بی اطلاعی و پریشانی در حال و آینده خواهد بود.

در خاتمه لازم است از زحمات و کوشش صادقانهٔ جناب آقای عباس ملکی، معاون آموزشی و پژوهشی وزارت امور خارجه و جناب آقای محمدحسن کاووسی عراقی، سرپرست واحد نشر اسناد، تهیه و تدوین کنندهٔ این کتاب و دیگران تشکر نموده، موفقیت آنان را از خداوند متعال مسئلت نمایم.

علی اکبر ولایتی

وزارت امور خارجه

و

رئیس شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

مقدمه

مظفرالدین میرزا در سال ۱۲۶۹ هجری قمری تولد یافت و از سن پنج سالگی به ولیعهدی و حکومت آذربایجان رسید. بعد از قتل ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ هـ. ق) با همکاری امین‌السلطان (صدراعظم) و کلنل کاساکوفسکی (رئیس سواران قزاق) از تبریز به تهران آمد. پشتیبانی روس و انگلیس از وی موجب اطاعت مخالفین و بلامنازع شدن سلطنت وی گردید (ذیحجهٔ ۱۳۱۳ هـ. ق).

حمایت شدید روسها از مظفرالدین شاه موازنهٔ سیاسی را برهم زد و نفوذ روسها را به طور فزاینده‌ای افزایش داد. در این مورد شرحی که مرحوم ناظم‌الاسلام کرمانی در کتاب **تاریخ بیداری ایرانیان** نوشته شاید بهترین توضیح در شناسایی مظفرالدین شاه و نفوذ روسها در افکار وی باشد.

«... روسها حسب‌العادت دیرینه رسوخ و نفوذ خود را از ایام ولیعهدی سخت در قلب این پادشاه جای دادند. در ایام ولیعهدی دعوی اصلاح‌خواهی و حریّت‌پسندی می‌فرمود. **اخبار ناصری**[1] هم در تبریز به تشویق شاهانه اشاعت یافت. روزنامهٔ **قانون**[2] هم که ممنوع‌الورود بود مخفیانه به ایشان می‌رسید. دانشمندان به ملاحظهٔ بی کفایتی ذاتی و عدم جودت طبیعی خصوصاً بعد از طغیان شیخ عبیدالله و بروز آن درجه جُبنیّت، امید خوشبختی به سلطنت ایشان نداشتند.»[3]

دوران طولانی ولیعهدی در آذربایجان عملاً از وی مردی خانه‌نشین و بیکار با

۱. روزنامه‌ای که در تبریز انتشار می‌یافت.
۲. روزنامهٔ میرزاملکم‌خان در لندن.
۳. ناظم‌الاسلام کرمانی، **تاریخ بیداری ایرانیان**، ص ۱۲۹.

خصوصیات فطری توأم با محدودیّت فکر و ارادهٔ ناتوان ساخته بود. در حقیقت این شرایط مهام امور را از دست وی خارج ساخته و اطرافیان را قدرت و استقلال بخشیده بود. اینها و همهٔ مردمی که سالها در خدمت ولیعهد به انتظار شاهی او و رسیدن به مقامات و مناصب عالیه روزشماری می‌کردند، از پیش مشاغل را تقسیم کرده و رجال و خدمتگزاران دورهٔ ناصری را مطرود می دانستند.

به رغم همهٔ این مسائل، امین السلطان که ولیعهد را در رسیدن به سلطنت یاری کرده بود، در مقام صدارت ابقا گردید. اما رقبای بزرگی مانند شاهزاده عبدالمجید میرزای عین الدوله، نوهٔ فتحعلی شاه که ریاست تشریفات و پیشکاری آذربایجان را در زمان ولیعهد عهده دار بود و شاهزاده فرمانفرما و میرزا علی خان امین الدوله او را راحت نگذاشتند. به ناچار امین السلطان عین الدوله را به حکومت مازندران و فرمانفرما را در حکومت دارالخلافهٔ تهران و امین الدوله را به حکومت آذربایجان منصوب نمود و موقتاً از شرّ آنها خلاصی یافت. مظفرالدین شاه و درباریانش که تصور می‌کردند ثروت سرشار و خزانهٔ پر ناصری به آنها تعلق گرفته است، بزودی متوجه خالی بودن خزانه و اوضاع بد مالی کشور شدند. از طرف دیگر مظفرالدین شاه که در مقابل سیاست و اعمال نفوذ خارجیان منفعل بود، باعث شد اوضاع عمومی خرابتر از پیش شود، چنان که جوّ مخالفت مردم با دولت موجب گردید، به عنوان اولین اقدام شاه، امین السلطان در شانزدهم جمادی الثانی ۱۳۱٤ از صدارت خلع گردد. در این موقع فرمانفرما سپهسالار و وزیر جنگ شد. علی قلی خان مخبرالدوله وزیر داخله، صنیع الدوله فرزند وی وزیر خزانه و پست و گمرک، حاج میرزا محسن خان مشیرالدوله وزیر خارجه، میرزا کاظم خان نوری وزیر مالیه و عباس میرزا ملک آرا عموی شاه وزیر عدلیه شدند.

فرمانفرما برای حرکت چرخهای اقتصادی دولت و راضی نمودن شاه و نزدیکان وی به حیف و میل باقیماندهٔ ناچیز خزانه و جواهر سلطنتی پرداخت، ولی هیچ یک از این اقدامات راهگشا نشدند. عاقبت کارهای بی مورد فرمانفرما و همدستانش موجب گردید میرزا علی خان امین الدوله جانشین امین السلطان شود (ذیقعدهٔ ۱۳۱٤ هـ. ق).

امین الدوله که شخصی بی آلایش و فرهنگ دوست و صلح طلب بود و سالها نقشهٔ اصلاحات ایران را در فکر داشت، با پیروی از افکار آزادیخواهان و اطلاع از اوضاع دنیا علاقه‌مند بود کشتی طوفان زدهٔ ایران را به ساحل نجات برساند. او با وجود مشکلات فراوان که در رأس آنها بی ارادگی شاه و خالی بودن خزانه بود، زمام امور را به دست گرفت و برای کوتاه کردن دست فرمانفرما از امور مرکز، وی را به حکومت

فارس منصوب کرد. امین الدوله به منظور اصلاح وضع گمرکات و پست و افزایش درآمد، آن را از اجازهٔ اشخاص خارج و تحت نظر دولت به مستخدمین بلژیکی واگذار کرد و برای این منظور هیئتی تحت ریاست ژوزف نوز[4] وارد ایران شدند (۱۳۱۶ هـ. ق ۱۸۸۹ م).

مسئلهٔ گمرک در دورهٔ قاجاریه حائز کمال اهمیت بود، زیرا در جامعهٔ اقتصادی آن زمان کار تجارت و داد و ستد به وسیلهٔ تجار ایرانی و اروپایی مشترکاً انجام می یافت. تجار ایرانی از پرداخت مالیات معاف بودند و تنها عوارض گمرکی می پرداختند. بنابراین نحوهٔ کار گمرک نشانهٔ وضع اقتصادی و مالی تجار در مقابل طرفهای خارجی آنها بود، در حالی که برای تجار خارجی گمرک و مقررات مربوط به آن عامل بازدارنده ای برای تجارت با ایران به شمار می آمد.

عایدات گمرک قسمت اعظم بودجهٔ مملکت را تأمین می نمود و شریان حیاتی ولخرجی های دربار و مستمری بگیران را تشکیل می داد و به علت نبودن تشکیلات صحیح و عدم علاقهٔ حکومت در خدمات عمومی و امور مالی، کفایت و درایتی وجود نداشت. این شیوه های غلط با توجه به نیاز مبرمی که حکومت به پول داشت، موجب تنزّل حداقل ۲۰٪ از عایدات گمرک شده بود.

عوارض گمرکی هر ناحیه سالانه به مزایده گذاشته می شد و اغلب برندگان آن از طبقات اعیان یا رؤسای محلی بودند. در ۱۲۸۸ هـ (۱۸۸۱ م) ناصرالدین شاه حق مقاطعه دادن گمرک را در سراسر کشور به یک نفر فروخت که آن را وزیر گمرک می خواندند. در سال ۱۳۰۰ هـ (۱۸۸۲ م) امین السلطان هم این وزارت را از امین لشکر گرفت. به علت درآمدی که این شغل داشت، همواره برای به دست گرفتن آن بین افراد رقابت می شد.

عوارض در این دوره به سه قسمت تقسیم می شد: ۱. عوارض صادرات و واردات که همان عوارض گمرکی باشد؛ ۲. عوارض راه یا راهداری؛ و ۳. عوارض شهری که نامهای مختلفی داشت.

در آغاز سدهٔ نوزدهم که تجارت جهان مجدداً رو به ازدیاد و رونق گذاشت، سرجان ملکم در سال ۱۲۱۵ هـ (۱۸۰۰ م) با فتحعلی شاه در مورد یک قرارداد سیاسی مذاکره نمود. در ضمن کوشش نمود مجدداً امتیازات قبلی را برای تجار انگلیسی برقرار نماید که نتیجهٔ آن انعقاد یک قرارداد تجاری شد که اتباع بریتانیا بدون

4. Joseph Naus

پرداخت مالیات در بنادر ایران به داد و ستد مشغول شوند و حق اقامت، خرید و فروش و ساختن خانه را در کلیهٔ شهرهای ایران داشته باشند، ولی این قرارداد از طرف ایران مورد قبول قرار نگرفت. اما قراردادی در ۱۲۳۰ هـ (۱۸۱٤ م) و فرمانی در ۱۲۳۹ هـ (۱۸۲۳ م) وضع عوارض و معافیت اتباع انگلیسی را مشخص می‌کرد.

عوارض گمرکی از کالاهای وارداتی بین ۵ تا ۱۰ درصد بود. این مقدار در گمرکخانه های مختلف متفاوت بود و بنا به میل حاکم محلی تغییر می‌کرد که با سیاست اقتصادی حکومت ارتباطی نداشت. مثلاً کالاهایی که از طریق طرابوزان به اصفهان وارد می شد می باید از گمرکخانه های متعددی عبور نماید، برای نمونه: در ایروان ۱٪ در شاهرود ۱/٤٪ در نخجوان ۳/٤٪ در مرند ۳/٤٪ در تبریز ۳/۲۵٪ در میانه ۱/۲٪ در زنجان ۳/٤٪ و در قزوین ۱٪ حق گمرک و عبور پرداخته می شد. در جنوب هم تجار حداقل می بایست در بوشهر ۵٪ در شیراز ۲/۵٪ و ... بپردازند. به طور کلی کالایی که از راه بوشهر به شهرهای ساحلی بحر خزر می رسید، جمعاً ۳۰٪ عوارض گمرکی به آن تعلق می‌گرفت. عوارض از نظر جنس کالا نیز متغیّر بود.

تجارت خارجی ایران با بریتانیا تقریباً از سال ۱۳۱٦ هـ (۱۸۰۱ م) و با دولت عثمانی از سال ۱۲۳۹ هـ (۱۸۲۳ م) شروع گردید و روسیه نیز بنا به دلایل سیاسی پیشقدم تجارت خارجی ایران با سایر کشورها بوده است، زیرا روسیه علاقه‌مند به گسترش نفوذ خود تا منتهاالیه جنوب ایران بود و بریتانیا می خواست سدّی مستحکم بین روسیه و هند به وجود آورد.

سال ۱۲٤٤ هـ (۱۸۲۸ م) نقطهٔ عطف تجارت خارجی ایران محسوب می شود، زیرا بعد از شکست ایران از روسیه و انعقاد معاهدات ترکمانچای، شرایط مذکور الگویی برای سایر ملل در این مورد گردید.

در جنوب هر تاجری که فی المثل به بوشهر یا بندرعباس می رسید. برای حمل کالا از کشتی به ساحل باید عوارض می پرداخت و بعد مالیات دلالی و ممیزی کالا که ۰/۵٪ بود از طرفین معامله گرفته می شد و علاوه بر آن قپانداری هم که مقدار آن ۲/۵٪ بود به آن اضافه می‌گردید. مالیاتهای مختلف دیگری هم مانند: مالیات اسکله، سرریگی (میدان) و عوارض انبار ساحل وجود داشت و بالأخره پس از پرداخت عوارض گمرک، برای عبور کالا نوعی جواز صادر می‌گردید که به منزلهٔ نوعی گذرنامه در حین عبور بود که گمرکخانه های دیگر عوارض اضافی دریافت ننمایند و تصدیق این جوازها کار کنسولگری ها بود.

تفاوت تجار ایرانی و خارجی در این بود که علاوه بر پرداخت عوارض

گمرکی بین ۲/۵٪ تا ۳٪ می بایست عوارض داخلی هم پرداخت نمایند، اما تجار خارجی از پرداخت عوارض داخلی معاف بودند. لذا شیوه‌های نامنظم و استبدادی ادارهٔ گمرکات، انگیزه‌های نیرومندی که تجارت خارجی ایران را رونق دهند به شمار نمی‌آمدند، زیرا بسیاری از حکومتهای اروپایی که اتباعشان با ایران روابط بازرگانی داشتند، علاقه‌مند بودند که ایران در عوارض گمرکی خود یک اصلاح اساسی به عمل آورد.

میرزا حسین خان سپهسالار می خواست برای عموم بازرگانان عوارض یکسانی وضع نماید. ولی نظر به اینکه اجاره کنندگان گمرک با یکدیگر رقابت داشتند، اصلاح گمرک را به زیان خود تلقی می‌کردند.

چنان که قبلاً ذکر شد، در سال ۱۳۱۶ هـ (۱۸۹۸ م) مأموران بلژیکی ادارهٔ امور گمرکات ایران را در زمان صدارت و اصلاحات میرزا علی خان امین الدوله در دست گرفتند تا بودجهٔ لازم برای هزینهٔ سفرهای شاه به اروپا و دربار تأمین شود. ابتدا آنها مسئولیت گمرکات آذربایجان و کرمانشاه را داشتند و کمی بعد سایر گمرکات هم زیر نظر آنان قرار گرفت و بزودی معلوم گردید که آنها تحت نظر و سیاست دولت تزاری روس کار می‌کنند و دستورات خود را از آنها می‌گیرند. تسلط بلژیکی ها بر گمرک ایران بتدریج نظام کهنه و مقاطعه کاری گمرکات را از رونق انداخت و انضباط و شایستگی مأموران بلژیکی جایگزین آن گردید و موجب درآمد فوق العادهٔ گمرکات شد.

مظفرالدین شاه بیمار و علیل همانند پدر خود علاقهٔ فراوانی به مسافرت فرنگ داشت. به همین مناسبت به علت خالی بودن خزانه، برای تأمین هزینهٔ سفرهای خود به اروپا، به استقراض خارجی روی آورد. شاه امین الدوله را وادار ساخت تا در این مورد با انگلیسی ها مذاکره نماید. انگلیسی ها در مقابل این پیشنهاد، موافقت کردند که قرضی به مبلغ ۱,۲۵۰,۰۰۰ لیره با بهرهٔ صدی پنج به دولت ایران پرداخت نمایند، در صورتی که کلیهٔ مالیاتها و درآمد گمرکات جنوب را به مدت پنجاه سال در اختیار داشته باشند. شرایط سنگین این وام و مخالفت روسها، تقاضای وام را مواجه با شکست ساخت و امین الدوله از صدارت مستعفی گردید (۱۳۱۶ ق، ۱۸۹۸ م) و مجدداً امین السلطان که روابط دوستانه‌ای با روسها داشت به صدارت انتخاب و ملقب به اتابک اعظم گردید. سرانجام تفوّق و برتری سیاست روسیه در ایران بالاجبار دولت را در مسئلهٔ استقراض به آنها متمایل ساخت. لازم به یادآوری است که خاطرات تلخ مردم از نفوذ نابجای دیپلماسی روس و انگلیس این تصور را به وجود

آورده بود که عزل و نصب امین‌الدوله و امین‌السلطان را نتیجهٔ رقابت سیاسی آن دو دولت و تمایل صدراعظمها به یکی از دو سیاست مذکور بدانند. امین‌السلطان که روابط حسنه‌ای با روسها داشت، برای گرفتن وام از روسها، با بانک استقراضی روس به مذاکره پرداخت و با همکاری میرزا رضاخان ارفع‌الدوله وزیرمختار ایران در روسیه، با وزیر خارجهٔ آن کشور (کنت موراویف) قراردادی به امضا رسید و وامی به مبلغ ۲۲,۵۰۰,۰۰۰ منات طلا[5] با بهرهٔ صدی پنج به مدت ۷۵ سال دریافت شد و در مقابل، عواید گمرکات کشور (به استثنای گمرکات جنوب) در گروی روسها گذاشته شد. دولت انگلیس هم به منظور وصول بقیهٔ غرامت امتیاز رژی از مخالفت با آن خودداری کرد.

از سال ۱۳۱٤ هـ (۱۸۹٦ م) که ادارهٔ امور گمرکات کشور به بلژیکی ها داده شد. ارتباط وام مذکور با ادارهٔ گمرک توسط بلژیکی ها آنها را زیر نفوذ و سلطهٔ روس درآورد و در نظر عده‌ای، مأمورین بلژیکی در زمرهٔ مأمورین روسیه به شمار می‌آمدند. روسها با استفاده از نفوذ و تسلط مالی خود در ایران به حمل و نقل دریایی در خلیج فارس پرداختند و امیدوار بودند با این روش از قدرت انحصاری انگلستان در خلیج فارس بکاهند.

مظفرالدین شاه پس از وصول مبلغ اولین وام به جای عمران و آبادی مملکت، به عنوان معالجه با جمعی از درباریان عازم اروپا و استفاده از آبهای معدنی فرانسه و آلمان گردید (۱۳۱۸ ق، ۱۹۰۰ م) و بغیر از کشور انگلستان ـ به علت بیماری ملکه ویکتوریا ـ مورد استقبال و پذیرایی اغلب دول اروپایی قرار گرفت و بعد از پنج ماه به ایران مراجعت کرد. در همین سفر حادثهٔ سوءقصد به جان شاه توسط یک آنارشیست[6] در پاریس روی داد که تهور و جسارت امین‌السلطان در این مورد آن را عقیم کرد و به همین مناسبت لقب اتابک اعظم یافت.

یک سال بعد به علت تشدید بیماری شاه و نیاز به معالجه در اروپا، مذاکرات اخذ دومین وام از روسیه آغاز گشت و قراردادی به مبلغ ۱۰ میلیون روبل[7] در تاریخ ۱۳۲۰ هـ (۱۹۰۲ م) در سن پطرزبورگ بسته شد.

روسها با پرداخت این وام به ایران، امتیاز ساختمان راه شوسهٔ جلفا به تبریز و تهران را به دست آوردند و عواید جاده‌های شمال ایران را وثیقهٔ باز پرداخت وام مذکور

۵. معادل ۲,۲۰۰,۰۰۰ لیرهٔ انگلیسی.
٦. سالسو
۷. معادل یک میلیون لیره.

قرار دادند. بعداً مبلغ این وام با وام اول یک کاسه گردید و دولت ایران می باید سالانه بابت هر دو وام‌مبلغ ۱,٦٧٠,٢٩٤ منات و ۲۰ کوپک به روسیه پرداخت نماید. علاوه بر آن امتیاز و انحصار استخراج معادن واقع در دو طرف راههای مذکور را نیز از مظفرالدین شاه گرفتند. این راهها از جهت تجارت روسیه با ایران حائز کمال اهمیت بود و تا اواسط جنگ جهانی اول و انقلاب اکتبر روسیه (۱۳۲٦ هـ، ۱۹۱۷ م) وصول راهداری و عوارض و نظارت بر عبور و مرور در آنها به دست روسها بود.

مظفرالدین شاه با دریافت مبلغ دومین وام، سفر دوم خود را به اروپا آغاز کرد (۱۳۲۰ ق، ۱۹۰۲ م). وی در تاریخ ۱۷ اوت ۱۹۰۲ وارد لندن شد و تمایل داشت مانند پدرش از دولت انگلستان نشان «بندجوراب»[۸] را دریافت نماید. ولی درگذشت ملکه ویکتوریا موجب گردید مراسم پذیرایی از مظفرالدین شاه بسادگی انجام شود و به جای نشان مذکور، تمثالی از ادوارد هفتم را در قاب الماس‌نشان به وی اهدا کنند. اما مظفرالدین شاه از قبول آن خودداری کرد و انگلستان را به خالت قهر و اعتراض ترک کرد و از طریق پاریس و ورشو و روسیه به ایران بازگشت.

در این موقع که نفوذ روسها در دربار ایران به منتهای درجه شدت یافته بود، آنها علاوه بر شرایط وام اول، تجدید نظر در مقررات بازرگانی و تعرفه های گمرکی موجود را تقاضا کردند که نرخ تعرفه های گمرکی به نفع دولت روسیه تغییر کند.

نوز بلژیکی هم به اشارهٔ روسها به سمت وزیر گمرکات منصوب شد و در کارهای خود استقلال کامل یافت. لذا در سایهٔ همکاری های نوز و امین السلطان و آرگروپولو[۹]، وزیرمختار روس، مذاکرات محرمانه ای در مورد قرارداد و تعرفهٔ جدید گمرک از سال ۱۳۲۰ ق (۱۹۰۲ م) آغاز و در سال ۱۳۲۱ ق (۱۹۰۳ م) به مرحلهٔ اجرا درآمد. این قرارداد که در تاریخ ۹ نوامبر ۱۹۰۱ بین دولتین امضا شده بود، بعد از عهدنامهٔ ترکمانچای بزرگترین لطمه را به استقلال ایران وارد آورد. به موجب این قرارداد، حقوق و عوارض گمرکی کالاهای روسی وارده به ایران که بر طبق معاهدات ترکمانچای صدی پنج بود، به صدی یک و نیم کاهش یافت و کالاهای عمدهٔ وارداتی ایران از روسیه (نظیر قند و شکر و نفت) تقریباً از پرداخت عوارض معاف شد

۸. از نشانهای قدیمی دولت بریتانیاست که از سال ۱۳٤۸ میلادی، زمان سلطنت ادوارد سوم و کنتس سالیسبوری، متداول گردیده بود و در ابتدا مخصوص شاه و ولیعهد و تعدادی از نجبای درجهٔ اول انگلستان بود. از سال ۱۸۰۵ این محدودیت برداشته شد و اعقاب جرج اول و جرج دوم نیز حق دریافت نشان را کسب کردند و طبق فرمانی مقرر گردید که هنگام لزوم، این نشان به شاهزادگان خارجی نیز اعطا شود.

9. Argeropoulo

و وابستگی اقتصادی ایران را به روسیه شدیدتر کرد.

این قرارداد و تعرفهٔ جدید گمرکی که برای روسیه یک موفقیت دیپلماتیک مهم به شمار می‌آمد، دولت بریتانیا را نگران نمود. لذا در صدد برآمدند تجارت خود را با ایران احیا و حمایت نمایند. بعد از امتیاز رویتر، همکاری‌های ماریوت[10]، نمایندهٔ دارسی با امین‌السلطان موجب بسته شدن قرارداد ۲۱ مه ۱۹۰۱ ایران و انگلیس شد که در نتیجهٔ آن امتیاز بهره‌برداری و استخراج نفت در سراسر ایران بغیر ایالات شمالی به مدت شصت سال به دارسی و نهایتاً به انگلستان واگذار گردید. لذا انگلیسی ها که می دانستند مظفرالدین شاه از عدم دریافت نشان «بندجوراب» رنجیده‌خاطر شده است، هیئتی را حامل نشان مزبور به ایران فرستادند و نشان و حمایل آن را تقدیم شاه نمودند و مذاکرات مسالمت‌آمیزی را برای دریافت امتیاز جدید، مشابه امتیاز روسها، دنبال نمودند. و سرانجام در تاریخ ۲۷ مه ۱۹۰۳ موفق به انعقاد قرارداد گمرکی جدیدی با ایران شدند و بدین‌وسیله تا حدی عقب‌ماندگی خود را در صحنهٔ سیاست ایران جبران نمودند.

این قرارداد که موجب نارضایی مردم و بروز اغتشاشاتی در شهرستانها شده بود، امین‌السلطان را مجبور به استعفا و خروج از ایران نمود (۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۱ هـ) و عبدالمجید میرزای عین‌الدوله را که مردی خشن و مستبد بود، جانشین وی کرد.

امین‌السلطان که از آغاز زمامداری تا واقعهٔ تنباکو از طرفداران سیاست انگلستان به شمار می‌آمد، بعد از موضوع تحریک تنباکو و شورش مردم متمایل به روسها شد و این دوستی را تا پایان عمر حفظ نمود. دوران صدارت و حکومت امین‌السلطان که با دادن امتیازات متعدد به روسها و انگلیسی ها همراه بود، یکی از بدترین دوره‌های تاریخ سیاست خارجی ایران به‌شمار می‌آید.

در حقیقت عوارض گمرکی سنگین و مالیاتهای راهداری، بدرفتاری مأموران بلژیکی با بازرگانان ایرانی، تبعیضات ناروا برای تجار اروپایی و تمایل و فعالیت به نفع سیاست روس، موجبات نارضایی عمومی، خصوصاً طبقهٔ بازرگانان ایرانی را از ادارهٔ گمرکات به وسیلهٔ مستشاران بلژیکی فراهم آورد. چنان که از سال ۱۳۲۲ هـ (۱۹۰۳ م) مخالفتهایی علیه تعرفه های جدید گمرکی به وجود آمد که روحانیون و سایر طبقات در آن دخالت داشتند، به طوری که آزادیخواهان در نقاط مختلف مملکت

10. Mariotte

انجمنهای سرّی بر پا کردند و شبنامه هایی علیه دولت و شاه انتشار دادند. در خارج از کشور هم آزادیخواهان با درج مقالاتی در روزنامه ها[11] مضرات و خطرات وامهای خارجی و قراردادهای ننگین را یادآور شدند و هیجانات شدیدی در افکار عمومی به وجود آوردند که سرانجام به مخالفت با رژیم استبدادی تبدیل شد.

در این زمان که اوضاع مملکت مغشوش و سیاستهای روس و انگلیس در رقابت و کشمکش با یکدیگر بود، گذشته از وضع خراب مالی کشور و وجود اغراض داخلی، خبر موحش بروز وبا در کرمانشاهان نیز اسباب وحشت عمومی را فراهم آورد. شروع جنگهای ژاپن و روسیه در شرق دور و شکست روسیه از ژاپن بر پریشانی اوضاع عمومی و اقتصادی ایران افزود و سیاست روسیه به نفع بریتانیا تعدیل شد. این شرایط جدید حیثیت و اعتبار از دست رفتهٔ انگلستان را مجدداً و بتدریج اعاده کرد و موجب برهم خوردن موازنهٔ سیاسی گردید.

سیاست دولت انگلیس که از اوایل قرن نوزدهم مبتنی بر حمایت از دولت عثمانی و عدم دستیابی روسها به بغازهای بُسفور و داردانل استوار بود، با جنگهای کریمه و کنگرهٔ برلن مشخص گردید و این سیاست تا مدتی امپراطوری بیمار عثمانی را حفظ کرد، ولی از سال ۱۸۹٤ به بعد دیدگاه انگلیسی ها نسبت به خاورمیانه تغییر یافت و فکر تقسیم این منطقه در ذهن آنان جایگزین شد.

آلمانی ها هم که در اواخر قرن نوزدهم به اهمیت خاورمیانه و فکر تقسیم آن به وسیلهٔ انگلیسی ها پی برده بودند، جهت نفوذ در منطقه و رقابت با روس و انگلیس، دوستی با امپراطوری عثمانی را آغاز کردند و موفق به انعقاد قرارداد اتحاد نظامی و تحصیل امتیازات سیاسی و اقتصادی با آنها گردیدند. به موازات این تلاشها، نمایندگان سیاسی و اقتصادی آلمان متوجه ایران شدند و به علت مخالفت میهن پرستان ایرانی با سیاستهای روس و انگلیس، از موقعیت ممتازی برخوردار شدند. آنها توانستند نمایندگی هایی در بنادر لنگه و بوشهر تأسیس نمایند و خط کشتیرانی هامبورگ و خلیج فارس را دایر نمایند. بسط نفوذ آلمان در خاورمیانه روسها و انگلیسی ها را به وحشت انداخت، به طوری که آنها برای تحکیم موقعیت خود در ایالات شمالی و جنوبی به اعزام نیروی قزاق (در ایالات شمالی) و پلیس جنوب (در ایالات جنوبی ایران) دست زدند. همچنین مسافرت لرد کرزن[12] نایب السلطنهٔ هند به خلیج فارس

۱۱. روزنامهٔ **حبل المتین** به مدیریت جلال الدین کاشانی در کلکته، روزنامهٔ **ثریا** به مدیریت سیدفرج الله کاشانی و سردبیری علی محمدخان پرورش در مصر و روزنامهٔ **قانون** که میرزاملکم خان در لندن منتشر می‌کرد.

12. Curzon

(۱۹۰۳ م) به همراه ناوگان جنگی انگلیس و آمدن هیئت بازرگانی انگلستان به ایالات جنوبی ایران برای تقویت موقعیت تجاری و تأسیس کنسولگری های جدید به منظور جلوگیری از نفوذ روزافزون آلمانی ها صورت گرفت.

روسها هم که از نفوذ آلمانی ها در خاورمیانه بیمناک بودند، اقدامات مشابهی جهت تثبیت موقعیت خود در ایالات شمالی ایران نمودند. به عبارت دیگر ترس از نفوذ آلمان موجبات نزدیکی دوبارهٔ سیاستهای روس و انگلیس در خاورمیانه و ایران گردید و دوستی و تفاهم دو دولت رقیب، به اختلافات آسیایی آنها در مقابل دشمن مشترک خاتمه داد.

در این شرایط نامساعد، شاه برای سومین بار و به بهانهٔ کسالت مزاج و معالجه راهی سفر اروپا می شود (۲ ربیع الاول ۱۳۲۳ هـ، ۵ مه ۱۹۰۵ م). هرچند عین الدوله به علت اختلال امور داخلی کشور و اغتشاشات روسیه و نپذیرفتن سفر رسمی شاه از سوی دول اروپایی مانع این کار می شود، مقبول واقع نگردیده و شاه به طور غیررسمی سفر خود را آغاز می‌کند. محمدعلی میرزا ولیعهد نیز که به عنوان نایب السلطنه با اختیارات تام منصوب شده، در غیاب پدر به ظلم و تعدی به مردم می پردازد.

بعد از شکست فاحش دولت روسیه در برابر ژاپن (۱۳۲۳ ق، ۱۹۰۵ م) اقدامات ضداستبدادی توسط محصلین و جوانان این کشور علیه دولت آغاز شده و کار انقلاب بالا می‌گیرد. وقوع چنین حوادثی در همسایگی ایران، در تغییر افکار مردم و ترس آنها از دولت مؤثر می شود و انتقاد از دولت و لزوم قانون در سرنوشت مردم مورد بحث قرار می‌گیرد.

بعد از عزل امین السلطان و روی کار آمدن عبدالمجید میرزای عین الدوله، روحانیون دولت وی را مورد انتقاد شدید قرار می دهند، به طوری که در ماه محرم و عاشورای حسینی مردم و روحانیون با به دست آوردن عکسی از نوز بلژیکی در لباس روحانی، آن را توهین به اسلام تلقی نموده و علیه دولت وارد مبارزه می شوند. در این هنگام، مقارن بازگشت شاه از سفر، عده‌ای در صدد خلع عین الدوله از صدارت برمی آیند، ولی عین الدوله با روانه کردن نوز و خانوادهٔ او به فرنگ، بهانه را از دست مخالفان می‌گیرد. در این زمان یکی از وعاظ معروف تهران به نام سیدجمال الدین صدرالمحققین اصفهانی با کمال تهور و بی باکی در ماه رمضان با گفتن مطالب سیاسی از دولت و رجال آن انتقاد می‌کند. خبرهایی نیز از ظلم و تعدی حکام ولایات به تهران می رسد که مزید بر علت شده، روحانیون و مردم مخالف را جرئت بیشتری می بخشد.

بر اثر سیاست اتابک اعظم و یاران او، تخم دشمنی و نفاق در میان اکثر طبقات ایران پاشیده شده بود و از سیاستمداران وطن‌پرست جز عدهٔ قلیلی نمانده بودند که به عینه زوال و انحطاط کشور را مشاهده می‌کردند. طبقهٔ روحانی نیز احساس می‌کرد که قدرت و آزادی خود را از دست داده و قشر عظیم مردم و طبقهٔ تاجر و بازرگانان نیز هر روز قربانی ظلم و جور عُمّال دولتی می شدند. در چنین اوضاع و احوال داخلی، انقلاب روسیه، گرانی قند، سفرهای پرهزینه و بیهودهٔ شاه، و مالیاتها و عوارض جدید برای جبران این هزینه‌ها باعث شد مردم عین‌الدوله را مسئول فساد و ظلم و جور کشور بدانند و از طرف دیگر محمدعلی میرزا که تصور می‌کرد عین‌الدوله نقشهٔ جانشینی شعاع‌السلطنه را در سر می پروراند، به پشتیبانی از مردم پرداخت. هواخواهان اتابک اعظم نیز که تبعید شده بودند با کمک مالی از این جنبش حمایت می‌کردند. انگلیسی ها نیز که از سیاست یکجانبه و نفوذ بی حدّ روسها در ایران ناراضی بودند، با آزادیخواهان خارج کشور دست به دست هم داده، به تشدید حس تنفّر مردم نسبت به حکومت استبدادی کمک می‌کردند. آنها عقیده داشتند که زمان تغییر اوضاع ایران نزدیک شده و باید دولت از دست عمال ایرانی طرفدار روسیه خارج شود.

در سال ۱۳۲۳ هـ. ق (۱۹۰۵ م) بر اثر سوء سیاست دولت در مورد چند نفر از بازرگانان و رویدادهای ناگوار دیگر در شهرستانها، اغتشاشاتی در تهران بروز می‌کند و یکی از ملّیون توسط دولت به قتل می رسد. این اتفاق موجب اتحاد روحانیون و بازرگانان علیه شاه و مستشاران بلژیکی می‌گردد. عده‌ای از روحانیون معروف و بازرگانان سرشناس در حرم حضرت عبدالعظیم متحصّن می شوند و تقاضای خود را مبنی بر عزل نوز و ایجاد عدالتخانه توسط سفیر عثمانی به اطلاع شاه می رسانند. این جریان که نقطهٔ آغاز انقلاب مشروطه به شمار می آید، سرانجام شاه را تسلیم مردم می‌کند و با صدور فرمانی مبنی بر تأسیس عدالتخانه و عزل عین‌الدوله، مرحلهٔ اول مبارزه به نفع مردم خاتمه می یابد (ذیقعدهٔ ۱۳۲۳ هـ).

گفتنی است که سلطنت طولانی ناصرالدین شاه و سلطه گرایی قاجاریه در این عصر با برانگیختن احساس نارضایی مردم زمینه‌های انقلاب را در جامعهٔ روشنفکران و تجددطلبان پرورش داد. هرچند این نیروهای انقلابی در دورهٔ ناصرالدین شاه سرکوب گردیدند، اما این سیاست موجب تحریک آنها در رسیدن به دیدگاههایشان گردید. لغو امتیازنامهٔ تنباکو در سال ۱۳۰۸ هـ (۱۸۹۲ م) راه را برای انقلابیون هموارتر و جرئت و جسارت مردم را بیشتر نمود، به طوری که آخرین

تلاشهای شاه برای آگاهی یافتن از قضایا وحل و فصل آنها بی‌نتیجه ماند. اگرچه برخی معتقدند که ناصرالدین شاه اصالتاً خواهان ترقی و تعالی کشور و اصلاحات بود، لیکن وی نمی‌توانست خود را با روحیات مردم هماهنگ و سازگار سازد. به همین دلیل او به عنوان یک پادشاه مستبد باقی ماند و علاقهٔ مجدد شاه به انجام اصلاحات سیاسی مؤثر نیفتاد و قتل وی به همهٔ این تلاشهای نادرست در جهت بقای حکومت قاجاریه خاتمه داد.

غیر از طبقات روحانی و روشنفکر، در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه طبقهٔ جدید اشراف که بر اثر بهره‌مندی از زمین و تجارت خارجی ثروتمند شده بودند و خوانین و رؤسای قبایل و ایلات و عشایر نیز در سایهٔ تماس با خارجیان بر اهمیت خود آگاهی یافته و طبقهٔ جدیدی را تشکیل می دادند که اساس منافعشان مخالفت با لیبرالیسم بود. حیات این گروه که در آستانهٔ انقلاب مشروطیت موجودیتشان شکل گرفته بود، تا اواخر دورهٔ قاجاریه و بعد از آن نیز تداوم یافت.

شاه که به علت توصیهٔ مشاورانی این‌چنین، شرط دوام و بقای سلطنت را در آن می دید که به وعده‌های خود عمل نکند، در صدد بود به گونه‌ای آثار و بسط دموکراسی را از میان ببرد و قدرت و خودکامگی خویش را حفظ نماید. این شیوهٔ فکری در نظام استبدادی نیز به نفع درباریان سودجو بود. لذا عمل نشدن به وعدهٔ تأسیس عدالتخانه، مردم را به دومین تحصّن علیه شاه وادار نمود. اصلاح‌طلبان و روشنفکران در سفارت انگلیس و روحانیون با همراهی و استقبال مردم به قم مهاجرت کردند. هرچند انگلیسی ها از مشروطه‌خواهان جانبداری می‌کردند، ولی روسها به وسیلهٔ عُمّال خویش با این امر مخالفت و شاه را به مقاومت تشویق می‌نمودند. لیکن مظفرالدین شاه که فردی صلح‌طلب بود و از انقلاب وحشت داشت، سرانجام در تاریخ ۲٤ جمادی‌الثانی ۱۳۲٤ هجری قمری (۵ اوت ۱۹۰٦ م) فرمان مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملّی را صادر و عین‌الدوله را از صدارت خلع و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله را جانشین وی کرد. مجلس در تاریخ ۲۰ رجب ۱۳۲٤ جهت تهیهٔ نظامنامهٔ انتخابات تشکیل گردید و اولین قانون انتخابات مجلس تهیه و تنظیم شد. هرچند این قانون نواقصی داشت، ولی به عنوان اولین تلاش در نوع خود حائز اهمیت فراوان بود. اولین جلسهٔ مجلس شورای ملّی (مجلس اوّل) در تاریخ ۱۸ شعبان ۱۳۲٤ با حضور شاه در کاخ گلستان تشکیل شد و مظفرالدین شاه بعد از امضای قانون اساسی، در تاریخ ۱۹ ذیقعدهٔ ۱۳۲٤ درگذشت.

سر آرتور هاردینگ ، وزیرمختار انگلیس در تهران، راجع به مظفرالدین شاه در

کتاب خود به نام یک دیپلمات در شرق می نویسد: «شاه که از لحاظ فکر کودک سالخورده‌ای بیش نبود، از لحاظ استقامت مزاج چون نایی شکسته، نحیف و ناتوان شده بود.»

در زمان این پادشاه، قسمتهایی از ایران رسماً منتزع گردید: هیرمند در قرارداد سرحدی سیستان و افغانستان، جزیرهٔ بحرین و برخی از نواحی بلوچستان؛ و نیز تجاوزات سرحدّی به وسیلهٔ عثمانی ها به وقوع پیوست

دولتهای روس و انگلیس، چنان که قبلاً اشاره شد، از زمان فتحعلی شاه تا اواسط دوران ناصرالدین شاه با عقد قراردادهای ترکمانچای و پاریس علاوه بر محاصره نظامی ایران، در میدان رقابت اقتصادی نیز با رخنهٔ سیاسی در امور داخلی به کسب امتیازات اقتصادی نایل آمدند. در دورهٔ مظفرالدین شاه نیز با استفاده از ساده‌لوحی و ضعف شاه، به دست میرزا علی اصغر خان امین السلطان و دیگر ایادی خود، به تجدید و تمدید قراردادهای گذشته پرداختند و با کسب امتیازات جدید و در دست داشتن امور گمرکی، این محاصرهٔ اقتصادی را تکمیل نمودند. مهمترین امتیازاتی که در این دوره به خارجیان واگذار گردید، به شرح زیر است:

۱. امتیاز راه انزلی به قزوین توسط روسها (شرکت بیمه حمل و نقل) بعد از سال ۱۳۱۰ هجری قمری؛ که در سال ۱۳۱۵ هجری قمری حدود این امتیاز توسعه یافت و روسها امتیاز ساختن راه شوسهٔ تهران به همدان از طریق قزوین را هم کسب کردند و به همراه آن، امتیاز و انحصار استخراج معادن داخلی در دو طرف راههای مذکور را نیز از شاه گرفتند. این راهها در تجارت روسیه با ایران حائز کمال اهمیت بود و تا اواسط جنگ جهانی اول و انقلاب اکتبر روسیه، نظارت بر عبور و مرور و وصول عوارض راهداری در آنها به وسیلهٔ روسها انجام می‌گرفت.

۲. در سال ۱۳۱٦ ق (۱۸۹۸ م) امتیاز استخراج معادن قراجه داغ آذربایجان نیز به یک شرکت روسی واگذار شد که منطقهٔ امتیاز در امتداد رودخانهٔ ارس از شمال آذربایجان تا نواحی مرند و اهر در جنوب ادامه می‌یافت و کلیهٔ منابع تحت‌الاراضی را به استثنای فلزات قیمتی و نمک خوراکی شامل می‌گردید.

۳. امتیاز شیلات و انحصار صید ماهی در آبهای ایران و دریای خزر که از زمان ناصرالدین شاه به برادران لیانازوف واگذار شده بود، در این دوره تجدید و تمدید گردید.

٤. امتیاز کاوشهای علمی و تاریخی در سالهای ۱۵-۱۳۱٤ هجری قمری برای ابد و به مدت نامحدود توسط دولت فرانسه از مظفرالدین شاه گرفته شد. این

امتیاز قبلاً در زمان ناصرالدین شاه به دیولافوآی فرانسوی داده شده بود که بر طبق آن بجز منطقهٔ شوش، منافع سایر نقاط بالمناصفه تقسیم می شد، لیکن منافع حفریات شوش کلاً عاید کشور فرانسه می‌گردید. بعد از این امتیاز، هیئت باستان‌شناس فرانسوی به نام ژاک دومورگان[13] از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰ هجری قمری کار را در تپه‌های شوش آغاز و آثار باستانی مکشوفه را به موزهٔ لوور فرانسه منتقل کردند.

۵. امتیاز خطوط تلگرافی بین تهران و سرحدّ بلوچستان در تاریخ ربیع‌الثانی ۱۳۱۹ مطابق با شانزدهم اوت ۱۹۰۱ به انگلیسی ها داده شد. بدین‌وسیله تهران از طریق کاشان و یزد و کرمان به مرز هند مربوط می شد. این خطوط تلگراف دارای سه سیم بود، یکی برای استفادهٔ داخلی و دو خط دیگر برای مخابرات بین‌المللی هند و اروپا که در دست انگلیسی ها بود. انگلستان قبلاً امتیاز خطوط تلگرافی عمدهٔ جنوب ایران و انحصار کابل زیردریایی بوشهر و جاسک را برای ارتباط پایگاههای دریایی خود در خلیج فارس و دریای عمان از ناصرالدین شاه کسب کرده بود و با گرفتن این امتیاز، شبکهٔ ارتباطی خود را در جنوب شرقی ایران با بلوچستان انگلیس و هند تکمیل می نمود.

۶. تجدید امتیاز راه‌آهن روسها و امتیاز بانک آلمان[14] و امتیاز نفت که قبلاً به آن اشاره گردید نیز مربوط به این دوره است. گذشته از همهٔ اینها، مسئلهٔ استقراضهای خارجی به تنهایی برای اضمحلال اوضاع اقتصادی ایران و سلطنت مظفرالدین شاه کافی بود.

*

ایرانیان که از زمان صفویه استقلال و مرکزیّت استوار کشور خویش را مدیون دین مبین اسلام‌ومذهب تشیّع بودند، نمی توانستند از علایق و مظاهر پیوندهای درونی و مذهبی خویش که همان توجه به قوانین و فرامین اسلامی و تحکیم مبانی آن و زیارت اماکن مقدسّ بوده است، چشم‌پوشی نمایند. لذا همواره در راه اعتقادات دینی و مذهبی و جانبداری از خاندان رسالت و امامت می‌کوشیده‌اند و این کوشش علاوه بر پیمودن طریقت اصلی اسلام، شامل بجا آوردن مناسک حج به عنوان یک فریضهٔ الهی و حرمت نسبت به مشاهد و قبور ائمهٔ هدیٰ و زنده نگه‌داشتن یاد و خاطرهٔ آنها به عناوین مختلف و بویژه زنده نگه‌داشتن عاشورای حسینی بوده است. لذا تعارضی مستمر از طرف مخالفان بعضاً و از جانب حکام و مأمورین دولت عثمانی عموماً علیه

13. Jacques de Morgan

۱۴. این امتیاز در دورهٔ مشروطه و بعد از مرگ مظفرالدین شاه در سال ۱۳۲۵ قمری داده شد.

زوار ایرانی وجود داشت. در بررسی اجمالی و تاریخی اسناد، متوجه دو نکتهٔ مهم خواهیم شد: اول توجه شدید مسلمین ایران به نکات فوق‌الذکر و دوم تعدیات و فشارهای وارد بر آنها از سوی عمال حکومتهای عثمانی که زوار ایرانی را با مشکلات و مضیقه‌هایی روبه‌رو می‌ساختند.

جدیّت دیگر مسلمین ایران معطوف به حفظ و حراست مشاهد مقدس ائمهٔ اطهار(ع) و خاندان پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌شده است. با وجودی که آنها در این راه از بذل جان و مال دریغ نمی‌کردند، اما تعارضات سیاسی و اعتقادی سران حاکم بر اراضی و اماکن مقدس و دخالتهای سیاست بیگانه موجب می‌گردید تا موانع بسیاری در راه اجرای مقاصد مسلمین ایران به وجود آید.

از بررسی اسناد تاریخ سیاسی قرون معاصر ایران همچنین استنباط می‌شود که با توجه به عدم کفایت و درایت بعضی از زمامداران دورهٔ قاجاریه و نفوذ سیاستهای بیگانه، رمز بقا و دوام نسبی حکومت قاجاریان تا حدودی مدیون توجه و رعایت شئون مذهبی بوده باشد.

بدیهی است که تاریخ روابط ایران و عثمانی، به علل برخورداری دولتین از موقعیت خاص استراتژیک و تجاری در مربوط ساختن سه قارهٔ قدیم و اعمال نظر سیاستهای استعماری اهمیت ویژه‌ای داشته است و دو ملت همسایهٔ ایران و عثمانی طیّ اختلافات و جنگهای ویرانگر گذشته، بهای سنگینی پرداخته‌اند. از طرفی درهم‌آمیختگی فرهنگی و اجتماعی و وجود مرزهای مشترک طولانی با ایلات و عشایر مرزنشین نیز طبیعتاً اسباب مراودات و تعارضات مختلف دیگری می‌شده که دولتین را ملزم به ایجاد نمایندگی‌های متعدد در مراکز مذهبی و اقتصادی یکدیگر می‌کرده است که به حلّ و فصل حقوق اتباع خویش اقدام نمایند. گفتنی است که شکل مناسبات، تعارض قوانین و شخصیت مجریان حکومتی، از عوامل مهم و مؤثر در ایجاد تسهیلات یا مشکلات برای اتباع طرفین به شمار می‌آمده است.

*

واحد نشر اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران که طبق مادهٔ واحدهٔ مصوب مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامهٔ اجرایی هیئت دولت به وجود آمده، مفتخر است که با یاری خداوند بزرگ و راهنمایی‌های ارزندهٔ شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد، پنجمین جلد کتاب **گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی** را در دورهٔ قاجاریه مشتمل بر ۱۸۹ سند تاریخی بین سالهای ۱۳۲٤-۱۳۱۳ هـ. ق (زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار) به شرح فصول ذیل

تقدیم خوانندگان و پژوهشگران گرامی نماید. امید است که خوانندگان ضمن یادآوری لغزشها، نظریات و پیشنهادهای ارزندهٔ خود را مطرح فرمایند تا مورد استفاده قرار گیرد.

فصل اول حاوی ٤٤ فقره سند تاریخی است، مشتمل بر حقوق اتباع ایران در زمینه های حج و زیارت، توجه به اماکن و مشاهد مقدس ائمة الطاهرین علیه السلام، گزارشهای نمایندگان سیاسی طرفین و بالأخره تعارضات و تسهیلات جاریه.

فصل دوم شامل اسنادی است از روابط دیپلماتیک و انجام تشریفات مختلف متقابل دولتین و نمایندگان سیاسی آنها، به انضمام گزارشهای مربوط که در ٣٦ فقره سند تاریخی ارائه شده است.

فصل سوم امور اداری و کنسولی نمایندگی های دولتین را با ٥٨ سند تاریخی مبنی بر عزل و نصب مأموران، گزارشهای داخلی و خارجی، دستورالعملهای مربوط و وقایع سرحدی نشان می دهد.

فصل چهارم شامل نمونه هایی از اسناد حقوقی و اقتصادی اتباع دولتین است؛ از قبیل: اقامت، تابعیّت، مالکیّت، تجارت، مالیات، گمرک، ازدواج، قرعهٔ عسکریه، پناهندگی، زراعت و چادرنشینی، مسائل قضائی و محاکمات و سایر مسائل تبعی که در ٥١ فقره سند تاریخی گردآوری شده است.

تهیه و تنظیم این کتاب نتیجهٔ کوشش و همکاری افراد زیر است:

١. آقای محمدحسن کاووسی عراقی عضو شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد و سرپرست واحد نشر اسناد که کارهای برنامه ریزی و مراحل مختلف تحقیق و بازخوانی و تقریر و تنظیم و تدوین کتاب را عهده دار بوده اند.

٢. آقای امیرحسین اکبر که در کارهای کپی برداری و سندخوانی با علاقه مندی اقدام نموده اند.

٣. خانم فریبا شعبانی نصر که کار کنترل و هماهنگی را برعهده داشته اند.

٤. خانم سیما سیف که کارهای تایپی کتاب را با جدیّت انجام داده اند.

ومن الله التوفیق و علیه التکلان

واحد نشر اسناد

شهریور ١٣٧٠

فصل ۱

امور اتباع ــ مسائل زوّار

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

شمارهٔ سند: ۸۲۹
موضوع: راهنمایی حجاج و زایرین
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۱۵ هـ.ق)
کارتن: ۳۰
پرونده: ۱٤/ق

اعلان کارپردازی ایران در بغداد

اعلان

خدمت تمام حاجیان گرام و زایرین بیت‌الله الحرام تبعهٔ دولت علیهٔ ایران، خلدالله ملکه و سلطنته، رسماً اطلاع و اعلام داده می‌شود نظر به چند فقره عرض‌حال زائرین محترم که در سنهٔ ماضیه به بیت‌الله الحرام مشرّف شده بودند از حمله‌داران و عکام به آنها تعدی و بی‌اعتدالی زیاد شده چنان که بعضی از حمله‌داران در وسط راه حاجیان حمل خود را گذاشته و فرار کرده‌اند، بعضی به قراردادی که اول داده‌اند ایستاده در بین راه پول اضافه گرفته‌اند، بعضی از حاجی پولی قرض کرده و نداده‌اند، بعضی از حاج و حمله‌داران از عدم همراهی امیر حاج و ناخدمتی عکام خدمت علمای اعلام کثرالله امثالهم تشکی نموده بودند. این اقل چاکران شاهنشاه ارواحنافداه برای رفع این بی‌اعتدالی و ان‌شاءالله آسایش و امنیت حاج با امیر مرحوم جبل مکاتبه نموده، امیر مرحوم نیز متقبل شده بود که ان‌شاءالله در هذه‌السنه بیش از سنوات ماضیه در آسایش حاج اهتمام نماید بعد از فوت مرحوم محمدرشید جناب جلالت‌مآب عبدالعزیز رشید، برادرزادهٔ آن مرحوم، که به جای عم گرامی خود به امارت جبل مستقر شد او نیز به موجب مکتوبی که از لحاظ علمای اعلام سلمکم‌الله تعالی گذشت تهد [تعهد] نموده بود که امیر حاج بیاید و جمیع شروطی که سابقاً مرحوم مغفور جناب شیخ عبدالحسین مجتهد طاب‌الله ثراه قرار داده و حضرت مستطاب اجل امجد اکرم حاجی میرزا محسن خان مشیرالدوله، وزیر امور خارجه، در ایام سفارت خود در اسلامبول به کارگزاری بغداد حکم اجری داده بودند متهد [متعهد] شود و ورقهٔ فصول قرارنامه را مهر نموده حاج را ان‌شاءالله در کمال امنیت ببرد. برای حاجیان معظم که از راه شام و دریا می‌روند قرار چنین داده شد که به میل خودشان هر حمله‌داری می‌خواهند بگیرند، ولی قرارداد ایشان با

حمله‌دارها باید در کار پردازخانه اول دولت علیه ثبت و مهر شود و حمله‌دار اطمینان و کفیل بدهد که در راه حاجی خود را نگذارد یا مطالبهٔ وجه اضافه بر قرارداد بکند، پس بر جملهٔ حاجیان محترم لازم است که قراردادهای حمله‌داران خود را به ثبت و مهر کار پردازخانهٔ مبارکه برسانند. حاجیان راه شام تماماً ان‌شاءالله تعالی در روز حرکت بیرون کاظمین علیه‌السلام چادر خواهند زد، از جانب کار پردازی با کمال احترام مشایعت خواهند شد و از جانب کارگزاران ولایت جلیله بغداد امر تامّه و سوار ضبطیه داده خواهد شد که همه جا ان‌شاءالله در کمال امنیت و احترام در ظل مراهم [مراحم] سلاطین عظیم‌الشأن اسلام خلدالله ملکهما به آسودگی و شأن بروند و مراجعت نمایند. حاجیان راه جبل نیز در کمال احترام در بیرون نجف اشرف جمع می‌شوند با امیر حاج و از جانب کار پردازی کمال احترام مرعی می‌شود ان‌شاءالله به خوشی می‌روند و معاودت می‌نمایند. حاجیان که از راه دریا می‌روند هرگاه تذکرهٔ مرور دارند بایند [باید] بیاورند کار پردازخانه دیده و ملاحظه شود، هرگاه ندارند باید تذکره بگیرند و الا در کشتی و عبور از خاک دول همجوار برای ایشان اسباب زحمت خواهد بود و دو سه برابر قیمت تذکره از آنها گرفته خواهد شد. محض آسودگی حال حاجیان محترم تحریر و اطلاع داده شد هرگاه یک نفر از حاجیان محترم این شروط را اجری ندارند هر صدمه خدای نخواسته به او برسد به عهدهٔ خودش خواهد بود.

کار پرداز اول دولت علیهٔ ایران در بغداد ــ والی مشاورالسلطان

اعلان

خدمت تمام حاجیان کرام و زائرین بیت الله الحرام تبعهٔ دولت علیه
ایران خلد الله ملکه و سلطنته رسماً اطلاع و اعلام داده میشود نظر بچند فقره عرض حال
مخره که در سنهٔ ماضیه بدیت الله الحرام مشرف شده بودند از حمله داران و عکام بانها تعدی
و تعدی اعتدالی زیاده شده چنانکه بعضی از حمله داران در وسط راه حاجیان حمل خود را کذاشته و قرار
کرده اند بعضی تقرار داد بکه اول داده اند ابتداده در بین راه پول اضافه کرفته اند بعضی از حاجی
پولی قرض کرده و نداده اند بعضی از حاج و حمله داران از عدم همراهی امیر حاج و ناخذ متی عکام
خدمت علمای اعلام کتبا اسما لهم تشکی نموده بودند این اقل چاکران شاهنشاه ارواحنا فداه
برای رفع این تعدی اعتدالی و انشاء الله السابق و امنیت حاج با امیر مرحوم دخل مکاتبه نموده امیر مرحوم متوجه
شده بود که انشاء الله در هذه السنه بیش از هسنوات ماضیه در آسایش حاج اقدام نماید بعد از فوت مرحوم محمد
رشید خان جلالتمآب عبد العزیز رشید برادرزادهٔ امرحوم که بجای عم کرامی خود تا مارت دخل مستقر شده او نیز
بموجب مکتوبی که از لحاظ علمای اعلام سلمهم الله تعالی کذشت تعهد نموده بود که امیر حاج بیاید و جمیع
شروطیکه سابقا مرحوم معفور جناب شیخ عبد الحسین مجتهد طاب الله ثراه قرار داده و حضرت مستطاب
اجل امجد اکرم حاجی امیرزا محسن خان مشیر الدوله وزیر امور خارجه در ایام سفارت خود در اسلامبول
بکار کذار دولت علیه ایران بعد از حکم اجری داده بودند متعهد میشود و ورقهٔ فصول قرارنامه را امضا نموده حاج را انشاء الله
در کمال امنیت ببرد برای حاجیان معظم که از راه شام و دریا میروند قرار چنین داده شد که بمیل خود شان
هر یک را میخواهند بکیرند ولی قرار داد اینان با حمله داران ها باید در کار پرداز خانهٔ اول دولت
علیه ثبت و مهر شود و حمله دار اطمینان و کفیل بدهد که در راه حاجی خود را بکذارد یا مطالبهٔ وجه اضافه
بر قرار داد بکند پس بر حمله حاجیان محترم لازم است که قرار دادهای حمله داران خود را به ثبت و مهر کار پردازی
خانهٔ مبارکه برسانند حاجیان راه شام تماما انشاء الله تعالی در رفت و برکشت بیرون کاظمین علیه السلام
چادر خواهند زد از جانب کار پردازی با کمال احترام مشایعت خواهند شد و از جانب کار کذار ولایت جلیلهٔ بغداد
سوار و ضابط داده خواهد شد که همه جا انشاء الله در کمال امنیت و احترام
در ظل مراحم سلاطین عظیم الشان اسلام خلد الله ملکهما باسودکی و شان بروند و مراجعت نمایند
حاجیان محترم اهل هند در کمال احترام در اسیون مخصوص اشرف جمع میشوند با امیر حاج و از جانب
کار پردازی کمال احترام مرعی میشود انشاء الله بخوشی میروند و معاودت مینمایند حاجیان که از
راه دریا میروند هرکاه تذکره مرور دارند باید بیاورند کار پردازخانه مزبوره ملاحظه شود
هرکاه تذکار ندارند باید تذکره بکیرند والا در کشتی و عبور از خاک دول همجوار برای ایشان اسباب زحمت
خواهد بود دو سه برابر قیمهٔ تذکره از اینها کرفته خواهد شد محض اسودکی حال حاجیان محترم
تحریر و اطلاع داده شد هرکاه یکنفر از حاجیان محترم این شروط را اجری ندارد هرکز عهده
عذای نخواسته با و برسد بعهدهٔ خود شان خواهد بود

کار پردازی دولت علیه ایران در بغداد
والی متاورالسلطان

شمارهٔ سند: ۸۳۰
موضوع: منع بازدید وسایل زوار در گمرک
نمره: ۲۷
تاریخ: ۷ جمادی‌الاخر ۱۳۱۵ هـ . ق
کارتن: ۳۰
پرونده: ۱۴/ق

نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه

یکی از ذلتهای بزرگ زوار ایرانی این بود که وقت ورود در خانقین اشیا و اموال آنها را گمرک کرده، نوشته به دست آنها می‌دادند، مع‌ذالک باز در قزلرباط و شهربان به اسم معاینه که مبادا چیزی از گمرک گریزانده باشند حین ورود جلو آنها را گرفته باروبنه را بر روی هم ریخته حتی جوف کجاوه‌ها و بقچه‌های لباس زنانه و مردانهٔ آنها را معاینه می‌کردند و این فقره زحمت بسیار بزرگی برای زوار و اسباب افتضاح بود، یک مرتبه هم در ورود کاظمین در سرجسر معظم معاینه می‌کردند، فدوی در این چند روزه کاری که کرد عجالتاً معاینهٔ قزلرباط و شهربان را بعد از مذاکرات و زحمات بسیار موقوف داشت و حالا در گفتگوهای رفع معاینه جسر است، ان‌شاءالله از یمن اقبال بیزوال همایونی اروحنافداه این فقره را هم موقوف داشته نتیجه را به عرض خواهد رسانید، الامرالاجل الاعظم العالی مطاع.

در این مسئله که خیلی عمده است برای زوار به مرحمت حضرت‌عالی اسبابها فراهم آورده حتی مشیر پاشا را به جان والی انداختم تا حالا دو روز است خودش با چاکر همراهی و شریک شده با مدیر گمرک در گفتگو و مذاکره هستیم و به عون‌الله تعالی به اقبال بی‌همال همایونی در این مسئله قراری خواهم داد که ابدالدهر عابرین دعاگوی وجود همایون شاهنشاهی و حضرت اجل عالی باشند همین قدر عرض کنم پیش ببرم خدمت بزرگی است. چاکر صورت عهدنامه تجارتی و مقاولات که در باب گمرک شده ندارم و بسیار لازم است بفرمایید بفرستند. الامرالعالی مطاع. فدوی علی‌نقی

[حاشیه، دستخط و امضای مظفرالدین شاه:] «بسیار خوب تمجیدات نمایند.»

CONSULAT GÉNÉRAL DE SA M.I.
LE CHAHINCHAH DE PERSE
à Bagdad
No.

قونسول ژنرال دولت علیه شاهنشاهی ایران
مقیم بغداد نمره ۳۴ تاریخ ۱۵ شهر جمادی الاخری ۱۳۱۵

[illegible] آنها
یک از زنهای بزرگ زوار ایرانی این بود که وقت ورود در حقیقین اشیاء و اموال آنها را کمرک کرده، شیشه بدین
میدادند معذالک بار در قرنطینه و شهربان بهیچ معاینه در مبادا چیزی را کمرک گیرند، بهیچ وجه آنها را
گرفته بار و بنه را بر روی هم ریخته حتی حرف کجاوه ها و بقچه های لباس زنانه و مردانه آنها را معاینه میکردند و بیچاره زنهای بزرگ
برای زوار وسایل افتضاح بود یکدسته هم در ورود کاظمین در هر جبر معظم معاینه میکردند فردی در این چند روزه کاری را کرده
معاینه قرنطینه و شهربان را بعد از مذاکرات و زحمات بسیار موقوف داشته و حالا در گمرکی رفع معاینه جبر آنها را
از مین [illegible] نموده اند خواهر و زنهای بیچاره انفقره را هم موقوف داشته فقط را بعرض خواهر زنهای معظم له رسانیدم
در اینمسئله که خیلی عمده است برای زوار در بمرحمت حضرت عالی اینها
فراهم آورده حتی میرباشا را سجان والی اخذ اختم تا حالا هر روز
خودش یا چاکر همراه دشر میشده یا بدیر کمرک در گمرکخانه اگره
هستیم و بعون الله تعالی با جناب سهام السلطنه در این مسئله قرار
خواهم داد که ابد الدهر عابرین و ممالک وجود همایون شاهنشاهی
و حضرت اجل عالی باشند همینقدر عرض کنم پیش بیرم خدمت
چاکر صورت عهدنامه تجارتی و قنسولات که در باب گمرک
شده ندارم و لسار لازم است بفرستند الدر الکاتبه
[illegible]

شمارهٔ سند: ۸۳۱
موضوع: بدرفتاری عثمانی ها با زوار ایرانی
نمره: ۲۵
تاریخ: غرهٔ رجب ۱۳۱۶ هـ. ق
کارتن: ۳۵
پرونده: —

نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه

چندی است شرارت و قتل و نهب در این طرفها زیاد شده است با اینکه عثمانی ها از هر زوّاری یک تومان وجه امضای تذکره و پنج هزار تذکره قرانتین می‌گیرند که اجرت امنیت زوّار است و علاوه بر آن بر وفق عهود مقدسه نیز امنیت و آسایش زوار را در عهده دارند و اسلحهٔ زوار را در ورود خانقین از آنها گرفته دست خالی و بدون هیچ گونه اسباب دفاعی به داخلهٔ خاک خودشان رها می‌کنند در واقع کفیل جان و مال زوار می شوند، مع ذالک وقوعات متوالیه است که هر روز ظهور می‌کند و خاک عراق عرب مسلخ زوار و مسلمانان بیچاره شده است و هرچه اظهار و اصرار به حکومت می شود فایدهٔ نمی بخشد. گاهی راجع به اشقیای موصل کرده کانه حکومت عراق و مستحفظین طرق و شوارع را از مسئولیت انتظام و امنیت عراق عرب فارغ کرده‌اند چرا که مرتکب از موصل آمده و به خاک موصل رفته است گاهی که هیچ گونه راه عذری ندارند، هیچ گونه جوابی نمی دهند بیک اُیو گفته کار را تمام می پندارند به نظر چنان می آید که خودشان از انتظامات لازمهٔ مملکت عاجز شده‌اند. سالی هم گرانی است عشایر همه گرسنه از همه طرف به تاخت و تاز برخواسته‌اند قانون هم دست و پای حکام را بسته بال و پر اشرار را گشاده است توجهی کامل در این باب لازم است که با سفارت عثمانی در طهران و با باب‌عالی در اسلامبول قرار صحیحی در امنیت راه زوار داده اولیای دولت ابد مدت را اطمینان کامل حاصل شود و اگر با این اقدامات نیز خدا نخواسته امنیت مطلوبه حاصل نشود، البته غیرت رعیت به اولیای دولت می رسد بجز قدغن چاره نخواهد بود مشروط بر اینکه بعد از قدغن استثنأ دست هر کسی توصیه‌نامه داده نشود هرچند تکلیف مأمورین عدم قرائت توصیه‌نامه است، همین تفاصیل به سفارت کبری نیز عرض شده است. زیاده

جسارت است، الامرالاجل الاعظم الافخم مطاع.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ــ در این فقره هم با سفیرکبیر عثمانی در اینجا مذاکره نمایید و هم اینکه به علاءالملک نیز بنویسید که او هم در اسلامبول با باب‌عالی مذاکرات لازمه نماید.

امضای مظفرالدین شاه

CONSULAT GENERAL DE PERSE

à Bagdad

No.

٢٥

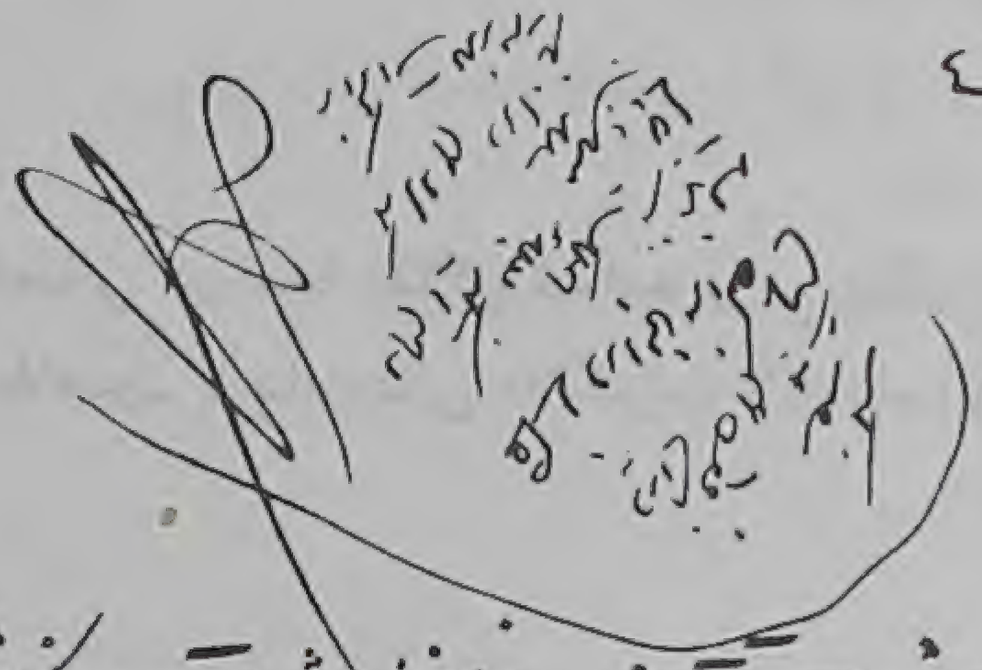

چندی است شرارت وفتنی و نهب در اطراف بها داده شده است ۱۰ اینکه عثمانیها از هر زواری کلیتمان وجه مصافی مذکره و پنجهزار مذکره فراهتی میگیرند از جمله
اهمیت زوار است و علاوه بر آن بر وفق عهود معتده نیز اهمیت و آسایش زوار را در عهده دارند و اسلحه زوار را در ورود خانین از انها
گرفته دست خالی و بدون اینکه بهانه بدهند مداخله خاک خودشان را میکنند در واقع کفیل جان و مال زوار می شوند معذلک دفعات متواتره
که هر زوار ظهور میکند و خاک عراق عرب مسلح زوار و مسلمان میباشد و هر چه اظهار و اصرار بحکومت می شود فایده نمی بخشد کامی راجع
بهمین موضوع کرده گفته حکومت عراق در تحفیظ طرق و شوارع را از مسئولیت انتظام و امنیت عراق عرب فارغ کرده اند چرا که مرتب
از موصل آمده و بخاک موصل رفته است گاهی در بحکومه راه عذری مرا نمیدهند چگونه جوابی نمیدهند پاک ایلو گفته کار را تمام میدانند
می آیند در خودشان از انتظامات لازمه مملکتی عاجز شده اند سابق گرانی است عشایر هم کرسته از همه طرف بتاخت و تاز برخواسته اند
دست و پای حکام را بسته بال و پر شهر را کشاده است توجهی گاهی در اینباب بلازم است در بشارت عثمانی در طهران و با بالی در اسلامبول معمول قرار
صحی در امنیت راه زوار داده اولیای دولت علیه را طمینان گاهی حاصل شود و اگر با این اجراءات نیز امنیت مطلقه حاصل نشود البته عذر
، اولیای دولت میرود بجز دفعن جانا نخواهد بود مشروط براینکه بعد از دفعن شناسنامه دین هر کسی تو صیه نامه داده نشود هر چند تکلیف امور غیر عدم

قرائت تو صیه نامه است همین تقاضی بعبارت دیگری نیز عرض شده است نیز عبارت للامر لله صی لله غلم لله فحم مطلب معروضه غره رجب سنه ١٣١٤

شمارهٔ سند: ۸۳۲
موضوع: تعیین کردن مأموری در سرمن‌رای از طرف ایران
نمره: ۵۱
تاریخ: ۸ شعبان ۱۳۱۶ هـ. ق
کارتن: ۳۵
پرونده: —

نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه

در سُرّمن رأی چندی است مأموری از طرف کار پردازی نیست و به عموم زوار و مترددین انواع اقسام تعدیات می‌شود، شکایت می‌کنند ولی نمی‌توانند در اینجا معطل شده مطلبی را اثبات نموده ایالت مجبور به رفع تعرضات بشود. تمام زوار و جمعی از علمای عظام و مجتهدین گرام به فدوی تصریح و تأکید نموده‌اند مأموری فرستاده شود در واقع هم لازم است ولی عیب کار در اینجاست مأموری که آنجا می‌رود چون معاش دیوانی و مقرری و مرسومی ندارد لابد باید مخارج خود را از زوار بیچاره تحصیل کند، این هم سربار زوار خواهد شد. خالی از مأمور هم نمی‌توان گذاشت اغلب زوار از غایت تعدی و اجحافات متعصبانه خدّام و مأمورین تذکره و دخانیه و غیره و غیره زیارت نکرده معاودت می‌کنند، منوط به امر مبارک است که اقلاً به قدر ماهی پانزده تومان مقرری مرحمت و اجازه فرمایند مأموری فرستاده شود. عجالتاً خیال دارد خود فدوی یک‌ماهه دوماهه موقتاً مأموری بفرستد که جلوگیری از این تعدیات شده باشد تا مأمور با معاش به اجازت خاطر مبارک معین گردد زیاده جسارت است، الامرالاجل الافخم الاکرم مطاع.

— در سرمن رأی مأمور دولتی نیست و اگر مأمور معین شود مقرری لازم دارد. علمای اعلام کربلا هم در نصب مأمور آنجا اصرار و تأکیدی دارند، به جهت نبودن مأمور در آنجا اموالی که از زوار به سرقت برده می‌شود استرداد آن معطلی دارد. اگر رأی اقدس همایون اقتضا فرماید ماهی پانزده تومان مقرری مرحمت شود که مأموری به آنجا فرستاده شود برای محافظه حقوق رعایا و زوار بسیار بجا و مایهٔ دعاگویی است، دیگر منوط به امر همایون است.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ــ جناب اشرف صدراعظم، فرستادن مأمور برای سرمن‌رای ضرری ندارد، ماهی پانزده تومان مقرری داده شود ولکن مأموری باشد که خود اسباب زحمت زوار و فقرا نشود شریک دزد و رفیق قافله نباشد.

امضای مظفرالدین شاه

CONSULAT GENERAL DE PERSE

à Bagdad

No.

شمارهٔ سند: ۸۳۳
موضوع: روشنایی رواقهای نجف اشرف و کاظمین
تاریخ: ۱۸ شوال ۱۳۱٦ هـ. ق
کارتن: ٦
پرونده: ۱۱/۴۲

خلاصهٔ نوشتجات ناظم الملک کارپرداز بغداد

در رواقهای نجف اشرف و کاظمین(ع) فانوسهای نفتی می‌سوزانند، دود نفت اسباب اذیت زائرین و کثافت آینه کاری و گچبری و مقرنس کاری‌ها می‌شود و کلیددارها می‌گویند نذورات مردم کفایت پول شمع نمی‌کند که در آنجاها استمراراً روشن شود حیف است به و اسطهٔ این خرج جزئی این کارهای ممتاز کثیف شود، اعتقاد فدوی این است باید تدبیری کرد عوض نفت شمع بسوزد، هر رواقی بیست شمع لازم دارد و هر شمعی سالی شش تومان خرج دارد، تا اقتضای رأی مبارک چه باشد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
ــ مخارج این عمل را دولت که نباید بدهد. امضای مظفرالدین شاه

۱۸ سعد

شمارهٔ سند: ۸۳٤
موضوع: تعمیر صحن مطهر ائمه طاهرین
تاریخ: ۱۸ شوال ۱۳۱٦ هـ . ق
کارتن: ٦
پرونده: ۱۱/٤۲

خلاصهٔ نوشتجات ناظم الملک کارپرداز بغداد

رواق مطهر شرقی حضرت سیدالشهدا(ع) که آینه‌بندی می‌کردند ناتمام مانده. صحن حضرت و صحن حضرت عباس(ع) هزاره‌شان ریخته محتاج تعمیر هستند. تعمیر صحن حضرت امیرالمؤمنین(ع) نیز ناتمام مانده حرم مبارک هم سبک هزاره‌اش شکسته محتاج تعمیر است تعویق این تعمیرات گذشته از اینکه برای ملت اسلام مناسب نیست هرچه تأخیر شود منهدمتر می‌شود، دولت عثمانی هم برای اوقاف قانون گذاشته و این نوع تعمیرات را هم به ایرانی‌ها مداخله نمی‌دهد تعمیر یک آجر منوط به عرض باب‌عالی است چون خودشان هم اقدامی نمی‌کنند رفته رفته اسباب تخریب این شاهد مقدس می‌شود لازم است به هر وضعی که خاطر مبارک تصویب می‌فرماید از دولت عثمانی اجازه گرفته که ایرانی‌ها متصدی تعمیرات لازمه بشوند از قرار گفته علما خیلی از معتبرین هستند که اقدام خواهند کرد برای دولت هم ممکن است.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
ــ با سفیرکبیر سؤال و جواب نمایید و به علاءالملک هم بنویسند. امضای مظفرالدین شاه

۱۸ شوال ۱۳۱۶

شمارهٔ سند: ۸۳۵
موضوع: زدن بیدق شیر و خورشید در بالای چادر قونسولگری
تاریخ: ۲۸ ذی‌حجه ۱۳۱۶ هـ. ق
کارتن: ۳۲
پرونده: —

گزارش کارپردازی ایران در مکهٔ مکرمه به وزارت خارجه

البته بر رأی مبارک مکشوف است که تا به حال از طرف هیچ دولتی حتی خود دولت عثمانی هم در مکه مکرمه بیدق زده نشده است و گویا پانزده شانزده سال قبل یکی از مأمورین دولت علیه خواسته بوده بالای چادر جنرال قونسولگری در منا و عرفات بیدق بکشد و حضرت شریف مانع شده است ولی چون این فقره خیلی لزومیت و اهمیت داشت و رعایا و حجاج دولت علیه در میان آن قدر چادروجمعیت بدون علامت مخصوص نمی‌توانند چادر قونسولگری دولت متبوعه خودشان را بشناسند و اگر عرضی و حاجتی دارند دستشان به قونسولگری نمی‌رسد. لهذا چاکر قبل از اینکه به عرفات برویم با حضرت شریف به طور خصوصیت و دوستی مذاکرهٔ این فقره را کرده اجازه خواستم هرچه مشارالیه در مجلس اول و دویم از اجازه دادن امتناع نمود لکن بالاخره با اصرار و ابرام به طور خوشی راضیشان کردم و به کسی هم ابراز نکردم تا روز عرفه یک روز قبل از عرفه محمدحسین‌خان بهادر وکیل قونسولگری انگلیس هم همین مذاکره را با شریف کرده بود و راضی نشده بودند که بیدق انگلیس علامت صلیب دارد و منافی شعار اسلام است. چهار روز که در منی و عرفات بودیم بیدق شیروخورشید بالای چادر زده شده بود و همه در تعجب بودند که شریف چطور به این فقره راضی شده است، الحمدلله این خدمت را توانستم به دولت علیه بکنم، امیدوارم منظور نظر مبارک بشود و به عرض اولیای دولت علیه برسد فی‌الواقع این فقره در انظار داخله و خارجه خیلی جلوه کرده، زیاده عرضی ندارم.

چاکر صمیمی: مصطفی

شمارهٔ سند: ۸۳۶
موضوع: خوش‌رفتاری مأمور عثمانی در مکهٔ مکرمه با کار پرداز ایران
تاریخ: ۲۸ ذی‌حجه ۱۳۱۶ هـ . ق
کارتن: ۳۲
پرونده: —

گزارش کارپردازی ایران در مکهٔ مکرمه به وزارت خارجه

تا امروز حضرت شریف به بازدید هیچ کس غیر از والی حجاز نرفته بود به حمداله تعالی طوری با معظم‌له گرم گرفته و خصوصیت نمودم که در منا در روز عید اضحی بعد از ختام سلام عام با دبدبه و شکوه تمام در وسط ظهر که گرما خیلی شدت داشت به عنوان بازدید به چادر فدوی آمد، در ضمن صحبت چاکر گفتم، هیچ راضی نبودم که در این گرما به وجود خودتان صدمه بزنید در جواب فرمود باید مردم ببینند که من به چادر کار پرداز ایران می آیم. وقتی که معظم‌اله به چادر فدوی آمد تمام اهالی جمع شده به عربی «مرحبا» می‌گفتند، فی‌الحقیقه امسال شریف از هیچ بابت فروگذاری نکرد و شأن کار پردازی را خیلی زیاد به درجهٔ که تمام اعراب حساب می برند و برای انجام کارهای خودشان چاکر را در نزد حضرت شریف واسطه قرار می دهند، از روزی که وارد مکه شده‌ام تا حال دو اسب تمام‌یراق با یک نفر صاحب‌منصب و چند نفر ژاندارم به اختیار چاکر داده است که هر جا بروم و بیایم همراه باشند همه می‌گویند شریف هیچ وقت دربارهٔ هیچ کس این طور رفتار و احترام نکرده بود، اطلاعاً جسارت شد.

چاکر صمیمی: مصطفی

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ــ جناب اشرف صدراعظم، هر نوع مشیرالدوله صلاح می داند به تصویب علاءالملک مرحمتی در حق صفاءالممالک بشود که خوب خدمت کرده است.

شمارهٔ سند: ۸۳۷
موضوع: عزاداری سیدالشهدا در دهه محرم
نمره: ۱٦۷
تاریخ: ۱٤ محرم ۱۳۱۷ هـ.ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱۱/۲

نامهٔ کارپرداز ایران در بغداد به وزارت خارجه

هو

قربان حضور مبارکت شوم، امسال ولایت بغداد به ملاحظهٔ اینکه پارسال در تعزیه‌داری دو نفر اکراد ایرانی مقتول و چند نفر مجروح شده بودند، اسناد تقصیر را به اکراد مقتول داده در صدد منع عزاداری‌ها بودند، فدوی با اینکه در این موقع نمی‌خواست این مطلب را تعقیب و تجدید مطلع نماید که مبادا اسباب هیجان شیعیان ایرانی گردد، چون عثمانی‌ها در این یک سال هیچ گونه اقدامی در تسلی ستمدیدگان و مجازات قاتلین نکرده و در این موقع تقصیر را بر مقتولین وارد آورده به بهانهٔ جلوگیری عزاداری می‌خواستند قرار بدهند ناچار جوابهای رسمی سختی نوشته تقصیر را بر عهدهٔ مأمورین عثمانی وارد آورده دیهٔ شرعی مقتولین و مجازات قاتلین را مطالبه کرده قوام اساس تعزیه‌داری را اخطار نمود و خیلی سخت گرفت و ضمناً به والی پاشا محرمانه پیغام داد پس از آنکه یک سال در این مسئله معامله نموده‌اید حالا موقع این مذاکرات نبود و نمی‌بایست فتنه و فساد پارساله را در نظر طرفین متذکر شده اسباب تهیّج قلوب قرار بدهید، عجالتاً به انتظام کار باید پرداخت و عنوان مسئلهٔ پارساله را باید به بعد از عاشورا گذاشت والی پاشا از حسن نیّت فدوی اظهار امتنان نموده تعلیمات لازمه به مأمورین خود داد، فدوی هم با حکومت و مأمورین عثمانی در اجرای لوازم انتظام و سدّ راه مفاسد محتمله موافقت کرده و ریش‌سفیدان قوم را بعضی تعلیمات داده اجزای کارپردازی را هم به مراقبت آنها گماشت و مجتهدین و علمای عرب و عجم را واداشت مابین طایفهٔ اکراد ایرانی و اهالی کاظمین که سالها نفاق بود در غره ماه محرم به قواعد عشیرتی صلح دادند و اتحاد کامل حاصل شد و به تأییدات خداوندی امسال شبهای دههٔ عاشورا یک

دسته شیعیان ایرانی و شش دسته از شیعیان تبعهٔ عثمانی به کار پردازخانه آمده سینه می‌زدند و تا شش ساعت از شب رفته در محلات بغداد گردش می‌کردند، مأمورین عثمانی هم مواظبت داشتند، شب عاشورا و روز عاشورا را کمافی السابق همهٔ دسته‌ها به کاظمین رفته و تمام شیعیان بغداد و کاظمین ذکوراً و اناثاً در صحن مطهر و بیوتات مقدسه و پشت‌بامهای صحن مطهر اجتماع نموده تا بعدازظهر عاشورا به عزاداری و شبیه و قمه‌زدن پرداختند عسکر و ضبطیه و مأمورین عثمانی حاضر بودند، کار پردازهای سابق رسم بود در بالاخانهٔ صحن مطهر می‌نشستند فدوی ملاحظه کرد که اگر در بالاخانه باشد دسترس به صحن و تبعه و عزاداران نخواهد داشت و اگر بخواهد پیغامی بدهد اقلاً یک ربع ساعت طول خواهد کشید که پیغام به جای خود برسد، بالاخانه را موقوف کرده، در یکی از حجرات تحتانی صحن مطهر نشست و مراقبت به نظم و ترتیب عزاداران نمود. به تأییدات خداوندی و توجهات ائمه اطهار علیهم السلام و به اقبال ابد اتصال اقدس اعلی ارواحنا فداه نوعی عزاداری کامل از سینه‌زدن و قمه‌زدن و اقسام شبیه از خروج از مدینه تا شهادت و اسیری اهل بیت و غیره و غیره به عمل آمد که تا حال در عراق عرب عشر آن را کسی یاد نداشت، اقلاً بیست سی هزار جمعیت در صحن بود، شبیه‌های شهدا و شبیه‌های لشکر مخالف این همه در میان این جمعیت اسب تاختند، جنگ کردند، قریب هفتصد نفر قمه زده بودند، صدایی از کسی بلند نشد، شیعیان تبعهٔ عثمانی هم در اقسام عزاداری به هیچ وجه فروگذاری نکردند اسباب حیرت همه شد و دعاگویی کامل به عمل آمد، حتی عثمانی‌ها که هیچ کدام این حرکات را اجازت نمی‌دادند و می‌ترسیدند اظهار تشکر و امتنان از مراقبت و اهتمامات کار پردازی و عدم وقوع غایله نمودند، خداوند ذات مقدس و سایهٔ اقدس همایون شاهنشاه و حامی دین اسلام ارواحنافداه و اولیای دولتش را پاینده و شوکتش را فزاینده و برقرار فرمایاد که در سایهٔ معدلتش روز به روز به ترویج دین مبین علی‌رغم حاسدین افزوده شود. زیاده جسارت است، امر اجل اشرف افخم مطاع.

محل مهر: عبده جهانگیر

سال ۱۳۱۷
سفر وخه ۱۴ محرم الحرام

قربان حضور مبارک بشوم امسال ولدیت بغداد بملاحظه اینکه پسال در تعزیه داری دو نفر اکراد ایرانی متعصبی و چند نفر مخروج شیعه بودند
اضافه تقصیر را باکراد متعصبی داده درصدد منع عزاداریها بودند فعلاً با اینکه در اینموقع ممنوعیت این مطلب را تعقیب و تکهیر مطلع نمایم که
مبادا باعث بهیجان شیعیان ایرانی گردد چون عثمانیها در این کمیل هستند که اقوامی در تنگستان و محمره دارند و در اینموقع
تقصیر را بمقتولین وارد آورده بهانه جوئی عزاداری میخواستند قرار میدهند ناچار جوابهای رسمی سختی نوشته تقصیر را بعهده مامورین
عثمانی وارد آورده و به شرعی مقتولین و مجازات قاتلین را مطالبه کرده. قوام السلطنه تعزیه داری را اختیار نمود و چیزی نخواست و گفت و
ضمناً بوالی شام تلگرافی نمود پس از آنکه کمیل در این مسئله مسامحه نموده لذا حالا موقع این مذاکرات نبود و بمناسبت فتنه و فساد
مسایل را در نظر طرفین تند کرده باعث تهییج قلوب قرار میدهند علاجاً با نظام کار باید پرداخت و عنوان مسئله مسایل را باید بعد از
عاشورا گذشت والی شام از حسن نیت فروغی اظهار امتنان نموده تعلیمات لازمه بمامورین خود داد فروغی هم با حکومت و مامورین عثمانی
اجرای لوازم انتظام و سد راه مفاسد محتمله موافقت کرده و رئیس سفیدان قوم را بعضی تعلیمات داده اخیراً کار پردازی ما هم با آنها
حاشت و مجتهدین و علمای عرب و عجم را واداشت با من طایفه اکراد ایرانی و والی کاظمین مسایل نفاق بین در عرصه ماه محرم
بقواعد عشیره صلح دادند و اتحاد کامی حاصل و بتائیدات خداوندی امسال شبهای دهه عاشورا یکدسته شیعیان ایرانی و شش دسته از
شیعیان شعبه عثمانی لگار یکوار خانه آمده سینه میزدند و شش ساعت از شب رفته در محلات بغداد گردش میکردند مامورین عثمانی هم
مراقب بودند شب عاشورا و روز عاشورا را کاظمین و نجف هم دسته ها یکاظمین رفته و تمام شیعیان بغداد و کاظمین دکور را واداشته
در صحن مطهر و میوات متعدده و پشت بامهای صحن مطهر اجتماع نموده تا بعد از ظهر عاشورا بعزاداری و سینه و قمه زدن پرداختند
عسکر و ضبطیه و مامورین عثمانی حاضر بودند کار پردازهای سابق هم بود در بالاخانه صحن مطهر می نشستند فروغی تلگراف کرد که اگر

— گرد،
در با لدخانه باشد دست رس بصحن و تبعه و عزاداران نخواهد داشت و اگر نخواهد بیعتی مربع آلة قریع ساعت طول خواهد کشید و شعاء کای خود بر با لدخانه را کوتاه
در یکی از حجرات تکانی صحن منظم و مرتب عزاداران نمود تا بیدات خداوندی و توجهات ائمه اطهار علیهم السلام و با قبال اهل تعالی
اقدس اعلی اردو اخافزاده نوعی عزاداری کامل از سینه زدن و قمه زدن و قهاء شبیه از خروج از مدینه تا شهادت و اسیری اهل بیت و غیره و غیره بعمل آمد و ما
در عراق عرب عشر آزاد کنید یا دشت اقلیت سی هزار جمعیت در صحن بود شبیه ای شهداء و شبیه ای لشکر مخالف این همه در میان این جمعیت بپا گشتند
جنگ کردند قریب بمقصد نفر قمه زده بودند صدائی از کسی بلند نشد شیعیان تبعه عثمانی هم در قهاء عزاداری همین طور فروگذاری نکردند و بجز حرارت هوای
کامل بعمل آمد حتی عثمانیها در کدام این حرکات را اجازت نمیدادند و می ترسیدند از اظهار تشکر و امتنان از مراقبت و اهتمامات کارپردازی و عدم وقوع حادثه
نمودند خداوند ذات مقدس و سایه اقدس همایون شاهنشاهی دعای دین اسلام اردو اخافزاده و اولیای دولتش را پاینده و دولتش را افزاینده و برقرار فرماید

که در سایه معدلتش روز بروز بر بیرونج دین مبین علی رغم حاسدین افزوده شود — نیز خبر است — امر مهبی شرف اختتام یافت

شمارهٔ سند: ۸۳۸
موضوع: عزاداری سیدالشهداء در دههٔ محرم
نمره: ۲۷۲
تاریخ: ۱۹ محرم ۱۳۱۷ هـ.ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱۱/۱

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول (علاء الملک) به وزارت خارجه

برحسب معمول سنواتی در دههٔ عاشورا در چند باب کاروانسرای تجار ایرانی نشین اسلامبول مجالس روضه و دسته های سینه‌زن منعقد و بر پا بود برای سدّ وقوع پارهٔ احتمالات متصوره و زد و خورد و نزاع در هر کاروانسرا و به هر دسته سینه‌زن قوّاص گماشته سپردم مراقبات کامله در انتظام محافل و حسن ادارهٔ مجالس عزا به‌عمل آوردند گاهی هم در این مجلسها از طلاب و سایر طبقات عثمانی و خفیه می آمدند. به حمداله تعالی در کمال نظم و شکوه مجالس روضه به آخر رسیده و در ختم مجلس عموم اهالی به طیب خاطر و به جان و دل مزید عمر و اقتدار و دوام سلطنت بندگان اعلی حضرت قدرقدرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه را از خداوند متعال مسئلت می‌کردند. در شب عاشورا هم دسته های قمه‌زن به رسم معمول قمه زده و عزاداری‌های خود را به دعای دوام دولت جاویدمدت ختم نمودند، شکوه و انتظام این مجالس درج روزنامه های ترکی و فرانسه شده بود، اطلاعاً عرض شد بعضی از سفرا و مأمورین خارجه در شب عاشورا برای تماشای قمه‌زنها به خان والده آمده بودند به توسط مأمورین سفارت کبری محترماً پذیرفته شده یکی از فرنگی ها و زنش بعد از دیدن قمه‌زنها ضعف کرده مدهوش افتادند و آنها را به حال آوردند، دستهٔ تبریزی‌ها با دستهٔ شبستری فی الجمله گفتگویی نموده خیال نزاع داشتند قونسول ملتفت شده فوراً جلوگیری کرده به توسط گماشتگان ژنرال قونسولگری صلح و سازش کردند و به حمداله تعالی به خیر گذشت. از اول دههٔ عاشورا تا انقضای دهه به قدری متزلزل و حواسم پریشان است که مبادا از این عوام بی تربیت حرکت مخالف انسانیت سرزند که حدی ندارد و در این چند روزه خواب آسوده ندارم و ساعتی نیست که از خیال آنها آسوده باشم به حمدالله که به خیر و خوبی گذشت و فراغت

خاطر حاصل شد.

محمود

[حاشیه:] خیلی خوب

نمره

۱۹ شهر محرم ۱۳۱۷
نمره ۲۷۳

برحسب معمول نوآلی در دهه عاشورا در چنه باب کارونسرای تجار ایرانی نشیمن اسلامبول مجلس روضه
و دسته ای سینه زن منعقد و در بارهٔ برای دسته و قهوه خانه ها بنا حمایت تصدیق و وزارت خارجه را
در هر کاروانسرا و بهر دسته سینه زن قوآس گماشته سپردم مراقبت کامله در انتظام مجالس و
مجالس عزا بعمل آورند که هیچ مجلس از طلبه و سایر طبقات بی حمایت نماند و هیچ نوع
بحمدالله تعالی در کمال نظم و شکوه مجالس روضه خاتمه رسیده و در ختم مجلس عصر (۱۰) الی لطیف خانم
مزید عمر و اقتدار و دوام سلطنت بنیان اعلیحضرت قدر قدرت آقای همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه را
از خداوند متعال مسئلت می کردند در شب عاشورا هم دسته های قمه زن برسم معمول قمه زده
و عزاداریها خوبی را بعمل آوردند و حمایت جدیه مبذوله تمام و انتظام امر مجالس
در جمیع روزنامهای ترکی و فرانسه شرح لطف خاص شهریاری نسبت بتبعهٔ ایران و مأمورین خارجه
در شب عاشورا برای تماشای قمه زنهای نشان داده بقدر متوسط مأمورین سفارت کبری
متحیر مانده شرح یکی از فرنگیها در نمره بعد از دهن قمه زنها ضعف کرده بیرون
و فلانی و انها را بحال اغماء دسته بزرگی با دسته بستری و انجمن
نموده خیال زنده داشته متعفن شده فوراً جلوگیری کرده متوسط کالسکه
زوال قوتوکی صحیح و سالم رسانده و بحمدالله تعالی بخیر گذشت
از آنجا دسته عاشورا انقضاء دهه تقویت سرسال و حرام کرده
صبا را از این حوالی بی تربیت حرکت مخالف با دست سرد صبا را

دون اقشام استانبولده مقیم تبعهٔ ایرانیه طرفندن معتاد قدیم وجهله ولده خانده مراسم تعزیت ایفا ایدلمشدر. خانك دیوارلرینه سراپا سیاهلر اورتولمش وجابجا فانوسلر بالاشعال بك حزین برمنظره وجوده کلمکده ایدی. اوحزن انجنده مرثیه خوان اولانلرده مؤثر وحزن انکیز صدالریله ترنمه باشلایه رق خانك درونده داخل اولوب دفعاتله اطرافنی طولاشدیلر. اوقودقلری مؤثر ودلسوز مرثیه لر حاضرونی اشکریز تأثر ایلدی.

ایران سفیر کبیری علاء الملك دولتلو میرزا محمود خان حضرتلری وسفارت مأمورینی مراسم تعزیته زیارته حاضر بولندقلری کبی بعض سفارات مأمورینی ایله معتبران اجانب حاضر ایدیلر. قافله لر اوکلرنده مشعله لر بولندیغی حالده خانه کیروب مؤثر وحزن انکیز مرثیه لریله دمسار تأثر اولدقلری اسناده (رد پشتان ایرانیان) مکتبی شاگردانی معصومانه برادا یله وقعهٔ جکرسوز شهادتی تصویر ایلدیلر. ایام ماتمك ختامی حسبیله ایران تبعه سندن اولان اصحاب ثروت ویسار طرفندن فقرا اطعام اولنمش ومحتاجینه صدقات ابذال اولمشدر.

بوکون تبعهٔ ایرانیه اسکداردہ واقع دره سنه عزیمتله مراسم ماتمی اکمال ایده‌جك

شمارهٔ سند: ۸۳۹
موضوع: صادر کردن ملعوقه فرمانی برای آقا سیدصالح زیارت‌نامه خوان
تاریخ: ۲۶ سفر ۱۳۱۷ هـ.ق
کارتن: ٦
پرونده: ۱۱/۴۲

خلاصهٔ نوشتجات ناظم الملک کارپرداز بغداد

آقا سیدصالح زیارتنامه‌خان [خوان] کاظمین(ع) از سادات نجیب است و در کاظمین(ع) به قدر یک مأموری به کار زوار می‌خورد و پارسال در خدمتگزاری حجاج و زوار خیلی زحمت کشید وعده مرحمتی هم به او شده بود، مستدعی است ملعوفه فرمانی صادر گردد که مشارالیه را به زیارتنامه‌خوانی مخصوص کار پردازی مفتخر نمودیم اسباب مزید دعاگویی و اهتمام او در خدمت خواهد بود.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
ــ چه عیب دارد ملعوفه فرمان بدهند. امضای مظفرالدین شاه

۲۶ صفر ۱۳۱۶

EASTWICK UNIVERSITY
Acc. 563095
Dated.. 6-2-09

شمارهٔ سند: ۸٤۰
موضوع: وجه تعمیر صحن کاظمین
تاریخ: ۳ ربیع الاول ۱۳۱۷ هـ. ق
کارتن: ٦
پرونده: ۱۱/٤۲

خلاصهٔ نوشتجات ناظم الملک کارپرداز بغداد

جناب فاضل شربیانی می فرمودند برای وجه تعمیر کاظمین به طهران نوشته ام، شما هم یادآوری نمایید که زودتر بفرستند، مدیر اوقاف بغداد به شیخ حمید کلیددار کاظمین تکلیف کرده که ایرانی ها برای تعمیر صحن اجازت گرفته و تا حال اقدام نکرده اند، شما راپورت بدهید که اقدام نکردند تا قرار فسخ اجازت داده شود کلیددار عذر آورده بود که در صدد تدارک هستند، لهذا جسارت می نماید چون اجازت به اسم دولت گرفته شده تأخیرش بیش از این مناسب نیست اگر واقعاً تعمیر می‌کنند وجه تعمیرات را بفرستند که این گفتگوها رفع شود.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
ــ البته تعمیر نمایید. امضای مظفرالدین شاه

۳ دی ۱۳۱۶

جناب آقای شریعتزاده نیز بروند بعضی رؤسا تعمیر طهران نوشتهام یادآوری نمایند رفع نقص بشود
چیزی از قلم نیفتاده باشد که کمیته دارای اطمینان کامل گردد و اینها بعضی تعمیر صحن اصلی است که فقط در حال
اقدام است که زودتر بپایان برسد که اقدام بگنبد و قرار فرش اصلی داده شود کمیته دارای عذر الله بعد که
در صدد مدارک هستند نهایت عجله مینماید چون اصلی است باید هر وقت که فرش شد تأخیرش بیش از این
مناسب نیست اگر واقعاً تعمیر نکنند رؤسا تعمیرات را نوشته به اینجا بگذارند رفع شود

شمارهٔ سند: ۸٤۱
موضوع: گرفتن حق گمرکی از زوار و حجاج ایرانی
تاریخ: ۲۳ ربیع‌الاول ۱۳۱۷ هـ.ق
کارتن: ٦
پرونده: ۱۱/٤۲

خلاصهٔ نوشتجات ناظم‌الملک کارپرداز بغداد

ناظر گمرک بغداد می‌گوید در اسلامبول حکم شده هر مالی، زوار یا حاجی ایرانی در عراق عرب می‌خرد به هر رأس پنج لیره طلا باید گمرک بدهد و مزاحم زوار و حاجی‌ها می‌شدند فدوی به عنوان اینکه می‌بایست به سفارت ایران اطلاع داده که به مأمورین جزء بگوید تبعه و زوار را اعلان کنند مالی نخرند، مراسله هم به والی بغداد نوشت والی و ناظر را مشغول مذاکرات کرده تمام زوار و حاجی به آسودگی رد شدند رسم معمولی هرساله را هم ندادند لکن قرار صحیحی بدهید برای آسودگی زوار و الا مالهای خود زوار را هم که از ایران آورده‌اند به اسم خریداری از عراق عرب مزاحم می‌شوند و اسباب دردسر خواهد شد به سفارت کبرای اسلامبول نیز اطلاع داده‌ام.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
ــ با سفیرکبیر گفتگو شود به علاءالملک هم بنویسند که تا حال چنان معمولی نبوده است.
امضای مظفرالدین شاه

۲۳ رمضان ۱۳۱۶

شمارهٔ سند: ۸٤۲
موضوع: استشهاد جمعی از فقها و علما در باب فوت محمدخان یزدی
تاریخ: ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۱۷ هـ. ق
کارتن: ٦
پرونده: ۱۱/۵۱

نامهٔ عده‌ای از علما و فقها به وزارت خارجه

استشهاد و استعلام می‌رود از فقهای گرام و علمای عظام کثرالله امثالهم و امنای دولت ابدمدت که مرحوم مغفور محمدخان یزدی طاب ثراه اکنون سه سال است به رحمت ایزدی پیوسته چون الحال سه سال آن تمام است و می‌خواهند جنازهٔ آن مرحوم را به عتبات عالیات حمل نمایند.

لهذا خدمت آقایان عظام زحمت می‌دهد که هر کس اطلاع دارد از زمان فوت آن مرحوم تاکنون سه سال گذشته و مدت مزبور منقضی گشته شهادت خود را در حاشیهٔ این ورقه مرقوم و به خاتم شریف مختوم فرمایند که عندالحاجه حجت بوده باشد. فی ۱۷ شهر جمادی‌الثانی ۱۳۱۷.

حاشیه:

ـ من الشاهدین بذلک ـ احمد الحسینی

ـ این بنده مراتب مسطوره شاهدم ـ شوکت نظام

ـ این بنده در مضمون مسطور متن شهادت دارم ـ عماد دفتر

ـ به مضمون مسطور متن شهادت دارم ـ عیوب مستشار

ـ مهر معتضد دیوان

ـ این اقل خلق‌الله به طوری که در متن نوشته شده شهادت دارم و مطلع می‌باشم ـ حاکم الشریعه

ـ اقل السادات به مراتب متن شهادت دارم ـ خطیب الممالک

ـ مرحوم محمدخان یزدی طاب ثراه سه سال تمام است که به رحمت ایزدی پیوسته است الحقارالاقل الحاج محمدحسین ... ـ عبده الراجی محمدحسین.

هو، مرحوم مغفور محمدخان یزدی طاب ثراه سه سال است که به رحمت ایزدی

پیوسته و این بنده خود در تجهیز و تکفین آن مرحوم حاضر بودم ــ صدق الملک
ــ به مراتب مسطورهٔ متن شهادت دارم ــ موثق الدوله
ــ انا من الشاهدین علی ذلک ـ حاجب الدوله
ــ مرحوم خلد آشیان محمدخان یزدی سه سال تمام است که به رحمت ایزدی پیوسته است ــ ابوالقاسم بن اسداله، معتمد السلطنه، وثوق الدوله
ــ عند تعالی، معلوم و محقق است که مرحوم مبرور محمدخان یزدی رحمت الله سه سال از فوت ایشان گذشته است و مجال شبهه و ریبه نیست حرره‌ای ــ عبدالله المتوکل علی الله شهر جمادی ۱۳۱۷ و مهر دیگر
ــ شهادت این شهود در وزارت امور خارجه موثق و معتبر است، شهر جمادی الاول ۱۳۱۷ ــ مهر: مشیرالدوله

[شرح پشت نامه:] جواز حمل جنازه با توجه وزارت خارجه و تصدیق سفارت.

حضرة

(١) نسخة من هذا الخطاب وزارة الخارجية
ناظر مستشار الوزارة حفظه
مدير قسم الاقطار العربية
طرابلس الشام سفارة السنية جانب نصه فاخو -

طرابلس سفارة السنية
الرجاء الطلب
حضرة

شمارهٔ سند: ۸۴۳
موضوع: اشکالتراشی مأمورین قرانتینهٔ عثمانی برای عبور جنایز
نمره: ۴۶۵۲ - ۱۳۵
تاریخ: ۱۹ شعبان ۱۳۱۷ هـ . ق
کارتن: ۶
پرونده: ۱۱/۵۱

سواد مراسلهٔ وزارت خارجه به سفارت عثمانی

از قرار راپورت واصله از خانقین جنایز کهنهٔ سه ساله را که بر حسب تصدیقات علما و تمبر و امضای سفارت کبرای دولت علیهٔ عثمانیه از طهران حمل به عتبات عالیات می‌شود، مأمور قرانتینه خانقین به این بهانه که جنازهٔ مزبوره در حال عظام* نیست اذن عبور نداده در خود خانقین دفن می‌نماید و این گونه رفتار مأمورین قرانتینه نسبت به جنایز محترمین که شهادت موثقه سه‌ساله بودن آن را اثبات می‌نماید موجب حدوث مشکلات و سلب اطمینان صاحبان جنایز از تصدیقات وزارت خارجه و آن سفارت کبرا شده است و البته تصدیق خواهند فرمود که در حمل جنایز سه‌ساله نظاماً جای اشکال نیست و همان که جمعی سه‌ساله بودن یک جنازه را تصدیق نمودند وزارت امور خارجه و سفارت عثمانی امضا کردند تمرد مأمور قرانتین از اجرای آن شایسته به نظر نمی‌آید.

لهذا با کمال احترام زحمت‌افزا و خواهشمند است که اوامر لازمه در منع این تعرضات از این قبیل جنایز که ارائه شهادت‌نامه مصدق می‌نمایند صادر و ابلاغ فرمایند که بعد از این منع و تأملی از طرف مأمورین قرانتینه در عبور جنایز به عمل نیاید در این موقع احترامات فایقه خود را نسبت به آن‌جناب جلالت‌مآب عالی تجدید می‌نماید.
(مشیرالدوله)

* به معنی: استخوانها.

۴۶۵۲
۱۳۵

براد مراسله وزارت خارجه لفارت عثمانی

۹ اشهر شان ۱۳۱۶

از قرار راپورت واصله از حالقین خوزستان که سه سال را که برحسب تصدیقات علماء و تجار و اعضاء سفارت کبرای لتیه
عثمانیه از حلوان صحی بتعبیات عثمانیت مرور قنسلیه حالقین مانع بهانه که جنازه مزبوره در حال عطاء تذکره اذن عبور
داده در خود حالقین دفن نمایند همینکه رفقاء مامورین و قنسلیه لتیه نجاز محترمین در شهادت مرقومه سه سال
بعون از اثبات می نماید مرجع حدوث سکته و سبب اطمینان صاحبان جنازه از تصدیقات وزارت خارجه
و آن سفارت کبرا انتهات و قنسلیه تصدیق خواسته نموده در صحی جنازه سه سال نظامات حالیه انتقال میت دارد که صحی سه سال بعون
یک جنازه را تصدیق نموده وزارت امور خارجه و سفارت شما نیز امضاء نموده مگر دامور قنسلیه حالقین از اجرای
این شیوه بنظر نمی آید لهذا باحترام احترام رخصت افزا دخواهشمند است که اوامر لازمه در منع این تعرضات از ایشان قنسلیه
جنازه که ارائه شهادت نامه مصدق مینمایند صادر و ابلاغ فرمایند که بعد از این منع و تتابع از طرف مامورین
قنسلیه در عبور جنازه نعمل نیاید در اینموقع احترامات فائقه خود را لثبت بانجناب حضرت تعالی تجدید نمایم (شرافه)

شمارهٔ سند: ۸٤٤
موضوع: تسهیلات مسافرت حجاج
نمره: ٤۲۹
تاریخ: ۲۹ شعبان ۱۳۱۷ هـ . ق
کارتن: ٦
پرونده: ۱۱/۳۰

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

به مناسبت نزدیکی زمان حج فرامین چندی در توصیهٔ حجاج از طرف اعلی حضرت سلطان به عهدهٔ ولاة بغداد و شام و طرابوزان و ارض روم صادر کرده نزد کار پردازهای این محال فرستادم که ابلاغ نموده موجبات تسهیل مسافرت و نیل به مقصود و رفاهیت حاج را که منتج دعاگویی به ذات ملکوتی صفات بندگان اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه را به عمل بیاورند.

محمود

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه]

ـ خیلی خوب

۲۹ تیرشهریار سنه ۱۳۱۷
نمره ۲۲۹

بنسبت نزدیکی زمان حج فرمان مطاع در این خصوص از طرف اعلیحضرت سلطان معظم صادر شده
و شام و طرابزان و ارضروم صادر گشته نزدکار بردازی این سال فرستاده شد
نمود بر جنابت تسهیل مسافرت و نیل مقصود و زیارت بیت حاج را داعی گردد
بهانت ملکه ی صفحات شاهنشاهی از روی خاطر فرمان لازم صادر شد
محمد

شمارهٔ سند: ۸٤٥
موضوع: تسهیلات مسافرت حجاج
نمره: ٥٦٨٥
تاریخ: ١٦ شوال ١٣١٧ هـ . ق
کارتن: ٦
پرونده: ۱۱/۳۰

سواد کاغذ وزارت خارجه به علاء الملک سفیرکبیر دولت علیه ایران مقیم اسلامبول

اقداماتی را که در خصوص امور حاج و صدور فرامین از طرف اعلی حضرت سلطان به ولایات خاک عثمانی در رفاهیت و تسهیل عبور آنها به عمل آورده، مرقوم داشته بودید مستحضر و خوشوقت شدم و خاطر بندگان اقدس ملوکانه روحنا فداه هم مراقبات و اهتمامات مبذولهٔ جناب عالی قرین خوشوقتی و رضا است. (نصراله مشیرالدوله)

۲۷۲۲

۵۸۵ هـ ۵

نمره کاغذ وزارت خارجه بعد رساله سفر کرمان علیه اتابکی مقیم اسلامبول

۱۶ شهر شعبان المکرم ۱۳۱۷

افتخارا، راکه از خصوص بورود حاج دولت فخیمه از طرف اعلیحضرت سلطان دارا، بخاک عثمانی در رفاقت دلسوزی عموم اهالی بین الله مردوم داشته بعد منتهی خوشوقتی شده م بخاطر نمکان فرس ملوکانه رسانده فرمایند مراقبات و اهتمامات بنده را بجناب عالی هم خوشوقتی درضمات (نصرت الدوله)

شمارهٔ سند: ۸٤٦
موضوع: روشنایی تبعهٔ متبرکه امامزاده محمد پسر حضرت امام علی النقی (ع)
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۱۷ هـ . ق)
کارتن: ۵
پرونده: ۱۱

عریضهٔ دعاگو حاجی میرزا محمد ذوالریاستین ساکن سامرا به مظفرالدین شاه

عرضه داشت اقل دعاگو به خاکپای جواهرآسای اقدس شاهنشاه جمجاه اسلام‌پناه خلدالله ملکه آن است، که امامزاده واجب‌التعظیم حضرت سیدمحمد پسر حضرت امام علی النقی علیه‌السلام است در جلالت شأن و نبالت و بزرگواریش زبان قاصر است، صاحب کشف و کرامات و مرقد منورش زیارتگاه زوار و اهل بادیه از عرب و عجم، از دور و نزدیک و مجاوران بقعهٔ متبرکه و سکنهٔ اطراف پیوسته به زیارت آن بقعهٔ شریف مشرف‌اند در شش فرسخی ثرمن رای واقع شده ثانی حضرت ابوالفضل است بعضی از تعمیرات لازمه را بانیان خیر بنا نمودند مشغول‌اند ولیکن تا به حال روشنایی چراغ ندارد و استدعا از مراحم و عواطف ملوکانه آن است محض سلامتی وجود مبارک اعلی حضرت اقدس شهریاری روحنا فداه دستخط آفتاب نقط شرف صدور یابد اسباب روشنایی و چراغ این بقعهٔ متبرکه منتظم شود و تولیت چراغ او را مرجوع و محول به این دعاگو و غلامزاده میرزا مهدی فرموده اگرچه در سابق به استصواب مرحوم امین‌الملک به خاکپای جواهرآسای مبارک عرض می‌شد از قرار معلوم دستخط مبارک شرف صدور یافته ولیکن دعاگو مبتلا به ناخوشی جوان سی‌ساله بوده نتوانست رسیدگی نماید آخر فدا شد ترحم به این پیر شکسته فرموده که سالها خدمت به دولت و ملت نموده، الحال دو سال است در دارالخلافهٔ طهران با حال پریشان با کثرت عیال به علاوه مصیبت این جوان پربالم گسسته شده، الامرالاجل الاقدس مطاع مطاع.

محل مهر: ذوالریاستین

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه]
ــ هو، جناب اشرف صدراعظم، برای چراغ امامزاده علیه‌السلام یک مبلغی که

خودتان صلاح دانسته معین کنید که به توسط ذوالریاستین به مصرف چراغ آنجا برسد.
امضای مظفرالدین شاه

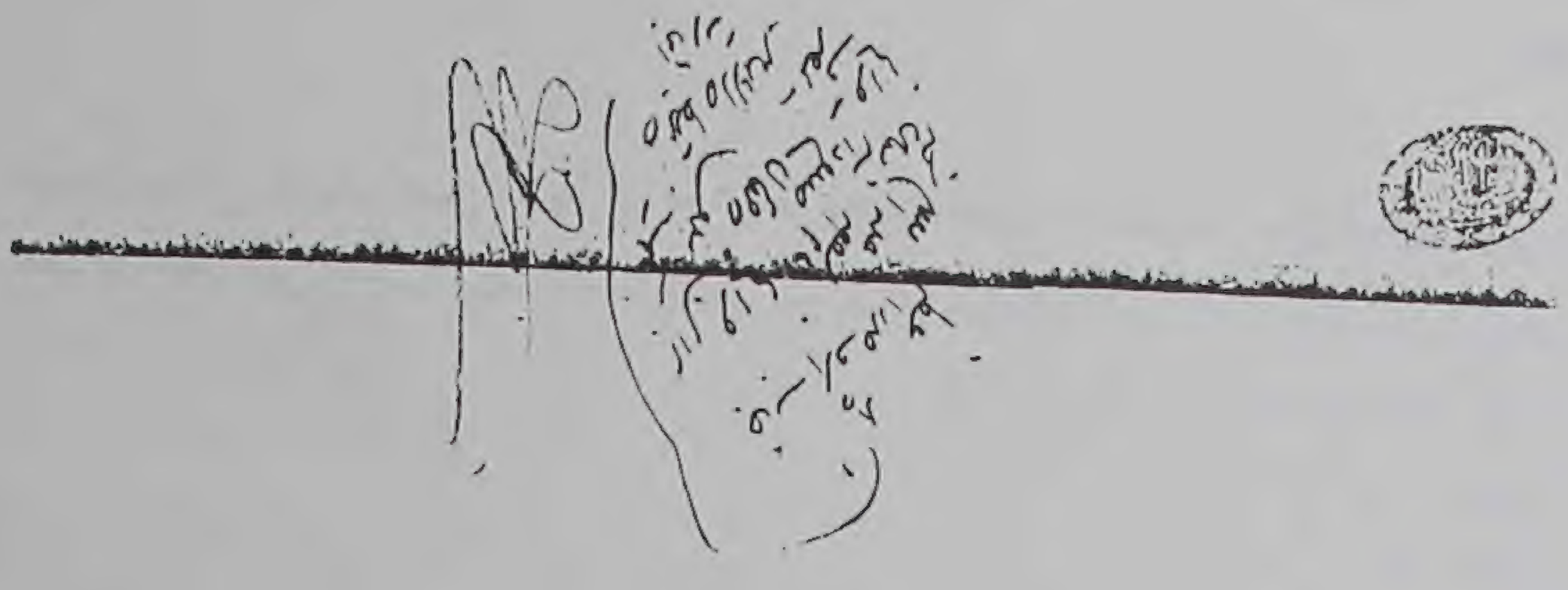

شمارهٔ سند: ۸٤۷
موضوع: تبریک ورود موکب شاه
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۱۸ هـ.ق
کارتن: ۵
پرونده: ۱۱/۲۰

تلگراف نظام‌العلما عراق عرب به وزارت خارجه

قربانت گردم، امیدوارم وجود مبارک در امان خداوند تبارک و تعالی و در پناه حضرات ائمه اطهار علیهم السلام محروس و محفوظ و همواره در ظل مرحمت اعلی حضرت قدرقدرت ظل اللهی ارواحنافداه و در کنف حمایت و لطف حضرت اشرف اعظم صدارت دام اقباله العالی ممتاز و منتخب باشید، اگرچه تلگرافاً اظهار دعاگویی و عرض تبریک به خاکپای اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه و حضور مبارک حضرت اشرف اعظم نموده ولی حقیقتهً سزاوار است خدمت حضرت عالی تبریک و چشم‌روشنی نزول و تشریف قدوم همه را عرضه دارم، ان‌شاءالله در اقرب زمان بعد از مراجعت از این سفر بر ترقیات کامله و امتیازات و حیثیات فائقه حضرت‌عالی افزوده باد، زیاده عرضی ندارد ایام دولت مستدام باد.

داعی، نظام‌العلما

مهر نظام‌العلما

توجه کردم امیدوارم وجود مبارک در لوای حضرت اقدس باری تعالی

و در پناه حضرات ائمه اطهار علیهم السلام محروس و محفوظ و همواره در ظل مرحمت اعلیحضرت اقدس

طلب الهی از درگاه خداوند و در کنف حمایت و لطف حضرت اشرف اعظم صدارت عظمی

تمنا دارم شب شهید اگر چه تلگرافا اظهار دعاگوئی و عرض بندگی نموده

شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه و حضور مبارک حضرت اشرف اعظم نموده

سرادارات حضرت حضرتا تبریک و چشم روشنی بدل و تشریف قدوم همایون

عرضه دارم انشاء الله در اقرب زمان بعد از مراجعت اداره مسعود

دامن رأفت و حمایت فائقه حضرتعالی از فرق بندگان کاملا

دائمی نظام العلماء

شمارهٔ سند: ۸۴۸
موضوع: پاسخ علاء الملک در باب شکایت حجاج و شیخ الاسلام
نمره: ۵۹۶
تاریخ: ۱۵ شعبان ۱۳۱۸ هـ . ق
کارتن: ۵
پرونده: ۱۱/۱۹

نامهٔ علاء الملک به وزارت خارجه

در باب شکایتی که حجاج عموماً و شیخ الاسلام ترشیز، خصوصاً از ذوالفقار بیک مأمور جده کرده‌اند و صورت دو فقره شکایتنامهٔ آنها را ارسال فرموده بودید ملاحظه نمودم، اولاً به این شکایت دو طبقه محرک هستند یکی آنهایی که طالب این مأموریت هستند و از وضع رفتار آنها متنفر و از هر جا رانده و مانده‌اند، نمی‌شود مأموریت داد دستشان از هر جا بریده به روزنامجات خبر می‌دهند، این اخبارات را می‌نویسانند، دیگر عکامها هستند که مال به حجاج کرایه و در هر منزل به هزار زحمت آنها را مبتلا کرده پول می‌گیرند و مردم را به حرفها و تهمتها از مأمورین متنفر می‌کنند که نزدیک نیایند و شکایت نکنند و آنها هرچه گرفته و کرده‌اند در میان برود، دویم عقل میزان کارهاست در این شکایتنامه می‌نویسند قایقچی از ما این‌قدر حمّال فلان قدر گرفت و با مأمور شریک هستند می‌روند قسمت می‌کنند سال گذشته قیمت قایق و حمّال فلان قدر بود، مثل آن که سال قبل هم آمده دیده بودند، مگر حکومت و اختیار ولایات عثمانی را به مأمور ایرانی سپرده‌اند و هیچ پولیس [پلیس] و مواظبت ندارند که مأمور ایران در داخلهٔ قایقچی و حمال را داخل تحت اطاعت خود کرده با آنها شریک بشود تا دلش هرچه خواست بکند اگر قایقچی و حمال تبعهٔ عثمانی چیز علاوه گرفت خودش می‌خورد مجبوریتش کجاست که با مأمور ما قسمت نماید، در طهران سفیر انگلیس می‌تواند به حمال ایرانی بگوید که برنج به فلان قیمت باید حکماً به سفارت من حمل و نقل بکنی تا مأمور ایران با قدرتی که دارد این حکم را بکند زبان از گوشت است و میدان تهمت وسیع، کسی هم به دهن کسی نمی‌زند هرچه دلش می‌خواهد می‌گوید چاره چیست، اغلب حجاج از اسلامبول برمی‌گردند پس چرا این شکایتها را به سفارت نمی‌آورند مانده

پول تذکره، اگر او را هم مأمور ایران نگیرد از کجا کرایهٔ ذهاب و ایاب و اقامت و شام و نهار آدم و نوکر و خرج پذیرایی عثمانی ها را برساند هیچ کس مفت حمّالی نمی‌کند وانگهی دول دیگر که به مأمورین خود مخارج کافی می دهند از مردم به هزار اسم و رسم مالیات می‌گیرند که ابداً در ایران متداول و معروف هم نیست چه می شود حاجی مستطیع در عمرش یک سفر کرده پنج تومان به مأمور دولت خود حق الزحمه و حراست بدهد اگر تازه‌جوانها فراموش کرده‌اند از یاد معمّرین نرفته است آن وقتی که مأمور و بیدق و غیره در این محلها نبود چگونه جان و مال همه در خطر بود و چه به آنها می‌گذشت حالا که به راحتی رسیده‌اند برای اینکه سه تومان زیاد خرج نموده‌اند فریادی آورند وانگهی ابداً از آدمهای دانا و مطلع و منصف فریاد بلند نمی‌شود برعکس چند نفر از دور و نزدیکها تعریفها و رضایت می‌کنند این حرفهای بی‌پا و تهمتهای بیجا از آدمهای بی سروپا است، اینکه می‌گویند قونسول و مأمور در فلان ماده شریک است از کجا و به چه سند، از اثبات بگذریم، یکی قرآن جلو بگذارد قسم بخورد که علم و اطلاع دارم این‌طور است هرچه می خواهند بنده جبراً از مأمور گرفته به آنها بدهم ولی به تهمت و ادعا به چه دست‌آویز و دلیل دنباله می توان داد.

آنکه شیخ الاسلام ترشیز است هیچ شده که کسی در سه روز مسافت به قول خودش هزار و پانصد تومان را به آب انداخته آمده در خشکی یقهٔ مامور جده را گرفته است که تو گرفتی خوردی اولاً آن‌قدر که پول افتاد چرا دوباره با قایق برگشته به کنار عودت نکرد که خودش آدم انداخته خورجین را دربیاورد، دویم کدام مأمور ناکس است که تلغراف [تلگراف] خشک و خالی را در دست آوردن مال او مضایقه نماید، از اینها گذشته اسم کاپیتن کدام است، اسم کشتی چیست، اسم حکیم چیست، در جایی ضمیر است به کجا عاید است مگر کشتی یکی است کاپیتان یکی است به سفیر انگلیس باید بنویسیم در چه تاریخ کدام کشتی و کدام کاپیتان خلاف حرکت بی معنی را کرده است، از اینها گذشته جناب شیخ الاسلام از کجا می داند حکیم کرانتین این پول را درآورده و احمق از سه روزه راه نصفش را فرستاد به مأمور جده در کنار دریا هر جا یک نفر رئیس ادارهٔ لیمان است یک‌نفربیکجی است یک نفر پولیس [پلیس] یک نفر رئیس قایقچی یک نفر مأمور بحریه غیر از قراول و آدمهای متفرقه اگر حکیم سحر کرده رفت پول را درآورد کسی ندید چرا با مأمور جده قسمت می‌کند، چرا اقرار بر

این کار و دزدی می‌نماید، اگر در حضور جمعی است او را نمی‌گذارند پول درآورده خودش مالک باشد می‌برند نزد رئیس پولیس [پلیس] او می‌برد نزد متصرف یا والی یا قایم مقام و او به کاغذ این قدر می‌فرستد تا به محلی که لازم است برسد نباید صحرای کبیر را قیاس به امور مملکت خارجه نمود، حالا شیخ‌الاسلام است کسی که دهنش را نگرفته است هرچه می‌خواهد بگوید دلیل به اثبات مطلبی نمی‌شود باری ذوالفقاربیک در ازمیر بود نوشتم بیاید بدانم چه تفصیلی است و تا اسامی و تاریخ معلوم بشود هیچ گونه تحقیق ممکن نیست اسم کاپیتن کشتی را مقرر فرمایید بنویسند، بنویسید در تقریر رسمی اسم نوشتن مجبوری است. محمود

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

جناب اشرف اتابک اعظم، خوب است وزیر در این مسائل رسیدگی و مداقه نماید و به هر طور مقتضی است جواب علاءالملک را حقاً بدهند و اگر صحیح عرض کرده است مردم چرا باید این عنوانها را بکنند.

امضا: مظفرالدین شاه

۱۵ شهریور ۱۳۱۸
۵۹۶

ارباب شکایتی در حاج عمرو، و شیخ الاسلام تربت حیدریه نامه ای به حضرت

در فقره شکایت نامه ارباب رازی در نمره بعد مذکر خطه نمودم اولا این شکایت در طبقه

محرک همیشه کمی دنهاست که طالب این مأموریت همیشه دارد خصم رفتار آنها متنفر و از آنها

رامده و مانده نمیشود مأموریت راد دشمن از هر جا برده بروز، سوء حیات خبر آنها

این اخبارات را نمیدهند غیر عمله ها هستند در مال بحاج گرایه دار هر منزل هزار

زحمت انها را مبتلا کرده بدل میگیرند و همه را از حرفها و تهمتها از مأمورین متنفر می کنند

که نزدیک نیایند و شکایت نکنند و آنها هرچه گرفته و کنه لذ در میان برده

عقیده ما این کار ها است در این شکایت، نه منوسنه تا نفحی زاده بهتر حال لذ بقدر

گرفت و با مأمور شریک بیشه سر قند قسمت می کنند سال گذشته قیمه قاین دلال

لذ نقد تر بعد شنیدم که سال قبل هم آمده بود بعد مکر حکومت و اختیار دلدادگی را

با مأمور ایرانی سپرده لذ و هیچ پولیس و مراقبت ندارند در مأمور ایران در داخله تا نفحی

داخنی سخت طاعت خود کرده، انها سر یک بیشه، تا دلش هرچه خواست بکند

اگر تا نفحی و حال بعه عثمانی چیز بلده گرفت خودش بخورد مجبور نیست که

با مأمور قسمت نماید در طهران غیر کنسلس متوانند نحال ارزانی بگیرند در بیرجند نقد ان قیمه

با مرحمت سفارت نمی حمی و نقتی بکنی تا، مأمور ایران با قدر یکه دارد ایکنم را بکند.

زبان از گزشت ملت و سیاست بهمت و سعی کسی نمیزند هر چه دلش میخواهد میگوید چاره چیست
غلب حجاج از اسلامبول برمیگردند پس چرا این شکایتها را شنیده نمیشود و نمانده دل
بدگمان اگر اندرین هم مامورین بکنند کاری از دماغ و ریا بر قناعت و شام زنهار
لقمه و نگر و خرج پیرانه عشا نهاد را بر سفره هیچ کس منت حمایلی نکنند و انگهی حال دیگر بهاری
خود خارج کافی میدهد از مردم هزار اسم و رسم مالیات میگیرند در ایران سه دل و سیر
هم نیست چه میشود حاجی میتواند در عمرش یکبیز کرده بچشمان مامورین دولت خود حق ندهد و حرارت
بدهد اگر تازه جوانها فراموش کنند که از دریای بیمرتبه نرفته است در قرن ما مورد پیدا و غیره در
این مکتبها منفعت چگونه جان و مال همه در خطر است بدهد نهاد سکینت حالا که راحتی رسیده لذت
برای آنکه سه تومان زیاد خرج نموده لذت فرمایی آورند و انگهی ایران از راههای دزد و مطلع و منصف
فرمایی نمیشود برعکس هیچ نفر از هر روز دیگر تعریفها در ضایعات می کنند انچه فهای بی و تهمتهای
پیما از آدمهای بی سر و پا است هیچ سکونه قوانین مامور در فندن تا که شریک تهای زرگی
و بچه سنه از اثبات نکذریم کمی قران جلو نگذارد قسم بخورد و علم و اطلاع دارم انطور که
سیخواهند بنویسند از مامور گرفته تا نهاد هم و لی بهمت و اداعا که دست او زد و بهمن و نامه
بتوان داد انکه شیخ الاسلام تاثیرات هیچ شده کسی در سه روز ساقت بقول
خودش هزار و پانصد تومان را با آب و آتش در خشکی بقیه مامورین را گرفته است در تو
گرفتن خوردی او تا نصف در پول فتاد چرا دوباره قانون برگشته تکذار عودت بگذارد خود خوش
لقمه از اخته خوردن را در پیاورد چرم که لم مامور نکیست و تلغراف خشک و خالی را

شمارهٔ سند: ۸۴۹
موضوع: تعمیرات ایوان صحن مطهر جواد بن علیهماالسلام
نمره: ۵۷۶۷
تاریخ: ۲۵ شعبان ۱۳۱۸ هـ. ق
کارتن: ۵
پرونده: ۱۱/۲۰

سواد کاغذ وزارت خارجه در عراق عرب به نظام‌العلماء

مرقومات شریفهٔ جناب‌عالی به صحابت چاپار مقرّ واصل و از مژدهٔ عافیت و استقامت مزاج کثیرالابتهاج نهایت مسرت و خوشوقتی حاصل شد تفقد احوالی هم که به اقتضای محبت و ملاطفت فرموده بودید به حمدالله والمنّه روزگاری به سلامت و عافیت می‌گذرد، تلگراف جناب‌عالی مشتمل به تبریک ورود موکب همایون روحنافداه رسید به عرض حضور همایون رسانیده و جواب آن را هم تبلیغ نمودم در باب فوت مرحوم حاجی میرزا عبدالحسین اخوی هم که اظهار تأسف فرموده بودید معلوم است مقتضیات مهربانی و ملاطفت جناب‌عالی این است که در غم و شادی بنده شریک باشید، لیکن همان‌طور است که مرقوم فرموده‌اید با قضا و قدر کاری نمی‌توان کرد باید در مقام رضای خداوند تفویض و تسلیم شد، خداوند جناب‌عالی را در دوستی و محبت پاینده بدارد.

در مسئلهٔ تعمیرات ایوان حضرت جواد بن علیهماالسلام، سرکار مجدالاسلام آقای فاضل شرابیانی دامت افاضاته مرقوم فرموده بودند که به جناب‌عالی محول فرموده‌اند بسیار بجا و بقاعده بوده است و با آن اهتماماتی که جناب‌عالی دارید یقین دارم آن طوری که منظور دولت و علمای اعلام است در انجام این کار توجه خواهید فرمود، خداوند جناب‌عالی را همیشه به این گونه خدمات خیریه موفق فرماید. زیاده زحمت نمی‌دهد ایام افاضت مستدام باد. (نصراله مشیرالدوله)

۲۸۲۱

۵۷۶۷ رد کامند وزارت خارجه در عراق عرب بنظام العلما

۲۵ شهر شعبان المعظم ۱۳۱۸

مرحمات شریفه خالصانه حضرت عالی، رهین داصلی دارم مزید عاطفت و اشفاقت مزاج کیمیا امتزاج مهابت
مسرت و خوشوقتی حاصل شد لعمد الله و المنه روزگار
تلافات عاطفت سکندری مکرر خاطر عاشق پرور دوستدار را از روی کمال مسرت مخاطب فرمود
حضور همایون رسید و جواب آنرا مشعر بمزید امتنان و شکرگزاری مرحوم حاجی میرزا سید الحسن اخوی هم
که اظهار تأسف فرموده بودید معلوم است مقتضیات مهمات و ملاطف خاطر این است که در غم و شادی
شریک باشید لکن همانطور است که مرقوم فرموده اید قضا و قدر کاری نگران کرده باید در مقام رضای خداوند
تفویض و تسلیم شد خداوند خاطر را در دوستی و محبت نسبت بدولتین علیتین در مسئله تعمیرات ایران خصوصاً جواب
طلبهای اسلام سرکار رحمة الاسلام آقای حاجی میرزا ... بدولت آن خاطره مرقوم فرموده بودند که بنای حالا محول فرموده
اند بسفارت دولت علیه ... آنچه از همه
زیاده رحمت نمیدهد اتمام آن خدمت سفارت است (نصرت الدوله)

شمارهٔ سند: ۸۵۰
موضوع: اضافه مقرری نظام‌العلماء
تاریخ: ۱۴ ذی‌القعده الحرام ۱۳۱۸ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۴۲

نامهٔ ژنرال قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه

هو

تصدقت شوم، در ضمن تلگراف رمز چند روز قبل به عرض حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم عالی روحی‌فداه رساندم که جناب مستطاب آقای نظام‌العلما وجود خیلی محترم و برای اهالی ایران در عتبات عالیات خیلی مغتنم‌اند، وجود خودشان را صرف خدمت دولت ابدآیت علیه نموده‌اند در حق زوار و مجاورین بی‌اختیارند از هیچ چیز مضایقه ندارند خانه و مال خودشان را برای پذیرایی زوار و مجاورین همیشه حاضر دارند علمای عظام نهایت اعتماد به اقوال و افعال ایشان دارند. در عراق عرب بی‌نظیر و منفرد دارای صفات حمیده و اوصاف پسندیده و صاحب مکارم اخلاق‌اند استحقاق بذل مراحم عالیه را دارند. سالهاست حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم عالی روحی فداه وعدهٔ اضافه مقرری به ایشان فرموده‌اند و منتظر محلی بودند. حالا محل بهتر از مواجب مرحوم مغفور اسدالله میرزا که در نجف اشرف به رحمت ایزدی پیوسته نیست آن مرحوم بلاعقب‌اند اولادی ندارند، استدعا دارد اقلاً دویست تومان از این محل در حق جناب معظم‌الیه برقرار فرمایند که خیلی به‌جا و سزاوار است و یقین است از بذل این مرحمت چاکر و ایشان را قرین افتخار و مباهات خواهند فرمود. زیاده جسارت ندارد. امر اجل امجد اشرف ارفع اعظم عالی مطاع.

فدوی چاکر صدیق ــ محمود

قونسول ژنرالی دولت علیهٔ ایران

دربغداد نمره

تاریخ ۱۴ شهر ربیع‌الاول اکرام

۱۳۱۸

تصدقت شوم

درضمن تکلیف رنمر چند روز قبل بعرض حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجلی اشرف اعظم

رو حیفداه رسانده‌ام درجواب مستطاب آقای نظام العلماء وجود خیلی محترم و برای اهالی ایران درعتبات عالیات

وجود خودشان را صرف خدمت دولت ابدمدت علیه‌اند درحق زوار و مجاورین بی‌اندازه

مضایقه ندارند خانه و مال خودشان را برای پذیرائی زوار و مجاورین همیشه حاضر دارند

اعتماد باقوال و افعال ایشان دارند درعراق عرب بی‌نظیر و منفرد دارای القاب حمیده و اوصاف

وجب مکارم اخلاق‌اند استحقاق بذل مراحم عالیه را دارند سالهاست حضرت مستطاب اجلی اشرف اعظم

روحی فداه وعده اضافه تقرری ایشان فرموده‌اند و منتظر مجلس بودند حالا هم بهتر از سابق

بهداشت مسافرت برحمت ایزدی پیوسته‌اند آمرزش بعد عقب‌اند اولادی ندارند

اقلا دویست تومان ازاین مبلغ درحق جناب معظم الیه برقرار فرمایند درخیلی جاها مرسوم است

ازبذل این مرحمت چاکر دعایشان را درین اقطار و مسافات خواهد فرمود

امر امر اعلیحضرت اقدس اشرف ارفع اعظم عالی مطاع

شمارهٔ سند: ۸۵۱
موضوع: گزارشات وقایع نگار کردستانی
تاریخ: ۱٤ ربیع الاول.۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پرونده: ۹

گزارشات وقایع‌نگار کردستانی به وزارت خارجه

به حمدالله از توجهات کامله و اهتمامات وافیه و اقدامات لازمهٔ حضرت مستطاب اجل اشرف اکرم اعظم، آقای مشیرالدوله وزارت جلیله امور خارجه مدظله العالی، قاطبه رعایای داخله و خارجه مرفه الحال به دعای بقای دوام عمر و اقبال و شوکت و اجلال ذات اقدس و وجود مقدس همایونی ارواح العالمین فداه عن صمیم قلب اشتغال در طب اللّسان می باشند. در این اوقات شیخ حسن نامی از اهل سنت و جماعت که در طریقهٔ قادری و مرید شیخ عبدالقادر گیلانی است در بین قصبات کرکوط و سلیمانیه خاک دولت علیهٔ عثمانیه ظهور و خروج و خلقی در اطراف و جوانب مشارالیه جمع شده‌اند کثرت انبوه مخلوق او را مغرور نموده، مکاتبات و نوشتجاتی به توسط نوکرهای مخصوص به اطراف و جوانب من جمله کردستان فرستاده و منتشر ساخته، حاصل سخن و مضمون نوشته‌اش این است، که از جانب ابوبکر و عمر و عثمان وحضرت مولای متقیان علی ابن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیه به من خبر رسیده که به تمام ممالک روی زمین اطلاع و اخبار دهم و قاطبهٔ بندگان خدا را مستحضر نمایم که در سنهٔ ۱۳۲۳ یک هزار و سیصد و بیست و سه یا در ۱۳۲۲ قیامت قیام خواهد نمود. به اعمال حسنه و رفتن به مکّه معظّمه و اماکن مشرّفه و صلوات و صیام و دادن خمس و ذکوة قیام و اقدام نمایند علمای اعلام کردستان و ایالت جلیله جواب او را مرقوم و به توسط گماشته‌اش روانه نمودند.

خدمات امسالهٔ جنابان حاجی فتح ملک و یمین لشکر لشکرنویس‌باشی فوج ظفر نسبت به دولت قوی‌شوکت در سرحد اورامان و مریوان و جلوگیری قبایل و عشایر جاف و منظم نمودن آن اطراف و اکناف بدون ضرر و خسارت واردهٔ بر دولت باعث هزار گونه تعریف و توصیف است. امیدوارم که خدمات و زحمات این دو نفر منظور نظر

مبارک دولت قوی‌شوکت و حضرت وزارت‌پناه ارواحنافداه باشد. الحق جنابان حاجی فتح ملک و یمین لشکر اهتمامات و اقدامات مجدانه در انتظامات آن سامان نمودند.
محض استحضار خاطر مبارک عرض شد
۱٤ ربیع الاول ۱۳۱۹
اثر مهر وقایع نگار

بجمله از توجهات کامله راهنمائیات وافیه رافدات لدنیه حضرت عطاب اجل اشرف
اکرم اعظم آقای مشیر الدوله وزارت جلیله امور خارجه مرتبه اعلی
تا طبقه رعایای داخله و خارجه هرفه‌الحال بدعای بقای وجود اعمر ذات مبارک دولت و اجلال
ذات اقدس روحی و جسمی فداه مواظب و بروا ح ابی من فداه غنیم قلب استمداد
و رطب اللسان میباشند

درین اثنا شیخ حسن نامی از اهالی رشت رجماعت مرد و طریقه قادری و پیرو شیخ عبد
لیکه نامیده درین قصبات کرکط وسیلیانه حالی و رشت علنه عقاید
ظهور و خروج و خلقی در اطراف و جوانب شیراز رجوع میشود کشف اینده مخلوق
او را مغرور نموده مکاتبات و نوشتجات توسط نوکرهای مخصوص باطراف و جوانب
من جمله کردستان فرستاده منتشر ساخته
حاصل سخن و مضمون نوشته اش اینست که از جانب ابو بکر
و عمر و عثمان (۲ ۳ ۵) حضرت مولی المتقیان علی ابن ابی طالب صلوات الله علیه
به من خبر رسیده که در بعضی از ممالک رفسنجان و اطراف و اخبار دهم

رقیطه بندگان خدا را مستحضر فرمایند در سنه ۱۳۲۳ یا در ۱۳۲۲ یکهزار و سیصد و بیست و سه

قیامت قیام خواهد نمود باعمال حسنه رفتن به کعبه معظمه و اماکن شریفه

و صلوة و صیام و ارکان خمس و زکوة قیام و اقدام نمایند علمای اعلام لعوذ

و ایالت جلیله جواب ادرار امر و بتوسط کارسته آتی روانه خواهد شد

خدمات ارسالیه جنابان حاجی فتح الله و یمین لشکر لشکر نویس ها فتح ظفر

ثبت بدولت قویشوکت در سرحد اردبیل و جلوگیری قشون روس

جلب و منظم خواهد شد لکن اطراف را کاملا بدون ضرر و خسارت دارد و ۵ برابر

باعث هزار رتبه تعریف و توصیف است امید داریم در خدمات و زحمات

این دو نفر منظور نظر مبارک دولت قویشوکت و حضرت وزارت پناه

از دیاد حاصل فرمایند انشاء الله جنابان حاجی فتح الله و یمین لشکر

و ملاحظات و دقت لازمه در انتظامات لشکریان بعمل خواهد آمد

۳۱۹

محصر است حضار خاطر مبارک عرضی نیست ۱۴ ذی القعده

شمارهٔ سند: ۸۵۲
موضوع: امور مذهبی و نصب ضریح
نمره: ۱۶۵۹
تاریخ: ۱۹ ربیع الاول ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤۰

سوادِ کاغذ وزارت خارجه به اعتلاءالملک

چند فقره توصیه از طرف حضرت اشرف یکی به جناب شریف مکه و یکی به والی حجاز و یکی به محافظ پاشا والی مدینه و یکی به شیخ الحرام (شیخ الاحرام) بنویسید که یک دستگاه ضریح از طرف جناب اجل آقای امین السلطنه برای ائمه بقیع سلام الله علیهم تقدیم شده است، لازمهٔ همراهی و مساعدت از طرف آنها در نصب آن ضریح بشود. این نوشتجات را زودتر حاضر کرده بیاورید به مهر برسانم جناب جلالت‌مآب اجل نامه‌نگار زید اقباله به القاب و عنوان آنها مسبوقید مسوده نمایید، شما بنویسید زودتر بفرستید. (نصراله مشیرالدوله)

۱۹۵۹

نطق کاغذ وزارت خارجه باعتلاء اعلیحضرت
۱۹ شهر ربیع الاول ۱۳۱۹

عریضه از طرف حضرت اشرف یکا بجناب شریف مکه ویکا بوالی حجاز ویکا بمحافظ پاشا والی مدینه ویکا بشیخ الحرم

یک دستکاه ضریح از طرف جناب اجل اقای امین السلطنه برای ائمه بقیع سلام الله علیهم تقدیم شده است لازمه

همراهی و مساعدت از طرف انها در نصب آن ضریح بعمل اید نوشتجات را زود تر حاضر کنید بیاورید بمهر برسانم

جناب صاحب القاب اجل نامه نگار رشید اقا به القاب و عنوان انها مبادرت نمایند نوشته زود بفرستید انشاالله

شمارهٔ سند: ۸۵۳
موضوع: امور مذهبی و نصب ضریح
تاریخ: ۲٤ ربیع الاول ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤۰

سواد مراسلهٔ اتابک اعظم به محافظ پاشا محافظ مدینهٔ منوره

خدمت جناب دولت‌مآب فخامت و نبالت انتساب جلالت و مناعت اکتساب محافظ پاشا محافظ مدینهٔ منورهٔ دام اقباله العالی زحمت اظهار می دهد، جناب مستطاب اجل حاجی امین السلطنه که از وزرای محترم این دولت است به اقتضای بروز حسن ارادت خود به خاندان حضرت رسالت پناهی صلوات الله علیه و آله چند دستگاه ضریح برای قبور ائمه اطهار بقیع سلام الله علیهم اجمعین مهیا نموده و دوستدار اجازهٔ نصب آنها را از حضور عنایت دستور اعلی حضرت اقدس همایون سلطان عظیم الشأن کل ممالک عثمانی ادام الله تعالی ایام سلطنت حاصل کرده و اینک برای تنصیب ارسال مدینهٔ منوره داشت. اتحاد یک جهتی دولتین علیّتین ایران و عثمانی و حسن موافقتهایی که همواره از جناب‌عالی دربارهٔ اتباع این دولت علیه به عمل می آید مقتضی است که در این موقع هم به بروز مساعدت و همراهی های مقتضیهٔ دوستار را قرین کمال امتنان دارید، ایام اقبال به کام باد. (اتابک اعظم)

حلو مراسله آتابک اعظم بحافظ پاشا حافظ مدینه منوره

۲۴ شهر ربیع الاول ۱۳۱۹

خدمت جناب جلالتمآب تجارت ثروت صناعت اکتساب حافظ پاشا حافظ مدینه منوره دام اقباله العالی زحمت اظهار میدهد

جناب مستطاب اجل عظام مکارم آداب نظام الدوله وزیر امور خارجه محترم امیدولت است با قضای بروز حسن الطاف خسروانه بخاندان حضرت نصب رسالت پناهی صلی الله علیه وآله چند دستگاه ضریح بالای قبور ائمه اطهار بقیع سلام الله علیهم اجمعین مهیا نموده و رسته ارا جاره انهارا از حضور عنایت دستور اعلیحضرت اقدس همایون سلطانی عظیم الشأن کل ممالک عثمانی ادام الله تعالی ایام سلطنته حاصل کنید و ضمنا بالای نصب ارسال مدینه منوره دانست اتخاذ بجهت و تلقین علمای ایرانی و عثمانی و حسن موافقهای در همواره از جنابعالی درباره اتباع امیدولت علیه بعمل میآید مقتضی است که در این موقع هم به بروز مساعدت و همراهی مقتضیه و رسته ارا قرین کمال امتنانی دارید ایام اقبال بکام باد (آتابک اعظم)

شمارهٔ سند: ۸۵٤
موضوع: گمرکی که عثمانی ها از اسب و شتر زوار می‌گیرند
نمره: ٤۷
تاریخ: ٤ جمادی الاول ۱۳۱۹ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۳۲

ترجمهٔ نامهٔ وزیر خارجه دولت عثمانی به سفارت ایران در اسلامبول

دو فقره مراسلهٔ محترمهٔ آن سفارت مورخهٔ ۱۵ شوال نمرهٔ ۸۲ و ۲ صفر نمرهٔ ۲۵ در باب منع گمرکیه از اسب و شتر سواری زوار ایرانیه که در خانقین گرفته می شود واصل گردیده موافق اظهارات جناب‌عالی مراتب را از وزارت گمرک استعلام نموده از قرار جوابی که از ادارهٔ گمرک رسیده است ابداً در حق زوار این‌قبیل تعدیات واقع نشده، ولی محض تأمین، چنانکه در ارض روم هم معمول است حیوانات را شمرده الوان و اشکال آنها را می نویسند و از صاحبان آنها ضامن می‌گیرند که در مراجعت آنها را نفروخته بدون کم و زیاد از گمرک رد نمایند و این فقره در ارض روم معمول بوده، ابداً تاکنون شکایت واقع نشده و در صورتی که حیوانات را بدون ثبت وارد نمایند و عوضی خارج نمایند اسباب پایمالی پنج لیره رسوم مقرره خواهد شد، لهذا خوب است به توسط سفارت به آنها اشعار شود اشخاصی که اسب و شتر می آورند در ادارهٔ گمرک محض اطمینان یا ضامن بدهند و یا حقوق گمرکی را امانتاً در ادارهٔ گمرگ بگذارند و این اشعار اداره گمرک بدیهی است که موافق مصلحت است.

وزیر خارجه توفیق

[illegible]

مورخه مراسله محرمانه ای سفارت مورخه ۱۵ شوال ۱۳۲۵ و ۲ ضمیمه ۲۵ دیپلمات ضمن گزارش
و تشریح سواری زوار ایرانیه که در خاک عثمانی وفات نموده و اجساد آنها را
مراجعت داده اند راجع باینکه از قرار جواب اداره کمرک ریاست ایده در حق
زوار اینطور تعلیمات واضح نشده و از طرف دیگر چنانچه در اراضروم هم معمول است جنازات
شسته الوان و اشکال اجساد را نمیبینند و از حساب آنها صاف میکنند که در مراجعت
بعضی اجساد را
بضروخه بدون کم و زیاد از گمرک رد نمایند و اینطور نوشته اند و تقاضا
شکایت واقع نشود و در صورتیکه جنازات را باینطور نبش وارد نمایند و تقاضا
خارج نمایند اسباب پایمالی پیش آمده رسوم مقرره خواهد شد لهذا خوب است توسط
سفارت باینها اشعار شود که اشخاصیکه اسب و شتر میاورند در اداره گمرک مخصص اطمینان
یا ضامن بدهند و باقی گمرک را اماناً در اداره گمرک بگذارند و اینطور اشعار
اداره گمرک بدهیست که موافق مصلحت است

شمارهٔ سند: ۸۵۵
موضوع: گمرکی که عثمانی ها از اسب و شتر زوار می‌گیرند
نمره: ۸۰۹
تاریخ: ۲۶ جمادی‌الاولی ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۳۲

نامهٔ سفارت کبری ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

چندی قبل از کار پردازی بغداد شرحی به سفارت کبری رسیده بود که از اسب و شتر زوار ایرانیه در خانقین رسمی گرفته می‌شود، برای منع اخذ این رسم از باب‌عالی احکام مقتضیه به مقامات لازمه فرستاده شد، جوابی که از وزارت خارجه در این باب رسیده بود لفاً تقدیم می دارد می نویسند اشکالا تی بزوار وارد نمی شود ولیکن چنانچه در ولایت ارز روم نیز معمول است حیوانات را شمرده و الوان و اشکال آنها را می نویسند و از صاحبان آنها ضمانت می‌گیرند اگر در مراجعت حیوانات را نفروخته و بدون کم و زیاد آوردند فبها و الا رسمی گرفته می شود و تا حال ابداً شکایتی از ارز روم وقوع نیافته و این فقره محض محافظهٔ رسومات خودشان است.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
جناب اشرف اتابک اعظم اقدامی که لازم است به عمل آورده به کار پرداز بغداد هم اطلاع داده نتیجه بخواهند.

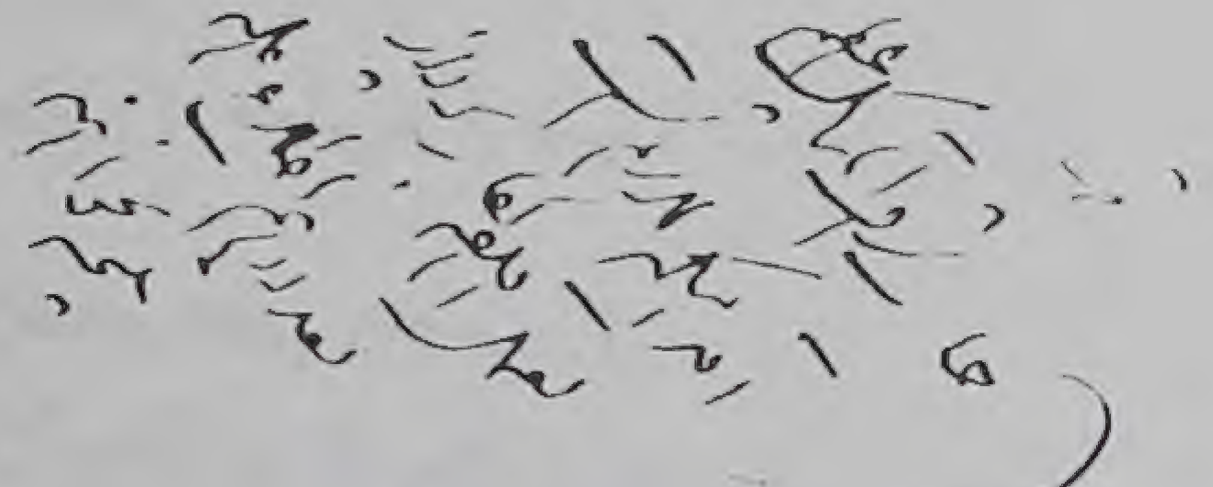

۱۳۱۹
ع ۲ شهر جمادی الاولی
۸۰۹

چندی قبل از کارپردازی نمایندگی شرعی سفارت کبری سیه و بعد در اسلامبول دستور داده

در خصوص رسمی کردن قبالجات برای منع از اخذ این رسم زیادی احکام مقتضیه صادر نفرستاده

فرستاده شد جوابی در وزارت خارجه در این باب رسیده لفاً تقدیم میدارد می نویسند

اشکالی نمی بینند ولیکن چنانچه در ولایت از ضرر این رسم جلوگیری شود

شمرده و الوان و اشکال آنها را مینویسند در حساب آنها ضمانت می کنند اگر

در مرحمت حمایت را نظر داشته و مبلغ کم و زیاد در این فقره و لزوماً رسمی

و تا حال شکایتی از این ضرر وقوع نیافته و این فقره محض من فطه زیادات

خوشحال است

شمارهٔ سند: ۸۵۶
موضوع: نصب ضریح
نمره: ۱۶۶
تاریخ: ۱۱ شوال المکرم ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۴۰

نامهٔ قونسول ژنرالی ایران در بغداد به وزارت خارجه

قربانت گردم، البته خاطر مبارک حضرت مستطاب اجل عالی به مسئلهٔ ضریح که جناب مستطاب اجل عالی آقای حاجی امین السلطنه دام اقباله العالی مخصوص حرم مطهر ائمه بقیع صلوات الله علیهم ساخته اند، مسبوق اند. این روزها بنا بود که حضرت مستطاب سیدالعارفین والموحدین ملاذالانام آقای حاجی سیدعلی آقا دامت برکاته به مکهٔ معظّمه و مدینهٔ منوّره مشرّف شوند، برای نصب ضریح چند روز قبل از کربلای معلی به بغداد تشریف آوردند که تدارک سفر ببینند کسالت پیدا کردند که از حرکت و سفر ممنوع شدند. مراتب به عرض حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف ارفع امنع عالی آقای اتابک اعظم مدظله العالی رسید، مقرر فرمودند که حضرت آقا دامت برکاته حرکت نفرمایند و هرکه را صلاح دانند برای انجام این کار معین و روانه فرمایند. حضرت مستطاب آقا بکربلای معلی مراجعت فرمودند از آنجا به فدوی مرقوم فرموده اند که برای انجام این خدمت یحیی خان مشاورالوزاره را معین فرموده اید برود ضریح را نصب نماید و یک نفر را به جای خود وکالت بدهد تا مراجعت نموده و سر خدمت خود حاضر باشد. لازم دانستم مراتب را به عرض حضور مبارک حضرت مستطاب اجل عالی برسانم، یقین است اجازه خواهند فرمود که مشاورالوزاره سه چهار ماهه برود این خدمت را انجام دهد و در این سه چهار ماه معتمدالسلطان ناصرخان ترجمان به وکالت او در کربلای معلی مشغول خدمت خواهد بود تا مشاورالوزاره به سلامتی انشاءالله مراجعت نماید. امر اجل امجد ارفع عالی مطاع.

اثر مهر، محمود

اداره اوراق و اسناد وزارت امور خارجه ایران
سفارت کبرای شاهنشاهی ایران
بغداد
شماره ۱۱۱۱
تاریخ ۱۱ آذر ۱۳۳۶

قرائت کردم

البته خاطر مبارک خصوصی مستطاب حجج اسلام

مسطور

در جواب مستطاب حجج اسلام آقای حاجی امین ایدهالله دام تأییده الی مخصوص محرم

ایمن تقبع صلوات الله علیهم ساخته اند سبوق آمد این روزها بعضی

در خصوص مستطاب سید العارفین والموحدین ملاذ الانام آقای

حاجی سید علی آقا دامت برکاته بکه معظمه و مدینه منوره مشرف شوند

برای نصب صریح چند روز قبل از کربلای معلی بغداد تشریف آورند

در مدارک نفرمایند کسالت سید الرؤساء از حرکتی دیگر ممنوع

شوند مراتب بعرض حضور مبارک بندگان حضرت

اشرف ارفع اسنع عالی آقای رئیس الوزراء اعظم مدظله العالی

رسیده مقرر فرمودند حضرت آقا دامت برکاته هرگونی نفرمایند

و هرگونه را صلاح دانند برای انجام این کار متعین و روانه فرمایند

شمارهٔ سند: ۸۵۷
موضوع: امور مذهبی و نصب ضریح
نمره: ۱۱٤۹
تاریخ: ۲٦ شوال ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤۰

کاغذ به سفارت کبرای ایران در اسلامبول

به جهت نصب ضریح مطهر ائمه بقیع صلوات‌الله علیهم اجمعین قرار این بود جناب مستطاب ملاذالموحدین قدوه* السالکین، آقای حاجی سیدعلی قطب سلمه‌الله تعالی تشرف جبه ضریح مطهر را نصب نمایند، به علت کسالت و عارضه که ایشان داشتند انجام اینکار را بر عهدهٔ معتمدالسلطان میرزا یحیی خان مشاورالوزاره پسر جناب مشاورالملک که مأمور کربلای معلی است محول داشته که آن خدمت را به طور مطلوب انجام بدهند در این خصوص از طرف قرین اشرف بندگان حضرت اشرف دامت عظمه هم شرحی به جناب عالی توصیه و سفارش شده است. بدیهی است به طوری که مقرر فرموده‌اند از باب‌عالی احکام لازمه به مأمورین عثمانی صادر نموده قونسول جده هم تأکید بلیغ خواهند فرمود که در پیشرفت این مقصود و نصب ضریح مطهر نهایت همراهی و مساعدت را با مشاورالوزاره نماید که این خدمت با سعادت انشاءالله انجام شود.

نصراله مشیرالدوله

* قدوه: پیشوا، کسی که به او اقتدا کنند.

۱۱۴۹

مأمور تجارت گمرکی ایران در اسپه سول

سواد ۲ سؤال ۱۳۱۹

وزارت امور خارجه
آرشیو

نمره ۱۱۴۹

تلگراف

جناب مستطاب اجل اکرم حاجی سید علی قطب السلطنه دام اقباله شیراز

جناب مستطاب اجل اکرم حاجی سید علی قطب السلطنه دام اقباله شیراز

تلگراف جناب مستطاب عالی راجع باینکه از طرف دولت علیه ایران مأمور تجارت گمرکی در اسپه سول معین شده اید و اینکه اگر حاجی سید علی قطب السلطنه دام اقباله شیراز

ترجمه تلگراف جناب مستطاب عالی را بقونسول دولت علیه ایران در اسپه سول مخابره نموده و نوشته است که

شمارهٔ سند: ۸۵۸
موضوع: تغییر کار پرداز بصره
تاریخ: ۱۳۱۹ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤۳

گزارش نظام‌العلما به وزارت خارجه

محرمانه

قربانت گردم، ان‌شاءالله وجود مبارک را صحت و عافیت باقی و استقامت وجود مبارک حاصل و برقرار خواهد بود، فدوی هم به حمدالله سلامت و چند روزی از اواخر شهر صیام را مشرف به نجف اشرف شده، اولاً دعاگو و نایب‌الزیاره مخصوص بوده و خواهم بود و ثانیاً در خصوص مقبره، خود فدوی مخصوصاً دیدن و سرکشی به آنجا نموده به حمدالله از باطن آن مرحوم و صفای نیت و خاطر بندگان حضرت اجل خیلی خوب شده و کاملاً به اتمام رسیده و فعلاً هم یک نفر خادم به جهت آنها قرار داده مشغول خدمت است، بعدها را هرگونه امر و مقرر می فرمائید اطاعت خواهد شد و تعلیقه مبارکه هم واصل و زیارت از سلامتی وجود محترم افخم شکر و حمد خداوند را به جای آورده و در خصوص کار پرداز بصره و ساعدالملک شرحی مرقوم فرموده بودید که در صدد اصلاح و تغییر و رفع بعضی از ناحسابی ها خواهید فرمود، بنده آنچه باید و شاید خدمت علمای اعلام سابقاً و حالاً عرض نموده و خواهد نمود، ولی این گونه امور مهیجه و ظلم و تعدیات فاحشه را لازم بود خیلی زود در صدد چاره و رفع برآیید به جهت آنکه دولت‌خواهم و جان‌نثار و خدمتگزار و خدا می داند از اول استقراضی از دولت روس و در مسافرت خبریه موکب اقدس همایونی ارواحنافداه تا مراجعت و تاکنون فدوی چه خدمات شایان و نمایان به دولت علیهٔ عالیه نموده و با این پنج شش نفر از علمای اعلام که امروز قوام دین اسلام و پیشوایان انام هستند چه مذاکرات نموده و چه صحبتها داشته و چه قدر مصالح و محسنات گوش‌زد آنها نموده‌ام، حتی این سفر که نجف اشرف مشرف شدم علاوه بر سابق دیدم چقدر تحریرات شکایت و خطوط آه و ناله و فریاد و استغاثه از هر قریه و هر ولایت به جهت علمای اعلام رسیده که ایران خراب شده و از دست رفته و

ارواح و اموال ماها در خطر و دَرَک است و اینـها همه باعث اضطراب و حرکت و هیجان علـمای اعـلام گردیده و ایـن پنـج شش نفر روسای اسلام بـاهم هـمدست و هم‌رأی و در خیالات و حرکات اتفاق دارنـد و همه کس از اینها استـعداد و استعانت می‌طلبند و قدری هم حـق دارند به جـهت آنکه فدوی غـرض و مقصودی ندارم و می‌بـینم تا همـین ایام هر هفته زوار و اهالـی از بصره می‌آیند ایـن‌قدر شکایت و نـاله از کار پردازِ حالیه بصره دارند کـه در خصوص تذکـره و غیره و غـیـره چقدر اجـحاف و تعـدی می‌نمایـد و علمـا فرمودند همین را چند دفعـه اظـهار داشتیم و خواهش نـمودیم مع‌ذلک به هیـچ وجه رفع ننمودند و تغییر و تـبدیـل ندادند دیگر بـاقی امـور و اعمال هم به همین وتیره و به همـین مـیزان اقلاً خوب بود بعضی مطالب و مقاصد را اجرا و ترویج فرمـوده بودید تا امیدواری و اطمـینانی حاصل نموده بـودند که کم کم مـتدرجاً امور اصلاح خـواهد شد. این سفر مجتمعاً و متحداً می‌فـرمودنـد که روز بـه روز اغـتشاش و بـی‌حسابـی در تزاید و تضـاعف اسـت فعـلاً رفع تعدیات کار پرداز بصره را بـفرمایید یا او را تغـییر و تبدیل فرمـوده و بفدوی مرقوم فرمایـید، دیـگـر لازم بود بندگان اعـلـی حضـرت قدرقدرت ظل‌اللـهـی ارواحنافداه و حضرت اشرف اعظم بعـد از مراجعت از این سـفر مـبارک از این پـنج شش نـفر رئیس و مطاع تلـگرافاً و تحریراً تفقد و احوالپرسی فرموده باشند بلکه انعام و اکرام و مرحمتی در حق آنها شده بود خیلـی به‌جا و به‌مـوقع و در محـل بود، اولاً که همـه هرگونه استحقـاق و لیاقت را دارند و ثـانیاً اگر آجر اُخروی و ثـواب عـقبایی ملحـوظ و مـنظور نبود اقلاً با امـور سـیاسی و تدابیر مطـابـق و مـوافق بود، اینـهـا هـم عـلاوه بر کدورت و دلگـیـری آنـهـا شده، فدوی محض دولت‌خواهـی و جان‌نثاری عـرضه می‌دارد حـتی اینکـه از آنها خـواستم تلـگراف تبریک عرضه دارند، قـبـول نفرمودند و فـرمودند همان تـلگراف خودت کافـی است. اینها اجـمال بعضی از مطالب و وقایع است عرضه داشت.

نامهٔ دیگر

قربانت گردم، جناب حاجی شیخ عبدالحمید کلیددار کاظمین علیه السلام والده‌شان از شهر نوگان عظام و منسوب دولت علیهٔ عالیه‌اند و فطرتاً و اصلاً و قلباً و ذاتاً بسیار مرد قابل و لایق و محبوب القلوب همهٔ اهل عراق و ایران اند برحسب استحقاق و لیاقت که خود بندگان اجل مسبوق هستید دو سال است چراغهای شاهنشاهی با ایشان است و مباشرت و تولیت دارند. پسرعموی ایشان شیخ علی به خیال اخلال و دست‌بردی در این عمل روانهٔ ایران شده، محض استحضار خاطر مبارک عرضه می دارد امر و مقرر فرمایند آنجاها را بسپارند و ملتفت باشند مبادا باشقیا همکاری و تدبیر در عمل چراغها تصرفی نماید و تغییر و تبدیل پیدا شود که اسباب کدورت و انزجار جمعی خواهد بود. جناب معین التجار بوشهری هم کاملاً از این مقدمه اطلاع دارند، زیاده عرضی ندارد.

فدوی نظام العلما

محرمانه

قرائت کنم ان شاء الله وجوه مرکز را صحت و عافیت، تا دو الی سه روز دیگر
حاصل و برقرار خواهد بود فردا هم بحمدالله سلامت و چند روزی ارادا خواهم
نبحث اگر صحبت شده اولاً در خصوص تعمیر خانه در خصوص
خود فردی مخصوصاً دیدن و سرکشی های نمایم بحمدالله از طرف اعلیحضرت و خاطر بندگان
خصوصی حاصل و برقرار خواهد بود و کاملاً با تمام رسیده و فعلاً هم مشغول حاضر
شغول خدمت بعدها را هر گونه امر و مقرر فرمایند اطاعت خواهد شد و نتیجه کار را
واصل در باره ارسال وجوه مخصوص فعلاً و همه خواهد بود در خصوص
و ساعد الملک که رقم فرموده بودند که در صدد اصلاح و تغییر و رفع بعضی از
بنده آنچه لازم و خواهد بود عرض خواهم نمود و اما
امور مهیجه و ظلم و تعدیات فاحشه را الزام نخواهد بود رفع و در صدد چاره
بجهت آنکه چه نخواهم و جان نثار و خدمتگذار و خدا میداند از اول اشعراضی

از دولت روس و در مسافرت خیر سوگ اقرس همایونی (روحی فداه) مراجعت و لون
فرودی جه خبرات شان و ان دنیا، ان بدولت علیه تعهد و این بنج شش فقره (علی الحساب)
امروز قلم در دست گرفته و بشروع ان کار مهم جه مذاکرات نمود و جه صحبتها داشته و جه قرار
و جه نیات کوش زد آنها نمود ام حتی المقدور لحظه بلحظه مشرف شدم علاوه بر سایق دیدم
تحریرات سفارت و خطوط اداره کل و محرمانه و اشعاره از هر قبیل و هر دلیل تحت عنوان
که ایران خراب شده و از دست رفته و ارواح و اموال ها در خطر و در کار است و اینها اگر
اضطراب و حرکت و هیجان عمومی، اهالی کرد، و این بنج شش فقره روسای دسته، هم همدست و حق دارند
و در خیانت و حرکات اتفاق دارند و همه کس از اینها استعداد و استعداد مطلقه و در هم
بجهة انکه فردی غرض و مقصودی ندارم و می بینم، همان کلام هر شعر زدار و ها از نظر
اینقدر سفارت و نام از کار بوار حالیه نظره دارند که در خصوص مذکره و غیره و غیره چه قرار اجحاف
و تعدی مینمایند و عمل، فرمودند همان سل چند و فعه اظهار داشتم و خواهش نمودم سعی و دقت
رفع تعصب و تغیر و تبدیل بدهند دیگر با تو امور و اعمال هم بهمان دیگره و بهمان

اطلاع خوب بعضی مطالب و متاصد سلا اجرا و ترویج فرهنگ ، امیدواری داشتن
حضرت نعمت لهٔ تعالی امور را صلاح خواهد شد انشاء الله مجتمعاً و متحداً امر فرهنگ را روز بروز
تقویت و پیشرفت داده و تضعیفات گذشته را جبران نموده و رفع تعویقات کاملاً
، اوراق تغییر و تبدیل فرهنگ و تعدیل مرتبهٔ فرهنگیان اعلیحضرت قدر قدرت
ظل الله لازال ظله و حضرات اکرف اعظم بعد از مراجعت از انشاء الله سیح
رئیس و مطلع کلیه افادات و تحریرات تعقد داخل در فرهنگ شده بلکه اتمام و اکمال در جمیع
شده . نعم خیلی و موقع و در جمیع نعم اولاً و آخراً همه را کونه اتفاق و توفیق
اگر اجرا خواهد شد و تراب عتبهٔ ملوکانه و منظور نعم اتحاد ، امور سیاسی و تجارتی
ایشان هم علاوه بر کثرت دوائر آنها شده فروی محض حرف نخواهی و جان نثاری
حتی اینکه از آنها خواستم تلگراف تبریک عرضه دارند قبول نفرمودند در فرهنگ همان تلگراف
خدمت گذاری است اینها اجمال بعضی از مطالب و وقایع است عرضه داشت

قرة العين گلم جناب حاجی شیخ عبد الحمید طیب دار گاظمین علیهما السلام والد شان

لذا بر لی گان عظام و منسوب حضرت علیه السلام از فطرة و اصالة دقیق و دانا، شعار

و لدیق و محرب القلوب، همه اهل عراق و ایران بر حسب کشف و دقت اخوند گان

اجل سبوق، مستحضر حال است جز اغنای شان هی، آن ا محض اختصار

بر عموی آن شیخ بخیال اخلال و دست بردی در امعت روا ایران

خاطر بزل عرضه میدارد امور مقرر فیما بین آنها سلسله بر دو طرف شنه ساکا،

و تدبیر در عمل جز اغنا تصرف نمایند و تغیر و تبدیل مهما امکن له آب

جمعی خواهر نو جناب مستطاب زوجه ای هم گاملا ارا تمکن اطلاع دارد عرضی دارد

فرزند نظام العلما

شمارهٔ سند: ۸۵۹
موضوع: مستمری علما
تاریخ: ۱۳۱۹ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤۲

عریضهٔ صبیهٔ مرحوم خلد آشیان حاجی میرزاعلی به مظفرالدین شاه

بسم الله الرحمن الرحیم

عرضه‌داشت کمینه خدیجه صبیهٔ مرحوم خلدآشیان حاجی میرزا علی طاب ثراه، نوادهٔ مرحوم آقا علی ملاباشی رشتی، به خاکپای مبارک اعلی حضرت قدرقدرت شاهنشاه اسلام‌پناه خلدالله ملکه و سلطانه آنکه والد کمینه که از جمله علمای گیلان و سالها مجاور عتبات عالیات عرش درجات بوده و با یکصد و سی و سه تومان و خورده مستمری مرحمتی که بعد از وضع عشور و کسور یکصد و خورده عاید می‌شد صرف معاش خود و عیال و اطفال خود نموده به دعاگوئی ذات ملکوتی صفات اقدس همایونی قیام و اقدام می‌نمود، قریب یک سال است به رحمت ایزدی پیوسته و اولاد آن مرحوم منحصر است به کمینه و مدد معاش کمینه با مادر و چند نفر زنان دست و پا شکسته با مخارج زیاد عربستان منحصر است به همین مستمری مرحمتی حال که از حکومت گیلان مطالبه نمود در جواب می‌گویند که شریف‌العلمای گیلان با چندین هزار تومان دارایی و مکنت به اشتباهکاری به جهت پسر خود فرمان صادر نموده و قطع روزی جمعی دست و پا شکسته‌ها کرده است، عدالت کاملهٔ ملوکانه راضی نشوند که بقیهٔ نان خانه که قریب به صد سال یا متجاوز است که خورد خورد کم شده و این مقدار مانده است به کلی مقطوع شود و ریزه‌خواران خان نعمت پادشاه عادل باذل اسلام‌پناه بی‌مدد معاش و بی‌روزی بمانند. امر امر اعلی حضرت قدرقدرت شهریاری است.

[حاشیه، دستخط حجة‌الاسلام حاجی میرزا حسین به شرح:]

بسم الله الرحمن الرحیم

انشاءالله تعالی اولیای دولت ابدمدت قربت الی الله تعالی و طیباً لمرضاته اقدام

تمام در برقرار نمودن مقرری موروثی مومی الیها خواهید نمود که موجب بقای دولت قوی شوکت غران* و خیر دنیا و آخرت است. الاحقر نجل المرحوم الحاج میرزا خلیل.

اثر مهر حاجی میرزاحسین

* غران: نیکو، زیبا، کسی که کار شریف و بزرگ می‌کند (جمع آغَرّ: یمن، خیر، برکت).

بسم الله الرحمن الرحیم

الله الرحمن الرحیم

الله تعالی الی حضرت امیر و سلطانه الی الابد

بطل لمرصه اقدام تمام در دار محول سوری

سوریه سوی الها حواسه محوله تو حق تعالی عرضه داشت کمینه صبیه مرحوم غلامحسین حاجی میرزا صباح طاب ثراه نواده مرحوم

حاجی میرزا آقاسی

کمینه فدویه

حسای لوک دهران دجر لها دار

حلد حرمحمد المرحوم الحاج محمد علی

بسمه تعالی

کمینه که از جمله علمای کسیله و سالهای در عتبات عالیات عرش درجات بصر

و با کمیه دستی قلیل و خرده ستمری مرحمتی که بهرار دفتر عمور دکور

کمیه و خرده عایله صرف معاش خود و عیال و اطفال خود نمیشد

ذات بلکه بصفات اقدس همایونی قیام و اقدام مینمود در تمام

برحمت ایزدی پیوسته و اولاد و امرحوم منحصرا بکمینه و مدد

کمینه با ارواحه نفرتان دست و پاشکسته با ضارع زار و غربتا

منحصرا بهمین ستمری مرحمتی حال که از حکومت کمیدان سطانیه

نمود در جواب میگویند که شریف العلماء و کمیدان باحه بن

دارائی دمکنت باشتباهکاری بکه امر خود فرمان صادر نمیشد

قطع روزی جمعی دست و پاشکسته ها کرده ات عدالت کامله ملوکانه

راضی نشوند که بقیه نان خانه که قریب بصد سال یا بتجاوزت که خورد

خورد کم شده و اینمقدار ما نده ات بکلی منقطع گشته در پرتو اقدار

خان نعمت ها رشاه عادل یا ذوالجلال ظل الله پناه بی مدد معاش و

بی روزی نمانند امر امر اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری است

شمارهٔ سند: ۸۶۰
موضوع: مستمری علما
تاریخ: ذی‌قعده ۱۳۱۹ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۴۲

فهرست عرض وزارت خارجه است

حاجی میرزاعلی ملاباشی گیلانی که مرحوم شد، موافق تحقیقات دفتری یک صد و یک تومان بعد از وضع رسوم مستمری داشت شریف‌العلمای گیلانی مستمری مزبور را در حق پسر خود فرمان صادر نموده حالا صبیه متوفای معروض از عتبات عریضهٔ مبنی بر تظلم به خاکپای مراحم اقتضای ملوکانه روحنافداه عرض کرده حجت‌الاسلام حاجی میرزا حسین هم در حاشیهٔ عریضهٔ مشارالیها استدعای برقراری آن را در حق عارضه نموده است، عریضه مشارالیها از عرض لحاظ اقدس ملوکانه ارواحنافداه خواهد گذشت به هر طور و امر و مقرر شود از همان قرار اطاعت خواهد نمود. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه به شرح:]
جناب اشرف اتابک اعظم این عمل اگر در قدیم است نمی‌شود تغییر داد و گذشته است. ذی‌قعده ۱۳۱۹]

امضا: مظفرالدین شاه

فهرست عرض وزارت خارجه است

وزارت امور خارجه

ادارهٔ دایرهٔ

مورخه

نمره

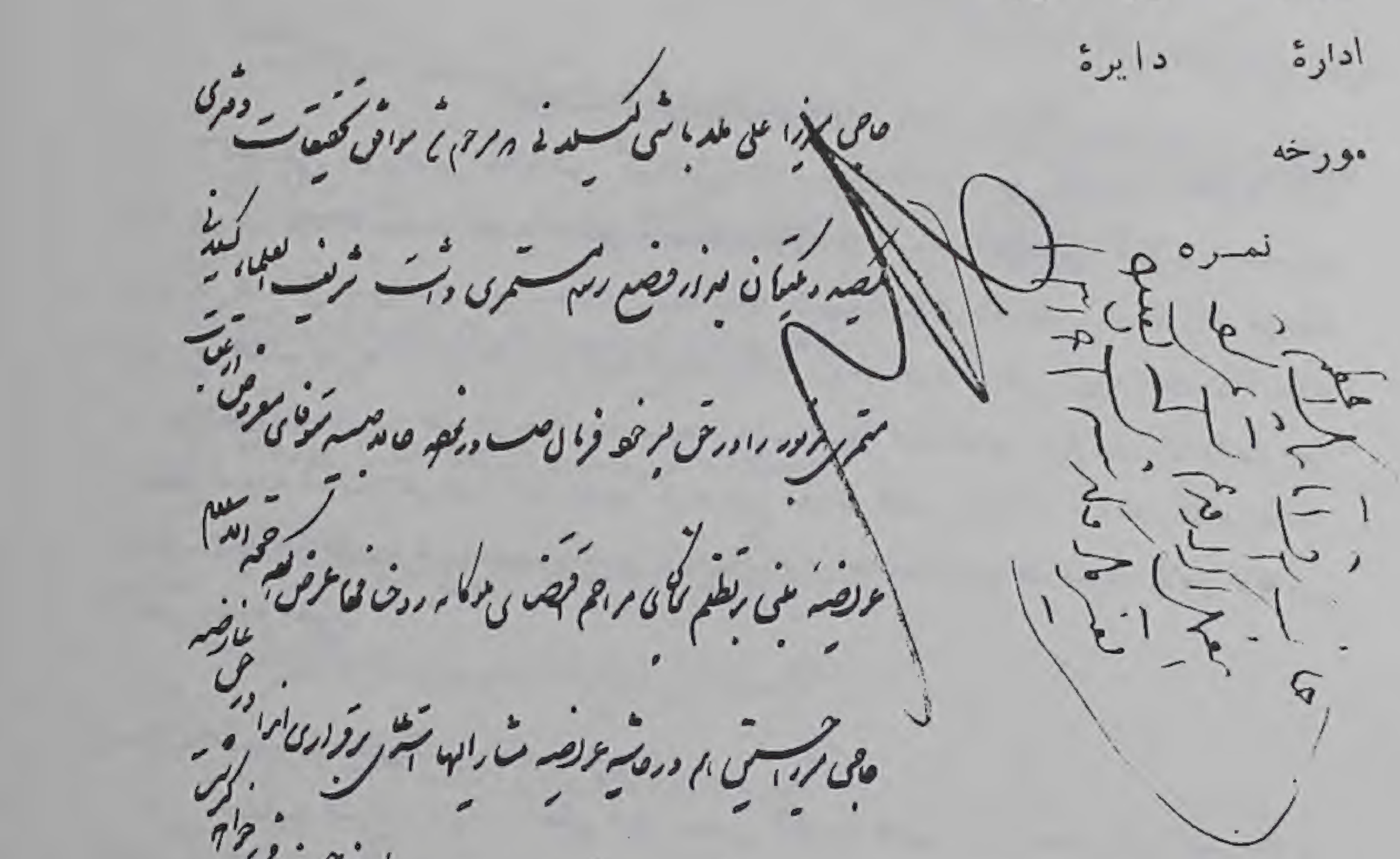

شمارهٔ سند: ۸۶۱
موضوع: نصب ضریح
نمره: ۱۱۲۱۲
تاریخ: ۹ ذی‌قعده ۱۳۱۹ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤۰

نامهٔ وزارت امور خارجه به ژنرال قونسولی ایران در بغداد

کاغذ به مشاورالملک

برای نصب ضریح ائمهٔ بقیع صلوات‌الله علیهم اجمعین، نوشته بودید جناب مستطاب ملازالعارفین حاجی سیدعلی آقاسلمه‌الله تعالی مشاورالوزاره را معین نموده‌اند، بسیار خوب به سفارت کبرای ایران و مأمور جذه هم توصیه لازم نوشته شده است که در اظهارات مشارالیه مساعدت تامّه نمایند و هر نوع احکام در پیشرفت و انجام این خدمت لازم باشد از باب‌عالی به عهدهٔ مأمورین عثمانی صادر نمایید که ان‌شاءالله تعالی این خدمت باسعادت را به طور خوب انجام بدهد. به ناصرخان ترجمان کار پردازی هم که موقتاً مأمورات کار پردازی کربلا کفالت خواهد نمود، تاکید نمایید تا مراجعت مشاورالوزاره مواظب و مراقب انتظام امور کار پردازی بوده به حسن سلوک رفتار نماید.
نصراله مشیرالدوله

۲۹۰۸

۱۲۱۲

کاغذ شاه و رامک

۹ شهر ربیع الاول ۱۳۱۹

شاهزاده وزارت را

برای نصب صریح [illegible] وزیر مختار دولت علیه ایران [illegible] صاحبی سید علی آقا سلمه الله تعالی

معین نموده از بسیار جوت [illegible] برای ایران و مامور صدره هم توصیه ندارم نوشته تربیت و در اظهارات [illegible] معامله

در هر نوع احکام در پیشرفت و انجام آنچه [illegible] ندارم بیش از حالی معهده مامورین عثمانی صادر نامه دولت والا تعالی [illegible]

بطور خوب انجام هر نماید صرحان ترجمان کارپردازی هم در توقف مامورات کارپردازی گرمدگلت [illegible]

شاهزاده وزارت مواظب و مراقب انتظام امور کارپردازی [illegible] بحسن سلوک رفتار نماید مصراله مشارالدوله

شمارهٔ سند: ۸٦۲
موضوع: امور مذهبی و نصب ضریح
نمره: ۹۲
تاریخ: ۲۰ ذی‌قعده ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤۰

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

دستخط مطاع مبارک را در خصوص مأموریت یحیی خان مشاورالوزاره برای حمل ضریح و نصب آن به قبور ائمه بقیع در مدینهٔ منوره زادهاالله تعالی شرحاً زیارت نموده، برحسب آن فرمایش تأکیدات لازمه به کار پرداز جده نموده و مراسله به جناب سیادت‌مآب شریف مکهٔ معظمه و والی حجاز از طرف خود نوشتم که به محافظ مدینهٔ منوره اوامر لازمه را در احترام مأمور و مساعدت به انجام خدمت محوله به او بنمایند. چون پارسال ارادهٔ سنیه اعلی حضرت سلطانی دایر به اجازهٔ نصب ضریح صادر شده و مراتب را از وزارت خارجه عثمانی به سفارت کبری نوشته بودند و امر تلگرافی نیز از صدارت عثمانی به ولایت حجاز فرستاده شده بود. معلوم است که لازمه احترام و مساعدت را کمایلیق به عمل خواهند آورد. سواد مراسلهٔ جوابیه باب‌عالی را که دایر به صدور ارادهٔ سنیه بود با نمره و تاریخ تلگراف صدارت لفاً ایفاد حضور مبارک گردید. زیاده جسارت نمی ورزد.

اثر مهر پرنس ارفع الدوله

[حاشیه:] بسیار خوب.

وزارت امور خارجه
آرشیو
نمره ۹۲

شمارهٔ سند: ۸۶۳
موضوع: امور مذهبی و نصب ضریح
نمره: ۲۰۰
تاریخ: ذی‌حجه ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤۰

نامهٔ قونسول ژنرالی ایران در بغداد به وزارت خارجه

اینکه اوامر علیه به سفارت کبریٰ شرف صدور یافته که از باب‌عالی اوامر لازمه به مأمورین عثمانی صادر نمایند که در نصب ضریح مبارک به مشاورالوزاره همراهی نمایند، خیلی موجب تشکر و اطمینان قلب فدوی شد چه یحیی خان مشاورالوزاره که برای این خدمت معین شده بود قبل از حرکت به طرف مکهٔ معظمه برای ملاقات فدوی به بغداد آمد و خیلی خیالش پریشان بود که مبادا تحمل این زحمت و سفر را که می‌کند والی حجاز یا شریف مکهٔ معظمه یا محافظ مدینهٔ منوّره یا خدام وحشی آنجا مانع نصب ضریح مبارک شوند و این خدمت انجام نیابد و اسباب خجلت و شرمساری او شود فدوی به او اطمینان دادم که البته از جانب وزارت جلیله اوامر لازمه به سفارت سنیهٔ اسلامبول شرف صدور خواهد یافت که از باب‌عالی اوامر لازمه صادر نمایند که احدی در آنجا ممانعت نکنند.

به‌هرحال، اوایل ذی‌القعده با قافلهٔ حاج از راه جبل روانه شد و تعلیقهٔ مبارکه را که در سفارش درستکاری ناصرخان ترجمان که به وکالت او عازم کربلای معلی بود شرف صدور یافته بود به ناصرخان ارائه نمودم، زیارت نماید وخیلی مواظبت نماید که عامهٔ اهالی آنجا از درستکاری او راضی باشند. و بعد از حرکت مشاورالوزاره روانهٔ کربلای معلی شد. امیدوارم انشاءالله به طوری که مکنون خاطر مبارک است تا مراجعت مشاورالوزاره خوب خدمت کند و همان طور که عموم اهالی کربلای معلی از حسن سلوک و رفتار مشاورالوزاره نهایت رضامندی را داشتند از او هم راضی باشید، زیاده جسارت است.

امر اجل امجد ارفع عالی مطاع

قونسول ژنرالی دولت علیه ایران

در بغداد نمره ۲۰۰

تاریخ غره شهر قمر ۱۳۱۹

عثمانی

بنا بر این

اینکه اوامر علیه سفارت کبری مرقصد و دریافته در زبانجالی اوامر لازمه

موجب تشکر و اطمینان قلب فروتن چه یحیی خان مشاور الوزاره همراهی نماید حسبا

برای انجه مامت معین شده بود قبل از حرکت بطرف مکه معظمه برای

مذاقات فروتن بغداد آمد و حسبا خاطرش پریشان نبود و مشارالیه

این رحمتی سفر را بر می کند و الی حجاز یا شریف مکه معظمه یا محافظ

مدینه منوره یا خدام وحشی انجا تابع نصب ضریح مبارک نبوی

و انخدمت انجام نیابد و بهیچ جنبت دشمنی او نبود

فروتن با و اطمینان دادم و البته از جانب وزارت جلیله

اوامر لازمه سفارت سنیه بهمدیه صادر شده که از

بابالی اوامر لازمه صادر نیابد و راهی در انجا ممانعت نکنند

بهرحال او امین فی لقعده با قافله حاج از راه حسنی روانه شد

و تعلیقه مبارکه را در دفاتر سنی در سفارتی حاضر خان

ترجمان در بوکالت او عازم گردیدی معلوم بود

شمارهٔ سند: ۸٦٤
موضوع: گرفتن گمرکی از زوار ایرانی
نمره: ۲٤۹
تاریخ: ۱۵ شعبان ۱۳۲۰ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۳۲

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

سابقاً تلگرافاً و کتباً مرقوم فرموده بودند زواری که از اتباع دولت علیهٔ ایران به خاک عثمانی رفته و در مراجعت اسب به جهت خودشان می خرند در گمرکهای عثمانی پنج لیره از آنها گمرک می‌گیرند و همچنین زوارها که دسته به دسته سی نفر و چهل نفر به زیارت می روند در ورود خاک عثمانی بعضی اشیای ممنوع الدخول آنها را در حدود مأمورین عثمانی نگاهداشته به سی نفر یک علم خبر می دهند که به موجب آن در مراجعت اسباب خودشان را اخذ نمایند، واضح است که در عودت این همه جمعیت در یکجا نیامده چهار نفر و پنج نفر برمی‌گردند و آن علم خبر در دست هر کس است آورده داده مال خود را اخذ می نماید. سایرین که کاغذ در دست ندارند مجدداً از آنها تک تک گمرک می خواهند. بعد از ورود بنده به اسلامبول در همین مضمون از وان و خانقین هم شکایتهای زیاد به سفارت کبری نوشته بودند. در این باب کتباً و شفاهاً با باب‌عالی خیلی گفتگو و اقدامات کرده حتی یک دفعه که نزد صدراعظم و وزیر خارجه رفته بودم گفتم، که ملل متمدنه عموماً در پی این هستند کلیتاً گمرک اشیایی که از مملکتشان خارج می شود بردارند که تجارت مملکتشان وسعت و تزاید پیدا نماید، با کمال تأسف در ممالک عثمانی خلاف این مشاهده می شود این گمرک پنج لیره که به اسب گذاشته‌اید اولاً از مملکت شما دیگر اسب به خارج نمی برند و این ضرری است که به تمام رعایا عثمانی وارد می آید ثانیاً سالی این‌قدر زوار که به عتبات عالیات می روند این همه تصعیبات و سخت گیری‌ها که در حق آنها می نمایند سبب قطع تردد آنها می‌گردد و حال آنکه معیشت و گذران تمام عراق عرب بسته به وجود زوار ایرانی است که هر کدام اقلاً چهل تومان خرج بکنند ببینند سالی چقدر به کیسهٔ دولت می رسد و آن همه

سخت گیری ها واضح است که عدد زوار را کمتر خواهد کرد به جهت اینکه آن طرفها راه‌آهن و شوسه نبوده تمام زوار سواره می آیند. خلاصه به حمدالله از توجهات ائمه طاهرین علیهم السلام به تسویهٔ این فقره موفق شدم مجلس وکلا به اجازه اعلی حضرت سلطان قرار دادند که بعد از این از قیمة اصلی اسبها فقط صدی یک رسم گمرک بگیرند و این فقره را به عموم کار پردازهای دولت علیه مقیمین ممالک عثمانی اطلاع داده و اینک اعلان رسمی آن را هم لفاً ارسال داشتم که ملاحظه فرمایند.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه به شرح:]

آفرین بر ارفع الدوله. البته هر کسی که خدمت بکند ما هم هر کس را به فراخور خودش التفات کرده‌ایم، بلکه بیشتر از اندازه خودشان.

۱۳۲۰ شمسی
۱۵ بهمن
۲۴۹

آت تجارتی

ممالك شاهانه‌دن خارجه اخراج اولنان آتلردن شمدی‌یه قدر قیمتنه باقلمیه‌رق علی‌الاطلاق بش لیرا کمرك رسمی آلنمقده ایدی. شو حال ممالك شاهانه آت تجارتنه ضرر ایراث ایتمکده اولدیغندن بعدازین مذکور رسمك لغویله اخراج اولنه‌جق آتلرك قیمت تخمنه‌لری اوزرندن یوزده بر رسم آلنمسی خصوصنه مجلس وکلا قراریله بالاستیذان ارادهٔ سنیهٔ حضرت پادشاهی شرفتعلق بیورلمشدر.

باب عالی
دائره خارجیه

ایران سفارتنه علیه‌ی مطالبات لهم

خانقین طلاره نزدار ایرانیلر یکدیگرینه مخصوص اسب و استرلرینه یم کرن طلبیله صیرانمرلرینه ضبط اولنمسیله متعلق اولان
دائره ۱۵ شوال ۱۳۱۸ تاریخ و کمسانه ایکی نومرولو مقدما نزدار مترجمی طرفندن اعاده اولنمق مبنی قونسلو صیرانمرلرینه اراده یم اخذ و استیفا اولنمق
بیانیله شکایتی حاوی ، صفحه ۲۹ تاریخ دیگر می بشه نومرولو مسئله سفارتنه علیه‌ده وارد اولمه ایکی قطعه تقریر مطالعه کندار شناکاری اولریله اولسابه بش یوز
اماناته طلبیله سنه ایله استفسارات و تبلیغات و رود ایله مرابطه سفارتلو اوغاسی وجهله نزدار مترجم مقتضه احضار مکلفه کوستریلمکله
اولوب کیفیت مکلفی استر و باکیرلر مقتضه حضوریله سویلدیکلرنده تاجیه صباحی ایکیوز مجاج ایرانه صیرانمق مقتضه اولمه دیرلر احضار مکلفه
صابره مطلعاً ، توفیقاً صیرانمرلرینه استکمال والرانه وسائر اوصاف غیر مشروعه لری بالطبعه قسیه و عرض تذکره تطبیقه اولدقده مرافعه ظهور
ایدرلر تامینات ، رد و قبض ایدیلمه و نقصانلرینه دقتیه صابره ظهور ایدرلرسه اولخلوتنا و اخراجاتنا سرمی استیفا اولنمق اصول
اتخاذ ایدیلمکی و احضار مکلفه اطالع اولنمق بودفعه صابره ایتبرلکده اولدیغی حالده تحدیه قلمه ، یوم برکون شکایتنا و قونسلو یو
وصیرانمق مذکوره بلدقیه اوغاللو و اوغاللرینه صورتده نقصانلرینه و باقیسنه بونلرک یرلرینه دیگر صیرانه اخذ و ایصالیله بیان
بهر صیرانه اخذی بدل و مکلوه بشر لیرا اخراجیه سرمنه ضیاعی موجب اولجغنه بناء مطلعاً : مجبوراً نه بدل نه بونه بونه ترکه و نزدار
بونه زیاده موجب سهولت صورتده افراغی محکمه اولمه حقنی دلیله صیرانمرلرینه طلب کیده جک نزدار و مجاج
ایرانه کفیل و یاخود دپوزیتو اعطاسیله تامینه مقوق مقتضه ، مشارکه بولندقری بیانیله اصرل متخذه مشروحه
دائره سنده اعطا و تامینات ایدری ضمنده سفارتلو علیه معرفتیله کندولرینه اعلانیه و تفهم کیفیت اتیرلمش لزومی بیلدیرلمه
وصورتیله اشعار ایله بالوجهه مرافعه مصلحت بولنمه اولدیغنه بیانا تاکیده تامینات اخراجیه وسیله اتخاذ قلنمشدر
۱۴ جمادی الاولی ۱۳۱۹ و ۱۴ اغسطس ۹۱۷

خارجیه ناظری
توفیق

شمارهٔ سند: ۸٦٥/۱
موضوع: عزاداری محرم و مجالس روضه‌خوانی
نمره: ٤٨
تاریخ: ٤ محرم ۱۳۲۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۷

نامهٔ قونسولگری ایران در شام به وزارت خارجه

تصدقت شوم، این اوقات که ایام محرم و تعزیه‌داری جناب سیدالشهدا علیه‌التحیه و سلام است، به قرار سنوات سابقه در کار پردازخانه مجلس روضه‌خوانی بر پا نموده هر روز مشغول دعاگویی وجود مبارک اعلی‌حضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنافداه و ازدیاد عمر و شوکت بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف روحی فداه را از خداوند مسئلت می‌دارد.

ناخوشی وبا چند روز است که نسبت به سابق تخفیف کلی یافته، ولی قرانتینه که در مابین شام و بیروت وضع شده است هنوز برداشته نشده است، زیاده چه جسارت نماید.

جنرال قونسولگری
دولت علیهٔ ایران

۴ شهر محرم الحرام ۱۳۲۱ تصدیق

نمره ۴۸

این اوقات در تمام محرم و تعزیه داری حسب السنه المعهود

بعه انجه بعلامت بقرار مذکرات بعه در کار بعه داری خانه جمعی روضه خوانی

و بانجه هر روز شمعی و مخارجی وجود مبارک اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداه

در روز یکم عمر دولت به کمال حضرت سلطنت اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداه

روضه خوانی بعه میگذارد تا خوشی و بانجه بروز بعه در نیابت دولت

تخفیف کلی بانجه داده شده در بانجه تمام در دولت وضع شده است

هنوز بروز نشده است زیاده چه عبارت لازم

شمارهٔ سند: ۸٦٥/۲
موضوع: عزاداری محرم
نمره: ٤۳٥
تاریخ: ۲۵ صفر ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۷

سواد کاغذ وزارت خارجه به مفخم‌الملک مأمور شام

وصول تحریر ٤ محرم و استحضار از مراسم تعزیه‌داری. (نصرالله مشیرالدوله)

اداره کاغذ وزارت خارجه بمنجم ملک ما مدسلام

۱۳۲۱ ۲۵ صفر

(صحت تحریر مجرم و التحفه را از راسم تعزیه داری (نصرالله میرالدوله)

شمارهٔ سند: ۸٦٦
موضوع: عزاداری محرم و اقدامات کار پردازی بصره
نمره: ۱۲
تاریخ: ۱٤ محرم‌الحرام ۱۳۲۱ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵

نامهٔ کارپرداز بصره به سفارت کبری ایران در اسلامبول

امسال در بصره مادهٔ شورش و غوغا مستعد بود شیعیان عرب و عجم تماماً خیالهای فاسد داشتند و هم جماعت سنّی ها مهیا فتنه و فساد و منتظر ماه محرم‌الحرام بودند به جهت آن واقعهٔ که درمقام‌علی شده بود و تفضیل عرض گردید، چاکر با تدابیر کافیه راه افساد را بسته با والی قرار گذاشته شد یک نفر از جماعت ایشان به مساجد و تکیه‌های تعزیه نرود اگر بروند قطعاً خالی از فساد نخواهد شد، دویم به هر تکیه ده نفر از عسکرهای شیعه بگذارند با همین ترتیب گذرانیده شب روز چاکر و میرزا محمودخان با همه فراشهای کار پردازی گردش نموده دقیقهٔ غفلت نداشتیم و در روز تاسوعا و عاشورا تیغ زن و سینه‌زن در کوچه و محلات گردش داده، بی‌اسلحه نگذاشتیم احدی اسلحه بردارند در تکیه سرشان شکافته بیرون آمدند، بعدش سینه‌زن بیرون آمدند با همهٔ اجزای کار پردازی و با جمعی از عسکر در دورهٔ دسته در جامع ختم مجلس به عمل آورده شد، خیلی خوب گذشت تمام اهالی بصره به دعاگویی وجود مبارک حضرت اشرف روحی فداه مشغول‌اند، می‌گویند تا دسته تیغ‌زن بیرون نیامده بود و به این شکوه شعاع اسلام نشده بود با وجود امسال مادهٔ مستعدی بود تمام اینها از اقبال بی‌زوال حضرت اجل اشرف بندگان روحی فداه است، زیاده جسارت است.

۱۲ محرم الحرام

امسال در بصره، ناده ترکی و غزنی سنّه بود شیعیان عرب و عجم تا ما
خیالهای فاسد داشتند و در جماعت سنّی ها مهدیِ فتنه و فساد و بسط
ماه محرم الحرام بهانه بجهة آن واقعه که در همان ماه شهید شده بودند تفضیل عرض
کنند و چون با تدابیر کافیه راه فساد را بسته یافتند قرار گذاشتند که
کمتر از جماعت ایشان بمساجد و تکیه های تزویر نرفته اگر بروند
قطعاً خللی از فساد نخواهد شد حتی بهر تکیه ده نفر از عسکر های شیعه
بگذارند با همان ترتیب گذرانیده شب سوم چهارم دیگر در بزرگ مجمع خاص
با هم قرارها گذارده کار پردازی کردند نمیهم دقیقهٔ غفلت نداشتند
و در روز عاشورا تیغ زن و سینه زن در کوچه
و محلّه گردش داده با اسلحه نگذاشتند اصلاً اسلحه بردارند
در همه سر شان تکفیر پیروان اهل سنّت بود سینه زن

بیرون آمده با هم رجزهای کارزاری و با همی از عسکر در حمزه
دسته در جاسکر ختم مبلغ بعهد آورده شد حضرت خبر گزشت تمام اهل
بصره بدعاگو با وجود بارگاه حضرت اشرف روحی فداه مشغول شده بلدیه
دسته تبلغ زن بیرون تیاس بعد و به این شکوه شعاع اسلام نشده بعد
با وجود املاک داده شده بعد تمام بنیاد از اقبال بی زوال حضرت
امیر اشرف بندگان روحی فداه است زیاده چه رقم

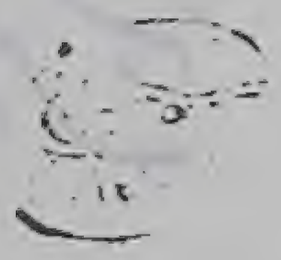

شمارهٔ سند: ۸٦۷
موضوع: طغیان شط فرات و نهر حسینیه در کربلا
تاریخ: ۲۷ محرم ۱۳۲۱ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۳

نامهٔ کارپردازی ایران در کربلا به وزارت خارجه

تصدقت شوم، چند روز است شط فرات در طغیان است به این واسطه این دو روزه نهر حسینیهٔ کربلای معلی به حدی طغیان و زیادتی کرده که تا یک درجه شهر در مخاطره است. جناب متصرف‌پاشا و این فدوی با مأمورین ایران و عثمانی شب و روز سواره اطراف نهر گردش کرده استحکامات فراهم می‌آوریم بحمدالله از سایهٔ مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم امجد ارفع اعظم عالی شهر سلامت است، امروز هم آب قدری تنزل کرده است ولی باز امشب را هم بایستی تا نصف شب اطراف نهر گردش بکنیم که اطمینان حاصل شود تمام اتباع دولت علیه ایران از این مراقبت و مواظبت دعاگوی ذات اقدس همایونی ارواحنافداه هستند، وضع آب کربلا خیلی غریب است ایام بهار این طور طغیان دارد که جای خطر می‌شود و در تابستان ابداً آب نیست و اهالی کلاً آب چاه می‌خورند چون کربلای معلی محل زوار ایرانی و بزرگان دولت علیه است اگر در این موقع در تعلیقهٔ مبارکه مطاعه که به سرافرازی چاکر مرقوم می‌فرمایند اظهار مرحمتی هم به جناب دولت‌مآب متصرف‌پاشا از حسن مراقبت و مواظبت که در این باب کرده‌اند بشود خیلی خوب خواهد بود، زیاده جسارت است، امر اجل اکرم افخم اعظم امجد عالی مطاع.

فدوی: یحیی

کاربردازی دولت علیهٔ ایران در کربلا

نمره ۰ معروضه ۲۷ محرم ۱۳۲۱

چند روز است شط فرات از طغیان است ۰۰ با نهایت

وزارت امور خارجه
اداره کل آرشیو

مراتب تشکرات خود را از مراقبت و مواظبت جناب مستطاب عالی مأمورین محترم خود نسبت به تلگرافخانه و تلگرافچی خانه کربلا معلی که در این طغیان و زیادی آب کرده و تا بدرجه شهر در مخاطره است جناب مستطاب عالی تصدیق فرمائید و از قرار مسموع حضرت مستطاب اجل اکرم ارفع اعظم عالی شهر علاوه بر مراقبت و مواظبت دعاگوئی ایران و عثمانی شب و روز سواره اطراف نهر کردشی کرده و تمام احتیاطات را فراهم می آورند که بلکه بتوانند از سایه مبارک خود نصف شب الی اطراف نهر کردش بکنیم در اطمینان حاصل شود و تمام اتباع دولت علیه ایران از این مراقبت و مواظبت دعاگوئی حضرات مستطاب اجل اکرم ارفع اعظم عالی شهر علاوه بر مراقبت و مواظبت دعاگوئی آب قدری تنزل کرده است ولی باز شب را هم باید گذارد و اهمیت ندارد امروز هم آب قدری تنزل کرده است ولی باز شب را هم باید گذارد و اهمیت ندارد

مقدس همایونی از دو الی خمسه شاه هستند وضع آب کربلا خیلی غریب است ایام بهار بطور طغیان ایرانی خطر میشود و در تابستان ابدا آب نیست و اهالی کلا آب چاه میخورند چون کربلا معلی محل زوار دولتین علیه است اگر در این موقع در تعلیقه مبارکه مطاعه اهمیت ندهند زوار ایرانی چاره ندارند از اظهار مرحمتی هم بجناب مومی الیه تلگرافخانه مستطاب عالی شهر علاوه بر مراقبت و مواظبت دعاگوئی بشود خیلی خوب خواهد بود بقیه عبارت با است ابد اکرم افخم اعظم امجد عالی مطاع یحیی فروهی

شمارهٔ سند: ۸٦۸
موضوع: طغیان آب کربلا و اهتمام متصرف پاشا
نمره: ۵۵۳
تاریخ: سلخ صفر ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۳

سواد کاغذ وزارت خارجه به مشاورالوزاره مأمور کربلا

کاغذ ۲۷ محرم شما به صحابت چاپار مقرر رسید از طغیان آب کربلا و اهتمامات جناب متصرف‌پاشا در فراهم نمودن استحکامات و جلوگیری از طغیان آب شرحی نوشته بودید، مستحضر شدم چون اهتمامات ایشان در این موقع موجب آسودگی اتباع دولت علیه ساکنین کربلا و رفع ضرر و مخاطرهٔ قاطبهٔ ساکنین آن محل شریف بوده به حسن نیت و خیرخواهی ایشان امتنان و خوشوقتی دارم و از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم که ایشان را در خدمات به مسلمین همیشه موفق بدارد. نصراله مشیرالدوله.

۵۵۳

۴۹۸

وزارت [illegible]
آرشیو

۱۳۲۱

شمارهٔ سند: ۸۶۹
موضوع: تمجید اتباع ایران در کربلا و نجف از کار پرداز آنجا
نمره: ۲۲
تاریخ: ۲۷ ربیع الاول ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۳

نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه

هو

قربانت گردم، به زیارت تعلیقجات مبارکه مورخهٔ ۲۶ صفر که در جواب عرایضم شرف صدور یافته بود و تعلیقجات مبارکه مورخهٔ ششم ربیع الاول مشرف از اوامر علیه و فرمایشات مطاعه اطلاع حاصل نمودم، فدوی و اجزای کار پردازی همه‌روزه از صبح الی شام با کمال حقّانیّت و درستکاری مشغول انجام امور زوار و مجاورین هستیم و عموم اتباع دولت ابد آیت علیه نهایت شاکر و ممنون‌اند.

در این دو سفر که حسب‌الامر به کربلای معلی و نجف اشرف مشرف شده بودم از حال و کار مأمورین کار پردازی تحقیقات لازمه نمودم هیچ عیب و نقصی در کارشان نبود، اتباع دولت ابد آیت علیه در هر نقطهٔ از زحمات مأمور آن محل ممنون و شاکر بودند، مخصوصاً در کربلای معلی که علماء عظام و تجار و اصناف که دسته دسته به دیدن فدوی می آمدند تماماً از زحمات و مواظبت یحیی خان مشاورالوزاره خیلی تمجید می نمودند و تمام اهالی کربلای معلی از مشارالیه نهایت اظهار امتنان می نمودند و در هر مجلس اظهار می نمودند که از زمان قدیم الی حال چنین کار پردازی به این کفایت و درستکاری و غیرتمندی و با حقانیت و بی طمعی مانند یحیی خان مشاورالوزاره نیامده و ندیده‌اند و این مسئله مابین علما و اعاظم و تجار کربلای معلی و نجف اشرف مسلم شده است، حتی در نجف اشرف علمای عظام آنجا که ایام سال برای اعیاد و زیارات مخصوصه به کربلای معلی مشرف می شوند و از امور کار پردازخانهٔ کربلا و بغداد و سایر جاها همیشه کسب اطلاع می‌کنند خیلی از یحیی خان مشاورالوزاره تمجیدات می نمودند و خود فدوی هم تصدیق می‌کنم که در این مدت شانزده سال که در بغداد مأموریت

داشته‌ام و کار پردازهای متعدده در ظرف شانزده سال به کربلای معلی فرستاده‌ام احدی به کفایت و درستکاری و غیرتمندی یحیی خان مشاورالوزاره نبوده‌اند، قابل و درستکار و دولتخواه است هر کس در حق او غیر از این عرضی کند محض غرض و بدفطرتی و خباثت نفس خواهد بود، و چون یحیی خان مشاورالوزاره اولاد بنده است شاید این عرایض حمل بر محبت پدری شود، ممکن است علمای طهران به علمای کربلا و نجف اشرف و تجار طهران به اعیان کربلا و نجف اشرف محرمانه بنویسند و سؤال نمایند، البته همین طورها که عرض کرده‌ام جواب خواهند داد، درستکاری و امانت و دیانت و دولتخواهی نزد فدوی به اندازهٔ مطلوب و مرغوب است که اگر از اولاد خودم خلاف آن را ببینم فوراً او را طرد می‌کنم و قبول نمی‌کنم، زیاده جسارت ندارد. امر اجل اکرم امجد افخم عالی مطاع.

با مهر محمود

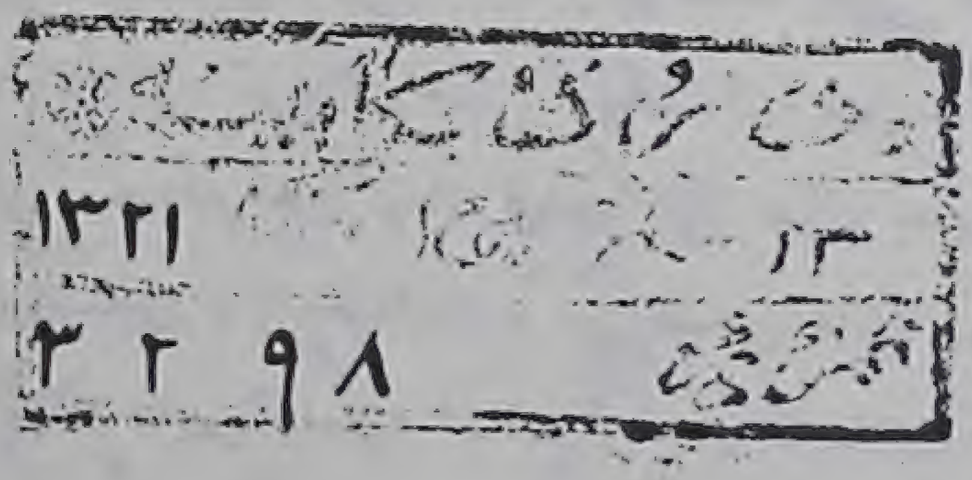

قونسول ژنرالی دولت علیهٔ ایران
در بغداد نمره ۲۲
تاریخ مصروفه ۲۶ شهر ربیع الثانی
۱۳۲۱

زیارت تعلیقات مبارکه مورخه ۲ صفر در جواب عرایض شرفصدور یافته بود

مورخه ششم ربیع الثانی مشرف از اوامر علیه و فرمایشات مطاعه مطلع حاصل نمودم

همه روزه از صبح الی شام با کمال حقانیت و درستکاری مشغول انجام امور زوار و محاذیر تسلیم و علوم آمال

امدادات علیه نهایت سعی و کوشش را مبذول میدارم

از حال و کار و امورین کار پردازی تحقیقات لازمه نمودم هیچ عیب و نقصی در کارشان نبود

در هر نقطه از زحمات مامور انجمن ممنون و شاکر بودند مخصوصاً در کربلای معلا و علماء عظام و کارداران

که دسته دسته مدیدن فردی می آمدند تماماً از زحمات و مواظبت یکی خان مشاور الوزاره تمجید می نمودند

و تمام اهالی کربلای معلا از ایشان نهایت اظهار امتنان مینمودند و در هر مجلس اظهار مینمودند در اربعین قدم

چنین کارپردازی با این کفایت و درستکاری و غیرتمندی و با حقانیت و بطمعی مانند یکی خان مشاور الوزاره

ندیده اند و این مسئله را بین علماء و اعاظم و تجار کربلای معلا و نجف اشرف مسلم شده است حتی در

علماء عظام انجا در ایام سال برای عید و زیارت مخصوصه کربلای معلا مشرف می شوند از امور کارپردازی

کربلا و بغداد و سایر جاها همیشه کسب اطلاع می کنند خیلی از یکی خان مشاور الوزاره تمجید مینمودند

و بخط فقیر رسم تصدیق مینمایم که در این مدت شانزده سال در بغداد مامور بوده و در اشتهارات و کارپردازی

متعدده در ظرف شانزده سال کربلای معلا و سامرا همه کفایت و درستکاری و غیرمندی

شمارهٔ سند: ۸۷۰
موضوع: قتل و غارت زوار و حجاج و ناامنی در عراق عرب
تاریخ: ۷ شعبان ۱۳۲۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۸

نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه

طرق عراق عرب از خانقین الی نجف اشرف از قدیم‌الایام هرگز امنیت کامل نداشته است ولی هر طور بوده با احتیاط و سفارش‌نامه‌جات و ترفیق ضبطیه ممکن بود که اغلب زوار و عابرین به سلامت عبور و مرور نمایند. حال چند ماه است که عراق عرب غرق اغتشاش و امنیت به کلی سلب شده است. حالا مملکتی است هرج و مرج حفظ طرق با ادارهٔ ضابطه است که ابداً در خیال حفظ طرق نیستند احکام ایالت را اعتنا نمی‌کنند بلکه مأمورین این اداره که به هر طرف برای نظم طرق مأمورند با عشایر اعراب دزد رفاقت دارند و اعراب در کمال اطمینان مشغول نهب و غارت قوافل می‌باشند، این روزها دو قافلهٔ اتباع دولت ابد آیت علیه و یک قافله تبعهٔ روس و یک قافله تبعهٔ انگلیس را متوالیاً در راه سامره نهب کرده‌اند قافلهٔ دیگر اتباع دولت ابد آیت علیه را در قزل رباط و قافلهٔ دیگر طرف مندلیج نهب کرده‌اند، وقتی خبر نهب قوافل به کار پردازخانه می‌رسد فوراً به ایالت در ضمن مراسلهٔ رسمیه می‌نویسم و عقب آن ترجمان می‌فرستم و با جناب مشیر پاشا که رئیس عسکریه و یک سال است وکیل والی هم هستند مکرراً و مجدداً مخابره می‌کنم ایشان به ادارهٔ ضابطه رجوع می‌کنند، رئیس ضابطه که مأمور حفظ طرق و استرداد اموال منهوبه است ابداً اعتنا به حکم ایالت نمی‌کند باز از طرف کار پردازخانه به ایالت نوشته و اصرار در استرداد اموال منهوبهٔ زوار می‌شود، مجدداً از طرف ایالت به اداره ضابطه امر موکد فرستاده می‌شود آن وقت رئیس ضبطیه دو نفر ضبطیه به صحراها می‌فرستند بعد از چند روز دست‌خالی برمی‌گردند مجدداً از طرف کار پردازخانه در تحصیل اموال منهوبه اصرار می‌شود از ایالت باز به ادارهٔ ضبطیه حکم می‌شود این دفعه ادارهٔ ضابطه دو سه نفر ضبطیه می‌فرستد یکی دو نفر از صحراها پیدا می‌کنند می‌آورند حبس می‌کنند چند روزی در حبس می‌مانند و مرخص می‌شوند ابداً احقاق حق

نمی شود.

در عراق عرب ادارات عدیده است که هر یک رئیس علی حدهٔ دارد مأمورین هر اداره هر قسم تعدی نمایند و به ایالت نوشته شود از طرف ایالت به آن اداره اظهار می شود ولی اظهارات ایالت در این ادارات محل اعتنا نیست، آمدن زوار با حالت حاضرهٔ عراق عرب حرام است. از خانقین الی نجف اشرف طرق ابداً امنیت ندارد اعراب دزد قطاع الطریق در کمال اطمینان مشغول سرقت و نهب هستند و از حکومت هیچ ترسی ندارند. زیارت و آستان بوسی ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین بسیار خوب و مستحب است ولی به موجب امر الهی که ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکه با این اغتشاش عراق عرب که جان و مال مردم محفوظ نیست حرام است. رعایای دولت قوی شوکت علیه که قوهٔ سفر و شوق زیارت و آستان بوسی ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین دارند به مشهد مقدس رضوی سلام الله علیه مشرف شوند، ائمهٔ طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین نور واحدند فدوی چند ماه است حالت اغتشاش و بی اثری حکومت را ملاحظه می نمودم، خیال داشتم به عرض این عریضه جسارت نمایم ولی باز خیال می‌کردم شاید با مخابرات با ایالت که هر روز داشته و دارم غیرت نمایند و نظمی به طرق بدهند که زوار اتباع دولت قوی شوکت علیه بیایند و از زیارت محروم نشوند حالا دیگر کار بی نظمی این مملکت به درجه‌ای رسیده است که با این وضع حاضر و این مأمورین عثمانی که بر سر کار هستند به کلی مأیوس شدم محض دولتخواهی و ملاحظهٔ حفظ رعایای دولت ابدآیت علیه جسارت می نمایم چنانچه صلاح دانند امر و مقرر فرمایند احدی به این مملکت نیاید و به کلی زوار را قدغن فرمایند تا دولت عثمانی نظمی به طرق عراق عرب بدهند با این وضع حاضر آمدن زوار حرا، از هر طرف نهب و غارت می شوند، زیاده جسارت است. امر اجل امجد ارفع عالی مطاع.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

وزیر در این فقرات به ارفع الدوله مصرآ نوشته و تأکید شود با سفارت عثمانی هم مذاکره شود.

امضاء مظفرالدین شاه

قونسول ژنرالی دولت علیهٔ ایران
در بغداد نمره ۸۲
تاریخ غضم شهر محرم الحرام
۱۳۲۱

طرق عراق عرب از خانقین الی نجف اشرف از قدیم للایام مرکز اغتشاشات و محل تاخت و تاز بوده
و تفتیش نامجات و تدقیق ضبطیه ممکن نبوده و اغلب اوقات عابرین سبیل مورد تعدیات
که عراق عرب غرق اغتشاش و اغتشاش بکلی سلب سکینه و راحت
با اداره ضابطه است و ابداً در خیال حفظ طرق نیستند حکام ایالت را اعتنائی نکنند بلکه مامورین این اداره
و بهر طرف برای نظم طرق مامور شوند با عشایر عرب زد و خورد و اعراب در کمال اطمینان
مشغول نهب و غارت و قتل میباشند این روزها هر قافله اتباع دولت ابدیت علیه و یک قافله تبعهٔ
روس و یک قافله تبعهٔ انگلیس را تماماً در راه سامره نهب کرده اند قافله دیگر اتباع دولت ابدیت
در قزلرباط و قافله دیگر طرف مندلیج نهب کرده اند وقتی خبر نهب قوافل بکاربردار خانه میرسد فوراً
با ایالت در ضمن مراسله رسمیه مینویسیم و عقب آن رجحان میفرستیم و با جناب میرپنج رئیس عسکریه و بیاک
دکتر والی هم سفارش مکرراً و مجدداً اخباریه مینویسیم ثانیاً با داره ضابطه رجوع میکنیم رئیس ضابطه در امور
حفظ طرق و بهر داد احوال منهوبه ابداً اعتنا بحکم ایالت نمی کند بازار طرف کاربردار خانه با ایالت
نوشته و همرار در بهر داد احوال منهوبه زواری شده مجدداً از طرف ایالت با داره ضابطه امر مؤکد در تلاش میشود
انوقت رئیس ضابطه در نفر ضبطیه بصحرا میفرستد بعد از چند روز دیگر ضابطه
کاربردار خانه در تحصیل احوال منهوبه همراری شده از ایالت باز با داره ضابطه حکم میشود این دفعه اداره ضابطه
در سه نفر ضبطیه میفرستند که در نفر از صحرا بیدا میکنند می اورند حبس میکنند چند روزی در حبس میمانند و هر خص
میشوند ابداً احقاق حق نمی شود در عراق عرب ادارات عدیده است در هر یک رئیس علیحده دارد
مامورین هر اداره هر قسم تعدی بنماید و با ایالت نوشته شود از طرف ایالت بآن اداره اظهاری میشود

شمارهٔ سند: ۸۷۱
موضوع: گرفتن وجه برای دفن جنازه‌های زوار توسط عثمانی ها
نمره: ۹۰
تاریخ: ۱٤ شعبان ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۸

نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه

چندی است رئیس جدید قرانتینه از اسلامبول به بغداد آمده بدعت تازه‌ای گذاشته اشخاصی که در شهر کاظمین، کربلای معلی، نجف اشرف، سامره و سایر ولایات وفات می نمودند در صورتی که در همان شهر مدفون می شد دیناری به ادارهٔ قرانتینه نمی دادند، حالا این رئیس جدید می خواهد از هر جنازه‌ای پنجاه غروش بگیرد. این مسئله هم مابین کار پردازی و مأمورین قرانتینه محل نزاع شده و هر روز در یکی از این شهرها گفتگو و نزاع است و این بدعت تازه را لابد کار پردازخانه بدون اجازهٔ وزارت جلیله نمی تواند قبول نماید، مراتب را به خدمت سفارت سنیه کبری نوشتم چنانچه رأی صوابنمای مبارک حضرت مستطاب اجل عالی اقتضا فرماید مقرر فرمایند سفارت کبری در این باب اقدام مؤثر نمایند که این بدعت را در حق اتباع دولت قوی شوکت علیه مقیمین عراق عرب نتوانند اجرا نمایند. عجالتاً مأمورین کار پردازی به امر کار پردازخانه در این شهرها گفتگو و نزاع دارند به ایالت بغداد مکرر در این باب نوشته و با جناب مشیر پاشا حضوراً گفتگو نموده‌ام مشیر پاشا می‌گوید من مداخله به کار ادارهٔ قرانتینه ندارم ولی به باب‌عالی می نویسم که تکلیف را معلوم نمایند ایشان به باب‌عالی و فدوی به سفارت کبری نوشتم تا چه شود امر اجل اکرم افخم عالی مطاع.

محل مهر: محمود

[حاشیه:]

وزیر، تفصیل را به ارفع الدوله بنویسید که اقدامات لازمه در رفع این بدعت به عمل بیاورد.

شهر رمضان ۱۳۲۱ به امضای مظفرالدین شاه

قنسول ژنرالی دولت علیهٔ ایران
در بغداد نمره ۹۰
تاریخ ۱۴ شهر شعبان المعظم
۱۳۲۱

حضرت مستطاب اجل عالی اقتضا فرمایند
سجدهٔ تمنا را تقدیم کرده عرض نماید
در باب تعارف کبری نوشته چنانچه رای صوابنمای مبارک حضرت مستطاب اجل عالی اقتضا فرماید
مقرر فرمایند تعارف کبری در این باب اقدام مؤثر نماید و این عجالتاً را در حق اتباع دولت علیه
مقیمین عراق عرب نتوانند اجرا نمایند عجالتاً مأمورین کارپردازی ما بر کارپردازخانه در این
شهرها کفکو و نزاع دارند با ایالت بغداد کمتر در این باب نوشته و با خطاب شیرها حضوراً کفکو
نموده ام شیرها میگویند مداخله کجا را دارد قونسلخانه ندارم ولی بجناب عالی مینویسم در تکلیف را
معلوم نماید این باب عالی و فروی بتعارف کبری نوشته ماهیه شود امر امر اکرم افخم عالی

شمارهٔ سند: ۸۷۲
موضوع: گرفتن وجه برای دفن جنازه‌های زوار
نمره: ۲۷۶۷
تاریخ: ۲۶ ذی‌قعده ۱۳۲۱ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۸

سواد کاغذ وزارت خارجه به سفارت کبرای اسلامبول

از قراری که مشاورالملک می‌نویسد رئیس جدید قرانتینه از اسلامبول به بغداد آمده بدعت تازه گذاشته اشخاصی که در شهر کاظمین و کربلای معلی، نجف اشرف و سایر ولایات عراق عرب وفات می‌نمودند در صورتی که در همان شهر مدفون می‌شد دیناری به ادارهٔ قرانتینه نمی‌دادند، حالا این رئیس جدید می‌خواهد از هر جنازه پنجاه غروش بگیرد و این مسئله مابین کارپردازی و مأمورین قرانتینه محل گفتگو شده هر روز در یکی از ولایات عراق عرب گفتگو و نزاع است و با ایالت بغداد هم مذاکره نموده است، می‌گویند ما مداخله به کار ادارهٔ قرانتینه نداریم و این فقرات را کارپردازی بغداد البته به سفارت کبری نوشته است جناب‌عالی در رفع این بدعت اگر اقدامی نموده‌اید، اطلاع بدهید به عرض حضور همایون برسد چنانچه اقدام نشده است با باب‌عالی مذاکره فرموده به عهدهٔ مأمورین قرانتینه هر حکمی که لازم است صادر و ابلاغ نمایید که این رسم غیرمعمول و مخالف اصول را از اتباع مطالبه ننمایند و نتیجه این اقدامات را هم اطلاع بدهید به عرض برسد. نصراله مشیرالدوله.

۲۷۹۷

۷

۱۱۸۵

سواد کاغذ وزارت خارجه سفارت کبرای اسلامبول

۲۳ شهر ذی قعده ۱۳۲۱

از قرار یکه مشاور الملک خلیده رئیس جدیده قرانتینه از اسلامبول بغداد آمده بعیت تازه کداشته اند قرانتینه در شهر عمل مطبق دکر بعد سیصد
و ماموریتی قرانتینه مشکل کشته هر روز در یکی از ولایات عراق عرب کشمکش و نزاع است بین قرانتینه و
و با ایالت بغداد هم مذاکره مخصوصات میکنند مادامیکه بکار اداره قرانتینه نداریم و این مقررات
کار پردازی بغداد البته سفارت کبری نوشته است خواهد در رفع این بدعت اگر اقدامی نمیشود
بدیهی بعرض حضور ها یون برسد چنانچه اقدامی نشده است با با ایالت مذاکره فرمایند بعهده ماموریتی
قرانتینه هر حکمی لازم است صادر و ابلاغ نمایند و این رسم غیر معمول را از اسباب
مطالبه نمایند و نتیجه این اقدامات را هم اطلاع بدهند بعرض برسد

فصل ۲

اُمور تشریفاتی

JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Kashmir Division - Srinagar

شمارهٔ سند: ۸۷۳
موضوع: تعیین ولایت‌عهدی محمدعلی میرزا
تاریخ: ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۱۳ هـ. ق
کارتن: ۲۵
پرونده: ح/۵

به سفرای دول متحابه نوشته می‌شود

چون تعیین مقام منیع ولایت‌عهد سلطنت و انتخاب موقع رفیع وراثت تاج و تخت پادشاهی از سنن سنیه سلاطین تاجدار و از حقوق مسلّمه پادشاهان بااقتدار و از لوازم تکالیف دول مستقله است در این وقت که اعلی حضرت قوی‌شوکت اقدس همایون شاهنشاه تاجدار متبوع مفخم دوستدار مظفرالدین شاه قاجار خلدالله ملکه و سلطانه بر اریکهٔ سلطنت و شاهنشاهی مملکت ایران جلوس فرمود، محض اجرای وظیفهٔ مقدسهٔ سلطنت عظمی نواب مستطاب اشرف اسعد افخم والا محمدعلی میرزا اعتضادالسلطنه فرمان‌فرمای مملکت آذربایجان دامت شوکته را که ارشد ابنای اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی و اماً نوادهٔ پادشاه مغفور محمدشاه مبرورالبسه الله جلل النور است و بدقت فکر و فرط کیاست و قدس نیت معروف و در سِرّوعلنی به حسن اخلاق و نیکی اداب و سنن موصوف و بر حسب قوه بدنیه نیز قابل کفالت این خدمت مهم و منصب بزرگ‌اند با استحقاق کامل و نهایت شایستگی به وراثت تاج و تخت خلافت انتخاب و به منصب ولایت عهد سلطنت منصوب فرمودند. محض استحضار خاطر مهام ذخایر آن‌جناب جلالت‌مآب از این ارادهٔ سنیه و صداقت خاطر اقدس همایون و اجرای آن با کمال احترام زحمت‌افزا گردید، بدیهی است که تفصیل امر را به اولیای دولت متبوعه خود اعلام خواهند فرمود، زیادت زحمت نمی‌دهد. ۲۹ شهر ذی‌حجه‌الحرام ۱۳۱۳

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
ــ ملاحظه شد، صحیح است.

بسمه تعالی

[illegible]

چون تعیین مقام منیع و مدیت عهد سلطنت و انتخاب صحیح رفیع در اثبات تاج و تخت پادشاهان [illegible] سنین سنیه سلاطین [illegible] صاحب اختیار و [illegible] و تدبیر [illegible] مسلمه پادشاهان [illegible] اقتدار و ابراز لوازم [illegible] تکالیف دول متبوعه است در این وقت که برادر اقدس همایون شاهنشاه تاجدار مقتدر [illegible] ناصرالدین شاه قاجار خلد الله ملکه و سلطانه آثار سلطنت و اشعه انوار مملکت ایران بر همگی فرمود محض اجرای وظیفه مقدسه سلطنت عظمی نواب [illegible] اسعد افخم والا مهد علیرضا میرزا اعتضاد السلطنه فرمانفرمای مملکت آذربایجان دامت شوکته را که از [illegible] اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی والا نهاده [illegible] بمنصه ظهور و بروز السنه الله علی السنوار [illegible] و ضبط کیاست و دقت سرشت سرشف و در سیر و عمل بخرج اصدق و یکتا ادب و [illegible] در حسب قوه بدینه نیز قابل کفالت انیقه ست مهم و منصب بزرگ با استحقاق تمام [illegible] شاهنشاهی بزرات تاج و تخت خلد الله ابد منصب و ولدیت عهد سلطنت [illegible] محض اشعار خاطر مهام ذخایر آن خاندان صاحب تمکین از این اراده سنیه و صدارت [illegible] بهایه و اجرای آن با کمال اقتدار همت افتاده بهمین [illegible] تصدیع امر [illegible]

۱۳۱۳

[illegible]

شمارهٔ سند: ۸۷٤
موضوع: فرامین نشان برحسب خواهش سفارت عثمانی
تاریخ: صفر ۱۳۱٤ هـ.ق
کارتن: ۲٤
پرونده: ۳/ت

فهرست فرامین نشان که بر حسب خواهش سفارت عثمانی صادر می‌شود

در حق عبدالنافع افندی باش کاتب تحریرات در مکتب سلطان درجهٔ دویم خارجه

در حق وهبی بک باش کاتب انجمن تفتیش درجهٔ دویم خارجه
در حق عبداله افندی مدیر محاسبهٔ معارف درجهٔ دویم خارجه
در حق علی غالب بیک مدیر اوراق نظارت معارف درجهٔ دویم خارجه
در حق فیضی افندی معلم زبان فارسی در مکتب سلطان درجهٔ سیم خارجه
در حق فایق بک ملازم از عساکر بحریهٔ دولت عثمانی درجهٔ سیم خارجه
در حق خالدبیک منشی ادارهٔ ژاندارمیه دولت عثمانی درجهٔ سیم خارجه

ندارد

[حاشیه:]

موازی هفت طغرا فرامین نشان است و این فهرست به شرف صحهٔ مبارکه همایونی ارواحنافداه مشرف خواهد شد که فرامین به مُهرِ مِهرآثار مبارک مزین شود. شهر صفرالمظفر ۱۳۱٤

امضای مظفرالدین شاه

مهر

فرامین نشان در رجب خواهش سفارت عثمانی صادر شد

در حق عبد الله افندی مترجم سفارت	در حق دو نفر از کتاب انجمن تعلیمی	در حق عبد الله افندی مترجم معارف
در رتبه دوم حارجیه	در رتبه دوم حارجیه	در رتبه دوم حارجیه
در حق علی غالب بک مدیر اوراق نظارت معارف	در حق فیضی افندی معلم زبان فارسی در مکتب سلطانی	در حق فائق بک ملازم از عساکر بحریه پیشخانه
در رتبه دوم حارجیه	در رتبه سیم حارجیه	در رتبه سیم حارجیه

در حق خالد بک مترجم ادارهٔ ثانیهٔ ارکان حربیه دولت علیه عثمانیه

در رتبه سیم حارجیه

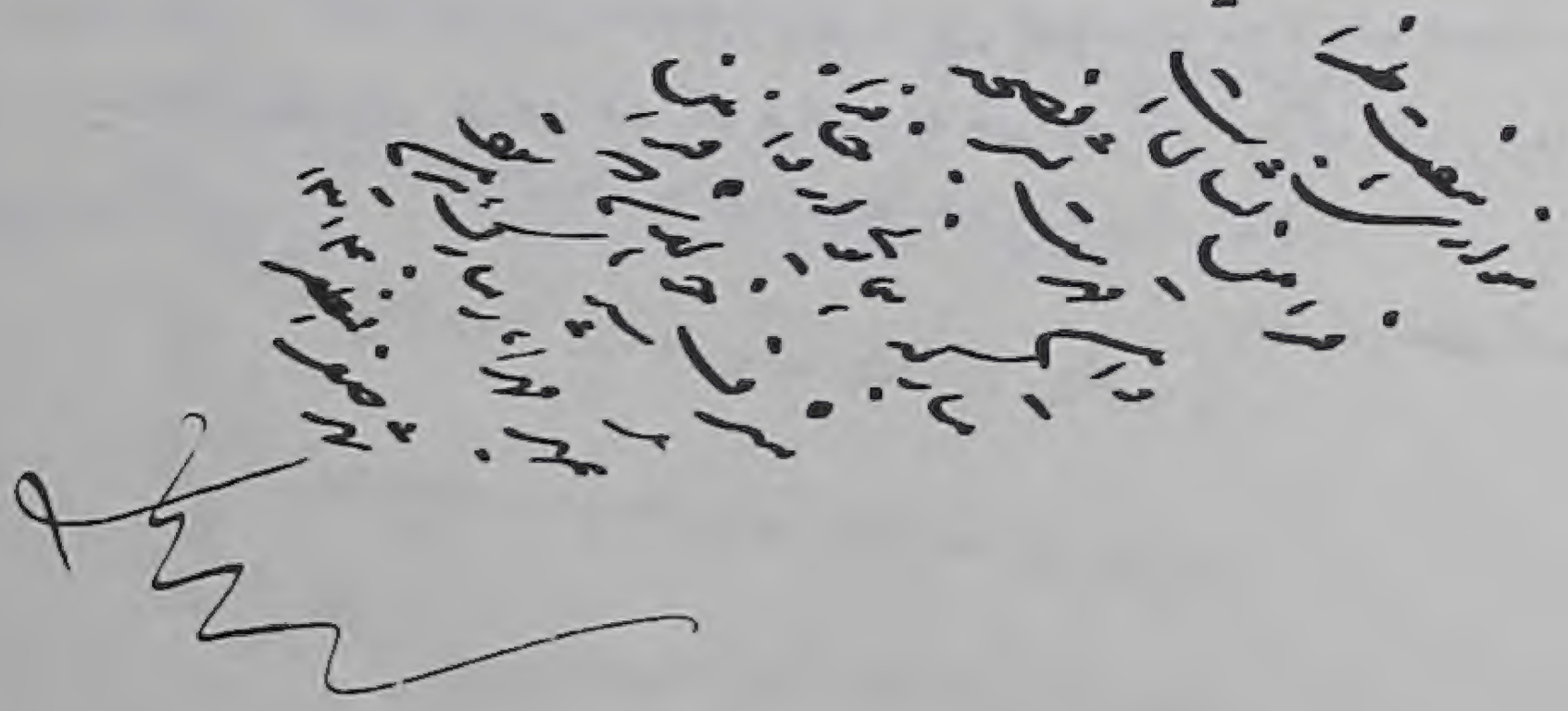

شمارهٔ سند: ۸۷۵
موضوع: فرامین نشان برحسب استدعای سفارت عثمانی
تاریخ: ربیع الثانی ۱۳۱٤ هـ. ق
کارتن: ۲٤
پرونده: ۳/ت

فهرست فرامین نشان که برحسب استدعای سفارت عثمانی صادر می‌شود

در حق جواد افندی نایب سیم سفارت عثمانی نشان درجهٔ سیم خارجه
در حق یوسف افندی اجزای سفارت عثمانی نشان درجهٔ چهارم خارجه
در حق اطهر افندی اجزای سفارت عثمانی نشان درجهٔ چهارم خارجه

ندارد

[حاشیه:]

موازی سه طغرا فرامین نشان است و این فهرست به شرف صحهٔ مبارکهٔ همایونی ارواحنافداه مشرف خواهد شد که فرامین به مُهرِ مِهرآثار مبارک مزین شود. فی شهر ربیع الثانی ۱۳۱٤

محل مهر: صدراعظم و امضای مظفرالدین شاه

۷/۵۵

فرامین نشان درجه سیم خارجه

درحق جولفه افندی نایب سیم سفارت عثمانی

نشان درجه سیم خارجه

درحق یوسف افندی اجزای سفارت عثمانی

نشان درجه چهارم خارجه

درحق اطهر افندی اجزای سفارت عثمانی

نشان درجه چهارم خارجه

مرارد

سردار سپهسالار اعظم

نشان مرصع با شمشیر مرصع

نشان درجه اول خارجه

نشان درجه دوم خارجه

نشان درجه سوم خارجه

نشان درجه چهارم خارجه

نشان درجه پنجم خارجه

نشان درجه ششم خارجه

نشان درجه هفتم خارجه

نشان درجه هشتم خارجه

نشان درجه نهم خارجه

نشان درجه دهم خارجه

نشان درجه یازدهم خارجه

نشان درجه دوازدهم خارجه

نشان درجه سیزدهم خارجه

نشان درجه چهاردهم خارجه

نشان درجه پانزدهم خارجه

نشان درجه شانزدهم خارجه

نشان درجه هفدهم خارجه

نشان درجه هیجدهم خارجه

نشان درجه نوزدهم خارجه

نشان درجه بیستم خارجه

نشان درجه بیست و یکم خارجه

نشان درجه بیست و دوم خارجه

نشان درجه بیست و سوم خارجه

نشان درجه بیست و چهارم خارجه

نشان درجه بیست و پنجم خارجه

نشان درجه بیست و ششم خارجه

نشان درجه بیست و هفتم خارجه

نشان درجه بیست و هشتم خارجه

نشان درجه بیست و نهم خارجه

نشان درجه سی ام خارجه

نشان درجه سی و یکم خارجه

نشان درجه سی و دوم خارجه

نشان درجه سی و سوم خارجه

نشان درجه سی و چهارم خارجه

نشان درجه سی و پنجم خارجه

نشان درجه سی و ششم خارجه

نشان درجه سی و هفتم خارجه

نشان درجه سی و هشتم خارجه

نشان درجه سی و نهم خارجه

نشان درجه چهلم خارجه

نشان درجه چهل و یکم خارجه

نشان درجه چهل و دوم خارجه

نشان درجه چهل و سوم خارجه

نشان درجه چهل و چهارم خارجه

نشان درجه چهل و پنجم خارجه

نشان درجه چهل و ششم خارجه

نشان درجه چهل و هفتم خارجه

نشان درجه چهل و هشتم خارجه

نشان درجه چهل و نهم خارجه

نشان درجه پنجاهم خارجه

نشان درجه پنجاه و یکم خارجه

نشان درجه پنجاه و دوم خارجه

نشان درجه پنجاه و سوم خارجه

نشان درجه پنجاه و چهارم خارجه

نشان درجه پنجاه و پنجم خارجه

نشان درجه پنجاه و ششم خارجه

نشان درجه پنجاه و هفتم خارجه

نشان درجه پنجاه و هشتم خارجه

نشان درجه پنجاه و نهم خارجه

نشان درجه شصتم خارجه

نشان درجه شصت و یکم خارجه

نشان درجه شصت و دوم خارجه

نشان درجه شصت و سوم خارجه

نشان درجه شصت و چهارم خارجه

نشان درجه شصت و پنجم خارجه

نشان درجه شصت و ششم خارجه

نشان درجه شصت و هفتم خارجه

نشان درجه شصت و هشتم خارجه

نشان درجه شصت و نهم خارجه

نشان درجه هفتادم خارجه

نشان درجه هفتاد و یکم خارجه

نشان درجه هفتاد و دوم خارجه

نشان درجه هفتاد و سوم خارجه

نشان درجه هفتاد و چهارم خارجه

نشان درجه هفتاد و پنجم خارجه

نشان درجه هفتاد و ششم خارجه

نشان درجه هفتاد و هفتم خارجه

نشان درجه هفتاد و هشتم خارجه

نشان درجه هفتاد و نهم خارجه

نشان درجه هشتادم خارجه

نشان درجه هشتاد و یکم خارجه

نشان درجه هشتاد و دوم خارجه

نشان درجه هشتاد و سوم خارجه

نشان درجه هشتاد و چهارم خارجه

نشان درجه هشتاد و پنجم خارجه

نشان درجه هشتاد و ششم خارجه

نشان درجه هشتاد و هفتم خارجه

نشان درجه هشتاد و هشتم خارجه

نشان درجه هشتاد و نهم خارجه

نشان درجه نودم خارجه

نشان درجه نود و یکم خارجه

نشان درجه نود و دوم خارجه

نشان درجه نود و سوم خارجه

نشان درجه نود و چهارم خارجه

نشان درجه نود و پنجم خارجه

نشان درجه نود و ششم خارجه

نشان درجه نود و هفتم خارجه

نشان درجه نود و هشتم خارجه

نشان درجه نود و نهم خارجه

نشان درجه صدم خارجه

شمارهٔ سند: ۸۷۶

موضوع: انعام و اعطای نشان و حمایل سرتیپی سوم برای میرزا حسن‌خان منشی کار پردازی

تاریخ: ۳ ربیع الاول ۱۳۱۷ هـ. ق

کارتن: ۶

پرونده: ۱۱/۴۲

خلاصهٔ نوشتجات ناظم الملک کارپرداز بغداد

میرزا حسن‌خان، منشی کار پردازی، بیست و دو سال است به صداقت خدمت می‌کند. همهٔ کار پردازها از او راضی بودند، ماهی ده تومان معاش دارد جزو مقرری کار پردازی مرحمت می شود زمان مأموریت مستشارالسلطان سالی پنجاه تومان انعام مقرری از خزانه در حق او برقرار شد آن هم پس از شهادت شاه شهید تاکنون مرحمت نشده کراراً مراتب عرض شد، تا پارسال به موجب تعلیقهٔ وزارت خارجه مقرر شد حسب‌الامر به او مرحمت شود، سواد تعلیقه را هم چندی قبل به وزارت خارجه فرستاده است هنوز وجه مقرری چهارساله نرسیده و در این مدت خدمت فقط یک طغرا فرمان سرهنگی دارد در عوض خدمات استدعا دارد مقرر شود دویست تومان انعام مقرری چهارسالهٔ او مرحمت که قروض خود را بدهد و اگر رأی مبارک قرار بگیرد مشارالیه را به اعطای یک قطعه نشان و حمایل سرتیپی سیم مفتخر فرمایند که مزید امیدواری او باشد، چنانچه مرحمت می شود زودتر مرحمت شود که در این عید مولود آینده رسیده زیب پیکر افتخار نماید.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ــ نمی شود داد و گذشته است. امضای مظفرالدین شاه

شمارهٔ سند: ۸۷۷
موضوع: قاتل ناصرالدین شاه
نمره: ۲۴۵
تاریخ: ۳ جمادی‌الاول ۱۳۱۷ هـ. ق
کارتن: ۵
پرونده: ۱۱/۱۲

گزارش کارپردازی ایران در طربزون [طرابوزان] به وزارت خارجه

هو

قربان حضور مبارکت شوم، تفصیل وقایع اتفاقیه این ولا را در هر پست به عرض حضور مبارک رسانیده، الحال که موقع عزیمت پست مقرری بود حسب‌الوظیفهٔ چاکری چند فقره حوادثات جدیده که در این ایام وقوع یافته بود لفاً عرض و تقدیم می‌نماید و یک فقرهٔ مهمی که عرض اطلاع آن الزم بود به تفصیل و تقدیم آن جسارت می‌شود. مشهدی اسماعیل نام صراف که از اتباع دولت علیهٔ متبوعه بوده و از چندی به این طرف در طربزون [طرابوزان] اقامت دارد یک فطوغراف از قاتل ملعون شاه شهید نورالله مزجعه را که از طرف بابی‌ها شرحی در بالای صفحهٔ فطوغراف به عربی العباره نوشته شده است در دکان خود گذارده به خارج و داخل در صورت خصوصی ارائه می‌نموده است، شخصی کیفیت را به چاکر اطلاع داده، در حال فطوغراف مذکور را از دکان مشهدی اسماعیل ضبط کرده به کار پردازخانه آورد اینک لفاً عین فطوغراف را تقدیم می‌نماید که از نظر مبارک بگذرد.

البته معلوم حضرت ولی النعمی خواهد بود که آنچه از طرف بابی‌های بی‌دین در روی صفحه نوشته شده است چقدر به امور سیاسی برخورده و مسئلهٔ مهمی است خصوصاً مشهدی اسماعیل مرقوم که این فطوغراف را در دکان خود گذارده و به مردم ارائه می‌نموده است و چاکر آنچه استنطاقش نمود که از کجا این فطوغراف را آورده و کجا انداخته شده است، چیزی بیان نکرده هم این‌قدر می‌گوید که از تفلیس برای او فرستاده‌اند.

در هرحال حسب‌الوظیفهٔ چاکری به عرض تفصیل و تقدیم فطوغراف جسارت

ورزید که هرچه امر مبارک باشد از آن قرار اطاعت شود. زیاده جسارت است. چاکر اسداله

و آنچه چاکر اخیراً در حق مشهدی اسماعیل مذکور تحقیقات لازمه به عمل آورد گویا من القدیم با بابی ها مراوده و مکاتبه داشته و این فطوغراف را هم برای ترویج نزد خود آورده به مردم نشان می داده است، در هر صورت ماندن این جور اشخاص در این صفحات خالی از اشکال و اغتشاش نخواهد بود، محض اطلاع خاطر مبارک مجدداً عرض و جسارت نمود. محل مهر: اسداله

[حاشیه، پشت پاکت نامه و دستخط مظفرالدین شاه:]

ــ چند فقره کاغذ کار پرداز طرابوزن [طرابوزان] است که از عرض خاکپای مهر اعتلای اقدس همایون اعلی روحنافداه خواهد گذشت.

جناب اشرف صدراعظم مطالب کار پرداز طرابوزان به عرض رسید و از خدمات او تمجید نمایید.

امضا: مظفرالدین شاه

نمرهٔ ۲٤٥ ــ ۳ جمادی‌الاول ۱۳۱۷

۱۳۱۷
۱۷ تحریر

۸

فرمان حضور مبارک شوم

بعرض حضور مبارک
نقصی در تمام بقعه انوار در هر است

رسانیده الحال که موقع غربت است مقرر بود حسب الوظیفه چاکری خبر فقره حوادث

ایام
که در
جبره

وقوع یا قریب وقوع عرض و تقدیم نماید و کیفیه مهمی بعرض اعلی آن از هر جهت بنقصی تغیر

یک فقره عرض

شهری اصفهان از طرف که از اتباع و دایره توجه بعضه دارجنی هیچ طرف در طرز دولت است

العاده

بعرض

از قبل معروض شد شهر نور اله مرقده را که از طرف بلاد ۴ شرعی در بلدی صفحه فطرعرف

نوشته شده است در دکان خود گذارده بخارج و داخل در صورت خصوصی ارائه نمود

تشخیص کیفیت را بجای اطلاع داده در حال فطرعزاد مذکور را از دکان شهری نشان

یکی از بیرون خانه آورد آنگاه نفر عین فطرعزا را تقدیم نماید که از نظر مبارک

شمارهٔ سند: ۸۷۸
موضوع: مهمانی سفیر ایران در استانبول از سفرای خارجه و وزرای عثمانی
نمره: ٤٨١
تاریخ: ۲٦ شوال ۱۳۱۷ هـ . ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱۱/۱

گزارش سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

این اوقات که سفرا به اصطلاح به دعوت دیپلوماتیک شروع کرده‌اند، بنده نیز برحسب معمول خود در این چند روزه علی‌العجاله دو دفعه از بعضی از سفرا و وزراء عثمانی و مأمورین خارجه دعوت کرده صورت مدعوین را به ترتیبی که در سر میز شام حاضر بودند لفاً فرستاد* تا از لحاظ شریف بگذرد، در دفعهٔ اول که وزیر خارجه و تشریفات موعود بودند از جناب خلیل رفعت‌پاشا صدراعظم عثمانی هم دعوت کرده بودم ولی چون به واسطهٔ کهولت سن و ضعف مزاج غالباً از حضور در این قبیل مجالس عذر می‌خواهند از بنده نیز عذر خواسته بودند، این دو مجلس بسیار باشکوه و مجلل و مرتب گذشت، دعوتهای دیگر هم همین که به انجام رسید صورت مدعوین و مجلس دعوت محض اطلاع خاطر شریف فرستاده خواهد شد.

محمود

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
ــ خیلی خوب تمجید نمایید. امضا: مظفرالدین شاه

* دو برگ صورت مدعوین به ترتیبی که در سر میز شام حاضر بوده‌اند، ضمیمهٔ سند است.

۲۶ شهر شوال المکرم ۱۳۱۷

۴۸۱

Son Excellence Nouri Bey

Comtesse d'Armoux

Son Excellence Ibialim Bey

Madame Stéphanovic

Son Excellence

Baronne Fiesl. Fiesslingen

L'Excellence le Ministre de Serbie

Mademoiselle Zimovievs

Monsieur Maximoff

Prince Volgorouki Prince

Monsieur Sigat. ul. Mulk

Comte d'Armoux

Mademoiselle Stéphanovic

Chawnes Khan

Monsieur Seubert

Mademoiselle Savoud Effendi

S.Ex. Galib Bey

Madame Diez

S.Ex. Ministre de Grèce

Madame Morgen

S. Ex. l'Ambassadeur d'Allemagne

Madame Testa

S. Ex. Naser-ul-Saltanet

Madame d'Aronco

Chargé d'Affaires des Etats-Unis

Monsieur Chenier

Commandant Geigen

Chevalier de la Légion d'honneur

Mlle Dietz

Mlle Gosta

Madame Cartali

Son Excellence

Madame Davoud Effendi

S.Ex. Ministre de Suède

Madame Seubert

S.E. Said Pacha

Madame Tricoglou

S.Ex. Ministre d'Autriche-Hongrie

Monsieur Tricoglou

Consulat (Athènes)

شمارهٔ سند: ۸۷۹
موضوع: ترجمهٔ صورت‌حساب بابایان در ساختن نشان
تاریخ: ۱۳۱۷ هـ . ق (مطابق ۳ مهٔ ۱۸۹۷ میلادی)
کارتن: ۶۰
پرونده: —

عالی جناب

مفتخراً و با اجازهٔ عالی جناب بدین وسیله قیمتهایی را که استفسار فرموده بودید اعلام می نماید:

نشان بزرگ مزین به برلیان (تمام برلیان) و لوح مزین به الماس و برلیان به قیمت ۲۷۵ لیر ترکی.

ضمناً می توان همان نشان و لوح را مزین به برلیان و الماس را به قیمت ۱۷۵ لیر ترکی ساخت.

مفتخرم که خدمتگزار حقیر و مطیع آن‌جناب باشم. با تقدیم احترامات فایقه.

بابایان

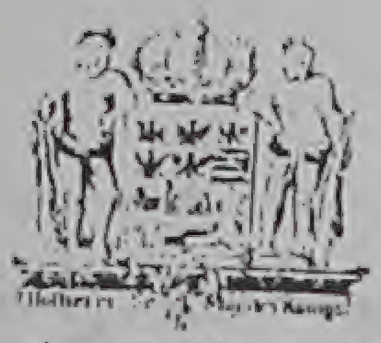

Hof-Juwelier Se Maj des Sultans
und Se. Maj des Kaisers von Deutschland und
Königs von Preussen

دارالخلافه حضرت شاهانه یاوری و حشمتلو اعلیحضرت امپراطور حضرت برلینك سرقوه جسیمی

قرابت باباياتس

بلنارغلق جاده کبیرده نومرو ۳۸۰

Constantinople le 3 Juin

Monsieur

J'ai l'honneur de porter à votre
connaissance que j'ai mis en vente
à Son Excellence [illegible] pour le cas
où elle daigne bien vouloir me demander
la grande décoration [illegible] que
vous avez bien voulu me faire
l'honneur de me demander au prix de 375 fr.
Je viens également de terminer une décoration
et plaque pareilles à celle-ci
et vous en offre le prix de 175 fr.
Si cette dernière vous convient
Veuillez me le faire savoir
et croyez à mes sentiments
dévoués.

P.S. [illegible]

A. Babayan

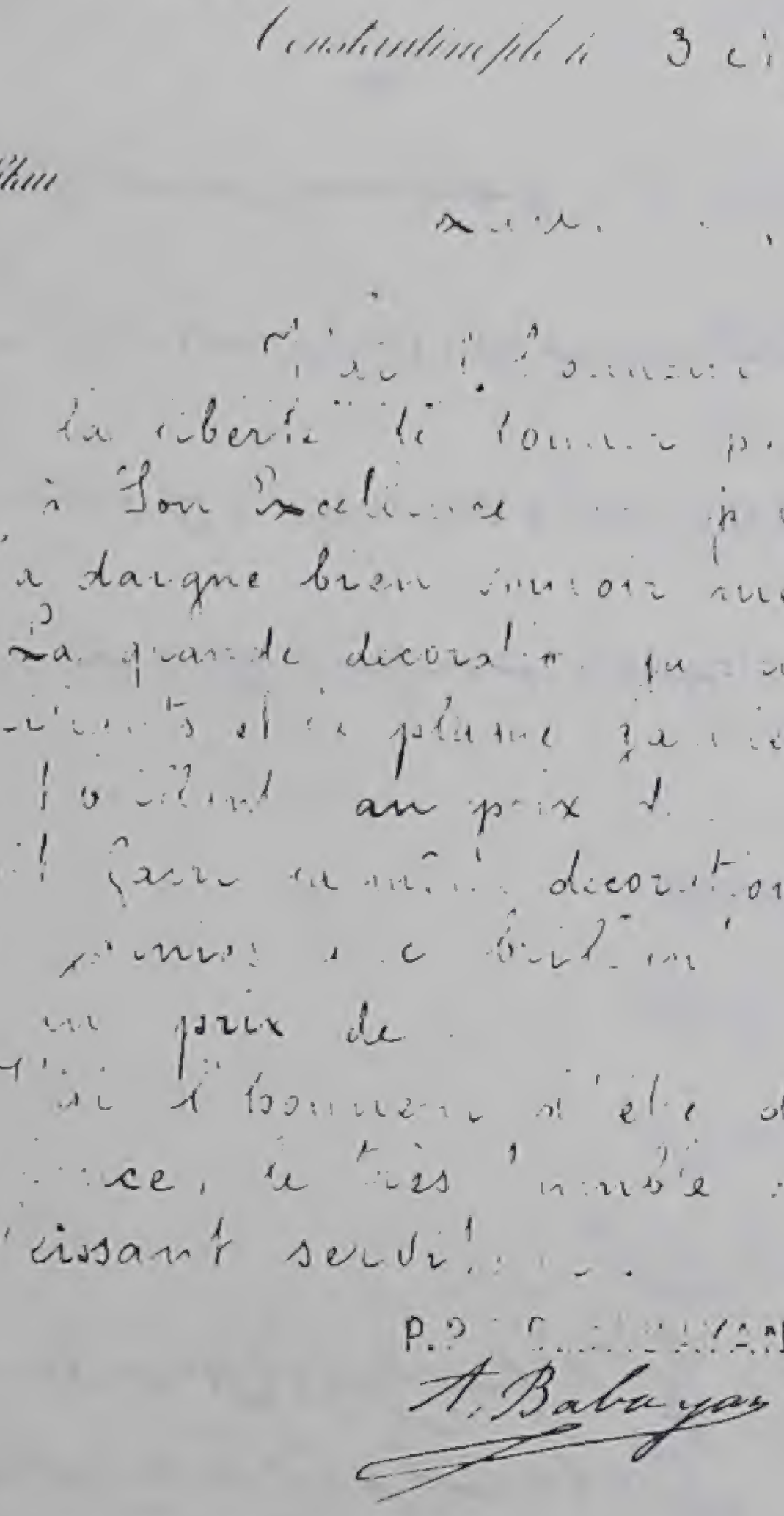

Hof-Juwelier Sr. Maj. des Sultans
und Sr. Maj. des Kaisers von Deutschland und
Königs von Preussen

Ch. Wagenmann

JOAILLIER EN CHEF
de S. M. I. le Sultan
et de S. M. l'Empereur d'Allemagne
et Roi de Prusse

Grand'Rue de Pera N° 380
Tout ce qui concerne la profession

شمارهٔ سند: ۸۸۰
موضوع: سوء قصد به مظفرالدین شاه در پاریس
تاریخ: سلخ ربیع الثانی ۱۳۱۸ هـ. ق
کارتن: ٤
پرونده:

گزارش کارپرداز ایران در شام به وزارت خارجه

در پاریس یک نفر از آنارشیستها که در حق ذات اعلی حضرت اقدس شهریاری روحی و روح العالمین فداه را سوء قصدی نموده و از تفضل خداوند و اقبال بی زوال اعلی حضرت همایون ملتزمین رکاب مبارک که عبارت از بندگان حضرت مستطاب اشرف اعظم، آقای صدراعظم روحی فداه و وزیر دربار و مهماندار دولت بهیهٔ فرانسه باشد، زود ملتفت شده بدون فرصت دستگیر نموده بودند. قبل از آنکه این چاکر را خبری برسد جناب ناظم پاشا والی ولایت سوریه باخبر شده به کار پردازخانه آمده بشارت داده و تبریک نمود، بعد جنرال قونسول دولت بهیهٔ فرانسه و روس آمده تبریک نمودند و چاکر نیز اظهار امتنان و تشکر زیاد از بشارت ایشان نموده، سجدات شکر خداوندی را بجا آورد. خداوند همیشه دشمنانش را ذلیل مجذوب و منکوب نموده و روز به روز بر عمر و شوکتشان بیفزاید، زیاده جسارت است.

محل مهر: عبده محمد هاشم

۱۳۱۸
سنه تنگوزی الله

شمارهٔ سند: ۸۸۱
موضوع: مشخص کردن روز ورود مظفرالدین شاه به عثمانی
تاریخ: ۱٤ جمادی‌الاول ۱۳۱۸ هـ. ق
کارتن: ۲۰
پرونده: ٤۰

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

جناب ابراهیم بیک ایشیک آقاسی باشی، برحسب امر اعلی حضرت سلطان رسماً نوشته از بنده سؤال کرده است که روز ورود اعلی حضرت همایونی روحنا فداه را به اسلامبول* از روی تحقیق برای او بنویسد، چون از خود جسارت نمی‌توانست کرده جواب بنویسد لابداً تلگرافاً به عرض عالی رسانید که هر روز را مشخص فرموده اعلام بفرمایند که در جواب به ابراهیم بیک بنویسد که به عرض سلطانی برساند و منتظر جواب است که از آن قرار رفتار نماید. محمود.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ــ جناب اشرف صدراعظم، روز ورود ما را تلگرافاً به علاءالملک اطلاع بدهند. امضا مظفرالدین شاه

* عکس و مقالهٔ روزنامهٔ تلگراف (چاپ صوفیه) در مورد سفر مظفرّالدین شاه به فرنگ ضمیمهٔ سند است (به تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۰۰ م).

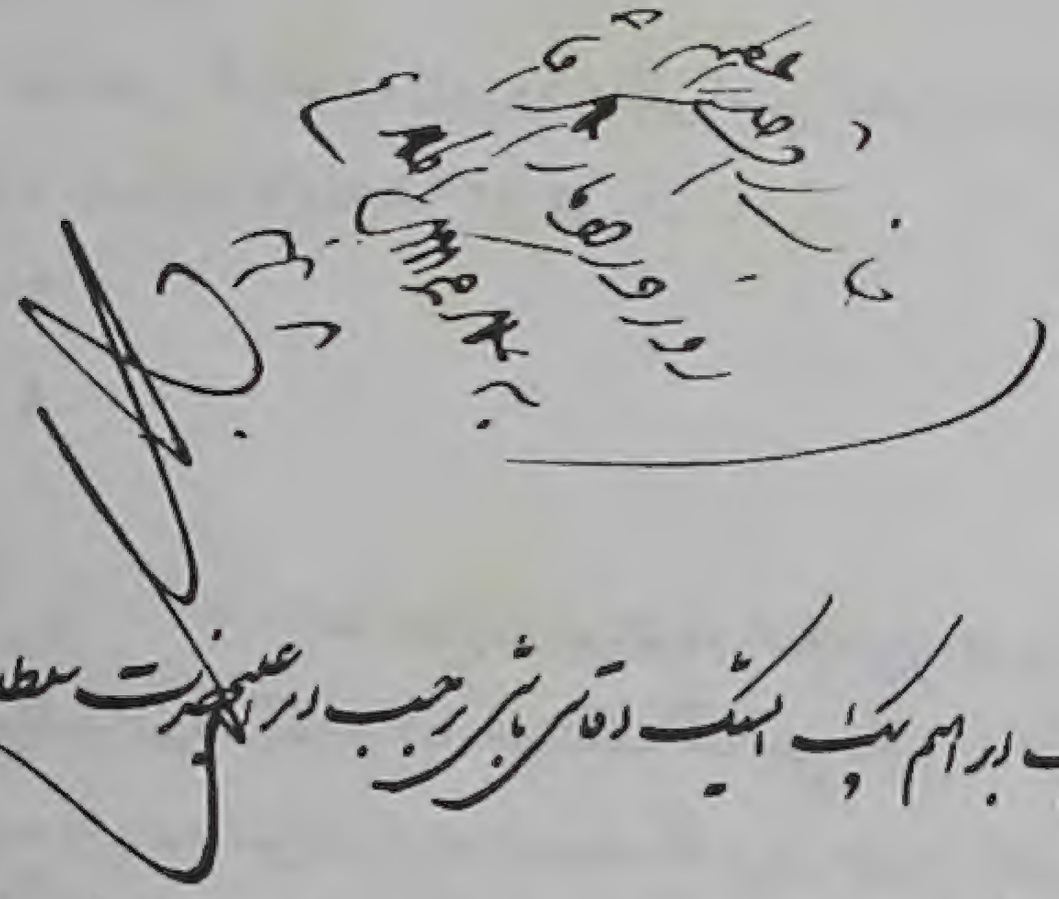

۱۴ شهر جمادی الاولے ۱۳۱۸

جواب ابراهیم بیک السنگ اقدسی باشی رجب از حضرت سلطان ریحانو

بخصوص

در جنبه سؤال کرده بود که روز در حضور اعلیحضرت همایونی روضه خوانها باید معنی از روضه

برای رد مزبوره چون از خود جرأت نمی توانست کرده جواب مزبوره لامدا ملکرا فقا

بعرض عالی رسانید در هر روز از اشخاص فرسوده اعلام نفرمایند در جواب براهیم بیک مزبوره

که بعرض سلطانی رسانید و مشطر جواب است که از نفر آرزو رفتار نماز محمد صالح

Година II. София, 22-о Септемврий 1900 година

За обявленията се плаща
на I стр. 1 лев
„ IV „ —40 ст.

Единъ брой 10 ст.

ТЕЛЕГРАФЪ

Rédacteur en Chef du journal
Lieutenant de la réserve Stoyloff.

TÉLÉGRAPHE
JOURNAL MILITAIRE.

Отговоренъ редакторъ Св. Димитровъ, адюдантъ запасенъ, бивши телеграфистъ на Пер

Le Chah Mouzaffer-Eddin, le Ro

Aujourd'hui pour la première fois, après une immense période de temps, la capitale de la Bulgarie a l'honneur de recevoir dans son sein, comme Hôte rare et précieux de Son Altesse Royale le Prince et de tout le peuple Bulgare, le „*Fils du Soleil*", le glorieux successeur de Cyrus, Cambyse et Darius, Sa Majesté Mouzaffer-Eddin — Chah des Perses, cinquième Souverain de la dynastie régnante des „Kadjars".

Sa Majesté Impériale le Chah est née à Téhéran, capitale de la Perse, le 25 Mars 1853 et a maintenant juste 47 ans, 4 mois et 25 jours. Il a succédé à la Couronne Impériale de Perse à Son Auguste Père le Chah Nassr-Eddin (né le 17 Juillet 1831) le 1-er Mai 1896 — le jour même de l'odieux assassinat de Son Auguste Père.

L'Empereur Mouzaffer-Eddin est le plus sage, le plus énergique et le plus généreux de tous les Souverains de l'Asie. Grâce à Ses excellentes qualités d'âme et de coeur, entre tous les Monarques — Autocrates de l'Orient, Sa Majesté a reussi à attirer sur Son Auguste Personne l'attention de l'Europe entière et en même temps à gagner, de la manière la plus méritée, les sympathies de tout le monde civilisé, ainsi que l'amour et le dévouement absolus de Ses sujets.

Pendant Son heureux et glorieux règne de 4 années, en Perse ont été prises de nombreuses mesures d'une haute utilité concernant le commerce, l'industrie, l'agriculture, l'instruction publique etc. Sa Majesté Impériale le Chah aime passionément Son armée, à la suite de quoi cette dernière a reçu l'organisation militaire la plus moderne et dans cette armée tout se fait conformément aux principes du dernier mot de l'art militaire actuel.

Si la Providence accorde une longue vie à ce sage et noble Monarque, la Perse continuera d'exister comme unité politique indépendante encore pendant de longs siècles.

En terminant, nous sommes heureux de souhaiter la bienvenue dans notre capitale à Sa Majesté le Roi des Rois.

شمارهٔ سند: ۸۸۲
موضوع: مأموریت ارفع الدوله و جشن بیست و پنج سالهٔ سلطنت سلطان عبدالحمید
نمره: ۵۷۰
تاریخ: ۱٤ جمادی الاول ۱۳۱۸ هـ. ق
کارتن: ۵
پرونده: ۱۱/۱٤

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

چون به مناسبت جشن سال بیست و پنجم جلوس اعلی حضرت سلطان به تخت سلطنت از هر دولت سفیر فوق العاده برای تبریک و تهنیت به اسلامبول فرستاده می شد. لهذا بنده هم مراتب را به حضرت صدارت عظمی عرض و لزوم فرستادن هیئت فوق العاده را از طرف اعلی حضرت اقدس همایون روحنافداه تلگراف نمودم، از آنجا هم جناب اشرف پرنس ارفع الدوله را به سمت سفیرکبیری فوق العاده صفاء الممالک را به مأموریت مستشاری و محمدعلی خان آجودان را به آتاشه میلیتری و میرزا علی اکبر خان مفخم السلطنه را هم نایب مأمور فرموده.

بنده نیز مراتب را به باب‌عالی و سرای سلطانی اطلاع داده، اسباب پذیرایی و تشریفات را فراهم آوردم. روز ورود جناب ژنرال سعدی پاشا را که به مهمانداری معین کرده بودند تا نزدیک حکمچه که نیم ساعت تا اسلامبول مسافت است با راه‌آهن به استقبال فرستادند در ایستگاه راه‌آهن غالب‌بیک تشریفاتچی از طرف سلطان آمده احوالپرسی و رسم خوش‌آمدی را بجا آورد، چند کالسکهٔ دولتی هم برای هیئت درگار حاضر کرده بودند رعایای دولت علیه و اجزای سفارت کبری و قونسولگری هم استقبال نمودند و آنها را در هوتل [هتل] موسوم به پراپالاس که از طرف دولت معین کرده بودند و سایر سفرای دول اجنبی را هم در آنجا منزل داده بودند، جا دادند.

دو روز بعد اعلی حضرت سلطان با تشریفاتی که در این مواقع معمول است برای تبلیغ نامهٔ همایون به حضور خواستند، بنده با جناب ارفع الدوله و سعدی پاشا مهماندار در کالسکهٔ چهار اسبه و سایرین در کالسکه های دیگر نشسته در حالتی که یک دسته سوار ارطغرل در اطراف کالسکه می آمدند به حضور شرفیاب شده، بنده از طرف خود و جناب

ارفع الدوله هم نطقی دایر به مأموریت مخصوص نمودیم و نامهٔ همایون را گرفته خیلی اظهار مسرت و امتنان از این نوع اتحاد و دوستی اعلی حضرت اقدس همایونی نمودند. یک شب هم به شام رسمی دعوت فرموده نشان مکلل به الماس مجیدی به جناب ارفع الدوله و درجهٔ اول مجیدی به صفاء الممالک و درجهٔ دویم عثمانی هم به محمدعلی خان آتاشه میلیتر و علی اکبرخان مفخم السلطنه که سمت نیابت را داشت و نتوانست در موقع به اسلامبول برسد اعطا فرمودند، یک روز بعد هم دو قطعه مدال طلا و نقره امتیاز برای جناب ارفع الدوله فرستاده و اظهار التفات فرموده پریشب هم دومرتبه به شام دعوت فرمودند و در حقیقه اعلی حضرت سلطان نسبت به سفارت فوق العادهٔ دولت علیه در این موقع بیشتر از سایر سفارتها محبت و مهربانی نمودند و تا دیروز مهمان اعلی حضرت سلطان بودند دیروز باز با همان تشریفات به ایستگاه راه‌آهن رفته عازم (مارینباد) شدند که آنجا دادن مأموریت خود را به خاکپای همایون روحنافداه به عرض برسانند. محمود

۱۴ شهر صفر سنه ۱۳۱۱

نمره (۵۲۰)

حون نسبت خصال ست و نجم مودی اعلیحضرت سلطان به سلطنت

بمهرعلیا آستانه سپهر و علیاگهر خانم منعم الملکه دست نیاز بلوغات و سوغات

در موقع ساعدمیس رکاب فرمانفرما بکر در نیم فرسخی قطعه زمین طلق و نقره آبدار ای

خوب ارض الروضه فرسخ و اطراف نیم فرسخ فرحه زمین هم در سه ربع

و عرض فرحه و در جمله اصفهان ایل نیست نصف فرسخ فرحه الله نقطه

در اسوع شتر از سار نهاوند و دهات نمونه فرما در دور مهران

اصفهان ایل نیمه دور نار ما ایل نشر نیست یکساعه راه آهن

رقبه غارم (مارپیچ) شده در ایام دادن هزار تومان خرواز

کمپانی ایران روح الله عرض رشت محمود

شمارهٔ سند: ۸۸۳
موضوع: اظهار تشکر از تبریک جلوس بیست و پنج ساله
تاریخ: ۱۳۱۸ هـ . ق
کارتن: ۳۰
پرونده: ۵۹/۱۸

ترجمهٔ نامهٔ اعلی حضرت سلطان عثمانی (عبدالحمید) به مظفرالدین شاه

اعلی حضرت قدرقدرت همایون شاهنشاهی

رقیمهٔ مبارکه محتوی بر محبت قلبیه و مودت خالصانه آن اعلی حضرت بود و برای تبریک جشن و جلوس بیست و پنج ساله دوستدار مرقوم و به توسط پرنس میرزا رضاخان ارفع الدوله که به سمت سفارت کبرای فوق العاده نزد مخلص ایصال فرموده بودند واصل و اسباب کمال امتنان گردید. به ملاحظهٔ همجواری و اتحاد و دوستی قدیمی که فی مابین دولتین برقرار است از این اظهار محبت و مودت فایقه که در این مورد در حق دوستدار اظهار فرموده بودند، زیاده از حد متشکر و همواره دوام عمر و عزت آن اعلی حضرت شهریاری را از خداوند متعال مسئلت می نمایم و همهٔ وقت منتظر رقیمه جات آن دوست مکرم محترم بودن، به نگارش این رقیمه محبانه می پردازد.

عبدالحمید

ترجمهٔ نامهٔ اعلیحضرت سلطان عثمانی

اعلیحضرت قدر قدرت همایون شاهانه ای

رقیمهٔ مبارکه محتوی بر مجلب قلبیه و مودت خالصانه آن اعلیحضرت بود و برای تبریک جلوس بیت پیرایه دوستدار مرقوم و توسط سرنس مزبور اهدا شان

ارفع الدوله که سمت سفارت کبرای خود را اداره نزد مخلص اشتغال فرموده بودند وصول و اسباب کمال امتنان گردید

و استحکام دوستی قدیمی که فیمابین دولتین برقرار است از این اظهار محبت و صورت فایقه که در این مورد درج رو

اظهار فرموده بودند زیاده از حد متشکر و همواره دوام عمر و عزت آن اعلیحضرت شهریاری را از خداوند متعال مسئلت نمایم

و همدوقت منتظر رقیمهٔ جات ان دوست مکرم محترم بوده تبکارش این رقیمه را میدارد

(عبدالحمید)

شمارهٔ سند: ۸۸٤
موضوع: مأموریت ارفع الدوله
نمره: ٤٤۱۲
تاریخ: ۲٦ جمادی الثانی ۱۳۱۸ هـ. ق
کارتن: ۵
پرونده: ۱۱/۱٤

سواد کاغذ وزارت خارجه به سفارت کبرای اسلامبول

از مأموریت جناب اشرف پرنس ارفع الدوله به اسلامبول برای تبریک جشن سال ۲۵ جلوس اعلی حضرت سلطان به تخت سلطنت و شرفیابی حضور سلطان و اعطای نشان به معزی الیه و سایر اجزأ و همراهان ایشان شروحی مرقوم فرموده بودید، مستحضر شدم به حمدالله از اهتمامات حسنهٔ جناب عالی مأموریت جناب معزی الیه بخوبی انجام شده و تشریفات بقاعده به عمل آورده‌اند، زیاده زحمت نمی دهد. نصراله (مشیرالدوله)

۴۳۱۲

۲۰۴۷

برادکاغذ وزارت خارجه بسفارت کبرای انگلیس

مورخه ۲۶ جمادی الثانیه ۱۳۱۸

از ماموریت جناب اشرف پرنس ارفع الدوله با تلگرام نمره ۱۵ برای تبریک جشن سال ۲۵ جلوس اعلیحضرت سلطان به
سلطنت و تشریف بحضور سلطان و اعطاء نشان نمبری الماس و سایر اجزاء و همراهان ایشان نزدیک برقوم فرخم بود مستحضر شدم بحمدالله
از اتمام ماموریت جناب عالی ماموریت جناب نمبری الماس بخوبی بانجام رسید و تشریفات بقاعده معهود آورده امر بهم حمیت می دانم
[illegible]

شمارهٔ سند: ۸۸۵
موضوع: سوء قصد ناموفق به مظفرالدین شاه و بازگشت وی به ایران
نمره: ٤٤٨٧
تاریخ: ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۳۱۸ هـ.ق
کارتن: ٤
پرونده:

سواد کاغذ وزارت خارجه به مأمور شام

از سوءقصدی که یک نفر در پاریس در حق ذات اقدس ملوکانه روحنافداه نموده بود و به حمدالله موفق نشد و دستگیر گردید شرحی نوشته بودید مطلع شدم، تشکر این موهبت بر عموم چاکران دولت فرض است و ان‌شاءالله با کمال سلامت موکب فیروزی کوکب همایون در غره رجب وارد سرحد ایران خواهند شد، زیاده چه نگارد. نصراله (مشیرالدوله)

۴۴۸۷

برادر کاغذ دوازدهم رسید بسیار

سررضه ۲۹ جمادی الثانی سنه ۱۳۱۸

از رود قصدی که یکنفر در پاریس در حق ذات اقدس ملوکانه روحی فداه نموده بود و بحمدالله برقی نشد و دستگیر گردید برخی
نوشته بعید مطلع شدم تکرار اینجانب برعموم چاکران دولت قوی شوکت دولت ابد مدت پرکب فیروزی گرکین
هایرن در غره رجب دارد بر صدای ایران خواهند نیاهم نگارد نصرالله (میرزا احمد)

شمارهٔ سند: ۸۸٦
موضوع: تبریک بمناسبت نجات شاه از سوءقصد
تاریخ: ۱۲ اغتوس ۱۹۰۰ (۱۳۱۸ هـ.ق)
کارتن: ۲۰
پرونده: ٤۰

ترجمه نامهٔ سفیرکبیر عثمانی در پاریس به صدراعظم ایران

از حضرت مستطاب اشرف صدراعظم استدعای عاجزانه می‌نمایم که مراتب تبریک و تهنیت ولی‌نعمت مفخم خودم اعلی‌حضرت پادشاه عثمانی و حکومت سنیه را در این موقع استخلاص اعلی‌حضرت اقدس شاهنشاهی از قفای ناگهانی در حضور مبارک لطفاً عرض نمایند.

سفیرکبیر دولت علیهٔ عثمانی در پاریس: منیر

a

Ambassade Impériale *Paris le* *190*

Ottomane

ذات شریفه جناب شاهنشاهی عن صدای ایله شوکتلو
نامکلاینه خدمتیاب اولمغله طولایی حاصل اولان وفور
مسرتله سفارت عظمای عهده یه برابر متبوع معظم
و معظمم حضرت پادشاهی و حکومت سنیه شهریاری نام
و ذات حضرت پادشاهی نه تبریک و تهنیت ایله ذات سامی
عالیه اعلیه رضا تبریک و تهنیت ایله ذات سامی
حضرت شاهنشاهی بدعا مشغول اولدیغمی لطفا و عنایتله
و عالی خلوص ایلک یاد و تلقی ایلیه جکلری ظاهر
خائلای معلومی جناب صدارت پناهی ابلاغ و اجرا
امیه الملطفه حضرتلرینه جاریدر. ماه

بیوک ۱۹۰۰

فیرکسر دولتلو عفتلو پاشا حضرتلرینه

از حضرت مستطاب اشرف صدر اعظم آستانه عالی عاجزانه ملتمس
درجات تبریک و تهنیت و تبعیت نعم جم اعلیحضرت
پادشاه عثمانی و حکومت سنیه را در این موقع اکلیل ص
اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداه کما ینبغی در حضور
مبارک لطفاً عرض نماید
چاکر و بندگان
دربار
منتظر

شمارهٔ سند: ۸۸۷
موضوع: مسافرت مظفرالدین شاه به عثمانی
تاریخ: ۳۰ سپتامبر ۱۹۰۰ میلادی (۱۳۱۸ هـ.ق)
کارتن: ۲۰
پرونده: ٤٠

گزارش از سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه (ترجمهٔ روزنامهٔ تایمز)

شاه

از اسلامبول

شاه امروز از سوفیا وارد شدند، توفیق‌پاشا وزیر امور خارجه به استقبال آمده بود، اعلی حضرت شاهنشاهی به مجرد ورود سوار کشتی دولتی موسوم به عزالدین گشته در ساعت دوازده و نیم وارد (اورتاکوئی) شدند، در اینجا پرنس برهان‌الدین و صدراعظم داخل کشتی شده از طرف سلطان ورود همایونی را تبریک عرض کردند. از عقب کشتی عزالدین هشت کشتی دیگر که در روی آنها ایرانی های مقیم اسلامبول بودند حرکت می‌کرد، در (اورتاکوئی) شاه از کشتی بیرون تشریف آوردند و در آنجا سعیدپاشا رئیس دارالشورا و سایر امنای دولت برای پذیرایی حاضر بودند شاه را به (مینی کیاسک) که در پارک یلدیز واقع است بردند، در اینجا خود سلطان حاضر بوده دوستانه از شاه پذیرایی نمودند و افواج عثمانی آواز ملتی ایرانی را زدند.

روزنامجات عثمانی از صمیم قلب ورود اعلی حضرت شاه را تبریک می‌کنند و از دوستی که مابین خلیفه و ایشان موجود است با کمال خوشوقتی اظهار می دارند.

THE SHAH.

(THROUGH REUTER'S AGENCY.)

CONSTANTINOPLE, SEPT. 30.

The Shah arrived here to-day from Sofia. His Majesty, who was received by Tewfik Pasha, Minister for Foreign Affairs, embarked immediately on board the Imperial yacht Izzedin and arrived at Ortakoi at half-past 12. Here he was received on board the yacht by Prince Burhan Eddin and the Grand Vizier, who welcomed him in the name of the Sultan. The Izzedin was followed by eight vessels, on board which were the members of the Persian colony here. On disembarking at Ortakoi the Shah was received by Said Pasha, President of the Council of State, and many other high dignitaries of the Palace, and was then conducted to the Yeni Kiosk in the Yildiz Park. Here his Majesty was cordially received by the Sultan, while Turkish troops lined the route and played the Persian national anthem. The Turkish newspapers cordially welcome the arrival of his Majesty. They dwell with satisfaction upon the friendship of the Caliph and the neighbouring Mussulman sovereign and the friendly relations existing between the two countries.

روزنامه تایمز

شاه

از اسلامبول

شاه امروز از سوفیا وارد شهر توفیق پاشا

وزیر امور خارجه به استقبال رفته بود بعیفرت

شاهنشاهی بمجرد ورود بکشتی حرکت نمود

عزالدین کشتی درجه اول ایران بود

اورتاکوی شهر در اینجا پرنس برهان الدین

وصدراعظم داخل کشتی شده از طرف سلطان در قلب

کاریند را تبریک عرض کردند از عقب کشتی عزالدین هشت کشتی دیگر که در روی آنها ایرانیان مقیم اسلامبول

بودند حرکت میکرد در (اورتاکوی) شاه از کشتی پیرون تشریف آورده در اینجا بعیه پاشا رئیس دارالشورا

و سایر اعضای دولت برای پذیرائی حاضر توقف شاه را به (ینی کیاسک) در پارک یلدیز واقع است رفتند

در اینجا خود سلطان حاضر بود هرسه از شاه پذیرائی نمودند و افواج عثمانی از طرفین ایران از دو

رویه صفوف عثمانی از صمیم قلب در ورود اعلیحضرت شاه را تبریک میگفتند و از هر سمتی که باین فیلیه رسیدند

مردم با کمال خوشوقتی افتخار میدادند

شمارهٔ سند: ۸۸۸
موضوع: مسافرت مظفرالدین شاه به عثمانی
تاریخ: اول اکتبر ۱۹۰۰ میلادی (۱۳۱۸ هـ. ق)
کارتن: ۲۰
پرونده: ٤٠

گزارش از سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه (ترجمهٔ روزنامهٔ تایمز)

شاه

از اسلامبول

دیشب در (یلدیز کیاسک) سلطان مهمانی به افتخار شاه دادند، پنج نفر از شاهزادگان عثمانی و چندین نفر از امنای کبار ایرانی و عثمانی حضور داشتند.

(یلدیز کیاسک) را خیلی مجلل چراغان کرده بودند و پس از شام آتش‌بازی بسیار خوبی کردند.

شاه امروز نهار را در سفارت‌خانهٔ ایران صرف فرمودند و بعدازظهر اعلی حضرت شاهنشاهی وزرای عثمانی و سفرای خارجه را در قصر پذیرایی فرمودند به صدراعظم ایران نشان امتیاز مکلل به الماس اعطا شده است.

شاه در عثمانی

در موقع تشریف‌فرمایی شاه به اسلامبول روز دوشنبه احتیاطات فوق‌العاده به عمل آوردند:

جمعیتی از پلیس و سرباز حاضر بودند و به اشخاصی که خانه‌هایشان در عرض راه مابین ارتاکوئی و یلدیز واقع است حکم شده بود که مهمان راه ندهند و در موقع عبور کالسکهٔ سلطنتی دریچه‌هاشان را ببندند. عصر شنبه طبقات فوقانی سه خانه که محاذی در پارک یلدیز بود به عجله خراب کردند، مقصود از این کار ظاهراً این بود که برخورد دو سلطان را کسی نبیند و یا اینکه حادثه بدی رخ ندهد.

THE SHAH.

(THROUGH REUTER'S AGENCY.)

CONSTANTINOPLE, OCT. 1.

A banquet was given yesterday evening by the Sultan at Yildiz Kiosk in honour of the Shah. Five Turkish Princes and many high Persian and Turkish officials were present. Yildiz Kiosk was brilliantly illuminated, and after the repast there was a splendid display of fireworks.

The Shah to-day lunched with the Persian Ambassador at Stamboul, and this afternoon his Majesty received at the Palace the Turkish Ministers and the head of the diplomatic missions. The Persian Grand Vizier has been decorated with the order of the Imtiaz in brilliants.

روزنامه تایمز

شاه

از اسلامبول

دیشب در یلدیز کیوسک { سلطان مهمانی به افتخار شاه

و امروز پنج نفر از شاهزادگان عثمانی و چند نفر

از امنای کبار ایرانی و عثمانی حضور داشتند

یلدیز کیوسک را خیلی چراغان کرده بودند و پس از شام آتش بازی بسیار خوبی کردند

شاه امروز نهار را در سفارت خانه ایران صرف فرمود و به افتخار اعلیحضرت شاهنشاهی وزرای

و سفرای خارجه را در قصر یلدیز برای فردا به حضور اعلیحضرت شاهنشاهی پذیرائی

THE SHAH IN TURKEY.

Extraordinary precautions were taken on the occasion of the arrival of the Shah at Constantinople on Monday. A great force of police and troops was on duty and an order was issued forbidding the tenants of all the houses along the route between Ortakeui and Yildiz to admit visitors. At the same time they were instructed to keep their windows closed during the passing of the Imperial *cortége*. On Saturday evening the roofs and upper storeys of three houses commanding the entrance to Yildiz Park, where the Sultan was to welcome the Shah, were hastily torn down and the occupants had to leave their homes. Apparently the motive of the authorities was to prevent anyone from watching the meeting of the two monarchs or to guard against any untoward incident.

شاه در عثمانی

در موقع تشریف فرمائی شاه به اسلامبول روز چهارشنبه

احتیاطات دقیق اتخاذ بعمل آورده بودند

عصر از پیش و بازار حاضر بودند و به اشخاص دکانها و

در مقابل اظهارات ارتاکوئی یلدیز واقع است حکم نموده بودند

که تمام دکانها در موقع عبور رکاب سلطنتی در یکچهارشنبه عصر شنبه ... طبقات فوقانی

خانه ها را که عادتی در پارک یلدیز بعمل میآید خراب کردند مقصود از این کار ظاهراً این بوده که سلطان را

کسی نبیند و یا اینکه حادثه بدی رخ ندهد

شمارهٔ سند: ۸۸۹
موضوع: شرفیابی سفیر عثمانی به حضور مظفرالدین شاه
تاریخ: ۱۳۱۸ هـ. ق
کارتن: ۲۹
پرونده: ۵۹/۱۲

فهرست عرض وزارت خارجه است

صدرالدین بیک نایب اول سفارت عثمانی که در غیبت موکب همایونی ارواحنا فداه در سفارت عثمانی سمت شارژ دافری هم داشت، این اوقات عزیمت مراجعت به اسلامبول دارد و چون می‌خواهد برای مرخصی به خاکپای اقدس اعلی شرفیابی حاصل کند، استدعایش این است که در موقع سلام نوروز قبل از تشرف هیئت کُردیپلوماتیک به خاکپای مبارک یا بعد از تشرف آنها موقعی معین شود که به اتفاق شمس‌الدین بیک سفیرکبیر عثمانی شرفیابی و مرخصی حاصل نماید. دیگر منوط به رأی جهان‌آرای مبارک است. استدعای دیگر او هم این است که چون مدتی است در ایران ماموریت داشته و مشغول خدمت بوده است، در این موقع که به وطن خود مراجعت می‌نماید عطیهٔ از عطایای سلطنتی به عیال او مرحمت شود، در این باب هم هر طور ارادهٔ علیه خسروانه ارواحنافداه اقتضا فرماید مقرر خواهد شد. زیاده جسارت نمی‌کند. الامر الاقدس الاعلی مطاع.

در این قبیل موارد غالباً معمول بوده است که کل الماس یا انگشتر و نظایر آن مرحمت می‌شد، دیگر موقوف به ارادهٔ علیه همایونی روحنافداه است.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

جناب اشرف اتابک اعظم یک حلقه انگشتری الماس بدهند. شهر ذی‌حجه ۱۳۱۸

امضا: مظفرالدین شاه

وزارت امور خارجه ۱۷۲

ادارهٔ دایرهٔ

نمره

ورقه

فهرت عرض وزارت خارجه است

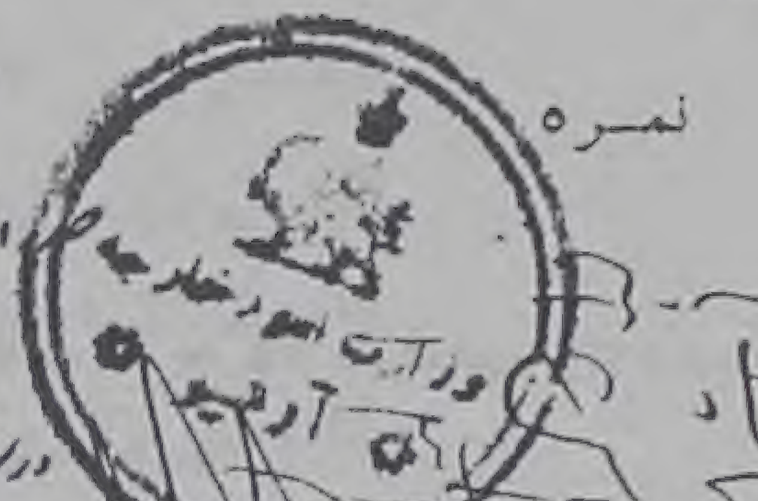

شمارهٔ سند: ۸۹۰
موضوع: سفر مظفرالدین شاه به فرنگستان و روابط با عثمانی و همچنین عزل آصف الدوله از حکمرانی
تاریخ: ٤ محرم ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱۸
پرونده: ۳٤/۱۳

ترجمهٔ ارتیکل از روزنامهٔ ترکی موسوم به «انوار شرقیه» که به تاریخ ۲۵ ذی‌قعده ۱۳۱۸ در ارزروم چاپ شده است

اعلی حضرت مظفرالدین شاه زمانی که تشریف‌فرمای اسلامبول شدند به اعلی حضرت سلطان اظهار فرمودند که خیلی میل دارم که بعضی از نجبای ایران آمده در مدارس نظامی اسلامبول تحصیل نمایند، چنانکه سابقاً هم نوشته بودیم که اعلی حضرت سلطان این میل و آرزوی اعلی حضرت شاهنشاه معظم الیه را قبول فرمودند، از قراری که شنیدیم این اوقات ده نفر از نجبای ایران به اسلامبول وارد شده به توسط سفارت دولت علیهٔ ایران مقیم اسلامبول به مدرسهٔ اعدادی نظامی که واقع در قلالی است فرستاده شده است.

اعلی حضرت مظفرالدین شاه بعد از مراجعت از سفر فرنگستان آصف الدوله حکمران طهران را معزول فرمودند آصف الدوله برای مداخل خودش چون گندمها را انبار کرده بود، سه ملیون فرانک از او جریمه گرفته شد و خود او به خراسان نفی گردید به حکومت طهران هم جناب عین الدوله معین شده است.

دولت علیه ـ ایران

ایران شاهی مظفرالدین شاه حضرتلرینك درسعادتی زیارت وذات شوکتسمات حضرت خلافتپناهی ایله ملاقات ایلدیکی صره ده ایران اصیلزادکانندن بعض افندیلرك مکاتب عسکریهٔ شاهانه ده تحصیل وتربیه لری ارزوسنی اظهار ایتمکله شوکتمآب هلویت انتساب پادشاهمز افندیمز حضرتلرینك ده اشبو میل وارزوی شاهی یی اسعاف بیوردقلرینی اوجله درج صحیفهٔ بیان ایلمش ایدك . استخبار مزه نظراً ایران اکابر مأمورین واصیلزادکانندن اون افندی بو کره درسعادته کلهرك ایران سفارتی واسطه سیله کندیلری لاجل التحصیل قلهلیده کی مکتب فیض مکسب اعدادیٔ عسکری یه کوندرلمشلردر .

شاه ایران شهنشاه مظفرالدین شاه حضرتلری سیاحت اخیره لرنده طهران والیلکنده ولیعهد رئیس حکام آصف الدوله یی مأمور یتندن عزل ایتمشلردر . آصف الدوله وارداتنی تزیید ایچون بغدای ادخاریه مساعده ایلمسندن طولایی اوج ملیون فرانق جزای نقدی اعطاسنه محکوم وخراسانه نفی ایدلمشدر . طهران والیلکنه شاه حضرتلرینك قائن برادرلری اولوب ایرانك جنوب حوالیسی والیلکنده بولنمش اولان امین الدوله حضرتلری تعیین ایدیله جکدر .

شمارهٔ سند: ۸۹۱
موضوع: اهدای مدال و نشان در سفر شاه به فرنگستان
نمره: ۷۲۵
تاریخ: ۲ صفرالمظفر ۱۳۱۹ هـ.ق
کارتن: ٥٤
پرونده: ۱

گزارش اسلامبول به وزارت خارجه

قانون جدید موضوعهٔ وزارت جلیلهٔ خارجه در خصوص تذکره و غیره که به توسط پست ارسال فرموده بودند، شرف وصول بخشید و صورت فرمان نیز زیارت گردید اینکه مرقوم فرموده بودند که من بعد وضع و ترکیب و اصول فرامین مبارک به آن شکل خواهد بود، اطلاع حاصل گردید. محض استحضار خاطر مبارک جسارت می شود که در اینجا سیزده قطعه تمثال همایونی برای شاهزادگان اعلی حضرت سلطان و غیره از جانب سنی الجوانب بندگان همایونی در وقت تشریف‌فرمایی موکب مسعود همایونی مرحمت شده و تا حال فرامین آنها نرسیده، چنانچه در ضمن راپورتهای سابقهٔ سفارت کبری به عرض رسیده است. همچنین فرامین یک قطعه نشان قدس به صدراعظم عثمانی و نشان آفتاب به صبیهٔ اعلی حضرت سلطانی و تقریباً شصت طغری فرامین، بقیه نشانهای اعطایی و یک صد و پنجاه حکم مدال که باید نوشته و داده شود هر روز از باب‌عالی می خواهند مناسب است که این فرامین مبارک که ارسال خواهند فرمود به همان شکل و طرز فرامین سابق باشد، زیرا که اگر عوض شود و جلب دقت عثمانی را خواهد نمود و گذشته از این، این نشانهایی است که قبل از وضع این قانون جدید مرحمت و تاریخ آنها ماه جمادی الثانی است. محض اطلاع خاطر خطیر مبارک عرض نمود.
اثر مهر یااحمد

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
جناب اشرف اتابک اعظم فرامین اینها که داده شد.امضاء مظفرالدین شاه

۱۳۱۹
۲ ضر المظفر
۷۲۵

قانون جمعه موضوعه در وزارت جلیله خارجه در خصوص مرکزه وغیره مربوط

شرف وصول بخشید وصورت فرمان نیز نیابت کعبه اشکیه مرقوم ورسم نصفه

وزنی بعد وضع در کیسه جدول فرامین مبارک با سکنی خزانه بعد از طلاع حاصل کعبه

محض استحضار خاطر مبارک اجابت می شود در اینجا سرده قطعه تاریخی

برای شاهزادگان اعلیحضرت سلطان وغیره از جانب نبی اکرم آنها

در وقت ترتیب فرمایش مبارک سعد آبادی رحمت شده وتا حال فرامین آنها

زینه خانچه در ضمن راپورت سابقه سفارت کبری بعرض رسیده است همچنان

فرامین مکتوبه نشان قدرتی بصدر اعظم عثمانی ونشان فتحاب بصیغه اعلیحضرت

سلطانی وتقریباً شصت طغرای فرامین بقیه نشانهای علمی ومکتوبه

حکم مدال داده شده ودر روز زیبایی سعد آبادی نیابت

در این فرامین مبارک در ارسال خزانه وضعه بهمان شکلی وطرز فرامین سابق

بنا بر رزاکه اگر عرض شود جلب وقت عثمانی را خواهد نمود

از این این نشانی است وقتی از وضع این قانون صدمه بر حمت و تاریخ آنها جلوگیری کند

محض اطلاع خاطر خطیر مبارک عرض شد

تاریخ

شمارهٔ سند: ۸۹۲
موضوع: ارسال دو قصیده از اسلامبول
تاریخ: ۱۸ ربیع الاول ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۲

نامهٔ یکی از اتباع ایران، پیوست دو قصیده در مدح مظفرالدین شاه و صدارت عظما

قربانت شوم، از آنجا که فدوی کاسب بیچاره و از برخی مراسم بی بهره و اطلاع است، نخستین استرحامم آنکه در مقام چاکرنوازی از هرگونه لغزش و قصورم محض اظهار عنایت اغماض عین فرمایند، ثانیاً در پیشگاه مبارک روشن و هویدا است عموم دول خاصه همسایگان ملک محروس در ترقی و جلب خاطر همدین و مذهبان خود آنی خودداری نورزیده و به هرگونه بذل همّت در اجرای مقصود صرف مقدرت می نمایند و در ممالک عثمانی وجوه و بزرگان هر ملت از جانب دول هم مذهب خود با انواع تلطیف مفتخر و مباهی می آیند و دولت قوی شوکت متبوعهٔ ما را از این گونه جنس خداداد و قوهٔ معنوی در ممالک همسایگان بی حد و شمار است و در خور تقدیر و اعتنا می باشد، به همین لحاظ جرئت وجسارت ورزیده معروض می دارد در هنگام تشریف فرمایی موکب همایون اقدس ظل اللهی ارواحنافداه جناب اسعد شبیب پاشا که از رجال محترم با دانش و چند صد سال است، پدر بر پدر رئیس شیعیان جبل عامل و در سلک اعیان و رجال دولت عثمانی می باشند، چون در فن شعر دارای قدرت کامله می باشند مرایشان را به وجههٔ حمیت آرزو دست داده در تبریک تشریف قدوم میمنت لزوم اعلی حضرت ولی نعمت کل ارواحنا فداه قصیدهٔ انشا و تقدیم نماید و پس انشا جهت تزیین به مذهب داده و این معنی در میان خاص و عام اشتهار ولی موفق به تقدیم نگردید و همچنین قصیدهٔ را که در مدح حضرت اتابک اعظم مدظله علی مفارق الانام عرض نموده بودند، تقدیم کردن نتوانستند چون که تشیع ایشان آشکارست حتی برخی از معاندین پاشای روافض می نامند از آنکه با اطلاع مأمورین عثمانی عزم آستان بوسی نمایند خودداری نموده و به وسیله دیگر هم دست رس نگردیده بودند و این معنی اسباب خفّت ایشان گردیده بود تا آنکه جناب جلالت مآب اجل آقای علاء الملک احضار شدند. نعم الوسیله بدست آمده

قصاید را به دیوان خود ملحق و درخور تقدیم آستان اقدس ملوکانه و پیشگاه اتابک اعظم تدوین و تزیین و به آقای علاء الملک سپردند و اینک مدتی است مرور نموده و آثار عنایتی به ظهور نپیوسته بسیار مکدّر و ملول و در نزد اعادی ملوم و محجوب واقع شده‌اند و با فدوی سابقهٔ حقوق دارند اظهار الم فرمودند، عرض نمودم شاید جناب علاء الملک در تقدیم تأخیر فرموده باشید و یا آنکه نسیانی به ظهور آمده باشد بهتر این است که صورت هر دو قصیده را بدهید تا عریضهٔ عرض نموده‌و لفاً تقدیم دارم اگر جناب علاء الملک تقدیم نموده‌اند یادآوری شده و الا از جناب علاء الملک استفسار خواهند فرمود و چنانچه تا وصول عریضه جناب علاء الملک تشریف برده باشند قصیده به لحاظ مبارک رسیده و به لوازم ایجاب آن اظهار عنایت خواهند فرمود. پاشای مشارالیه به حمدالله صاحب ثروت می باشند توجه ملوکانه را با اعطای نشانی درخور مقام خود که مایهٔ مباهات بوده باشد استرحام می نمایند، معلوم است دوستان را کجا کند محروم آنکه با دشمنان نظر دارد ظاهراً تلطیف این گونه رجال بی فایده و تأثیر نباشد، زیاده بر این زبان‌درازی مربندگان را نشاید. الامر الاشرف العالی مطاع. ۱۸ ربیع الاول ۱۳۱۹

چاکر قدیمی اقل الحاج رضاقلی — اثر مهر رضاقلی

[حاشیه: یک طغرا کاغذ و دو طغرا قصیده از اسلامبول از عرض خاکپای مهر اعتلای همایون می‌گذرد

[دستخط مظفرالدین شاه:]

هو، جناب اشرف اتابک اعظم این شخص که قصیده گفته است و نشانی برای او خواسته‌اند هر نشانی که صلاح است بدهید. امضا: مظفرالدین شاه

فرهنگستان ... از اینجا که فروی کاسب پیچاره و از برخی مراسم بی بهره در طلب ... فرهنگستان ... حاضم انله

در مقام چاکرزادی از هرگونه لغزش و قصور محض اظهار غیبت اغماض عین فرهنگستان ... کاردیش دوهزار

عموم دول خاصه همسایگان ملک محروس در ترقی و جلب خاطر همدین و مذهبان خود آنچه خودداری نموده و بهر گونه

بذل همت در اجرای مقصود صرف مقدرت مینمایند و در ممالک عثمانی وجوه و نزرگان هر ملت از اهالی دول

هم مذهب خود با انواع عطیف مفتخر و مباهی میآیند و دولت قویشوکت متبوعه ما را از اینگونه حسن اضفا

دارد و قوهٔ معنوی در ممالک همسایگان بچه حد و شمار است و در خور تقدیر و اعتنا مینماید بهمین ملاحظه فرهنگستان

وجاهت و رزیده معروض میدارد در هنگام تشریف فرمایی مرکب همایون اقدس ظل الله ارواحنا

جناب سعد نجیب پاشا که از رجال محترم با دانش و چند صباحی است بدریوزه رئیس شیخان جنبی عالی و در سلک

اعیان و رجال دولت عثمانی منسلک جون در فن شعر و ارای قدرت که نامه پیاشنه مرآتیان را

همت آرزو دست داده در تبریک تشریف قدوم میمنت لزوم اعلیحضرت ... و لیعهدت کلی ارواحنا فداه

قصیدهٔ انت و تقدیم نماید و بس ازانجهت تبریکنامه داده و بنمعزی در میان خاص و عام شهرت داد و بی مرقع

تقدیم نگردید و همچنان قصیدهٔ را که در مدح حضرت آتابک اعظم مدظله تالف ترتیب الدنام عرض نفرموده تقدیم

کردن نتوانستند چونکه تشییع ایشان آنکاریست حتی برخی از معاندین بنای روافض نیز نمانند از انکه با طلاق

مأمورین عثمانی بغرض آستان بوسی نمانند خودداری نمود و بر سنه دیگر هم دست رس نگردیده بعد از و بنمعزی اسبانیا

خفت ایشان کردیده بعد تا انکه جناب جلالتمآب اجلالی عملاء الملک حضرت شدند نعم الوسیله بدست آمده

قصیده را بدیوان خط ملکی و در خور تقدیم آستان اقدس ملوکانه و پیشگاه آتابک اعظم تدویم و تنزیل و بهمانی

عملاء الملک سپردند و اینک بدقت مرور نمود و آثار عنایتی بظهور پیوسته بسیار مکدر و ملول و در نزد ارباب

علوم و مجرب واقع شده اند و با قدری بقه حقوق دارند اظهار الم فرمودند عرض نمودم شاید جناب عملاء الملک

در تقدیم تاخیر فرمودند شنیده اند انکه نسبتی بظهور آمده باشد بهتر انست که صورت هر دو قصیده را عملاء الملک

بدهید تا عریضه عرض نمود و لفا تقدیم دارم اگر جناب عملاء الملک تقدیم نمودند یادآوری شد و للدار جناب

استف رخواهند فرمود و چنانچه تا دو هفته عریضه جناب عملاء الملک تشریف برده باشند قصیده بنظر انور

رسیده و بلوازم اسباب آنرا اظهار عنایت خواهند فرمود باشاره مشارالیه بحجره صاحب ثروت مشارالیه

ترجمه طوطی نامه را با عطارد فی درخور مقام خود کرده به مبالغات بلیغه بسیار حرص می‌نماید معلوم است
دوستان را کجا کند محروم انکه با دشمنان نظر دارد ظاهراً تلطیف انیکونه رجاب بی فایده و باطل
نوشته زیاده بر این زبان دراز می‌سندگان را نشاید والله مرا الاشرف الی مطلع ۱۸ رمضان ۱۳۱۹

چاکر قدیمی ادعیه و خیرخواه

لذ عرض خاکپای جواهر

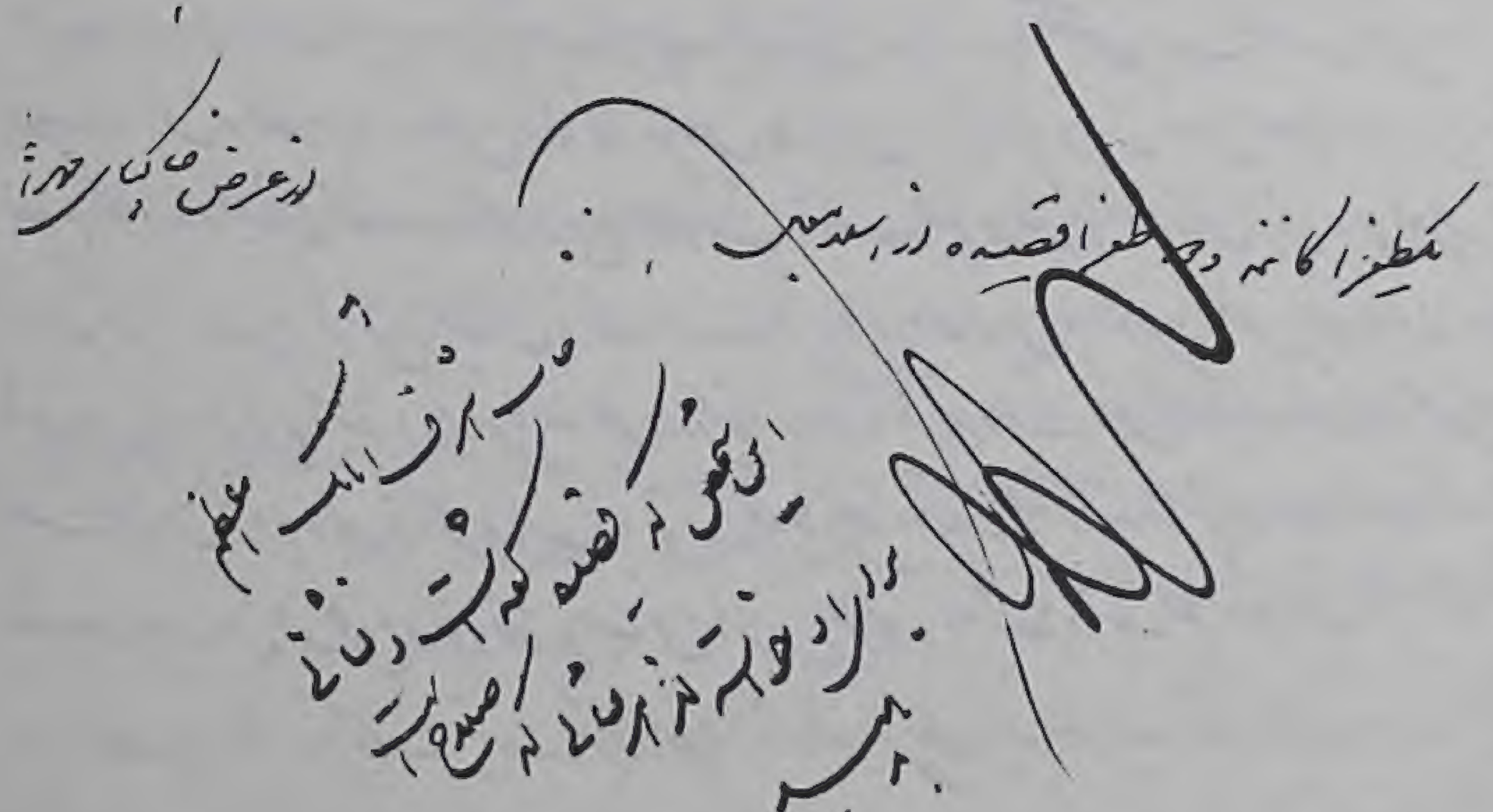

بسم الله

بدت طلعة الشمس المنيرة تسفر ... وتسطع في الوجه الأغر وتزهر

وأطلعها من غرة فيه قد زهت ... جبين وضاح أبلج الصوء أزهر

محت بالثنا منها الدياجي ومزقت ... حوالك أثواب بها تتستر

وقد ألبست وجه البسيطة حلة ... فراق بها لون بهي معصفر

وأشرقت الدنيا بنور شروقها ... وناهيك ان الشمس بالنور تبهر

وأقبل خاقان الخواقين باحبا ... على النجم ذيلا بالفخار تجرر

وقد ملأ الآفاق شرقا ومغربا ... بصيت شهير من سنا الصبح أشهر

مظفر دين الحق سلطان أمة ... لها من قديم الفضل ما ليس ينكر

وعن ناصر الدين المعظم ملكه ... توارثه لا زال للدين ينصر

فلو أن دار آ دار حول مقامه ... تخر سجودا والجبين يعفر

وكسرى مع الايوان لو شام ذاته ... لطأطأ اجلالا له حين يخطر

مليك علا فوق السماك مكانه ... فقصر عن ادراك ما نال قيصر

رقى تخت كسرى فاعتلى بارتقائه ... وأعواده كادت بنا لك تنشر

فسل عنه اقطار الملا وملوكها ... فتنبيك عن اجلاله وتخبّرُ

تجلّت لدى الأكوان حكمة رأيه ... ومخبره يعتزّ فيه ويفخرُ

يُخال ومولانا الخليفة في الورى ... لأسلامه انسان عين ومحجرُ

ويمنى يدٍ قد أيّدت بيسارها ... ففي هذه عضبٌ وفي تلك خنجرُ

أعزّ أقوام الدين نصراً ومنعةً ... فكانا كما كانا عتيقٌ وحيدرُ

وردّا عن التوحيد ما ساء ربّهُ ... وذادا عن الأسلام ما منه يُحذرُ

فكفّاهما منها الصواعق للعدى ... وللمزن تجري كالشّآبيب تهمي وتمطرُ

وعرف الثنا في الخافقين عليهما ... لمستنشقي الطيب مسكٌ وعنبرُ

ومهما يكن عند امرئٍ من خليقةٍ ... وإن خالها تخفى على الخلق تظهرُ

قدمتَ قدوم الخير يا خير قادمٍ ... يشوّق الى ابصارنا منه منظرُ

ووافيت بالترحاب ضيفاً مكرّماً ... من الملك السامي الذي فيه نفخرُ

هو البحر لكن ذا نبت فرقهُ ... بها اجتمع البحران وِردٌ ومَصدرُ

فلطانا عبد الحميد لدى الورى ... محيطٌ كبيرٌ في نواحيه بحرُ

حمى بيضة الاسلام في سائر الدنا ... ولا زال فيما صانها يتبصّرُ

توارث عن آبائه الغرّ مجده ... فآثاره عن آل عثمان تخبرُ

فيا ابن الملوك الشمّ من خير اسرةٍ ... بناصر دين الله انت المظفرُ

وانک شهم فی الملوک مبجل　　فلازلت فی ذا الدهر تنهی وتامر

امولای عش ما عاش نوح فتصنع السفینة حب الآل والله یقدر

ودمت لملک الکسر وتین خالدا　　تشید فی احکامه وتدبر

فما هو الا نصل سیفٍ بک انتضا　　وانت به یا صاحب التاج جوهر

ودام لک الرحمان فی ذاک ناصرا　　وعونک من لطف الاله المقدر

ولازال خیر المرسلین وصنوه　　وآل له فی حسن سعیک یشکر

علی امیر المؤمنین وزوجه الـ　　ـبتول وسبطاه شبیر وشبر

وزین العباد الساجدین وباقرا　　علوم بن خیر المرسلین وجعفر

وکاظمهم موسی ومن بعد الرضا　　وبعد الرضا المولی الجواد المطهر

کذلک والهادی التقی علی من　　به یهتدی والعسکری الغضنفر

وقائم آل البیت والعدل حکمه　　به یملاء الدنیا متی هو یظهر

علیهم من المنان جل جلاله　　صلاة زکت ما قیل الله اکبر

ویا ملکا اعلی المهیمن قدره　　وفی وصفه ألبا بنا تتحیر

بقیت بقاء الدهر ملاح کوکب　　تعمر ملکا دائما وتعمر

مخصوص صدارت عظمای اناب اعظم مدظله

یوسف فی الانام

کفی ملکَ ایرانِ افتخاراً بشاهِهِ وصدرٍ له فوق الذراری تصدُّرُ
علیٌّ رفیعُ القدرِ الکبرِ ماجدٌ سمیُّ الفتی السامی اذا قیل اصغرُ
وزیرٌ خطیرٌ شدَّ ازرَ ملیکِهِ وذخرٌ جلیلٌ للمهمّات یُدْخَرُ
قد اختبرَ الدنیا اختبارَ مجرّبٍ بصیرٌ بمخفیّ الحقایق ابصرُ
یدبّرُ امرَ الملکِ تدبیرَ حازمٍ وفیه مع الرأیِ العلیِّ التدبُّرُ
ومصباحُ مشکاتِ الذکا متوقّدٌ بفطنةٍ لمّا بدا وهو نیّرُ
فلا زال مولانا المظفّرُ عینه بها کلّما یستوجبُ العزَ ینظرُ

شمارهٔ سند: ۸۹۳
موضوع: سوءقصد به مظفرالدین شاه در پاریس به وسیله (سالسو)
تاریخ: ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پرونده: ــ

در روزنامه‌های فرانسه که تازه رسیدند صورت نحس و خبر خیریت اثر مرگ (سالسوی) شقی را که پارسال قصد ذات ملکوت صفات همایونی شهریاری ارواحنافداه در پاریس کرد دید، اینک شکل و مندرجات روزنامه را که مایهٔ شکر و شعف است لفاً تقدیم می‌نماید، زیاده جسارت شد. چاکر جان‌نثار عبدالصمد است.

از کاین اطلاع می‌دهند از قرار اخباری که از جزایر سالو رسیده است، سالسو نام که پارسال در خیابان بوادوبولنی مرتکب سوءقصدی نسبت به اعلی حضرت همایونی شاه ایران شده بود، مرده است. سالسو، یوم دهم نوامبر سنهٔ ۱۹۰۰ به حسب ابدی محکوم شده بود، یوم نوزدهم ژولیه فوت شده است.

۱۹۷۸

۱۲۲۶
۸۵۳۷

۲۰ شهریور ۱۳۱۹ ه‍.ق

نمره ۲۹۰

از طرف خبرنگار مخصوص ما در پاریس

۱۳ در روزنامه مهر ایران مورخه درمانه رسیده صورت نطقی

مرکب از سالنوی، شقی را در پاریس قصد جان ملکه

هلاند نموده اند اراده خانم ملکه را در پاریس تکمیل

و مشروحات روزنامه را در مایه شدت و ضعف

لفاً تقدیم مینماید زیاده جسارت نمیکند

چاکر جانثار

عبدالصمد

از طرف اطلاعی میرساند از قرار اخباریکه از خارجه سالر رسیده است

سالر نام که پارسال در خیابان بولوار برلن مرتکب سوء قصدی نسبت

بجلالتمآب همایونی شاه ایران شده بود مرده است سالر یوم

دهم ژانویه سنه ۱۹۰۰ بحبس ابد محکوم شده بود یوم نوزدهم ژانویه

فوت شده است

MORT DE SALSOU

L'auteur de l'attentat contre le shah. Mort de l'anarchiste aux îles du Salut.

On annonce de Cayenne la mort, aux îles du Salut, de Salsou, l'auteur de l'attentat commis l'année dernière contre le shah de Perse, dans l'avenue du Bois-de-Boulogne, au moment où le shah,

SALSOU

venu à Paris pour visiter l'Exposition, partait pour une excursion à Versailles.

Salsou avait été condamné aux travaux forcés à perpétuité le 10 novembre 1900.

Il est mort le 19 juillet, un peu plus de huit mois après sa condamnation.

شمارهٔ سند: ۸۹٤
موضوع: اهدای نشان به شخصیتهای عثمانی
تاریخ: ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۳۱۹ هـ.ق
کارتن: ۲۲
پرونده: ۵۰/۱

نشانهایی که هنگام تشریف‌فرمایی موکب مقدس همایونی روحنافداه به اسلامبول از طرف دولت قوی‌شوکت علیه به مأمورین عثمانی مرحمت گردیده و عنایت ملوکانه به آنها ابلاغ شده، بعضی از فرامین آنها باقی است و بعضی دیگر هم فرمان و هم نشان هر دو داده نشده. صورت اسامی آنها را دفتری نموده تقدیم حضور مبارک داشت، استدعا دارم امر و مقرر فرمایند به وسیلهٔ سریعه فرامین را ارسال فرمایند تا از مسئلهٔ نشان و فرمان و مطالبهٔ همه‌روزه عثمانی‌ها فراغت حاصل شود. الامر الاجل الاکرم الاعظم مطاع.

اثر مهر ــ یا احمد

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

جناب اشرف اتابک اعظم هرگز ما این همه نشان نداده وعده هم نداده‌ایم فقط نشانهایی که در اسلامبول داده‌ایم همان است و اگر از فرامین آنها باقی مانده باشد، صادر کرده بدهند و الا به این حرفها نمی‌توان این همه نشان داد. شهر شعبان ۱۳۱۹

۲۸ شهر جمادی الثانی ۱۳۱۹

نشانه استحکام شریف فرمایی سرکار سعادتمدار ایمانی رفیع جناب
[illegible]

۱۵۳

قرائت علامه زمان عثمانی رحمت کنید وغایت ملوکانه انهاالله
[illegible]

بعض ارفرامین انها باقی است بعضی دیگر امرفرمایان دولت علیه
[illegible]

صدارت عظمی انها را دفتری نوین تقدیم حضور سرکار داشت استدعا دارم امروز
[illegible]

فرستند بوسیله بریه فرمین را ارسال فرمایند تا ازشعله نشان وفرمان مطالبه
[illegible]

همه روزه عثمانها فراغت حاصل شود

الدر [illegible] صلی الله علیکم الله عظیم [illegible]

شمارهٔ سند: ۸۹۵
موضوع: صورت اسامی افرادی که باید نشان بگیرند
تاریخ: ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۳۱۹ هـ.ق
کارتن: ۲۲
پرونده: ۵۰/۱

صورت اسامی اشخاصی که نشان دربارهٔ آنها مرحمت شده و فرامین آنها نرسیده است

شاهزادگان جوان بختان اعلی حضرت سلطانی	
دولت و نجابت‌مآب، توفیق افندی	تمثال همایونی
دولت و نجابت‌مآب، محمد سلیم افندی	تمثال همایونی
دولت و نجابت‌مآب، عبدالقدار افندی	تمثال همایونی
دولت و نجابت‌مآب، احمد افندی	تمثال همایونی
دولت و نجابت‌مآب، برهان‌الدین افندی	تمثال همایونی
دولت و نجابت‌مآب، عبدالرحیم افندی	تمثال همایونی
کریمهٔ عصمت وسیمهٔ اعلی حضرت سلطان	رفیعهٔ سلطان
جناب خلیل رفعت پاشا، صدراعظم	یک قطعه نشان آفتاب
	نشان اقدس
دولت‌مآب رضاپاشا، وزیر جنگ	مرحمت گردیده
جناب دولت‌مآب سعیدپاشا، رئیس دارالشورا	تمثال همایونی
جناب وزیرخارجه، توفیق پاشا	تمثال همایونی
سفیرکبیر، شمس الدین بیک	تمثال همایونی
	تمثال همایونی
[درحاشیه:] فرمان آنها داده شده	
ابهت‌مآب عبدالرحمن پاشد، وزیر عدلیه	تمثال همایونی / فرمان و نشان آنها داده
دولتمآب حسن پاشا، وزیر بحریه	تمثال همایونی / شده

درجهٔ اول		
پیشخدمت دویم اعلی حضرت سلطانی، نوری پاشا	درجهٔ اول با حمایل سبز	نشان مرصلی می خواهد
		نشان داده نشده
اجودان اعلی حضرت سلطانی، سعادت‌مآب چرکس محمدپاشا	درجهٔ اول با حمایل سبز	نشان داده شده
		فرمان مانده
داماد اعلی حضرت سلطانی، نورالدین پاشا	درجهٔ اول با حمایل	نشان داده نشده
داماد اعلی حضرت سلطانی، کمال الدین پاشا	درجهٔ اول با حمایل	مرصع می خواهند
کاتب صرف چلب همایونی سعادت‌مآب ابراهیم بیک	درجهٔ اول با حمایل قرمز	فوت
مدیر تعمیرخانهٔ سلطانی حسن پاشا	درجهٔ دویم شیروخورشید	
معاون مستشار رسومات نامق بیک	دویم شیروخورشید	
از مستخدمین تعمیرخانه سلطانی راشدبیک	دویم شیروخورشید	
تفنگدار پادشاهی عزتمآب ابراهیم بیک	دویم شیروخورشید	
تفنگدار پادشاهی، حسن بیک	دویم شیروخورشید	
معاون کوماندان اسکدار [اسکادر] آجودان سلطان، علی بیک	دویم شیروخورشید	
از تفنگداران پادشاهی، یوسف بیک	دویم شیروخورشید	
از صاحب منصبان نظامی، توفیق بیک	دویم شیروخورشید	
مدیر منطج [منضج]، مظهر بیک	دویم شیروخورشید	
مدیر ادارهٔ الکتریک سرای همایونی، رائف بیک	درجهٔ دویم شیروخورشید	
از مستخدمین تعمیرخانهٔ دربار سلطانی، راشد بیک	درجهٔ دویم	
از تفنگداران پادشاهی، ابراهیم بیک ایضاً حسن بیک	درجهٔ دویم	
طبیب پادشاهی و حکیم باشی	درجهٔ دویم شیروخورشید	

مریضخانهٔ اطفال حمیدیه ابراهیم بیک	درجهٔ دویم شیروخورشید
آجودان حضور سلطانی، حسنی پاشا	درجهٔ دویم شیروخورشید
تفنگدار پادشاهی [قول اغاسی]، عبدالله بیک	درجهٔ سیم شیروخورشید
سررشته دار کاتب فوج، مصطفی بیک	درجهٔ سیم
تفنگدار پادشاهی (یوزباشی)، حسن بیک	درجهٔ چهارم
تفنگدار پادشاهی (ملازم)، مرتضی بیک	درجهٔ چهارم
ملتزم حضور دولت و نجابت مآب توفیق افندی،	سیم شیروخورشید
شاهزاده آجودان پادشاهی ممدوح بیک	
از تفنگداران ملتزم رکاب حسن بیک	سیم شیروخورشید
از تفنگداران ملتزم رکاب پادشاهی زخاریابیک	ازدرجهٔ سیم شیروخورشید
یاور پادشاهی (بیک باشی)، نظیف بیک	ازدرجهٔ سیم شیروخورشید
از تفنگداران پادشاهی (قول اغاسی)، رستم بیک	ازدرجهٔ سیم شیروخورشید
کومیسر راه آهن شرق الکبیان، میخائیلایسی افندی	سیم شیروخورشید
از تفنگداران ملتزم رکاب، خلیل بیک	سیم شیروخورشید
از تفنگداران ملتزم رکاب (قول آغاسی)، علی عثمانی بیک	درجهٔ سیم شیروخورشید
از تفنگداران ملتزم رکاب (قول اغاسی)، تحسین بیک	درجهٔ سیم
سررشته دار کاتب فوج مذکور، فوأدبیک	درجهٔ سیم
از مأموران واپور عزالدین، صدقی بیک	درجهٔ سیم خارجه
از چرخچی های واپور عزالدین (قول اغاسی)، محمودافندی	درجهٔ سیم خارجه
منشی باشی واپور عزالدین، مصطفی افندی	سیم شیروخورشید
مدیر اداره فلکهٔ شاهی، داودافندی	پنجم شیروخورشید
آجودان اعلی حضرت سلطانی، عبیدالله بیک	سیم شیروخورشید
آجودان اعلی حضرت سلطانی (بیک باشی)، مصطفی بیک	سیم شیروخورشید
آجودان اعلی حضرت سلطانی، محمدعلی بیک	سیم شیروخورشید
آجودان اعلی حضرت سلطانی، ناظم بیک	سیم شیروخورشید
آجودان اعلی حضرت سلطانی، ندیم بیک	سیم شیروخورشید
آجودان وزیر بحریه (قول اغاسی)، علاء الدین بیک	سیم شیروخورشید

معلم فطوغراف مکتب حربه شاهانه، رفعت افندی	سیم شیروخورشید
معلم فطوغراف مهندس خانه برّی همایونی (بیک باشی)، سامی بیک	سیم شیروخورشید
آبدارسیم پادشاهی، توفیق بیک	سیم شیروخورشید
آبدارپادشاهی، حقی بیک	سیم شیروخورشید
آبدارپادشاهی، خلیل بیک	سیم شیروخورشید
یاورپادشاهی، محمود جمیل بیک	سیم شیروخورشید
نایب (آمدی دیوان همایونی)، مرتضی بیک	سیم شیروخورشید
ایضاً، افسرالدین بیک	سیم شیروخورشید
چراغچی ثانی، علی بیک	سیم شیروخورشید
از نایبهای دفترخانهٔ وزارت خارجه، شرف الدین بیک	سیم شیروخورشید
ازمأمورین اصطبل عامره، صبری بیک	سیم شیروخورشید
ایضاً، احمداقا	سیم شیروخورشید
ازمعاونهای اوطاق استشاره باب عالی، حسن حلمی بیک	شیروخورشیددرجهٔ سیم
ناظرفرس اصطبل عامره، محمدآقا	شیروخورشیددرجهٔ چهارم
باش کاتب مفروشات سرای پادشاهی، شوکت بیک	سیم شیروخورشید
آجودان پادشاهی (ملازم)، مقدادبیک	تبدیلاً سیم شیروخورشید
طبیب واپورعزالدین (بیک باشی)، رفعت بیک	سیم شیروخورشید
چرخچی واپورعزالدین (قول اغاسی)، عبداله افندی	سیم شیروخورشید
چرخچی واپورعزالدین (قول اغاسی)، حسن افندی	سیم شیروخورشید
چرخچی واپورعزالدین (قول اغاسی)، محمود افندی	سیم شیروخورشید

ولایت آدرنه

معلم تعلیم سواری عزتّ مآب، صبحی بیک	سیم شیروخورشید
صاحب منصب پیاده فوج دوازدهم، عثمان بیک	سیم شیروخورشید
صاحب منصب پیاده فوج نهم، رضابیک	سیم شیروخورشید
صاحب منصب فرقه توپچی عزت مآب، جمال بیک	سیم شیروخورشید
امین فرقه توپچی رفعت مآب، رفعت بیک	سیم شیروخورشید

(بیک باشی) طابور ژاندارم مرکزی آدرنه	سیم شیروخورشید
عزت مآب، خورشید افندی	
ولایت آدرنه	
(قول آغاسی) ارکان حرب رفعت مآب، نظیف بیک	سیم شیروخورشید
مدیر اول پسته و تلغراف [تلگراف]	سیم شیروخورشید
عزت مآب، یوسف افندی	
آجودان سلطانی (میرآلای)، حسن بیک	سیم شیروخورشید
نایب منشی دفترخانه صدارت عظمی، سلیمان فهمی بیک	سیم
(قایم مقام) تعمیرخانه همایون، محمد بیک	سیم
ثبّات باشی دفترخانه دیوان همایون، عون الدین بیک	سیم
ترجمان ریاست تجارت و نافعه، محب بیک	سیم شیروخورشید
معاون اوطاق [اطاق] استشارهٔ باب عالی، محمدعلی بیک	سیم شیروخورشید
مستخدم ادارهٔ تفنگدار باشی (یوزباشی)، حسین بیک	چهارم شیروخورشید
مستخدم ادارهٔ تفنگدار باشی (یوزباشی)، رمضان بیک	چهارم
مستخدم ادارهٔ تفنگدار باشی (یوزباشی)، محمدافندی	چهارم
آجودان پادشاهی (یوزباشی)، خالد بیک	چهارم
صاحب منصب (بلوک اسقورت)، عبدالرحمن افندی	چهارم
معاون هیئت نقاشی، ابراهیم خازم افندی	چهارم
معاون هیئت نقاشی، شکری افندی	چهارم
معاون هیئت نقاشها (یوزباشی)، بهجت افندی	چهارم
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، علی افندی	چهارم
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، حافظ حُسنی افندی	چهارم
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، صدقی بیک	چهارم
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، مصطفی بیک	چهارم
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، حاجی مصطفی بیک	مدال طلا
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، رفعت بیک	چهارم
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، علی بیک	

مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، خلیل بیک	
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، حُسنی بیک	مدال
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، شاکر افندی	
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، محمد نبیل افندی	
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، فضلی بیک	
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، ابراهیم افندی	
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، حسن افندی	
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، بهاء الدین افندی	
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی، کاتب زهدی بیک	چهارم
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی، سفره‌چی قسطی	
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی،	
از خدمهٔ ادارهٔ ارزاق، عثمان آقا	پنجم داده شد
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی، محمدآقا	چهارم
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی، حاجی شریف افندی	چهارم
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی، حاجی ولی آقا	چهارم
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی، آشپزفرنگی یانی افندی	چهارم
(یوزباشی) موزیک پادشاهی، زکی بیک	پنجم شیروخورشید
(یوزباشی) موزیک پادشاهی، رضابیک	پنجم شیروخورشید
ملازم موزیک پادشاهی، خالدبیک	پنجم شیروخورشید
ملازم موزیک پادشاهی، حسیب افندی	پنجم شیروخورشید
ملازم موزیک پادشاهی، عارف بیک	پنجم شیروخورشید
ملازم موزیک پادشاهی، حقی بیک	پنجم شیروخورشید
ملازم موزیک پادشاهی، مصطفی موسی افندی	پنجم شیروخورشید
ملازم موزیک پادشاهی، حافظ اسمعیل افندی	پنجم شیروخورشید
مأمور الکتریک مابین همایون؛ فائق افندی	پنجم شیروخورشید
از مأمورین اصطبل عامره، جمال افندی	چهارم شیروخورشید
رختدار پادشاهی، یوسف بیک	چهارم شیروخورشید

سجاده‌چی، مصطفی بیک	
سجاده‌چی، حافظ مصطفی بیک	
قراول باشی قصر شاله، علی افندی	
گلخانه‌چی اعلی حضرت سلطانی، حاجی عمرآقا	
(یوزباشی) واپور عزالدین، حسنی افندی	
(یوزباشی) واپور عزالدین، صبری افندی	
(یوزباشی) واپور عزالدین، حفظی افندی	
قراول باشی دربار سلطانی، احمدآقا	چهارم شیروخورشید
در واپور عزالدین کاتب، مصطفی افندی	چهارم شیروخورشید
چرخچی (یوزباشی)، حسن افندی	
(یوزباشی) موزیک، احمد افندی	
(یوزباشی)، مصطفی افندی	

ولایت آدرنه

(یوزباشی) مشیریت فتوت مآب، رضا افندی	چهارم
(یوزباشی سواری) مشیریت (یاور حرب)، طاهرافندی	
(یوزباشی سواری) مشیریت (یاور حرب)، طاهرافندی	
(ملازم) یاور مقام ولایت، شوقی بیک	
یوزباشی توپچی، علی بیک	
یوزباشی پیاده، ابراهیم بیک	
سواره ملتزمین رکاب (معیت سنیه)، چاوش باشی باسم فارس	پنجم نشان داده شد
سوار ملتزمین رکاب (معیت سنیه)، محمد بدوی	
سوار ملتزمین رکاب (معیت سنیه)، حسن بن محمد	
سوار ملتزمین رکاب (معیت سنیه)، عبدالقادر بن اسمعیل	
سوار ملتزمین رکاب (معیت سنیه)، عبدالدائم بن سعید	
سوار ملتزمین رکاب (معیت سنیه)، عبدالرزاق بن طالب	
سوار ملتزمین رکاب (معیت سنیه)، محمد بن حسین	
سوار ملتزمین رکاب (معیت سنیه)، احمد بن عمر	

سوار ملتزمین رکاب (معیت سنیه)، سلیم بن علی
سوارهٔ ملتزمین رکاب (معیت سنیه) چاوش، کامل رسلان پنجم
سوارهٔ ملتزمین رکاب (معیت سنیه) چاوش، حسن بن محمد شریف
سوارهٔ ملتزمین رکاب (معیت سنیه) چاوش، محمد بن عبدالله
سوارهٔ ملتزمین رکاب (معیت سنیه) مسعود بن عبدالله
سوارهٔ ملتزمین رکاب (معیت سنیه) سر چاوش، محمدسعید
سوارهٔ ملتزمین رکاب (معیت سنیه) سر چاوش، حسن بن عمر
سوارهٔ ملتزمین رکاب (معیت سنیه) سر چاوش، احمد خلیل
سوارهٔ ملتزمین رکاب (معیت سنیه) سر چاوش، محمدخلیفه
سوارهٔ ملتزمین رکاب (معیت سنیه) سر چاوش، حسین خلیل
خادمی که به جناب اجل وزیر دربار خدمت می‌کرد، اسمعیل بیک
خادمی که به جناب اجل وزیر دربار خدمت می‌کرد، حقی بیک
خادمی که به جناب اجل آقای علاء الملک خدمت می‌کرد، عبدالله افندی
سفره‌چی باشی کتابت جلیله، عزیز افندی
دوقتور، علی حسین افندی چهارم شیروخورشید
از نایبهای محاسبات خزینهٔ خاصه، حقی بیک
پولیس دیون عمومیه، مصطفی بن حلمی پنجم شیروخورشید
معاون اوطاق [اطاق] ترجمهٔ گمرک، مسیوژاق چهارم شیروخورشید
مستخدم ادارهٔ تفنگدارباشی پادشاهی پنجم شیروخورشید
(ملازم)، امین افندی
مستخدم ادارهٔ تفنگدارباشی پادشاهی (ملازم) امین افندی پنجم شیروخورشید
مستخدم ادارهٔ تفنگدارباشی پادشاهی (ملازم) عزیز افندی
مستخدم ادارهٔ تفنگدارباشی پادشاهی (ملازم) ابراهیم افندی
مستخدم ادارهٔ تفنگدارباشی پادشاهی (ملازم)، بکرافندی
مستخدم ادارهٔ تفنگدارباشی پادشاهی (ملازم)، رستم افندی
مستخدم ادارهٔ تفنگدارباشی پادشاهی (ملازم)، علی افندی
ملازم اول بلوک اسقورط محمد افندی

ملازم اول بلوک اسقورط، مصطفی افندی	
ملازم اول بلوک اسقورط، زیور افندی	
از چاوشان معیت سنیه، صلاح الدین بیک	
از چاوشان معیت سنیه، مصطفی افندی	چهارم
از چاوشان معیت سنیه، محمد افندی	پنجم
از چاوشان معیت سنیه، محمد جلال بیک	پنجم
حمامی اعلی حضرت سلطان، حسن آغا	پنجم
قهوه چی حافظ، مصطفی آغا	درجهٔ پنجم شیروخورشید
کاتب واپور عزالدین، خیرالدین افندی	
کاتب واپور عزالدین (ملازم اول)، کامل افندی	
کاتب واپور عزالدین، شمتلی نجری افندی	
کاتب واپور عزالدین، فوأد افندی	
کاتب واپور عزالدین، جمال افندی	
کاتب واپور عزالدین چرخچی ملازم، مصطفی افندی	
کاتب واپور عزالدین ملازم، سلاح انداز حمدی افندی	
کاتب واپور عزالدین، سامی افندی	
کاتب واپور عزالدین (ملازم موزیکانچی)، بهاء الدین افندی	
کاتب واپور عزالدین (ملازم) رضا بیک	
کاتب واپور عزالدین ثانی، رفعت افندی	
کاتب واپور عزالدین ملازم، عبدالله افندی	
کاتب واپور عزالدین ملازم، مصطفی افندی	
مستخدم واپور عزالدین، عمر افندی	پنجم شیروخورشید
مستخدم واپور عزّالدین، امام محمدافندی	
مستخدم واپور، جراح صبری افندی	
مستخدم واپور عزالدین مأمور قانون، رفعت افندی	
مستخدم واپور عزالدین سفره چی باشی، یاور افندی	

مستخدم واپور عزالدین (ملازم)، عثمان افندی	
مدیر انبار مفروشات پادشاهی، عاکف افندی	
اوطاقدار [اطاقدار] تشریفات عمومیه، صادق افندی	
اوطاقدار [اطاقدار] تشریفات عمومیه، احمدآغا	
مستخدم اداره باش کاتب، علی آغا	
مستخدم ادارهٔ باش کاتب، حسن آغا	
از سواره های ملتزم رکاب (معیت سنیه)، عاصم بیک	پنجم
از سواره های ملتزم رکاب (معیت سنیه)، محمدافندی	پنجم
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) عودزن، جمیل افندی	مدال طلا
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) محمدنجیب افندی	
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) حقی افندی	
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) مصطفی خورشید	
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) صبری احسان	
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) حیدر افندی	
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) مظهر افندی	
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) شامل افندی	
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) احمدحسن افندی	
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) محمدسالم افندی	
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) عرب جمیل افندی	
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) اوسته نیقولی	
قراول کشیک قصر شاله همایونی، شعبان آغا	مدال طلا
قراول کشیک قصر شاله همایونی، ادهم آقا	مدال طلا
قراول کشیک قصر شاله همایونی، حسن آقا	مدال طلا
مدال	
قهوه چی دربار همایونی، صالح آغا	مدال
قهوه چی دربار همایونی، علی آغا	مدال
از تفنگچیان اعلی حضرت سلطانی در دایرهٔ	مدال

مراسم، حسین آغا	
از تفنگچیان اعلی حضرت سلطانی در دایرهٔ	
مراسم، عثمان افندی	
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، ابراهیم بیک	
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، کاظم بیک	
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، عمر بیک	
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، مروت شکری بیک	
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، شکری بیک	
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، عبدالله بیک	
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، علی بیک	
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، حقی بیک	
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، تحسین بیک	
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، جمیل بیک	
مستخدم دایرهٔ صدارت (بی زبان)، حسین آغا	مدال طلا
مستخدم از خدمهٔ صدارت (بی زبان)، مصطفی افندی	مدال طلا
مستخدم از خدمهٔ صدارت (بی زبان)، حسین آغا	مدال طلا
مستخدم از خدمهٔ صدارت (بی زبان)، قدری آغا	مدال طلا
مستخدم از خدمهٔ صدارت (بی زبان)، رفعت آغا	مدال نقره
مستخدم از خدمهٔ صدارت (بی زبان)، مصطفی آغا	مدال نقره
مستخدم از خدمهٔ صدارت (بی زبان)، غلی [قلی] آقا	مدال نقره
مستخدم از خدمهٔ صدارت (بی زبان)، مصطفی آقا	مدال نقره
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، رشید بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، جمال بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، حافظ غالب بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، حسن نامی بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، ضیاء بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، عونی بیک	مدال

خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی ، سلیمان بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی ، عبدالله بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی ، نوری بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی ، اسمعیل بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی ، غالب بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی ، محمد بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی ، شکری بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی ، اسمعیل بیک	نشان داده شود
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی ، محمد نوری بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی ، بهاء الدین بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی ، مختار بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی ، ایلی بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی ، علی نهاد بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی ، حقی نجیب بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی ، عزت بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی ، سالم بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ پادشاهی ، احمد بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ پادشاهی ، زینل بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ پادشاهی ، رجب بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ پادشاهی ، شفیق بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ پادشاهی ، صادق بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ پادشاهی ، اسمعیل حقی بیک	مدال
کشیک سرای یلدیز پادشاهی ، قسطمونیلی حسن آقا	مدال
کشیک سرای یلدیز پادشاهی ، لوبی آبادی رشدآقا	
کشیک سرای یلدیز پادشاهی ، چمشگزگلی مصطفی آقا	
کشیک سرای یلدیز پادشاهی ، ازمبدلی خلیل آقا	
کشیک سرای یلدیز پادشاهی ، نوشهرلی حاجی ابراهیم آقا	

کشیک سرای یلدیز پادشاهی ، چمشگزگلی دیگر مصطفی آقا	
کشیک سرای یلدیز پادشاهی ، نوشهرلی محمد آقا	
قواص مابین دربارپادشاهی ، مصطفی نوری آقا	مدال ،نشان داده شده
قواص مابین دربارپادشاهی ، محمدشمس آقا	مدال ، نشان داده شده
شمعدانچی دایرهٔ مراسم پادشاهی ، احسان بیک	
شمعدانی دایرهٔ مراسم پادشاهی ، سلیمان بیک	
شمعدانچی دایرهٔ مراسم پادشاهی ، عثمان افندی	
شمعدانچی دایرهٔ مراسم پادشاهی ، رضا افندی	
مستخدم قصر جدید سلطنتی ، طاهربیک	
مستخدم قصر جدید سلطنتی ، کاتب عاکف بیک	
مستخدم قصر جدید سلطنتی ، خادم، علی افندی	
ابریق دار دایرهٔ مراسم خدمه ، احمد بیک	مدال
ابریق دار دایرهٔ مراسم خدمه ، عمرآغا	
ابریق دار دایرهٔ مراسم خدمه ، رازی بیک	
ابریق دار دایرهٔ مراسم خدمه ، حاجی فرهاد افندی	
ابریق دار دایرهٔ مراسم خدمه ، امین آقا	
ابریق دار دایرهٔ مراسم خدمه ، درویش آقا	
ابریق دار دایرهٔ مراسم خدمه ، حقی آقا	
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی ، یانی	مدال
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی ، ژوزف	
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی ، ینقولی	
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی ، دیمتری	
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی ، قسطی	
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی ، یورکی	
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی ، فرستو	
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی ، دیگرقوسطی	
ازخدام آبدارخانهٔ شاهی ، حسین آقا	

از خدام آبدارخانهٔ شاهی، حقی آقا	
از خدام آبدارخانهٔ شاهی، ابراهیم یوسف	
از خدام آبدارخانهٔ شاهی، مصطفی	
از خدام آبدارخانهٔ شاهی، محسن	
از خدام آبدارخانهٔ شاهی، ابراهیم بیک	
از خدام آبدارخانهٔ شاهی، محمودآقا	
آبدارخانه، سفره‌چی نعمان	چهارم شیروخورشید
آبدارخانه، نظمی بیک	مدال
آبدارخانه، حاجی محمدآقا	
آبدارخانه، حافظ مصطفی آقا	
آبدارخانه، حاجی حسین آقا	
آبدارخانه، حسن آقا	
آبدارخانه، علی آقا	
آبدارخانه، امین آقا	
آبدارخانه، حسن آقا	
آبدارخانه، محمد آقا	
آبدارخانه، حاجی علی آقا	
آبدارخانه، حسنی آقا	
آبدارخانه، محمد آقا	
توتونچی پادشاهی، حسن افندی	
توتونچی پادشاهی، محمد افندی	
توتونچی پادشاهی، حافظ عمر	
موزع پستخانهٔ اسلامبول، محمد افندی	مدال نقره
خدمهٔ وزارت خارجهٔ عثمانی، حاجی عمرآقا	مدال نقره
ایضاً، اسمعیل آقا	مدال طلا
ایضاً، علی رضا آقا	مدال نقره
توتونچی اعلی حضرت پادشاهی، حقی افندی	مدال

توتونچی اعلی حضرت پادشاهی ، احمد افندی	مدال
توتونچی اعلی حضرت پادشاهی ، یاقوافندی	مدال
توتونچی اعلی حضرت پادشاهی ، احمد آقا	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، ابراهیم آقا	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، محمد افندی	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، امین آقا	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، احمد آقا	
خدمهٔ اصطبل عامره، ، اسمعیل آقا	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، شکری آقا	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، ابوالخیر آقا	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، خمیس آقا	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، عبداله آقا	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، کوچک عبداله آقا	
خدمهٔ اصطبل عامره، نسیب آقا	
خدمهٔ اصطبل عامره، محمدعلی آقا	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، هشام آقا	
خدمهٔ اصطبل عامره، عبدالعزیز آقا	
خدمهٔ فایطون، ابراهیم آقا	
خدمهٔ فایطون، امین آقا	
خدمهٔ فایطون، محمد افندی	
خدمهٔ فایطون، محمود آقا	
خدمهٔ فایطون، حسنی آقا	
خدمهٔ فایطون، راسم آقا	
خدمهٔ فایطون، یانوسی آقا	
خدمهٔ فایطون، خالد آقا	
خدمهٔ فایطون، صادق آقا	
خدمهٔ فایطون، احمد آقا	

ارابه چی ، علی آقا	
خدمهٔ اصطبل عامره ارابه چی ، حسن آقا	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، صادق آقا	مدال
کالسکه چی ، عبداله آقا	
کالسکه چی ، خلیل آقا	
کالسکه چی ، علی آقا	
کالسکه چی ، محمودآقا	
شاگرد فابریک چینی پادشاهی ، ایرانی احمد افندی	
شاگرد فابریک چینی پادشاهی ، ایرانی محمد افندی	
شاگرد فابریک چینی پادشاهی ، ایرانی محمد افندی	
درطابور خاصهٔ نقلیه ک اونباشی ۷، عمر مصطفی قسطمونی	
پولیس دیون عمومیه، مصطفی افندی	مدال طلا
پولیس دیون عمومیه، بلال افندی	مدال طلا
کومیسر محلیه، مصطفی افندی	مدال طلا
از چاوشان معیت سنیه در خدمت تشریفات، محمد عاصم	مدال طلا
نوکر دولت مآب طرفان پاشا، فتاح آقا	مدال طلا
آدم احمدعلی پاشا، حاجی محمدآقا	مدال طلا
آدم دولت مآب شاکرپاشا، حسین آقا	مدال طلا
آدم دولت مآب سلیمان بیک ، صحاب آقا	مدال طلا
از تفنگداران اعلی حضرت سلطانی ، عمر لطفی	
از تفنگداران اعلی حضرت سلطانی ، سلیمان آدم	
از تفنگداران اعلی حضرت سلطانی ، قائم ابراهیم	
از تفنگداران اعلی حضرت سلطانی ، عبدالله علی	
برای توزیع چاوشان مابین همایون	۱۹۰ عدد مدال
آجودان اعلی حضرت سلطانی (میرلوا) سعادت مآب ، حسنی پاشا	درجهٔ دویم شیروخورشید
رئیس لوازمات اردوی دویم، جمال پاشا	

کوماندان فوج توپچی و مرکز، فواد پاشا	درجه اول باحمایل قرمز
کوماندان فوج توپچی (فریق) احمد پاشا	درجهٔ اول
کوماندان فوج پیادهٔ اردوی دویم، هاشم پاشا	درجهٔ اول
کوماندان فوج توپچی اردوی دویم، طلعت پاشا	درجهٔ اول
کوماندان ردیف توپچی اردوی دویم، حسن پاشا	درجهٔ اول
صاحب منصب فوج سواره، حسن مصطفی پاشا و محمود پاشا	درجهٔ اول باحمایل قرمز
صاحب منصب فوج پیاده، حسن مصطفی پاشا و اسحق پاشا	درجهٔ اول باحمایل قرمز
حکیم باشی اردوی دویم (میرلوا)، احمدپاشا	درجهٔ اول باحمایل قرمز
(فریق) ردیف، شوکت پاشا	درجهٔ اول باحمایل سبز
محاسب اردوی دویم، تحسین بیک	درجه دویم شیروخورشید
کوماندان ژاندرم ولایت ادرنه، مخلص پاشا	درجهٔ اول باحمایل قرمز
کاتب اول اردوی دویم ارکان حرب، حسیب افندی	درجهٔ سیم
کاتب لوازمات اردو، مصطفی افندی	درجهٔ سیم
آجودان باشی مقام مشیریت (بیک باشی)، حسن بیک	درجهٔ سیم
ایضاً آجودان (یوزباشی)، اسمعیل افندی	چهارم
ایضاً آجودان (ملازم)، رضا افندی	چهارم
محاسب اوقاف ولایت آدرنه، شوقی بیک	چهارم
از اشراف محلیه آدرنه، نظمی بیک	سیم
از اشراف محلیه آدرنه، شوکت بیک	
مدیر بلدیه قره اغاج، حاجی آغوب افندی	سیم شیروخورشید
مدیر ملکیت حمیدیهٔ آدرنه، رضابیک	سیم
از اشراف، مصطفی بیک	سیم
پیشخدمت باشی وزیر خارجهٔ عثمانی، حسین آقا	پنجم شیروخورشید
کومیسر پولیس [پلیس] وزارت خارجهٔ عثمانی، علیرضا افندی	پنجم شیروخورشید
وزارت عدلیه	
رئیس دویم تجارت بحریه، غابریل افندی	سیم شیروخورشید
اعضای محکمه تجارت، استپان افندی	چهارم شیروخورشید

اعضای ثانی محکمه تجارت، عثمان بیک	چهارم
اعضای اول، جلال بیک	چهارم
اعضای ثانی، قالپارکی	چهارم
رئیس محکمهٔ جزا، عاکف بیک	دویم شیروخورشید
مدیر امور حقوقه، ابراهیم بیک	سیم شیروخورشید
مدیر نفوس، احسان بیک	
کومیسر اول متفرقه، حسین افندی	
کومیسر اول مرکز، خورشید افندی	
کومیسر ثانی وزارت نافعه، عثمان افندی	
کومیسر ثانی نورعثمانیه، علی افندی	
مفتش دریا، سعید بیک	
کومیسر ثالث (قائم مقام)، حسین افندی	
دوکتر یحیی بیک ایرانی (قول آغاسی)	چهارم شیروخورشید
(پسر حاجی آقاخان ترجمان)	
از آجودان وزارت ضبطیه (بیک باشی)، صالح بیک	
از آجودان وزارت ضبطیه (بیک باشی)، رمضان بیک	
از آجودان وزارت ضبطیه (بیک باشی)، محمود بیک	
محمدعلی بیک، دوکتر ایرانی طبیب مریضخانه مظفریه	سیم شیروخورشید
مدیر مکتب (دبستان ایران)، حسن بیک	پنجم شیروخورشید
معاون والی آطنه سعادت مآب، نصری بیک	درجه دویم شیروخورشید
علاء الدین بیک، یاور حرب سلطان پسر والی آطنه	درجه سیم شیروخورشید
نظمی بیک پسر دفتردار ولایت آطنه	درجهٔ سیم شیروخورشید
سیدجوادبیک، کار پرداز دولت علیه در آطنه	دویم شیروخورشید
ترجمان کار پردازی اسکندر، خبازبیک	چهارم شیروخورشید
میرزا احمد ترجمان کار پردازی	پنجم
فتح اله بیک میرزا فرج، محمد کریم اعضا،	هریک مدال نقره
سه نفر قواص کار پردازی	

این نشانها داده شده فرمان آنها باقی است.

صول

آ می اشاصی رشتان در مان انها مرحمت شده و فرزندان انها نرسیده است

نان انها
دان ش

شاهزادگان حرابخت علیحضرت سلطانی
دولت دنیا تاب نوفر فیروزی تمثال همایونی
دولت دنیا تاب محمد تقیم فیروزی تمثال همایونی
دولت دنیا تاب عبد القادر فیروزی تمثال همایونی
دولت دنیا تاب احمد فیروزی تمثال همایونی
دولت دنیا تاب رحمان الهی فیروزی تمثال همایونی
دولت دنیا تاب علی رحیم فیروزی تمثال همایونی

کرمیه عصمت دیمه علیحضرت سلطان رفیعه سلطنه مخدره نان افاق
خاب عفیف رفعت شاه صدر اعظم نان هری مرحمت کیده
دولتاب ضیا شاه درز خنک تمثال همایونی
خاب دولتاب سعادت شاه شمس دارالشورا تمثال همایونی
خاب دولت رزق فاطمه توفیق شاه تمثال همایونی
سنگین شمس الهی سکه تمثال همایونی

اهبت، بیع الرحمن، پیش در عدلیه	تمثال همایونی
در تمکاب عمارت دارالتحریر	تمثال همایونی

درجه اولی

شهنشاه جم اعتصام سلطانی نورالله بارگاهه	درجه اولی با جمای نشان مرصع سنجاق
اجداد اعتضاد سلطانی کارخانجات محترقه	درجه اولی با جمای نشان دارالنشه
دارای اعتضاد سلطانی نورالله برهانه	درجه اولی با جمای نشان دارالتحریر
دارای اعتضاد سلطان کارخانجات	درجه اولی با جمای نشان مرصع سنجاق
کارخانجات حرف صیقل همایونی کارخانجات ارباب حل و عقد	درجه اولی با جمای قرمز
مدیر تمباکوخانه سلطانی حسن بیک	درجه دوم شیردخورشید
معاون مستشار دربار اعظم سلطانی	دوم شیر و خورشید
ارکستر میان تمباکوخانه سلطانی راشد بیک	دوم شیردخورشید
تفنگدار باشی های خارجات ارباب حل و عقد	دوم شیردخورشید
تفنگدار باشی های حسن بیک	دوم شیر و خورشید
معاون کوماندان اسکدار اعتضاد سلطانی علی بیک	دوم شیردخورشید

از تفنگداران هیئت های توپخانه یکی	درجه یکم شرف خورشید
از صاحب منصبان لطامی توفیق یکی	درجه یکم شرف خورشید
در این سفر ظفر یکی	درجه یکم شرف خورشید
در اداره انگریک برای اعانه نویسی تألیف یکی	درجه دوم شرف خورشید
از سنه نهم تیمورخانی در بار سلطانی راشه یکی	درجه دوم
از تفنگداران هیئت های ارامنه یکی	درجه دوم
ایضاً حسن بیگ	درجه دوم
طبیب هیئت های دکتر بشی مریضخانه اطفال حمدی ارامنه یکی	درجه دوم شرف خورشید
احوالی خصوصیطانی حسنی هاشم	درجه دوم شرف خورشید
تفنگداران هیئت های (قول اغاسی) عبدالله یکی	درجه سیم شرف خورشید
سرشه دار رکاب فوج مصطفی یکی	درجه سیم
تفنگداران هیئت های (بیرقدار باشی) حسن بیگ	درجه چهارم
تفنگداران هیئت های (مدنم) مرتضی بیگ	درجه چهارم
ملتزم حضور حرب دولت دوستی تمامت توفیق فتحنامی احوالی هیئت های ممدوح یکی	سیم شرف خورشید
از تفنگداران ملتزم رکاب حسن بیگ	سیم شرف خورشید

در تصنیف‌سرای ملتزم رکاب پادشاهی	زخارپیک	از درجه سیم شرد خورشید
یا در پادشاهی (بیکباشی)	لطفعلی بیک	از درجه سیم شرد خورشید
در تصنیف‌سرای پادشاهی (قول غلامی)	رحیم بیک	از درجه سیم شرد خورشید
کومیسر راه آهن شرق	یکباشی سنی غلامی افغنی	سیم شرد خورشید
در تصنیف‌سرای ملتزم رکاب	حنیف بیک	سیم شرد خورشید
در تصنیف‌سرای ملتزم رکاب (قول غلامی)	علی عثمان بیک	درجه سیم شرد خورشید
〃 〃	محسن بیک	درجه سیم
سررشته‌دار کاتب فوج مدکور	فؤاد بیک	درجه سیم
در خانه مورخ دایور عزالدین	صدقی بیک	درجه سیم خارجه
در چرخچی‌های دایور عزالدین (قول غلامی)	محمود افغنی	درجه سیم خارجه
نسخه‌نویس دایور عزالدین	مصطفی افغنی	سیم شرد خورشید
مربی اطفال قلعه شاهی	داود افغنی	پنجم شرد خورشید
اجزای علیحضرت پادشاهی (بیکباشی)	مصطفی بیک	سیم شرد خورشید
اجزای علیحضرت پادشاهی	عبدالله بیک	سیم شرد خورشید
اجزای علیحضرت پادشاهی	محمد علی بیک	سیم شرد خورشید

احوال اعلی حضرت نے	ناظم بیگ	سیم شرد خورشید
احوال اعلیحضرت نے	مدنم بیگ	سیم شرد خورشید
احوال ورزیکریہ (قول غ سی)	عبدالدین بیگ	سیم شرد خورشید
معلم فطوغراف مکتب حربیہ شاہانہ	فہیم افندی	سیم شرد خورشید
معلم فطوغراف خیر سنہ زیبی ہمایونی (بیک شی)	سامی بیگ	سیم شرد خورشید
امد ار سیم پالیش ہی	توفیق بیگ	سیم شرد خورشید
امد ار پالیش ہی	حقی بیگ	سیم شرد خورشید
امد ار پالیش ہی	صفیت بیگ	سیم شرد خورشید
یا ور پالیش ہی	محمد حلمی بیگ	سیم شرد خورشید
نانبہ (آمدی دیوان ہمایونی)	مرتضی بیگ	سیم شرد خورشید
الصگ	افراللہ بیگ	سیم شرد خورشید
چراغچی ثانی	علی بیگ	سیم شرد خورشید
زنانہ ہای دفتر خانہ ورارت خارجیہ	شرف الدین بیگ	سیم شرد خورشید
از نامورنی اضبطیہ عثمانیہ	صبری بیگ	سیم شرد خورشید
الصگ	احمد افا	سیم شرد خورشید

از معاون های اوطاق تیمسار هایی	حسن جلیلی پسر	شیر و خورشید درجه نهم
ظروفی اصطبل عباسی	محمدآقا	شیر و خورشید درجه چهارم
پیش کار مخزن مهمات ارتش	برگشت کند	" " شیر و خورشید
احمد ایل بیگی	(مسلم) معتمد کند	" " شیر و خورشید
طبیب داور غزالدین	(بیگلربیگی) رفت کند	" " شیر و خورشید
چرچی داور غزالدین	(قوللر آغاسی) عجم افشار	" " شیر و خورشید
" "	حسن افشار	" " شیر و خورشید
" "	محمود افشار	" " شیر و خورشید

ولدیت آدرس

معلم تعلیم سواری غرتماب	صحی کند	" " شیر و خورشید
صاحب منصب پیاده فوج چهارم ارتش	عثمان کند	" " شیر و خورشید
" "	نهم رضا کند	" " شیر و خورشید
صاحب منصب فرقه توپچی غرتماب	جمال کند	" " شیر و خورشید
امین فرقه توپچی	رفعت کند	" " شیر و خورشید
(بیگلربیگی) طابور ژاندارم مرکزی ادرنه	عثمان خورشید افشار	" " شیر و خورشید

ولدیت ادرنه

(قول غاسی)	ارکان حرب رفعتلو تطفیف یکی	صم شرو خورشید
مریانلی بسته وتعزاف عزتلو یوسف افندی		یم شرو خورشید
اخوان سلطانیه (میرآلای)	حسن بیک	یم شرو خورشید
بانب نشنج دفترخانه صدارت عظمی سلیمان فهمی بیک		یم
(قاپوجی مقدم)	تعمیر خانه همایونی محرری بیک	یتم
ثابت، بحری دفترخانه دیوان همایونی عدول المنهی بیک		یم
رحمانی نایب کتابت دفعه	محمد بیک	یم شرو خورشید
من دل اوطاق ثالث ده مقیم	محمد علی بیک	یم شرو خورشید

مستخدم ادارهٔ تفتیش (یوزباشی)	حسین بیک	چهارم شرو خورشید
" "	رمضان بیک	چهارم
	محمد افندی	چهارم
اخوان ثالث ده (یوزباشی)	خالد بیک	چهارم
صاحب منصب (بوک) (اتقورت)	عبدالرحمن افندی	چهارم
معدن همایت نقاشی	ابراهیم خازم افندی	چهارم
	شکری افندی	چهارم

"

(نوبتی)

معاون هیئت نقاش‌ها	بهجت افنی	چاپ
مستخدم اداره خانه داریه	علی افنی	چاپ
"	حافظ حسن افنی	چاپ
صدقی بک		چاپ
مصطفی بک		چاپ
حاجی مصطفی بک		مدال طلا
رفعت بک		چاپ
علی بک		
خلیلی بک		
حسنی بک		مدال
عاکف افنی		
محمد منیف افنی		
فضلی بک		
ابراهیم افنی		
حسن افنی		
بهاء الدین افنی		

مستخدم ادارهٔ ارزاق کاتب زهره کیا چهارم

سفرهٔ چی قطعی

ادارهٔ ارزاق عثمانی پنجم درجه ۵

〃 محمد آقا چهارم

〃 حاجی شریف افندی چهارم

〃 حاجی ولی آقا چهارم

〃 اشپز فرنگ مانی افندی چهارم

(یوزباشی) سوزیک ماشین زکی بیک پنجم شیر دوشه

رضا بیک پنجم شیر دوشه

خالد بیک پنجم شیر دوشه

(یاور) حسیب افندی پنجم شیر دوشه

〃 عارف بیک پنجم شیر دوشه

〃 حقی بیک پنجم شیر دوشه

〃 مصطفی موسی افندی پنجم شیر دوشه

〃 حافظ اسمعیل افندی پنجم شیر دوشه

〃 الکتریک مایی هاریه فائق افندی پنجم شیر دوشه

۱۰

از ماموریتی اصطبل عامره	جمال افندی	چهارم شرد خورشید
رخت در ماهیتی	یوسف کتخدا	
بهادر جی	مصطفی کتخدا	
سهمه جی	حافظ مصطفی کتخدا	
قراول باشی	قصرشاه علی افندی	
کلفتجی حضرت سلطانی	حاجی عمر آغا	
(یوزباشی) والیه عزالدین	حسنی افندی	
〃 〃	صبری افندی	
〃 〃	حفظی افندی	

قراول باشی در باب سلطانی	احمد آغا	چهارم شرد خورشید
در والیه عزالدین	کاتب مصطفی افندی	چهارم شرد خورشید
چرچی (یوزباشی)	حسن افندی	
(یوزباشی) نوبتچی	حمد افندی	
(یوزباشی)	مصطفی افندی	

ولدیت ادرنه

(یوزباشی) شیرت فرتاب رضا افندی چهارم

ادرنه		
(یوزباشی سواری)	عشیرت (یدرحرب)	طاهر افندی
〃	〃	نورافندی
(ملازم)	یدرمقام ولایت	شوقی کیا
یوزباشی	توپچی	علی کیا
یوزباشی	پیاده	ابراهیم کیا

سواره ملتزمین رکاب	(معیت سنیه)	چاوش باشی باشمه رس
〃	〃	محمد دی
〃	〃	حسن محمد
〃	〃	عبدالقادر محمد
〃	〃	حاج ابراهیم سعید
〃	〃	حاج ابراهیم طالب
〃	〃	محمد صالح
〃	〃	احمد عمر
〃	〃	سلیم حاج
〃	〃	

سنجم نشان داده

سوارہ متزہبی رکاب	(معتبت سنیہ)	چاوش	کامی رسلدن
〃	〃	〃	حسن بن محمد شریف
〃	〃	〃	محمد بن عبدالله
〃	〃	〃	سعود بن عبدالله
〃	〃	سرچاوش	محمد سعید
〃	〃	〃	حسن بن عمر
〃	〃	〃	احمد صنبل
			محمد خلیفه
			حسن صنبل
			اسمعیل بیکی
			حقی بیکی
خادمی رکاب اصلی درزی دربار حضرت سکرد			عبدالله افندی
خادمی رکاب اصلی نای علمدار اطلق حضرتلری			عزیز افندی
سفره صی بیکی کتابه جمله			چهارم شرد خزینه
دو قنوز علی حسین افندی			
رزنامچه کای صی سبابت خزینه خاصه			حقی بیکی

پولیس دون عمومیه		مصطفی مجیدی	پنجم شیرخورشید
معدون اوطاق	رحمه کمرک	سیدرزاق	چهارم شیرخورشید
مستخدم اداره	تفنگدار باشی	هاشم افندی (ملازم)	پنجم شیرخورشید
		عزیز افندی	پنجم شیرخورشید
		ابراهیم افندی	
		بکر افندی	
		رحیم افندی	
		علی افندی	
(ملازم اوّل ملوک سقورط)		محمد افندی	
		مصطفی افندی	
		زبیر افندی	
ذوات رشتان معلّمیت سنیه		صبیح البانی	
		مصطفی افندی	چهارم
		محمد افندی	پنجم
		محمد افندی	پنجم
		محمد صدیق	پنجم

١٤		
حمامی اعلیحضرت سلطان	حسن اغا	در حه پنجم شرد نمودشه
قهوه جی حافظ	مصطفی اغا	
کاتب دایور غزاتین	خیرالدین افندی	
〃 〃	(ملازم اول) کامی افندی	
〃 〃	شمنلی بخری افندی	
	فؤاد افندی	
〃 〃	جمال افندی	
	چرچی ملازم مصطفی افندی	
〃		
〃 〃	ملازم سلاح انداز حمدی افندی	
〃		
	سامی افندی	
〃	(ملازم سوزکچی) بهاء الدین افندی	
〃	(سلم) رضا بن	
〃	ثانی رفعت افندی	
〃	عبدالله افندی	
〃	مصطفی افندی	

۱۵

مستخدم دایره غزالدین	عمر افندی	پنجم شعبه دهم رشته
〃	امام محمد افندی	
〃	جراح صبری افندی	
〃	مامور تزکیه عفت افندی	
〃	سفره جی باشی حیدر افندی	
〃	(مدرم) عثمان افندی	
مدیر امور مخابرات باشکاتب	عاکف افندی	
ادارهٔ قدار تشریفات عمومیه	صادق افندی	
	احمد آغا	
مستخدم ادارهٔ باشکاتب	علی آغا	
〃 〃	حسن آغا	
ارسوالی مأمور رکاب (سنیت ثانیه)	عاصم بک	پنجم
〃	محمد افندی	پنجم

۱۶

ارنوارد های فرقه مورمنک (چاووش) عودون جمعیه افندی مدال طلا

محمد نجیب افندی

حقی افندی

مصطفی موزیشن

حبری محل

حیدر افندی

مظهر افندی

شاهی افندی

احمد محسن افندی

محمد سالم افندی

عرب جمعیه افندی

اوسته منقولی

قرادل کسیک قصر شاه ایولنه شبان اغا مدال طلا

" اوهم اغا مدال طلا

" حسن اغا مدال طلا

" "

۳۷

مدال

صالح آغا مدال

علی آغا مدال

حسین آغا مدال

عثمان فندی

ابراہیم بیگ

کاظم بیگ

عمر بیگ

مرّت شکری بیگ

شکری بیگ

عبداللہ بیگ

علی بیگ

حسن بیگ

محمد بیگ

قہوہ جی دربار ہمایونی

آرتھنچی ان علی حسن بیگ دردائرہ مراسم

آرتھنچی ان علی حسن بیگ دردائرہ مراسم

خزینہ خاصہ ہمایونی

متعلم دائرہ صدارت	(بے زبان)	حسین آغا	مدال طلا
" دائرہ صدارت	(بے زبان)	مصطفیٰ آغا	مدال طلا
"	(بے زبان)	حسن آغا	مدال طلا
"		قدری آغا	مدال طلا
	بے زبان	رفعت آغا	مدال نقرہ
"	بے زبان	مصطفیٰ آغا	مدال نقرہ
"	بے زبان	غنی آغا	مدال نقرہ
"	بے زبان	مصطفیٰ آغا	مدال نقرہ

متعلم خزینہ خاصہ ہمایونی	رشید بیگ	مدال
"	جلال بیگ	مدال
"	حافظ غالب بیگ	مدال
"	محسن ناجی بیگ	مدال
"	ضیاء بیگ	مدال
"	عونی بیگ	مدال
"	سلیمان بیگ	مدال

خزینه خزینه خاصه های دولتی	عبدالله بیک	۱۰ ال
	نوری بیک	
	همدم بیک	
	غالب بیک	
	محمد بیک	
	سکرتر بیک	
	اسمعیل بیک	نزل داده شد
	محمد نوری بیک	
	بهاء الدین بیک	
	مختار بیک	
	ایلی بیک	
	عیسی بیک	
	حقی نجیب بیک	
	عزت بیک	
	سالم بیک	

خدا خزینه خاصه باکیش ها احمد بکی مدالی

زینبی بکی

حسن بکی

شفیق بکی

صادق بکی

اسمعیل حقی بکی

کشیک سرای یلدز باکیش ها قطمیر ندا خزنه دار

لوی اماری رشه ای

چمشگر کاری مصطفی اغا

درنیده لی حلمی اغا

زنبرلی حاجی ابراهیم اغا

چمشگر کاری مکی مصطفی اغا

زنبرلی محمد اغا

قوآرص ماهی — در بار ماهیسی — مصطفی نوری آقا — مدال — نشان وان شه
شعه انجی دائره مراسم ماهیسی — محمد شمس آقا — مدال — نشان وان شه
مستند م قصر جه سلطنت — صالح یکی
شعبان فهمی
رضا فهمی
طاهر یکی
کاتب ماکف یکی
ضم عباقه سی
ارلی دار دائره مراسم — ضمه — احمد یکی
عمر آغا
رازی یکی
حاجی قرماکی آهی
امین آقا
درویش آقا
حقی آقا

مستخدم ادارهٔ خانهٔ پادشاهی — یانی — مدال

نذرف
نعوتلی
دیمتری
قطلی
نوریکی
خرستو
دیکر قوستلی

ارضروم ادارهٔ خانهٔ سلطانی — حسن آقا
حسن آقا
ارامیم توفت
مصطفی
محی
ارامیم بلکر
محمود آقا

ادارهٔ خانه	سفره حی نعمان	حاجیه شیرو خواهرش
	نظمی کی	مدال
	حاجی محمد آقا	
	حافظ مصطفی آقا	
	حاجی حسن آقا	
	حسن آقا	
	علی آقا	
	امین آقا	
	عمر آقا	
	محمد آقا	
	حاجی علی آقا	
	حسنی آقا	
	محمد آقا	
زرتخی	پاشا	حسن افندی
		محمد افندی
		حافظ عمر

مزرع تشنه اسدیس	محمد افندی	مدال نقره
حدیقه دوازدهم کتاب عثمانی	حاجی عمر آقا	مدال نقره
الیه	اسمعیل آقا	مدال طلا
الیه	علیرضا آقا	مدال نقره
تاریخی اسلحه بالتی	حقی افندی	مدال
	احمد فتحی	مدال
	نایف امین	مدال
	احمد آقا	مدال
حدیقه صحیه عاسه	ابراهیم آقا	مدال
	محمد امین	مدال
	ادهم آقا	مدال
	احمد آقا	
	اسعد آقا	مدال
	عسکری آقا	مدال
	ابراهیم آقا	مدال
	حسین آقا	مدال

خدیجه سلطان خانم	عبدالله آقا	مدال
	کوچک عبدالله آقا	
	نسیب آقا	
	محمد علی آقا	
	هاشم آقا	
	عبدالعزیز آقا	
	ابراهیم آقا	
خدیجه	فاطمه	
	ابن آقا	
	محمد افندی	
	محمود آقا	
	حسن آقا	
	رحیم آقا	
	یوسف آقا	
	خالد آقا	
	صابر آقا	
	احمد آقا	
ارزوم چی	علی آقا	

حدیقه اصطبلی عالیه	ارامچی	محسن آقا مدال
		صادق آقا مدال
	کالکه چی	حسنعلی آقا
		حسین آقا
		علی آقا
		محمود آقا
شکرخانه بیک حسنی پاشاهی		ارانی احمد افشین
"		ارانی مهرآفرین
"		ارانی مهرافشین
درطاووس خانه نقشه لک	ارمنیتی ۷	عمر مصطفی قطمانی
پرلس درون عمومیه	مصطفی افشین	مدال طلا
"	بدل افشین	مدال طلا
کرمیر حمله	مصطفی افشین	مدال طلا
درچادشان معیت سنیه درخدمت تشریفات		محمد عاصم مدال طلا
نزکره لتاب طرفان شاه		فتاح آقا مدال طلا
لعم لعمد عمل ، شت		حاجی محمد آقا مدال طلا

لعم رحمتاب شاکر بیگ	حسین آقا	مدال طلا
لعم رحمتاب سلیمان بیگ	صحاب آقا	مدال طلا
از تفنگداران اعلیحضرت سلطانی	عمر لطفی	
〃 〃	سلیمان لعم	
〃 〃	قائم ابراهیم	
〃 〃	عبدالله علی	

برای تزئین چادرشان با بیرق‌های ۱۹۰ مدد مدال

احوال علیحضرت سلطان (مرد)	کمالات حسنی شاه	درجه اول نشان خورشید
رئیس لوازمات ارکان حرب دیوان	حاجی شاه	
کومندان فوج توپچی در رکاب همایون	فؤاد شاه	درجه اول، حمایل قرمز
(فرنچ)	احمد شاه	درجه اول
کومندان فوج ساده ارکان حرب دیوان	ناصر شاه	درجه اول
کومندان فوج توپچی ارکان حرب دیوان	طلعت شاه	درجه اول
کومندان ردیف	حسن شاه	درجه اول
صاحب منصب فوج سواره حضور مصطفی	محمود شاه	درجه اول، حمایل قرمز
" " پیاده " "	ایچی شاه	" قرمز
حکمای دیوان حرب (مرد)	لقمان شاه	" قرمز
(فرنچ) ردیف	ترکمان شاه	" حمایل قرمز
صاحب دیوان حرب	حکمای ترک	نشان خورشید

کره مزان رشته مدرسه دولتی	اورنر	محمد علی بهائی	درصه اعلی جهای قرمز
کاتب اداره جریده ارکان حرب	"	حسین فهمی	درصه سیم
کاتب لوازمات اردو	"	مصطفی آلپ	درصه سیم
اجودان باشی مقام منیف	(بیکباشی)	حسن بکی	درصه سیم
الحاقی اجودان	(ملازم اولی)	احمد فهمی	جهارم
"	(ملازم)	مصطفی بکی	جهارم
حسابات اوقاف دولتی	اورنر	توفیق بکی	جهارم
از اشراف همدم	"	نظمی بکی	سیم
"	"	سرتاک بکی	سیم
مدیر جریده قره اغاج	حاجی اغوب فهمی		سیم شرف خورشه
مدیر مکتب جمیع	اورنر	رضا بکی	سیم
از اشراف		مصطفی بکی	سیم

پشمدست باشی درز حارصه عثمانی	حسین آ	پنجم شرد خورشه
کوسیر دولس در ارکی حارصه عثمانی	علیرضا افغانی	پنجم شیر خورشید

وزارت عدلیه

رئیس دوم تجارت بحریه	عابدین افغانی	سیم شرد خورشه
اعضاء محکمه تجارت	استیان افغانی	چهارم شرد خورشه
اعضاء ثانی تجارت	عثمان سکی	چهارم
اعضاء اولی	جلال سکی	چهارم
اعضاء ثانی	قالیارکی	چهارم
رئیس محکمه جزا	عاکف سکی	دوم شرد خورشه
مدیر امور حقوقیه	ابراهیم سکی	سیم شرد خورشه
مدیر نفوس	احسان سکی	
کوسیر اولی سفارتخانه	حسین افغانی	
کوسیر اولی مرکز	خورشه افغانی	
کوسیر ثانی وزارت نافعه	عثمان افغانی	

کومیسر ثانی نورعثمانیه — عبدالغنی

مُفتش دردنیه — سعید بیگ

کومیسر ثالث (قائم مقام) — حسن افندی

دوکتور یحیی بک ارنائوط (قول اغاسی) — چهارم شرف درجه

(بیمارستان رحمانیه)

ارزاق عمومیه دائره سی (بیکباشی) صالح بک

" ریاض بک

" محمود بک

محمد علی بک دوکتور ارنائوط طبیب مریضخانه مخلطه

مرکز قلیه (دیوان ایران) حسن بک

معاون والی آطه سعدتلو نصری بیگ

معاون اداره سی یاور حرب سلطان بیر والی آطه

نظمی بیگ بیر دفتردار ولایت آطه

سیوجه بیگ کاریردار دولت علیه در آطه

ترجمان کاریردار سکنه رحمانیه

سهم شرف درجه سی

پنجم شرف درجه سی

درجه چهارم شرف درجه سی

درجه سیم شرف درجه سی

درجه ثانیه شرف درجه سی

درجه اولی شرف درجه سی

چهارم شرف درجه سی — میرزا احمد ترجمان کاریردار پنجم

شمارهٔ سند: ۸۹۶/۱

موضوع: خرید پوست

نمره: ٤٧

تاریخ: ۲۷ شعبان ۱۳۱۹ هـ. ق

کارتن: ٤٠

پرونده: ۹

تلگراف مظفرالدین شاه به ارفع‌الدوله

ارفع‌الدوله، یک پوست لوطر و یا کاستور* در اسلامبول از دست مسلمان خریده بفرستد. امضا: مظفرالدین شاه

* به معنی: سگ آبی.

مقدمہ ثانیہ

رفع الدولہ

کمیونسٹ گورنمنٹ کا دستور

در ہندوستان در دست تشکیل

شمارهٔ سند: ۸۹۶/۲
موضوع: خرید پوست لوطر
نمره: ٤٧
تاریخ: ۲۰ رمضان ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ٤٠
پرونده: ۹

نامهٔ ارفع‌الدوله به مظفرالدین شاه به وسیله وزارت خارجه

برحسب امر تلگرافی می بایست یک جلد لوطر از دست مسلمانی خریده بفرستم. از دو هفته به این طرف هرچه آدم فرستادم تمام اسلامبول را گشتند، پیدا نکردند به واسطهٔ اینکه هوای اینجاها چندان سرد نمی باشد این طرفها معمول نیست، با وجود این مواظبت خواهد شد که از مسلمانی خریده شود و اگر انشاءالله تعالی پیدا کردم، با چاپار آتیه ایفاد خواهم کرد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
بسیار خوب

۱۳۱۹
۲۰ شهر رمضان
نمره ۴۷

جناب اجل مکرم فخامت شعار عمدة لوطرازان دست مساعی حمیده نظر تتم ارده نهضت ها مظفر

هرچه تمام و استقرار تام سعی و کوشش در رابطه با نگه هوای ما جنان سرزمین انظر فهای بیمثلت

با وجود امن مرغوب خواهش در رسیدن خرمن بخت اگر ان شاء الله تعالی پیدا کنیم

بقیه انشاء خواهم کرد

شمارهٔ سند: ۸۹۷/۱
موضوع: بعضی از اشیای خریداری شده مظفرالدین شاه
نمره: ۳۹
تاریخ: ۲۰ رمضان ۱۳۱۹ هـ.ق
کارتن: ٤٠
پرونده: ۹

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت امور خارجه

برحسب امر قدر قدر اعلی حضرت اقدس همایونی ارواحنافداه که مقرر فرموده بودند مرغ پاپاغان که حرف بزند ابتیاع کرده بفرستد، چون در اسلامبول کمیاب بود و در مصر خیلی فراوان و ممتازش هست، نوشتم خریده بفرستند بعد از وصول به وسیلهٔ سریعه ایفاد خواهم داشت، ولی عربی حرف خواهد زد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
خیلی خوب

صحیفه

۲۰ شهریور ۱۳۱۹
ل ۳۹

رجب ادر قدر قدر علیحضرت اقدس ها یونی ارواحنا فداه تصدق نامه نمره ۳۹ ناما عان

حرف زنه ابتیاع کرده بفرسته چون در اینجا کم یاب بود و در مصر خیلی وارد

محمد رشید است نوشتم حواله بفرستند بعد از قضیه بوسیله سریعه السفاره خواهم داشت

دلاغ با حرف خواهد رفت

شمارهٔ سند: ۸۹۷/۲
موضوع: خرید مرغ پاپاغان
تاریخ: ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۴۰
پرونده: ۹

نامهٔ مظفرالدین شاه به مشیرالدوله وزیر خارجه

مشیرالدوله، به علاءالملک تلگراف نمایید وقت آمدن قدری عطر گل اعلا و یک زوج پاپاغان که مرغی است از نوع طوطی به اتفاق بیاورد. امضا: مظفرالدین شاه.

مشیرالدوله بعلاءالملک تلگراف نمایید وقت آمدن
قدری عطر گل اعلا دیگر زوج پاپاغان که مرغی از
نوع طوطی باتفاق بیاورد

شمارهٔ سند: ۸۹۸
موضوع: اوضاع عثمانی و حالت صحت سلطان مراد پنجم
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۱۹. ق)
کارتن: ۱۸
پرونده: ۳٤/۱۳

ترجمه‌ای نقل از روزنامهٔ عثمانی که در فولکتون که واقع در شهر انگلیس است چاپ شده است

از قراری که روزنامجات اسلامبول می‌نویسند قبیلهٔ وحشی که در ولایت بصره ساکن هستند این اوقات به آستان حضرت شهریاری ملتجی شدند، و از قرار اخباری که به اداره رسیده است مبارک الصباح شیخ کویت با ابن‌الرشید که در نجد ساکن هستند، احتمال کلی دارد که امروزه فی مابین آنها نزاع و مقاتلهٔ عظیمی بشود از هر دو طرف قریب سی هزار نفر عرب جمع شده است سلطان حمید به ابن‌الرشید چهار عراده طوپ [توپ] فرستاده است و نیز وعده نموده است که چهار پنج نفر دختر به رسم هدیه بفرستند.

در چندی قبل از اعضای مجلس شورا و داماد حضرت صدارت شکری بیک به عنوان سیاحت پاریس آمده بود بعد معلوم شد که بعضی اشخاصی که در پاریس هستند برای اقناع به معاودت دادن آنها به اسلامبول آمده بودند، از قراری که کسان شکری بیک در پاریس به اداره اطلاع دادند که‌امروزها شکری بیک را باز با مأموریت سابقه به پاریس خواهند فرستاد.

ما مقصودمان را با روزنامه و عریضه‌جات مکرراً به پادشاهمان بیان کردیم، لهذا لازم به فرستادن این جور مأمورین نیست. و از روی دوستی به شکری بیک اظهار می‌داریم که بی‌جهت خودش را به زحمت نینداخته و گرفتار تلاطم دریای مانش نشوند و وجود عزیز خودشان را در این موقع زمستان محفوظ بدارند و برای گرفتن یک امتیاز معدن از عبدالحمید در اسلامبول هم کار پیدا می‌شود.

حالت صحت سلطان مراد پنجم

سلطان مراد در صورت ظاهر و رسمی، ناخوش و علیل است ولی بیست پنج سال

این قسم اسیر بودن عمر خود را در نهایت صحت عافیت گذرانده است و اگرچه این حبس بودن به خودشان یک حالت بی‌فکر و بی‌قیدی دست داده است، ولی از قراری که فهمیدیم روز خلاصی ایشان نزدیک است.

و اگرچه وضع یومیه و احوال دایمی اسلامبول به قسمی است که احتمال کلی دارد یک حادثه و اغتشاش ناگهانی، بشود و در باب ناخوشی سلطان مراد آنچه ما بیان نمودیم از جانب دفتر قابینه [کابینه] ادارهٔ مطبوعات اظهار تکذیب نمودند و این اظهار تکذیب موجب خوشوقتی اسلامبولی ها شده است.

ترجمهٔ اقتباس از روزنامهٔ عثمانی که در قونسلگری کل واقع در شهر انگلیس است چاپ شده است

از قراریکه روزنامجات اخبار میدهند قبودختی که در ولایت بصره ساکن هستند این اوقات به آستان حضرت تهمتنی ملتجی شده اند و از قرار اخباریکه به اداره رسیده است عبارت از اصناف تنگه

باین ترتیب که در بصره ساکن هستند احتمال کلی دارد که امروز فیمابین اتباع دولتین عظیمتین بوده از هر دو طرف قریب سی هزار نفر عرب جمع شده است سلطان حمید باین ترتیب چهار عراده توپ

فرستاده است و نیز وعده نموده است که چهار نفر دیگر هم به بصره بفرستد .

در چندی قبل از اعضای مجلس شورا و دامادحضرت صدارت پناهی بعنوان سیاحت پاریس آمده بود فعلا معلوم شد که بعضی اشخاص که در پاریس هستند برای اقناع به مصاحبت دادن اشخاص به اسلامبول

آمده بودند از قراریکه گفته اند در پاریس به اداره اطلاع داده بودند که امروز یا فردا شخص مزبور را با یا چند نفر مامورین سابقه به پاریس خواهند فرستاد

ما مقصودمان را با روزنامه دیگر مکرراً به یادداشت بیان کردیم لهذا لازم نفرمودن این خبر ماموریتی است . و از روی روش تنگه

با جهت خودش به زحمت نیفتاده و کرفار تعدیم در پاریس خانش نشده و وجود عزیز خودشان را در این موقع زمستان محفوظ میدارند و بهای کرفتن تنگه امتیاز معدن از عهده الحمید

در اسلامبول هم کار پیدا میکنند .

« حالت صحت سلطان مراد پنجم »

سلطان مراد در صورت ظاهر وضعی ناخوش و علیل است و باب تخیل این قسم ایرادات عمر خود را در نهایت صحت عافیت کذرانیده است و اکرچه این حس بوده به خودشان

یک حالت بافکر و با قدرت داده است و از قراریکه فهمیدیم روز خلعش ایشان نزدیک است .

و اکرچه وضع یومیه و احوال داخلی اسلامبول به قسمیست که احتمال کلی دارد یک حادثه و غشش ناکهانی نبود و در باب ناخوشی سلطان مراد آنچه ما بیان نمودیم از جانب

دفتر قابنیه اداره مطبوعات اظهار تکذیب نمودند و این اظهار تکذیب موجب خوشوقتی اسلامبولیان است

شمارهٔ سند: ۸۹۹
موضوع: در خصوص نشان به صاحب‌منصبان عثمانی
نمره: ۱۰۱۱
تاریخ: ۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ هـ. ق
کارتن: ۷
پرونده: ۱۲

سواد کاغذ وزارت خارجه به سفارت پطرزبورغ

در موقع عزیمت شما به پطرزبورغ چند قطعه نشان که متعلق به صاحب‌منصبان عثمانی و حاضر بود، عوض نشانهایی که جناب اشرف پرنس ارفع‌الدوله دام اقباله در حق صاحب‌منصبان روس استدعا کرده بود و اعطا شد، شما بردید بعد هم که نشانهای صاحب‌منصبان روس حاضر شد برای آن‌جناب ارسال گردید و حالا از آن نشانها که متعلق به صاحب‌منصبان عثمانی و نزد آن‌جناب مانده است به تفصیل ذیل:

درجهٔ‌دویم‌شیروخورشید	درجهٔ سیم	درجهٔ چهارم	درجهٔ پنجم	دو عدد صلح
دو دست	سه قطعه	قطعه	قطعه	

باید به سفارت کبری اسلامبول فرستاده شود معلوم است مستقیماً به سفارت آنجا خواهند فرستاد.

نصراله مشیرالدوله

۱۰۱۱

سواد مکاتبه در باره تصدیق نظر اربع

۱۳۲۰

احمد ۱۱۱۷

در موقع عزیمت ۲ به نظر ربع حبه قطعه ۲ ل رئیس تصدیق عثمانی دعا نمود عوض نشانی که داشت

نشان ارفع الهدیه وام حبه در حق صاحب تصدیق روس که کارکنان بود عطا شد ۲ کپی الحاقیه

صاحب تصدیق مزبور حاضر شده کفالتی از یک کلمه دعا در آن شهر و تعیق تصدیق تصدیق عثمانی دیگر

تصدیق نظر

درجه حادم درجه دوم درجه سوم درجه چهارم درجه پنجم

تحریرات سه قطعه قطعه قطعه

۱۰ لغارت کری اسلحه مملکت و سایه بود معلوم مقصد تصدیق کاخ اس و شاهی نصر الله مراد

شمارهٔ سند: ۹۰۰
موضوع: گزارش ارتباط سفارت با سلطان و دولت عثمانی و تشریفات مربوطه
نمره: ۳۵۸
تاریخ: ١٤ ذی‌حجه ۱۳۲۰ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۱

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

اعلی‌حضرت سلطان چندی قبل که شنیدند بنده وجع* روماتیزم دارم پارچهٔ که در فابریک خودشان به جهت درد روماتیزم تنسیج فرموده‌اند چند روز قبل خیاط مخصوص خودشان را به توسط یک نفر از پیشخدمتهای خاصه فرستاده، بعد از تبلیغ سلام شاهانه پارچه مزبور را که دو ثوب** جلاقه برای بنده اندازه گرفته برده دو سه روز بعد باز به توسط یک نفر پیشخدمت مخصوص به سفارت کبری فرستاده احوال‌پرسی فرمودند، بنده هم به طوری که لازم بود مراسم تشکر را به عمل آوردم. چند روز قبل هم جناب ابراهیم بیک وزیر تشریفات رقعه فرستاده برای شب شنبه سیم ذی‌قعده از طرف اعلی‌حضرت سلطان برای شام این بنده و جناب صفا ممالک و منیع‌السلطنه را دعوت کرده شب مزبور با لباس نیم‌رسمی به سرای رفته پس از صرف شیرینی و شام با جناب فریدپاشای صدراعظم جدید و ابراهیم بیک وزیر تشریفات بنده را تنها احضار فرموده بعد از اظهار مراسم التفات و مهربانی از سلامت ذات خجسته صفات بندگان اعلی‌حضرت اقدس همایونی ارواحنافداه استفسار، بنده هم به عرض مژده سلامت و عافیت وجود مسعود همایونی مفاخرت و مباهات ورزیدم بعد به تیاتر مخصوص خودشان برده در اول ورود به اطاق تیاتر احتراماً سر پا ایستاده مقرر داشتند مارش ایرانی زدند و فرمودند که سپرده‌ام این مارش را خیلی زود و خوب یاد بگیرند که خیلی دوست می‌دارم، بعد جلوس فرمودند در حضور خودشان بنده و صدراعظم و ابراهیم بیک نشسته بودیم، جناب صفاءالممالک و منیع‌السلطنه هم در لوژ دیگر نشسته بودند پس از ختام تیاتر که اعلی‌حضرت سلطان پا

* به معنی: درد، بیماری، رنجوری
** به معنی: جامه، پوشاک، لباس

شدند و خواستم مرخصی حاصل نمایم فرمودند که سلام و ادعیه خالصانه مرا به حضور اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی ابلاغ و از طرف من مخصوصاً از حضرت اشرف اتابیک اعظم احوالپرسی نمایید بنده نیز باز مراسم تشکرات را ایفا کرده و مرخص شدم. هنگام مراجعت به سفارت دو نفر از یاورهای سلطانی هم برای احترام ترفیق نموده تا سفارت کبرای رسانیدند بنده هم به آنها انعام داده برگردانیدم و همان شب سلام اعلی حضرت سلطان را تلگرافاً عرض کردم دعوتنامهٔ وزیر تشریفات* را هم اینک لفاً ارسال می دارم که از لحاظ انورعالی بگذرد به جهت استحضار خاطر مسعود مبارک عالی عرض شد.

اثر مهر پرنس ارفع الدوله

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

جناب اشرف اتابک اعظم از اینکه ارفع الدوله تحصیل کافی و تربیت شده است شکی نیست و جوابی که لازم است بنویسید که او هم اقدام به جوابی که باید به اعلی حضرت سلطان ابلاغ نماید و از خدمات ارفع الدوله هم تمجید شود.

امضا: مظفرالدین شاه

* برگ دعوتنامه به زبان فرانسه ضمیمهٔ سند است.

۱۴ شهر فرخ یکم ۱۳۲۰

(۲۵۸)

اعلیحضرت سلطان خیلی تلگراف شنبه نامبرده وصل روما[illegible]

خوشان بچه درد رو ما[illegible] تنسیج فرمایند از چه روز تبیخ طاقدیس خوشان زاد ترتیط میشود

از منجه تهای فرمایند فرقه لدوز تبیع سلدوس شاه نه پارچه مزبور را[illegible] ترتیب جلدقه بعضی نبه

بهمه هر سه روز بهه بار ترتیط میشود منجه ست تخصص سنب رنگبز فرقه اموال پرس فرمایند نبه

بطوریکه لدوز بهه مراسم تشکر را بعمل آوردیم چه روز قهرمان جنب ایرام بهک

رقه فرقه بعضی شب نبه یم فرقه از طرف اعلیحضرت سلطان برای شام

وجنب صفا رممالک وینج السلطه را دعوت کهه شب مزبور بانس یم

برای رقه پس از صرف شربتی وشام با جنب فرید پاشای صهدر اعظم صبه

وزیر تشریفات بنده را تنها احضار فرمایند صدور اظهار مراسم التفات وجهانی

از سلدست دولت فخیمه صفات شاهانه اعلیحضرت اقدس ایران ما ارزانی فرمایند

اظهار بنده م بعرض شهه سلدست رسانیدم وجوکسوه ایران ما مفاخرت وسباهات

بهه به تیتر مخصوص خوشان بهه در اول درهه با طاق تیاتر با حضور ما[illegible]

مقرر داشته مارش ایران ما زدند وفرمانده در پرهه ام ایران مارش را[illegible]

یادگیری ها[illegible] دوست میدارم بهه صوص فرمانده در مخصوص خوشان نبه وصبه اعظم

و ایرام بهک نشسته بودیم جنب صفا رممالک وینج السلطه در لژ دیگر

Palais Impérial de Tiflis. Le 31 Janvier 1903.
Cabinet du Grand Maître des Cérémonies

Chère Altesse

D'ordre de Sa Majesté Impériale j'ai l'honneur d'informer Votre Altesse qu'Elle est priée de venir ce Samedi soir à 12 heures à la Cour, au Palais Impérial de Yelaguj, en compagnie de Monsieur le Premier Etat-major de Son Ambassade et d'une autre personne de Sa Suite pour dîner et pour être reçue après par Mon Auguste Souverain en Audience privée. En réponse

Veuillez agréer, Chère Altesse, l'assurance de ma haute et parfaite considération.

K. Stahlberg

شمارهٔ سند: ۹۰۱
موضوع: تلگراف ولیعهد در رفتن والی
تاریخ: جمادی‌الثانی ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۳۲
پرونده: ۱۷

دستخط مظفرالدین شاه به صدراعظم

هو

جناب اشرف اتابک اعظم تلگراف ولیعهد را ملاحظه کرده رفتن والی عیبی ندارد البته قدغن بکنید والی برود بلکه زودتر این عمل فیصل بگیرد خلاص شویم، تلگراف ولیعهد که در جواب تلگراف من داده بود عرض شد به توسط وکیل‌الدوله فرستاده، البته ملاحظه کرده‌اید. جمادی‌الثانی ۱۳۲۱

مظفر الدین شاه
السلطان

شمارهٔ سند: ۹۰۲
موضوع: افطاری دادن به جمعی از وکلای عثمانی در ماه مبارک رمضان
نمره: ۵٦۷
تاریخ: غره شوال ۱۳۲۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۱

نامهٔ سفارت کبری ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

به مناسبت جهت جامعهٔ اسلامیت چون لازم بود که در این ماه مبارک رمضان به وکلای عثمانی در سفارت کبری افطاری داده شود.

لهذا در این موقع که جناب مستطاب اجل آقای مدیرالدوله و آقای امین خاقان و افخم السلطنه در اینجا بودند، موقع را مغتنم دانسته شب ۲۱ رمضان افطار مفصلی در سفارت کبری ترتیب دادم، از معتبرین وکلای عثمانی، طرخان پاشا میهمان‌دار بندگان اعلی حضرت اقدس همایونی و ضیاء پاشا وزیر دفتر املاک و شمس الدین بیک سفیرکبیر عثمانی مقیم دارالخلافهٔ طهران را با جمعی از اجزاء محترمین وزارت خارجه که از آن جمله حقی بیک و گابریل افندی مشاورین حقوق که سفارت کبری در تسویهٔ اکثر امورات همیشه با آنها طرف رجوع بوده و اظهار مراسم خصوصیت و جلب خواطر مومی الیهما در هر حال لازم است، برای صرف افطار به سفارت کبری دعوت نموده در زیر سایهٔ بلند پایهٔ بندگان اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنافداه سفرهٔ ترتیب داده شده بود که وکلای عثمانی تماماً گفتند که تا حال همچو سفره مجللی ندیده بودند، دو ساعت تمام سر سفره نشسته بعد به سالون پذیرایی گذشته تا قریب نصف شب گذشته آن وقت همگی با خاطر خوش و امتنان کامل رفتند، چون تفصیل این میهمانی را روزنامه های اسلامبول نوشته بودند، لهذا روزنامه ها را لفاً ارسال داشتم که از لحاظ انور بندگان جناب مستطاب اجل اکرم افخم عالی دام اجلاله المتعالی بگذرند.

محل مهر: پرنس ارفع الدوله

غره شهر شوال المعظم ۱۳۲۱

نمره ۵۶۷

بمناسبت جهة جامعة السلطنة چون لازم بود که درین ماه مبارک رمضان بوکلای عثمانی
در سفره بکبری افطاری داده شود لهذا درینوقع که جناب مستطاب اجلی آقای مدیر الدوله
و آقای امین خاقان و افخم السلطنه درینجا بودند موقع را مغتنم دانسته شب ۲۱ رمضان
افطار مفصلی در سفره بکبری ترتیب دادم از معتبرین وکلای عثمانی طرفان پاشا مهماندار
سفیر کبیر و کلای عثمانی مقیم دارالخلافه طهران را با جمعی از اعاظم محترمین دولت علیه
حقی بک و کابریل افندی مشاور دربار حقوق در سفره بکبری در توپه اکبر آباد دولت
همیشه با آنها طرف رجوع بوده و افتخار ریاست خدمت و جلب خواطر مرکز را
در هر حال لازم است برای صرف افطار سفره بکبری دعوت نموده در ساعت
بنده با یازده نفر از اعضاء سفارت عثمانی از دروازه شمیران سفره ترتیب داده شده بود
در وکلای عثمانی تماما کفشها در تالار پهلوی سفره جمعا گذارده بودند در ساعت ۷ سفره
بهم خورد سالون پذیرائی گذشته تا قریب نصف شب گذشته آنوقت همگی
با خاطر خوش و دهان کامی رفتند چون تفصیل این مهمانی را روزنامجات
نوشته بودند لهذا از روزنامجات را نقل ارسال داشتم در تالار طاق النور سه کالسکه
مستطاب اجلی اکرم افخم عالی مقام اصعد المتعالی مکدر شد

صدای — تنبیهات — ۲۹ رمضان ۱۳۲۱

دونکی جمعه کونی اخشامی ایران سفیر کبیری ارفع الدوله جناب اشرف پرنس میرزا رضا خان حضرتلری سرای همایون ملوکانه یه دعوت بیوریله‌رق افطار ایلدکدن صکره شایان بیوریلان مساعدهٔ سنیهٔ جناب پادشاهی اوزرینه صورت غیر رسمیه‌ده حضور شوکتموفور حضرت شهریاریده شرف مثوله نائل اولمشدر.

صدای — ایران سفارتخانه‌سنده افطار — ۲۹ رمضان ۱۳۲۱

ایران سفیر کبیری ارفع الدوله جناب اشرف پرنس میرزا رضا خان حضرتلری طرفندن دون اقشام جفال اوغلنده کائن سفارتخانه‌ده بر افطار ترتیب اولنه‌رق مذکور ضیافتده دفترخاقانی ناظری دولتلو ضیا پاشا، شورای دولت اعضاسندن دولتلو طرخان پاشا، طهران سفیری عطوفتلو شمس الدین بك افندی، خارجیه مکتوبجیسی عطوفتلو منیر بك افندی، باب عالی حقوق مشاوری عطوفتلو حقی بك افندی، شورای دولت اعضاسندن عطوفتلو مختار بك افندی، باب عالی حقوق مشاوری عطوفتلو قاپریل افندی حضراتی مدعواً حاضر بولندقلری کبی ایران اکابر مأمورینندن اولوب سفیر حضرتلرینك مسافری بولنان افخم السلطنه ومدبر الدوله حضرتلریله مخدومی وسفارت مستشاری وسفارت سر ترجمانی وسائر مأمورین سفارت حاضر بولنمشلردر.

شمارهٔ سند: ۹۰۳
موضوع: تلگرام تبریک سلطان عبدالحمید برای سالگرد تولد مظفرالدین شاه و پاسخ آن
تاریخ: ۷ سپتامبر ۱۹۰۳ م (۱۳۲۱ هـ. ق)
کارتن: ۲۳
پرونده: ٤۲

تلگراف سلطان عبدالحمید پادشاه عثمانی به مظفرالدین شاه و پاسخ متقابل آن

طهران از یلدیز: به اعلی حضرت شاه ایران

در موقع جشن سالیانهٔ مولود آن اعلی حضرت تبریکات صادقانهٔ خود را تقدیم می‌نماید و ادعیهٔ قلبی را برای سعادت آن اعلی حضرت تجدید می‌کند.

عبدالحمید

اعلی حضرت سلطان عثمانی ــ یلدز

از تبریکات آن اعلی حضرت در موقع جشن خود خیلی مسرور گردیدم و قلباً از آن اعلی حضرت تشکر نموده، تجدید دوستی قلبی خود را می‌نماید.

امضا: مظفرالدین

ADMINISTRATION TÉLÉGRAPHIQUE PERSANE

N° 951	Mots 21	Date 7	H. 10	M. 20	OPÉRATIONS Pucl.

Télégramme

Thrn. de Yildiz.

A Sa Majesté le Schah de Perse Teheran

A l'occasion de l'anniversaire de naissance de votre Majesté je tiens lui offrir mes sincères félicitations et renouvelle encore en cette circonstance mes vœux cordiaux pour son bonheur.

Abdul Hamid.

از یلدز

بعلیحضرت شاه ایران

در موقع جشن سالگرد تولد علیحضرت تبریکات صمیمانه خود را تقدیم مینماید

سلامت ذات علیحضرت میخواهد بآنچه

Reçu de ... le 7 Sept. 1903

برادرم

Sa Majesté le Sultan de Turquie

Profondément touché des sentiments
que Votre Majesté a bien voulu
me faire connaître à l'occasion de
ma fête, Je La remercie sincè-
rement, en même temps Elle
sera heureuse de lui répéter
les assurances de ma parfaite amitié

(sig) Mozaffareed-Dine

علیحضرت سلطان عثمانی

برادر

درجواب تبریکات آن علیحضرت در ترفع جشن خود خصوصی سرور کرده بودند
ازان علیحضرت تشکر نموده تبدیه سلامتی حضور اعلیحضرت
(نها) مظفرالدین

آرشیو وزارت امور خارجه
پرونده ۳۶۱
در تاریخ ۱۲۵۱
ثبت شد.

Lettre d'Abdul Medjid, Sultan de Turquie, à Nassered Dine Chah, lui offrant les insignes de l'Ordre Royal Ottoman.

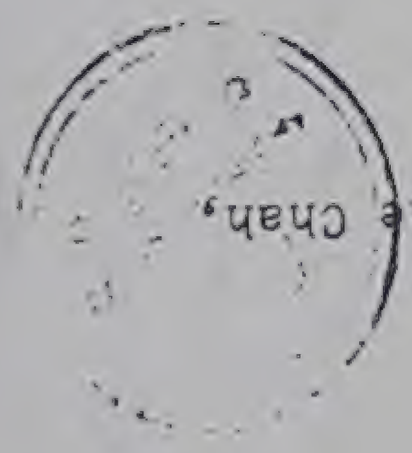

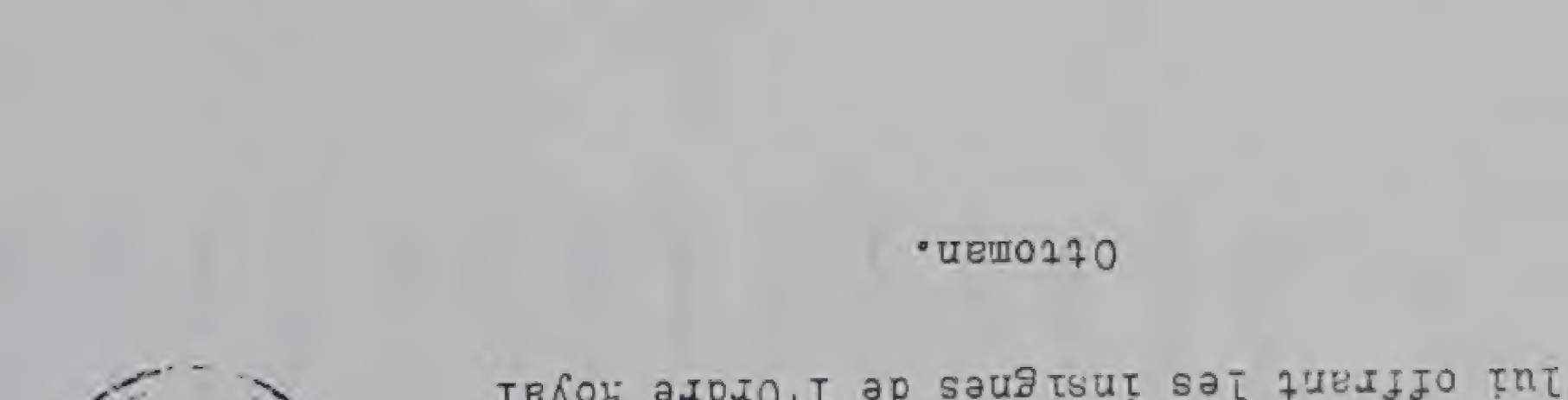

بمنعالی
جلالتلو برادری دولت بهیه ایرانیه دولتلو
آرشیو ○ خاقانلو سعادتلو ناصرالدینه شاه
حضرتلرینک صویه سعادتلرینه

۲۰۷

کلف دهم

آرشیو وزارت امور خارجه
بشماره ۳۶۱ در تاریخ ۱۲۵۱
ثبت شد.

شمارهٔ سند: ۹۰٤
موضوع: بی احترامی به خلیفهٔ ثانی
نمره: ٤۲٦-۱۳۲
تاریخ: ۲ ربیع الثانی ۱۳۲۲ هـ.ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۱

نامهٔ سفارت عثمانی در تهران به وزارت خارجه

جناب مستطاب اجل امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما محترما مهربانا، موافق شرحی که از باش شه‌بندر خوی و سلماس به سفارت کبریٰ رسیده موجب تأسف دوستدار گردیده که اهالی و اعیان ایران در آنجا به خلاف انسانیت و مدنیّت حرکتی کرده، شب نهم شهر ربیع الاول ۱۳۲۲ اسباب جشن برای خود فراهم کرده و عموماً دکاکین را بسته و به عیش و عشرت کوشیده و به یکدیگر تبریک و تهنیت گفته به صحرا رفته‌اند حتی اینکه اداره‌ها گمرک و پوسته و تلغراف [تلگراف] نیز اداره‌های خود را تعطیل و موافقت کرده‌اند این رفتار اهالی و اعیان آنجا نسبت به خلیفهٔ ثانی پیغمبر(ص) جالب نظر دقت اجانب در خاک دولتی دوست همدین همجوار گردیده و از طرف حکومت محلیه و کارگزار هم هیچ تدابیر ممنوعیه به حرکات مخالف اصول و عهودشکنانه آنها به عمل نیامده، لهذا دوستدار با کمال تأسف منتظر و خواهشمند است حکم اکید سریع در تنبیه و تأدیب مرتکبین که در این مسئله شریک و سهیم بوده‌اند و در حضور مأمور دولت علیهٔ عثمانیه ارتکاب به این اعمال و افعال وحشیانه که هیچ وقت امنای عظام دولتین علیتین منتظر نبوده کرده‌اند، شرف صدور یابد و جبران حرکات ناشایسته را نمایند و ترضیه خاطر باش شه‌بندر مومی الیه را به عمل آورند و از نتیجه دوستدار را مستحضر فرمایند، همواره احترامات فایقه را نسبت به آن جناب مستطاب اجل عالی تجدید می‌نماید، زیاده‌ازچه زحمت دهم.

[متن پشت پاکت نامهٔ مزبور:] نمرهٔ ۲۷۸

۷ شهر ربیع الثانی

یک فقره مراسلهٔ سفارت عثمانی است. از شرف‌عرض خاکپای فلک‌فرسای اقدس همایونی ارواحنافداه خواهد گذشت.

[حاشیه پاکت، دستخط مظفرالدین شاه:]

هو

وزیر اعظم البته در این مسئله قدغن سخت نمایید و تلگراف نمایید. مرتکبین را هم تنبیه نمایند. شهر ربیع‌الثانی ۱۳۲۲ امضا: مظفرالدین شاه

مجلس مبعوثان
دولت علیه عثمانیه

وزارت امور خارجه

۲۷۸

شمارهٔ سند: ۹۰۵/۱
موضوع: اعلان فوت سلطان مراد پاشا عثمانی
نمره: ۷۲۱-۱۹۶
تاریخ: ۱۸ جمادی‌الاخر ۱۳۲۲ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱

نامهٔ محمد شمس‌الدین سفیرکبیر عثمانی در ایران به وزیر امور خارجه

جناب مستطاب اجل امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا موافق تلگراف باب‌عالی که به تاریخ دیروز ۳۰ ماه اغتوس فرنگی می باشد امروز به سفارت کبری واصل شده است، پادشاه اسبق سلطان مراد که مدتها به معرض قندک مبتلا بوده است، ارتحال به دار بقا کرده است و این اتفاق برای اعلی‌حضرت قوی شوکت اقدس همایونی خلدالله ملکه و سلطانه اسباب حزن و تأثر گردیده و جنازهٔ سلطان معزی‌الیه برحسب ارادهٔ سنیه اعلی‌حضرت قوی شوکت همایونی در مقبرهٔ والده خودشان در جنب مسجد نیکی جامع دفن شده است و باب‌عالی دوستدار را مأمور فرموده‌اند که این وقایع مولمه را به اطلاع حکومت علیه ایران می رساند این است که بدین مختصر در مقام مزاحمت برآمده مأموریت خود را ادا می‌نماید و بدیهی است آن‌جناب مستطاب اجل عالی هم این واقعه را به سمع بندگان اعلی‌حضرت قوی‌شوکت اقدس همایونی دام ملکه و سلطانه خواهند رسانید، همواره احترامات فایقه را تجدید می‌نماید زیاده چه زحمت دهد. مهر محمد شمس‌الدین

دولت علیه عثمانیه

دارد

۲۱ سنه

۱۹۶ عدد

۱۸ شهر ربیع الاخر سنه ۱۳۲۲

شمارهٔ سند: ۹۰۵/۲
موضوع: اظهار تأسف دولت ایران از فوت سلطان مرادخان
نمرهٔ: ۹۹۷-۲۰۲
تاریخ: ٦ رجب ۱۳۲۲
کارتن: یک
پرونده: یک

سواد مراسلهٔ وزارت خارجه به سفارت عثمانی

محرم مراسلهٔ مورخهٔ ۱۸ جمادی‌الاخری ۱۳۲۲ نمرهٔ ۱۹٦ آن‌جناب دوستان استظهاری مشعر به ارتحال سلطان مرادخان به دار بقا و جوار رحمت ایزدی واصل دست تکریم گردیده، جواباً زحمت‌افزاست که کیفیت به اولین وسیله به عرض حضور مقدس بندگان اقدس همایونی خسروانه دامت سلطنه رسید و خاطر معدلت اثر ملوکانه به اقتضای اتحاد و یک‌جهتی دولتین علیتین اسلام از فقدان وجود معظم‌له از خاندان سلطنت سنیه عثمانیه قرین کمال تأسف گردیده، اسفی که درخور این حادثه بود در ضمن تسلیت و تعزیتی که اقتضا داشت، تلگرافاً به ذات خجستهٔ صفات اعلی حضرت قوی‌شوکت سلطانی دامت سلطنه مخابره و ابلاغ گردید و چون ملامت و افسردگی اولیای عظام این دولت علیه در حدوث این قبیل اتفاقات برای آن دولت اسلام از بدیهیات است تشریح تأسفات صمیمیه را که مستلزم تذکر این واقعه است، بیش از این سزاوار ندیده، تجدید احترامات فایقه خود می‌نماید. نصراله مشیرالدوله

۴۹۹۷
۲۰۲

۱۴۶۵

محرم مراسله مورخه ۱۸ جمادی الاولی ۱۳۲۲ (۱۹۰۶) انجناب [illegible] اظهاری شعر با رتسال عطای مراد جان مرا از قید جواب حمیت امیزی

واصی دست کریم کرد و مرا از زحمت افادت گفتیت با رهین و سیله غرض مقصد تقدیس نگاری امد بنی

خسروانه دولت سلطنه رسید و خاطر معدلت اثر ملوکانه فضای اکاه و تحهیز دیتی علیتین اسلام از صدمات

معلم و ارخامزان سلطنت سنیه همایونه فرهی کمال تاسف کردیه انفس و در خزانه حادثه نبود در حیرت

و تعزیت فضایل دولت تکدانه مرتبت محبته صولت الفرت فوزکت سلطانی دولت سلطنه

صاحب

صابره و ابلاغ کردیر و چنین مدلت و افسرد که اولیای عظام امور دولت سنیه در صدد تشت ای

اتفاقات رای امور دولت اسلام از بدیهیات است تشریح و تفاسیر صمیمه را مشغول نگر

این واقعه است پیش از ای تراود زمینه تجدد تهران است تا تقیه حد محاصره (صفحه ای)

سفارت سنیه عثمانی
شمارهٔ سند: ۹۰۶
موضوع: اظهار تأسف از فوت شاهزاده سپهسالار
تاریخ: ۲۳ ژانویهٔ ۱۹۰۵ (۱۳۲۳ هـ. ق)
کارتن: ۱
پرونده: ۱

ترجمهٔ نامهٔ سفیر عثمانی شمس الدین بیک به وزیر خارجه مشیرالدوله

جناب مشیرالدوله وزیر امور خارجه

آقای وزیر، از روی کمال افتخار از جناب شما خواهشمندم که از طرف من و سایر هم‌شغلهای من، یعنی وزرا و نمایندگان دول که مقیم طهران می‌باشند در حضور اعلی حضرت امپراطوری، تأسفات و تسلیت هیئت دیپلوماتیکی را در خصوص واقعهٔ حزن‌انگیز فوت حضرت اشرف شاهزادهٔ سپهسالار عرضه و اظهار دارید.

و از آن جناب خواهشمند است که احترامات فایقهٔ مرا قبول فرمایید.

شمس الدین

AMBASSADE IMPERIALE
OTTOMANE

№ 1169

Téhéran, le 23 Janvier 1905

Monsieur le Ministre,

J'ai l'honneur de venir prier Votre Excellence, en mon nom et au nom de mes Collègues, Messieurs les représentants des Puissances à Téhéran, de vouloir bien présenter à Sa Majesté Impériale le Chah les regrets et la condoléance du Corps Dyplomatique à la triste occasion de la mort de Son Altesse Impériale le Seyd-Salar.

Veuillez agréer, Monsieur le Ministre, l'assurance de ma très haute considération.

Chekroun

Son Excellence
Mouchir-el-Dewleh
Ministre des Affaires Etrangères

JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Kashmir Division - Srinagar

فصل ۳

اُمور کنسولی، اداری

JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Kashmir Division - Srinagar

شمارهٔ سند: ۹۰۷
موضوع: ناخشنودی از کار پرداز سلیمانیه
نمره: ۱۳۵
تاریخ: ۷ رجب ۱۳۱۵ هـ . ق
کارتن: ۳۰
پرونده: ۱٤/ق

گزارش علاءالملک از اسلامبول به وزارت خارجه

حسام‌الوزاره، کار پرداز سلیمانیه، هنوز به آنجا نرسیده بعضی حرکات خلاف قاعده از او سر می زند که بکلّی مخالف تکلیف مأموریتی او است، مثلاً کار پرداز کرکوک را که سابقاً عثمانی ها بودن مأمور را در آنجا قبول نمی‌کنند و در زمان جناب اجل آقای ناظم‌الدوله با زحمت زیاد مأمور به آنجا فرستاده شده است به حکومت محلیه نوشته تحت‌الحفظ به سلیمانیه خواسته و او را از کار خود بی مدخل کرده است و مشارالیه هم از ترس فرار نموده و از این فقرات به هیچ وجه به سفارت کبری اطلاعی نداده و استیذان نکرده است و حکومت محلیه هم تفصیل را به باب‌عالی نوشته است، باب‌عالی هم می‌خواست رسماً به سفارت کبری بنویسد، بنده خواهش کردم که در این باب تحریراً به سفارت چیزی ننویسند. این است که از جناب اجل‌عالی خواهش می‌نمایم آدم بقاعده و خوش‌سلوکی که تکلیف خود را در این موارد بداند تعیین نموده به بنده اطلاع بدهید که به سلیمانیه فرستاده شود و عرض می‌کنم هرگاه از باب‌عالی این فقره را رسماً به بنده نوشتند مجبور خواهم شد تلگراف کنم که او از سلیمانیه بیرون برود.

محمود

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
البته یک آدم دیگری برای مأموریت آنجا معین نمایید. امضا: مظفرالدین شاه

نمره ۱۳۱۵

نمره ۱۳۵

حکم احضاره کارپرداز سفارت فرانسه بمحکمه بدایت عدلیه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۹۰۸
موضوع: تعیین شه‌بندر برای بندرلنگه از طرف عثمانی
تاریخ: رمضان ۱۳۱۶ هـ. ق
کارتن: ۱۹
پرونده: ۳/ت

حکم عمدة‌الامراء العظام احمدخان دریابیگی

عمدة‌الامراء العظام احمدخان دریابیگی به عواطف بیکرانهٔ ملوکانه مباهی و مُعزّز بوده بداند، از قرار اظهار رسمی سفارت کبرای دولت علیهٔ عثمانیه به وزارت امور خارجهٔ این دولت علیهٔ عالی‌جاه عزت همراه محمدبیک از جانب دولت متبوعهٔ خود به سمت شهبندری مأمور به اقامت بندرلنگه است. آن عمدة‌الامراء العظام به اقتضای یگانگی و یک‌جهتی دولتین اسلام مشارالیه را با تشریفات مقتضیّه پذیرفته و به سمت مزبوره شناخته، در انجام اظهارات او موافق فصول عهود مقدسه بین‌الدولتین کمال مساعدت را به عمل آورده در عهده شناسد. شهر رمضان ۱۳۱۶ [پشت سند ممهور به مهر:] صدراعظم.
مشیرالدوله وزیر خارجه، نامه‌نگار شکرالله

دولت علیه
کبرای
نگار
از قرار اظهار رسمی

عمدة الامراء العظام احمد جان [illegible] کاپیتان [illegible] نموده

عثمانیه وزارت امور خارجه دولت علیه علیاحضرت شهریاری محمد پنجم از جانب دولت متبوعه خود [illegible] بهمی موفق است بدرلکه آن عمدة الامراء العظام

یکانگی
با قیصری
نظام

و یکجهتی دولتین اسلام مشارالیه را با شریعت مقدسه و سمت مزبوره شایسته در انجام اظهارات او موافق فصول عهود مقدسه من الله و تسکین کامل مساعد

۱۳۱۶
شهر رمضان
در عهدنامه
بعمل آورده
است

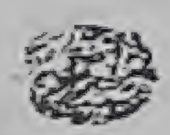

شمارهٔ سند: ۹۰۹
موضوع: صدور فرمان و حکم مأموریت
تاریخ: ۱۱ شوال ۱۳۱۶ هـ. ق
کارتن: ۳۵
پرونده:

نامهٔ منیف السلطنه به وزارت خارجه

هو

تصدقت حضور مبارکت شوم، برحسب امر مطاع مبارک تلگرافی با هزار زحمت و مشقّت در این هوای سرد و برف و بارش طُرق خود را دیروز سلامت به بغداد وارد شده سایر حالات پریشانی و صدمات و زحمات این چند ماه بر ضمیر مبارک واضح و آشکار و مستغنی از عرض و اظهار است. ولی حالا که وارد بغداد وجویا شده هنوز از باب‌عالی برات و فرمان مأموریت فدوی نرسیده، سهل است از دارالخلافه هم فرمان فدوی نرسیده است. و بر خاطر مهر مظاهر مبارک پوشیده نیست که اگر بی امر اسلامبول به بصره ورود کند به سمت رسمیّت نخواهند شناخت و پذیرایی نکنند. منافی شأن مأموریت و در انظار خارجه و داخله موجب حقارت خواهد بود. عجالتاً در بغداد متوقف و منتظر امر رسمی است. با تلگراف هم مراتب را معروض حضور عنایت ظهور مبارک داشته، مستدعی است از طرف وزارت جلیله امر تلگرافی به سفارت کبرای اسلامبول شرف‌صدور یابد که برات و فرمان مأموریت بصره فدوی را زودتر صادر و ارسال دارند و اگر صدور آن طولی دارد عجالتاً امر تلگرافی از باب‌عالی به والی بصره صادر و ارسال گردد که فدوی را به سمت مأموریت بشناسند تا برات و فرمان صادر آید. خود فدوی هم به سفارت کبری تلگرافاً عرض و استدعای امر نموده ولی البته از وزارت جلیله نیز امر و تأکید شود بهتر است. فرمان مهر لمعان مبارک همایونی ارواحنافداه را هم مقرر فرمایند به کار پردازی اول بغداد بفرستند که به توسط کار پردازی به چاکر برسد، زیاده جسارت است. الامر الاجل الاکرم الاعظم العالی مطاع. معروضهٔ ۱۱ شهر شوال سنه ۱۳۱۶

هزار

بتاریخ امر مطاع مبارک تلگرافی

تصدق خاکپای مبارک شوم

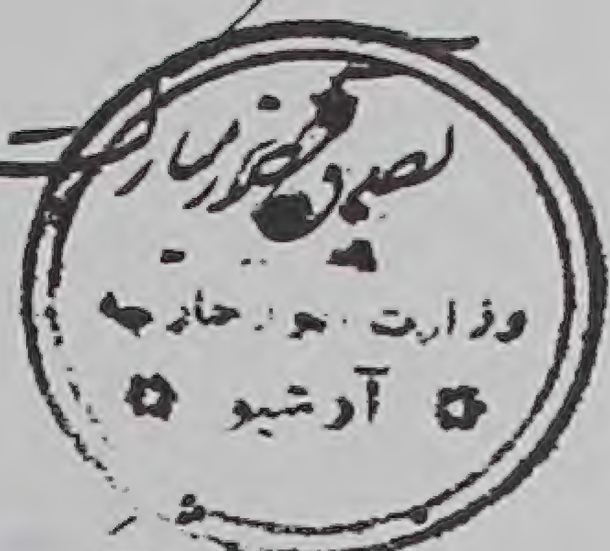

رحمت و منت در این هوای سرد و برف و بارش طرق خود را دیروز سلامت

بغداد وارد شده سایر حالات پرتینی و صدمات و رخمات این

چند ماه بر ضمیر مبارک واضح و هویدا و متعفن از عرض و اظهار است ولی حالا

که وارد بغداد و جویا شده نهایت از بابا لی برات و فرمان ، امدیت فروی نرسیده

مبارک

بهتر است از وارد نکند و هم فرمان فروی نرسیده است و بر خاطر مهر مطاع

پوشیده نیست که اگر بی امر بهادر معنی مبصره ورود کند نسبت رعیت نخواهد شد

شناخت و پذیرائی نکنند منافی شأن مأموریت و در انظار

خارجه و داخله موجب حقارت خواهد بود

عجالتاً در بغداد بی‌توقف و منتظر اوامر

با تلگراف هم مراتب را معروض حضور غایت ظهور مبارک دارد مستدعی است از طرف

وزارت جلیله امر تلگرافی بسفارت کبرای دولت معظمه شرف صدور یابد که برات و فرمان

مأموریت بصره فوری را زود تر حاضر و روانه دارد والا عجالتاً

امر تلگرافی را بالمره بصره حاضر و روانه کرده و فوری را بسمت مأموریت

با برات و فرمان حاضر کند خود فوری هم بسفارت کبری تلگرافاً عرض و تمنای

ولی البته از وزارت جلیله نیز امر و تأکید شود بهتر است

همایونی لازم و خاطر را مستقر فرمایند تلگرافخانه فوری بغداد بفرستند در بوشهر

بتلگرخانه بغداد نمره ۱۳۱۴

۱۱ شهر شوال سنه

شمارهٔ سند: ۹۱۰
موضوع: مناسب بودن حاجی عبدالرسول برای کار پردازی بصره
تاریخ: ۱۲ شوال ۱۳۱۶ هـ. ق
کارتن: ۳۵
پرونده:

تلگراف علاءالملک سفیرکبیر ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

استخراج تلگراف رمز از اسلامبول

به جناب مستطاب اجل اکرم افخم وزیر امور خارجه، محرمانه، حاجی عبدالرسول که سابقاً خودتان هم عماره فرستاده بودید آدم قابل است، پانصد تومان به جناب مستطاب اجل اکرم افخم پیشکش می‌کند، در بصره بماند منیف السلطنه را عثمانی ها قبول نخواهند کرد، منتظر جوابم. محمود. ۱۲ شوال ۱۳۱۶

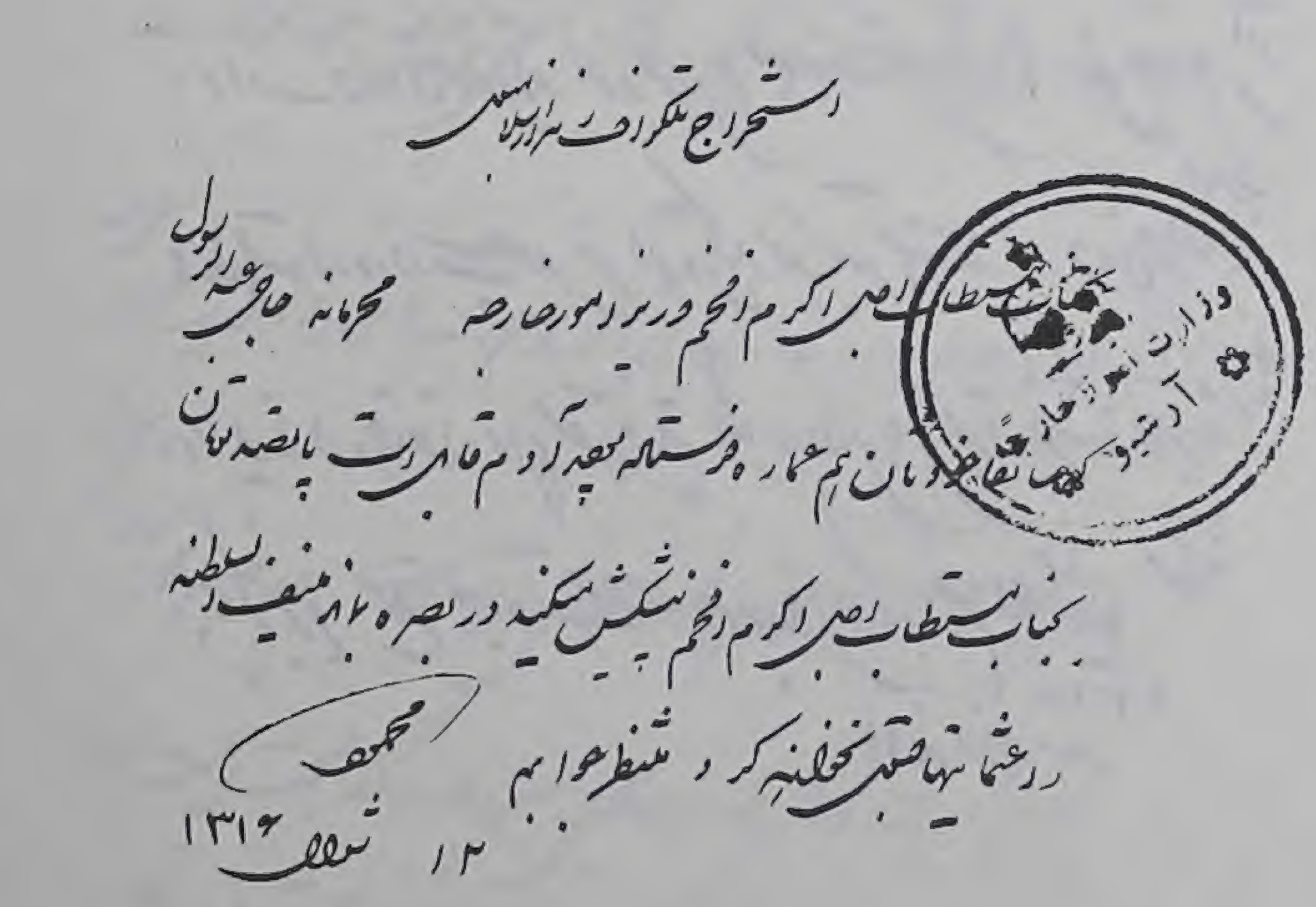
استخراج تلگراف رمز از اسلامبول

جناب مستطاب اجل اکرم افخم وزیر امور خارجه محرمانه حاجی عبدالرسول که سابقاً خودتان هم عماره فرستاده بودید آدم قابل است پانصد تومان جناب مستطاب اجل اکرم افخم پیشکش می‌کند در بصره بماند منیف السلطنه را عثمانی ها قبول نخواهند کرد منتظر جوابم

محمود

۱۲ شوال ۱۳۱۶

شمارهٔ سند: ۹۱۱
موضوع: مأموریت منیف السلطنه و حسام الوزاره
تاریخ: ۲۸ ذی‌قعده ۱۳۱۶ هـ . ق
کارتن: ۳۵
پرونده: —

نامهٔ علاء الملک سفیر ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

تلگراف جناب اجل عالی در باب تصدیق مأموریت رضا افندی منیف السلطنه به بصره و حسین‌قلی خان حسام الوزاره به عماره رسید. بنده می دانم که جناب‌عالی چیزی از آنها نگرفته و رعایتاً آنها را فرستاده‌اید که یک لقمه نانی تحصیل نمایند ولی رعایت و ترحم باید طوری باشد که خلل به شأن دولت و جان و آبروی ملت نرسد، برای یک وجود بی‌حاصل نمی‌شود این ملاحظه بزرگ را از دست داد، جناب اجل عالی ملتفت هستید این نوع اشخاص که اکل‌میته را برای خود حلال می‌شمارند پس از ورود به این محلها که دارای مقرری دولتی نیست برای رفع آسودگی های قبل و گذران یومیّه و تهیه پس‌اندازی برای آتیه لابدند که به جان تبعهٔ ایران افتاده به بهانه‌جویی از هر یک چیزی گرفته و انواع تعدّیات نمایند، چنانکه حسام الوزاره که هنوز مأموریت او از باب‌عالی تصدیق نشده یکی را گرفته حبس کرد و محبوس تلگرافاً به سفارت کبری تظلّم کرد، اگر در داخله در حق آنها رعایتی شود باز ضررش محدود است. جناب‌عالی که مدتی در این صفحات بوده اطلاع دارید که عماره جای دخلی نیست و کفایت یک نفر مأمور تنها را نخواهد کرد تا چه رسد که حسام الوزاره پانزده نفر زن و بچه را با خود به عماره برده نان بدهد، آیا ملاحظه فقر و فاقه حسام الوزاره اقدم است یا ملاحظه آبروی دولت و وزارت خارجه و سفارت کبری، همین سوء رفتار منیف السلطنه در عمّاره و حلب است که بالاخره خارجه و داخله را از او بری کرده و مشارالیه را به فرار از خاک عثمانی مجبور نمود و نتیجه تعدیات همین مأمورین محتاج بی‌بضاعت است که تبعهٔ ایران را به تغییر تبعیّت مجبور می‌نماید سلیقهٔ بنده این است که باید به این جور اشخاص در خدمات داخلهٔ نانی رسانید و برای این جور محلهای بی‌مقرری که در وقایه مأموری در آنجا لابدیم اشخاص متمولی از اهل همان محل و یا خارج که مقیم آنجا و دارای وضع و

صاحب رفت و آمد و آبروئی است مشخص کرد که افتخاراً طرف رجوع خدمات دولتی تبعه و برای گذرانیدن یومیّه احتیاجی به تعدّی به تبعه و یا چشم‌داشتی از دولت نداشته باشند و اگر در سال چند دیناری از گوشه و کنار عایدشان شد وجوه بازیافتی دانند راحت و استرضای تبعه را موجب بقای مأموریت و افتخار خود بشمارند. مع هذا گفته‌ام تصدیق و فرمان مأموریت او را از باب‌عالی صادر کنند، لیکن مأموریت منیف‌السلطنه را به بصره عثمانی ها قبول نمی‌کنند، نوشتم بلکه در بغداد جناب ناظم‌الملک کاری پیدا بکند اگر نشد خوب است برای او کاری دیگر در داخله پیدا شود.

در باب مأموریت میرزا احمدخان منتظم‌السلطنه به مصر خود جناب اجل عالی می دانید که مصر با مخارج و مصارف زیاد دخلی ندارد و مأمور حالیهٔ آنجا به واسطهٔ حقوق‌شناسی و اطلاع به وضع امور به کدخدامنشی و زبردستی امر خود را می‌گذراند خیلی مقروض است و الّا ما در مصر تبعه نداریم که قونسول بتواند از آنها بهره برده معاشی بنماید. منتظم‌السلطنه آدم فقیر عاجزی است و نمی‌تواند در جلو مأمورین دول سایره در مصر که همه هنرمند هستند جلوه داشته باشد، بهتر این است برای او هم کاری در داخله فکر فرمایید و الّا این مأموریت برای او جز پریشانی و مزید آلودگی بهرهٔ دیگر ندارد.

تعیین این مأمورین اسباب رنجش آنها از بنده است زیرا آنها که به وضع این محلها اطلاع ندارند از جناب اجل عالی استدعا می‌کنند و قبول می شود همین که بنده بیان واقع را نوشته و محذوریت هر یک را بیان کردم چنین می‌فهمند که بنده مساعدت نمی‌کنم و از بنده می رنجند و ملتفت نیستند که آنچه را می‌نویسم عین خیریّت و صلاح حال آنهاست. حالا تمام این اشخاص چه خود و چه واسطه های آنها با بنده بی جهت عداوت پیدا می‌کنند و جناب اجل عالی باید رعایت این حال را بفرمایید. محمود.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

این فقره را علاءالملک صحیح عرض کرده است مکرّر من صریح به شما در این باب گفتگو کرده‌ام.

۲۸ شهر رمضان ۱۳۱۶
۲۲۶

شمارهٔ سند: ۹۱۲
موضوع: ساختن قلعه بالای تپه شوش توسط مسیو دومرگان
تاریخ: ۱٤ محرم ۱۳۱۷ هـ . ق
کارتن: ٦
پرونده: ۱۱/٤۲

خلاصهٔ نوشتجات ناظم الملک کارپرداز بغداد

در شهر شوش تپهٔ بلندی است مسیو دومرگان صاحب امتیاز کشفیات آنجا بالای آن تپه قلعه از گچ و آجر بنا می نماید قلعهٔ مدور دور آن بیست و چهار اطاق بزرگ ساخته دور اطاقها دالانی مثل غلام گردش که ممر و مدخل اطاقها از آن دالان است و در دیوار بیرونی آن همه جا سوراخها و مرقعها گذاشته اند، ارتفاع تپه و قلعه سی و پنج ذرع است، وسط صحن قلعه چهار پایه محکمی ساخته مثل برج ایفل روی چهار پایه را طاق زده، روی طاق مشغول ساختن منارهٔ بلندی هستند که قابل گذاشتن توپهای بزرگ است، حفریاتی که می نمایند ابتدا کوچه حفر می‌کنند به دو دیوار بالا آورده روی آن را ضربی آجری می زنند هر روز دو سه هزار عمله کار می‌کند آنچه حمل و نقل می‌کنند در گمرک پرس و سؤالی نمی شود اسلحه و آلات ناریه بی مزاحمت می آورند، اطلاعاً عرض شد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ــ جناب اشرف صدراعظم، شاهزاده حکیم را زودتر آنجا بفرستید و به عین الدوله بنویسند که یک نفر آدم صحیح هم او روانه نماید که برود محرمانه نگاه بکند و در آنجا باشد. امضا: مظفرالدین شاه

خلاصه از نشریات باغ ملی کاریوار نیرلو

۱۳۱۶
۱۴ شهریور ماه

در شهر زرین تپه بنایی است مسجد مرکان صاحب اختیار کیفیات انبیا باندی آن تپه قلعه ارگ واقع
بنای تپه قلعه مدور حصاری آن پست و چهار اطاق بزرگ ساخته حیاط قهوه‌خانه شش قدم گردش
حصار دهنی اطاق ما ارای دالان است و دیوار پیرامون آن همه جا سوراخها و مرتفعها که آشیانه از
تپه و قلعه سی و نیم ارع است وسط صحن قلعه چهار پایه چمکی ساخته شده بر بالای آن روی چهار پایه سوراخ
روی طاق شش نفر نشسته نارنجک بیشتر که آشین قرمهای بزرگ کنک خفر پاک می‌شود آنرا
که چه خفر نکنند بهر دیوار بالا اقتدار روی آن اضرب آخری نزنند هر روز صد هزار عمله کار نکنند
انچه حتی دلتنگ نکنند در کمر کش پرس و سوالی نکنند انچه دقت نارنجک با مراجعت می‌آورند
اطلاعاً عرض شد

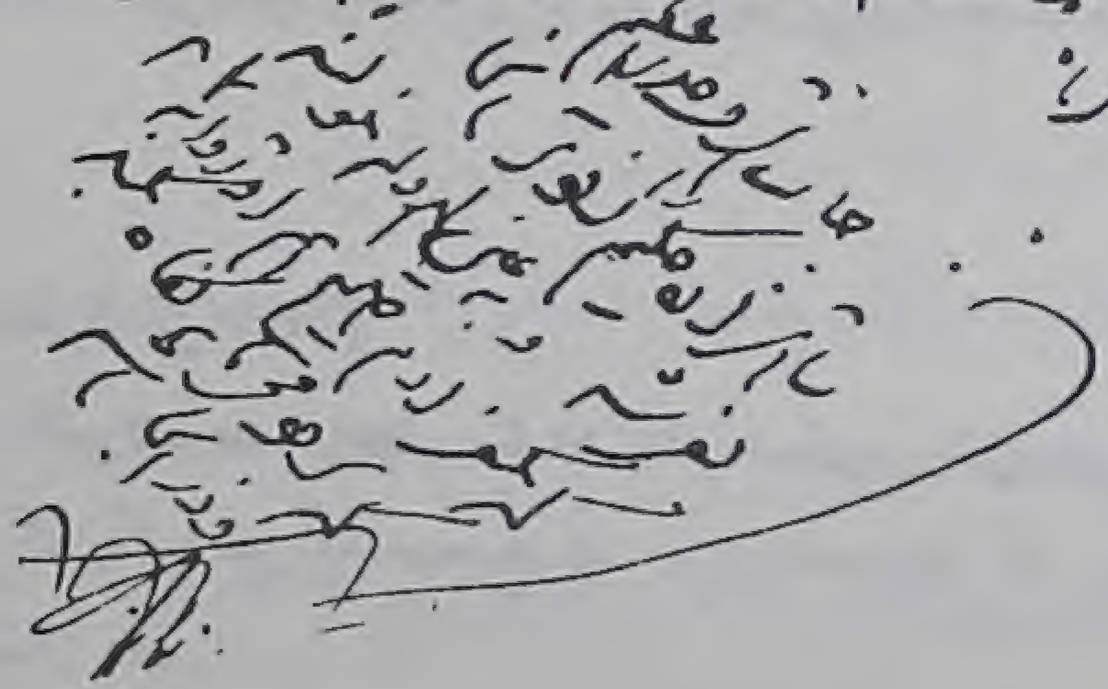

شمارهٔ سند: ۹۱۳
موضوع: به دست آوردن دو مجسمهٔ گران‌بها توسط مسیو دومرگان
تاریخ: ۱٤ محرم ۱۳۱۷ هـ. ق
کارتن: ٦
پرونده: ۱۱/٤۲

خلاصهٔ نوشتجات ناظم‌الملک کارپرداز بغداد

مسیو دومرگان در حفریات به تازگی دو علامت فلزی به دست آورده بعضی می‌گویند طلا است و بعضی می‌گویند فلز دیگر است، در هر صورت آنتیک‌شناسان می‌گویند این دو مجسمه هر یکی دو کرور تومان قیمت دارد، معلوم نیست از پیداکردن این دو مجسمه بزرگ گران‌بها به اولیای دولت خبر داده یا خیر، مدلول وصول امتیازنامهٔ او در پیداکردن این مقوله چیزهای گران‌بها چیست، به هرحال چهار کرور مکنت را در همچو وقت نباید از دست داد، اطلاعاً عرض شد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
ــ تحقیق نمایید. امضا مظفرالدین شاه

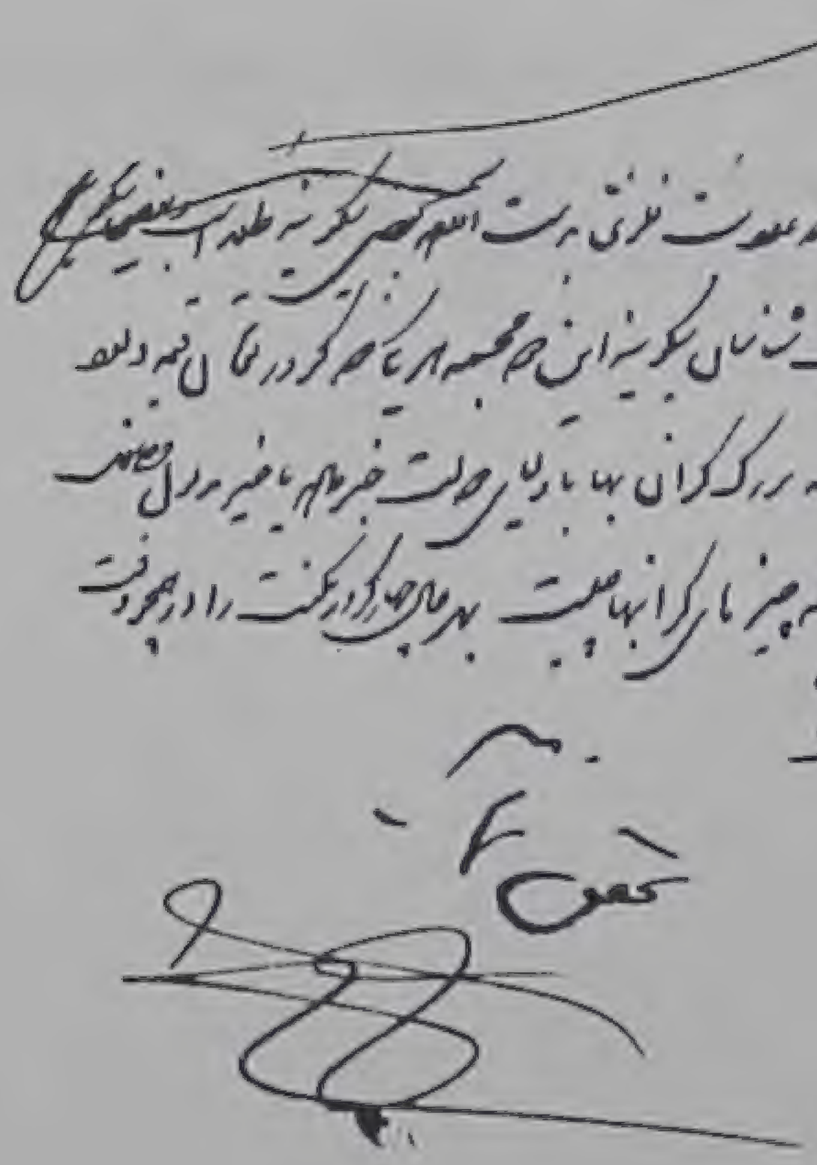

شمارهٔ سند: ۹۱٤
موضوع: مخابرات محرمانه باش شهبندر عثمانی و اهمیّت کردستان
تاریخ: ٦ شعبان ۱۳۱۷ هـ . ق
کارتن: ۵
پرونده: ۱۱/۸

نامهٔ کارپرداز سلیمانیه به وزارت خارجه

این ایام از قراری که خبر گرفته. گویا باش شهبندر عثمانی در سنندج محرمانه بعضی تلغرافات برای مخابره به اسلامبول با آدم مخصوص امین به سلیمانیه می‌فرستد و مخابره می‌نماید، هرچند تلغرافات او را فدوی تا حال هرچه تفحص و دقت نموده ندانسته از چه نوع مخابرات است، ولی همین قدر می‌تواند عرض کند که اهالی سنندج و اطراف آن تمامشان سنی مذهب هستند و باش شهبندر را از طریقت خودشان می‌دانند به این واسطه کردستان نقطه نازکی است احتمال بعضی ملاحظات تحریک‌آمیز می‌رود، چنانچه در ساوجبلاغ هر روزه اهالی و بزرگان آنجا اجماع کرده به شهبندرخانهٔ عثمانی می‌روند و اسباب عزل حاکم آنجا را فراهم می‌آورند، شش ماه است که بنا به شورش و به اجماع اهالی آنجا و دخالت به شهبندرخانه عثمانی سه حاکم معزول شده است و چند روزی است که حکومت سلیمانیه هم در باطن درست بر اظهارات کار پردازی سعی و اقدام ندارند، محض استحضار خاطر مبارک جسارت نمود، زیاده جسارت است. امر حضرت مستطاب اجل اکرم افخم اشرف مطاع. فدوی

یحیی

محل مهر: یا یحیی

۱۳۱۷
معروضه ۶ شهر شعبان

این ایام از قرار یکه خبر کرفته - کیاهاش شهبندر عثمانی در سنندج محرمانه بعضی تلغرافات برای مجاهدین بلاد بسول
باآدم مخصوص امین بسلیمانیه میفرستد و مجاهده می نماید هرچند تلغرافات او را افندی تاحال هرچه تفحص در
نموده نرانسته از چه نوع مجازات است ولی همینقدر میتواند عرض کند در سنندج و اطراف آن
تمامشان سنی مذهب شهبند و باش شهبندر را از طریقت خودشان میدانند بانواسطه کردستان
نقطه نازکی است احتمال بعضی ملاحظات تحریک آمیز میرود چنانچه در سابق جلساتی هر روزه
اهالی و بزرگان آنجا جمع کرده بشهبندرخانه عثمانی میرفتند و اسباب عزل حاکم آنجا را فراهم میآوردند
شش ماه است در بنا بلشورش و جمع اهالی آنجا در خانه شهبندرخانه عثمانی سه حاکم معزول
شده است و چندروزی است در حکومت سلیمانیه هم باطن درست براظهارات کارپردازی
سعی و اقدام نزارند محض اتحصار خاطر مبارک جسارت نمودیم حسب فرمودی
ارحضرت سلطان اصل اکرم افخم اشرف مطاع

شمارهٔ سند: ۹۱۵
موضوع: مخابرات محرمانه باش شهبندر عثمانی در کردستان
نمره: ۵۲۳۲
تاریخ: ۲۸ رمضان ۱۳۱۷ هـ. ق
کارتن: ۵
پرونده: ۱۱/۸

سواد کاغذ وزارت خارجه به مشاورالوزاره مأمور سلیمانیه

از مخابرات محرمانه باش شهبندر کردستان به اسلامبول که با آدم مخصوص به سلیمانیه می‌فرستد و از آنجا مخابره می‌شود شرحی نوشته بودید مطلع شدم، مراقبت نمایید شاید کسب خبری که راجع به کردستان باشد نموده اطلاع بدهید.

نصراله مشیرالدوله

۵۲۳۳

ورود کاغذ وزارت خارجه بشن ورالورازه مأمور سلیمانیه

۲۸ شهر رمضان ۱۳۱۷

۲۹۱۴/۵

رقیت

از مضمرات محرمانه باشش شهر رکوستان، بلد مسمی بآدم مخصوص بسلیمانیه میفرستد واز آنجا مخابره میشود عرض شده مطلع شدم برای
نمایه شاید کسب خبری راجع بکردستان باشد منتهی الدلیل به تحریر تبریز الدوله

شمارهٔ سند: ۹۱۶
موضوع: تقاضای علی رضاخان حاکم گروس
تاریخ: ۷ ربیع الثانی ۱۳۱۸ هـ . ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱۱

تلگراف وزارت خارجه به احتشام‌السلطنه حکمران کردستان

کردستان نمرهٔ ۷۶۵

جناب جلالت‌مآب علی رضا خان امیرتومان به این قرار که به نصف قطع شود راضی نمی‌شدند و تمام را مطالبه می‌کردند، بنده به ملاحظهٔ اینکه قطع این کارها همان طوری که صلاح دانسته‌اید بشود گفتم این قرار را قبول نمایید همان طوری که صلاح دیده‌اید مجری و تمام نمایید. نصراله مشیرالدوله.

۷۶۵

کردستان

تلگراف دربارگاه همایون اعلیحضرت همایون شاهنشاه حکمران

تاریخ آذر ۱۳۱۸

خدمت جلالتمآب علیقلی خان ایرتمان: باین قرار که بنصف قطع شهر راضی نمیشوند و تمام را مطالبه میکنند بنا بعلاقه یکه قطع این کارها بنظر ذات صلدح داشته صلدح نسبه تکلیف بزرگتهم این قرار را قبل نمایند بنظر یکه صلدح میدانند مجری و تمام نمایند نصرت الدوله شیرازی

شمارهٔ سند: ۹۱۷
موضوع: مقرری حاج شیخ عبدالرحیم و آقامیرعلی اشرف
نمره: ٦۱۰
تاریخ: ۱۵ شعبان ۱۳۱۸ هـ. ق
کارتن: ٤
پرونده: ۱

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

جناب فضایل نصاب حاجی شیخ عبدالرحیم که در اسلامبول به امورات شرعیه رعایای دولت علیه رسیدگی می‌نماید، عریضه به حضور صدارت عظما عرض و نزد بنده آورده بود که تقدیم نمایم لفاً فرستاده شد مستدعی شده است که شصت تومان وظیفه را که به تصویب صدارت عظمی اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنافداه، در موقع تشریف‌فرمایی به اسلامبول درباره او و شصت تومان هم در حق آقامیرعلی اشرف واعظ مرحمت فرموده‌اند، حق او را در جزو کتابچهٔ آذربایجان در جزو مالیات خوی به خرج منظور شود زیرا که خود مومی‌الیه خویی است و آنجا اهل و عیال دارد و مال میرعلی اشرف را به اسلامبول حواله گردد. لهذا از جناب مستطاب اجل عالی متمنی است بعد از آنکه امر از صدارت عظمی در این باب به جای لازم صادر شد مخصوصاً از طرف وزارت جلیلهٔ خارجه یک نفر شخص را به این کار بگمارند که در انجام این فقره سعی نماید که این جزئی استدعای حاجی شیخ عبدالرحیم و آقامیرعلی اشرف که خالی از ثواب نیست، صورت انجام بگیرد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
ــ جناب اشرف اتابک اعظم، چه عیب دارد همین‌طور قرار بدهند. امضا: مظفرالدین شاه

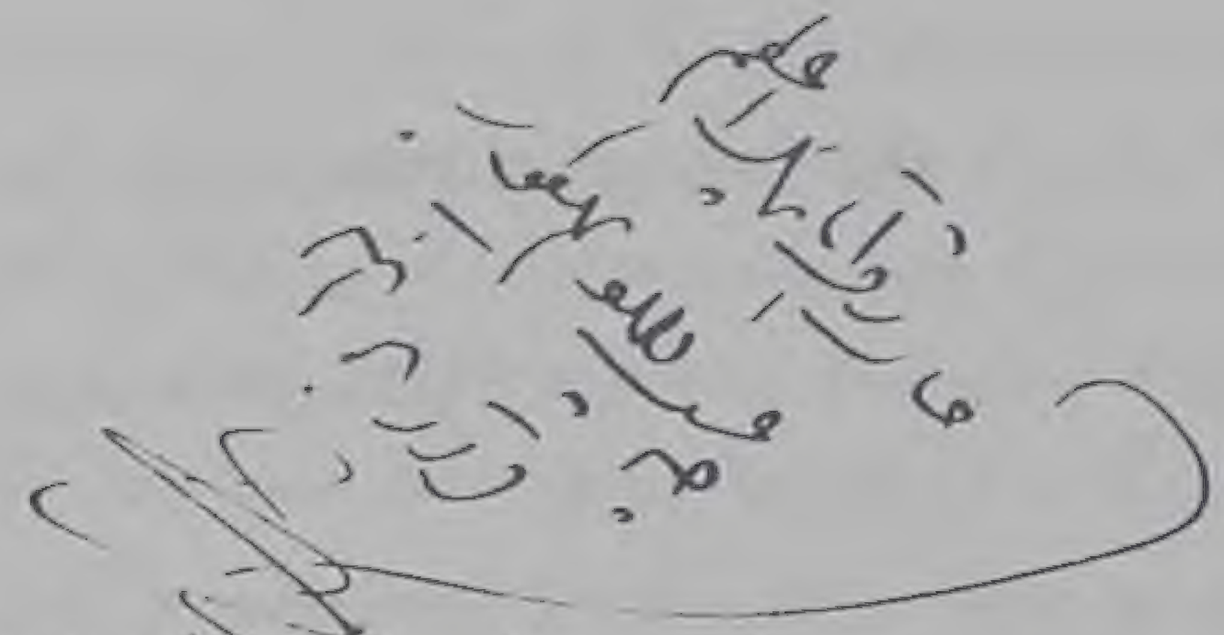

۱۵ شهر شعبان المعظم ۱۳۱۸

۱۰ ع

جناب فضائل نصاب حاجی شیخ عبدالرحیم صدارت مآب بورات ثریه

رعایای دولت علیه ربیعه همیشه عریضه بحضور صدارت تعظمی عرض و نزد ایشان آورده بودند

که نقدیم نامهم لف فرستاده شده است بشوکت آن وظیفه را که مرحمت

صدارت عظمی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی روحنا فداه در سواد تشریف فرمائی

بلده سعید دارالسلطنه اردبیل شرف صدور یافته بود بشوکت آن هم در حق

حق اورا در حزو یکی از چاکران درجه اول مقرر فرمایند خرج منظور شود زیرا که

خود مرحوم پدر خیریت دنیا هی و عیال دارد و مال بیرحم اشرف را بلده سعید عواقب

کرده لهذا از جناب مستطاب اجل عالی تمنی دارد که امر و اراده صدارت

عظمی در باب بدرم صادر شده مخصوصا از طرف دولت علیه خارجه

مکتوبی بشخص رابط کار بگذارند در انجام این فقره سعی نماید و در این خصوص

جانبی شیخ عبدالرحیم داماد مرحوم اشرف خالی از زحمت صورت ندهد.

شمارهٔ سند: ۹۱۸
موضوع: گزارش جالب از اوضاع عثمانی و امور ایران
نمرهٔ: ٦۰٦
تاریخ: ۱۵ شعبان ۱۳۱۸ هـ . ق
کارتن: ۵
پرونده: ۱۱/۱۷

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

هو

محرمانه است

در امور اتفاقیه تا امروز بنده استعانتی از طهران نکرده‌ام و به هر طور است به اصرار و تعقیب و وسایل متعدده نوعی کارها را انجام داده‌ام، ولی از یک طرف به واسطهٔ وضع و ترتیب به ادارهٔ عثمانی کاری که اتفاق می افتد اول باید بنویسم به وزیر امور خارجه، او می نویسد به صدراعظم، از صدارت رجوع می‌کنند به اطاق استشاره، از آنجا جوابی موافق رأی و عقیده خودشان برضد اظهارات سفارت به وزارت خارجه می نویسند، از آنجا دوباره مکتوب می رود به صدارت، این دفعه صدراعظم رجوع به مجلس شورای وزرا می نماید که میان این سؤال و جوابها هر کدام چند ماه و سال طول می‌کشد.

بعد از آنکه گاهی سفارت توانست از شورای وزرا جواب مساعد صادر کند. این دفعه می نویسند به سرای سلطانی تا اراده صادر شود، آنجا که رفت یا جواب بیرون نمی آید، یا اکثر اوقات برخلاف مقصود اراده صادر می شود.

اغلب اوقات هم که به سرای رجوع می‌کنم از آنجا حواله می‌کنند به مجلس شورای وزرا و مسئله را به پیچ و تاب می اندازند آن وقت باید متصل مترجم را به سرای فرستاد و جواب خواست و در سر یک امر جزئی ده دفعه آمد و شد نمود و ده لیره پول کالسکه داد آن هم بی حاصل.

از طرف دیگر این اوقات عثمانی ها به پولیطیک [پلتیک] و نظر خودشان در امورات ایرانی ها تغییر داده‌اند، بعد از محاربه با یونان قرار و مداری را که با آنها و

صربی بسته‌اند می‌خواهند بلکه با ایرانی‌ها هم آن طور معامله نمایند. و این روزها تقریباً ده مسئلهٔ مهم بی‌جواب است، و در حالت تعطیل و تعویق مانده است.

در فقرهٔ خانهٔ آقا غفار که تفصیل آن را جداگانه عرض کرده‌ام به طوری بنده را خسته کردند و می‌کنند که خدا شاهد است جسماً و روحاً ناخوش شدم.

ایرانی‌ها هم از بزرگ و کوچک پرمدعا و غوغاانگیز هستند بدون اینکه اسباب آن را فراهم داشته باشند، می‌خواهند حمایتی که سفرای دول معظمه با کشتی جنگی و توپ و تفنگ از تبعهٔ خود می‌کنند بندهٔ بیچاره دست از هر چیز خالی در هر ماده به آنها بکنم نوعی دلتنگی از تعویق کارها و عدم حصول گاهی به مقصود حاصل است و ایرانی‌ها هم حرفها می‌زنند و شکایتها می‌کنند که به جگر آدم کار می‌کند.

به وحدانیت خدا قبیح است این عرض را بکنند ولی موقع آن رسید عرض می‌نماید در این کار آقا غفار به اندازهٔ صدمهٔ روحانی خوردم که از شدت خیال و غیظ، خون استفراغ کردم.

حقیقتاً اگر وضع به اینطورها باشد روز به روز ایرانی‌ها در اسلامبول زبون و ذلیل شده در سرحدات تجاوزات پی در پی و غارت و سرقت رو داده، بلاعوض خواهد ماند و بر جسارت اینها و خسارت دولت علیه خواهد افزود.

مثلاً در فقرهٔ سومار چند ماه کشید، گفتند به بغداد نوشته‌ایم باید جواب برسد بعد از آنکه جواب رسید دادند به اطاق استشاره از آنجا درآمده جوابی به سفارت کبری نوشته و هنوز نفرستاده‌اند، صدراعظم می‌گوید جواب این کاغذ را بنویسید تا ببینم چه قرار خواهیم داد.

بیست روز تمام است که در وزارت خارجه اصرار و ابرام می‌کنم که هرچه هست زودتر بنویسید تا جواب لازم را بدهم تا این تاریخ ننوشته‌اند.

باری حالت و قدرت و وضع دولت معلوم است. بنده نمی‌خواهم تکلیفی بکنم که از تحت اقتدار و امکان خارج باشد، مختصر همتی را مستدعی هستم. یکی اینکه به شارژدافر عثمانی به دفعات متعدده از نگذشتن کارها و تغییر وضع کارگذاران گله نموده وادارید به اینجا موثراً بنویسد.

دیگر اینکه، قدری آنجا سخت بگیرند و وجه اصنافیه و غیره را جبراً دریافت نمایند.

ثالثاً، به طور زبان‌دار و خوب به حکومت کرمانشاه و ساوجبلاغ و ماکو تعلیمات رسمی بدهید که در سرحدات یک های و هویی دروغی بیندازند، به جمع نمودن سواره و عشایر و اکراد به بهانهٔ مطالبهٔ خسارت سومار و غرامت مالهای تجار که در راه ارض‌روم سرقت برده‌اند و والی دزد را میان آلای حمیدیه پیدا کرده و اظهار عجز نموده گرفته نمی دهد.

به شرط اینکه محض هیاهو و خودنمایی باشد، نه دست به کار بردن، هرگاه حکام محلهای مزبور نتوانستند با حکمت عملی اینکار را بکنند که محض شهرت باشد نه مباشرت به اغتشاش و غارت، بهتر است هیچ نخسبند.

ولی دولت به بهانهٔ مشق یا تغییر محل سرباز مختصر اردویی در خوی تشکیل بدهد، چند فوج سرباز با چند عراده توپ به آنجا بفرستند، فقط حرکت مزبوحی [مذبوحی] بشود باقی کارها را بنده عجالتاً درست می‌کنم، همین‌قدر طوری بشود که یک قدری حضرات را به خیال بیندازند کافی است، نه از این است که خواهند ترسید که ایرانی ها قشون‌کشی کرده به مملکت آنها کرده خسارت خواهند رسانید، بلکه چون نمی خواهند حتی المقدور صدائی از جایی علی الخصوص از سرحدی دربیاید وضع حالیه را فی الجمله عوض خواهند کرد.

هرگاه غیر از اینها هم چاره‌ای به نظر اولیای دولت علیه بیاید دیگر بهتر، لیکن رجوع به سفرای دول خارجه بکل بی‌فایده است. آنها خودشان هزار کار دارند، گذرانیدن امورات خودشان را وجه مصالحه قرار می دهند چنانکه تا امروز از مداخلهٔ آنها جز خفت فایدهٔ دیده نشده است.

اینها را که عرض کردم چارهٔ فوری و مناسب حالیه است، ولی بحمدالله تعالی بندگان اقدس همایون شاهنشاهی روحنافداه به رأی‌العین وضع دول معظمه و غیرمعظمه و ممالک شاهزاده‌نشین را هم ملاحظه فرمودند که همه ترتیب و ادارهٔ مملکت را به یک نظم و رشته انداخته‌اند و روز به روز پیش می روند، برخلاف وضع مملکت و بی‌ترتیبی ادارات دولتی ما که در حقیقت اطلاق لفظ به ادارات مجاز است به هیچ مملکتی شباهت ندارد و صاحب هیچ چیز نیستیم، یک فوج سرباز صحیح نداریم که در مقابل دوست و دشمن دربیاوریم، چند فوج قزاق است که آنها را مال مخصوص دولت علیه نمی توان گفت، از وزارت جنگ مجزی و چشم‌سوار به کلاه فرنگی و در تحت خوف و

رجای اوست.

داخله هم پناه بر خدا خاینی به خوش گویی و مدح‌سرایی دارای همهٔ امتیازات می‌شود و خادمی به عیب‌جویی و دلسوزی مغضوب و محروم می‌گردد، حسابی و کتابی در میان نیست تا رشتهٔ امور دولت منظم و مرتب نباشد چگونه امید توان داشت که قدمی دولت پیش گذارد و ترقی نماید و در خارجه حقوق تبعه و دولت پامال نشود و در داخله مردم با امنیت مشغول کار بشوند.

عرض این فقرات هم نباید اسباب تکدر خاطر گردد، زیرا اگر انسان به عیب و نقص خود متذکر نشود جلب نظر به اصلاح آنها نمی‌شود و به زبان روزنامهٔ بیگانگان طعن و ذم می‌کنند، باید تکدر از وجود و دوام این حال داشت نه از ذکر آن، مثلاً شاگردها به فرنگستان فرستاده‌اند، اولاً مثل این است که از بوته درآمده‌اند نه اقوام و والدین آنها سراغ می‌گیرند که کجا ماندند و کی باید متکفل مخارج آنها بشود و نه کس دیگر، ثانیاً برفرض اینها آمدند تحصیل نموده و تکمیل شده مراجعت نمودند آنهایی که مراتب تحصیل را تمام کرده آمده‌اند به چه کار و شغل مشغول شده‌اند و چه نفعی دولت از آنها برده است، که از اینها ببرد. اگر مردم ببینند که تحصیل اولاد موجب سعادت و اشتغال آنها می‌شود به خرج خود اولادهاشان را می‌فرستند، حاجت به خرج و مصرف دولت نخواهد شد. باری رشتهٔ این مطلب دراز است مقصود این است، چنانکه ادارهٔ گمرک را منتظم کردند و خیال صدارت عظمی هم چنانکه می‌فرمودند نشان دادن این نمونه بود و خیال توجه و اصلاح دربارهٔ سایر ادارات از مالیات و عدلیه و عسکریه هم داشتند تا زود است توجهی بشود وقت می‌گذرد، آینده به گذشته شبیه نیست روز به روز موانع بیشتر و دست بازو آزاد مامقید و مغلول می‌گردد، فرصت را باید مغتنم شمرد و از این زندگی پر از عار و ذلت خلاص شد، در هر کار همت لازم است، البته تأییدات آسمانی هم همواره توأم ارادهٔ ملوکانه و عزم اولیای دولت جاوید آیت علیه خواهد بود.

[حاشیه:] ــ در دفتر مطالب محرمانه ثبت شد.

محمود

۱۵ مهرشهر ۱۳۱۸

محرمانه است

نمره ۶۰۶

در دفتر مطالب محرمانه ثبت شد

در امور تلفونی تا امروز نبوده است که من از طهران نکنم و بهر وسیله است همراه و تعقیب دوستان نموده
و غیر کار را انجام ماهم ولی از یکطرف بواسطه وضع و ترتیب اداره عمومی کار را
می فهمند اول باید بنویسم نورا امور خارجه او نویسد بصدر اعظم از صدارت رجوع
می کنند طاق است اشاره از آنجا حواله مراتق را و عقیده خودشان مرضه الهارات
سفارت نورا امور خارجه نویسد از آنجا هم باید بنویسد صدارت اسناد فیه
صدر اعظم رجوع بمجلس نورای وزرا نماید در مجلس ایشان سوال و جوابها هر کدام چه
چه طول می کشد بعد از آنکه کابینه سفارت نوشت از نورای وزرا احوال ساعه
صادر کند آن وقت می نویسد بسرای سلطانی تا اراده صادر بعد انجا در
جواب بیرون نمی آید یا اکثر اوقات مرضه ف مقصود انجا
غلب اوقات هم بسرای رجوع میکنم از آنجا حواله میکنند بمجلس نورای وزرا
و مسئله را به هیچ و جه من ابراز نمی آن وقت با متصدی مترجم لو بسرای فرستاد

و جواب حزنت و در سر یک امر خوبی ده دفعه آمد و شد نمود و دیگر کاری که
آنهم به صبح از طرف کبرای اوقات شما به تو یک و نظر خصوصاً
در امورات ایرانیها تغیر حاصل از قرار معلوم با تو با قرار و مدار سابق با آنها و صریح
میخواهد بلکه با ایرانیها هم انطور معامله نماید و امروز تقریباً ده مسئله مهم بحرانی
در حالت تعطیل و توقف همه است در فقره خانه آق غفار و قضیه آن نیز
صحبتانه عرض کنم بطوری منقلب کننده ای کنه در صفحات هرات حتماً وردها
خواهد شد ایرانیها هم از بزرگ و کوچک در صدد دعوی هستند و دیگر
باب آن را فراهم ننموده میخواهد حتماً در فضای محل معطله باشد چنانچه دیشب
تلگراف کرده بهمین قسم و بهانه هم دست از هر چیز خالی در هر جا
نوعی دستگی از تعویق کار و عدم حصول کاهی مقصود حاصل است و ایرانیها هم
مزید بر دستگی تهاجم کنند در بکدام کار می کنند بواسطه ضعف
قلبی است اعتراض نکنید ولی موقع آن رسیده عرض میشود در صفحات غفار

با هزاره صدمه روحانی خودم و از شدت حال و غیظ خون استفراغ کنم
حقیقةً اگر وضع بنظور ها باشد روز بروز ایرانیها در سهدنی زبون و ذلیل شده
در سر حدات کما و رأت بی اراضی و غارت و سرقت رو داده بلد عرض خواهم
در جزئیات انها و خسارت دولت علیه خواهم افزود منتظر در قعوه
نوشتم خیلی کشیده بعد ادوشته ام با به جواب برسی لهذا از انکه
خواننده را خسته نکنم بعد ادوشته ام با به جواب برسی لهذا از انکه
نوشته و هنوز نفرستاده اگر صدر اعظم مکرر جواب کاغذ را نوشته باشد
چه قدر از خوابم داد بیت روز تمام است و در دوازدهم صدر اعظم
یکی در هر چه هست زهره نوشته با جواب سلام نوشته بهم با ایلچی
نوشته اگر
باری حالت و قدرت و وضع دولت معلوم است نه نمیخواهم تکلیف بکنم
در ازکت قبله اروپا خارج با به مختصر همتی را به عرض میرسانم
شب روز داغ خسارات متعدده از کشتی کار آمد تغییر وضع

بعد مسئل

وآزاد و متقیه و منزل بکعبه وصلت را با منتقم نشمرد و از این نشانی مرا زعار
و ذلت خلدص ز در هر کار نصرت للم است آنچه تائیدات آسمانی ام
همراه توأم اراده ملوکانه و عزم اولیای دولت قاهره است علیه خیر بود

محمد [illegible]

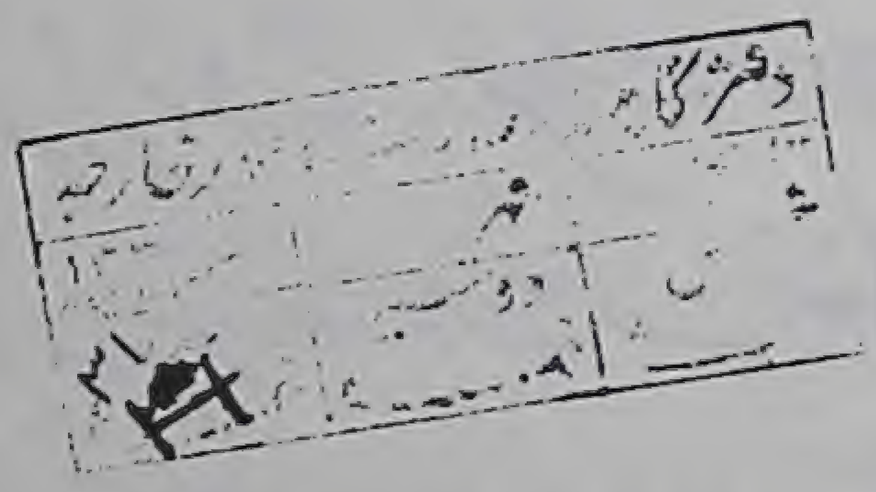

شمارهٔ سند: ۹۱۹
موضوع: گزارش از اسلامبول و موقعیت بابی ها
نمره: ۶۳۹
تاریخ: ۹ شوال ۱۳۱۸ هـ . ق
کارتن: ٤
پرونده: ۲

گزارش علاء الملک سفیر ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

محرمانه است

وضع بابی ها در عکّه که رئیس‌شان آنجا توقف دارد، روز به روز خیلی بالا می‌گیرد، از هر طرف ایران آدمها به دیدن او می آیند و پولها جمع کرده می آورند و همچنین از طرف آن رئیس به همهٔ شهرهای ایران وکلا فرستاده می شود. این حالت را بکلی غیرمعتنا شمردن و هیچ پاپی نشدن خوب نیست، رفته رفته یقیناً کار به جای بد می‌کشد و چاره هم به بگیر و بزن و بکُشتن نیست هر قدر به این طور علاج جویی بشود بدتر می شود آنچه که به ذهن بنده می رسد این است. اولاً دولت علیه به آنجا یک نفر مأمور مسیحی با مواجب معیّن فرمایند، چون مأمور مسلمان از هر طبقه فرستادن محلّ ملاحظه است یا می رود از آنها می شود بالطّمع پول مروج خیالات آنها می‌گردد و به این کار پرداز دستورالعمل داده شود، ظاهراً آنها را به خود رام و خود را داخل کارهای محرمانهٔ آنها بکند هر کس که از ایران به آنجا می رود او را به اسم و رسم و بلکه می تواند عکس او را هم برداشته به وزارت جلیلهٔ خارجه و به سفارت کبری راپرت نماید، و همچنین اشخاصی را که از عکّه مراجعت می‌کنند از سفارت کبری به توسط مأمورین روسیه تا سرحد و از سرحدّ به توسط سرحدداران و حکّام در خفیه تعاقب نموده معلوم نمایند، فرستادگان رئیس بابی ها در کجاها هستند و توقف می‌کنند، بعد از معلوم کردن چند نفر از طلاّب باسواد راه مصاحبت آنها را پیدا نموده بدون اینکه به آنها بفهمانند که از عقاید حضرات مطّلع هستند به صحبتهای حکمت‌آمیز و وعظ آنها را از راه بد بگردانند و در بعضی مواقع به یک درجه پلیس و حکومت جلوگیری از آنها بکند و در هر صورت این اشخاص هرجا هستند معلوم و معین باشند و معروف سایر مردم شوند و در این ضمن

تدبیرهای دیگر هم مقتضی باشد، اولیای دولت علیه دستورالعمل به حکام بدهند که به عمل بیاورند وگرنه وضع طوری شده است که انسان نمی داند با چهار نفر که نشسته است با کی ها طرف است و روز به روز هم که زیاد شدند البته در وقتش موجب فتنهٔ عظیم خواهد شد.

محمود

[حاشیه، پشت پاکت:]
از کابینهٔ وزیر خارجه

یک فقره راپورت است، از شرف عرض خاکپای مهراعتلای اقدس شاهنشاهی ارواحنافداه خواهد گذشت.

[دستخط مظفرالدین شاه:] «جناب اشرف اتابک اعظم به دلایلی که می دانید به این مطلب نباید پاپی شد و دنبال نمود، هرچه ممکن است باید سکوت قائل شد.»

۹ نمرهٔ الکمپ ۱۳۱۸
۶۳۹

در دفتر مطالب محرمانه
ثبت شد

محرمانه

وضع بابیها در عکه و رئیس شان اینجا توقف دارد روز بروز وضع بابیگیری از طرف ایران آدمها بدیدن او می آیند و پولها جمع کرده می آورند و همچنین از طرف او بهمه شهرهای ایران دستگاه فرستاده میشود این حالت را تقریباً غیر ممکن شمردن و هیچ باید نشد این خوب نیست رفته رفته یقیناً کارکنان بدی می کشد و چاره هم نمیکند و بزن و بکشتن نیست هرقدر بخیال علاج جرأی بشود بدتر میشود آنچه در دست است این است آنکه حرکت عکه با نجا مفید مامور مخفی ما را همچنین فرستادن چون مأمور مسلمان از هر طبقه فرستادن ممکن نیست یا سرکنسول از آنها مشورتها پرل مروج خیانت آنها می کرده و با این کاربردازی دستور العملی هم بسرکنسول آنها را بخود رام و خود را داخل کارهای محرمانه آنها بکند هرکس در ایران با نجا سرکنسول او را با هم دیده و بلکه عکس او را هم برداشته و در وزارت خارجه و سفارت کبری را دیده است همچنین اشخاصی را که از عکه مراجعت می کنند از سفارت کبری مرتبط مأمورین روسیه تا سرکنسول و از سرکنسول مرتبط سرکنسول ایران و حکام در خفیه تعاقب کرده معلوم نمایند فرستادگان رئیس بابیها در کجا ایستاده و توقف می کنند بعد از معلوم کردن چند نفر از طبقات پایین

شمارهٔ سند: ۹۲۰
موضوع: تغییر سفیرکبیر ایران در اسلامبول (عثمانی)
نمره: ۶۲
تاریخ: شوال ۱۳۱۸ هـ . ق
کارتن: ۵
پرونده: ۱۱/۱۷

دستخط مظفرالدین شاه به صدراعظم

هو

جناب اشرف اتابک اعظم در باب این فقراتی که علاءالملک عرض کرده است، بعضی را صحیح و بعضی را غیرصحیح عرض کرده است، آنکه صحیح است این است که شاید کارهایی که نگذشته است جداً این جا از سفیر بخواهند که بنویسند به اسلامبول و در انجا اتمام این کار را بخواهند و برای سفارت‌خانهٔ عثمانی با علاءالملک به نظرم نمی‌آید که پیش برود عجالتاً او را به یک عنوانی بخواهید و اسم کسی را نبرید یک نفر شارژدافر بگذارید، دو سه ماه بعد علاءالسلطنه را اگر صلاح دیدید بفرستید هر قسم صلاح است زودتر بکنید.

شمارهٔ سند: ۹۲۱
موضوع: مقرری شیخ عبدالرحیم و میرعلی اشرف واعظ
نمره: ۷۱۲۸
تاریخ: غره ذیقعده ۱۳۱۸ هـ . ق
کارتن: ٤
پرونده: ۱

سواد کاغذ وزارت خارجه به علاءالملک سفیرکبیر

در باب شصت تومان وظیفهٔ جناب فضایل‌مآب حاجی شیخ عبدالرحیم و شصت تومان آقامیرعلی اشرف واعظ شرحی اشعار فرموده بودید، مستحضر شدم. همان طور که خواسته‌اید به حضرت اشرف یادآوری می‌کنم که مقرر فرمایند معمول دارند که اجرای آن را هم مراقب هستم خاطر شریف مطمئن باشد. (نصرالله مشیرالدوله)

۳۱۶۴

سواد کاغذ وزارت خارجه به [illegible] سفارت انگلیس مقیم طهران

۷۱۲۸ — تاریخ مراسله ۱۳۱۱

دیباچه شصت تومانی وظیفه جناب وصایی مآب حاجی شیخ عبدالرحیم و شصت تومانی آقا میرزا اشرف واعظ شرح اشعار فرمایند بود

شریف

مستحضر شدم همانطور که خواسته بودید بحضرت اشرف یادآوری میکنم و مقرر فرمایند معمول دارند و اجرای انرا هم مواقب باشم خاطر

مطمئن باشد (نسخه ۱۸ شیرالدوله)

شمارهٔ سند: ۹۲۲
موضوع: مقرری حاج شیخ عبدالرحیم و میرزاعلی اشرف واعظ
نمرهٔ: ۷۱۸۷
تاریخ: ۲ ذی‌قعده ۱۳۱۸ هـ. ق
کارتن: ٤
پرونده: ۱

سواد کاغذ وزارت خارجه به حاجی شیخ عبدالرحیم در اسلامبول

مراسلهٔ شریفه سامی به توسط سفارت کبرای ایران رسید از مندرجات آن و سلامت احوال شما مستحضر و خوشوقت شدم. در خصوص وظیفهٔ خودتان و جناب آقامیرزاعلی اشرف واعظ شرحی نوشته بودید و از سفارت کبری هم اشاراتی شده بود، مطلع شدم. به وزارت دفتر ابلاغ نمودم که معادل شصت تومان وظیفهٔ شما به خرج کتابچه منظور دارند که از سنهٔ آتیه از ولایت مزبور دریافت نمایید، شصت تومان آقامیرزاعلی اشرف هم همه ساله در رکاب برات صادر شده وجه آن از خزانه وصول و به توسط سفارت کبری به مشارالیه خواهد رسید که مشغول دعاگویی ذات اقدس همایون و دوام دولت ابدآیت باشد. (نصراله مشیرالدوله)

۳۱۶۴

۷۱۸۷

نوکه کاغذ وزارت خارجه بجانب شیخ عبدالرحیم در رسیدن

میم شهر ذیقعدة الحرام ۱۳۱۱

مراسله شریفه سی تبوسط سفارتکبرای ایران رسید از مندرجات آن و بهدت احوال تا مستحضر و خرسوقت شدم در خصوص وظیفه
خصوصان وجناب آقا میرزا علی اشرف داعظ شرحی نوشته بودید از سفارتکبری هم اشاراتی شده بود مطلع شدم بوزارت دفتر
ابدع مخدوم در معالی شصت تومان وظیفه تا بخرج کتابچه منظور دارند از سنه آتیه از دلدیت مزبور دریافت نمایند شصت تومان
آقا میرزا علی اشرف هم همه ساله در رکاب برات صادر شده وجه آن از خزانه وصول و توسط سفارتکبری مبنا لیه خواهد رسید مشغول دعا
ذات اقدس همایون و دوام دولت ابد آیت باشید (بضمیمه مشیر الدوله)

شمارهٔ سند: ۹۲۳
موضوع: گزارشی از اسلامبول در کشیدن راه‌آهن و کمک مسلمانان
نمره: ۶۸۱
تاریخ: ۹ ذی‌حجه ۱۳۱۸ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۱

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

سابقاً شرحی در خصوص ساختن راه‌آهن از شام تا مدینهٔ منوّره و مکهٔ مکرمه از طرف دولت عثمانی و جمع نمودن اعانه ازاطراف، چه از مسلمانهای خاک عثمانی و چه از مسلمانهایی که در ممالک خارجه اقامت دارند، زحمت داده و یادآور شده بودم که اعلی‌حضرت سلطان به بنده هم اظهار فرمودند که در این باب مناسب است از جانب ملت و دولت ایران هم در این امر خیر که فایده آن به همهٔ مسلمانان راجع است شرکت نمایند و عقیدهٔ خود را در این فقره در ضمن لایحهٔ مذکوره عرض کرده‌ام که لازم است در ایران هم اعانه جمع شود و این روزها از امیر بخارا هم به طوری که در روزنامه رسماً اعلان کرده‌اند و اعلان مذکور را لفاً فرستادم مبلغ شانزده هزار لیرهٔ انگلیسی به عنوان اعانه راه‌آهن حجاز به اسلامبول فرستاده و تسلیم کومیسیون اعانه کرده‌اند و این پول را به توسط روسها به محلّ خود رسانیدند و این فقره فوق تصور در انظار عثمانی‌ها حسن تأثیر کرده است. حالا ملاحظه بفرمایید در صورتی که از طرف امارت بخارا وجهی به این گزافی فرستاده شود چطور می‌شود که از طرف اهالی ایران در این امر شرکت نکنند. از شرحی که در روزنامهٔ ملفوفه مندرج است مستحضر خواهید شد که تا چه درجه همه مسلمانها در دادن اعانه همت به خرج می‌دهند و هر روز روزنامه‌ها اعلان می‌نمایند اگر در هیچ کدام اسمی از ایران برده نشود حاجت نیست عرض بکنند که مفسدات آن در آتیه چقدر وخیم است. محمود.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
جناب اشرف اتابک اعظم در نوشتجات سابق حکم کرده بودیم که این مسئله به ملاحظاتی لازم نیست اقتضا هم ندارد. امضاء مظفرالدین شاه

۹ شهریور حمله الحکم ۱۳۱۸

سابقا شرحی در خصوص ساختن راه آهن از شام تا مدینه منوره و مکه مکرمه از طرف دولت عثمانی

جمع نفوسی که از اطراف چه از مسلمانهای خاک عثمانی و چه از مسلمانهای دیگر در ممالک خارجه

رخت دار و مهیا گردیده بعهده علیحضرت سلطان به تنهایی اظهار فرمودند در اینجا مناسب است

از طرف ملتی و دولت ایران هم در این امر خیر در خانه آن همه مسلمانان را جمع شرکت نمایند

و عقیده خود را در این فقره در ضمن لایحه مذکوره عرض کنم ایران هم اعانه

امروزها از امیرنظام هم بطوریکه در روزنامه رسمی اعلان کنم و بعد از مذکوره تلفن فرستادم

مبلغ شش هزار و پنج تومان بعنوان اعانه راه آهن حجاز بعهده گرفته و تسلیم کمیسیون اعانه

کنم و این پول را بوسیله روزنامجات خود برسانند و این فقره فوق تصور در نظر علمای اسلام حسن

تمام مدت خطه نیز مانند در صورتیکه از طرف اداره کل راه آهن گزارش و تقاضا شود خطوط

مشروحه که از طرف اهالی ایران در این امر شرکت نکنند از شرح در روزنامه ملفوظه بنده درج

مستحضر خواهید شد تا چه درجه همه مسلمانها در دادن اعانه همت بخرج میدهند و امروز در

اعلان میدهند اگر در اسکلهای ما از ایران برده نشود حسب النیت عمل نکرده بعد از

شمارهٔ سند: ۹۲٤
موضوع: ادارهٔ مالیات و گمرک به وسیلهٔ فرنگی ها
نمره: ٦۹۲
تاریخ: ۹ ذی‌حجه ۱۳۱۸ هـ. ق
کارتن: ۵
پرونده: ۱۱/۱۷

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

محرمانه

به تجار از تبریز نوشته بودند که شهرت کرده است فرنگی به تبریز می فرستند آمده مالیات را اداره نماید و از این جهت کاغذها نوشته، به دیوارها چسبانیده و استنکاف از این فقره نموده پارهٔ تهدیدات کرده‌اند.

روز تحویل سال که رؤسای تجار و تبعه را به معمول ایران به سفارت کبری دعوت کرده بود به حضرات گفتم شما با اشخاصی که مکاتبه دارید و هم به کسان خودتان پارهٔ اطلاعات و تجربه های خود را بنویسید و چشم عوام را باز نمایید.

اگر در تبریز پاره‌ای اتفاقات دربارهٔ حکام یا بعضی اشخاص از اهل ولایت رو داده است، هم دولت عمداً اغماض فرموده و هم اشخاص صدمه خورده پاپی نشده‌اند، به واسطهٔ این است که اتفاقات خانه کی [خانگی] بوده ولی وقتی که پای خارجه در میان آمد کار شکل دیگر پیدا می‌کند.

وضع چین را شنیدید که پایتخت و شهرهای دیگر را زیر و زبر و خانهٔ اعیان و تجار و کسبه را غارت و ویران کردند و از هر طبقه یکی را آورده به دار کشیدند، خارجه دست برنمی دارد. اهل تبریز بدعادت شده‌اند، آخر کاری می‌کنند که صدمه به وضیع و شریف می رسد.

وانگهی حالا که عمل گمرک منظم شده است چه عیب دارد، ابتدا که بعضی ها تشویش داشتند حالا می بینند چقدر راحت است. مالیات دولت اگر منظم باشد همهٔ کارها مرتب می شود، امورات که منظم شد همه در داخله و خارجه در امنیت و عافیت مانده با عزّت و شرف زندگی می‌کنند.

همگی تصدیق نمودند، ولی این فقرات را باید در تبریز به وسایل مناسب به همهٔ رؤسا از هر قبیل بیان نمود و حالی کرد و مردم را به مخاطرات اجماع‌بازی و شلق‌کاری ملتفت و متوجه نمود. که امروز بی‌نظمی و پریشانی تمام کارها از عدم انتظام و خرابی عمل مالیات است و اگر خیالی در اصلاح مالیات در نظر است نباید به این حرفها متقاعد و صرف‌نظر نمود.

لیکن باید مثل عثمانی‌ها کرد، رئیس ایرانی باشند و معاون آنها فرنگی، فرنگی با مردم طرف نشود فقط دستورالعمل و تعلیم از او باشد، اجری و عمل با مأمور داخلهٔ مملکت. و همهٔ فرنگی‌ها که در خدمت هستند کلاه بگذارند هرگز آنها از این فقره تمرد نمی‌کنند. فرنگی به دلیل و حکمت گوش می‌دهد، وقتی که به فرنگی حالی حالی کردند که عوام به کلاه عادت کرده از (شاپقه) متوهم می‌شوند و نزدیک نمی‌آیند فرنگی با کمال میل کسوت ایرانی را قبول می‌کند. در تمام دوایر عثمانی‌ها عمدهٔ کاردان و مؤسس فرنگی است، ولی رئیس و مأمور اجری عثمانی است، با فرنگی طرف نیستند در ایران هم اشکالی ندارد این طور مقرر بفرمایند و تا عمل مالیات اصلاح نشود از خطر و زحمات آتیه ایمن نتوان شد. امر امر اولیای دولت علیه است. محمود

[حاشیه:]

ـــ در دفتر مطالب محرمانه ثبت شد.

[دستخط مظفرالدین شاه:]

ملاحظه شد، و این حرفها گذشته و مرتفع است.

محرمانه

۹ شهر ذی حجه الحرام ۱۳۱۸

۶۹۲

در دفتر مطالب محرمانه ثبت شد

به کار در تبریز نوشته بودند که شهرت کلیه امانات فرنگ تبریز می فرستند همه امانات بوادارد

دارا نیمه کاغذها نوشته به بوار[ ] حسینه و بیکناف از انتشره کلیه ماره تهدیدات کلیه کلیر

روز تحویل سال در روسای تمار دسته را تمول ایران نفر دست کبری دعوت کلیه بعو کلیه ات

کلیم شما با اشخاصی در مکاسبه دارید و بدهکار خودتان ماره طلبکارات و تجربهای خودتان نوشته و خرج

عوام را از ما نباشد اگر در تبریز ماره تفاوت در مابه حکام با شخص اشخاص لذا ای ولدت

رو هیات هم دولت عهده اشخاص فرجیه دهم اشخاص صدمه خورده ، ولی نشد که بواسطه

این است در اتفاقات خانه کلیه و وسیله های خارجه در میان آمد کار شخص بی سبب

وضع حین را نشده در های تخت و نهای کبر از زیر و زبر و خانه اعیان و کارد کشته بو

غارت دوران کلیه و از هر طبقه یکی را آورده بدار کشیده خارجه دست زیمه ازد

اهی تبریز بعادت نشد که آخر کار کشته و صدمه بی ضبیط و تشریف میکا

صادر عهی کبر منظم نشده است چه عیب دارد البته اگر بعضی کلیه بنویس داشته عاقد

می نشیه چقدر رحمت است نهایت دولت کلیه منظم ها به همه کار

ترتیب متو امورات در منظم نشده همه در داخله و خارجه در امنیت

و عافیت همه بعزت و شرف نشد کی می نشیه

تصدق بشعبز

و کلی انتقادات را باید در تبریز و سایر نقاط بهره برد و از هر قبیل سایر نقاط کلی
و مردم را نسبت باجتماع و سایر شئون کاری متوجه نمود و امروز بنظمی در تمام
تمام کارها از عدم انتظام و خوابی عمال دولت است و اگر خللی در اصلاح، بایستی
در نظامات نباید بخرجها متوجه و صرف نظم نمود کلی، بایستی خدمتها کوچک
ارزانی بشود و مصارف آنها کم کرد، مردم طرف نمود فقط دستور بهتری و تعلیم بدارها
اجرای وعده با مأمور داخله مملکت و نشده و نکنها درجه است اشکاله کلیه بکند از
هرکس آنها را نفهمد تمرد نمی کند و کلی بدلیل و حکمت کوچک می شود و نکند نمود کلی
کلی کند و عوام بکلیه عادت کنه از (ث بقه) متنفر می شود و نمود نمی آید
بهمان کیفیت ایرادی رفتار نمی کند در تمام ورارتخانها عمله کار دان و ترتیب و ترتیب
کلی رئیس و مأمور اجرای وظایف است با وضع طرف نشده در ایران هم کلی
انطور مقرر نشده و وعده با اصلاح نمود از خط و زحمات آنها کلی
شد امر امر اولیای دولت علیه است محمد علی

شمارهٔ سند: ۹۲۵
موضوع: فرار علی رضاخان حاکم گروس به خاک عثمانی
تاریخ: ۲۰ ذی‌الحجه ۱۳۱۸ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱۱

نامهٔ ژنرال قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه

تصدقت گردم، در ضمن عرایض تلگرافی و تحریری به عرض حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف ارفع اعظم عالی روحی فداه رسانده‌ام که در باب اعادهٔ علی رضاخان از مندلی با جناب والی پاشا مخابره نمودم، جناب مشارالیه جواب دادند که از جانب صدارت عظمای عثمانی از اسلامبول تلگرافاً استعلام نموده بودند، من هم تفصیل آمدن او را به مندلی و التجا و دخالت او را تلگرافاً جواب دادم ولی از صدارت عظمی امری بر طرد و اعادهٔ او نرسیده است. هر وقت از صدارت عظمای اسلامبول امری بر طرد و اعادهٔ او صادر شود، البته اعاده داده می‌شود. و اظهار و خواهش نمودند که فدوی به حضور مبارک عرض و جسارت نمایم که چنانچه صلاح دانند امر و مقرر فرمایند وزارت خارجه و سفارت کبری با باب‌عالی مخابره نمایند و قرار بدهند که از این تاریخ به بعد از طرفین فراری‌های طرف دیگر قبول نشود. اگر چنین قراری مابین اولیای عظام دولتین علیتین داده شود، خیلی اسباب آسودگی طرفین و استراحت عموم اتباع دولتین علیتین ساکنین حدود می‌باشد و اظهار نمودند که من هم این فقره را به باب‌عالی و سفارت کبرای عثمانی مقیم دارالخلافه طهران می‌نویسم که ایشان هم اقدام نمایند شاید این طور قرار داده شود که موجب آسودگی طرفین خواهد بود.

بعد از این گفتگوها تلگراف از مندلی برای جناب والی پاشا و برای فدوی رسید که هادی‌خان مأمور تلگرافخانهٔ قصر به مندلی آمده و علی رضاخان را به قصر بُرد و از خارج شنیده شد علی رضاخان گفته است که در قصر با ایالت کرمانشاه مخابره می‌کنم اگر امور من به طوری که می‌خواهم انجام گرفت خیلی خوب و الّا باز به خاک عثمانی خواهم رفت. فدوی به سفارت کبرای دولت علیهٔ مقیم اسلامبول تلگراف نمودم که امر قطعی از صدارت عظمی به ایالت بغداد صادر نمایند که علی رضاخان را اعاده

دهند، که بدون امر قطعی صدارت عظمی ایالت بغداد به طرد و اعادهٔ او اقدامی نخواهد کرد و احتمال می‌دهم که اگر مخابرات علی رضاخان در قصر موافق میل او نشد باز به خاک عثمانی فرار کند. احتیاطاً صدور این امر قطعی از صدارت عظمای عثمانی لازم است که اگر بخواهد باز به خاک عثمانی مراجعت نماید نگذارند داخل خاک عثمانی شود، زیاده جسارت است. امر اجل اکرم اشرف ارفع اعظم عالی مطاع. فدوی محمود.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

جناب اشرف اتابک اعظم نوعی قرار بدهید که دوباره مأیوس نشده و معاودت نکند. امضا: مظفرالدین شاه

قونسول ژنرالی دولت علیهٔ ایران
دربغداد نمره
تاریخ سنه ۱۳۱۸

وزارت امور خارجه
آرشیو

تصدق گردم در خصوص عرایض میرزا فتح‌الله که از حضور مبارک بنده کان حضرت سلطانی اصلی ارفع اعظم

روحیفداه رسانده‌ام که از رفتار بی‌عادانهٔ علیرضاخان ارشدلی با جناب والی پشا فخاره بموزم جناب مشارالیه

جواب داده‌اند که از جانب صدارت عظمای عثمانی از عهدهٔ مجلی میرزا فتح‌الله نموده بودند فرمایش تعقیب امدن او در ارشدلی

و التجا بردن خالت او را میرزا فتح‌الله جواب داده‌ام ولی از صدارت عظمی امری برطرف و اعادهٔ او نرسیده است

هر وقت از صدارت عظمای عثمانی مجلی امری برطرف و اعادهٔ او صادر شد البته اعاده داده می‌شود

و اظهار و خواهش نموده‌اند که در فرصتی بحضور مبارک عرض و جسارت نمایم در حالیکه صدح و امنیت امر و مقرر فرمایند

وزارت خارجه و سفارت کبری با جناب والی فخاره نمایند و قرار بدهند در این تاریخ بعد از طرفین قرار بدهی

طرف دیگر معین نشود اگر چنین قراری مابین اولیاء عظام دولتین علیتین داده شود خیالات آسوده گی

طرفین و راحت عموم اتباع دولتین علیتین ساکنین حدود میشود و اظهار نموده‌اند که فرمایش این فقره را

بجناب عالی و سفارت کبرای عثمانی مقیم دارالخلافه طهران میفرمایم در اینباب هم اقدام نمایند

انشطور قرار داده شود موجب آسوده گی طرفین خواهد بود

بعد از این گفتگو میرزا فتح‌الله ارشدلی برای خانه والی پشا در ارشدلی فرود رسیده و الهی خان

میرزا فتح‌الله بقصر بندی آمده و علیرضاخان را بقصر برده و از خارج شنیده‌ام علیرضاخان گفته است

که در قصر با او کار ندارم خبر میکنم اگر امور فی‌مابین را بطوریکه میخواهیم انجام کرده خیالش خوب والا

شمارهٔ سند: ۹۲۶
موضوع: گزارش خرید خانهٔ ییلاقی مشیرالدوله
نمره: ٥٤
تاریخ: ۲۰ محرم ۱۳۱۹ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۲۹

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

در خصوص ییلاق مرحوم حاجی شیخ محسن خان مشیرالدوله در طهران مکرر به عرض اولیای دولت علیه رسانیدم و قرار شد که یک دِه خالصه که تقریباً ۲۵ هزار تومان قیمت داشته باشد دولت علیه به ورثهٔ مرحوم مشیرالدوله بدهند و این ییلاق را از ورثهٔ آن مرحوم ابتیاع بفرمایند، مستدعی است در این باب چون وقت ییلاق می رسد قرارداد دولت علیه را مرقوم بفرمایید که هم تکلیف ورثهٔ آن مرحوم معلوم بشود و هم تکلیف سفارت و اگر چنانچه اولیای دولت از خیال خریدن ییلاق صرف نظر فرموده اند آن را هم مرقوم بفرمایید تا به مضمون وکالت نامهٔ عیال مشیرالدوله مرحوم که در خصوص فروش آنجا به منیع السلطنه داده است بسپارم در اینجا اقدامات لازمه را به عمل بیاورند که بلکه آن بیچاره ها آسوده بشوند.

[حاشیه: دستخط مظفرالدین شاه:]
عجالتاً پولی نیست که ییلاق خریده شود. اثر مهر ارفع الدوله

۲۰۲ نمره ثبت تهران ۱۳۱۹
۵۴

در خصوص میلاق بهارم قریه چشمه محسن خان شیر الدوله در طهران که در عرض اولیای حضرت علیه

بهارم نوه دختری شیر الدوله میباشد و خلاصه در تقریباً ۲۵ هزار تومان قیمت دارد شیر

حضرت علیه ورثه مرحوم شیر الدوله هر نه دانگ میلاق را از ورثه مرحوم اجتماع نفرا

مستعرضات در مقابل چون دانگ میلاق سریسه قرار داده و حضرت علیه را مرحوم

نفرا سه دانگ تکلیف ورثه مرحوم سلطان بیگم و دانگ تکلیف نفارت و اگر چنانچه اولیای

حضرت از خیال خود میلاق صرف نظر نموده هر آنها مرحوم نفرا سه دانگ

وکالت نامه عیال شیر الدوله مرحوم در خصوص فروش آن بمبیع السطنه داده است لسارام

در اینجا اقدامات لازمه را نمیدانم چه باید نمود که آن پیاده آورده نشود

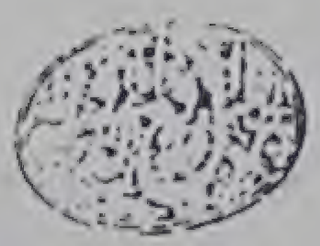

شمارهٔ سند: ۹۲۷
موضوع: حکم مجدالسلطنه و برقراری مواجب و تیول از محال صومای و برادوست و ایل شکاک و...
تاریخ: شعبان ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۳۲
پرونده: ۱۸

حکم مجدالسلطنه از طرف محمدعلی میرزا ولیعهد

حکم والا شد

آنکه چون جناب امیرالامراء العظام مجدالسلطنه از چاکران دولت ابدمدت و رفاهت و آسودگی او همواره منظور نظر والاست. لهذا محض مرحمت در حق مشارالیه به صدور این رقم مبارک محال صومای و برادوست و ایل شکاک را به انضمام سیر و ساردیک به تیول و محل مواجب مشارالیه مرحمت و واگذار نمودیم که همه‌ساله مواجب و مرسوم خود را بدین‌موجب از محلهای مزبوره دریافت نموده به امیدواری و دلگرمی تمام مشغول خدمتگزاری بوده بیشتر از پیشتر مراحم ما را شامل حال خود سازد*. مقرر آنکه کارگزاران آستان مبارک محلهای مزبور را واگذار به مشارالیه دانسته همه ساله مواجب و مرسوم او را از محلهای مزبوره عاید دارند و مقربوالخاقان [مقرب‌الخاقان] مستوفیان عظام و کُتّاب سعادت فرجام شرح رقم مبارک را ثبت و ضبط نموده در عهده شناسد. فی شهر شعبان ۱۳۱۹

[حاشیه:] مبلغ چهارصد تومان نقد و مقدار پنجاه خروار جنسی مواجب جناب امیرالامراء العظام مجدالسلطنه از بابت مالیات محال صومای برادوست و ایل شکاک موافق به رقم قضا مسلّم مبارک در دستورالعمل ارومیه تیول منظور خواهد شد تا واضح باشد.

[پشت نامه مُهر:] ۱. امیرنظام، سردار کل ۲. ثقة‌الدوله ۳. مشیرنظام، وزیر مالیه

* صورت تقسیم مواجب و مقرری معین شده، بدون بازخوانی در اصل سند منظور است.

شمارهٔ سند: ۹۲۸
موضوع: ارسال نمونه یک تذکره ایران در خاک عثمانی
نمره: ۱۹٤
تاریخ: ۱۷ ذی‌قعده ۱۳۱۹ هـ . ق
کارتن: ٥٤
پرونده: ۱

نامهٔ ژنرال قونسولی ایران در بغداد به وزارت خارجه

دو سال قبل که این بنده اینجا وارد شدم به قدر سیصد و چهارصد تذکره اینجا بود که حالا هم هست، گفتند جناب ناظم‌الملک آنها را چاپ کرده قدری به مردم داد چون نمی‌گرفتند و اسباب زحمت شد همین‌طور این تذاکر مانده است، حالا هم هست بد تذکره‌ای هم نیست عیبی ندارد ورقه‌ای از آن را لفاً ارسال حضور مبارک عالی داشتم و احدی هم نمی‌گیرد، اگر می‌فرمایید تمام را که به قدر سیصد چهارصد ورقه است بتوسط تجار و مکاری ارسال حضور مبارک عالی نمایم یا مقرر فرمایند پاره شده به آب شط ریخته شود یا همین طور که جناب ناظم‌الملک گذاشته و رفته بنده هم بگذارم برای کار پرداز دیگر. سوای این تذکره که یک ورق آن لفاً ارسال حضور مبارک می‌شود، ابداً تذکره دیگر در اینجا نیست و عبارات این تذکره هم عیبی ندارد. زیاده جسارت است. امر اجل امجد ارفع عالی مطاع. با مهر محمود (مشاورالملک)

تذکرهٔ اقامت

نمره

به نام همایون اعلی حضرت شاهنشاه ایران

اوصاف و اشکال

سن

قامت

موی

چشم

ریش

سبیل

سواد

صنعت

نشان مخصوص

امضای دارنده

دارندهٔ این رخصت‌نامه

که از تبعهٔ دولت علیهٔ ایران است ماذون می باشد در... وحوالی آن مشغول کار تجارت و کاسبی باشد بنا بر اتحاد و دوستی دولتین علیتین ایران و عثمانی سمت تابعیت او را گرامی دانسته در وقت حاجت لازمهٔ رعایت و جانبداری را دربارهٔ او به عمل بیاورند مدت تذکره همه ساله از ماه حمل باید تجدید شود.

فی شهر سنه ئیل

شماره	اسم	ولایت	صنعت	سن	قامت	چشم	ریش	سواد	نشان مخصوص	بتاریخ شهر سنه	امضای دارنده

قونسول ژنرالی دولت علیهٔ ایران

دربغداد نمره ۱۹۴

تاریخ ۱۷ شهر شعبه ۱۳۱۹ الحرام

تذکره

در سال قبل راین بنده اینجا وارد شده بعد از سیصد و چهار صد
اینجا بود که حاکم اسم برد گفتند جناب نظم الملک انها را
چاپ کرده قدری بمردم داد چون نگرفتند و بی رحمی شد
همینطور این مذاکرات ماند به بعد حاکم هم بتذکره نمی
میلی ندارد و رقه از ایران الغاً از پیشگاه حضور مبارک عالی دائم
و همه روزه تسلیم میکرد اگر منظور همه تمام را که بعد از سیصد و چهار صد
و رقه است توسط تجار و مکاری از پیشگاه حضور مبارک عالی هم
با مقرر فرمایند پاره شده باب شط ریخته شود همینطور
که جناب نظم الملک گذاشته و رقه بنده هم میگذارم برای
کار بر دارد دیگر سوای این تذکره در مورق ایران الغاً
از پیشگاه حضور مبارک شاهنشاهی ابداً تذکره دیگر در اینجا
و عبور آت این تذکره هم میلی ندارد زیاده چه عرض
امر امر اعلیحضرت اقدس همایونی است

تذکرهٔ اقامت

نمرهٔ

بنام همایون اعلیحضرت پادشاه ایران

اوصاف و اشکال

سن	
قامت	
موی	
چشم	
ریش	
سبیل	
سواد	
صنعت	
نشان مخصوص	

دارندهٔ این رخصتنامه
که از تبعهٔ دولت علیهٔ ایران است مأذون میشود
و حوالی آن مشغول کار تجارت و کاسبی باشد بنا بر اتحاد
و دوستی دولتین علیتین ایران و عثمانی همت تابعیت او را کما
داشته در وقت حاجت لازمهٔ رعایت و حمایت را
را درباره او بعمل بیاورند مدت تذکره همه
ساله از ماه حمل باید تجدید شود

فی شهر سنه ئیل

امضای دارنده

شمارهٔ سند: ۹۲۹
موضوع: اوضاع داخلی ایران
تاریخ: ۲۹ سپتامبر ۱۹۰۱ میلادی مطابق ۱۳۱۹ هـ.ق
کارتن: ۱۷
پرونده: ۳٤/۷

نامجات میرزا ملکم خان ناظم الدوله از پاریس به وزیر امور خارجه

فدایت شوم، از وقوعات طهران خبر صحیح ندارم، حقایق گزارشات هرچه باشد به انتشارات خارجه نباید چندان اعتنا کرد، زیرا که این قبیل انتشارات به طوری قوت یومیهٔ خلق فرنگستان شده که اگر یک روز از یک دولت آن قبیل اخبار نرسد بیشتر تعجب می‌کنند که چرا از آن دولت هیچ صدا ندایی ظهور نمی‌کند.

چیزی که محل ملاحظه است این است که در حق مخالفین پُرسختی نشود. شکی نیست که دولت‌خواهی و تجربه و قوت قلب اتابیک اعظم با اعتماد و توجه کاملهٔ اقدس همایون شاهنشاه روحنافداه، همه این جزئیات که لازمه ادارهٔ این عهد شده به خوشی و اغماض رفع خواهد کرد.

در ایران دو عیب بسیار بزرگ هست، بی کاری خلق و بی پولی دولت، این دو عیب در ایام سابق محسوس نبود در این دنیای تازه که هیچ شباهتی به دنیای سابق ندارد نتایج این دو عیب حکماً حواس اولیای دولت را بیشتر مشوّش خواهد کرد و چارهٔ این دو عیب بزرگ بلا تردید منحصر به قبول احکام علوم این عهد است و از شماتت و افساد مخالفین بجز مزید خرابی هیچ ثمری نیست.

از درد مخالفین خوب اطلاع دارم چیزی که آنها اطلاع ندارند این است که از تغییر این صدارت درد آنها و درد همه صدمرتبه بیشتر خواهد شد.

قتل رئیس ممالک مجتمعه آمریک مایهٔ تأسف و موجب غیظ عامه شد نسبت به آن گروه هرج و مرج که منکر هر قانون شده‌اند اغلب معتبرین در صدد این هستند که به جهت دفع این گروه مجانین قوانین سخت بگذارند، بعضی از دول می‌گویند سد افکار به زور ممکن نیست باید مردم را تربیت کرد و امور را بر چنان بنیان صحیح گذاشت که هرزگی جهال هیچ اثری نبخشد.

واقعهٔ دیگره که بیش از همه محل دقّت کل دول شده سفر امپراطور روس است به فرانسه، تشریفات و اجلال این سفر که خارج از حساب بود به کنار اصل عمل یعنی قوت اتحاد این دو دولت عرصه پولتیک دنیا را تغییر داد.

دولت روس از هم‌عهدی فرانسه در مشرق و مغرب منافع بی اندازه برده و خواهد برد. در این دویست سال گذشته آنچه در دنیا اتفاق افتاده خواه جنگ خواه صلح، خواه فتح، خواه شکست همه اسباب مزید قدرت روس شده و سبب این عظمت در حسن آن طرحی است که پطرکبیر از برای دولت خود مقرر کرد با آن بنیان صحیح امپراطور هرچه باشد و وزرا هرکه باشند ممکن نیست که دولت ساعت به ساعت ترقی نکند.

تازگی دیگر قطع مراوده فرانسه است با دولت عثمانی بدیهی است که دولت عثمانی در این مسئله باید حکماً متضرر بشود.

سلطان عثمانی، پادشاه عاقل و غیور و مسلماً طالب ترقی دولت است اما چون به واسطهٔ عدم تربیت از علوم حالیهٔ دنیا بکلی خارج مانده است از روی عقل شخصی خود آنچه می‌کند باعث تنزل دولت می‌شود، بعد از آنکه طرح اصلی یک دولت موافق علوم معینه صحیح نباشد مجاهدت و تدابیر فرعی هر قدر هم پسندیده به نظر بیاید ممکن نیست که منتهی به خرابی نشود.

عقلای بی‌علم عثمانی می‌گویند، ما نمی‌توانیم تدابیر فرنگستان را قبول بکنیم زیرا که دین ما از دست می‌رود، خیال باطلی حرف لغو. دولت جاپون که چهل سال قبل از این در دنیا بکلی مفقود بود به محض اینکه از ترقی خارجه بویی شنید بلادرنگ جمیع علوم و ترتیبات فرنگستان را اخذ کرد و در مدت ده سال شد یکی از اعظم دول روی زمین و از این علوم خارجه ابداً خللی به دین آن ملک وارد نیامد و نخواهد آمد زیرا که ترقی دنیا مال مخصوص هیچ مذهب نیست. تحریر اقلیدوس و تلغراف و گنه گنه و تنظیم مالیات و اصول آبادی به هیچ دین منافات ندارد، مگر به دین سفهای خودپرست.

کل سفرای مقیم رُم بلااستثنا و بزرگان و نجبای ایطالیا در خارج هستند و با اغلب آنها در اینجا مراوده دارم، در خود رم این ایام هیچ خبری نیست مگر اینکه طاعون به ناپل رسیده و دور نیست به رم هم سرایت بکند ولکن الحمدلله طاعون هم مثل سایر علل صوری و معنوی در مقابل دواهای علوم حالیهٔ دنیا چندان مخرب نیست انشاءالله در موعد مراجعت سفرا بنده در رم حاضر خواهم بود.

در باب بعضی نشانها که موافق سلیقه دولتی باید در سایر دول و در ایطالیا داده شود بعضی ملاحظات مختصراً عرض کرده‌ام جوابی نرسید نمی‌خواهم اوقات اولیای دولت علیه را به تکرار عرایض ضایع بکنم فقط یک کلمه عرض می‌کنم که در میان شئونات دول مستقله از همه گران‌بهاتر همین حق عطای نشان است و اقتضای شأن شاهنشاهی این است که قبل از قبول نشانهای خارجه اول خود شاهنشاه به دیگران نشان التفات فرماید، این قبیل حقوق را که به منزلهٔ روح استقلال است نباید به آسانی فراموش و فانی کرد.

در باب تعیین قونسول در جزیره ساردینا که از جانب جناب وزیر مقیم ایطالیا سفارش شده است با کمال میل در اجرای آن سعی خواهم کرد ولیکن از برای قونسولی میلان سابقاً به شخص معتبری وعده شده است که باید رعایت بکنم.

در باب این فقره نصب قونسولها و حقوق آنها در خارج هر وقت بندگان آن جناب مستطاب فرصت شنیدن داشته باشند باید به حکم لزوم شرحی عرض بکنم.

مرقوم شده بود که جناب ممتازالملک به مدیری ادارهٔ ایطالیا مقرر شده جناب ایشان را حضوراً چندان نمی‌شناسم ولیکن از کفایت و معقولیت ایشان به توسط دوستان و آشنایان ایشان و عابرین تفلیس این‌قدر توصیفات حقیقی شنیده‌ام که موافق قاعده باید وجود بسیار ممتاز باشد. ریشهٔ اعتبار و خزانهٔ یک دولت در وجود عمال کافی است و حضور چنان اشخاص از برای چاکران دولت باید موجب خوشوقتی و تهنیت باشد.

خبر سفر مبارک بندگان اقدس همایون شاهنشاهی به فرنگستان چندی است به طور صریح تکرار می‌شود، اشخاصی که از طهران اطلاعات مستقیمه دارند می‌گویند حکماً تشریف خواهند آورد، بعضی اصرار دارند که در ایران استطاعت سفر باقی نمانده این حرف آخر قابل شنیدن نیست در دولتی که به قدر ده دولت دیگر وسعت و از هر دولت بیشتر خزاین طبیعی دارد حرف بی‌پولی در مقابل قدرت اداره، این عرض کفر واقعی خواهد بود و یقین دارم که اگر از برای حضرت اتابیک اعظم دماغ کار باقی گذاشته باشند به اندک همّت ثابت خواهد کرد که چنان حرف در دهن دولت ایران چقدر لغو و چقدر قبیح بوده است.

امضا و نوشته: ملکم

[حاشیه:]

ــ پاکت دهم مشتمل بر شش نمره و دو پاکت بدایره مخصوص.

پاریس ۲۹ سپتامبر ۱۹۰۱ — 2 rue Pierre-Charron

پاکت دهم متمم پیوست نمره دو بکتب مدیر مخصص.

فقره ثانی از دو قسمت عبارات خبر صحیح ندارم حقایق کلیات هر یک بشارات خارجه نیز

چنانکه گفته ام قسمت اول عبارات بطوری قوت بوده که اگر یک ذره از آن کم شود

آن قسمت اخیر دیگر هیچ تعجب نمیکنم چه از آن دو قسمت صد اثر ظهور نمیکند چیزیکه مرا خیلی

اینست که در حق مخالفین پرستیژ شکست دو لتخواهی و نجابه دولت قبول بیک اعظم اعتماد

و توجه کامله اولیای امور نشان داده، همه اینها خوبیست و لازمه اداره امور عهده تنبلی و اغماض

رفع خطه نکند. در ایران دو عیب بسیار بزرگ است بیکاری خلق و بی پولی دولت اینها

عیب دیگر بی پولی محسوس نخواهد بود در این دو سال تازه هیچ شاهزاده بنیاد ساختمان ندارد نتایج اینها در عیب کمتر

حواس اولیای دولت بسیار متوجه خطه و چاره اینها در عیب بزرگ بلا تردید منحصر بقسمی احکام

علوم اینجا است دارالسلطنت و اسلاک مخالفین بکلی مزید خطه هیچ ثمری نیست. از دوره مخالفین خوب

اطلاع دارم چیزیکه اینها اطلاع ندارند اینست که از تغییر امیر صدارت دوره اینها در همه حدود مرتبه بسیار خطه

قسمتی از تمام ممالک متمدنه امریکا مایه تاسف و در جمیع قسمتها نسبت بآن کرده هرج و مرج و کشتار
هر قانون شده اند غیر معتبری در صدد اجرای آن برآمده و بجهه دفع آن کرده مجازات سخت گذارند
بعضی از دول میگویند سه انگلیس بزرگترین دشمن ما مردم شریر تگزاس و امور سوء بر چنان. همان صحیح
گذاشت و هرگز جهال هیچ اثری نبخشد .

واقعه دیگر که در پیش از همه مهمتر دقت کامل دول شده سفر امپراطور روس است بفرانسه تشریفات
و اجلال های سفر خارج از حساب بکنار اصل عمل یعنی قوت اتحاد ای دو دولت سوء
دنیا سو تغییر داده . دولت روس از همه های فرانسه در شرق و مغرب منافع بی اندازه بجهه .
در ای دو سال گذشته انچه در دنیا اتفاق افتاده خوه جنگ خوه صلح خوه فتح خواه شکست همه
اسباب زیاد قدرت روس شده . و سبب ای عظمت در حسن آن طرفین و چگونه از برای
با آن بیان صحیح امپراطور هر چه بگوید در را هرگز بشنه ممکن نیست در دل تاثیر نکند .

۳

تا رسیدن به یک قطع مرتبه فرانسه است، دولت عثمانی بدین است و در این مسئله با ما متفق نشود.

سلطان عثمانی پادشاه عاقلی است و مسلماً طالب ترقی دولت است، اما چون به واسطه عدم رغبت از علوم حاصله

بکلی خارج نمانده است از روی شخصی نمی خواهد که مملکت به هرج و مرج تنزل کند. بعد از آنکه طرح اصلاح

یک دولت موافق علوم مفیده صحیح باشد جهات و تدابیر و سعی هر قدر هم پسندیده و مطابق با مکنت

متهی نخواهد شد. عقلای علم عثمانی میگویند ما نمی توانیم تدابیر فرمانروای ما قبل خود را که

دیگر از دست میرود. تخطئه طبیعی حرف لغو. دولت عثمانی در جمیع ملل خیلی از امور دنیا کلیه مفقود

هم بعضی اشیاء که از ترقی خارجه بیوقع نشنیده بود در تمام جمیع علوم و ترتیبات و مکنت آن سوء اخلاق که در ملت

دیده شده از اعظم دول روی زمین دارای علوم خارجه اما اصلاح به میزان آن ملک در روی زمین نخواهد گذاشت زیرا که

ترقی دنیا مال مخصوص هیچ ملت نیست تحریر اقلیدس و تلغراف و کشف تنظیم مالیات

اصلی از دیگر هیچ دولت نخواهد گذاشت مگر بدین سفهای خود پرست.

۴۶

۵

ح

خبر فرستادن آن اقدس همایون به بلغارستان و بطلان صریح قرار مجلس شورای

از همان اصل مستقیمه دارد میکنند ضمن تشریف فرمائی اردو بعرض اقدس همایون

آسودگی سفرا و ادای حرف آخر و شنیدن جواب در دو سه روز بقدر ده روز دیگر

وسعت دارد هر دولت بیشتر خواهی طبیعی دارد حرف بزند و بقدر قوت اداره های عسکری

خلیج فارس دارم هرگاه از برای حضرت آقای اعظم وسائل کار فراهم نشده باشد

ثابت خلیج فارس چنان حریف همان دولت ایران چه قدر نفوذ چه قدر تسلط

ملکم

شمارهٔ سند: ۹۳۰
موضوع: امور اتباع عثمانی
تاریخ: هشتم رجب ۱۳۲۰ هـ.ق
کارتن: ۱
پرونده: —

راپورت توپخانهٔ مبارکه

دیروز طرف عصر دو نفر سوار که یکی از آنها قزاق بوده از جلو محراب توپخانه که پیاده‌رو و قدغن است که سواره عبور نمایند می‌گذشته‌اند توپخان قراول ممانعت می‌کنند از راه معمول عبور نمایند حضرات اعتنایی به حرف توپچی نمی‌کنندچون برحسب حکم توپچی مسئول است که اکیداً جلوگیری کرده کسی را نگذارند از آن راه عبور نماید و به حرف او اعتنایی نشده است، توپچی هم یکدو پشت قداره به اسب یکی از آنها زده است، این شخص از اجزای سفارت بوده یا نبوده است، توپچی نشناخته است.

راپورت توپخانهٔ مبارکه بتاریخ یوم شنبه نهم شهر رجب سنه ۱۳۱

شمارهٔ سند: ۹۳۱
موضوع: امور کنسولی سفارت عثمانی
نمره: ۱۵۷۷
تاریخ: ۱۱ رجب ۱۳۲۰ هـ.ق
کارتن: ۱
پرونده: ــ

سواد کاغذ وزارت خارجه به سپهسالار وزیر جنگ

رقیمهٔ کریمه جناب مستطاب اشرف، در مسئلهٔ توپچی و رفتاری که با پسر مستشار سفارت عثمانی نموده زیارت گردید، البته چنانکه مرقوم فرموده بودید اگر دنبالهٔ شکایت سفارت را به دادن ترضیهٔ توپچی کوتاه فرمایند اولیٰ و انسب است قدغن فرمایید توپچی با یک نفر صاحب‌منصب به وزارت خارجه بیایند که به سفارت بفرستم که علی الظاهر ترضیه داده رفع اشکال شود.

(نصراله مشیرالدوله)

۱۵۷۷

۱۵۷۷

براد کاخانه وزارت صاحبه لشکر پدر، وزیر جنگ

۱۱ رجب ۱۳۲۰

شمارهٔ سند: ۹۳۲
موضوع: شایعهٔ مراقبت ادارهٔ گمرک ایران به دولت روس
نمره: ۳٤۱
تاریخ: ۱٤ ذی‌قعده ۱۳۲۰ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۱

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

چند روز قبل جراید ترکی و فرانسه در اسلامبول انتشار دادند که از روز شانزدهم ذی‌قعده ادارهٔ گمرک ایران در تحت مراقبت دولت روس خواهد بود، این فقره اسباب هیجان و تشویش احوال تجار ایران گردیده، آمده از سفارت کبری استعلام نمودند بنده اگر چه خودم هم بیشتر از آنها از این فقره پریشان‌خاطر شدم محض اسکات و اطمینان خاطر تجار تکذیب مسئله نموده مراتب را تلگرافاً به جناب مستطاب اجل عالی اطلاع و چگونگی تفصیل را استفسار کردم و از جناب جلالت‌مآب اجل آقای مشیرالملک نیز تلگرافاً تحقیق مُطلب کرده بعد از وصول جواب از حضرت‌عالی و جناب معزی‌الیه که معلوم شد مطلب اصل نداشته اعلان این فقره از شایعات کاذبهٔ جراید بوده کمال خوشوقتی و اطمینان خاطر حاصل شده، دادم در جراید ترکی و فرانسوی و انگلیسی تکذیب مسئله نمودند و عموم تجار و تبعه هم از عدم صحت این فقره نهایت خوشوقتی حاصل کرده به دعای دوام عمر و اقبال بندگان اعلی‌حضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنافداه پرداختند، آنچه که جراید در انتشار این فقره درج کرده بودند و آنچه که سفارت کبری در تکذیب آن در جراید مندرج داشته هر دو را الصاق صفحه عریضه نمودم که خاطر مبارک عالی از مضمون آنها مستحضر باشد. مهر پرنس ارفع‌الدوله

۱۴ شهر فی قعده ۱۳۲۰

سام ۳

چند روز قبل جراید ترکیه در تحت عنوان عمومی انتشار دادند که از روز شنبه فی قعده اداره

گمرک ایران در تحت مراقبت روس خواهد بود این فقره البته همچنان

دیگر احوال تجار ایران که چیزی نمانده از شدت بیکاری متلاشی شوند نبوده اگرچه خودم

از این فقره پریشان خاطرشدم محض اینکه دلیلی بر تکذیب شنیده نبوده

مراتب را تلگرافا بجناب سعادت مآب علی اصغر خان چیکوفا تفصیل را اشعار کردم

و از جناب جلالتمآب مهدی قلی خان هدایت نیز تلگرافا تحقیق مطلب کردم بعد از چند

جواب از حضرتی و جناب منشی الممالک رسید که مطلب اصلی ندارد

این فقره از شایعات است که در جراید نموده کمال خوشوقتی و اطمینان خاطر حاصل

دادم در جراید ترکی و فرانسوی و انگلیسی تکذیب شده نشود و عموم تجار و رعیت

از این فقره نهایت خوشوقتی حاصل نموده بعد از چند روز که اخبار اینطرف

شایع شد اوراق فوق پرداخته آنچه در جراید درباره این فقره

درج نموده و آنچه از شرف تلگرافی در تکذیب آن در جراید منتشر داشته

هر دو را الصاق صفحه علیحده نموده در خاطر مبارک هایی از بابت آنها مختصر

تجارت وماليه

پترسبورغ ۲ شباط — ايران كمركلرينك روسيه نك

مراقبه‌سى تحتنه وضعى حقنده ۱۹۰۱ سنه‌سنده عقد ايدلمش اولان كمرك مقاوله‌نامه‌سى افرنجى شباطك اون اوچنجى كونندن اعتباراً معمول به اوله‌جقدر.

LA RUSSIE ET LE PERSE.

ST-PÉTERSBOURG, 2 fév. — La convention douanière de 1901 entre la Perse et la Russie plaçant les douanes persanes sous le contrôle de la Russie sera appliquée à partir du 13 février courant. (*Nationale*).

---

entre la Russie et la Perse

St-Pétersbourg, 2 février.

La convention douanière de 1901 entre la Perse et la Russie plaçant les douanes persanes sous le contrôle de la Russie sera appliquée à partir du 13 fevrier courant.

RUSSIA AND PERSIA.

THE CUSTOMS Convention concluded in 1901 between Russia and Persia, placing the Persian Custom-houses under Russian coutrol, will become operative on the 13th inst.

RUSSIA AND PERSIA.

St. Petersburg, Feb. 2.

The Customs Commission between Persia and Russia places the Persian Custom-houses under the control of Russia from the 14th of the present month. —

پترسبورغدن آژانس ناسیونالك تبلیغ ایلدیکی ۲ شباط افرنجی تاریخلو تلغرافدن نقلاً ایران کمرکلرینك روسیه‌نك مراقبه‌سی تحتنده وضعی حقنده ۱۹۰۱ سنه‌سنده عقد ایدلمش اولان کمرك مقاوله‌نامه‌سی شباطك اون اوچنجی کونندن اعتباراً معمول به اولهجغی نشر اولنمش ایسه‌ده تحقیقات موثوقه‌یه نظراً نشریات واقعه‌یه بی‌اصل اولوب فقط روسیه وایران دولتلری بینده اخیراً قرارکیر اولان یکی کمرك تعرفه‌سنك اشبو شهر شباط افرنجینك اون دردنجی کونندن اعتباراً موقع اجرایه وضع اولهجغی تحقیقات اخیره‌من جمله‌سندندر.

La convention douanière russe-persane

Une dépêche de l'agence Nationale en date du 2 février disait que : « La convention douanière de 1901 entre la Russie et la Perse, plaçant les douanes persanes sous le contrôle de la Russie sera appliquée à partir du 13 février courant. »

Nous apprenons que cette nouvelle est dénuée de fondement ; ce qui est vrai, c'est que, dernièrement, entre les gouvernements russe et persan on a conclu un nouveau tarif douanier qui sera mis en vigueur le 14 février prochain.

RUSSIA AND PERSIA.

THE PERSIAN Embassy requests us to contradict the statement in a "National" telegram published in our issue of the 3rd inst. to the effect that the new Commercial Convention between Russia and Persia places the Persian Custom-houses under Russian control. Particulars about this Convention, which becomes operative on the 14th inst., will be found on our second page.

شمارهٔ سند: ۹۳۳
موضوع: کاغذ میرزا مهدی مدیر روزنامه اختر
نمره: ۲٤
تاریخ: ۵ شهر محرم‌الحرام ۱۳۲۱. ق
کارتن:
پرونده:

یک فقره کاغذ میرزامهدی مدیر روزنامهٔ اختر است که از شرف عرض خاکپای مهراعتلای اقدس همایونی روحنافداه می‌گذرد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
جناب اشرف اتابک اعظم اگر منظور این شخص طبع روزنامه است که اجازه داده نخواهد شد و اگر مطلبی است علاوه ملاحظه کرده ما که درست ملتفت نشدیم، جوابی که مقتضی است وزیر بدهد. شهر صفر ۱۳۲۱

۱۳۲۱
۵ مهر
۲۴

شمارهٔ سند: ۹۳٤
موضوع: برائت از تألیف و طبع کتاب سیاحتنامه
تاریخ: ١٤ ذی‌حجه ۱۳۲۰ هـ.ق
کارتن: ٤
پرونده: ۱۱/۱

نامهٔ میرزا مهدی مدیر روزنامهٔ اختر به مظفرالدین شاه

قربانت شوم، چندی است که سفارت سنیهٔ کبری برحسب اشارهٔ وزارت جلیلهٔ خارجه فدوی چاکر را که آب و گِل وجود ناچیزم به مهر وطن و پادشاه‌پرستی سرشته است به تألیف و طبع کتاب ترّهات نصاب سیاحتنامه متهم داشته هر روز به وجهی مورد مؤاخذه و استنطاقم می‌دارد. مأمورین خُفیه از عثمانی و ایرانی به تفحّص و تجسّس گماشته مفتشین معارف و مطبوعات را به مواعد انعام و امتیازات به تعقیب این غلام جان‌نثار که به انتساب بندگی آن آستان بلند مفتخر است، برانگیخته موجب سلب راحت بال و فراغت خیال کمترین بنده شده‌اند.

تا حال گناهی که در این باب به فدوی چاکر توانسته‌اند ثابت فرمایند همانا بجز این نیست که بنده نسبت به سایر هموطنان قلمی شکسته در بنان و زبان و بیانی داشته است.

مراتب وطن‌پرستی و دولتخواهی کمترین چاکر را تمامی هموطنان خاصه آنان که در اسلامبول اقامت دارند نیکو می‌دانند همگی در حضور حضرت اشرف سفارت پناهی شهادت و گواهی دادند که دامن غیرت مهدی از لوث این تهمت پاک است و ذمّهٔ ارادتش از آلایش این گناه صاف و خود نیز مصحف به نعل زده و در حضور جمعی سوگند یاد نمودم که ازین کار ناهموار خبر ندارم. لهذا چندی ساکت بودند ولی امروزها باز دنباله می‌کنند. فدوی چاکر چهل و یک سال تمام است که در اسلامبول اقامت دارم و چهار سال است که به موجب ارادهٔ اعلی حضرت سلطانی با مواجب مستوفی که تقریباً سالیانه یکهزار و هشتصد تومان می‌شود به عضویت انجمن معارف مُعیّن شده‌ام، با این حال هرچه سعی کردند که از خیالات آنان پیروی کنم چشم از هرگونه مواعدشان پوشیده به شرف تابعیت خود را نباختم و بشدت هرچه تمامتر آن گونه تکالیفشان را که

واقعاً مستلزم بسی منافع ظاهری بود از پس پشت برانداختم و بالعکس مدت بیست و پنج سال در عالم مطبوعات به دولت متبوعه و ملت خود در نهایت جانفشانی قربتهً الی الله خدمت کردم، پاداشی که در مقابل نصیبم شد همین افترا و تهمت است. آن هم به قول مجرد یک نفر بابی بی دین و بی سواد که ناسید فرج الله باشد، جهانی می دانند که آن مُلحدان بدکیش دشمنان تاج و تخت پادشاه و عدو اکبر دین و آیین ما هستند. اگر قول آن گدای بی دین در نظر اولیای دولت استوار است این را هم باید بشنوند که در واقعهٔ هائلهٔ شاه شهید در مصر به آواز بلند مصریان را مخاطب داشته می‌گفت نفوذ ما طایفهٔ بابیه در ایران چندان بالا گرفته که بسیاری از وزرای مملکت حتی صدراعظم از حزب ما هستند. حال آنکه به حمدالله رونقی در بازارشان نمانده طبل رسوایشان را در سر هر بازاری می زنند. آن سامری گوساله‌پرست از انتشار امثال این افتراها می خواهد سنگ تفرقه به میان ملت انداخته خیالات اولیای دولت را مشوّش دارد.

باری فدوی چاکر تاکنون در مقابل این همه طعنه‌های تیرآوران صبر نمودم در حالتی که به یک کلمهٔ بلی می توانستم خود را از صد چون این بلیّه رهایی بدهم. این قدر هست که پس از شصت و دو سال زندگی و چهل و اند سال غربت و دعوی غیرت و پادشاه‌پرستی بر خود هموار نمی توانم نمود که در پایان عمر این ننگ عاید حال فدوی گردد.

کتاب مذکور از قراری که می‌گویند به اقدامات یک نفر از تبعهٔ روس مقیم عشق‌آباد یا بادکوبه در مصر به دستیاری یکی از این طایفهٔ منحوس چاپ شده است. در اسلامبول با همه تقیّدات حکومت عثمانی طبع این گونه کتب محال است، زیرا که در تمامی مطبعه‌ها از خود عمله مطبعه خفیه هست که خود صاحب مطبعه هم نمی شناسد. با این حال احدی جرئت ندارد که یک صحیفه از این مقولات را بر روی کاغذ نقل بدهد تا چه رسد به کتابی. گذشته از آنها به حمدالله فدوی تاکنون ناموس قلم خود را از نگارش امثال این گونه ترّهات نگاهداری نموده‌ام، ایران وطن محبوب و معشوق من است به هوای آن زنده‌ام و به یاد آن خرسند، شکسته باد دستی که به خواری آن قلمی بردارد یا در نکوهش آن سطری بنگارد. (در دهر یکی مسلم آن هم کافر— پس در همهٔ دهر یک مسلمان نبود) هرگاه خدای نکرده بنده را خیالی از این مقوله در سر باشد به نگارش امثال این سخنان یاوهٔ بازاری که هر عوام و رهگذری دیده و می داند تنزّل نمی‌کند که

بجز از افتضاح نیز نتیجه‌ای از آن حاصل نشود. باید علاجی کرد که خون از دل نیاید، انتشار امثال این مزخرفات از قبیل پاشیدن نمک بر جراحت است، فدوی چاکر تا آن پایه بی سواد نیست.

به هرحال امیدواریم ان‌شاءالله در سایهٔ بلند پادشاه دل‌آگاه که عمرش پاینده باد به تدریج همهٔ کجی های وطن مقدس راستی گیرد و نقصانها کمال پذیرد (انه قادرٌ علی ذلک) استدعا دارم که امر و مقرر فرمایند به سفارت سنیه اشارتی بشود که بیش از این معترض حال این بندهٔ بی گناه نشوند و بگذارند در این گوشهٔ انزوا به آتش دل خود بسوزم و بسازم (مپسند خدایا که شود هیچ مسلمان ــ خجلت‌زدهٔ تهمت ناکرده گناهی)، زیاده جسارت است.

فدوی چاکر محمدمهدی اخترتبریزی

فی ۱٤ شهر ذیحجه‌الحرام ۱۳۲۰

قانون دوم چندیست که سعادت بنده گرد سر ستاره ورارت جلیله خارجه فردی داد
که آب رفته بجوی باز آید و بخت برگشته باز آید
ساحتخانه مهم داشته هر روز بوجهی مورد مؤاخذه و استنطاق قرار میدادند تا بدین
ارتقای ولایاتی به تفحص و تجسس کاشته منتشین معارف و مطبوعات را موعد انعام داده
بتعقیب این غلام جان نثار گماشته بودند که آن آستان بلند معجزات انگیخته
موجب سلب راحت بال و فراغت خیال کمترین بنده شده بود
تا حال گناهی که در حق فردی چاکر توانسته بود ثابت دهند اما بجرأت این
که بنده نسبت به پرهموطنان قلمی شکسته در میان دوستان و آشنایان
مرتکب وطن پرستی و دولتخواهی کمترین چاکر تمامی هموطنان خاصه آنانکه در اسلامبول امانت دارند
میگردیدند همگی در حضور حضرت اشرف سفارتپناهی شهادت و گواهی دادند که دامن عفت مهدی
زاده لوث این تهمت بوده و ذمه ارادتش از آلایش این گناه صاف و خاطر منصف معترف
در حضور جمعی بوکند یاد نمودم که از این کارها هموار خبر ندارم لهذا احدی ساکت نبود و دم از
باز دنباله می کشند فردی چاکر جهتی دیگر تمام است که در سه موکل امانت دارم
و چهار سال است که بموجب اراده علیحضرت سلطانی با موجب مستوفی که تقریبا سالیانه
یکهزار و پانصد لیره میشود بعضویت انجمن معارف معین شده ام با این حال هرچه میکردم که از حالت
آه و ناله بروی کنم چشم از هر گونه موعدشان پوشیده بشرف بعضویت جمعیت انجمن دشت
هرچه ناچار آنگونه تکالیف را که دقیقا مستلزم بستی نفع ظاهری بود از سر دشت برانداختم
و بکسر رتبه بیست و پنجال در عالم مطبوعات بدون منفعت متوقعه و ملتفت خود در پیشگاه عالیانی
قربتا الی الله خدمت کردم با دانشی که در مقابل تصمیم شد هنوز افترا و تهمت آنهم بقول مجرد

یکنفر با بی بیدین و بی سواد که هستید فرج بهم باشد جهانی میدانند که آن ملحدان بدکیش شما
تاج و تخت پادشاه و عدو اکبر دین و آیین هستند اگر قول آن گدای بیدین در نظر
اولیای دولت استوارست این را هم باید بشنوند که در وقعهٔ هائیه شاه شهید در مصر
آنروز بلند مصریان را می طلبیده شکایت نفوذ ناطقهٔ با به در ایران خبرش آنجا
که بسیاری از وزرای مملکت حتی صدر اعظم از حزب ما هستند حال آنکه تحمداله رقبای
در ما زنان نمانده طهران سوءاتش را در سر هر بازاری میزنند آن سامری گوساله پرست
از هتک ناموس این فقرا هیچ ابا ندارد ننگ تفرقه بین ملت انداخته خیانت اولیای دولت را
مستور میدارد
باری فقری جا کرد کنون در مقامی این همه طعنهای تیر آورش صبر نمودم در آنکه بیک کلمه ملی
نمیتوانستم خود را از صدمون این بلیه رها نمایم نهایت که بسر از خطر و خون آن یکی
دو سال غربت و دعوی غیرت و پادشاه پرستی برخود هموار نمی توانم نمود که در پایان عمر
این ننگ عائد حال فقری گردد

کتاب مذکور از قراریکه می گویند، قرارات یکنفر از تبعه روس مقیم عشق آباد، یا اگر به در مصر بدیده
این طایفه منحوس چاپ شده است در اسلامبول، همه تقیدات حکومت عثمانی طبع سلیم را
زیرا که در تمامی مطبعه ها از جمله عملهٔ مطبعه خفیه است که خود صاحب مطبعه اینها میباشد
ندارد که یک صحیفه از این مجموعه را بروی کاغذ نقل بدهد تا چه رسد بکتابی
که شصت از آنها بحمداله فروی تا کنون، موس قلم خود را از نگارش آنها نگویم ترا هنوز نگاهداری نمودم
در این وطن محبوب و معشوق من است بهوای آن زنده ام و بیاد آن خورسند نکته ادبی
که بخواری آن قلمی بردارد یا در نکوهش آن سطری نگارد (در دهر یکی مسلم آن هم کافر)
(پس در همه دهر یک مسلمان نبود) هرگاه صدای گرفته شده را خیالی از همچو له در سر باشد

بنگارش اشعال این سخنان یاده هزاری که هرعوام در هرگذری دیده و میدانند تنزل می کند
که بجز از افتضاح نیز نتیجه از آن حاصل نشود باید علاجی کرد که خون از دل نیاید انتشار اشعال
این مزخرفات از قبیل پاشیدن نمک برجراحت است فردی چاکر تا آن پایه بی سواد است
بهرحال امیدوارم شاه دیر درسایه بلند بادشاه دل آگاه که عمرش پاینده باد بتدریج
همه کجیهای وطن مقدس را راستی کرد نقصانها کمال پذیرد (انه قادر علی ذلک)
استدعا دارم که هر دفعه رساله نفارت نتیجه شماره ئی نبود که پیش از این منتشر شد
حال این بنده بی گناه نشوند و بگذارند در این گوشه از زوایای دل خود بنویسم و بسازم
(میپسند خدایا که شود هیچ مسلمان) خجلت زده همتش گردد (نی) زاهل جهان
فردی چاکر محمد مهدی اختیاری
۱۴۲ شهر ربیع الحرام ۱۳۲۰

شمارهٔ سند: ۹۳۵
موضوع: صفحاتی از کتاب سیاحتنامهٔ میرزا مهدی مدیر روزنامهٔ اختر
تاریخ: ۱۳۲۱ هـ.ق
کارتن: ٤
پرونده: ۱۱/۱

گزارشات سفارت ایران از اسلامبول به وزارت خارجه و ارسال صفحاتی از کتاب سیاحتنامه میرزا محمدمهدی اختر تبریزی مدیر روزنامهٔ اختر

﴿ قفی سوره اعتمادم اولسون

نجه سنه اعتمادم اولسون ﴾

پس ازاین سوز و گداز دوست انگلیسی براز ونیاز شده جواب هم آزی نشنید پس ناچار خاموش شد . براز مطلب دور نشویم (شرح این هجران واین خون جگر ، این زمان بگذار تاوقت دگر) دولت انگلیس همه گونه تدبیر درپهمزدن این راه با حکومت عثمانی بکار بردولی از پیش نبرد . تا پاره را در عصیان (صباح ابن المبارك) شیخ (کویت) که تابع وعامل عثمانی بود دیده برآنش وآدار نمود . (ابن الرشید) امیر (نجد) باوی درآویخت وخون چندین هزار مسلمان چون دانهٔ مرجان در صحرای عمان ریخته شد . کشتیهای جنگی انگلیس از طرف دریا حمایت حدود بلاد وشیخ نمودند . تاشیخ جاهل بیرق عثمانی را پایین کرده و بیرقی از خود برافراشت والی سابق منصرف معزول فرمانه تازه بدان سوی کسیل شد تا حقوق مشروعهٔ عثمانی را ثبوت سلاح درکویت استوار نماید کار در این پیکره بود که زمانه گلی دیگر بآب انداخت .

« گل بود بسبزه نیز آراسته شد »

خبر کشیدن راه آهن از سر حد (جلفایو تبریز و زنجان وقزوین وتهران وقم واصفهان وکرمان تا بندر عباس) ازطرف کومپانی روسی برطنبور نغمهٔ دیگر بنواخت ودر (پارلمان) انگلیس قیل وقال سر گرفت روس وآلمان را هدف تیر تهدید جراید نمودند . آنهام مقابله بالمثل کرده در تجارت را در دریای فارس بروی همه ملل بدون امتیاز باز کرده ورا سمان احتکار تجارت آن سامان را از گردن انگلیسان بردآشتند . جراید انگلیس بجوش وخروش آمدند گاهی بوعد وهنگامی بوعید مقاله های سخت خطاب بحکومت ایران نوشتند که دراین اثنا موکب همیونی راه بلندن نزدیك کرد . جراید بحسب قاعده دانی وادب ساکت شدند . از موکب فرخنده بعبارات خوش تذیرای نمودند . دولت وملت انگلیس نیز از ابنای مراسم میزبانی مراین مهمان واجب التعظیم را فرو گذاری نکردند واز مراعم آوردن همهٔ قسم اسباب تجمله وتکریم کوتاهی نه نمودند . بزبان حال وقال مافی الضمیر خودرا نیز آشکار ساختند ولی بمضمون حدیث شریف (لا یلدغ المؤمن من الجحر مرتین) ونیز بدین بیت لسان الغیب اگر اشتباهادم رفته است بسزا بوده است (هر چند آزمودم ازتو نبود سودم . من جرب المجرب حلت به الندامه)

تا موکب همایونی از دریای (مانش) بخاك فرانسه مراجعت فرمود . باز ترانهٔ دیرین راساز کردند . روزنامهٔ (تایمس) مقالهٔ بلند بالایی در دو هفتهٔ قبل نوشته در قسمت کردن ایران دولت روس را وعدهٔ شراکت داده است که طرف شمال وشرقی ایران راروس بزیر منطقهٔ نفوذ خود آورده انگلیسان هم طرف جنوبی ایران را تحت منطقهٔ نفوذ خویش بیاورند . جناب مستطاب اشرف اتابك اعظم را مانع تقدم نفوذ سیاسی خود در ایران دانسته واورا طرفدار روس وفرانسه نموده است . حزب دیگررا از خود تراشیده رئیس آن دسته را (میرزا محمد خان یا میرزا محمود خان) نام نهاده او را طرفدار انگلیس می شمارد . ما از این کرم جانی انگلیسان در شگفت شده مقالهٔ بر ضد این ترهات ومزخرفات حاضر کرده بودیم وتوضیح وافی وکافی در حل این رمز مطلسم در دست داشتیم که

« قطعت جهیزة قول کل خطیب »

روزنامهٔ (نوی و برمای) روسی که زبان حال وزارت خارجهٔ روس است مقالهٔ بسیار مهمی در کنه سیاست انگلیس وروس در بارهٔ ایران در هفتهٔ گذشته نشر نمود وپرده از روی کار هردو دولت برداشته است . لهذا ما مقالهٔ مذکور را حرفاً ترجمه کرده ومقالهٔ خود را در این خصوص بآینده باز گذاشتیم . روزنامهٔ مذکور ردجواب متمنیات (تایمس) را چنین میگوید

موقع جغرافی ایران این مملکت را در سیاست اهمیت فوق العاده میدهد . وپوشیده نیست که دولت انگلیس از سالیان دراز چشم طمع را بسوی این کشور باز کرده وحلول فرصت را روز شماری می نمود . چون انگلیس هرگز بدین آرزو نخواهد رسید مگر اینکه طرف جنوبی ایران را بزیر سایهٔ نفوذ خود بیاورد . این است که از مدتی

روزنامه‌ای معتبر انگلیس مسئلهٔ تقسیم ایران را بیان آورده و بد ومنطقه منقسم کرده قسم شمالی را بدولت روس وقسم جنوبی را برای خود شان برمیدارند ۰این یکی از اسرار خام طمعی وعدم تبصر در اموراست ۰

زیرا دولت روس هرگز بدین وجه و یا بسایر وجوه بتقسیم ایران تن در نخواهد داد ۰ زیرا مصلحت روسیه در مستقل بودن ایران بوده ۰ ونیز از واجبات دولت روس هم یکی این است درمقابل دشمن ایران که جسارت برتعدی ومس استقلال ایران یا مداخله بر شئونات داخلیهٔ ایران می نماید یا خواهد نمود ایستاده وسینه سپر کند ۰ دولت روس هرگز راغب استیلا وتسخیر ایران نیست ۰ بلکه از استقلال ایران دفاع کرده واگر لازم شود چنانچه از خود دفع ضرر کند واز ایران هم دفع ضرر واضرار دشمن خواهد نمود ۰ اگر معترض اعتراض نماید مادام روس را هوس تسخیر ایران نیست پس چرا اهتمام تمام در ایجاد مواصلات از حدود روس تا دریای فارس کرده واین مواصلات را از قلب ایران میگذراند ۰ جواب میدهیم که کشیدن این راه آهن در آینده دلیل دشمنی روس بر ایران نخواهد شد زیرا این راه محض برای آسانی مواصلات تجارتی وتوفیری وتسهیل احوال معیشتی اراضی روسیهٔ متصل بدریای مازندران واملاک روسیه در وسط اسیا باشد ۰ زیرا ممالک روسیه را منافذ وگذرگاه بدریای محیط جز این راه نبوده که بتواند حرکات دادوستد وتصدیر وتوریدخود را مناسب احتیاجات معیشت در آن ممالک دور بجای آورد ۰ پس مقاصد سیاسی دولت روس در ایران اقتصادی محض بوده وبه هیچ وجه من الوجوه داخل سیاست استعماری واستملاکی نیست ۰

« حکمت » شرکت تلگرافی انگلیس (رونر) هم در چهارشنبه ۲۱ جمادی الثانیه ۲۴ شهریور گذشته تلغرافی آنی را از پترسبورغ بهمه جا منتشر نمود ۰ جریدهٔ کازت دی پترسبورغ) خطابه های اعلیحضرت امپراتور روس واعلیحضرت پادشاه ایران را که در (فورسک) گفته شده بود شرح کرده وگفت که این دو خطابه از این دو پادشاه بر فکر یکه آن تقسیم ایران را بدو منطقهٔ نفوذ طرف جنوبی بانگلیس وشمالی را بروس قسمت می نماید ضربت کشنده آمد ۰ واز روی حقیقت مقرر شد که ایران هرگز تابع تسلط هرگونه اجنبی نشده وهم نخواهد شد ۰

(حکمت) این مرکز سیاسی ایران در حال حاضر بوده وبرای آینده هم فکر قاصر خودمان را بیان خواهیم نمود ۰

﴿ یریدون أن یطفئوا نور الله بأفواههم ویأبی الله ﴾

﴿ الاّ أن یتمّ نوره ولو کره الکافرون ﴾

﴿ شاهنشاه ایران درفرنگستان ﴾

آنانکه درست از تواریخ دول وعقائد ملل ونحل گاهند نیکود آنند که از آغاز ظهور حضرات أنبیاء وأولیاء وحکماء وعلماء ومردمان بزرگ ۰ هیچ یك از این بزرگواران از طعن حساد وملامت جهال نرسته وهمه را تن ازتیر نکوهش وسرزنش نادانان خسته است ۰ همچنان ملوك عظام وأمراء کرام ووزراء فخام را کار نیز بدین شیوه بوده از قدح قادح وملام ملیم بهرهٔ وافر برده اند ۰

زیرا مرکز حکومت ونقطهٔ ریاست اینان انظار خویش وبیگانه را بسویشان معطوف دارد ۰ دیدهٔ مؤالف ومخالف را بر ایشان نگران آورد ۰ آنکه دوست است حکمت کردارشان را بهتر داند آنسته چیزیرا که عوام زلت وهفوه وگناه پندارند از ینها چشم پوشیده از عرض بجوهر پردازد ومجازرا حقیقت شمارد ولی « چشم بد اندیش که برکنده باد » جمیع هنرهادر نظرش عیب نماید ۰ حسنات را سیئآت بیند ۰ شجاعت را تهوّر ۰ کرم وجود وسخاوت را اسراف وتبذیر ۰ فروتنی را سست عنصری ۰ حلم وبردباری را ضعف رأی ۰ بشاشت وجه را خفت ۰ طلاقت زبان را دعابت ۰ سکوت را عجز ۰ سکون ورزانت راعدم قدرت وناتوانی وزبونی ۰ شیرین زبانی ومهربانی را لابه وچاپلوسی شمرد وهلم جرّا ۰ مقصود از

تمهید این مقدمه مسافرت موکب همایون اعلیحضرت اقدس پادشاه ایران خلد الله ملکه که مصداق آیهٔ وافی هدایهٔ

﴿ وشددنا ملکه وآتیناه الحکمة وفصل الخطاب ﴾

هستند دو بار بسوی فرنگستان است که دراین دو سفر خیریت اثر بحسب جاه منیع ومقام رفیع ذات خجسته صفات خسروانه اش باللیاقة والاستحقاق مظهر همه قسم تجله وتعظیم اعتبار وتکریم. ازملوك وملل فرنك بوده. در محافل رسمیه وغیر رسمیه ذرهٔ مخالفت آداب ومغایرت رسوم وعادات ازاین شهریار کامکار تا ادنی ملتزمین رکاب معالی انتساب درغیاب وشهود مشهود نگشت. در مجالس رسمیه بجزاز وصف کیاست وحسن سیاست شاهانه اش سخنی درمیانه نبود ودر محافل غیر رسمیه جزاز مکارم اخلاق ومحاسن اطوار خسروانه اش مذاکرهٔ دیگرنمی شد. روزنامهای معتبرعمومی فرنگستان از روس وآلمان وفرانسه وانگلیس واوتریش وایتالی و بلژیك وعثمانی متوالیاصحایف جرایدخودرا ازتمجید وتحمید خصال ستودهٔ این پادشاه دل آگاه پرکرده و بنام نامی «گران سینیور» نامیدند. ملت فرنك شیفتهٔ کردار نیکو یش شدند. اوضاع واطوار ملتزمین رکاب مستطاب را یك بیك نیکو سنجیدند. وهر یك را نام بردند. و به بهترین عبارات وثنا ستودندبو یژه خواجهٔ بزرگ ودستور سنرك جناب مستطاب اشرف اتابك اعظم را (وحید الشرق فی الکیاسة) نام نهادند و بنام (خبیر وبصیر ایران) نامیدند. غیر از دو جریدهٔ ساقطه که وجدان وقلم فروشی آنها مشهور جهان است از این میانه بحسب غرض قدیم ومرض عتیق وداء دفین برخواسته بایماز واغوای مفسدین چند ملتزمین رکاب مستطاب را هدف تیر ملامت نمودند. فساد اخلاق بعض فرنسویان راکه معروف جهان است بدرجهٔ ثبوت رسانیدند. آن دو روزنامه رانام یکی (فیغارو ودیگری ماتان)منطبعهٔ پاریس است. جراید چندهم از تونس ومصر که آداب ومبادی آنها معلوم همه است پیروی ازینها کرده شاخ و برگی چند برآنها افزوده منتشر نمودند. چون سبب غرض ومرض ان دو جریدهٔ فرنسوی از مطالعین حکمت پوشیده است لهذا مختصرا بایضاح آن می پردازیم.

پس از معاودت موکب همایون از پاریس بایران پیرارسال مدیر آنها به بهانهٔ اینکه از طرف یك نفراز ملتزمین رکاب به نشر أخبار متعلقه بموکب همایونی مخصص شده بوده است بمطالبهٔ چندین هزار فرانك بر خواست از آنجا یکه دست عطا پیوست اعلیحضرت شهریاری بهزر افشانی معتاد است دوست ودشمن از خوان نوال آن خسرو بی همال متنعم اند بتوسط سفارت پاریس مبلغی بعنوان احسان بدیشان مرحمت شد. دراین سفر دوم چون وقاحت وقباحت آنان وامثال ایشان معروف شده بود از دخول بسرای همایون غدقن واز معاشرت ملتزمین رکاب ممنوع آمدند. داغی از این بی اعتنایی بردلشان گذاشته شده این بود که پس از عزیمت موکب همایونی بایران ریش دلشان متهیج شده وبخیال خود خواستند که انتقامی کشیده باشند واز این نکته غافل اند که

﴿ مه بتابد سگ همی عو عو کند ﴾

سبب عمدهٔ باطنی وقاحت این دوجریده رانیز باید آشکار آریم که مطلب درست معین شود. این دو روزنامهٔ فرنسوی از چندین سال خودرا بد شمنی دین ودول اسلام ومسلمین بهمه اعلام نموده همواره از قدح وذم دین پاك ومسلمین کوتاهی ندارند. به بهانه های مختلف از بد گویی در بارهٔ ملوك اسلام خود داری ندارند. مقالات مسیوها نوتو و زبرامور خارجهٔ فرانسه در این گونه جراید

در بارهٔ دین اسلام وصاحب اسلام از چهار سال هنوز در یاد است ۱۰ فسوس که بجهت عدم وسعت جریده نمی توانیم اقوال انهارا که بر ضد اسلام وملوك مسلمین نوشته اند درحکمت درج کنیم

﴿ وان ترضی عنك الیهود ولا النصاری حتی تتبع ملتهم ﴾

اما جریدهٔ مصریه . ما مرض آن رانیز بهترمیدانیم . در سفر سیم شاه شهید سعید بپاریس مدیر آن بتوسط مرحوم میرزا نجف علی خان قونسل جنرال مصر شرف اندوزی از حضور شاهانه حاصل کرد . بمدیر وصاحب امتیاز جریده دو قطعه نشان شیرو خورشید خارجه از درجهٔ سیم مرحمت شده فرمان ونشانها رادر اسکندریه نزد این بنده فرستاده که بانشریفات شایان تسلیم ایشان شد . پس از دوسال در زمان ما موریت جناب میرزا علی نقی خان مستشارالسلطان رأساً از وزارت خارجهٔ ایران مطالبه دویست لیراغودند که هرساله ازهر شمارهٔ ازجریده یکصد نسخه باسم حکومت ایران فرستاده ایم تاحسب الامر بجنرال قونسلگری مصر بتوسط این بنده پانصد تومان بدیشان داده وقبض سند گرفته شد وتعهد دیگر دادند که هرگز باسم حکومت ایران روزنامه نفرستند . همینکه مستشار السلطان ازمصر به بغداد تبدیل مأموریت کرد میدان را خالی دیده دوباره راسا از وزارت خارجیهٔ ایران مطالبه قیمت اشتراك صد نسخهٔ اولی نمودند تا اینکه مستشار السلطان قبض سند وتعهد اورا از بغداد نزد بنده فرستاد رسوای خاص وعام شد . دماغش بخاك مالیده گردید پس ازچندین معاملهٔ ناگوار زبونانه دم درکشید . این است که اکنون بحسب جامعیت ملیت وتبعیت پیروی ازفرنسویان می کند . اما جرائد دیگر که مسلك ومشرب آنها نزد مصریان معلوم است قابلیت اینکه نام بد نامشان مذکور شود ندارند (قل موتوا بغیظکم الخ) الآیة

حضرات حکمتیان هرگز گمان نکنند که ما محض حب دین ووطن وتعصب جنسیت مقالات روزنامهای مذکور راعمداً سر بسته گذاشته و یادرز یرکاسه نیم کاسه بوده است . لهذا برای رفع این شبه چندفقره ازمفتریات آنها رامذکورنموده که ازاینها پی بمقالات ودیگر گفتارشان برده شود . پایه ومایهٔ اطلاع آنها از نوشتهٔ خودشان معلوم شود .

میگویند در حریم سلطنت شاه شهید سعید (۱۸۰۰) نفرزن بعنوان زوجهٔ شرعیه موجود بوده ودویست وپنجاه نفر شاهزاده از صلب همایونی ازینان متولد شده اند وموجود هستند . کذلك اعلیحضرت همایونی راشست نفر زوجهٔ شرعی بوده وسی نفر پادشاهزاده فرزندارجمند دارند . نمیدانیم این نادانان پادشاهان ایران راملك سیام یافغفورچین میدانند ونمی دانند که پادشاه ایران موحدومسلم ومؤمن است ودر شرع اسلامی زیادهٔ از چهار زن بمرد روانبود ودر ایران هم بیع وشرای کنیز وغلام چرکس وگرجی حسب المذهب ممنوع است . پس ما برای آگاهی آنها میگوییم بانوی بانوان حریم سلطنت عظمی یك نفر است وبس . وبنات سلطنت هم پنج یاشش نفراندوابناء سلطنت عظمی پنج نفراندونام نامیشان هم بدین قراراست .

۱ – والاحضرت مستطاب اشرف اسعد ﴿ محمدعلی ﴾ میرزا ولیعهد دولت ابدآیت

۲ – نواب مستطاب اشرف اسعدوآلا ﴿شعاع السلطنه﴾

۳ – نواب مستطاب اشرف اسعدوآلا ﴿سالار الدوله﴾

٤ – نواب مستطاب اشرف اسعدوآلا ﴿عضدالسلطان﴾

٥ – نواب مستطاب اشرف اسعدوآلا ﴿ناصرالدین میرزا﴾

دیگر میگویند اعلیحضرت همایونی بنفس نفیس خود بهمهٔ مخازن وحدائق شهیرهٔ پاریس تشریف برده وبهمه چیز

۱۳

رسیدگی فرموده قریب یك ملیون فرانك از پاریس اشیا وامتعه خرید نموده اند واین شایسته سلطنت نبود . عجب ازنادانی وعدم ادراك معترضین دآریم . کاریکه شایان همه قسم تمجید است تاگوآرش می بینند . این خود محقق است پادشاه یك مملکت شرق بفرنگستان میرود پس ازایفای رسوم دید و باز دید وتماشای معامل ومتاحف ومدارس وآثار عتیقه وقصورشهیره باید ما یحتاج خاصهٔ خود وحاجیات مملکت خویشرا نیز خرید نماید وبهمه جاسرکشی کند . وازهرچیز مطلع شود . و بکنه حقایق ترقیات عصریه برسد . ازاین قرار بایستی اعلیحضرت ایمپراتور وعلیا حضرت ایمپراتریس آلمان را نیز با اعلیحضرت همایونی شریك ملامت نمایند زیرا دردو سفر استامبول وسوریه کمتر بازار ودکانی باقی ماند که نگشته باشند وکمتر امتعهٔ نفیسه وغیر نفیسه ماند که در بازارها بدست خود نخریده باشند

میگویند—گردونهٔ او تومو بیل خیلی مطبوع طبع همایونی شده ودستگاهی چند ازاینها خرید فرموده اند . نمیدانیم وجه مطاعن دراین کارکجا است . اگر معترضین شرقی می بودند معذور شان می داشتیم که چیز ندیده می بینند این پادشاه بلجیك است که غیر ازاوتو مو بیل چیزدیگر خاصهً سوارنمی شود . این پادشاه ایتالی است که بجزاز او تومو بیل سواری دیگرندارد . دیروز بود که ولی عهد یونان با طبیب خاص از او تومو بیل افتاده چشم ودست وباز و یشان مجروح شد . علاوه براینهاروسهادر جایکه راه آهن ندارند شوسه را مبدل براتومو بیل میکنند . ودر علم جنگ پس از توپ وتفنگ او تومو بیل الزم الات حربیه شده است . دیگر خوب است که پادشاه ما برای سواری اوتومو بیل گرفت ومثل ولی عهد متوفای دولت وتریش که بمصر آمد در المنصوره سوارشتربازاری کاه کشی نشدودرکوچه وبازار نتاخت . پس چرا نشریف فرمایی همایونی را بمعامل لندن وبرلین و پاریس وامتحان توپهای کروپ ومکسیم را بدست مبارك وخرید آنهارانمی نویسند . البته نمی نویسند زیراغرض مرض است

میگویند پانصد هزار لیرا مصروف این سفر شده است وجمیع مصاریف ملتزمین رکاب حتی ایرانیانکه بعزم زیارت طلعت مبارك همایونی بفرنگستان رفته اندازجیب خاص همایونی بوده است . واز طرف دیگر می گویند ملتزمین رکاب مستطاب راهریك مخارج از جیب خودشان بوده است

میگویند دیگرچه میگویند میگویند وزیر فوائد عامهٔ ایران (میرزا نظام دی جفاری) اصلا فرنکی وازاهالی فرانسه بوده وبا یران رفته تبدیل اسم کرده وهنوز در مذهب اصلی خودباقی مانده ومشغول خدمات دولت ایران است . ای هزار افسوس که ما باعتقاد خودمان یك میرزا نظام الدین مهندس ماهرایرانی داشتیم او هم که فرنکی بوده است وما نمی دانسته ایم ونامش هم (مسیو دی جفار) میباشد ﴿ جناب مهندس الممالك انشاء الله خواهید بخشید در این شهادت همشهریهای محترم پاریسی چه میفرمایید ﴾ آفرین بر شعور واطلاع مدیر (فیفارو وماتان) !! آری در جایکه سلطان صلاح الدین ایوبی آذربایجانی راژرمنی عثمان پاشا ومختار پاشاوادهم پاشای غازیان عثمانی را آلمانی می نویسند میرزا نظام الدین ماهم اگر فرنسوی باشد استبعادی نخواهد داشت

آری (جهل ازاین بسیارکرده است وکند) این مسیو دی جفار مهندس راما بهترمی شناسیم نام نامی این دانشور بزرگ (میرزا نظام الدین مهندس الممالك غفاری وکاشانی است) او پسرمیرزا ابراهیم بن میرزا احمد بن میرزا معزالدین بن قاضی احمد بن قاضی مطاب

بن قاضی بدیع الزمان است که نسب او بسی وچهار واسطه بجناب ابی ذر الغفاری الصحابی رضی الله عنه میرسد این مرد بزرگ دردهم شعبان ۱۲۶۰ متولد شده ودر ۱۲۷۵ در ایام سلطنت ناپلیون سیم در جزء شاگردان بریاست مرحوم حسنعلی خان گروس امیر نظام برای تحصیل بفرنکستان وفرانسه رفته است سه سال مقدمات در مدرسهٔ (دیپ Dieppe) تحصیل نموده بعد بپاریس رفته علوم متوسطه رادر مدرسهٔ (سن لوئی S-t, Louie) آموخته درپاداش امتحان شهادت نامهٔ درجهٔ اول گرفته بعد بسمت شاگردی اول ده مدرسهٔ (پولیتي کنیك Polytechnique) پاریس داخل شده برتبهٔ معلمي علم هندسهٔ تحلیلی سن لویی نایل گشته پس ازد وسال امتحان داده بمدرسهٔ معدن پاریس داخل شده و پس ازاتمام تحصیل شهادت نامه ازدرجهٔ اول گرفته در ۱۲۸٤ بایران مراجعت نموده ودر وزارات وخدمات بزرگ دولت بسر برده که اکنون وزیرفوائدعامه شده ودر جزء ملتزمین رکاب همایونی دردوسفر فرنگستان همراه بوده ودارای همه نشانهای دول معظمه وغیرها میباشد. بیاری خدای ماتالیفات وتاریخ حیات این دانشمند بزرگ رادر ضمن مشاهیر رجال خواهیم نوشت دیگر اقوال ومفتریات این جراید ساقطه رادربارهٔ ملتزمین رکاب بایداز ین قبیل دانست. خوب است همشهریان عزیزما که از مزخرف نویسي این جراید ساقطه بجوش وخروش آمده وافسرده شده اند. از این گونه ترهات و یاوه سرای مکدر نشوند. جراید معتبرهٔ فرنکستان را که درستایش متبوع اعظم ووزرای فخام مانوشته اند بخوانند تا کج از راست معلوم شود. مفسد از مصلح تمیز یابد. دیگر ما محض اطمئنان آنان حقیقت مسئله را بیان کردیم وبایضاح دو فقرهٔ مهمه هم که موجب این دو مسافرت میمنت آیت شده است ختم کلام مي کنیم.

اول ـ مزاج وهاج اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی اطال الله بقاه مدتی است که از اعراض (امراض نقرس وکلیه وجدار) ضعیف شده ودر ایران معالجهٔ این گونه امراض غیر ممکن است ولی در فرنکستان همه قسم اسباب جمع بوده آبهای معدنی واطبای نامدار از هرگونه موجود است این است که دو بار مشاق سفر را متحمل شده اند بحمد الله که وجود مسعودش را آسایش کلی روی داده وامراض خیلی تخفیف یافته است امید واری تمام است که بزودی رفع همه گونه اعراض وامراض از این وجود مسعود بشود.

دوم تحمل مشقات این مسافرت مبنی برسیاست ملك است که درهر بار جمعی از رجال دولت را همراه برده که هوای افکار هز ارساله از سرشان بدر رود. تفنگ فتیله دار وچخماقی را بر مارتین وموزر ترجیح ندهند. بندگان خدارا عبید خود ندانند. شجاعت قبایل شاهسون وبختیاری وشقاقی وز عفرانلورا در مقابل این توپ وتفنگ وتقدم علم جنگ کافی ندانند. شهرها بینند. مدارس نگرند. بنظام ملك ومملکت منظم تماشا کنند. صحراهانوردند. ودریاها سپرند. در مقابل راه آهنی که در یك ساعت چهل فرسنگ راه طی میکند دیگر باسب عربی وتر کمنی نتازند. چون وقت تدریس وتعلیم گذشته است لا اقل در بزرگی بنیند. و یادگیرند. اطفال خودرانیز بیاموزند. بعزت ناپایدار چند روزه مغرور نشوند. این است سرسیاست این دو مسافرت همایونی که گویا تاکنون کمتر کسی بکنه این واقف بوده است وبفحوای (انلوك ماهمون) این پادشاه تاجدار وپدر مهربان ماراشیوهٔ تربیت سالخورد گان بدین و تیره بوده وتربیت خوردسالان رانیز درآینده خواهیم نوشت که از نظار مهربانی بدور نفر موده اند والسلام

اخبار داخلیه

اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی

ووآلا حضرت خدیو مصر در پاریس

در زمان تشریف فرمایی اعلیحضرت همایونی در پاریس حضرت دولتمآب پرنس محمد علی پاشا برادرستوده گوهر وآلا حضرت عباس حلمی پاشا خدیو مصر شرف اندوزی از حضور مبارك حاصل کرده ودر ضمن مکالمات رغبت ملوکانه رابدیدن وآلا حضرت خدیو مصر اظهار فرموده بودند. بعد از چند روز خدیو معظم وارد پاریس شده روز یکشنبه چهارم جمادی الثانی دو ساعت بظهر مانده حسب المقرر وآلا حضرت خدیو با سعادتماب علی عبادی پاشا سرتیپ دوم سوار شده بدر مهمانخانه (شانزه لزه بالاس) که مقر سلطنت عظمی بود رسیده ودر دم در عزتماب یاور بك اتاماژور تشریفاتی خدیوی با چند نفر از ملتزمین رکاب همایونی منتظر ورود بوده مراسم پذیرائی را بعمل آوردند. وآلا حضرت خدیو بطبقه دوم بالا رفته در تالار جناب مستطاب اشرف افخم اتابك اعظم با وزرای دربار وتشریفات پادشاهانه از امیر معظم مصر پذیرائی نمودند. پس شرف اندوزی از حضور همایونی حاصل کرده اعلیحضرت همایونی بنوازش ملوکانه چنانچه از آن پادشاه جمجاه در خور این خدیو بلند دستگاه سزد خدیو افخم را پذیرائی فرمودند. با نهایت حنانوت ومهربانی احوال پرسی فرموده واز مصر ورود نیل فیضان وانحطاط آن وکمیت زراعت یکسان بیکسان پرسوال پس میل مبارك را بتماشای مصر اظهار فرمودند. خدیو افخم عرض نمود که این منتهای آرزوم بوده وکذلك من هم چه بسیار درارزوی زیارت ایران بوده که در تهران شرف اندوزی از حضور همایونی حاصل نمایم ولی مسافرت من از مصر درتابستان بوده که در این فصل هوای آنجا بسیار گرم میباشد. مدت نیم ساعت این زیارت امتداد یافت. آنسان که اعلیحضرت همایونی بمهربانی اورا پذیرای فرموده بودند بدانگونه هم وداع فرمودند جناب مستطاب اشرف اتابك اعظم تا وسط تردبان مهمانخانه باوی مرافقت کرده در حین وداع چنین گفتند که (ملوك وامراء اسلام محتاج ارتباط دوستی وباوری مستمر باهمدیگر میباشند). چهار ساعت از ظهر روز مذکور اعلیحضرت همایونی با کوکبه از سواران حراس با جناب مستطاب اشرف در سمت یسار گردونه ودر عقب گردونه ملوکانه جنابان ظهیرالدوله وزیر تشریفات وعین السلطنه نظار آقا سفیر پاریس ومیرزا اسحق خان منجم الدوله سفیر آمریك ومیرزا نظام الدین مهندس الممالك ومسیو مولادر مهماندار همایونی از طرف جمهوریت فرانسه وبایك نفرصاحب منصب نظامی فرانسه بمنصب کولونیل برای بازدید به مهمانخانه (بوسیه) که محل اقامت خدیو منجم بود تشریف فرما شدند در دهنه در وآلا حضرت خدیو پرنس محمد علی پاشا وعلی عبادی پاشا وتوفیق پاشا وعزیز عزت بك ویاور بك وخلف افندی اجودان خدیو صف بسته استقبال موکب همایونی بودند. وهزاران از فرنسویان در دو طرف خیابان برای تماشای احترام خدیو مسلم پادشاه مسلم هجوم آور شده بودند. اعلیحضرت همایونی با وآلا حضرت خدیو با رجال دودربار بتالار تشریف برده بیست دقیقه تمام بانواع مهربانی شاهانی از خدیو افخم ملاطفت فرمودند. وآلا حضرت خدیو بپاسداری وشکرگذاری خود را این انعطاف وتوجهات ملوکانه در باره وی عرض نموده که ذکر این منت عظمی را تا زنده ام فراموش نخواهم نمود وآرزومیکنم که پیوسته ذات مجسته صفات همایونی را با تمام صحت وعافیت دیده باشم. اعلیحضرت همایونی به بیانات پادشاهانه پاسخ فرمودند. بعد اعلیحضرت همایونی از مصر ورود نیل وشعبه های آن درسودان وطول مسافت میان خرطوم مصر وکمیت راهها ومرکز مصر از اسکندریه وسواحل وبورت سعید پرسیده بعد ازماهیت احتلال انگلیسان بمصر سوال فرمودند.

خدیو اکرم عرض کرد که در خطه مصریه (۲۵۰۰) نفر سپاه انگلیسی در مصر واسکندریه بوده در شهرهای دیگر نیست. ونیز هشتاد نفر صاحب منصب انگلیسی برای تعلیم وفرماندهی عساکر مصریه بافس وعلامات عثمانیه موجودی باشند. وسوای ازایشان موظفین چندی از انکلیسان دردوایر حکومتی بوده که درحین خدمت رخت وعلامات ایشان مانند ملابس وعلامات مصریه است ونیز لغت عربی را اموخته درا ثنای خدمتگذاری بدو زبان رسمی حکومت مصریه در مصالح ملیه زبان عربی ودر صوالح مشترکه مابین حکومت وغیرها بفرانسه سخن می گویند. وبرای اسانی کار کمی هم در مصالح لغت انکلیسی مستعمل است. بعد اعلیحضرت همایونی از تعداد نفوس خطه مصریه عموماً وتعداد مسلمین خصوصاً پرسش فرمودند. خدیو اکرم عرض کرد که در خطه مصریه غیر از سودان قریب به ملیون نفوس بوده که از ایشان نه ملیون وکسری مسلمین وسه ربع ملیون هم از دیگر طوائف هستند. چون والاحضرة خدیو در شرف اندوزی اول وعده تقدیم نقشه های نیل وشهرهای مصر نموده بود دراینجا هم دوباره به تجدید وعده پرداخت. بعد اعلیحضرت همایونی مهربانی از خدیو اکرم وداع فرموده والاحضرت خدیو ورجال دربارش تا درمهاخانه کوا اعلیحضرت همایونی سوار گردونه شدند مراسم مشایعت رابجا اوردند بعد جناب منطاب اشرف انابك اعظم با والا حضرت خدیو اکرم مصافحه نموده سوار گردونه همایونی ازسمت یسار شده وبرخی اجلال ازایشان جموع متدرجین گذشته بقدر سلطنت عظمی معاودت فرمودند. جراید شهانه وبامداد هریك از این گونه دید وبازدید ملك اسلام بسا امور اسلام مقالات مطوله نوشته وهرکدام افکار خودرا بحسب میل واغراض خود بیان نمودند.

(حکمت) مختصر میگوییم اگر از چهل وپنجاه سال قبل میان ملوك وامراء اسلام اساس اتحاد ومودت چنانکه امروز بنیاد گرفته است موجود بودی اکنون نقشه سیاسی اسلامیه برشکل دیگری نمودی باز از این گونه الفت ومحبت که در این چند روزه میان بزرگان اسلام دیده می شود نتایج مهم خواهیم دید. وثمره های گوناگون خواهیم چید. منع اللهم المسلمین ببقاء ملوکهم وامرائهم ودام المحبة بینهم بجاه سید المرسلین امین

کولیرا — وبا وطاعون در مصر

قریب بچهار سال است قطر مصری مبتلای طاعون بوده نادرا واخر بوسایط شدیده فعاله رو بزوال گذاشته اکنون تنها در اسکندریه در هفته معدودی گرفتار شده برخی شفا یافته ما بقی جان در می بازند. واین بس نبود رود نیل که منبع حیات وثروت مصر است ازمقیاس هرساله چند زرع کمتر آمده که از این کم آبی تقریبا دویست هزار فدان که هریك فدان (۴۲۰۰) متر مربع است مزارع خشك وخالی مانده که ضرر این زیاده بردوملیون لیر است. واین هم بس نبود که در قصبه (موشا) در مدیریت (اسیوط) در نهم ربیع الثانی مرض وبا در میان حجاج ظاهر شده واز انجا بهمه قطر مصری سرایت کرده تا امروز که غره رجب است (۴۶۸۴۲) نفر گرفتار این مرض خبیث شده از ایشان (۴۱۲۰۰) نفر مرده و (۵۱۴۹) نفر شفا یافته و (۶۰۷) نفر در بیمارستانها هستند. از نتیجه این مرض آنان که توانستند بار بربسته بفرنگستان وبلاد عثمانی گریختند مانعی از حرکت افتاده تجارت معطل زراعت معوق امنیت از مردم مرتفع شده مختصرا از دیر گاهان مصر گرفتار این همه مصائب در آن واحد نشده بود ولی شکر خدارا که از حد رود آثار تخفیف در انتشار مرض پیدا شده امیدواریم که تا اخر این ماه بالکلیه رفع مرض شده باشد.

مخبر حکمت از اسلامبول مینویسد. مابین دولتین علیتین ایران وعثمانی معاهده تازه در خصوص گمرك بسته شده است. ونص آن در عدد آتی نوشته خواهد شد.

اعلان از اداره مقرب الحضرة العلیه میرزا حسن اصفهانی وکیل اداره حکمت در تهران معین شده است ونوزیع حکمت وتحصیل قیمت اشتراکات واعلانات نیز در عهده او میباشد

مهدی

شمارهٔ سند: ۹۳۶
موضوع: وقوع زلزله و تعمیر خرابی های کار پردازخانهٔ ارزروم
تاریخ: ندارد (احتمالاً در سال ۱۳۲۱ هـ. ق)
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤

نامهٔ تجار ایرانی مقیمین ارزروم به وزارت خارجه

تصدق خاکپای مبارکت شویم، چنانکه سابق به عرض خاکپای مبارک رسانیدیم، پارسال از وقوع زلزلهٔ شدید ارزروم که تمام شهر خراب و از جمله کار پردازخانهٔ مبارکه که مال خاص دولت است بکلی خراب و مفقود گشته این عمارت کار پردازخانه که الان مدت چهل سال است از جانب دولت اعمار شده تمام دیوار و سقف آن کهنه و ریخته بود که زلزله هم مزید بر علت گشته او را بکلی خراب کرده، فعلاً به طوری است که به هیچ وجه قابل سکنیٰ نیست، الآن مأمور ما جناب مکرم السلطان مدت یک سال و نیم است که با اهل عیال خود در زیر چادر و در مسجد سکنی و با وجود این همه برف و سرمای ارزروم در زیر چادر تاب آورده به دولت و ملت خدمت می‌نماید، البته این هم از مرحمت و عدالت دولت جاوید آیت بعید است که مأمور دولت از عدم امکان در زیر چادر درمانده با کمال عسرت و پریشانی در راه دولت و ملت جان‌فشانی نماید، علاوه بر آن در نظر اهالی خارجه موجب سرزنش گردیده که در وقوع این حادثه به سایر قونسولها از طرف دولت آنها به فراخور حال خود صد لیرا دویست لیرا اعانه فرستادند بکلی به کار پرداز دولت علیهٔ ایران اعانه نرسید، سهل است که خرج تعمیر کار پردازخانهٔ دولتی را هم نمی‌فرستند خفیف حال این مسئله نهایت درجه به شرف دولت و عموم ملت برخورده که باعث کسر شرمی بالا تر از این نخواهد بود هرگاه برای این علت فقرا ممکن بود البته در صورت اعانه وجه تعمیرات کار پردازخانه را داده و مأمورمان را از گرفتاری و پریشانی خلاص و شرف دولت و ملت را استحصال می‌کردیم ولی چه فایده که عموم ملت فقیر بوده و قدرت به تعمیر آن ندارند، الحال از قراری که مسموع این بندگان گشته گویا دولت علیهٔ متبوعه به جهت تعمیر آن پانصد تومان مرحمت فرموده‌اندو حال‌آنکه با پانصد تومان سنگ و آجر ریخته آن

را جمع نمی‌توان کرد اگر مدتی هم بدین منوال بگذرد بکلی منهدم گشته محتاج احداث عمارت جدید خواهد شد که اقلاً پنج هزار تومان مصرف لازم است بنای علیه باز از روی عبودیت و دولت‌خواهی مستدعی از خاکپای مبارک وزارت‌پناهی مدظله‌العالی چنان است که مرحمتاً تمنانیاً بر مأمور دولت و به عموم اهالی ایران مقیمین ارض‌روم وجه تعمیراتی که مهندس ولایت قلمداد کرده و از طرف کار پردازی دولت‌علیه به عرض رسانیده شده است، مرحمت فرمایند که شاید از سایهٔ دولت علیهٔ متبوعه کار پردازخانهٔ دولت که من‌القدیم باقی است تعمیر گشته شرف دولت و ملت باقی و مأمور ما از گرفتاری و پریشانی حالیه خلاص شود. در هرحال کمال امیدواری را از خاکپای حضرت وزارت پناهی داشته منتظر مراحم و بذل عنایات آن حضرت اجل هستیم.

[توضیح: تعداد ۱۷ مهر تجار در پایین سند موجود است.]

شمارهٔ سند: ۹۳۷
موضوع: اجازهٔ تعمیر کار پردازخانهٔ ارزروم
نمره: ٥٤٠
تاریخ: سلخ صفر ۱۳۲۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤

سواد کاغذ وزارت خارجه به عموم تجار ایران مقیمین ارزروم

عرض حال شما به توسط پست مقرر رسید شرحی که در خصوص تعمیرات کار پردازخانهٔ دولتی نوشته بودید مطلع شدم، در این باب اولیای دولت بعض تصورات دارند که موقوف به عرض حضور همایونی و تحصیل اجازهٔ ملوکانهٔ ارواحنافداه است و البته بعد از حصول اجازه هرچه مقتضی تکلیف باشد به عمل خواهد آمد که مکرم السلطان هم از بی‌منزلی در زحمت نباشد. نصراله مشیرالدوله

۵۴۰۱

وزارت امور خارجه

اداره دائره

مورخه

نمره

۴۲/

سواد تلگراف وارده بسفارت دولت متحده امریکا

۱۳۲۱ صفر

عرضحال تلگرافیست مقرر بسیر شرقی در خصوص تقدیم استدعا نامه کارپردازخانه دولت متبوعه بکلیسای
دارالسلام، که اولیای دولت بیطرف تصور دارند در توقف بعضی حضور بهرسانند و بکمیسیون اخراج ملکانه
ارواح قلمداد نمایند و اداره میرزا حسنعلی اجانب هر شخص تکلیف تحریر بعهده خصوص آنکه در مرکز اقدامات از بیطرفی
در رعیت نمایند نظر باین مراتب کم

شمارهٔ سند: ۹۳۸
موضوع: مقرری کار پردازی شام
نمره: ۵۲
تاریخ: ٦ ربیع الاول ۱۳۲۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۷

نامهٔ قونسولگری ایران در شام به وزارت خارجه

تصدقت شوم، به واسطهٔ نبودن داد و ستد ادارهٔ وزارت گمرک با بانک عثمانی در شام که لابد مانده به اسلامبول حواله می دهد موجب صعوبت وصول اقساط مقرری کار پردازخانه شده است محض به جهت سهولت خدمت جناب جلالت‌مآب آقای اعتلاء السلطنه مصدع بوده که اقساط مقرری کار پردازخانه را از هذه‌السنه توشقان ئیل ایشان دریافت نموده به واسطهٔ یکی از صرافان تبریز به چاکر برساند مستدعی است که امر و مقرر فرمایند که اقساط را به جناب معزی‌الیه کارسازی فرمایند، زیاده چه جسارت نماید.

جنرال قونسولگری
دولت علیهٔ ایران
ع شهر ربیع الاول ۱۳۲۱
نمره ۵۲

تصدقتم

بواسطهٔ محترم مدیریه ادارهٔ وزارت کبری

بانک عثمانی درشام در عهده مانده به اینجانب حواله میدهد ترجمه صورت

اقساط تنوری کاریولارخانه شده است فعلی تحقیق بهولت صورت

اقساط تعلقه بسطه مصدع بهم و اقساط تنوری کاریولارخانه را دارنده

تصدیق نمی اقلن دستخط مفهم در بسطه کاریولارخانه تنزیل کرده

سه عدد که امر دستور فرستید در اقساط را کسر منزله کارسازی

زیاده چه حرارت نماید

۱۳۲۱
۳۴۷۳

شمارهٔ سند: ۹۳۹
موضوع: کار پردازی خانقین
نمره: ۲۵
تاریخ: ۵ ربیع الاول ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤

نامهٔ وزارت خارجهٔ عثمانی به سفارت کبری ایران در اسلامبول

ترجمهٔ تقریر باب‌عالی

مراسلهٔ عالی نمرهٔ ٦ مورخهٔ ۲۷ ذی‌حجه ۱۳۲۰ به نظر مخلص رسیده، اینکه مرقوم داشته بودید که چون عباس‌خان از طرف دولت علیهٔ متبوعهٔ آن‌جناب به وکالت کار پردازی خانقین تعیین شده است معاملهٔ لازمه مجری گردد در این خصوص از ولایت بغداد استعلام شده از تلگرافی که از ولایت مذکور در جواب این فقره رسیده بیان شده است که چون مومی الیه سابقاً در وکالت کار پردازی مستخدم بوده به واسطهٔ انهماکی* که به قمار و مسکرات داشته از آن مأموریت معزول گردیده دوباره تعیین شدن او مناسب نخواهد بود، لهذا خواهش می‌شود که بذل همت فرمایید تا اینکه شخص مناسبی به مأموریت مذکور معین شود.

* به معنی: کوشیدن در کاری، سخت سرگرم شدن به کاری و مبالغه کردن درآن.

ایرانه سفارت علیه

ماعالی
دائرهٔ حاصه
٥

دول غیره مشروعه لری عائدیه کمپرانه جاله عاس عائله تعیین قلنیقه ثمنه اجرای
ایجابا التماس حاوی اصه اولنان ٧٧ دی الحجه ٣٤ تاریخ و ٦ نومرولو تقریر و ایلری
سوریلن اوراق اداریه نظارت و جلیله مشتمل اولدیغی مذکور. Bپرانه کمپانیه عائد قسمات و حصه لرینک
طوریق عدل ایله اولدیغی حقده نظارت تعیین مساعب اولنه جغندن بحثله و کمپرانه عائد
انتخاب حصه لرینک عدل سفائیه صدیقه مصروف بیوریلمسی التماسیله تحریر و دوصنه اینه

فی ٥ ربیع الاول ٣٤ و ١٩ مایس ٣٢

حاجه الدی
توقیع

شمارهٔ سند: ۹٤۰
موضوع: کار پردازی خانقین
نمره: ٤۰۹
تاریخ: ۱٦ ربیع الثانی ۱۳۲۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤

نامهٔ سفارت کبری ایران در اسلامبول به وزارت خارجهٔ ایران

در باب تعیین عباس‌خان به کار پردازی خانقین از طرف سفارت کبری رسماً تقریر به باب‌عالی نوشته امر مأموریت او را خواسته بودم باب‌عالی جواب نوشته که به موجب استعلامی که در خصوص مأموریت عباس‌خان از ولایت بغداد شده مشارالیه چون در مأموریت سابق خود به قمار و تجرع و سایر حرکات نامناسب به سر برده و به واسطهٔ آن حالات از آنجا انفصال یافت.

لهذا تکرار مأموریت مشارالیه به خانقین پذیرفته نشده مأمور دیگر که مهذّب الاطوار و اخلاق باشد تعیین و اعزام گردد.

لهذا سواد مراسلهٔ باب‌عالی را به کار پردازی بغداد فرستاده و به جهت مزید استحضار خاطر جناب مستطاب اجل افخم عالی نیز لفاً ارسال داشتم که ملاحظه فرموده از مراتب مندرجهٔ آن مستحضر باشند.

مهر- پرنس ارفع الدوله

[حاشیه، دستخط شاه:]

جناب اشرف اتابک اعظم، وزیر به توسط فرمانفرما به عرض رسانید که پسر مشاورالملک به این نقطه برود.

۱۶ شهریور ۱۳۲۱

نمره ۴۰۹

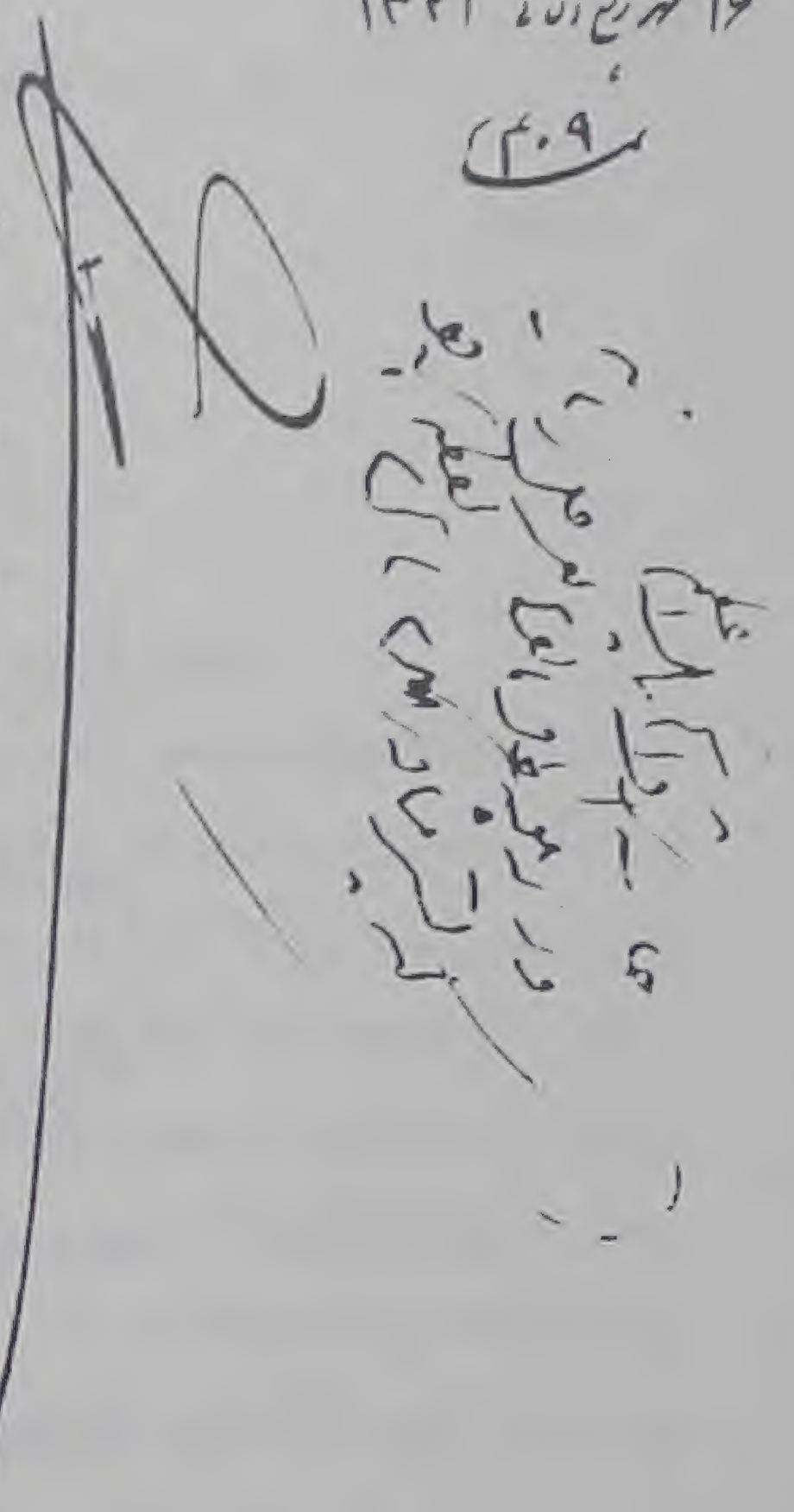

شمارهٔ سند: ۹٤۱
موضوع: اقدامات کار پردازی بصره در رفاه و آسایش حال مقیمین بصره
نمره: ٤٤۰
تاریخ: ۱٦ ربیع الثانی ۱۳۲۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

از قرار راپورت و اطلاعات حاصله از کار پردازی بصره معتمدالسلطان میرزا تقی خان کار پرداز آنجا نهایت مراقبت به تسویهٔ امورات کار پردازی و تحصیل آسایش احوال اتباع دولت علیهٔ مقیمین بصره به عمل آورده و از آنجا که در کمال مهربانی و حسن سلوک با رعایای ایرانی رفتار کرده و در حفظ حقوق آنها لازمهٔ مجاهدت و اهتمام را می نماید اتباع دولت علیه هم عریضه رضائیت و تشکر عمومی از معاملات و کاردانی مشارالیه نوشته به سفارت کبری فرستاده بودند عریضه مزبور را با راپورتهای خود میرزاتقی خان عیناً و لفاً ارسال داشتم که به لحاظ انور عالی رسیده و خاطر مبارک حضرت اجل امجد افخم عالی دام اجلاله المتعالی از مراتب اقدامات و خدمات مومی الیه قرین استحضار باشند.

محل مهر: پرنس ارفع الدوله

۱۶ شهریور ۱۳۲۱

نمره ۴۰۴۱

از قرار راپورت واصله از کاربرداری بصره معلوم است قشون
کاربرداری آنجا نهایت مراقبت تربیه و مراعات کاربرداری و تحصیل اسباب و جدول
اتباع و قشون بصره بعمل آورده و آنچه که در کمال مهربانی و خوشسلوکی با رعایای
رفتار کرده و در حفظ حقوق آنها نهایت مجاهدت و اقدام را مینماید اتباع و قشون
عریضه رضایت و تشکر آمیزی از مساعدت و کاردانی مشارالیه نوشته
و نسخه عریضه مزبوره را با راپورتهای خود میرزا تقی خان رفیق ارسال داشتم
در ملاحظه انور ملوکانه و خاطر مبارک حضرت اجل اکرم امجد ارفع اعلی
از مراتب اقدامات و خدمات مرضیه مشارالیه قرین استحسان باشد.

شمارهٔ سند: ۹۴۲
موضوع: شکایت صفاءالممالک مستشار سفارت اسلامبول
نمره: ۲۶۱۰
تاریخ: ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۱

نامهٔ وزارت گمرک به وزارت خارجه

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم افخم اعظم بندگان آقای مشیرالدوله وزیر امور خارجه دام اقباله العالی

مرقومهٔ مبارک در خصوص شکایت مکرر جناب صفاءالممالک مستشار سفارت اسلامبول زیارت گردید، امر و مقرر رفته بود که ازبابت قسط اول مواجب پارسالهٔ خودش پنجاه شش تومان به او نرسیده و از میان رفته است. این مسئله ابداً ربطی به عوالم چاکر دولتخواه ندارد و حقوق او در گمرک عیب و نقصی ننموده زیرا که قسط سه‌ماهه اول سنهٔ ماضیهٔ مأمورین اسلامبول مطابق بودجه‌ای که از وزارت جلیلهٔ امور خارجه مرحمت شده مطابق (.....) است و معادل مبلغ مزبور در ۱۹ شهر ربیع‌الاول در نمرهٔ ۵۸۶ حواله شده و صورت حقوق سه‌ماههٔ اول را در فرد جداگانه معلوم نموده برای استحضار خاطر مبارک لفاً ایفاد داشت.

ازبابت حقوق سه‌ماهه هذه‌السنه هم به طوری که دستورالعمل داده و در بودجه به خط مبارک شرف ترقیم رفته، ربع حقوق مأمورین اسلامبول را سه هزار و هفصد هشتاد و سه تومان پنج هزار کسری معلوم فرموده و مرقوم فرموده‌اید مراتب به اسلامبول داده شود چاکر دولتخواه فرمایش حضرت اجل عالی اجری داشته به حواله اسلامبول برات داده است، محض اطلاع خاطر مبارک جسارت ورزید. زیاده ایام شوکت مستدام.

MINISTÈRE DES DOUANES

TÉHÉRAN, *le* ۱ ۱۰ ۶۱ ۱۹۰۲ مه ۱۰

وزارت گمرك

Ind: N° ۲۶۱۰

حضور مبارک حضرت سلطان صاحبقران اعظم سرکار آقای نیرالدوله وزیر امور خارجه دام اقباله العالی

ANNEXE :

مراتبه مبارک در خصوص کفایت مرحمت صفاء الممالک نسبت بسعی مبارت کرده

امر و تقرر داده بود که نلث قطعه اول راتب مبارکه خودش پیاه تومان باو بدهند و در

این مسئله ربطی بعالم حکمرانی نداشته مدارد و حق نداد دیگران تعیب و تعصی نموده زیاده

نه هیچه مارس البدی سلطانی بوده که از وزارت جلیله امور خارجه مرخص نشده سلطانی

و معادل سیصد در ۱۹ ربیع الاول ۱۳۲۵ حواله شده و صورت حقوق سه ماهه را در فرد

برای انتصار خاطر مبارک نقل داده شد

بابت حقوق سه ماهه از غره محرم الی آخر ربیع الاول ۱۳۲۵ مبلغ دویست و پنجاه تومان

سه هزار و پنصد و پنجاه و سه تومان مقرر گمرکی معلم فرهم و مترجم فرهم لیرات بابت حقوق

و ثلث حصه راتب مبلغ دویست و پنجاه تومان است که اطلاع خاطر مبارک حاصل و ورقه

No 119830

THE IMPERIAL BANK OF PERSIA.

INCORPORATED BY ROYAL CHARTER.

Teheran le 16 Février 1914

£ 33. 01

A vue _____ payez par cette SECONDE de change (la première ne l'étant) à l'ordre de ~~Son Excellence~~ Cheta en Sultanet _____ la somme de ~~Trente trois livres Turques et un piastre~~ valeur reçue que passez suivant avis. Pour The Imperial Bank of Persia.

A Son Excellence Monsieur Ibrahim Hakki Pacha Chef du Cabinet Particulier de Sa Majesté Impériale

Constantinople

Chef de Service

Accountant

شمارهٔ سند: ۹۴۳
موضوع: مقرری کار پردازی شام
نمره: ۱۱۱۷
تاریخ: ۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۷

سواد کاغذ از وزارت خارجه به مسیو نُز وزیر گمرک

مفخم‌الملک مأمور شام می‌نویسد چون بانک شاهنشاهی مستقیماً با بانک عثمانی در شام طرف داد و ستد نیست و اقساط مقرری کار پردازی را ناچار به اسلامبول حواله می‌دهد وصول آن اسباب زحمت می‌شود، خواسته است که اقساط مقرری شام را در هذه‌السنه به جناب نورچشمی اعتلاالسلطنه تسلیم شود که مشارالیه به وسیلهٔ مطمئنه به شام برساند. لهذا زحمت می‌دهد که قدغن نمایید همین‌طور که مفخم‌الملک خواسته اقساط آتیه کار پردازی شام را موافق قبضی که اعتلاالسلطنه می‌دهد در وجه مشارالیه بپردازند که به مفخم‌الملک برساند. نصراله مشیرالدوله *

* نمونهٔ چک بانک شاهنشاهی ایران ضمیمهٔ سند است.

نمره ۱۱۱۷

سواد کاغذ از وزارت خارجه بسیوز وزیر کمرک

۱۷ جمادی الاولی ۱۳۲۱

سال تمس ۳۷۴۶ ۲

نظر اینکه مأمور سابق قنسولیه چون اکثر مأمورین سابق با بانک عثمانی در شام طرف داد و ستد و اتصال تقرر

کارپردازی را با خارجه بعهده قبول حواله نمیده هر دفعه آقای اسباب زحمت میشود خواسته است که اتصال تقرر شام را داده

هر آینه بسبب قرب فصل اعتده البطئه تلگراف کرده که بوسیله تلگرافیه بنام ریاسه نهاد زحمت نمیده هر گاه قرق نامه منتظر

که نظر باینکه خواسته اتصال آیه کارپردازی مأمور را موافق قرق که اعتده البطئه نمیده هر دو دفعه سفارتیه سر دارد

نظر اینکه ریاسه سفارتیه اکبر الدوله

شمارهٔ سند: ۹٤٤
موضوع: مقرری کار پردازی شام
نمره: ۱۱۱۲
تاریخ: ۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۷

سواد کاغذ از وزارت خارجه به مفخم‌الملک مأمور شام

نوشته بودید که اقساط مقرری هذه‌السنه کار پردازی شام به جناب اعتلاء السلطنه پرداخته شود که به توسط صرافخانه های تبریز به شما برسانند، برحسب میل شما به ادارهٔ گمرک ابلاغ شد که بعد از این اقساط مقرری شما را به مشارالیه بدهند که به وسایل مطمئنه به شما برساند. نصراله مشیرالدوله

٤
٣٤٧٣

سواد کاغذ از وزارت خارجه بقنسولگری ملک مامور شام

نمره ۱۳۲۱ مهر شهر الله در ۱۳۲۱

نوشته بعهده اقساط مقرری هزار سنه کاریردازی شام بجناب اجلاد یه السلطنه برداخته شود که مربوط صرافی نهایت بریز

نشان بریسانند برجب بیان داده کمرک الهدی شده کلیه از این اقساط مقرری مذکور الیه برنسه کریمای سلطنه

نشان بریسانند نصرالله بن سراج الدوله

شمارهٔ سند: ۹٤٥
موضوع: گزارش موقعیت کار پردازی
نمره: ۱
تاریخ: ۳ جمادی‌الاخر ۱۳۲۱ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۹

نامهٔ کارپردازی بایزید به وزارت خارجه

تصدق حضور مبارکت شوم، به امر مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اسعد اعظم وزارت پناهی روحنافداه خانه‌زاد را به کار پردازی بایزید تعیین نموده، در بیست و چهارم ماه گذشته وارد بایزید شدم و در روز ورود از طرف حکومت پنجاه شصت نفر سواری و از اشراف بلده برای تشریفات تا یک فرسخی به استقبال فرستاده بودند و یک روز بعد از ورود فرمان برات باب‌عالی را به حکومت فرستاده و برای ملاقات وقت خواسته و روز سیم در سرایه از وکیل متصرفی ملاقات نمود و بعد معزی‌الیه هم بازدید نمودند و حال چند روز است به امورات کار پردازی مباشرت نموده حقیقتاً کارهای سرحدیه خیلی مغشوش است و هرچه از این طرف و آن طرف نهب و غارت شده ابداً به مقام ادعا و استرداد نیامده و تقریر هم نوشته نشده، امیدوار است که از مراحم غمیمانهٔ بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اسعد اعظم وزارت‌پناهی روحنافداه که نوعی رفتار شود که اسباب تصدیع اولیای وزارت جلیله و مشغولیت فراهم نیاید،زیاده جسارت است. الامر لمن له‌الامر.

غلام خانه‌زاد میرزاآقا

کارپردازی دولت علیّهٔ ایران در بایزید

نمره ۱ — صدور حضور بایزید سم — با سرمایل بندگان حضرت مستطاب مهمات امور اعلم

متوّرخه ۳ ذیحجه ۱۳۲۱

دولت بنا هی دودمان فخامت نشان را به کارپردازی بایزید تعیین نموده دیروز حرکت

گذشته وارد بایزید شدم دو سه روز در آن حدود از طرف حکومت بنا بمصلحت نظر

بلده برای تشریفات پیشکشی باستقبال فرستاده بودند و یکروز بعد از ورود فرمان

برات بالعالی را به حکومت فرستاده و برای بلدیات وقت حرکت و ورود

در سراپرده اردو یک ساعت توقف نمود و بعد منزل به منزل با بارو بنه

وصال چند روز است به امورات کارپردازی مباشرت نموده حقیقت پیشکاری

سرحدیه خط منقوش است و هر چه از اینطرف آن طرف رفت و آمد

ابتدا به مقام اردو و تهیه ورود بایزید تقریرا نوشته شد

که از مراحم خسروانه بندگان حضرت مستطاب مهمات امور اعلم وزارت جلیله

دودمان که نوعی رفتار نمود که با استدعای اردوی وزارت

وزارا نیابد مهمات است

شمارهٔ سند: ۹٤٦
موضوع: تبعید شیخ عبدالعلی هراتی از عراق به هندوستان
تاریخ: ۱۰ رجب ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۳

نامهٔ سفارت انگلیس به وزارت خارجه

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می‌گردد

نظر به مراسلات سابقه به جناب مستطاب اشرف اتابک اعظم در باب یک نفر ملای افغان موسوم به شیخ عبدالعلی هراتی که محض اینکه بر ضد دولت ایران اظهارات می‌نمود اخراج او را از عراق عرب از دوستدار خواسته بودند و بالیوز بغداد مشارالیه را به هندوستان فرستاده بود.

اینک شرف اظهار دارد که به موجب خبر رسمی که به دوستدار رسیده است مشارالیه در پنجاب در شهر عنبریت سر در تحت نظر است.

در اینموقع احترامات فایقه قلبیه خود را تجدید می‌نماید.

فی دهم شهررجب المرجب ۱۳۲۱
امضای وزیرمختار انگلیس

[حاشیه، پشت پاکت نامه:] نمره: ٤۸۹ ــ ۱۲ شهر رجب ۱۳۲۱

یک طغرا مراسلهٔ سفارت انگلس است که از عرض خاکپای اقدس همایون اعلی روحنافداه خواهد گذشت.

[دستخط شاه:]

وزیر، جوابی که لازم است به وزیرمختار بدهند. امضای مظفرالدین شاه
مفتاح السلطنه، جواب را زود بنویسد. با مهر مشیرالدوله

نمره ۴۸۹
۱۲ ربیع ۱۳۲۱

وزارت امور خارجه

شمارهٔ سند: ۹٤۷
موضوع: ارسال اخبار سرحد در کار پردازی
نمره: ۱۷٦۷
تاریخ: ۱۱ رجب ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۹

سواد کاغذ وزارت خارجه به میرزا آقاخان کارپرداز بایزید

تحریرات شهر جمادی‌الثانیه شما رسید، از ورود شما به بایزید و شروع به انجام خدمات محوله و انتظام امور کار پردازی مطلع شدم و حالا هم که چاپار روانه است به شرح این مختصر و ایراد جواب مطالب اظهاریه شما پرداخته و مترصدم که همیشه راپورتهای مشغول به مطالب سرحدیه و اخبار لازمهٔ رسیده از چگونگی امورات کار پردازی وزارت امور خارجه را مستحضر دارید. (نصراله مشیرالدوله)

۵۴۶۱

نمره

۱۷۶۷

سواد مکاتبه وزارت خارجه به مرحوم فرخ خان امین الدوله

مورخه ۱۱ شهر رجب المرجب ۱۳۲۱

نظر به اینکه از ورود شما به پاریس و شروع به انجام خدمات محوله و اتصال امور سفارت مطلع شدیم

و حالا هم که جنابعالی رسوانه هیئت تشخیص مقدار ایراد و جواب مطالب اظهاریه ثانویه دولت متبوعه را به ایران مشغول مطالب

سرحدیه و اخبار لازمه رسیده و از جائی که امورات سفارت دولت علیه ایران در پاریس مستقر دارید (لسفیر امیر الدوله)

شمارهٔ سند: ۹٤۸
موضوع: ویس قونسولگری وان- مأمورین تفتیش عثمانی در آذربایجان
نمره: ۲۳۸۸
تاریخ: غره شعبان ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٦

سواد کاغذ وزارت خارجه به سعدالسلطان مأمور وان

در ضمن مشروحات نمرهٔ ۵۰ و نمرهٔ ۵۱ در خصوص تعیین ویس قونسولگری از طرف دولت جمهوری فرانسه در وان و ورود مأمور مزبور و همچنین ورود هیئت تفتیشیهٔ عثمانی به آذربایجان و فقرات دیگر که برای آگاهی و اطلاع نوشته بودید، مستحضر شدم. (نصراله مشیرالدوله)

{۲۳۸۸}

(۱۳۷) ۱۳۶

برادر کامگار و وزیر رفیع‌المقدار مهردار

حرر شهر ۱۳۲۱

در خصوص مرحومات نسا و عالیه در خصوص تعیین وصی و قیم نابالغین
طرف دولت علیه ایران در ارزنه‌روم و وقوع مشارالیهن و ورثه ایشان
تقشیشه عمّا بارباب‌ین و فقرات دیگر و برای اکابر و اعلای ترکیه
بعد از سحر ندیم الوزراء مشیر الدوله

شمارهٔ سند: ۹۴۹
موضوع: تعیین ویس قنسولگری از طرف فرانسه و ورود مأمور فرانسه به وان
نمره: ۵۰
تاریخ: ۲۰ شعبان ۱۳۲۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٦

نامهٔ کارپردازی ایران در وان به وزارت خارجه

یاهو

از طرف دولت فرانسه تاکنون قونسولگری رسمی و موظفی در وان نبوده و چهار سال قبل یکی از کشیشهای کاتولیک دومونیکن را که در اینجا مکتب و کلیسایی دارند به ایفای وظایف آژان قونسولی مکلف نموده بودند. این روزها بهر مطالعه و مقصودی است ویس قونسولگری رسمی و با مواجبی در وان تأسیس و موسیو روبن نامی را که سابقاً در هامبورغ شانسلر بوده است به ویس قونسولی معین و معجلاً فرستاده‌اند که یک هفته قبل وارد و چون پیش از وقت باب‌عالی مأموریت او را به ولایت تبلیغ نموده بود از روز ورود به ویس قونسولی شناخته شد، محض استحضار خاطر خطیر مبارک جسارت به عرض ورزید، زیاده چه جسارت ورزد. الامر الاشرف الامجد الارفع الافخم الاعظم العالی مطاع مطاع مطاع.

محل مهر: غلامعلی

[حاشیه:] ع، ۱۳۰۷ — ۲۲ شهر رمضان ۱۳۲۱

کاردوزی دولت علیه ایران و دولت دانمارک
شعره صد و بیست سال ۱۳۲۱
نمره
۵۰

از طرف دولت دانمارک قونسولگری بسمت مرتفع در وارد بنادر و مهمات
قبیل از کشتیهای کارکنان دولت مزبور را در دریا بازدید و کلیه
بقصد
بقید وظیفه آنان قونسول مکلف نموده بفقره این روزنامه بهر سفاین
دیپلم قونسولگری بدهد، مراجعی در وارد نمایند و مهر روشنائی را در سفاین
در موقع شناسائی برده است دیپلم قونسولی معین و بعلاوه در تمام نقاط
قبل وارد و چون پیش از وقت بایالت مأمورت اورا بدولت متبوعه
از روز ورود بدیپلم قونسولی شناخته شده مصون کلیه مقررات
نیز بهمین عبارت در امر بدولت علیه دانمارک ابلاغ

شمارهٔ سند: ۹۵۰
موضوع: ورود هیئت تفتیشیه عثمانی به آذربایجان
نمره: ۵۱
تاریخ: ۲۰ شعبان ۱۳۲۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٦

نامهٔ کارپردازی ایران در وان به وزارت خارجه

یاهو

هیئت تفتیشیه که مرکب از صاحب‌منصبان معتبر نظامی بودند و قرار بود ولایات سته آناطولی را اعم از امورات ملکیه و نظامیه تحقیق و تفتیش کرده و از راه اسکندرون به اسلامبول مراجعت نمایند و از مأموریت آنها سابقاً خاطر مرحمت مظاهر مبارک را مستحضر داشته بود و احتمال می‌رفت که بتوانند به تعدیات و تجاوزات اکراد حمیدیه تخفیفی داده و حدی قرار بدهند بعد از تفتیش ولایتین طربزان و سیواس و اجرای بعضی اقدامات اصلاح‌پرورانه به ارزنجان که مرکز مشیریت اردوی چهارم است آمده و می‌خواسته‌اند که به سمت ارزروم و وان بیایند در بایبورد که یکی از ملحقات ارزروم است ارادهٔ اعلی حضرت سلطان را تلگرافاً تلقی و از آنجا مستقیماً به اسلامبول مراجعت کرده‌اند و احتمال می‌رود که علت این احضار را زکی‌پاشا مشیر اردوی چهارم که حامی جدی اکراد و سوارهای حمیدیه است و نمی‌خواهد به هیچ وجه تعرض و اصلاحی در حق آنها بشود فراهم آورده باشد، محض استحضار خاطر خطیر مبارک جسارت به عرض ورزید، زیاده چه جسارت ورزد. الامر الاشرف الامجد الارفع الافخم الاعظم العالی مطاع مطاع مطاع.

محل مهر: غلامعلی

کاربردی حرکت علیه ایران در دوران
مورخه ۲۰ شهریور ۱۳۲۱
نمره
۵۱

شمارهٔ سند: ۹۵۱
موضوع: ضبط تفنگ و فشنگ و ندادن وجه آنها به اورامانی ها
نمره: ٤
تاریخ: ۲ رمضان ۱۳۲۱ هـ . ق
کارتن: ۳۲
پرونده: ۳

نامهٔ آقای ناصرالملک حاکم کردستان به وزارت خارجه

مرقوم فرموده بودید که «امر و مقرر شده که قیمت تفنگ و فشنگ عثمانی ها داده شود و قیمت تفنگ و فشنگهای اورامانی ها داده نشود». این بنده یارای جسارت ندارم، ولکن از وظایف دولتخواهی و نمک خوارگی این بنده است که آنچه را که بدانم که در این حدود مبنی بر مصالح دولتی و رعایاست ناچار باید به عرض برسانم و آن این است که در اینجا عنوانی که در توقیف تفنگ و فشنگ عثمانی ها و اورامانی ها مذکور می شود همین است که حمل سلاح به ممالک خارجه ممنوع است و این احتمال هم نسبت به عثمانی ها قویتر و بیشتر است تا به اورامانی ها، زیرا که اورامانی ها از اهالی اورامان لُهون و در سرحد عثمانی واقع شده و در خدمتگزاری دولت ابدآیت از اهالی اورامان تخت متفرّد و ممتازند و غالباً خدمات عمدهٔ سرحدات کردستان به توسط چریک آنها انجام داده می شود و چون ساخلوی در اورامان لُهون نیست، اهالی آنجا ناچارند که هم برای حفظ خودشان از ایذای سکنهٔ حدود عثمانی و هم محض انجام خدمات دولتی همیشه سلاح داشته باشند و به علاوه این چند نفر اورامانی صاحبان تفنگ و فشنگ، در این مدت به اندازهٔ خراب و مستأصل شده‌اند که مافوق آن متصوّر نیست. و به همین ملاحظه که خراب شده و رعایای داخله و به خدمتگزاری موصوف اند. این بنده به قدر امکان رعایت آنها را منظور داشته و حتی وجه مخابرات تلگرافی را در باب تفنگ و فشنگ آنها از خود متحمل شده، برآنها تحمیل ننموده‌ام. با این مقدمات بر حضرت عالی معلوم است که در صورتی که قیمت تفنگ و فشنگ عثمانی ها مرحمت شود و قیمت تفنگ و فشنگ آنها مرحمت نشود به چه اندازه موجب استیصال آنها و باعث مایوسی اهالی سرحدات خواهد بود که در حالتی که از تحصیل اسلحه و آلات مدافعه ممنوع شوند

چگونه از عهدهٔ خدمات دولتی و حفظ و حراست خودشان برآیند. تاکنون هم اهالی داخله از خرید و فروش اسلحه در داخله به حکم دیوان همیون [همایون] اعلی ممنوع نبوده‌اند و اگر باید ممنوع شوند مقرر فرمایند که این قدغن به همهٔ اهالی ابلاغ شود که بعد از این برای دیگری مثل اورامانی‌ها خطری نداشته باشد، ایام آمال مستدام باد.

مهر: ابوالقاسم

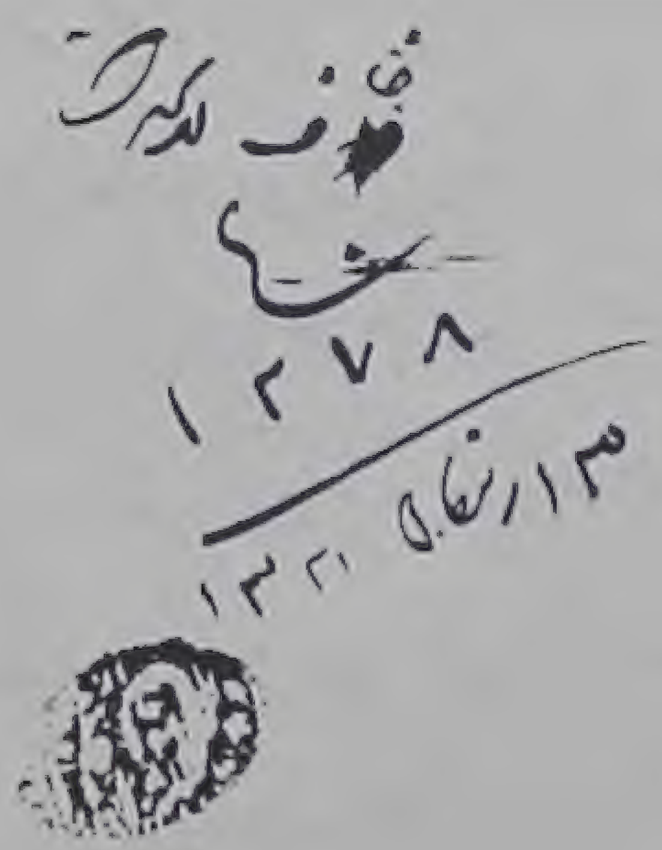

۲ رمضان المبارک
۱۳۲۱

مرقوم فرموده بودید که (امر دیگر اینکه قیمت تفنگ و فشنگ عثمانیها داده شود و
تفنگهای اورامانیها داده نشود) این بنده را رای جسارت ندارم ولکن
از وظایف و تنخواهی و نمکخوارگی این بنده است که آنچه را که بدانم که در این حدود
مبنی بر مصالح دولتی و رعایت ناچار باید بعرض برسانم و آن این است که در اینجا عنوانی
که در باب قیمت تفنگ و فشنگ عثمانیها و اورامانیها مذکور میشود همین است که عموم سلاح
بممالک خارجه ممنوع است و این احتمال هم نسبت بعثمانیها قویتر و بیشتر است
تا اورامانیها زیرا که اورامانیها ذراعالی اورامان لهون و در سرحد عثمانی واقعشده
و در خدمتگذاری دولت ابدمدت ذراعالی اورامان تحت تسخر و فرمان ذراعالی
خدمات عمده سرحدات کردستان بتوسط جریک آنها انجام داده میشود و چون
سلاحی در اورامان لهون نیست اهالی آنجا ناچارند که هم برای حفظ خود
از ایذاء تفنگچی عثمانی و هم محض انجام خدمات دولتی همیشه سلاح داشته باشند
و بعلاوه این چند نفر اورامانی صاحبان تفنگ و فشنگ در اینمدت باندازه خراب
شده اند که مافوق آن تصور نیست و بهمین ملاحظه که خراب شده و رعایای دولت
و بخدمتگذاری موصوفند این بنده بقدر امکان رعایت آنها را نموده و حتی
در جبه خانه تلگرافی را در باب تفنگ و فشنگ آنها از خود تنخواه شد برآنها تخمیل
نموده ام با این مقدمات بر خضرتعالی معلوم است که در صورتیکه قیمت تفنگ و فشنگ
عثمانیها مرحمت شود و قیمت تفنگ و فشنگ آنها مرحمت نشود بچه اندازه موجب
اینفصال آنها و باعث یاس اهالی سرحدات خواهد بود که در حالتیکه

شمارهٔ سند: ۹۵۲
موضوع: ضبط تفنگ و فشنگ اتباع عثمانی و رعایای سرحدی اورامان
تاریخ: ۲۲ رمضان ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۳۲
پرونده: ۳

نامهٔ وزارت خارجه به مظفرالدین شاه

فهرست عرض وزارت خارجه

چندی قبل مقداری تفنگ و فشنگ به توسط دو سه نفر اتباع عثمانی از طهران خریده و به سمت خاک عثمانی حمل می‌شد در همدان توقیف گردید، از سفارت عثمانی خواهش کردند که در رفع تعرض و اجازهٔ حمل آن به حکومت همدان توصیه شود بعد از تحقیق معلوم شد که مقداری از آنها متعلق به اتباع عثمانی و بعضی دیگر مال رعایای سرحدی اورامان مِن محال کردستان است، مراتب به عرض خاکپای فلک‌فرسای اقدس شاهنشاهی ارواحنافداه رسید، مقرر گردید آنچه را که متعلق به عثمانی‌ها است موافق خریدی که کرده‌اند قیمت داده شده تفنگ و فشنگ متعلق به آنها ضبط و حمل به دارالخلافه شود و همین طور به سفارت عثمانی ابلاغ گردید و آنچه را که مال اتباع داخله است بدون عوض توقیف گردد. بعد از چند روز مجدداً از پایهٔ سریر اعلی مقرر گردید که مال عثمانی‌ها هم مجاناً و بلاعوض ضبط شده و قیمت داده نشود این امر مجدد همایونی نیز به سفارت ابلاغ شد، این روزها تلگرافی از عثمان‌پاشا، قایم‌مقام کلفیر، به سفارت عثمانی رسید که به وزارت خارجه فرستاده تکلیف خواسته بودند. اینک تلگراف مزبور و کاغذی را که ناصرالملک در این باب نوشته است در لف این فهرست چاکرانه تقدیم خاکپای مرحمت اقتضای اقدس همایون ملوکانه ارواحنافداه نمود تا به هر طور مقرر گردد جواب داده شود. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع.

[حاشیه، پشت پاکت نامه:]

یک فقره فهرست عرض وزارت خارجه و دو طغرا نوشته ملفوف آن است از عرض خاکپای مهر اقتضای اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه شرف اندوز خواهد شد. ۲۳

شهر رمضان المبارک ـ نمرهٔ ۷۵۱

[دستخط مظفرالدین شاه:]

وزیر، ما که قیمت اسلحه تبعهٔ عثمانی را مرحمت فرموده‌ایم. امضا: مظفرالدین شاه

فهرست مندرجات

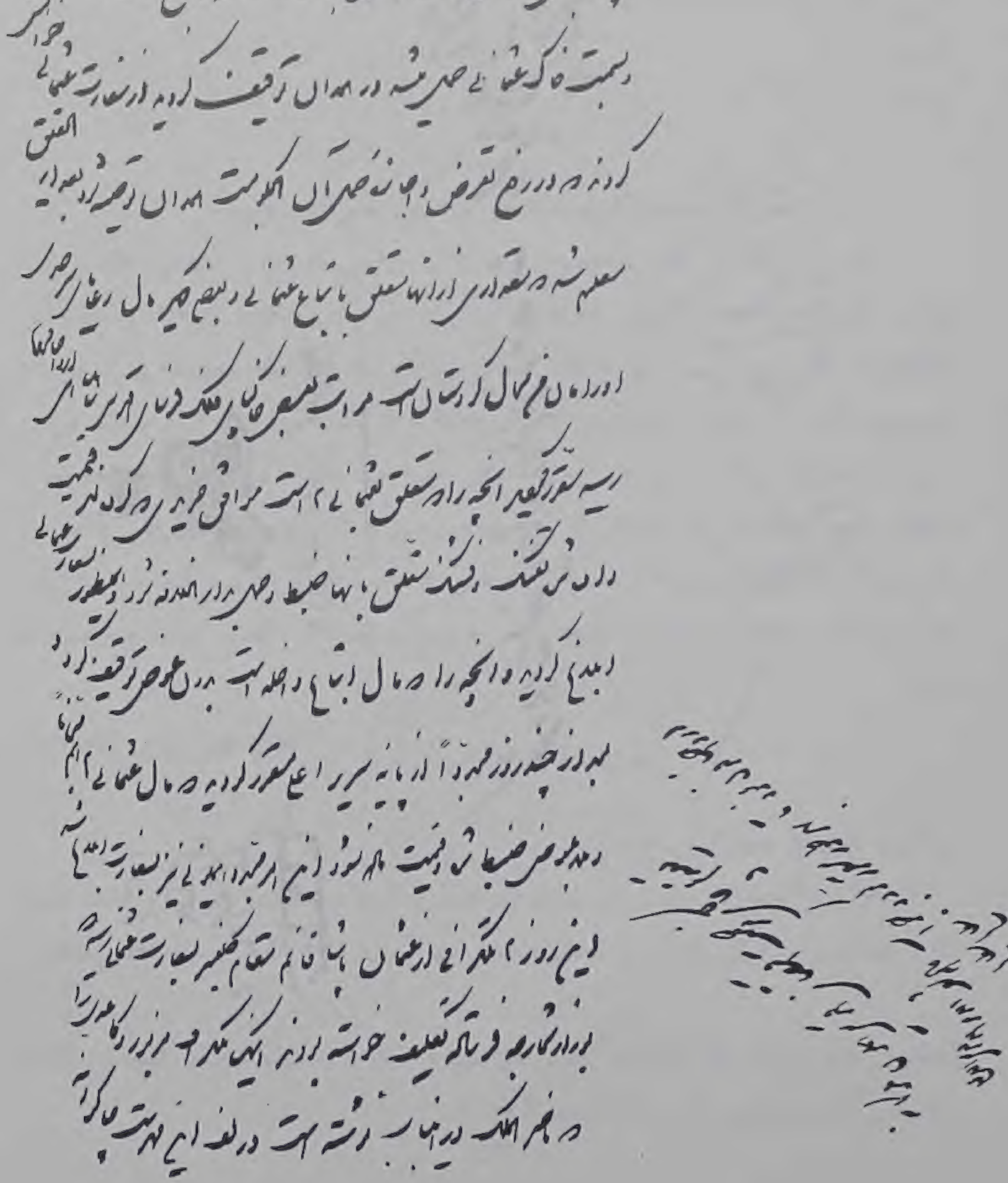

وزارت امور خارجه

شمارهٔ سند: ۹۵۳
موضوع: صورت حساب مخارج سفارت اسلامبول
نمره: ۵۶۲
تاریخ: ۲۴ رمضان ۱۳۲۱ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۱

نامهٔ سفارت کبری ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

صورت‌حساب* بعضی مخارج متفرقه را از قبیل خرج راه حاجی هاشم بیک چاپار و قبوض تلغرافات و بعضی خوردوات دیگر که عبارت از یکصد و هفتاد و چهار لیره و هشتاد و یک غروش باشد نوشته لفاً ارسال می دارم که ملاحظه فرمایند، در تاریخ ۱۶ شهر ربیع الثانی که صورت حساب را ارسال داشته‌ام از بابت پول رژی مبلغ سیصد و سی و دو لیره و یازده غروش و نیم در نزد بنده باقی بود، حالا بعد از وضع این یکصد و هفتاد و چهار لیره و هشتادویک غروش از آن سیصد و سی و دو لیره و یازده غروش و نیم نزد بنده می‌ماند یکصد و پنجاه و هفت لیره و سی و هشت غروش و نیم که حساب آن را هم باز البته به وزارت جلیلهٔ خارجه عرض و ارسال خواهم داشت، زیاده چه جسارت ورزد.

محل مهر: پرنس ارفع الدوله

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
وزیر، الحمدالله لبابت پول رژی (یکصد و پنجاه و هفت) لیره باقی مانده است که به دولت برسد اگر ارفع الدوله مجال بدهد. شهر شوال ۱۳۲۱ امضا: مظفرالدین شاه

[توضیح: چند نمونه سند در مورد گرفتن مواجب و مخارج و کرایه توسط اشخاص که از بازنویسی آن خودداری شده عیناً نقل می‌گردد.]

* چند فقره صورت حساب ضمیمهٔ سند است.

۲۴ شهریور مبارک ۱۳۲۱

نمره ۵۶۲

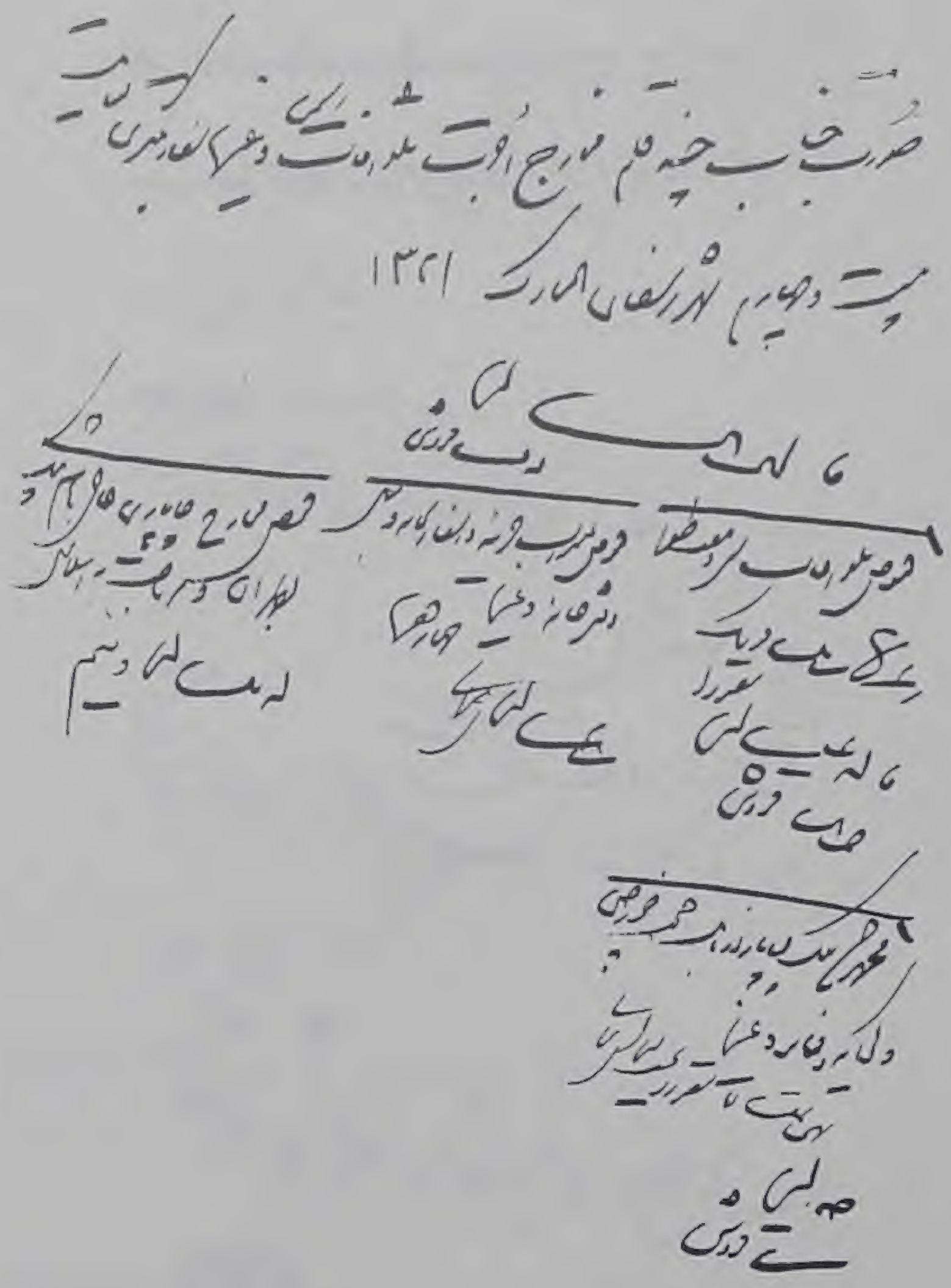

الی

برحسب خواهد کارگذاران وزارت جلیله خارجه از بابت قیمه خورجین و کراوه

وزارت متبوعه خصوص مطالب اجی اشرف عالی پرنس ارفع الدوله سردار نصیر کبیر مرقوم الی

عاید ای کتبی نمی گوید

بهمت

بریشان نیست

سلامت دولت کان را که دیران ایشان است

بهمت

۱۳۲۱ شهر شوال المعظم

به مسیر می‌رسانم.
موازی سی دستگاه لوله دستم مصارف دیگ بخار و ادارات.

این عدم موارد اکتفا در گماشتگان به کمان حاکمیت اداره

ممد اسهم افخم اعلم عالی سرکار زینی ارفع اعلی دولت سرکار سنیر لیبر

۱۳۲۱

ه

مرجع این سند دریافت تحریراً به نهر نصف

کلمات
Mots 64

نومرو
N° ۱۷۰۶۵

طرفه یازیلان تلغرافنامه‌نك
Expéditeur S.A. Reja Khan

طرفندن
Adresse

à Téhéran

فرانق مرقم المقدار اجرتی اخذ اولنمشدر
Somme perçue Frs ۱۲۸ C. | غروش Pres | پاره Pra

سنه

Date 7/9 1903

اجرتی اخذ ایدن مأمورك امضاسی
Signature de l'Employé

+TÉLÉGRAMME+

کلمات
Mots 15

نومرو
N° ۱۷۰۶۶

طرفه یازیلان تلغرافنامه‌نك
Expéditeur S.A. Reja Khan

طرفندن
Adresse

à Tauris

فرانق مرقم المقدار اجرتی اخذ اولنمشدر
Somme perçue Frs 20 C. | غروش Pres | پاره Pra

سنه

Date نو 9 1903

اجرتی اخذ ایدن مأمورك امضاسی
Signature de l'Employé

+TÉLÉGRAMME+

کلمات
Mots 14

نومرو
N° ۱۷۰۶۷

طرفه یازیلان تلغرافنامه‌نك
Expéditeur S.A. Reja Khan

طرفندن
Adresse

à Téhéran

فرانق مرقم المقدار اجرتی اخذ اولنمشدر
Somme perçue Frs 18 C. | غروش Pres | پاره Pra

سنه

Date 7/9 1903

اجرتی اخذ ایدن مأمورك امضاسی
Signature de l'Employé

+TÉLÉGRAMME+

صورت

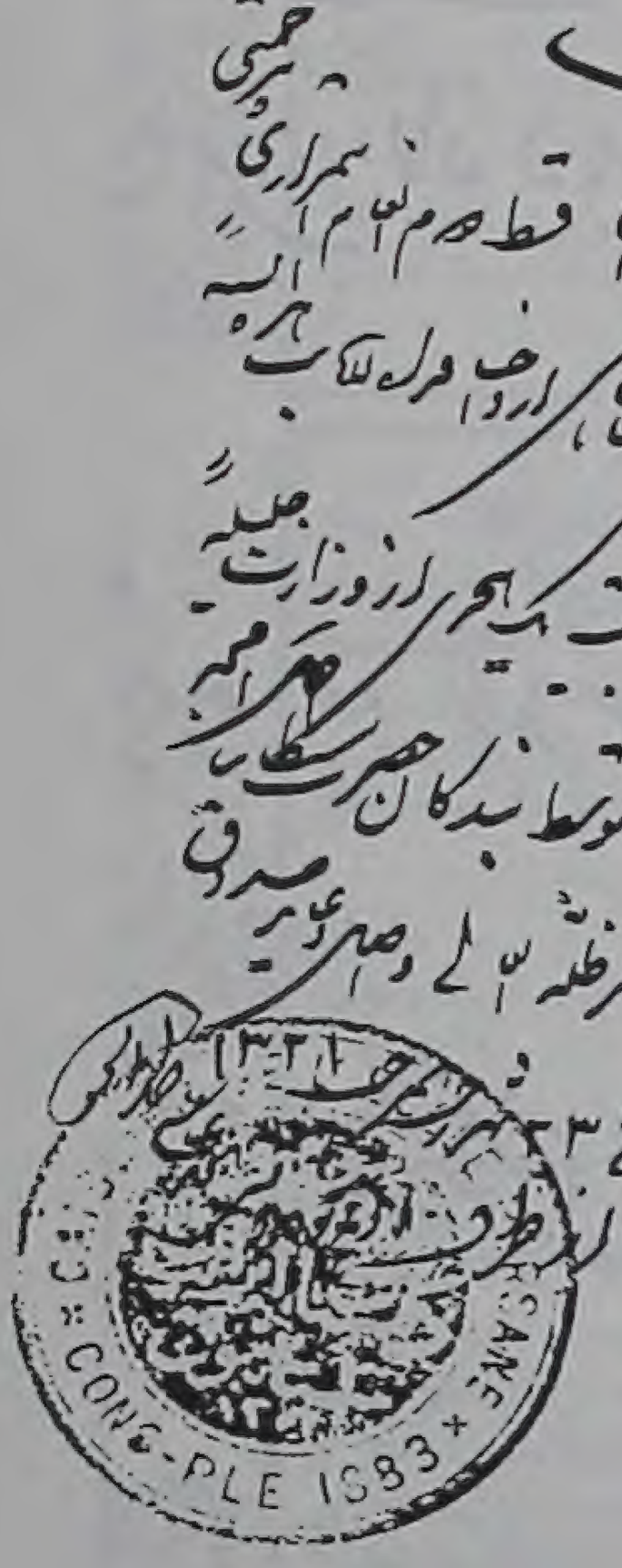

شمارهٔ سند: ۹۵٤
موضوع: تغییر کار پرداز ارض‌روم
نمره: ٥٤٦
تاریخ: ۲٤ رمضان ۱۳۲۱. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤

نامهٔ ارفع‌الدوله سفیرکبیر ایران در عثمانی به وزارت امور خارجه

دو روز بعد از تعیین میرزاکریم خان، مأمور قارص به وکالت کار پردازی ارزروم، دو فقره تلگراف متوالیاً از مومی‌الیه رسید که حاجی ابراهیم موجب ایقاع فساد گردیده، به کار پردازخانه آمده، چون حالت تهلکه برای من ملحوظ بود به واسطهٔ حکومت محلیه او را بیرون کرده و حالا او را احضار اسلامبول و تنبیه نمایید، بلافاصله از حاجی ابراهیم تلگراف رسید که میرزا کریم‌خان شترداران ما را حبس و زیاده از معمولی رسوم می‌خواهد امر به تخلیهٔ شترداران و رفتار موافق معمول بدهید و همین حاجی ابراهیم تاجرلک به اتفاق چند نفر تجار دیگر مقیمین ارض‌روم به تجار اسلامبول تلگراف کرده بودند که معاملات متقاعده میرزا کریم‌خان را به سفارت کبری تفهیم و امر در تخلیص شترداران بفرستید، تجار مزبور هم به سفارت کبری آمده، اظهار داشتند که به واسطهٔ محبوسی شترداران اموال ما در معرض تلف مانده، تلگراف نمایید که آنها را مستخلص بدارد. بنده برحسب تلگرافات مستقیمهٔ تجار ارض‌روم و اظهارات تجار اسلامبول تلگراف کردم که شترداران را بیرون آورده، موافق معمول رفتار نمایید و محض اینکه به واسطهٔ عدم وقوف میرزاکریم خان به احوال آن صفحات این گونه شکایات تولید نگردیده و اسباب زحمت عمومی نشود، این بود به طوری که تلگرافاً عرض کردم، میرزا عبداله خان معتمدالوزاره را روانهٔ ارض‌روم داشتم که هم از اهل و عیال و متعلقان مکرم‌السلطان پرستاری نماید و هم در صورتی که رأی انور عالی تصویب نموده، اجازه بدهند تا ورود کار پرداز به ارض‌روم به سمت وکالت کار پردازی به امورات اتباع دولت علیه رسیدگی نماید و تلگرافات میرزاکریم خان و تجار ارض‌روم را هم لفاً ارسال می‌دارم که خاطر مسعود جناب مستطاب اجل افخم عالی از مراتب آنها کاملاً مستحضر باشد، در ۲٤ رمضان

۲۴ شهر رمضان ۱۳۲۱

نمره ۵۴۶

دیروز بعد از تعیین میرزا کریمخان مامور قارص بوکالت کارپردازی از طرف دولت علیه

تلگراف سرحدی از مرحمی اینجا رسید که حاجی ابراهیم موجب اتباع فساد کرده

بگمرک دارخانه آمده چون حالت تهلکه برای خود ملحوظ نبوده بواسطه حکومت جلگه اورمی

بیرون کهنه و خانه اورد احضار اسلامبول و تنبیه نتیجه بلد فاصله از حاجی ابراهیم

تلگراف رسیده در میرزا کریمخان تشدد اورمی که مارا حبس و دربانه از عمومی رسوم

در بنکه تشدد اورمی ورق سرحدی معمول بریه داخلی حاجی ابراهیم تاجر لنگ مالکان

خانه تجار دیگر متعلق از طرف دولت تجار اسلامبول تلگراف کنم قضیه در مسافت

میرزا کریمخان نزد سفارت کبری تفهیم و امر در تخلیص تشدد اورمی تجار مرقومه

سفارت کبری آنجا رجوع شده و بواسطه مجبوری تشدد اورمی امروز ما در سوص مالکان

تلگراف نتیجه در آنها را تخلیص دارد بنده بر حسب تلگراف تجار از طرف

و داخل رعایت تجار اسلامبول تلگراف کنم تشدد اورمی را بیرون آورده

عمومی رفتار نتیجه و منتظر اینکه بواسطه عدم وقوف میرزا کریمخان تاجر از

اینکونه شکایات تولید نکرده و باسباب زحمت عرض نشود امر بطور

تلگراف عرض کنم میرزا عبدالرحمان معتمد الوزاره را روانه از طرف

دارم در هم از راهی و عیال و متعلقان مکرم السلطان پرستاری نیاورده

شمارهٔ سند: ۹۵۵
موضوع: مخارج عیال و اطفال مکرم‌السلطان
تاریخ: ۲۶ رمضان ۱۳۲۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤

تلگراف از سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

هو

استخراج تلگراف رمز از اسلامبول

حضرت مستطاب اجل اکرم افخم، وزیر امور خارجه معتمدالوزاره، مدتی است برای سر پرستی عیال و اطفال مکرم‌السلطان رفته اگر وکالت او صلاح نیست اقلاً به کریم‌خان پیشنماز بفرمایید از عایدات کار پردازی مخارج عیال و اطفال مکرم‌السلطان را برساند. رضا

۸

استخراج مذکرات نماز از سنه

حضرت مستطاب امجد اکرم افخم وزیر امور خارجه شهر انوزاره

مذکرات برای سر پرستی تعلیم و اطفال مکرم اللطان رفیقه اگر

وکالت در صلح و تیت اقامه بکریم خان پیشنماز نشا"

در معاهدات کاردوزی مقاربع تعلیم و اطفال لکمه السلطان

۱۳۴۱

رسیده

شمارهٔ سند: ۹۵۶
موضوع: مواجب مستخدمین ایرانی سفارت عثمانی
تاریخ: شهر شعبان ۱۳۲۱ هـ . ق
کارتن: ۱
پرونده: —

فهرست عرض وزارت خارجه است

حاجی میرزا ابوالقاسم خان، ترجمان اسبق کار پردازی بغداد، دویست تومان مواجب دیوانی داشت پس از فوت او به دو پسرش حسن آقا و حسین آقا هر کدام یک صد تومان از آن مواجب مرحمت شد، حسین آقا که مفلوج و علیل بود این اوقات بلاولد مرحوم شده است. اگر رأی جهان‌آرای اقدس ملوکانه ارواحنافداه اقتضأ فرماید محل مواجب مزبور بعد از وضع ثلث به شرح معروض دربارهٔ میرزا حسین خان ادیب السلطنه و اسدالله میرزای احتشام همایون که سالها است در وزارت خارجه و ادارهٔ تحریرات عثمانی مشغول خدمت‌اند و معاش کافی ندارند، مرحمت شود. تفضلی دربارهٔ آنها خواهد بود. دیگر منوط به امر و ارادهٔ اقدس ملوکانه ارواحنافداه است. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع.

[حاشیه:]
هو، وزیر این مبلغ باید ضبط شود به دفتر بنویسید که ضبط کنند. شهر شعبان ۱۳۲۱

امضا: مظفرالدین شاه

فهرست عرض وزارت خارجه است

وزارت امور خارجه

اداره دائره

مورخه

نمره

حاجی میرزا ابوالقاسم ترجمان اسبق کاربرداری بغداد در تهران

راجب دیوانه‌ایست که از فوت او مدد معاش حسین آقا

کدام مقصد قنسول از این مراجعت شد حسین آقا مفتوح

این اوقات بلاوله مرخص شده است اگر رای جهان

اقدس ملوکانه ارواحنا فداه قرین مرحمت باشد

شرح معروض درباره میرزا حسن خان ادیب السلطنه

در سالهاست در وزارت خارجه و اداره تحریرات عثمانی مشغول

کاغذ هذا مرحمت شود تفصیل درباره انها خاطر

ملوکانه ارواحنا فداه چیست

شمارهٔ سند: ۹۵۷
موضوع: صدور دستورالعمل حکام ولایات
تاریخ: (احتمالاً ۱۳۲۱ هـ. ق)
کارتن: ۱۱
پرونده: ۱

نامهٔ مظفرالدین شاه به صدراعظم

هو

وزیر، صورت اقدامات و سؤال و جواب ارفع الدوله به عرض رسید.

در باب این مسائلی که عرض کرده است باید مراقبت نمود، در این باب شما و عین الدوله و سپهسالار و مشیرالسلطنه مجلسی نموده قرار درستی بدهند و دستورالعمل مکفی برای حکام ولایات که هم خاک با دولت عثمانی می باشند، بفرستید که از آن قرار رفتار نمایند که دچار این زحمات نشویم.

در باب شه‌بندری ها به تمام حکام بنویسد در صورتی که شه‌بندری درست رفتار کرده چرا وقت رفتن او مهمانی داده که این طور اظهار نمایند هر کدام درست حرکت کردند باید احترامات لازمه به عمل آورد و الا فلا و هکذا در سایر فقرات قراری که لازم است داده شود. امضا: مظفرالدین شاه

شمارهٔ سند: ۹۵۸
موضوع: وضع مکرم‌السلطان و خانواده او
تاریخ: ۱۸ نوامبر ۱۹۰۲ (۱۳۲۱. ق)
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤

تلگراف از کارپردازی ارض‌روم به وزارت خارجه

از ارزروم، جناب مستطاب وزیر امور خارجه

برحسب امر مطاع حضرت اشرف وارد ارض‌روم شدم، مادام گبلن تسلیم شده است تفصیلی که مکرم‌السلطان تلگرافاً و کتباً عرض کرده همه صحیح و خودشان برای حرکت حاضرند ولی خرجی راه ندارند، مبالغی مقروض و پریشان هستند، تفضیل در این باب منتظر حکم مطاع می‌باشم. کریم

ADMINISTRATION TÉLÉGRAPHIQUE PERSANE

N° 877	Mots 43	Date 17	H. 9	M.	Vide Djoulfa

Télégramme

de Téheran à Erzeroum

Téheran

Ministre Etrangères

Berhesebe amre motae hezrete Tachref
Varede erzeroum choudem madame
gueblen Teslim choude est Tefsilisse
moKeremsaltan telegraphen ve guelben
erz Kerda hema sehih vekhodechan berage
hereKet hazerend veli Khardjerah
nadarend mebaleghi melgroudz ve

Reçu de le 190

ADMINISTRATION TÉLÉGRAPHIQUE PERSANE

N° 1179	Mots	Date	H.	M.	OBSERVATIONS
11					

Télégramme

de

parvchanend Tafsil derinbab montazere
hokm motae mibachim

Kerim

رجوع بمقام منیع حضرت اشرف وارد ارض اقدس شدیم
مادام کمپانی تلگراف مستدعا است تفصیل که مکرر
دلگیا عرض کرده اجمالی جوابش داده شود
دلی وقتی راه مذاکره بلغی تعرض نمیرسانند
تفصیل در آنجا مطمئن
حکم مقامی ملازم

Reçu de le 18/11/ 190

شمارهٔ سند: ۹۵۹
موضوع: حقوق اعضای سفارت استانبول
نمره: ۵۸۳
تاریخ: ۹ ذی‌قعده ۱۳۲۱ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۱

نامهٔ سفارت کبری ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

تلغراف فرموده بودند که مبلغ یکصد و هشتاد تومان از بابت قسط سیم به مکرم‌السلطان و یک صد تومان به میرزاکریم خان و ششصد تومان از بابت مواجب رکابی دوساله به حاجی میرزاهاشم خان کار پرداز شام برساند، حسب‌الامر حضرت مستطاب اجل افخم عالی وجوهات محوله را رسانیده، اینک قبض وصول آنها را لفاً ارسال و استدعا دارم به طوری که مرقوم فرموده‌اند وجه این سه فقره حواله را زود ارسال فرمایید که خود بنده هم تنگدستی و معطلی را دارم، زیاده چه جسارت ورزد.

محل مهر: پرنس ارفع‌الدوله

قبض وصول ضمیمه است.

شهرستان قم ۱۳۲۱

نمره ۵۸۳

شمارهٔ سند: ۹۶۰
موضوع: در خصوص ممدوح بیک قونسول عثمانی در خوی و سلماس و دخالت در امور
نمره: ۳
تاریخ: ۱۵ محرم‌الحرام ۱۳۲۲ هـ.ق
کارتن: ۱
پرونده: ۹

گزارش از سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

در باب ممدوح بک، قونسول عثمانی در خوی و سلماس، که به ارومیه رفته تلگراف فرموده بودند با وجودی که تحقیقات خود را در آنجا به اتمام رسانیده و سفارت هم به او خبر داده که مراجعت نماید باز گروهی از اشرار را دور خود جمع نموده از آنها حمایت و وادار کرده است که از باب‌عالی ابقای او را در ارومیه بخواهند، فدوی به محض وصول تلگراف مبارک نزد توفیق پاشا، وزیر امور خارجه، رفته از سوء رفتار مومی‌الیه شکایت و احضار او را از ارومیه خواهش نمودم. معزی الیه گفت شاید کارهای او تمام نشده که هنوز حرکت نکرده است و جهت ندارد که با داشتن مأموریت خوی و سلماس ابقای خود را در ارومیه بخواهد، فدوی به مناسبت مقام به طور شوخی گفتم چون ممدوح بک جوان عیاش و خوش‌سلیقه‌ایست و اسباب تعیّش او به واسطهٔ خوشی آب و هوا و آزادی و قشنگی شهر ارومیه مهیاتر از خوی و سلماس است به این ملاحظه بودن در آنجا را ترجیح می‌دهد، از این صحبت فدوی خنده‌اش گرفته سپرد تلگراف کرده بنویسند تا که سریعاً از ارومیه حرکت کرده بعد از این موافق قاعده رفتار نماید، محض استحضار خاطر مبارک جسارت به عرض نمود. الامر الاجل الاعظم مطاع.

فدوی مصطفی

[حاشیه:] ملاحظه شد. امضا: مظفرالدین شاه

نمره ۳

در باب ممدوح یک توزل غنائی درخوری دیده می‌شود که با روحیه رقیه مطرف

شمارهٔ سند: ۹۶۱
موضوع: قرارداد عثمانی و بلغارستان در زمینهٔ رفع اختلاف
نمره: ۱۳۲
تاریخ: ۲۹ محرم‌الحرام ۱۳۲۲ هـ.ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۲

نامهٔ سفارت ایران از پطرزبورغ به وزارت خارجه

مابین عثمانی و بلغارستان هم بالاخره قراردادی امضا شده و مناقشهٔ طرفین احتمال دارد که مرتفع شود. در این قرارداد دولت بلغارستان متعهد می‌شود که نگذارد در بلغارستان تشکیل انجمن شورشیان مقدونی بشود و تجاوز نمایند و کلیتاً مانع از خیالات شورشیان بشود خواه این اقدامات از طرف شورشیان مقدونی در خاک بلغارستان باشد و خواه از طرف تبعهٔ بلغارستان در خاک مقدونی. دولت عثمانی هم در ازای این اقدامات بلغارستان عفو عمومی به مقصرین مقدونی می‌دهد باستثنای مقصرین که استعمال دینامیت و مواد محترقه نموده‌اند، این قرارداد صلح و صفای طرفین را تا مدتی ضمانت می‌نماید در صورتی که اجرا شود، ولی حرف در اجرای آن است زیرا که این نوع قراردادها مکرر منعقد شده و در روی کاغذ مانده است، به جهت استحضار خاطر مبارک جسارت شد.

محل مهر مشیرالملک

وزارت [illegible] داخله
آرشیون [illegible]

نمره ۳۹ نهر محرر [illegible] بلغارستان هم بالاخره قرارداد اضافه و تطویل مدت
۱۳۲۲
- مبنی
احتمال دارد مرتفع شود در اینصورت قرارداد دولت بلغارستان
که گذارد در بلغارستان تشکیل انجمن ورزشی مقدونی نبود و تکاور نامه
مانع از خیانت ورزشیان نبود خواه اینصورت از طرف ورزشیان
مقدونی در خاک بلغارستان می رخواه از طرف تبعه بلغارستان
مقدونی دولت عثمانی هم در ازای اینصورت بلغارستان
بتقصیر مقدونی سیده باشد تقصیری در اینصورت دولت
اینصورت قرارداد صحیح وصفای طرفین را تامه ای ضمانت نمایند در صورتیکه
ولی حرف در اجرای آنست زیرا در اینصورت قرارداد مکرر نشده
و در ردی گذشته است بجهة اتخاذ خاطر مبارک جارت شده

شمارهٔ سند: ۹۶۲
موضوع: اوضاع عثمانی
نمره: ۶۵
تاریخ: صفر ۱۳۲۲ هـ.ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۲

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

میرزافتح الله خان مشیر حضور آتشه میلیتر سفارت کبری راپورتی دایر به حالات و نقاط مقدونیه و تشبّثات آنها در آنجا و اقدامات عثمانی ها در آن حدود به طور مفصل و خیلی مفید و خوب نوشته است، اینک ارسال داشتم که خواطر اولیای دولت علیه از مراتب آن مستحضر باشد.

محل مهر پرنس ارفع الدوله

۱۳۴۴ مهر

۶۵ ع

وزارت امور خارجه
آرشیو

... تشریف بکلی رابورتها دارید
... بکالت دقایق متعدده دیشبها آنها در اکاکی و اقدامات
عثمانیها در آن حدود بطور منصفی و خیلی مفید و خوب نوشته اید
و یک رساله دیگر هم خودتان بدهید، در آن رساله از مزایای آن منصفی

شمارهٔ سند: ۹۶۳
موضوع: شورش مقدونیه علیه عثمانی
نمره: ۱۶۵
تاریخ: ۱۳۲۲ هـ.ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۲

گزارش میرزافتح‌اله خان آتشه میلیتر سفارت ایران در استانبول

چند روز قبل معاهدهٔ مخصوصی که مابین دولت عثمانی و امارت بلغارستان در خصوص آسایش ولایت مقدونیه بسته شده به امضای طرفین رسید، یعنی از طرف دولت عثمانی سعیدپاشا، صدراعظم، و از طرف امارت بلغارستان مسیو ناچویچ، وکیل سیاسی بلغار، معاهدهٔ مزبور را امضا کرده‌اند تأخیر و تعویقی که در خصوص این امضا به ظهور رسیده از این جهت بود که در مضمون این معاهده تابعیت امارت بلغارستان نسبت به دولت عثمانی به طوری که شاید و باید مذکور نشده بود و این طور معنی می‌داد که عهدنامهٔ مابین دو دولت مسلط منعقد شده باشد، به موجب مطالبات دولت عثمانی این نکته هم ملاحظه شده و امارت بلغارستان قبول نمود که تابعیت خود را نسبت به دولت عثمانی به طور صحیح در این معاهده معلوم نماید. فصول این معاهده تکالیف ذیل را برای طرفین برقرار نموده است:

اولاً: امارت بلغارستان من‌بعد به هیچ وجه اجازه نخواهد داد که در خاک خود کُمیته یا دسته‌هایی تشکیل شود، به قصد اینکه در خاک دولت عثمانی شورش و بی‌نظمی راه بیندازد و اگر در آتیه معلوم شود که یکی از اتباع بلغار به این خیال مشغول باشد به مجازات سخت خواهد رسید.

ثانیاً: با نهایت سختی و کمال اهتمام امارت بلغارستان مانع خواهد شد که از خاک بلغار یا از خارجه یا داخله اسلحه جنگی یا خمپاره‌های دینامیطی [دینامیتی] و غیره به خاک عثمانی حمل شود.

ثالثاً: برای اجرای این مقصود در تمام نقاط سرحد وکلای نظامی و غیرنظامی برقرار خواهد نمود که مأمور و مسئول اجرای این حکم باشند در عوض دولت عثمانی تمام

مقصرین پلتیکی و شورشیان مقدونیه که محبوس و نفی بلد شده‌اند باثتثنای [به استثنای] آنهایی که مقصر قتل دینامیطی [دینامیتی] شده‌اند، عفو عام خواهد داد و به آنها اذن داده می‌شود به ولایت و منازل خود مراجعت نمایند و برای دوباره ساختن خانه‌ها و منازل از طرف دولت عثمانی کمال همراهی و تسهیلات لازمه به عمل خواهد آمد و در آینده تبعه‌های عثمانی که اصلاً بلغار هستند به مناصب و مأموریتهای دولتی منصوب خواهند شد، تمام قراردادهای جدید و احکام سخت که دولت عثمانی برای عبور و مرور سرحدات بلغار در پاییز گذشته برقرار نموده است از این به بعد موقوف خواهد بود. امضای این معاهده در دوایر سیاسی بهترین تأثیر را بخشیده است و دولتین روس و اطریش در این معاهده کمک مهمی برای انجام مقصود خود و اجرای لایحهٔ تنظیمات ملاحظه می‌نمایند و چه در وین و چه در پطرزبورغ از اینکه این معاهده متضمن فصول لایحه رفرم دولتین است و به هیچ وجه مخالفتی در پلتیک آنها به هم نمی‌رساند کمال امیدواری را در حسن نتیجهٔ آن دارند تمام دایره‌های سیاسی عقیده دارند که انجام و حل این مسئله بسیار مهم فقط از میامن استعداد و قابلیت و معقولیت و هوش دیپلوماتیکی مسیو ناچویچ است که توانسته با اولیای دولت عثمانی با وصف تمام اشکالات مصالحه‌ای بنماید و نه تنها با تمام این اهتمامات خدمت بزرگی به عموم دول بالکان کرده بلکه پایهٔ صلح مشرق اروپ را برای زمان ممتدی ثابت و محکم نموده است. برای امارت بلغارستان انعقاد این معاهده ثمر بزرگی دارد از اینکه نفوذ و اعتبار خود را به اهالی مقدونیه بیش از پیش نشان می‌دهد و مدلّل می‌سازد که انجام مسئلهٔ مقدونیه و اجرای لایحه تنظیمات به اقدامات مستقیمی او با دولت عثمانی صورت پذیرفته است و در آینده از طرف اهالی مقدونیه یک قسم حق‌شناسی برای خود برقرار می‌سازد و به آنها نشان می‌دهد که آسایش و راحتی آنها از دست ملت برادر یعنی ملت بلغار رسیده است و این طور نفوذ خود را در میان آنها شایع می‌دهد از طرف دیگر هم خسارت بزرگی که همه روزه به تجارت بلغار از جهت مسدود بودن سرحدات به ملت بلغار وارد می‌شد برطرف خواهد شد، دولت عثمانی در انعقاد این معاهده از اینکه در آینده امارت بلغارستان را برای امنیت و نظم مقدونیه مسئول ساخته است منفعت بزرگی را پیدا کرده است زیرا در صورتی که من‌بعد از این نظم آن ولایت به هم بخورد می‌تواند ثابت نماید که از نتیجهٔ تحریکات اهل بلغار و همدست بودن امارت بلغارستان است، در حقیقت امارت بلغارستان سندی به دولت عثمانی داده و

ضامن نظم و امنیت ولایت مقدونیه شده در هر صورت چه برای دولت عثمانی و چه برای امارت بلغارستان انعقاد این معاهده فایده‌مند است و گذشته از آن ضمانت بزرگی برای حفظ صلح و آسایش تمام ممالک بالکان خواهد بود.

محل مهر محمد ابراهیم الغفاری

۱۰۵

وزارت امور خارجه
آرشیو

[illegible] مخصوصی در باب دولت عثمانی و عدالت بغدستان از حضرص آسایش و عدالت تقدیر نسبت شرف بغداد فرمانده
[illegible] طرف دولت عثمانی سعید پاشا صدر اعظم و از طرف عدالت بغدستان سید ناجی افندی کلیدار سابق بغداد معاهده فرمانده
امضا گردید تا حین و تصدیق در حضرص این امضا بظهور رسیده از این جهت بود در فصول این معاهده تابعیت عدالت
بغدستان نسبت بدولت عثمانی بطوریکه شاید و باید تذکور نشده بود و این طور معنی میداد در عهدنامه های بین دولتین منعقد
شده باشد بموجب مطالبات دولت عثمانی این نکته هم مدنظر شده و عدالت بغدستان قبول نموده تابعیت خود نسبت
بدولت عثمانی بطوریکه صحیح و این معاهده معلوم نماید فصول این معاهده تکالیف ذیل را برای طرفین برقرار نموده است اولاً
عدالت بغدستان فی بعد بهیچوجه اجازه نخواهد داد در خاک خود کمیته یا دسته های تشکیل شود بقصد اینکه در خاک دولت
عثمانی شورش و بی نظمی راه بیندازد و اگر در آتیه معلوم شود یکی از اتباع بغداد باین خیال مشغول است بمجازات سخت خواهد
ثانیاً با نهایت سختی و کمال اهتمام عدالت بغدستان مانع خواهد شد از خاک بغداد از خارجه یا داخله اسلحه جنگ یا
دینامیت و غیره بخاک عثمانی حمل شود ثالثاً برای اجرای این مقصود در تمام نقاط سرحد و گمرکی نظامی و غیر نظامی
مقرر مامور و مسئول اجرای این حکم باشند در عوض دولت عثمانی تمام مقصرین سیاسی و دزدیشان سابقه را که محبوس
و نفی بلد شده اند بشناسی انهائیکه مقصر قتل و سیاسی شریر عفو عام خواهد کرد و بنا اول دولتین بودند و منازل محفوظ
کلا جهت نیز دولتین در باب ساختن خانه و منازل از طرف دولت عثمانی کمال اجرا می دستهدت مدرسه یعنی خواهد
و در اینده تجار عثمانی در اسلامبول بغداد همان مناصب و مامورین های حرکتی منصوب خواهند شد تمام قرار دادهای
جدید احکام سخت دولت عثمانی برای عبور و مرور سرحدات بغداد در پاییز گذشته برقرار نخواهد شد از این
به بعد موقوف خواهد بود اقتضای این معاهده در هر ایرادی بهترین تأثیر خواهد بخشید و در تعیین رود کرخ
و اطرافش در این معاهده کمک مهمی برای انجام مقصود خود و اجرای مدینه شطیات مدنظر خواهد شد و چه در
بگذریم از اینکه این معاهده متضمن فصول دیگر (رقم) دیگر است و هیچوجه مخالفتی در تعیین انها

بهم نمیرسند کمال اسیدواری را در حسن پیشرفت دارند تمام دایره‌های سیاسی عقیده دارند در انجام و حل این مسئله بسیار مهم فقط از سیاق استعداد و قابلیت و معقولیت دهرشی دیپلماتیک مسیو ... چشم امید داشته با اولیای دولت عثمانی با وصف تمام اتحاد مصلحت بنهید و نه شما با تمام این اهمیات ثروت بزرگی بعموم دول بلکه کهه بلکه با صلح شرق اروپ بعد برای رسیدن ثابت و محکم منظور است برای اداره بعد بتوان انتقاد این معاهده بزرگی دارد از اینکه نفوذ و اعتبار خود را بعالم تعدی بیش از پیش نشان میدهد و مدتی میسازد در انجام مسئله تقدیمه و اجرای مدیریه مطیعات بر اقدامات تحقیقی او با دولت عثمانی صورت پذیرفته است و در اینجا از طرف اتحاد تقدیمه یک قسم حق شناسی برای خود قرار میسازد و به انهاش میدهد که آسایش و راحتی انها از دست ملت بعلور نمی ملت بعذر رسیده است و این طور نفوذ خود را در میان انها شایع - از طرف دیگر ام تجارت بزرگی که همه روزه به تجارت بعذر از جهة سد قبول سرحدات ملت بعذر وارد میشد بر طرف خزانه دولت عثمانی در انعقاد این معاهده از اینکه در اینجا اداره بعذرستان بعد برای امنیت و نظم تقدیمه مسئول شده است منفعت بزرگی را به اکهه است زیرا در صورتیکه من بعد از این نظم امن و امنیت بهمخورد میتوانند ثابت نماید از شیوه تحرک اهل بعذر دام دست بعول اداره بعذرستان است در حقیقت اداره بعذرستان سندی به دولت عثمانی دلهره ضامن نظم و امنیت و مدیریت تقدیمه شد در هر صورت چه برای دولت عثمانی و چه بعدی اداره بعذرستان انعقاد این معاهده نامیمنه است و گذشته از این ضمانت بزرگی برای حفظ صلح و آسایش تمام ممالک بلکه خزانه بعد

شمارهٔ سند: ۹٦٤
موضوع: حادثهٔ تاباه (گزارش داخلهٔ عثمانی)
تاریخ: ۲۵ مارس ۱۹۰٦.م (۲٤ محرم ۱۳۲٤ هـ.ق)
کارتن: ۳۲
پرونده: ٤

گزارش سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجهٔ ایران (ترجمهٔ روزنامهٔ فیگارو، دوشنبه ۲٦ مارس ۱۹۰٦)

باز نزدیک است سماجت و اقدامات باب‌عالی مسئلیت مسئلهٔ شومی را به عهدهٔ سلطان بیندازد، چنانچه چند ماه است که عثمانی ها ساخلوی عسکری در تاباه برقرار نموده‌اند، محل مزبور در منتهی الیه خلیج اکبه [عقبه] و در مقابل شهر موسم به همین اسم واقع بوده و این موقع منتهی الیه سرحد مصر در شبه‌جزیرهٔ سینا می باشد، حکومت مصر پروتست نمود و دولت انگلیس هم با او تقویت کرده در اول وحله چنین به نظر می آمد که دولت عثمانی به همین قدر که فهمانده است مصر همیشه جزو لاینجزای ممالک سلطانی بوده اکتفا نموده و فوراً عساکر خود را از آنجا برخواهد داشت ولی به هیچ وجه این اثر ظاهر نشد و اقدامات و اصرار سفارت انگلیس منتج به نتیجه نگردید.

از قراری که مشهور است دولت انگلیس بیش از این منتظر نشده و چون به واسطهٔ مذاکرات سیاسیه رضای خاطر او فراهم نماید به استعمال قوه جبریه خواهد پرداخت و به طوری که می‌گویند اولتیماتمی به رئیس عساکر عثمانی در اکبه [عقبه] داده خواهد شد که اگر در مدت بیست و چهار ساعت عساکر عثمانی از آنجا نروند کشتی جنگی انگلیسی شهر را گلوله‌باران خواهد نمود.

ترجمه از روزنامه فکگاز رد چهارشنبه ۲۷ مارس ۱۹۰۶

مادته (تا باد)

استانبول ۲۵ مارس ۱۹۰۵

[illegible]

§ ایران سفیر کبیری ارفع‌الدوله جناب اشرف پرنس میرزا رضا خان حضرتلری دونکی کون دائرهٔ جلیلهٔ خارجیه‌یه کله‌رك خارجیه ناظری دولتلو توفیق پاشا حضرتلریله ملاقات ایلمشدر .

ملاقات

المانیا سفیر کبیری اصالتلو بارون مارشال ، انکلتره سفیر کبیری اصالتلو سیر نیقولااوقونور، روسیه سفیر کبیری اصالتلو موسیو زینوویف ، ایران سفیر کبیری ارفع‌الدوله جناب اشرف پرنس میرزا رضا خان حضراتی دونکی کون باب‌عالی‌یه کله‌رك ذات فخامتسمات حضرت صدراعظمی‌ایله ملاقات ایلمشلردر.

§ سفرای مشارالیهم حضراتندن انکلتره ، روسیه ایران سفیرلری دائرهٔ جلیلهٔ خارجیه‌یه دخی کیدرك خارجیه ناظری دولتلو توفیق پاشا حضرتلریله ملاقات ایتمشلردر .

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

فصل ۴

اُمور اتباع ـ حقوقی و اقتصادی

JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Kashmir Division - Srinagar

شمارهٔ سند: ۹۶۵
موضوع: حقوق اتباع ایران در عثمانی
نمره: ۱۱۳
تاریخ: ۱۸ شوال ۱۳۱۵ هـ.ق
کارتن: ۳۰
پرونده: ۱۴/ق

نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه

دیروز چاکر برای چند فقره مطلب واجب نزد جناب والی پاشا رفته، خدا گواه است با حالتی ناخوش چهار ساعت تمام حرف زدیم صد دفعه از جناب جلالت‌مآب منیف افندی سخت‌تر و لجوجتر و پرحرف‌تر است و خیلی با ملاحظه و جبون است هیچ همچو عثمانی متعصب سختی ندیده‌ام، ابتدا تعلیقهٔ مبارکه حضرت اجل عالی در باب رعایتی که از تبعهٔ عثمانی می‌فرمایید و بدسلوکی مأمورین خودشان یک به یک خواندم و مترجم خودش و حسن‌خان، مترجم کارپردازی، ترجمه کردند گفت به من از همدان خیلی شکایت کرده بودند و همچنین از کردستان، دوستانه گله کردم، انشاءالله حضرت مستطاب وزیر امور خارجه همین قسم که فرموده‌اند رعایت خواهند کرد و من بسیار ممنون می‌شوم و تشکر دارم.

ثانیاً: در فقرهٔ تفریق تبعه گفتم، گفت حقیقت، دوستانه به شما بگویم من تعجب دارم و متفکر هستم نمی‌دانم شما چرا در این باب اصرار دارید من اگر چه دو سال است والی بغداد شده‌ام ولی سالهاست عراق عرب متصرف و اعضای مجلس بودم هیچ‌وقت هیچ کارپردازی را ندیدم در این مسئله این‌قدر اصرار داشته باشد، گفتم سالفین را نمی‌دانم ولی اصرار من از بابت رفع حرف و مایهٔ نقار مابین دولتین علیتین است شما متصل رعایای دولت علیهٔ ایران یا می‌گیرید عسکر کنید یا به محکمه می‌خواهید و اسباب مشاجره و منازعه است، یک دفعه این مسئله تحقیق شود تحت قاعده بیاید که هر روز اسباب زحمت نشود، گفت این کار مشکلی است، گفتم جمیع اشکالات آن را بنده رفع می‌کنم با خود شما یک مجلس کمیسیون می‌کنیم به صلاح و صواب‌دید یکدیگر یک قراری می‌دهیم و تفریق تبعه می‌کنیم، گفت شما در کمال

ملایمت آهسته آهسته می خواهید جمع کثیری که اجداد و پدرهایشان سالها در مملکت عثمانی نشوونما کرده‌اند ایرانی کنید، گفتم خدا آنها را ایرانی کرده تقصیر من نیست. بالاخره چند روز مهلت خواست که به چاکر جواب صریح بدهد، بعد مطالب دیگر مذاکره شد فقره قیصریهٔ کربلا و دفینه و غیره و غیره چون خیلی مفصل است انشاءالله بعد از اتمام عمل به عرض خواهد رسانید. الامر الاجل الاعظم العالی مطاع.

چاکر فدوی علی نقی

CONSULAT GENERAL DE SA M.I.
LE CHAHINCHAH DE PERSE
à Bagdad

No.

قونسول ژنرال دولت علیه شاهنشاهی ایران
مقیم بغداد نمره ۱۱۳ تاریخ ۱۸ شهر رمضان ۱۳۱۵

امروز چاکر برای چند فقره مطلب خیلی زود خدمت جناب عالی رفته خداکوله است با حالی ناخوش چهار ساعت تمام حرف زدیم صد دفعه از خجالت جناب عالی عرق کردم بلکه جناب عالی هم خیلی خجالت کشیدید ولی حرف ما حرف است و خیلی با مدخط و ربط است هیچ هیچ عثمانی تعصب نجنبیده ام ابتدا، تعلیقه مبارکه حضرت اجل عالی در باب عاصی و اراذل تبعه عثمانی که در ایران و در سلوک با مأمورین خودشان یک یک خواندم و ترجمه خودش و مترجم خان ترجمه کاریطوری ترجمه کردند گفت بعد از اینکه جناب عالی از همدان خیلی شکایت کرده بودید و همچنین از کردستان و سنه گله کردید از اینها را حضرت نایب قونسول در امور خارجه نمیفهمد قسم و فحش لازم است خودشان گفتند و فحش بسیار مجنون میشوم و فکر دارم شما یا در فقره تفریق تبعه بگویم گفت حقیقت و سنه را بگویم و تعجب دارم و متفکر هم شدم چرا در این باب اصرار دارید و اگر هم دارید حالی شما دولت عرق عرب متصرف و اعتنا نمیکند هیچ وقت هیچ کار پردازی را ندیدم در این مسئله اینقدر اصرار دارید شما گفتم شما نفعش را نمیدانید ولی اصرار در این باب رفع حرف و نایره نقار ما بین دو کمیسیون است شما تصدیق رعایای دولتین علیه ایران و عثمانی را بکنید و مشاجره و مخاصمه یکدفعه این مسئله تحقیق شود تکلیف قاعده سابقه در هر دو باب رجعی نشود گفت این کار مشکل است گفتم جمیع کفالت آنرا بنده رفع میکنم شما خود تان کمیسیون میکنم بصلح و صواب دید یکدیگر تکلیف سیدهم و تفریق تبعه میکنم گفت شما در حال ملت است شما نمیدانید جمیع کشتی و مهاد و پدرها سالها در مملکت عثمانی نشو و نما کرده اند ایرانی کنید گفتم خدا انها را ایرانی کرده تقصیر ما نیست بنده چند روز مهلت خواستم در کار جواب صریح بدهم بعد مطلب دیگر مذاکره شد فقره قیصریه کریدو دفنیه وغیره وغیره حزن خیلی مفصل است انشاء الله بعد از اتمام عملی بعرض خواهم رسانید

سید مرتضی الله اعظم الله

مطلع

مالک قهدری

شمارهٔ سند: ۹۶۶
موضوع: تبدیل تابعیت
تاریخ: ۱۳۱۶ هـ.ق
کارتن: ۳۲
پرونده: —

نامهٔ حاجی میرزاموسی سیاح اصفهانی به وزارت خارجه

الله

(هوالحق العادل جلّت قدرته)

قربان حضور مبارکت شوم، این جهانگرد بی‌مقدار چهل سال است در اقطار جهان و اغلب در ممالک دولت علیهٔ عثمانیه به گردش و نشر محامد و صفات پادشاهان جلیل الشأن دولت علیّهٔ ایران بوده و هست به اندازه‌ای که اغلب از رجال مأمورین محترم دولت علیهٔ ایران درجهٔ غلوّ در وطن‌دوستی و شاه‌پرستی بی‌مقدار را حمل بر جنون می‌کردند، زیرا که تمام سرمایهٔ مال و حال خود را در راه مزاهمین [مزاحمین] معاندین و بدخواهان دولت و وطن مقدّس خود صرف نموده. در قاهره مصر شهر قانونی در جلو قهوه ارمن در معبر عام صندلی بر سر جمال الدین زدم و با او ملکم به زبان روزنامهٔ **المحاکم** خود به حدّی مدافعه کرده که روزنامه‌ام مقصّر و متروک شد، از مأمورین مصر که حالا در طهران هستند جنابان مستشارالسلطان و آصف الحکمأ از آنها جویا شده تاحال این مقدار در محضر شما مکشوف و مشهود شود، پس چه شد که ناچار ترک تبعیت کردید، حاجی محمدحسین جواهری اصفهانی در اسلامبول با ده ملیون لیرا سرمایه چه شد تبعیت روس اختیار کرد، مرحوم حاجی میرزا رفیع اصفهانی در مصر و حاجی میرزا فضل الله و حاجی آقابزرگ شیرازی‌ها در مصر، حاجی عبدالحسین شیراز امین التجار در بمبئی و غیره هم در بلاد عثمانی و هندوستان و روسیه هر یک با چندین ملیون دارایی چرا تبدیل تبعیّت نموده و به تبعیّت دولت علیهٔ عثمانی و روس و انگلیس داخل شدند و حال آنکه همگی پادشاه‌پرست و وطن‌دوست بودند و با تبعیّت خارجه هستی خود را در راه ملّت و دولت علیهٔ ایران صرف کرده و می‌کنند و هکذا از اواسط اینها بر وطن چه شد که یک‌یک با چشم گریان و دل بریان تذکره تبعیت خارجه به دست گرفتند. همه از ظلم مأمورین

بی انصافی است که از طرف دولت به خارج می روند، مال و جان رعیّت بیچاره را مباح دانسته می برند اندکی در کار آنها تأمل فرمایند که شاید رفتگان به تبعیّت اصلیهٔ خود معاودت نموده بازماندگان باقی باشند. میرزا اسحق خان ساعدالوزاره به پشتگرمی ناظم الدوله این بی مقدار را مفلس و متوفی قلم داد و خانمان مرا برچید مستدعی است جناب مدبّرالدوله و آقای آقامیرزا محمودخان و آقای آقامیرزاعلی تقی خان را مأمور به تحقیق عرایض بی مقدار فرمایند که به تحقیق رسیدگی نموده صدق عرایضم واضح و حقم احقاق شود که سایر هموطنان دور از وطن به لطف بی پایان حضرت مستطاب اجل اشرف امجد اسعد اعظم روحی فداه مستحضر و مستظهر شوند، دیگر امر امر مبارکست چاکر بی مقدار حاجی میرزا موسی سیاح اصفهانی، تبعهٔ دولت علیهٔ عثمانیه، در طهران.

(هُوَ اللّٰهُ الحَیُّ العَالِمُ جَلَّ قُدرَتُهُ)

این جهانگرد بیمقدار جهل ساله که در اقطار جهان از غرب و جنوب ممالک دولت علیه عثمانیه بگرد سر و تن و صفحات جنوبی ایران

جلیل الشأن دولت علیه ایران بجهة وهب نزاره که اغلب رجال مورین محترم دولت علیه ایران در جنوب در طنه دیپلماسی و سیاست

زیرا که تمام سرمایه مال و حال خود را در سه هزار همین معاینین و برخی از دولت و وطن مقدس خود صرف نموده در قاهره مصر شهر قاهره تونس در جلو دهوه ارمنی در معبر عام

جمال الدین زدم و با او ملکم بزبان روزنامه المحاکم خودبینی را واقعه کرده روزنامه ام مقصد و مترکه از مورین مصر حالا در طهران سفارت دولتین

واصف الحکما از انها جوانه تا حال این بیمقدار انگشت شهود نشده پس چه شده را چاپ ترک تبعیت کرده حاجی محمد حسین جواهری اصفهانی

باده ملیون لیر استرلینه چه شده تبعیت روس اختیار کرد مرحوم حاجی میرزا رفیع اصفهانی در مصر و حاجی میرزا افضل الله و حاجی آقا بزرگ شیرازی در مصر

حاجی عبد الحسین شیرازی امین التجار بمبئی و غیرهم در بلاد عثمانی و هندوستان و ایران هر یک با چنه ملیون دارائی چرا به این تبعیت دولت علیه عثمانیه

و روس و انگلیس داخل شده و حال انکه همگی انها پرورده وطن دوست بودند با تبعیت خارجه بمبئی خود را در سیاه ملت و دولت علیه ایران صرف کرده و دیپلماسی و

اینها بر وطن چه شده در یک یا چشم گریان و دل بریان تبعیت خارجه بر بست کرفتند همه از ظلم مورین ایران صرف نظر از طرف حکام خارج سرد

مال این رعیت بیچاره بسلامت دانسته میبرند انرکیه در کارانها تامل فرمایند در شان دولت علیه چه معامله خواهد بود تا کی

میرزا اسحق خان سابق الوزاره پشت کرمی ظلم الله این بیمقدار را سفیر دولت علیه عثمانیه در لندن چه صدمه بر او وارد اورد

لا میرزا محمود خان و لای لا میرزا علی تقی خان سابق مامور تحقیق عوالض بیمقدار فرمایند در تحقیق سه کی نمود چه صدمه عرض نفرمود

و حقم احقاق شود در سایر هموطنان نیز از دولت ملت بلطف پایان حضرت ملتفت اجل اشرف اعجب اسعد اعظم رود حرف فراه

شمارهٔ سند: ۹٦۷
موضوع: استیفای حقوق حاجی موسی سیاح
تاریخ: ۲٤ شوال ۱۳۱٦ هـ. ق
کارتن: ۳۲
پرونده: ــ

نامهٔ سفیرکبیر عثمانی در طهران به وزارت امور خارجه

فدایت شوم، حاجی موسی سیاح که سالها در ممالک عثمانیه بوده و بقاعده تغییر تابعیت کرده به طهران آمده است و چند ماه است که از خوف به سفارتخانهٔ دولت علیهٔ عثمانیه پناه آورده، عریضه ملفوفه را به حضور جناب مستطاب اجل امجد اشرف ارفع عالی عرض نموده، دوستدار با احترام تمام خواهشمند است که عریضهٔ او را ملاحظه فرموده مقرر دارند که استیفای حقوق او به عمل آمده آسوده و مطمئن شود و در پی کار خود برود که موجب مزید تشکر و امتنان اخلاصمند از جناب مستطاب اشرف خواهد شد، همواره احترامات فایقهٔ دوستدار را آن جناب مستطاب اشرف در حق خود برقرار و استوار دانند، زیاده چه زحمت دهد.

مهر محمد شمس الدین ــ سفیرکبیر عثمانی

۲۴ نمره نفعه ۱۳۱۱

نمره

ورقه

جواب عریضه نوده تعالیه
جواب عریضه سنیه نوده تعالیه در ممالک عثمانیه نوده

تعلیم، بعیت کرده بطهران آمده است در خصوص مسافرت عثمانیه

بنا بر اورده عریضه ملفوفه بحضور جناب شطاب اجل امجد اشرف ارفع عالی

در ستور با احترام تمام خواهشمند است در عریضه اورا ملفوفه فرموده مقرر دارند

در تعیین حقوق او بهمان اندازه که مطابق نوده با خود در نظر دارند

اطلاع دهند وزارت شطاب اشرف خواهش نماید بموجب اخبار تلگرافیه

در حق خود برقرار داشته اند

شمارهٔ سند: ۹۶۸
موضوع: ماترک قوافیان تاجر
نمره: ۲۵۹
تاریخ: ۱۹ محرم ۱۳۱۷ هـ. ق
کارتن: ۶
پرونده: —

نامهٔ سفارت ایران در استانبول به وزارت خارجه

چندی قبل قوافیان نام تاجر مسیحی که از تجار معتبر و دارای ثروت بود فوت شد، باب‌عالی به عنوان اینکه چند نفر از عثمانی ها وارث او هستند فرستاده حجره و ماترکش را مهر و ضبط کردند که تحریر ترکه و بین الورثه تسلیم نماید. عیال متوفا که مدعی انتقال متروکات از شوهر به خودش بوده و ادعای تبعیت خود و شوهرش را به موجب اسناد به دولت جاویدآیت می‌کرد به سفارت کبری عرض حال داده و احقاق حق خود را متمنی شد، از قونسولگری دولت علیهٔ مقیم اسلامبول هم مأمور فرستاده روی مهر عثمانی ها را مهر دیگر زدند، وارث عثمانی قوافیان نزد بنده آمده اظهار داشتند اوراقی را که عیال قوافیان دلیل بر تبعیت خود به ایران ابراز می‌کند مجعول و برای جلب حمایت سفارت و تضییع حقوق ماها است، گفتم من تکلیفی به رسیدگی به صحت و سقم اوراق ندارم و همین که آنها را در دست مشارالیها دیدم باید از او حمایت نمایم. مشارالیهم که از بنده مایوس شدند به باب‌عالی تظلم کردند، بنده مراسلهٔ به وزارت خارجه نوشتم که چون قوافیان و عیال او از اتباع صحیحهٔ دولت ایران هستند و باید کار او به توسط سفارت تسویه شود، قدغن نمایید وزارت ضبطیه مهر خود را از آنجا بردارد، جواب دادند که تبعیت او و عیالش به عثمانی به موجب تحریر نفوس و غیره از مسلمیات است، علی هذا قونسولخانه باید مهر خود را از آنجا بردارد و الّا وزارت ضبطیه خواهد برداشت باز یکی دو فقره مراسلات در این باب مابین باب‌عالی و سفارت کبری مبادله شد و روز بعد از وصول مراسله جوابیهٔ سفارت کبری خبر آوردند که از وزارت ضبطیه جمعی از ژاندارمه و پلیس مأمور فرستاده‌اند مهر را برداشته تحریر ترکه نمایند، بنده هم چند نفر قواص فرستادم ممانعت و در آنجا اقامت نموده نگذارند و شرحی به وزیر ضبطیه

نوشته از وخامت این کار اظهارات لازمه نمود آن روز را توقیف کردند، روز دیگر باز خبر آوردند که ژاندارمه و پلیس رفته مهر را بردارند باز چند نفری برای منع اینکار به محل لازم فرستاده خود رفته وزیر خارجه را ملاقات و خیلی اظهار دلتنگی نمود معلوم شد مراسله اخیرهٔ بنده را در این باب عمداً در میانه مفقود نموده و به وزیر خارجه نشان نداده بودند و آنجا نشست تا وزیر خارجه آدم فرستاده به پلیس قدغن کرد تا این عمل درست نشود به مهر قونسولگری مزاحم نشوند و علی العجاله کار در همین حالت مانده است اطلاعاً عرض شد. محمود

[حاشیه:] خیلی کار به قاعده نموده است. امضا: مظفرالدین شاه

۱۹ شهر محرم ۱۳۱۶ هـ
۲۵۹

نوشته ازدواجت اینکار را نمی‌داشت مدرسه نمیرود ان روز را توقیف کردم روز دیگر باز خبر آوردند که
دلیس رفته مهر را برداشته باز چند نفری برای منع اینکار رفتند فرستاده خودرا وزیر خارجه را معطل
اظهار دلتنگی نمود معلوم شد مراسله خیره نبوده را در این باب عمداً در سیانه منعقد نموده وزیر خارجه شان
مدالیه بخانه رانبی نشست تا وزیر خارجه آدم فرستاده پیش قرغ کرد تا اینمهمی درست نشود بمهر و تسویه
مزاحم نشوند رفع اینکار در همین حالت مانده است لطفعلی منشی محمد اکبر

شمارهٔ سند: ۹۶۹
موضوع: حفاظت اموال قوافیان تاجر مسیحی
نمره: ۲۹۵
تاریخ: ۱۶ صفر ۱۳۱۷ هـ . ق
کارتن: ۶
پرونده: —

سواد کاغذ وزارت، خارجه به علاءالملک (سفیرکبیر ایران در استانبول)

شرح مفصلی از اقدامات سفارت کبرا در محافظهٔ متروکات قوافیان نام تاجر مسیحی رعیت ایران مرقوم فرموده بودید استحضار و خوشوقتی حاصل شد، این گونه اهتمامات و توجهات جناب‌عالی در حفظ و صیانت حقوق تبعهٔ دولت جاویدآیت و مساعی جمیله که در انجام مقاصد اولیای دولت مبذول می‌فرمایید جای هزاران خوشوقتی و مسرّت است و ذات اقدس همایون هم از دولتخواهی و زحمات جناب‌عالی در اجرای اوامر دولت همه وقت اظهار مرحمت و تمجید می‌فرمایند در این باب هم اقدامات جناب‌عالی مورد تحسین شده است، زیاده زحمت نمی‌دهد. (مشیرالملک)

۲۹۵

رونوشت یادداشت وزارت خارجه بسفارت عثمانی

نمره ۱۳۰۷ صفحه ۱۴

وزارت امور خارجه
آرشیو

شرح مفصل اقدامات سفارت کبرا در محافظت متروکات قوافیان نام تبعه سابق ایران مرحوم [illegible] خصوصاً
بمحضار و خوشوقتی حاصل از اینکه از اهتمامات و توجهات جنابعالی در حفظ و صیانت حقوق تبعه دولت جاوید مدت
و مساعی جمیله در انجام مقاصد اولیای دولت بندول میفرمائید جای هزاران خوشوقتی و مسرت است و دوام جنابعالی را
از خداوند متعال مسئلت دارم و این هم از لوازم خواهشگزاری و ترحمات جنابعالی در اجرای اوامر دولت است همه وقت اظهار مرحمت و تجمید میفرمائید زیاده زحمت نمیدهم

(سفیر عثمانی)

شمارهٔ سند: ۹۷۰
موضوع: اخذ مالیات از اتباع ایران در عثمانی
نمره: ۲۳٤
تاریخ: ۸ ربیع الثانی ۱۳۱۷ هـ. ق
کارتن: ٦
پرونده: ۱۱/۲٤

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

تصدقت شوم، رعایای کردفیلی که در حوالی مندلیج و اطراف یعقوبیه و بدره و کوت به زراعت و آسیابانی و غیره اشتغال دارند و خیمه‌نشین هستند شکایت کردند که مأمورین عثمانی از هر خانه پنجاه و یک قروش رسم بیتیه (خانهٔ سرشمار) می خواهند، به ولایت بغداد اظهار شد، به مقام تحقیق برآمدند رسماً نوشته شد و مطالبهٔ جواب شد، جوابی دادند که ادارهٔ محاسبه می‌گوید به موجب مقاوله‌نامهٔ تبعهٔ ایران باید اصنافیه بدهد، اینها هم چون زراعت و فلاحت می‌کنند باید ویرگوی چادرنشینی بدهند، جواب دادیم رسم اصنافیه راجع به اصناف توی بازار است چه دخلی به زراع دارد و چه ربطی به ویرگوی چادرنشینی دارد و آنچه گرفته بودند استرداد آن را خواستیم، حالا جوابی داده‌اند که «چون به موجب مقاوله‌نامه به رسوم و تکالیفی که تبعهٔ عثمانی مکلف هستند تبعهٔ ایران ساکنین ممالک عثمانی نیز مکلف خواهند بود و مستثنیٰ داشتن تبعهٔ ایرانی که در مندلیج و یعقوبیه و سایر بلاد عثمانی خیمه‌نشین هستند از رسم ویرگوی مخصوص زراع و عشایر جایز نیست، علی هذا برحسب اظهار ادارهٔ محاسبه در مجلس ادارهٔ ولایت قرار داده شده است تبعهٔ ایران باید به تسویه و اعطای رسوم مزبوره موافقت نمایند و در صورت عدم موافقت باید از ممالک عثمانیه بیرون بروند لازم است شما به ایرانی ها اعلام و اخطار نمایید» فدوی هم جوابی که لازم بود تهیه و مسوده کرده نظر به اهمیت مسئله سواد تمام سؤال جواب را با آنچه جواباً مسوده شده است لفاً تقدیم می نماید که اگر دادن این جواب را تنسیب می فرمایند تلگراف فرمایند تا پاکنویس کرده به ولایت بغداد بدهد. ملاحظات لازمه محض اطلاع خاطر مبارک در نمرهٔ آتیه عرض می شود امر اجل اکرم مطاع.

تصدقت شوم، با جناب والی پاشا به مذاکرات شفاهی مشغول اثبات سهوهای مراسلهٔ معروضه است علی هذا هنوز جوابی تسویه نشد که مطلب پخته شود بعد از آن به طوری که مقتضی است جوابی بدهیم که قابل رد نباشد. امر اجل افخم مطاع.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ــ جناب اشرف صدراعظم، اولاً شما هم باید به جاهای لازم و مأمورین خودمان بنویسید و تعلیمات بدهید که مقابله و معاملهٔ به‌مثل نمایند. آنچه آنها از رعیت و تبعهٔ چادرنشین ما و سایر به هر عنوان می‌گیرند، اینها هم بگیرند و ثانیاً با سفارت عثمانی اینجا مذاکره بشود و از تمام این فقرات اطلاع داده شود، به علاءالملک هم نوشته که او هم مشغول مذاکره باشد و آنچه به نظرمان می آید چه در این مسائل و چه در فقرهٔ ازدواج علاءالملک گفتگوها نموده و یک قراری داده بود صورت آن نوشتجات در وزارت خارجه باید باشد، مشیرالدوله رجوع نماید و آنچه صلاح بدانید مشیرالدوله اقدام بکند.

امضا: مظفرالدین شاه

۲۲۴
۱۳۱۲
معروضه هشتم ربیع الاول

شمارهٔ سند: ۹۷۱
موضوع: اخذ مالیات از اتباع ایران در عثمانی
نمره: ٤٣٤١
تاریخ: ۸ شعبان ۱۳۱۷ هـ . ق
کارتن: ٦
پرونده: ۱۱/۲٤

سواد کاغذ وزارت خارجه به علاءالملک سفیر دولت ایران مقیم اسلامبول

از اقدامات سفارت کبرا در خصوص پنجاه و دو غروش و نیم خانواری که مأمورین عثمانی از اتباع دولت علیهٔ ایران در حوالی مندلیج و یعقوبیه مطالبه می‌نمودند شرحی مرقوم فرموده بودید مستحضر و خوشوقت شدم به مشاورالملک کار پرداز بغداد نوشتم که اگر حکم باب‌عالی به موقع اجرا رسید فبها و الا اگر باز مأمورین عثمانی این وجه از زارعین ایرانی در مندلیج و یعقوبیه مطالبه دارند به سفارت کبرا اطلاع بدهد، زیاده زحمت می دهد.

مشیرالدوله

۲۰۹۰ ٤

۲۳۳۱

سواد کاغذ وزارت خارجه بعلاحظهٔ سفیر دولت اعلیحضرت پادشاه معظم

مورخه ۸ شهر شعبان ۱۳۱۷

از اقدامات سفارت کبرا در خصوص تجاوز و تعرضات ریگ قبایل مرزی ما بین عثمانی از اتباع دولت علیه ایران در حوالی

سنه لیخ و بقوطه مطالبه میشود از شرحی که نوشته بودید متصرف خواهد شد بنا بر همکاری دوستانه

در اجرای حکم بدوا بمرتع اجدادیه قبایل اکراد مرزی ما بین عثمانی و ایران از اتباع ایرانی در سنه لیخ و بقوطه

مطالبه دارند سفارت کبرا اطلاع بدهد تا بهمین رعیت میدهد

شیرالدوله

شمارهٔ سند: ۹۷۲
موضوع: اخذ مالیات از اتباع ایران در عثمانی
تاریخ: (۱۳۱۷ هـ . ق)
کارتن: ٦
پرونده: ۱۱/۲٤

ترجمهٔ مراسلهٔ باب عالی به سفارت کبرای ایران

به موجب مراسلهٔ ٤ ربیع الاول ۱۳۱۷ و نمرهٔ ٥٤ آن سفارت علیه که اظهار داشته بودید از اتباع دولت علیهٔ ایران از قبیل زراع و چادرنشین که در قضاهای مندلی و خرسان ولایت بغداد سکونت دارند به اسم مالیات چادری رسومی گرفته می شود.

مراتب از ولایت بغداد استفسار شده این طور جواب رسیده است که بنا بر معمول قدیم در داخل حدود ولایت از افراد عشایر زراع و غیرزراع که در خارج قرا و در صحرا و بیابان چه در چادر و چه در ابنیه متفرقه ساکن هستند برای هر خانه سالی پنجاه غروش به عنوان مالیات و دو غروش و نیم به اسم عایدات معارف اخذ می شده.

لهذا از اتباع ایرانی هم که مابین عشایر مذکوره اقامت و زراعت می نمایند به موجب مقاوله نامه ای که با سفارت علیه منعقد شده است اخذ و گرفته می شود. چون در بند دویم مقاوله نامه مصرح است که تبعهٔ ایران مقیمین خاک عثمانی به تکالیف تبعه و رعایای دولت عثمانی مکلف خواهند بود و اصول مبحوثه که از قدیم در ولایات ممالک عثمانی متخذ شده است بالقطع والیقین قابل تغییر نخواهد بود، این مراسله برحسب اشعار مجلس مشاورهٔ وزارت خارجه جواباً خدمت والای سفیرانه نوشته شده و از برای تأیید وداد و مخالصت وسیله اتخاذ شد.

ترجمه مراسله بایلی سفارت انگلیس

بموجب مراسله ۴ ربیع الاول ۱۳۱۷ ونمره ۵۴ سفارت علیه که دفعات گذشته بوده از اتباع حمایت علیه
ایران در قبض زراعت و چه در نشین که در قصبات و قرا سکنا دارند بلکه سکونت دارند باهم
چادری رسمی که مشخص مراتب اردلیت بلکه اشتغال رتبه بنظر جلب رسیده است که بر معمول
قدیم در دهات صدقه ولایت از افراد غیر زراعت و غیر زراعت که در خارج قرا و در صحرا و بیابان
چه در چادر و چه در ابنیه متفرقه کن ساکنند برای هر خانه سالی پنجاه عدد شاهی بعنوان مالیات
و حروش دیم باسم عایدات معارف اخذ میشده لهذا از اتباع ایرانی هم که مالیات اخذ کرده
مذکوره اقامت در راعت مطابق بموجب مقاوله نامه ها سفارت علیه منعقده شده است
مشخص چنین در مقاوله نامه تصریح است که تبعه ایران مقیمی خاک عثمانی تکالیف تبعه
و رعایای دولت عثمانی تکلف خواهد بود و اصل همچنین که از قدیم در ولایات مهمه
متخذ شده است بالقطع والیقین قابل تغییر خواهد بود لهذا بر حسب امر جلیل مشاوره
وزارت حامیه جوانا صدرت والای سفیرانه نوشته شد و از ایران تبعه و داد و
وسلم اتحاد

شمارهٔ سند: ۹۷۳
موضوع: اصنافیه اتباع عثمانی
نمره: ۱۱۷
تاریخ: ۵ ذی‌قعده ۱۳۱۷ هـ.ق
کارتن: ۱۸
پرونده: ۳۶/۷

ترجمهٔ مراسلهٔ مورخهٔ پنجم ذی‌قعده ۱۳۱۷ نمرهٔ ۱۱۷ سفارت کبریٰ به باب‌عالی

چنانکه از سنوات عدیده به این طرف از اتباع این دولت علیه که در خاک عثمانی مشغول کسب و اصنافی هستند به عنوان مقاوله‌نامهٔ اخیره وجه اصنافیه از آنها استرداد می‌شود و در صورت تعلل به معاملات شدیده و حبس و تضییق از آنها استیفا می‌گردد نظر به معاملهٔ متقابله که در مادهٔ دهم مقاوله‌نامهٔ مزبوره تصریح شده است، اتباع آن دولت علیه هم که در خاک این دولت ابدآیت به شغل اصنافی اشتغال دارند باید وجه اصنافیه خود را کارسازی نمایند با آنکه مخلص کراراً از آن جناب وزارت پناهی خواهش کردم که لزوم ادای رسم مرقوم را به سفارت آن دولت علیه در طهران ابلاغ فرمایند و خود جناب اجل عالی هم لزوم تأدیهٔ آن را تصدیق فرموده‌اند متأسفانه امروزها تلگرافی از وزارت جلیلهٔ خارجه دولت متبوعه دوستدار رسید که هنوز اتباع آن دولت علیه وجه مزبور را ادا نکرده‌اند چون این فقره مغایر قاعدهٔ معاملهٔ متقابله و منافی مناسبات ودادیهٔ بین‌الدولتین است به همین طوری که از اصناف دولت علیه ایران در ممالک عثمانی اخذ اصنافیه و در صورت تعلل معاملات شدیده می‌شود ازاصناف تبعهٔ عثمانی هم در خاک ایران وجه اصنافیه استیفا و در صورت مخالفت معاملات شدیده خواهد شد. خواهشمند است که آن‌جناب اجل عالی برای اینکه این گونه شکایات و مذاکرات اطاله ذیل داده نشود چنانکه سابقاً نیز وعده فرموده‌اید، تلگرافاً به سفارت آن دولت علیه در طهران در لزوم ادای وجه اصنافیه اوامر لازمه داده بپردازند، در این موقع غنیمت می‌شمرم که احترامات فایقهٔ خودم را نسبت به آن‌جناب وزارت پناهی تجدید نمایم.

۵

غایهٔ نظارت جدیده

لایحه
۱۱۷

محاسبات عمومیه ده اقامهٔ حرف وصایهٔ اجرا ایتمکده اولدوغی جهتله ایرادده مقاولهٔ عامهٔ اجراسنه
تعلق ایدن جمیع وجوهده اصافیه یی استیفا ایلمکده ومخالفت ایدن جمیع وقعاتده
معاونت شدیده وتضییقه اتباع قانونیه اولدیغی وصایهٔ ایرادده اضافتله ایجاب عادت اولمغله
مقاولهٔ مذکوره اجراسی امور طبیعیه دن اولدیغی مقاولهٔ نامهٔ مذکوریک اونجی مادهسنده مرقوم اولدیغی
وجهله اشغال وتحاسبه مأموریه سی طرفندن وقوعبولان اشعار والتماسه مأموریه اوزرینه بولونیلوب
بولونیلمیوب یوقسه عدلیه جهتجه بر حکم وعدم وتأسیسه بیورلدیغی حالده بوکره دولت شوکتلو
نازلی سی طرفندن سفاینه عدلیه جهتجه بر حکم وعدم وتأسیسه بیورلدیغی حالده بوکره دولت شوکتلو
شاهانهٔ هایه نازلی سی جهتجه سفاینه وارد اولدوقده خصوصات مذکوره یه دائر مقاولهٔ نامه
دیوانی معاونت شدیده سنه بالکلی سفاینه و دولتجه علیهده مناسبات واقعه

شمارهٔ سند: ۹۷٤
موضوع: اصنافیه اتباع عثمانی و ایران
نمره: ۵۲۱
تاریخ: ۲۲ محرم ۱۳۱۸ هـ . ق
کارتن: ۱۸
پرونده: ۳٦/۷

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

بعد از وصول تلگراف جناب اجل عالی در باب اصنافیه اگرچه جواباً زحمت‌افزا شدم که به لایحه سیم رجب ۱۳۱۷ و نمره ۳۷٤ سفارت کبری رجوع فرمایید و به عقیدهٔ بنده محتاج تجدید مذاکره و مکاتبه با باب‌عالی نبود و باید به همان طورها که عرض کرده بودم دنباله گیری و استرداد کرد ولی باز مراسله به باب‌عالی نوشت که سواد و ترجمهٔ آن را لفاً ارسال داشت چون در این باب کراراً و مشروحاً زحمت‌افزا شده‌ام و خاطر عاطر ازکیفیت مسبوق است، تکرار عرایض سابق را زاید دانسته به این مختصر زحمت افزایی قناعت می نمایم. محمود

۲۲ شهر محرم ۱۳۱۸
۵۲۱

بعد از وصول تلگراف جناب اجل عالی در باب اصنافیه اگرچه جواباً زحمت افزا شدم که
سیم رجب ۱۳۱۷ نمره ۳۷٤ سفارت کبری رجوع فرمایید و بعقیده بنده محتاج تجدید مذاکره
و مکاتبه با باب عالی نبود و باید به همان طورها که عرض کرده بودم دنباله گیری و استرداد کرد ولی باز مراسله به باب عالی
نوشت که سواد و ترجمهٔ آن را لفاً ارسال داشت چون در این باب کراراً و مشروحاً زحمت افزا شده‌ام و
خاطر عاطر از کیفیت مسبوق است تکرار عرایض سابق را زاید دانسته به این مختصر
زحمت افزایی قناعت می نمایم محمود

شمارهٔ سند: ۹۷۵
موضوع: اخذ مالیات از اتباع ایران در عثمانی
نمره: ۳۹
تاریخ: ۲۸ ربیع الاخر ۱۳۱۸ هـ. ق (۱۲ اغتوس ۱۳۱٦)
کارتن: ٦
پرونده: ۱۱/۲٤

نامهٔ سفارت کبرای ایران در استانبول

به وزارت جلیلهٔ امور خارجهٔ دولت علیهٔ عثمانی

در باب منع مطالبهٔ مالیات چادر از رعیت ایرانی چادرنشین در صفحات مندلی و خرسان واقعه در ولایت بغداد، سابقاً از آن‌جناب خواهش نموده بودم جوابی که به تاریخ فی ٤ صفر ۱۳۱۸ نمرهٔ ۳۱ از طرف حضرت‌عالی رسیده است که حاکم بغداد از هر چادری خارج دهات که در صحراها و دشتها چادرنشین هستند سالی پنجاه غروش مالیات دیوان و دو غروش نیم برای مخارج وزارت علوم گرفته می‌شود رعایای ایران که در میان آنان هستند به حکم قرارداد نامهٔ سفارت کبرای ایران مالیات مذکور را باید بدهند حال اینکه در قراردادنامه‌ای که به توسط وزارت خارجهٔ آن‌جناب منعقد شده از گرفتن مالیات چادرنشین ایرانی ذکری و شرطی نیست، فقط اشخاصی که از رعیت ایران در ممالک عثمانی اقامت دارند و مشغول کسب و کار هستند و خواهند شد به حکم مادهٔ دوم و دهم آن قراردادنامه به موجب معاملهٔ متقابله تکلیف به دادن مالیات دارند، مثل رعایای دولت علیهٔ عثمانی و از جهات سایره آزاد و به امتیازات رعیت دولت کاملة الوداد به حکم مادهٔ ششم و چهاردهم قراردادنامه مستحق‌اند جای تعجب است از ولایت مذکور نوشته‌اند که مطالبهٔ مالیات چادرنشینان ایرانی موافق قرارنامه است ابدا قبول نمی‌شود کار پرداز بغداد اظهار نموده است که این مالیات چادرنشینان در مقابل بدلات‌عسکریه است لهذا چنانچه عرض شد به ولایت مذکور بنویسید هرچه گرفته شده معجلاً رد نمایند، بعد ازین برخلاف عهدنامه حرکتی ننمایند بدین‌وسیله به تجدید مودت و دوستی ابتدا گردید. فی ۲۸ ربیع الاخر ۱۳۱۸ و ۱۲ اغتوس سنه ۱۳۱٦

بوزارت جلیلهٔ امور خارجهٔ دولت علیهٔ عثمانی

۳۹

در باب منع مطالبهٔ مالیات چادر از رعیت ایران چادرنشین در حضرات
سنندج و خرسان واقعه در ولایت بغداد در سابقاً از جناب
خواهش نمود بموجب آنکه بتاریخ ۲۴ صفر ۱۳۱۸ (۳۱) از طرف
حضرتلی رسیده است که حاکم بغداد از هر چادری خارج دهات که
در صحراها و شتها چادرنشین هستند سالی پنج غروش مالیات دیواله
و هر غروش نیم برای مخارج وزارت علوم کرنته میشود رعایای
ایران که در میان ایشان هستند بحکم قرارداد نامهٔ تجارت گمرکی ایران
مالیات مذکور را نباید بدهند حال آنکه در قرارداد نامه که بتوسط
وزارت خارجهٔ جناب منعقد شد از گرفتن مالیات چادرنشین
ایران ذکری و شرطی نیست فقط آنچه که از رعیت ایران در
ممالک عثمانی اقامت دارند و شغل کسب و کار هستند و خواهند
بحکم مادهٔ دوم و دهم آن قرارداد نامه بموجب معامله متقابله تکلیف
بدادن مالیات دارند مثل رعایای دولت علیهٔ عثمانی و از جهات
سائره آزاد و با امتیازات رعیت دولت کاملة الوداد بحکم
مادهٔ ششم و چهاردهم قرارداد نامه مستفید خواهند بود
از ولایت مذکور نوشته اند که مطالبهٔ مالیات چادرنشینان
ایران مخالف قرارنامه است ابداً قبل نمیشود کار پرداز

شمارهٔ سند: ۹۷۶
موضوع: تأسیس مریضخانهٔ ایرانیان در اسلامبول
نمره: ۷۲۹
تاریخ: ۲ صفرالمظفر ۱۳۱۹ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۳۰

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

هنگام تشریف‌فرمایی موکب مسعود مقدس اعلی‌حضرت همایون شاهنشاهی روحنافداه به اسلامبول مبلغی که برای تأسیس مریضخانه برای مرضای اتباع دولت علیه مرحمت و عنایت شده بود به اقبال بی‌زوال اعلی‌حضرت همایونی روحنافداه، مریضخانهٔ مذکور انشا و لوازم آن به قدر امکان تهیه شد و فعلاً دایر و اطبای آنجا مشغول به معالجه شده‌اند و به جهت ادارهٔ این مریضخانه چون انجمن لازم بود لهذا روز مخصوصی اهالی ایران مقیمین اسلامبول را به جنرال قونسولگری اسلامبول دعوت و با اکثریت آرأ دوازده نفر اعضا و یک صندوقدار و یک رئیس انتخاب کردند که هفته‌ای یک روز این اشخاص جمع شده مذاکرات نموده و لوازم و نواقص آنجا را انجام می‌دهند. در حقیقت بنای چنین مریضخانه در اسلامبول از جمله لازمات و اسباب شرف است، ورقهٔ اعانه هم از سفارت سنیه کبری به امر جناب مستطاب اجل اکرم سفیرکبیر چاپ و به هر یک از کارپردازهای دولت علیه مقیمین خاک عثمانی فرستاده شده بود که ریش‌سفیدهای اتباع را جمع کرده تکلیف نماید که هر کس به میل خاطر اعانتی به مریضخانه نماید. بعضی‌ها وجهی جمع‌آوری کرده فرستاده بودند صرف ادوات و لوازمات مریضخانه شد. امیدواریم که رفته رفته از یمن توجهات کاملهٔ اولیای دولت علیه مریضخانه معتبر و تام‌الاجرایی بشود، اطلاعاً عرض شد.

[حاشیه:] خیلی خوب

نمره ۱۴۰

۱۳۱۹
۲ شهر صفر المظفر
۷۲۹

مقام تشریف فرمای سریر سعود مقدس اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی روحنا فداه بنده

مبنی در برای تهیه مرتضانه برای مرضای ابتاع دولت علیه رحمت و عنایت

شود قبل بذل اعلیحضرت ظل روحنا فداه مرتضانه مدکور تشریف (دارد)

آن بقدر امکان تهیه شده و فعلاً دارد و رطبای آنها مشغول معالجه شده امر

و بجهة اداره این مرتضانه چیزی لازم نداریم فقط تهیه اردو مخصوصی از آلات

ارزان مقیمی هندی را بجز ال قونسولگری هند میبی دعوت و با اکثریت آرا

در ازده نفر اعضا و یک صندوقدار و یک رئیس انتخاب کرده و هفته

یکروز اینها جمع شده و اگر دولت نرده و لوازم و نواقص آنها را

انجام میدهند در حقیقه نمایش مرتضانه در هند میبی از جمله بلدهای

در اسباب شرف خلت و رقه راعانه ام از سفارت نسخه گری

با برجانب ستاب اجل اکرم اشرف کبر جاپ و هر یک از کارزنان

دولت علیه یقین خاک عمانی فرستاده بود ریش سفیدهای ربیع را جمع کرده تکلیف نمایند

هر کس بسلیقه خود اعانتی بر نخواهد نمود بعضها وجهی جمع آوری کرده فرستاده بعضی صرف

لوازمات دولت را نخواهد نمود امیدوارم در رفته رفته ایشان هم توجهات کامله

اولیای دولت علیه را نخواهند نمود تمام الذخر الی یوم اطلاع عرض شد

شمارهٔ سند: ۹۷۷
موضوع: در مورد قرارنامهٔ تنباکوی ایران و عثمانی
تاریخ: ۲٤ صفر ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱۸
پرونده: ۳٦/۱۱ و ۳٦/۸

نامهٔ ناظم‌الدوله از سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

جناب جلالت‌مآبا، قرارنامهٔ که فی‌مابین دولتین ایران و عثمانی در باب گمرک تنباکو و غیره تنظیم شده است در دفتر است و باید سه روزه به من برسد البته هرچه زودتر از میان نوشتجات به دست آورده به من برسانید که لازم است، زیاده زحمت نمی‌دهد. این قرارنامه در یک نیم ورق یا یک ورق نوشته شده، چند فصل دارد و فی‌مابین سفارت ایران در اسلامبول با باب‌عالی تنظیم شده و لازم است.

[حاشیه:] ذریعهٔ جناب جلالت‌مآب اجل آقای ناظم‌الدوله که در اسلامبول به وزارت خارجه نوشته‌اند به نمرهٔ ۵۲ و۱۷ ربیع‌الثانی به تجریش در سال ۱۳۱۰

۱۳۱۹
۱۲۸۱ ش

شمارهٔ سند: ۹۷۸
موضوع: اصنافیهٔ اتباع عثمانی و ایران
نمره: ۱۲۵۰/ ۶۳
تاریخ: ۲۵ صفرالمظفر ۱۳۱۹ هـ.ق
کارتن: ۱۸
پرونده: ۳۶ـ۷

سواد مراسلهٔ وزارت خارجه به سفارت عثمانی

از قرار راپورتی که به وزارت جلیلهٔ امور خارجه رسیده است کارکنان ولایت ارزروم از رعایای دولت علیه که در آنجا مشغول اصنافی هستند مطالبهٔ وجه اصنافیه می‌نمایند، از طرابوزان و عراق عرب نیز نظایر آن اطلاعات می‌رسد و حال آنکه دوستدار موافق مدلول مقاوله‌نامه گمان نمی‌کرد که با اتباع آن دولت علیه مقیمین ایران از طرف آن سفارت کبری به ادای وجه اصنافیه محکوم شوند در مطالبهٔ وجه مزبور از اتباع این دولت علیه مقیمین دولت عثمانی اقدامی شود، زیرا به حکم مقاوله‌نامهٔ منعقده ادارهٔ وجه اصنافیه به تبعهٔ دولتین در ممالک جانبین با شروط متساویه وارد است و امتناع احدی‌الطرفین از ادای آن به حکم معامله متقابله که در نصوص مقاوله‌نامه است مستلزم معافیت طرف دیگر خواهد بود. لهذا با کمال احترام زحمت‌افزا خواهشمند است که در رفع این مطالبه از اتباع ایران اوامر فوری تلگرافی به مقامات لازمه ارسال و دوستدار را قرین استحضار فرمایند و الّا ذات مهام‌شناس آن‌جناب سفارت‌پناهی مسبوق است که معاملهٔ متقابله عهدی طبیعی است و آن موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقهٔ خود را تجدید می‌نماید.

۱۲۵۰
۶۳

از وزارت علیه امور خارجه بسفارت عثمانی

۲۵ شهر صفر المظفر ۱۲۱۹

شمارهٔ سند: ۹۷۹
موضوع: فراریان ایرانی به عثمانی و تبادل آنها
نمره: ۱۱٤
تاریخ: ۲۹ صفر سال ۱۳۱۹ هـ.ق
کارتن: ۳۲
پرونده: ۸

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب مستطاب اشرف امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

چون سفارت دولت علیهٔ ایران مقیم اسلامبول از باب‌عالی خواهش کرده است که علی رضاخان پسر والی پشت کوه که به خاک عثمانی فرار کرده فعلاً به مندلی مقیم گشته او را اعاده به حکومت ایرانیه بکنند و چون این قبیل وقوعات کم نمی‌شود، هر وقتی که اشرار در محل خودشان مصدر شرارت و فتنه می‌شوند به خاک طرف دیگر فرار می‌کنند و این حالت مورث اخلال دایمی آسایش و انتظام سرحدی می‌شود، باب‌عالی محض منع این فتنه و آشوب مایل به عقد مقاوله‌نامه دربارهٔ اعادهٔ مجرمین و فراریان شده و سفارت سنیه را مأمور فرموده‌اند که مذاکره این مطلب را با حکومت دولت علیهٔ ایران به میان آورده از هر نتیجه که حاصل شود باب‌عالی را مستحضر دارد. لهذا دوستدار محض استحضار خاطر محترم جناب مستطاب اشرف امجد ارفع عالی مطلب را اظهار داشته، متمنی است وقت ملاقات را معین فرموده اطلاع بدهند. همواره احترامات فایقهٔ دوستدار را نسبت به خود برقرار دانند، زیاده زحمت دهد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

جناب اشرف اتابک اعظم در این فقره مکرر خودمان حکم کرده بودیم که این عمل به خوبی اصلاح بشود حالا که سفیرکبیر هم اظهار داشته است البته اقدام نموده قراری که مقتضی است بدهند ربیع‌الاول ۱۳۱۹

امضا: مظفرالدین شاه

شمارهٔ سند: ۹۸۰
موضوع: وضع اتباع ایرانی در بصره
نمره: ۳۱
تاریخ: ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۲۳

نامهٔ کارپرداز ایران در بصره به وزارت خارجه

تصدق حضور مبارک شوم، این نکته بدیهی است که از جمله شرایط خدمتگزاری یکی هم این است که حتی الامکان مأمور باید بعضی امورات را در دوایر حکومتی به طریق دوستانه تسویه نموده به صورت رسمیت نیندازد که هم موجب زحمت خود و هم باعث تأخیر و تعویق کار بشود، کمترین چاکر هم همیشه با این رسم رفتار کرده و هیچ وقت نمی خواهم که به عرض پاره‌ای تفاصیل بی جهت اوقات سعید کارگزاران حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل افخم عالی روحی فداه و سفارت کبری را مشغول بدارم، ولی در صورتی که کار از پیش نرفت و حقوق ضایع شد ناچارم که مراتب حالات را عرض و اطلاع داده از کارگزاران حضور مبارک عالی استعلاج نمایم. این اوقات مأمورین عثمانی در بصره در تسویه امورات اتباع ایرانی به هیچ وجه مساعد نبوده همه را به مسامحه و مساهله گذرانیده در بعضی مسائل هم مخصوصاً تعند و تعمد می نمایند، مثل اینکه در مسئلهٔ تحریر نفوس واحد عسکری منتهای اذیت و خلاف حقانیت به اتباع ایرانی می‌کنند. یک ماه است که بی جهت اتباع دولت علیه را دچار زحمت و اذیت فوق العاده کرده، همه روزه در این باب با حکومت در سؤال وجواب و مشاجره هستیم، در اثبات مدعا هیچ یک از ادله و ممسک معتبره کار پردازخانه محل اعتنا نشده و هنوز نتیجه حاصل نگردیده است. تفصیل معاملات خلاف قانون و اعتراضات غیرصحیحهٔ مأمورین نفوس واحد عسکری عثمانی را دربارهٔ اتباع ایرانی با اقداماتی که کار پردازی در رفع تعرضات آنها کرده است در راپورت ملفوفه علی حده معروض داشته است. در کلیهٔ این رفتار ومعامله که در این مسئله پیش گرفته اند همه اش خلاف و مغایر تمام قانون تابعیت بوده محض تعدی و تعند است، مثلاً از جمله اعتراضاتشان به اتباع ایرانی این

است تا تذاکر اتباع مزبوره از باب‌عالی مصدق نباشد هیچ یک ایرانی شناخته نمی‌شود از این قرار باید اشخاصی که از تبعهٔ ایران در اسلامبول و سایر ممالک عثمانی از مدتهای مدیده توقف و اشتغال دارند هیچ کدام آنها تبعهٔ ایران نبوده باشند زیرا که هیچ یک از تذاکر آنها از باب‌عالی مصدق نیست. همچنین اعتراض دیگرشان این است اشخاصی که ملبس به لباس عرب و ناطق به زبان عربی هستند و در بصره متولد شده‌اند آنها را هم عموماً تبعهٔ عثمانی می‌باشند. حال اینکه اهالی عراق عجم اکثرشان لباس و زبان عربی داشته تجاوز از پنجاه هزار نفر در عتبات و بغداد و ملحقات و بصره و نواحی از اهالی حویزه و محمره و شوشتر و دزفول و غیره همین حالت و صورت را دارند، ولی همهٔ تبعهٔ مسلّمهٔ ایران و عثمانی را حق تعرض به آنها نیست. خلاصه تمام معاملاتشان بکلی خارج از قانون و در سایر امورات اتفاقیه هم رفتارشان همین قسم است. وقتی که اضطراراً در یک مسئله مراجعت به اسلامبول می‌شود به واسطهٔ بعد مسافت سه ماه طول می‌کشد تا جواب برسد، بعد از سه ماه امری که سفارت کبری صادر و می‌فرستد ولایت به میل خود جوابی داده حاجت به مراجعت ثانوی و انتظار سه ماه دیگر می‌شود، بعد از این همه مدت جوابی که می‌رسد و امری که صادر می‌گردد معلوم می‌شود در آن باب امری که باب‌عالی به ولایت فرستاده فقط عبارت از یک استعلام است نه امر قطعی، کارها به این نحو معطل و حقوق ضایع می‌شود. تاحال یک دو نفر از اتباع ایرانی مقتول و خانهٔ یک دو نفر مسروق شده با همه مخابرات با ولایت تاکنون نتیجه حاصل نشده آنکه کشته شد خونش به هدر رفت و آنکه مالش را بردند چیزی به دست نیامد. کار پردازی هر قدر در این مواد اقدامات و سؤال و جواب با ولایت می‌کند بجز توالی و تواتر مخابرات و تحریرات ثمری نمی‌شود رعیت این طرفها هم همه عرب و از قواعد و قوانین بی‌اطلاع و از مشاهدهٔ اندک تعدی مأیوس می‌باشند. منوط به توجهات کافیه کارگزاران بندگان حضرت مستطاب اجل افخم عالی است که در این خصوص‌ها با مقامات مقتضیه سفارشات لازمه فرموده اتباع دولت علیه آسوده مشغول دعاگویی باشند، به جهت مزید استحضار خاطر مبارک جسارت به عرض شد. الامر الاجل العالی المطاع مطاع.

کاریرداری اول دولت علیه ایران

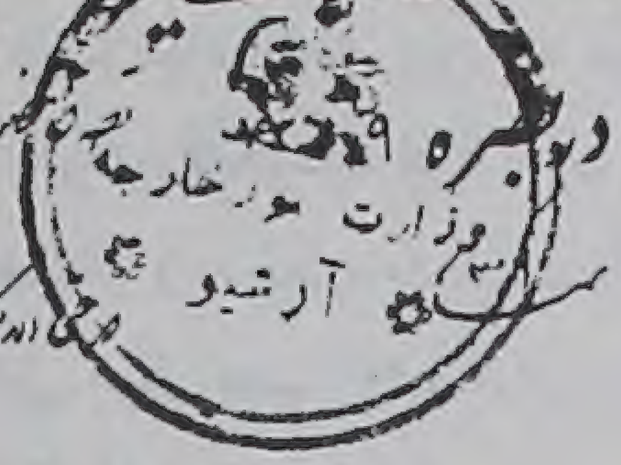

۱۲ شهریور ۱۳۰۱ دوبره ۹ حضور مبارک مهم

این نکته بدیهی است که از جمله شرایط حسنه زیستن یکی از دارائی است

صحی اداره کل امور سیاسی وزارت امور خارجه در دوائر حکومتی بطریق درست نه تنها نتیجه بلکه صورت

دارم مرجب زحمت خودم باشد تاخیر در تعویق کار بعضی کمترین چاکرم همیشه بازار

درچوقت نمیخورم در عرض یاره تفاصیل نتیجه اردوی سپه کار که ازان حضور مبارک

رفتم پیش روحی فداه وسفارت کبری بدا شغول بودم ولی در صورتیکه کار از

ناچارم در مرتب حالت را عرض در قطع صله زرکار که ازان حضور مبارک علاء

زین اوقات مامورین عثمانی در بصره در تهیه در دست اقدام ایران بهیچوجه

دست اله گذارنده در بعضی مسائل خصوص تعقد و تعهد نمیباشد

مقهای نوبت و خلاف حقانیت با اقدام ایران نمیکند گناه است

زحمت و لذت فوق العاده کهنه همه روزه در انجناب با حکومت در کرمانشاهان

در اثبات به عدم اصحاب زد اردو و ممالک متبوعه کار پردازی نه تنها

و صحی نکنیه دست تفصیلی سابقه خلاف قانون و اعتراضات

عثمانی را در باره اقدام ایران با قدامات کار پردازی در رفع تعرضات

طوفه علمیه معروض داشته است در کلیه این طرق رد مطالبه

و سفاین تام قانون ثابت بهم محض تعدی و تعقد است

با اقدام ایرانی است تا تذکر اقدام مزبوره از بالای

در اینجا در باره ادعای عثمانی از بقعه ایران در اسلامبول و سایر ممالک عثمانی

شمارهٔ سند: ۹۸۱
موضوع: تکلیف تابعیت اتباع ایران و عثمانی
تاریخ: ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۱۹ هـ.ق
کارتن: ۲۷
پرونده: ۶۲/۲

راپورت ناصرالملک به وزارت خارجه

هو

(مطالب مکتومهٔ بسیار محرمانه)

(که محض اطلاع شخص جناب‌عالی است و راپورت بی‌اسمی است که نزد شخص خودتان خواهدماند.) چهار روز قبل در باب مسئلهٔ دکاکین شرحی جواباً به حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف امجد آقای اتابک اعظم مدظله‌العالی عرض کرده‌ام، البته ملاحظه فرموده‌اید و حالا هم آنچه را که متمم و مفسر دقایق خفیهٔ آن است لزوماً عرض می‌نمایم، از قرار مذکور که خودتان هم مسبوق هستید در چند سال قبل جمعی کثیر از اهالی کردستان تذکرهٔ بیرویهٔ عثمانی تحصیل کرده و به استظهار تابعیت عثمانی و حمایت شهبندری به اندازه‌ای در کردستان استیلا به هم رسانده که با تشهیر سلاح مصدر انواع جنحه و جنایات علنی شده و کار به جایی رسیده که گاهی حکومت محلیه را هم محصور نموده‌اند، پارسال در مقام چارهٔ این کار برآمده و با بکربیک شهبندر تفکیک تابیعت نموده‌اند و از قراری که مذکور داشتند مبالغی گزاف عنفاً از اتباع منفکه گرفته و مبلغی به بکربیک داده باقی آن را دیگران در میانه برده‌اند و چون از یک طرف معدودی از اتباع عثمانی و جمعی کثیر از اتباع منفکّه به علت تفکیک تابعیت که ضعف و انکساری به احوال آنها راه یافته نمی‌توانند با استیلای سابق مرتکب جنحه و جنایات شوند و از طرف دیگر عنفاً مبالغی از اتباع منفکه گرفته‌اند، هر دو فرقه هر روزه در تولید مفاسد و اشکالات و اظهار شکایات مجعوله و بهانه‌جویی اهتمام و اصرار مخصوصی دارند که شاید اساس تفکیک تابعیت و قرارداد بکربیک به هم بخورد که هم بر استیلای سابق خودشان باقی بمانند و هم مبالغی که از آنها گرفته‌اند به آنها رد شود، مثلاً از جمله محمد رشیدبیک تیلکوهی که جناب مستطاب‌عالی شرحی در احقاق حقوق او

مرقوم فرموده‌اید یکی از اتباع منفکّه است که از قرار مذکور متجاوز از هزار تومان وجه نقد از او گرفته‌اند و بنده نمی‌توانم که پرده از روی کار برداشته تنخواه او را که مباشر محل یا دیگری گرفته استرداد نمایم. و مشارالیه هم هرروزه به جناب مستطاب‌عالی و سفارت عثمانی عارض خواهد بود و دیگر اگر اتباع عثمانی و اتباع منفکه مطالبی داشته باشند، بدون اینکه آن را به حکومت محلیه اظهار نموده تسویهٔ آن را بخواهند، محض تولید اشکالات از حکومت محلیه به سفارت عثمانی اظهار شکایت و تظلم می‌نمایند که حکومت محلیه در تسویهٔ امور آنها مساعده و اقدام نمی‌نماید، اگر به معروضات کتبی و تلگرافی سابق بنده رجوع بفرمایید معلوم خواهد شد که اشخاص مزبوره و اجزای شه‌بندرخانه که در مقام تظلم برآمده اغلب به هیچ وجه مطالب خودشان را به بنده اظهار ننموده‌اند. بنده برحسب اوامر مقدسهٔ ملوکانه مأمور هستم که قرارداد بکربیک را مجری نمایم و در این مدت هم در تسویهٔ مطالب حقه اجزای شه‌بندرخانه و اتباع عثمانی و غیرها و رفع بهانه‌جویی آنها کمال حسن مساعده و اهتمام داشته و دارم. ولکن چون مقصود بالاصالهٔ آنها ایقاع مفاسد و تولید اشکالات و بهانه‌جویی است که عمل تفکیک تابعیت لغو و باطل شده به حالت اولیه عود نمایند، بهانه‌جویی و القای شبهات و اظهار تظلم آنها را نهایتی نخواهد بود. به حکم ضرورت حقیقت امر را محرمانه عرض کردم که مسبوق باشید تا رأی عالی در رفع بهانه‌جویی و القای شبهات آنها چه اقتضا داشته باشد. ایام اقبال و اجلال مستدام باد.

مجدداً عرض می‌نمایم که اولاً اکثر از اشخاصی که در اینجا به اسم تبعهٔ مسلّمهٔ عثمانی باقی می‌باشند کردستانی الاصل و با اهالی طرف هرگونه رقابت و اغراض و همچشمی هستند. ثانیاً به علت حرکات سابقه ناهموار اتباع عثمانی و بعد به واسطهٔ تنخواهی که از منفکهٔ آنها گرفته‌اند زیاده از اندازه اغراض در میان آنها و اهالی حاصل شده. ثالثاً این اغراض محلی و شخصی اینهاست و دخلی به سفارت عثمانی و شه‌بندر ندارد و به واسطهٔ همین اغراض است که اتصالاً به مقامات عالیه القای شبهات می‌نمایند.

رابعاً از قرار مذکور آقا نصرالله نام که موقتاً وکیل شه‌بندر شده اصلاً پنجوینی و سالها در اینجا کاسب و مغلوب و محکوم رأی اتباع عثمانی و آنچه اظهار تظلم نماید بنا به تحریک و رای آنهاست. و معلوم است که به هیچ وجه تصور نمی‌توان کرد که بنده در

بدو ورود به کردستان در این اغراض محلی غیر از استماع مداخله‌ای داشته باشم و حالا لازم دانستم که این نکات را عرض کنم که خاطر عالی مستحضر شده نوعی توجه بفرمایید که مبادا متدرجاً به واسطهٔ این القای شبهات و اغراض اوضاع سابق مجدداً پیش بیاید.

[متن پشت پاکت سند مذکور:]

نمرهٔ ۳۳ــ ۱۲ شهر ربیع الاول ۱۳۱۹

یک طغرا راپورت ناصرالملک است. از عرض خاکپای مهر اعتلای اقدس شاهنشاهی روحنافداه خواهد گذشت.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

جناب اشرف اتابک اعظم این مطالب را که ناصرالملک عرض کرده است همان مطالبی است که با سفارت عثمانی مذاکره نموده و تمام نموده‌اید.

امضا: مظفرالدین شاه

عرض کنم

(مطالب کمتر بسیار مخبرانه)

که محض اطلاع شخص جنابعالی است ورنه واضح بی اهمیتی است که در نزد شخص خودتان خواهد بود

چهار روز قبل در باب مسئله دکاکین شرعی جزءاً بحضور مبارک حضرت مستطاب اشرف امجد آقای آقا سید عبدالله اعلم

اتبه مد ظله فرمودید و دادیم آنچه را که شنیدم بنظر دقیق خفیه آنست لزوماً عرض مینمایم اگر در نزد آن اهم

در چند سال قبل جمعی کثیر از اتباع کردستان مذکره بیرقیه عثمانی تحصیل کرده و با شخاص از بعیت عثمانی

و حمایت شهندری باقی مانده در کردستان ایشان بهمرسانده که با تشهیر سلاح بعضه از انواع خفیه و جاسوسی

غش شده و کار بجایی رسیده که کاهای حکومت حیله را هم محصور نموده اند پارسال در تمام جاده این کار

برآمده و با یکدیگر شهندر بگلیک با بعیت نموده اند و در قریه که مذکور داشتند با نفی کراف غفلتاً

در اتباع شنگه کرفه دستی به یکدیگر داده با قی اوزاد یکدیگر برده اند و در نتیجه و خون از یکطرف بعد از دی

از اتباع عثمانی و جمعی کثیر از اتباع شنگه بعیت بگلیک با بعیت که ضعف و بیکاری با حوال انها

راه یافته نمی توانند با ایشان مرکب جنجه و خیانت شوند و از طرف دیگر غفلتاً

با نفی از اتباع شنگه کرفته اند هر دو فرقه هر روزه در تولید مقاسه و اشکالات و اظهار کفایت

بجهوله و بهانه جویی اهتمام و اصرار مخصوصی دارند که شاید با ایشان بگلیک با بعیت و قرار داد

بگریک بهم بخورد که هم بر اتباع خود بتوانند بقی بمانند و هم با نفی که از انها کرفته اند

آنها را دشمن مثلاً از جمله مخبر شبیه یک بگلوای که جناب مستطاب اشرف حاجی در اتفاق حقوق او

مرقوم فرموده اند یکی از اتباع شنگه است که از قرار مذکور تمام از اهرار تومان وجه نقد از او

کرفته اند و نمی توانم که پرده از روی کار برداشته نخواهد او را که با شر صحبت با دیگری

کرفته است. پیام هر روزه هم بجناب مستطاب اشرف عارض خواهد بود

و دیگر اگر اتباع عثمانی و اتباع شنگه مطالبی داشته باشند بدون اینکه آنرا بگومت

اظهار نموده تسویه آنرا بخواهند محض تولید اشکالات از حکومت صحیه نظارت عثمانی
اظهار شکایت و تظلم نمایند که حکومت صحیه در تسویه امور آنها مساعده و اقدام نمی نماید
اگر بعرض خدمات کمیتی و تلگرافی بنده رجوع بفرمایند معلوم خواهد شد که اشخاص مزبوره در اجرای
شهبندرخانه که در تمام تظلم برآمده بهیچوجه بمطالب خود نرا به بنده اظهار نموده اند)
بنده برحسب اوامر متعدده مأمور هستم که قرارداد بگریک را اجرا نمایم و در ایصال
در تسویه مطالب خصه اجرای شهبندرخانه و اتباع عثمانی و غیرها در رفع بهانه جویی آنها
حسن مساعده را اتمام داشته دارم ولکن چون مقصود بالاصاله آنها اتباع نمایند
و تولید اشکالات و بهانه جویی است که عمدی بکلیت بعیت نعود و اطمینان حاصل نشود
اولیه عود نمایند بهانه جویی و القای شبهات و اظهار تظلم آنها را نهایتی نخواهد بود)
که سبوق بشرح
کمیکم ضرورت حقیقت امر را صحرانه عرض کردم تا رای عالی در رفع بهانه جویی و القای شبهات
آنها چه اقتضا داشته باشد ایام اقبال و اجلال مستدام باد)
مجدداً عرض مینمایم که اولاً اکثر از اشخاصی که در اینجا بهم متعدد سلمه عثمانی تابعیت
کردستانی الاصل و اتباع عالی طرف هر گونه رقابت و اغراض و مخاصمتی هستند)
ثانیاً بعضی حرکات سابقه ها مورد اتباع عثمانی و بعد بواسطه شکوائی که در نتیجه آنها
کرده اند زیاده از اندازه اغراض در میان آنها و اتباع عالی حاصل شده)
ثالثاً این اغراض مع شخصی نهایت در رفع نظارت عثمانی در شهبندر مدار را
و بواسطه همین اغراض است که اتصالاً تظلمات عالیه القای شبهات مینمایند)
رابعاً از قرار مذکور آقا نصرالله نام که سبوقاً وکیل شهبندر شده اصلاً مخالفتی با ما ها
در اینجا کاسب و مغلوب و محکوم رای اتباع عثمانی و آنچه اظهار تظلم نماید

بنا بر تحریک ورای آنهاست)

دمعلوم است که بهیچوجه تصور نمی توان کرد که بنده در بدو ورود بکردستان در این اغراض
منع غیر از اجتماع مراجعه داشته باشم و خاصه لازم دانستم که این نکات را عرض کنم
که خاطر عالی بتحضر شود نوعی توجه بفرمایند که بواسطه این اتهامات بی
واغراض اوضاع سابق بمجرد پیش نیاید)

۱۱
۳۱۳۵

۱۶۵
۱۲ ربیع الاول

وزارت امور خارجه

نسخه هیت

سابقه دارد خ ضه
۳۳
۱۲ ربیع الاول
۱۳۱۹

شمارهٔ سند: ۹۸۲
موضوع: مطالبه رسم چادرنشینی از اتباع ایران
نمره: ۷۵
تاریخ: ۲۰ جمادی‌الاول ۱۳۱۹ هـ.ق
کارتن: ۱
پرونده: ٦

ترجمهٔ مراسلهٔ سفارت کبری ایران در اسلامبول به وزارت خارجه عثمانی

در باب منع مطالبهٔ رسوم چادرنشینی اتباع دولت علیهٔ ایران مقیمین مندلی و خرسان مکرراً و در مراسلهٔ ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۱۸ نمرهٔ ۲۸ اشعار و خواهش شده بود به موجب تلگرافی* که مجداً از وزارت خارجه دولت متبوعهٔ دوستدار رسیده هنوز از اتباع دولت علیهٔ ایران این رسم را مطالبه می‌نمایند موافق مقاوله‌نامهٔ اخیر اتباع ایران بجز رسوم اصنافیه از هرگونه رسوم و تکلیفات که منحصراً به اتباع دولت عثمانی است معاف بوده علی‌الخصوص چون رسوم مزبور مقابل بدلات عسکریه است به هیچ وجه ربطی به اتباع دولت علیه ایران ندارد. لهذا مستدعی است موافق خواهش سابقهٔ دوستدار منع مطالبهٔ این رسوم را ازاتباع دولت علیهٔ ایران اکیداً به ولایت بغداد اشعار و از نتیجهٔ آن دوستدار را مطلع فرمایند تا به وزارت جلیلهٔ امور خارجه ایران جواب عرض شود.

۵

خلاصه تظامات جدیده

لایحه
۷۵

بعضی اراضی و املاک و خرسانه و سائر بعضه محلارده تحت ایراده دن مطالبه اولنان چیفلک رسمنک
سنه حصه یالقصاص و ۵۸ سنه اوخاف تاریخ و اراده سنیه تقریر ایله جانب سعادتپناه استصواب
اولنمش اولدیغی حالده حضرت تره بعضه کویلرینک و تحت ایراده خاصه بولنان نظر اولوی به تعلیق ایلکده
اولمامش اولدیغی بیانیله تقاضاسنک سنه حصه یولنه دولت مشوهنک تادیه خانیه و زیاتیه جلبسنه تشرفزاده ارادت
اولدیغی بیانیله تقاضاسنک سنه حصه یولنه اول باده و زیاده اولدیغی کبی مصالحات عثمانیه ده تحت ایراده
تقاضاسنک حالده استصواب بیورلمسنه دائر ماده نامه اجده مبینه بالکله اضافیه سی ویروب دولتلو خسروپاشا
بالاستقلال اضافه ایله تحت ایراده تقاضانامه اجده مبینه بالکله اضافیه سی ویروب دولتلو خسروپاشا
بالاستقلال اضافه ایله تحت ایراده تقاضانامه اجده مبینه بالکله اضافیه سی ویروب دولتلو خسروپاشا
بعضه محصول اولمه حکومتی سی وظایفندن اولدیغی و محصولی سی مزبوره به لازمه عسکریه به مقابل
اولوب تحت ایراده اصلا و قطعا شمولی اولدیغی بیان اولنمش اولدیغی حالده التماسات مسوقه دقایقی
مزبوره ایله کف یدی بوجه نظر اولوی اولنمه تقاضانامه مفصله و زیاتیه شتایلایه
سریعا و توضیحا استصوابی رجاسنه و زیاتیه شتایلایه محصله و انها اولنمه اوزره صاحب
تاریخه اماسی الناسی وسیله تحریره و دوسیه محاکمه آیه تقاضا جمازی زاده اسماعیل

شمارهٔ سند: ۹۸۳
موضوع: گرفتن رسم چادرنشینی از اتباع ایرانی در خاک عثمانی
نمره: ۸۰۸
تاریخ: ۲۶ جمادی‌الاولی ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: ٦

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

در باب منع مطالبهٔ رسم چادرنشینی از تبعهٔ ایران ساکنین خانقین و خوراسان و مندلی و سایره من توابع بغداد تلگراف حضرت مستطاب اجل اکرم افخم امجد اعظم مدظله العالی زیارت شد، در این خصوص موافق مراسله‌جات سابقهٔ سفارت کبری به باب‌عالی باز تقریری نوشته و ایستادگی و گفتگوی زیاد نمود، وزیر خارجه چند نفر از مأمورین وزارت را در حضور ترجمان اول سفارت کبریٰ خواسته کیفیت را تحقیق نمود آنها مدعی شدند که این رسم عوض اصنافیه است که گرفته می‌شود مشارالیه جواب داده بود که این رسم در مقابل بدل عسکری که مختص تبعهٔ عثمانی است، می‌باشد و جز رسم اصنافیه که آن هم منحصر به اصناف و ارباب حرف و صنایع است رسم دیگر را اصلاً و قطعاً نمی‌توانیم قبول نماییم بالاخره قرار بر این شد که مراتب را به بغداد نوشته تحقیقات لازمه را به عمل بیاورند که ثانیاً قراری داده شود. بدیهی است که از نتیجه اقدامات خاطر خطیر مبارک را مستحضر خواهد داشت.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
هو، اقدامات سریعه به عمل بیاورند به کار پرداز بغداد هم اطلاع بدهند.

۱۳۱۹
۲۶ شهر حمدی الدوله
۸۰۱

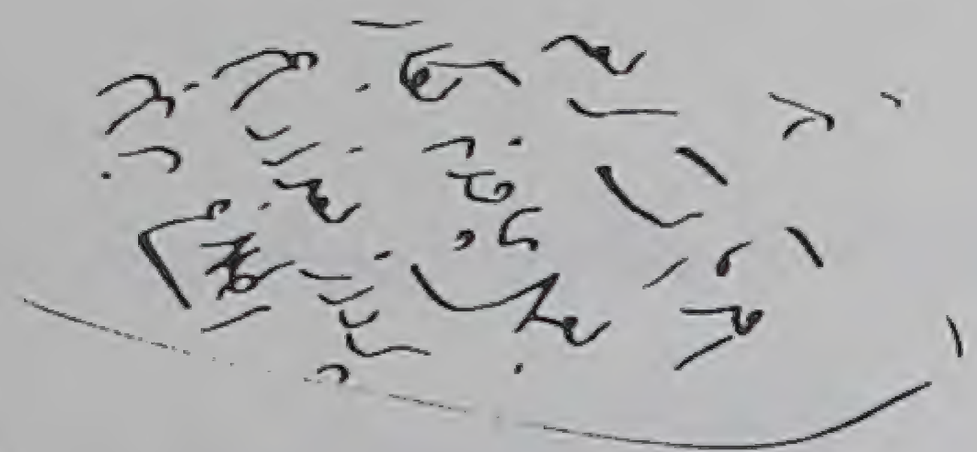

در باب منع مطابه رسم چاپاری تبعه ایران ساکنین خاقین و حوزه ان سندلی

طال الله

و سائره من توابع لعه ملکزاف حضرت مستطاب اجلی اکرم افخم اعظم

زیارت شی در اینخصوص موافق مراسله جات سابقه سفارت کبری

بار تقریری نوشته و اسباب گله گذاری زیاد نموده در خارجه چند نفر از مامورین

دولت را در حضور ترجمان اتی سفارت کبری جزئیات تحقیق را تحقیق نموده

آنها مدعی شده اند این رسم عوض اضافه است در کرفه مخفی شان را گرفته

داده اند بعد در این رسم در مقابل بدل عسکری مخصص سمته عثمانی است

ملیاتی دفتر رسم اضافه در انها منحصر ضاف دارد بابت حرف

و صنایع است رسم دیگر را اصلا و قطعا نمی توانیم قبض نائیم بالجمله

قرار بر این شد مراتب را بعد از نوشته تحقیقات لازمه را لهمت

ثانیا قراری داده شد مهر است در نتیجه اقدامات خاطر خطیر

مبارک را مستحضر خواهد داشت

شمارهٔ سند: ۹۸٤
موضوع: منع ازدواج زنهای ایرانی با اتباع عثمانی
نمره: ۹۵
تاریخ: ۱۱ جمادی‌الاخری ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۲۷

نامهٔ ژنرال قونسولی ایران در بغداد به وزارت خارجه

سابقاً مفصلاً جسارت نموده‌ام که در سنهٔ سیصد و پنج مابین دولتین علیین قرار شد از آن تاریخ ایرانی ها با زنهای عثمانی ازدواج نکنند، اگر ازدواج نمودند اولاد آنها عسکر شوند. حالا چند سال است که عثمانی ها عموم اولاد ایرانی ها که از زنهای عثمانی هستند تبعهٔ خودشان محسوب نموده و تعرض به آنها می‌کنند و فدوی هر روز با ایالت مشغول مخابره است. در این باب سابقاً قرارداد سال سیصد و پنج را به عرض حضور مبارک وزارت جلیله رساندم و مفصلاً به خدمت سفارت کبری اطلاع دادم که لازم است موافق آن قرارداد سفارت با باب‌عالی مذاکره نمایند و از باب‌عالی امری صادر شود که موافق قرارداد سنهٔ ۳۰۵ اولاد ایرانی که از زن عثمانی ازتاریخ مذکور که تولد شود، حق دارند به قرعهٔ عسکریه داخل نمایند و اولاد اشخاصی که قبل از آن تاریخ از زن عثمانی متولد شده حق تعرض ندارند. اگر چنین امری از باب‌عالی صادر شود خیلی اسباب آسودگی جمعی از اتباع دولت علیه خواهد بود و به هر صورت فدوی ابداً آسوده نیست و هر روزی برای یک نفر که در یکی از ولایات عراق عرب تعرض می‌کنند با ایالت مشغول مذاکره و زد و خورد هست، زیاده جسارت است. امر اجل امجد ارفع عالی مطاع.

قونسول ژنرالی دولت علیهٔ ایران

در بغداد نمره ۹۵

تاریخ ۱۱ شهر حمادی الاخری

۱۳۱۹

آدرس

عتبات

سابقاً مفصلاً جسارت نموده ام در نمره بیست و پنج ماضی در باب

قرار شد از آن تاریخ ایرانیها با زنهای عثمانی ازدواج نکنند اگر

ازدواج نمودند اولاد آنها عسکر شوند حالا خدمات زنهای عثمانی

عموم اولاد ایرانیها هر از زنهای عثمانی باشند سعیه خودشان محسوب نموده

و تعرض نمیکنند و فروعی هر زور با ایالت شغلی مخابره است

مبارک

در این باب سابقاً قرارداد سال بیست و پنج را لعرض حضور

و زارت جلیله رساندم و مفصلاً بجدیت سفارت کبری اطلاع دادم

که لازم است موافق آن قرارداد سفارت با باب عالی مذاکره

ایرانی

و از باب عالی امری صادر شود موافق قرارداد سنه ۳۰ اولاد

هر از زن عثمانی از تاریخ مذکور هر مولد شود حق دارد بقرعه

عسکریه داخل نشود و اولاد باسی حصه قبل از آن تاریخ از

زن عثمانی متولد شده حق تعرض ندارند اگر چنین امری

شمارهٔ سند: ۹۸۵
موضوع: دبستان و مریضخانهٔ ایرانیان در اسلامبول
نمره: ۸۵۱
تاریخ: ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۳۰

نامهٔ سفارت کبرای ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

اوقاتی که موکب مسعود مقدس همایونی در اسلامبول بود برای تأسیس مریضخانه و اعانهٔ دبستان ایرانیان ارادهٔ علیه بندگان اعلی‌حضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه شرف صدور یافت که مبلغ دویست لیره به عنوان انعام استمراری مرحمت شود و سال گذشته مرحمت شد، بندگان حضرت مستطاب اشرف افخم امجد آقای اتابک اعظم روحی فداه نیز محض پیروی ارادهٔ مقدسهٔ همایونی یک صد لیره انگلیسی بر سبیل استمراری و جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای وزیر دربار دام اجلاله العالی پنجاه لیره سالیانه مرحمت فرموده و نام نامی مبارکشان را در دفتر انجمن مریضخانه و دبستان ثبت و با خط خودشان دفتر را مزین فرمودند. چون این اوقات مدتی از وعده گذشته و زمستان نزدیک است و مریضخانه و دبستان برای مصارف خیلی دست‌تنگی و احتیاج دارد رئیس و اعضای انجمن دبستان و مریضخانه که مرکب از جمعی محترمین هستند، عریضه به حضور مبارک صدارت عظمی و وزیر دربار عرض کرده‌اند که توسط وزارت جلیله امور خارجه برسد و از طرف حضرت مستطاب اجل اکرم اعظم عالی مدظله المتعالی در وصول و ایصال وجوه مذکوره که باعث دعای خیر خواهد بود بذل مرحمت فرمایند، دو پاکت عریضه را لفاً تقدیم حضور انور مبارک داشت. الامر الاجل الاکرم مطاع.

[حاشیه:]

سابقاً حضرت اشرف اعظم فرموده بودند که آنچه دولت باید بدهد برات صادر نمایید آنچه خودم باید بدهم حواله به جناب ارفع‌الدوله بنویسید که بدهند بعد با ایشان محسوب می‌دارم از همین قرار معمول دارند.

۱۲ شهر رجب ۱۳۱۹

۲۸ شهر صفر ۱۳۱۹

۸۵۱

اداره تشریفات مرکز معروض میدارد چون در اسلامبول برای ماشین تلفن
واعانه دستان ارمنیان اراده علیه بندگان اعلیحضرت اقدس همایون
شاهنشاهی ارواحنا فداه شرف صدور یافت در سنگ درست کرده
بعز ان انجام استمراری مرحمت شد و سال گذشته مرحمت شاهانه
حضرت مطلب اشرف افخم امجد لای اتابک اعظم روحی فداه نیز
مخص پروی اراده مقدسه همایونی مکتوبه لیکنیچ رسیدی استمراری
وجناب مطلب ساحت اکرم افخم اتابکی در زیر دارالخلافه علیه نیز
سالیانه مرحمت و بهر دفعه نامهای سفارتشان را در دفتر انجمن مرقوم
دارند ثبت و بخط خودشان دفتر را بزیر فرستند حرف اتابکی
مدتی از وعده گذشته در دستان نزدیک است در بقضا نمودن
برای مصارف خیریه دست تنگ و احتیاج دارد رسیدی داده
انجمن دستان در بقضا نمودن بمرکز ارسالی محترمین معتمد عرضه
بحضور مبارک صدارت عظمی و وزیر دربار عرض کنند از درمطلب

وزارت جلیله امور خارجه بری وارظرف خصوصیت امین اکرم اعظم عالی مدظله المتعالی

در وصول وایصال وجوه مذکوره باعث دعای خیر خواهد بود مدل ۱۳۰۶

در پاکت عریضه را الصاق تقدیم حضور انور مبارک داشت الدر ۱۳۰۶

۱۳۱۹

شمارهٔ سند: ۹۸۶
موضوع: بدرفتاری مأمورین عثمانی با اتباع ایران
نمره: ۸۱۵
تاریخ: ۱۶ رمضان ۱۳۱۹ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۲۳

سواد کاغذ وزارت خارجه به سفارت کبری در اسلامبول

میرزاموسی خان کار پرداز بصره از بی اعتدالی مأمورین عثمانی به حقوق اتباع دولت علیهٔ ایران و سوء رفتار مأمورین قرعه عسکریه که امسال خیلی شکایتها نوشته است، سواد چند فقره راپورت آخری او را لفاً فرستادم، ملاحظه خواهید فرمود. با این مسلکی که مأمورین محلیهٔ بصره و عماره پیش گرفته‌اند کار رعایای دولت علیه در آنجا خیلی مشکل شده مأمورین کار پردازی را در نواحی و اطراف بصره قبول نمی‌کنند در مابین رعایای ایران توزیع تذکره نموده، حقوق آنها را حفظ نماید تعدیات و اجحافاتی که نسبت به تبعهٔ ایرانیه می‌نمایند همه وقت از کار پردازی شکایت می‌شود منکر شده در سوء رفتار خود شدت می‌کنند. فوراً این مسائل به اظهارات کار پردازی وقعی نمی‌گذارند، رعایای صحیحه ایران را در منتفک و عماره به ادعای تابعیت عثمانی متعرض شده می‌خواهند داخل سلک عسکری نمایند. و هر قدر در کار پردازی بر صحت تابعیت ایرانی آنها ارائهٔ تذاکر و اوراق و بیان ادلهٔ صحیحه می‌شود نمی‌پذیرند و هیچ حجت و سندی را در اثبات مدعا از کار پردازی قبول نمی‌کنند، لازم است از طرف جناب‌عالی در رفع این معایب اهتمام و توجه مخصوص مبذول شده همتی به اصلاح این فقرات بگمارید که امر اتباع دولت علیه درخاک بصره تنظیم شده امور کار پردازی در تحت جریان بیابد و الا بدیهی است بقای این احوال به حقوق مشروعه دولت سکته عمده وارد نموده عنقریب جمع کثیر از رعایای مسلم دولت ایران را در بصره و عماره جلب نموده و داخل قرعه عسکری خواهند نمود، دیگر منوط به اهتمامات سنیّه جناب‌عالی است، زیاده زحمت نمی‌دهد.
نصراله مشیرالدوله.

۲۰۴

۱۱۵

رونوشت تلگراف حضرات علمای نجف به علمای مسئول

۱۶ شهر رمضان سنه ۱۳۱۹

مورد اهمیت خاص کاردار بصره از لحاظ اینکه مدرس قضایای کنوت را تا تسخیر الکوت و سوق الشیوخ و ناصریه و شطره و شهادت خود حضرات علمای نجف و بصره و غیره تلگرافا نوشته بودند و اخیرا هم تلگراف حضرات علمای نجف و بصره را مورخه ۱۴ رمضان که آخرین تلگراف بود خواندم و ملاحظه فرمودید، این مسلکی که مدرس در مجلس شورای ملی پیش گرفته اند کاردار رعایای دولتین در انتخاب مضر است، مدرس کاردار را بی نوا و اطراف بصره قول کمپانی داده اند رعایای ایران فوریه مذکره نموده حقوق انها را حفظ نماید و اعانه و نصرت دهد تا از کاردار نگذارد بشود مذکره شود در سوء قصد خودشان بکمپانی انها را بکاردار نسبت دهند و تعمیر کمپانی را بکاردار نسبت دهند و تعمیر کمپانی را بکاردار نسبت دهند و تعمیر کمپانی

شمارهٔ سند: ۹۸۷
موضوع: ارسال قرارنامهٔ گمرک تنباکو
نمره: ۸۵٤
تاریخ: ۲۲ رمضان ۱۳۱۹ هـ.ق
کارتن: ۱۸
پرونده: ۳٦/۱۱ و ۳٦/۸

سواد کاغذ وزارت خارجه به سفارت کبرای ایران در اسلامبول

تلگرافاً اعلام کرده بودید که تعرفه‌ها به توسط چاپار مخصوص رسید، ولی قرارنامه‌ها نرسید کیفیت به جناب مسیونوز اظهار شد که قرارنامه را بفرستد جواب داده است که فرستادن قرارنامه‌ها قرار نبوده و باید همان تعرفه‌ها فرستاده شود که ارسال گردیده. (نصراله مشیرالدوله)

۸۵۴

سواد نامه وزارت خارجه انگلیس ایران را در اسلامبول

۲۲ مهر ۱۳۱۴

کمپانی اسلام که سید ترجمه‌ها توسط ایشان مخصوص سید ولی قرارنامه را نرسید گفتیت نمی‌سید نوراللهی

و قرارنامه را نوشته جواب داده است و فرستادن قرارنامه و قرارنامه را با سه ترجمه فرستاده شد

وزارت خارجه [نصرالله سرالدوله]

شمارهٔ سند: ۹۸۸
موضوع: مهاجرت ارامنهٔ عثمانی به ایران
نمره: ۳۷
تاریخ: ۱۶ شوال ۱۳۱۹ هـ.ق
کارتن: ۲۷
پرونده: ۶۲/۳

نامهٔ ویس قونسولگری ایران در قارص به سفارت ایران در اسلامبول

محرمانه است

قربان وجود مبارک شوم، مهاجرین ارامنهٔ عثمانی چنانکه خاطر مبارک مسبوق است مدت شش سال است در روسیه به اجازهٔ دولت بی‌تذکره اقامت داشتند و چون دولت عثمانیه از پذیرفتن آنها دوباره به خاک خود امتناع نمود، این اوقات دولت روسیه حکم کرده است که مهاجرین ارامنه را هر کس بخواهد در روسیه سکونت نماید به دفتر نفوس آنجا ثبت نموده و به تبعیت قبول نمایند و هر کس از آنها تابعیت دولت مشارالیها را نخواهد مجاز است به هر طرف که می‌خواهد برود و حکومت محلیه تذکرهٔ مرور تا سرحد با آن شخص خواهد داد، دو سه روز قبل همین مسئله را به ارامنهٔ عثمانی مقیمین محال قارص اعلان کردند، ولی آنها اکثریتاً زیر این تکلیف نرفته بودند و تا دو هفته به آنها مهلت داده شده است که جواب آخری خودشان را به حکومت حالی نمایند پریروز وکیل ارامنه به نمایندگی خلیفهٔ خودشان نزد چاکر آمده اظهار کرد که چندین خانوار از آنها می‌خواهند به تبعیت دولت ایران داخل بشوند آیا ممکن است برای آنها اجازه تحصیل کرده در داخله ایران به آنها جا بدهند که بتوانند رفته در آنجا مشغول کشت و کار بشوند یا خیر؟ و در آن ضمن اظهار کرد که خلیفهٔ کل ارامنهٔ مقیم اوچ کلیسا به توسط خلیفهٔ ارامنه مقیم قارص به آنها اعلام کرده است که گویا خلیفهٔ معزی‌الیه از خاکپای مبارک اعلی حضرت قدرقدرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه استدعا کرده است که مهاجرین ارامنهٔ عثمانی را به تبعیت قبول فرموده و در حوزهٔ حکومت سلماس به آنها محل سکونت مقرر فرمایند و گویا استدعای معزی‌الیه در این باب در خاکپای مبارک همایونی ارواحنافداه مقبول افتاده است، چاکر جواب داد که هنوز در این باب دستورالعملی به

ویس قونسولگری نرسیده است و هر کس از شماها که طالب تبعیت ایران است باید عریضه بدهد تا عریضهٔ شما را به سفارت سنیه تقدیم نمایم و در ثانی به هرچه از آنجا مقرر فرمایند اطاعت بشود، آنها هم رفتند در این خصوص شور نمایند، علت امتناع ارامنه از قبولی تبعیت دولت روسیه از قراری که چاکر تحقیق کرد دو چیز است، اولاً دولت روس فعلاً نمی خواهد در ممالک قفقاز به آنها به میزان اهالی قفقاز اراضی دولتی واگذار نماید و همین اراضی را در داخلهٔ روسیه و طرف سبریا به آنها تکلیف می‌کند، ولی در صورتی که ارامنه از تحصیل اراضی دولتی صرف‌نظر نمایند تا بیست سال اجازه داده می‌شود که در قفقازیه در هرجا بخواهند سکونت نمایند و در دفتر نفوس قید شوند، ولی ارمنی ها نمی خواهند به داخلهٔ روسیه بگذرند و مقصود دولت روسیه از این تکلیف این است که اهالی داخلهٔ روسیه را کم کم به ممالک قفقازیه مهاجرت داده و در نقاط سرحدیه به آنها جا داده و اهالی قفقازیه را به داخلهٔ ممالک روسیه کوچانیده بدین‌وسیله تا یک درجه اسباب تأمین آتیه را فراهم آورد تا از مهاجمهٔ بیگانه و شورش سرحدیه آسوده بوده ومدتی هم از داخلهٔ مملکت هم ایمن باشد. علت دویم این است که در صورت قبولی تبعیت روس ارامنهٔ مزبور باید موافق قانون نظام روسیه از سال آینده سرباز بدهند ارمنی ها هم از این مسئله می‌گریزند این است که می خواهند تبعیت دولت علیه را قبول نمایند. مراتب را لازم دیده به عرض حضور مبارک رسانید تا بر آنچه خاطر مبارک در این باب علاقه بگیرد دستورالعملی مرحمت فرمایند، زیاده جسارت است. الامرالاجل الاکرم العالی مطاع چاکر کریم. از قراری که مذکور افتاد تا صد خانوار بیشتر می خواهند داخل تبعیت دولت علیه ایران بشوند.

رئیس قونسو لگری
اعلیحضرت شاهنشاه ایران
در قارص

بتاریخ ۱۶ شهر نزال ۱۳۱۹
نمره
۳۷

محرمانه است

قبال وجود مبارکت یزم . مهاجرین ارامنه عثمانی چنانکه خاطر مبارک سبق است

[illegible] مسئله مهاجرین ارامنه در روسیه با جازه [illegible] داشتند چون [illegible]
عثمانیه از پذیرفتن آنها ابا کرد بنابراین [illegible] عزیمت [illegible]
حکم کرده است که مهاجرین ارامنه را هر کس بخواهد در روسیه بگذارند [illegible]
آنها ثبت نموده و به تبعیت قبول نمایند و هر کس از آنها تابعیت [illegible]
نخواهد میتواند بهر طرف که میخواهد برود و ملکیت منقله و غیره [illegible]
به شخص خواهد داد [illegible] این مسئله را بواسطه عدم [illegible]
اعلان کردند ولی آنها اکثریتی از این تبعیت نرفته برودند و [illegible]
آنها صبر کرده شاید که جواب آخری خودشان را بگیرند [illegible]
یروز دیگر در اینجا بتلگرافیه که صحیفه خودشان از دولت [illegible]
که چندین هزار از آنها میخواهند تبعیت دولت ایران را [illegible]
آیا ممکن است برای آنها اجازه تخصیص کرده در داخله ایران [illegible]

فراهم آورد تا در صورت پیشامد ناگوار و شورش سربازان آنها را بکار برد و مدتها هم ژاندارمری مملکت را اداره میکرد

در ادامهٔ مزبور باید مراقب قانون نظام روسیه از سال آتیه سرباز به ایران نفرستاد

از این مسئله نیکریزند این است که میخواهند قشون ایران را قبول نکنند

مراتب را لازم دیده بعرض حضور مبارک رسانیدم تا به آنچه خاطر مبارک در این باب علاقه میگیرد

دستور العمل مرحمت فرمایند زیاده جسارت است امر امر مبارک است

(از قرار یکه مذکور افتاد تا صد خانوار بیشتر نمیخواهند داخل تبعیت روسیه ایران بشوند)

شمارهٔ سند: ۹۸۹
موضوع: مهاجرت ارامنهٔ عثمانی به ایران
نمره: ۵۶۹
تاریخ: ۲۴ شوال المکرم ۱۳۱۹ هـ . ق
کارتن: ۲۷
پرونده: ۶۲/۳

نامهٔ سفارت ایران از اسلامبول به وزارت خارجه

الساعه که مشغول بستن پاکت بود راپورتی از ویس قونسول قارص دایر به مهاجرت ارامنهٔ رعیت عثمانی ساکنین قارص به ممالک محروسهٔ ایران رسید. چون این مسئله اهمیت دارد و استحضار خاطر مبارک اولیای دولت جاویدآیت لازم بود راپورت معروض را عیناً تقدیم داشت که خاطر مبارک کاملاً از مندرجات آن مستحضر گردد، مستدعی است رأی اولیای دولت ابدمدت را در این خصوص زودتر به فدوی اطلاع بدهید یا تکلیف ارامنه و ویس قونسول قارص در این موقع معین شود، زیاده امر امر مبارک است.

اثر مهر مشیرالملک

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
هو، جناب اشرف اتابک اعظم راپورت ملفوف ملاحظه شد گویا بی ضرر باشند و اجازه بدهید بیایند در خوی و سلماس رعیتی کرده، مالیات بدهند. شهر ذی‌قعده ۱۳۱۹
امضا: مظفرالدین شاه

۵۶۹

۲۴ شهر شوال المکرم
۱۳۱۹

شمارهٔ سند: ۹۹۰
موضوع: اخذ تمتع از اتباع ایران و عثمانی
نمره: ۲۵۰
تاریخ: ۱۲ ذی‌قعده ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱۸
پرونده: ۳۶/۷

راپورت کارپردازی از بغداد به وزارت خارجه

در خصوص اخذ تمتع از اتباع دولت علیهٔ متبوعه در عرایض قبلی به عرض حضور مبارک رسانیده بود که ولایت به موجب امر باب‌عالی که به چاکر ارائه نمود در تثبیت گرفتن است، باز فدوی کمال ایستادگی و پیشگیری را داشته تفصیل را به سفارت کبری هم عرض نمود، تا حال از سفارت کبری در این باب جواب نرسیده است و حکومت هم متصل برای اخذ تمتع کوشش دارد و می‌گوید که چون باب‌عالی امر داده است ما در گرفتن آن مجبور هستیم و الا باز چاکر در اینجا به نوعی از گرفتن تمتع حکومت را بازمی داشت ولی حالا حکومت می‌گوید که دخلی به ما ندارد از باب‌عالی امر رسیده است با وجود آن باز چاکر ایستادگی لازمه را داشته، محض اطلاع خاطر مبارک به عرض تفصیل جسارت می شود که هر طور امر مبارک شرف صدور یابد از آن قرار اطاعت و رفتار شود، زیاده جسارت است. اسداله

۱۲۷ نمره ۱۲۱۹
سنه ۴۵۰

راپورت

از حضور اقدس شاهنشاهی روحنا فداه در عرایض سرحدی خصوص یاغیان ایل سنجابی مرقوم شده بود
موجب اریاهایی که بجهت کرر رایه نمود در تنبیه کردن یاغی حال استمالت و ملایمت
داشته تقصیرات گذشته ایشان را عفو نموده تا حال از نفارت کردن و راه ندادن جواب رسیده
و حکومت هم تقصیرات اخذ تمغ کوشش دارد دیگر چون یاغیان ایل مزبور باز رتبه
بجهه هم رسانده باز چاکر در اینجا نوعی از کرتبه تمغ حکومت را بازی ندارد و حال
حکومت میگوید که رجوع بنا ندارد از اریاهایی که رسیده است باید جواب باز چاکر ایشان
بدهد را داشته تمغ اطمینان خاطر یاغیان نموده تقصیرات گذشته ایشان را عفو فرموده
در آنقرار اطاعت و رفتار شده زیاده جسارت است

۱۲۷ نمره ۱۲۱۹
سنه ۴۵۰

شمارهٔ سند: ۹۹۱
موضوع: ظلم و تعدی مأمورین قرعهٔ عسکریهٔ عثمانی به اتباع ایرانی
تاریخ: ۱۳۱۹ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۲۳

به دارالخلافهٔ طهران و درب آستان مبارک امیر اتابک اعظم ارواحنافداه

تصدق سرت گردیم، قبل از این در جمادی ثانی مفصلاً عرض‌حال فدویان اتباع دولت علیهٔ ایران از تظلمات و تعدیات خارق‌العادات مأمور قورعهٔ عثمانیه را در پوسته از طریق بغداد تقدیم قدوم مبارک نمودیم، امیدواریم تاکنون به خدمت روحنافداه رسیده و درک عرض فدویان را فرموده و تاکنون نتیجه ظاهر نشده الحال ثانیاً در مقام تجاسر برآمده عرض نمودیم از قراری که به تحقیق رسیده مأمور قورعهٔ عثمانیه به قدر یک صد و چهل نفر از اتباع دولت علیهٔ ایران را به غیر از اولادهای ایشان را قید دفتر نفوس عثمانیه تابع دولت خود نوشته کذلک اولادهای ایشان را تابع و در مقام عسکریهٔ عسکر خاهند [خواهند] گرفت و بعد از این احکامات قانونیه و نظامیهٔ عسکریهٔ خود را بر این فدویان اجرا خاهند [خواهند] نمود، من‌جمله نتیجه‌ای که ظاهر شده یکی از اتباع دولت علیهٔ ایران ملکی داشته فروخته و به موجب قواعد محکمهٔ طابو که سند خاقانی می‌دهند علم و خبری می‌نویسند و آن علم و خبر را در دوایر رسومات خود می‌فرستند، تصدیق می‌نمایند بعضی از دوایر تصدیق کرده نوبت به دایره نفوس رسیده علم خبر را گرفته معطل نموده و جواب داده به شخص ایرانی که شما در دفتر نفوس تابع عثمانیه قید هستی بیا ورقهٔ عثمانیه بگیر تا آنکه تصدیق نمایم، قبول نکرده، تصدیق نکرده، معطل هم نموده و بعد از این لابد ماها همه محتاج به دادستد املاک می‌شویم و دایرهٔ نفوس خاهند [خواهند] اجرا به معامله را قبول نکرده و ادعا می‌نماید که تابعیت قبول بنمایید و الا کار را بر همه تنگ خاهند [خواهند] گرفت و این اشخاصی را که از اتباع ایران که اسامی ایشان را قید دفتر نفوس و تابع خودشان نوشته‌اند بعضی از آنها را به معاینه برده و تذاکر دولتی ایشان را گرفته ضبط نموده وبعضی دیگر تذاکر خود را به مأمور قورعه نداده هر یک را به یک اسناد باطل قید دفتر نفوس عثمانیه نوشته و او را تابع دولت خود می‌داند تعدی از همه

بدتر بعضی از اتباع معروفین تبعهٔ دولت علیهٔ ایران را حکم غیابی بدون معاینه بعضی خودشان ایرانی اولادشان را عثمانیه و بعضی دیگر را خود با اولادش را تبعهٔ خود قید دفتر نفوس کرده و دایره خودشان تصدیق بلاصدق و تحقیق بلاحق دربارهٔ ایشان نموده و این همه ظلم و تعدی و خلافات غیر از قواعد معاهدهٔ دولتی را که در حقوق ماها اجرا نموده‌اند بدون حضور مأمور ایران و چون مأمور باکفایتی نداریم که قابل و قوهٔ جواب دادن را داشته باشد و این مأمور حالیه که داریم جاهل و وکیل بی کفایت بی وجودی است، لهذا حقوق اتباع از دست رفته اگر هزار امر از صدارت عثمانیه صادر بشود که متعرض اهالی ایران نشوید مأمور قورعه جواب می دهد که متعرض نشده‌ام و حال آنکه کمال جسارت را نموده قهراً و جبراً چه در حضور چه در غیاب آنها را قید دفتر نفوس کرده و این نمی شود مگر از عدم مأمور باکفایت استدعا و استرحام از عمیم الطاف ملوکانهٔ مأمور باکفایتی یا از طهران یا از اسلامبول امر فرموده تعیین بفرمایند تا این ظلم بی پایان را از سر ماها فدویان رفع نماید تا در آسایش باشیم و الا اتباع ساکنهٔ عماره ازدست می رود و همیشهٔ اوقات به دعاگویی اعلی حضرت شاهنشاهی ارواحنافداه الفداه و بر اولیای ابدمدت جاوید مشغول بوده و هستیم و امیدواریم که نظر مرجمت را دربارهٔ این جان‌نثاران دریغ نخواهند فرمود.

[پی نوشت:] اثر مهر و اسامی ۵۸ نفر

مدار الملائه طهران دربستان مبارک اعظم ارواحنا فداه

شمارهٔ سند: ۹۹۲
موضوع: اجاره دادن املاک و اراضی مرحوم حاجی عبدالرحیم
تاریخ: ۱۶ محرم ۱۳۲۰ هـ.ق
کارتن: ۱
پرونده: ۲

نامهٔ سفارت انگلیس در طهران به وزارت خارجه

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می‌گردد

به موجب دو طغرا تلگراف کرمانشاهان که یکی از وکیل‌الدولهٔ حالیهٔ انگلیس مقیم آن ولا به این سفارت و دیگری از شه‌بندری عثمانی به سفارت کبریٰ رسیده اظهار می دارند که نواب مستطاب والا فرمانفرما برای اجاره دادن املاک مرحوم حاجی عبدالرحیم اشکالات فراهم می نمایند که عمل به این سهولت را به صعوبت دوچار [دچار] می‌گرداند و این رفتار نواب معزی‌الیه منافی با اصول و قواعد جاریه می باشد و چون اجاره دادن املاک برای تأمین حقوق ورثه و ارباب طلب که از اتباع ایران هستند اصلح و انسب است در این صورت حکومت می بایست در ایجار املاک مزبوره معاونت و همراهی نماید، نه مخالفت و تصعیب علی هذا خواهشمند است حکم مؤکدی به حکومت کرمانشاهان شرف صدور یابد که در عمل ایجار اراضی و املاک متوفای مزبور ممانعت ننموده و تسهیلات لازمه را مرتب دارند و از نتیجه دوستدار را مستحضر فرمایند که موجب امتنان است. در این موقع احترامات فایقه را تجدید می نماید. فی ۱۶ محرم ۱۳۲۰. امضاء

British Legation,
Tehran

شمارهٔ سند: ۹۹۳
موضوع: مالیات از اتباع ایران
نمره: ۲۵۲
تاریخ: غره جمادی‌الاول ۱۳۲۰ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: $\frac{۱}{۲}$

نامهٔ ژنرال قنسول ایران در بغداد به وزارت خارجه

در مسئلهٔ رسم بیتیه که از چادرنشینهای اتباع دولت ابدآیت علیه در عراق عرب چند سال است مطالبه و اخذ می‌نمایند، سابقاً به عرض وزارت جلیله رساندم ورقهٔ چاپی که به دست بعضی از آنها داده بودند که سند بود که رسم از آنها گرفته‌اند، مخصوصاً آدم فرستادم از چادرنشینها گرفته آوردند. یک ورقه جوف عرایض سابقه به حضور مبارک وزارت جلیله فرستادم و ازطرف وزارت جلیله به سفارت کبری اوامر لازمه بر منع آن شرف‌صدور یافت و به خدمت سفارت سنیهٔ کبرای اسلامبول هم مکرر نوشته و یک ورقهٔ چاپی هم فرستاده‌ام و تفصیل را هم به خدمت سفارت کبری نوشتم که این ورقهٔ چاپی را ملاحظه نمایند، معلوم می‌شود این رسم بدل عسکری است که از چادرنشین می‌گیرند و اتباع دولت ابدآیت علیهٔ ایران چون از دادن عسکر معاف‌اند این رسم رانباید بدهند و البته سفارت سنیه کبری اقدامات لازمه نموده‌اند ولی تا حال امری از باب‌عالی به رفع اخذ این رسم نرسیده است. هر طور رأی صواب‌نمای مبارک عالی اقتضا فرماید امر و مقرر خواهند فرمود و اگر سفارت کبری بتوانند امری از باب‌عالی صادر نمایند بر منع اخذ این رسم از چادرنشین ایرانی باید این امر از وزارت مالیه باشد. چه مأمورین وزارت مالیه این رسم را اخذ می‌نمایند، زیاده جسارت است. امر اجل امجد ارفع عالی مطاع.

قونسول ژنرالی دولت علیهٔ ایران
در بغداد نمره ۲۵۲
تاریخ غره شهر جمادی الاولی

در مسئلهٔ رسم عبیه و از چادر نشینهای اتباع دولت ابدا تبعیه در عراق عرب

چند سال است مطالبه و اخذ مینمایند سابقاً بغرض وزارت جلیله رسانده
و ترقه چاپی هر بیت بعضی از انها داده بودند هر سند بود در ازای انها گرفتند
مخصوصاً آدم فرستادم از چادر نشینها گرفته آوردند سابقه بکلی ترقه چاپی عراق
بحضور مبارک وزارت جلیله فرستادم و از طرف وزارت جلیله
بسفارت کبری اوامر لازمه بر منع ان صادر شد و بحمدالله سفارت
سنیه کبری این مسئله را هم مکرر نوشته و بکلی ترقه چاپی هم فرستاده لهذا و بتعصیر رسانیم
بحمدالله سفارت کبری نوشتم در انبوره چاپی را لهذا خطه نهاد معلوم میشود
این رسم مبدل عسکری است در ازای چادر نشین مسکر تبعه و اتباع
دولت علیه ایران حق از دادن عسکر معاف اند
این رسم را نباید بدهند و البته سفارت سنیه کبری امرا
لازمه نموده اند ولی تا حال امری از بابالی بر فع اخذ
این رسم نرسیده است هر طور رای صوابنمای مبارک عالی

شمارهٔ سند: ۹۹٤
موضوع: نمونهٔ ورقهٔ چاپی اخذ رسم (وصول مالیات عشایری)
کارتن: ۱
پرونده: $\frac{۱}{۲}$
ترجمه

سال ۱۳۱٦ رومی

تذکرهٔ وصول مالیات عشایری

این اعلام و خبر بیانگر دریافت پنجاه غروش از اعراب ساکن صحراهای ایالت جلیله بغداد، که مقرر است تا زمانی که این افراد در صحرا زندگی می‌کنند، بی آنکه در دهکده‌ای سکونت نمایند، از آنان دریافت شود. اما اگر خانه‌هایی ساخته و در آن ساکن شوند و روستاهایی برای اقامت خود در نظر بگیرند در آن حالت به یاری خداوند متعال عفو ملوکانه شامل حال آنان شده و این عوارض از آنان دریافت نخواهد شد.

شماره	پاره	غروش		جلد
۲۰۱۰		۵۰	عوارض مالیات	۲۱
	۲۰	۲	سهمیه معارف	
	۲۰	۵۲	جمع	
استان کربلا	۲۰	۵۵		
شهرستان		هندیه		
طایفه یا قبیله اصلی		عجم		
اسم رئیس قبیله		سلیمان نادر		
اسم و شهرت		محمود الحاجی یوسف		

خانه‌های همسایه او را شمارش نمودیم ... مجموع آن ... خانه که از جمله صاحبان این خانه‌ها شخصی است که شناسنامه‌ای به نام محمود پسر الحاجی یوسف بود و او مبلغ ۵۲ غروش ونصف به عنوان عوارض سکونت مترتب به وی به علاوه سهمیه فرهنگ از بابت سال ۱۳۱٦ رومی پرداخت نمود و ما این رسید را به عنوان اعلان دریافت مبلغ به نامبرده داده‌ایم.

در ۱٤ تشرین اول سنهٔ ۱۳۱٦ رومی محل مهر و امضا

سنه ١٣١٦ سنه مخصوصه

تذكرة وركو العشاير

هذا علم وخبر مشمر بقبض خمسين غرشاً من العربان السارين فى البراري التي بدخل ولايت بغداد الجليلة المقرر اخذها منهم مادامو ا فى الصحارى غير ساكنين بقرية فاذا احدثوالهم بيوتاً وسكنوها واتخذوا قرى لاسكنى فانهم حينئذ يناون بتن الله تعالى العفو الملوكى فلايؤخذ منهم لرسم المذكور

تومرو	پاره	غروش		جلد
٥٠١٠		٥٠	رسم وركو	٢١
	٢٠	٢	حصت المعارف	
	٢٠	٥٢	المبلغ يكون	

لواء	ربلا
قضاء	
العشيرة الاصليه	٥٥
اسم الرئيس الساكنين معه	الكبيسه
اسمه وشهرته كذا	طجم
	سلبانه الشادر
	محمد الحديوسف

قد حسبنا البيوت النازلين مع وصار مجموعها بيتاً ومن
هؤلاء اصحاب البيوت حامل التذكره محمد بن حديوسف قدسلم اثنى وخمسين
غرشاً ونصف من طرف رسم البيتيه المترتب عليه مع حصت المارف محسوباً لسنة الف
وثلثماية وستة عشر رومیه واعطيناه هذا التذكره مشمرة بالقبض فى سرهنك ١٤ سنه ١٣١٦

مدير الواردات

درونده ذى الله بيه يكيه عفصه قبضلم اولندى ١٤ سرهنك سنه ١٣١٦

مدير عصدى

مادرى

شمارهٔ سند: ۹۹۵
موضوع: مسئلهٔ الیاس یهودی
تاریخ: جمادی‌الاول ۱۳۲۰ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۱۸

استشهادنامه مربوط به الیاس یهودی

بندگان درگاه الله که حاشیه ورقه را مهر نموده‌ایم مطیع‌الاسلام خواجه الیاس یهودی را می‌شناسیم، تا حال بدزبانی را از او ندیده‌ایم و اینکه نسبت به او داده‌اند که دشنام مذهبی به یک نفر دهاتی داده محض افترا بوده و به تحریک چند نفر دیگر این تهمت را به او بستند و الا در بازار یک نفر یهودی چه جور می‌تواند حرف مذهبی را بگوید در وقتی که او را هم زدند حرف مذهبی را از او نشنیده‌ایم، این چند کلمه جهت اطلاع قلمی و تحریر گردید. فی شهر جمادی‌الاول سنه ۱۳۲۰

مهر ــ صوفی قاسم مهر ــ فریدون بیک مهر ــ شاهدم، عزیز
اطلاع دارم، رشید
مهر ــ مضمون نوشته صحیح است مهر ــ آقاعبدالمناف مهر ــ عباس علی بیک
مهر ــ به مضمون‌ش صحیح است خلاف نیست، شاه شعبان
مهر ــ اقلّ بنده درگاه اطلاع کامل دارم یا امام حسن
مهر ــ حاجی حسین تاجر ساوجبلاغ صحیح است مهر ــ محمد
اطلاع دارم رسول گماشته قاضی
مهر ــ عبده خلیل، مضمون نوشته صحیح است.

شمارهٔ سند: ۹۹۶
موضوع: مالیات از اتباع ایران
نمره: ۱۲۹۹
تاریخ: ۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ هـ.ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۲

سواد کاغذ وزارت خارجه به مشاورالملک کارپرداز بغداد

در مسئلهٔ رسم بیتیه‌ای که از چادرنشینهای اتباع ایران در عراق عرب می‌گیرند شرحی نوشته بودید، مستحضر شدم سابقاً در این باب به سفارت کبرای ایران مطلب را تشریحاً نوشته و همان ورقهٔ چاپی را که به وزارت خارجه ارسال داشته بودید، فرستاده بودم و چون نتیجه اقدامات سفارت کبرا معلوم شده مجدداً برای تأکید انجام این مسئله آنچه مقتضی است، خواهم نوشت که زودتر در منع مطالبه و اخذ این وجه اقدامات قویه نموده از نتیجه اطلاع بدهند، همین که جواب سفارت کبری رسید به آن‌جناب هم اطلاع خواهم داد. (نصراله مشیرالدوله)

(۱۲۹۹)

رلهٔ کمانهٔ وزارت خارجهٔ شاه در اسلامبول

۴ جمادی الثانی ۱۳۲۰

در سنهٔ هم جسته از چاپارنشینهای تمام الفعلی در عراق عرب مسلکزه نشر فرموده بسختصر آنکه
در ایام سفارت کبرای الفعلی مطلبرا نشر نگاشته همان وجه چاپاره وزارت خارجه ادا
و تسلیم کرده و چون نسخه جات سفارت کبرا سلمه الله نسخه مجدداً برای نسخه ایام
خواهم رشت و رشت و در سنهٔ سابقه نسخه جات وجه نسخه از نسخه الفعلی
سفارت کبرا سنه بنجاب اقدس همایونی خواهم داد (نصرالله مشیر الدوله)

شمارهٔ سند: ۹۹۷
موضوع: مسئلهٔ الیاس یهودی
نمره: ۲۳۷
تاریخ: پنجم شعبان ۱۳۲۰ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۱۸

معروضهٔ کارگزاری ولایت مکری به وزارت جلیلهٔ خارجه

در کیفیت الیاس یهودی با چند نفر تبعهٔ متمردهٔ عثمانی برحسب اظهار سفارت عثمانی مرقم از هیجدهم رجب نمرهٔ ۱۶۶۷ امر استعلام رفته بود چون برای بعضی وقایع عادیهٔ غیرمهمه نمی خواهد کارگزاران حضور مبارک را مشغول بدارد، این فقره را در ضمن راپورت استمراری مورخهٔ هفتم جمادی‌الاخری ۱۳۲۰ نمرهٔ ۳۵۹ به کارگزاری کل عرض نموده بود. این است آن روزها که اتباع متمردهٔ عثمانی در اینجا به واسطه عداوت تفریق تبعه به تحریک بنای شرارت و هرزگی و پیچیدگی داشتند و شخص جناب حکمران در اینجا نبود همین الیاس یهودی را گرفته پول خواسته بودند نداده به بهانهٔ اینکه به مذهب اکراد بد گفته کتک سخت زده الیاس را به حالت فلاکت به کارگزاری آوردند، غلام از وکیل شه‌بندر آنها را مطالبه می‌نمود چند نفر از آنها من‌باب تعصب که شهادت را بر یکدیگر لازم مذهبی می‌دانند، شاهد شده نزد نایب‌الحکومه رفته بودند و غلام حقیقت امر را می‌دانست، ایراد نموده تحقیقات طلب کرد که طرفین را استنطاق نمایند، وکیل شهبندر موافقت ننمود حتی جناب میرزا منعم قاضی تجاوز و تعدی متمردها را فهمیده بود، یهود کتک خورده را حمایت می‌نمود. رقعه به غلام نوشته بود جهت مزید استحضار کارگزاران حضور مبارک باسواد دو فقره رقعه رسمی که غلام در آن باب به وکالت شه‌بندری نوشته بود لفاً تقدیم نمود، همچنین شهادتنامه به مهر چند نفر از کسبه و اهل ساوجبلاغ بود عرض نمود که از روی آنها ایراد جواب به سفارت مقرر شود، زیاده جسارت امر امر مبارک است.

مهر عبده‌الراجی محمد

وزارت خارجه

معروضه کارگذاری دولت شوروی
مورخ پنجم شعبان المعظم ۱۳۴۲
نمره ۳۷۰۳

در کیفیت بازپرسی یهودی با چند نفر تبعه عثمانی بر حسب اظهار سفارت
عثمانی

عثمانی مرقوم از هجدهم رجب نمره ۱۰۶۷ اخیر استعلام رفته بود
برای بعضی وقایع حالیه خواهد نمود که کارگذار مزبور را
مشغول دارد نتیجه را در ضمن راپورت تیرماری
حالیه الاخری نمره ۳۵۹ کارگذاری کل عرض نموده
آن روزها در اتباع متمرده عثمانی در اینجا توقیف
توقیف تجار یک بنای سرای دیرزکی گرفته
شخص جناب حکمران در اینجا شود باین بهانه که
بهانه خواسته بودند داده به بهانه اینکه
گناه سخت زده های را بیات فلاک نکار
آورده غلام از دکتر شهزاد ارتباط نمود
از ازمان باب تعصب دولت را بر تکذیر
داخل میدانند شاهد صدق نزد باب
غلام حقیقه ابراز میدانند ابراز نمود
طلب کرده طرفین را استنطاق نماید
موافقت نمود حسب جناب میرزا اصغم

شمارهٔ سند: ۹۹۸
موضوع: عریضهٔ شخصی یک فراری عثمانی
تاریخ: ۱۳۲۰ هـ . ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۱۲

به حضور مبارک وزارت جلیلهٔ امور خارجه

همواره سلامت وجود میمنت مسعود اعلی‌حضرت اقدس شهریاری را از درگاه احدیت خواهانم و امیدوارم که رعایای این دولت علیه در ظل مراحم ملوکانه آسوده و مرفه‌الحال باشند.

عریضه به خاکپای مبارک عرض و لفاً تقدیم شد، چاکر از تبعهٔ دولت عثمانی هستم و سابقاً در قره‌سر مدیر پست و تلگراف بودم، بعضی از رجال و وکلای دولت عثمانی به عداوت فدوی را از الطاف ملوکانه متبوعه مفخم خود محروم نمودند. لهذا این روز مولود مسعود شاهنشاهی را مغتنم دانسته و به دولت علیهٔ ایران ملتجی می‌شود. مستدعی است عریضهٔ چاکر را زودتر به خاکپای مبارک رسانیده و جواب شافی حاصل نمایند و تا زمان ورود موکب همایونی هم کمکی به امر معاش و گذران فدوی بفرمایند.

زیاده جسارت است

کنفرانس پاریس وزارت جلیله امور خارجه

وزارت امور خارجه
اداره دایره
مورخه
نمره

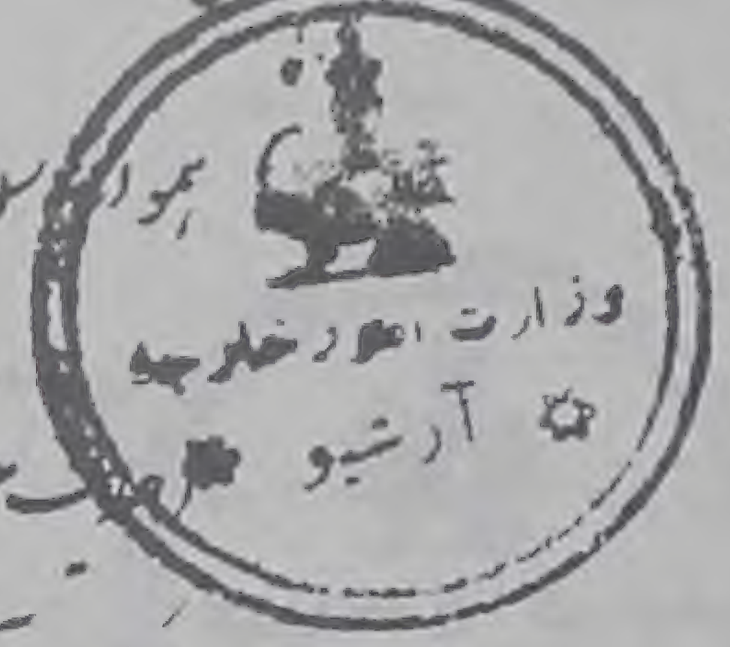

همواره سلامت و جهو بمنت سعو اعلیحضرت اقدس شهریاری ارواحنا فداه
خواهانم و امیدوارم که رعایای این دولت علیه از لطف مراحم
ملوکانه ایشان همه وقت برخوردار باشند عریضه کابینه پاریس عرض و
تقدیم شد چهار اتیکه دولت عثمانی هستم و سابقاً در قره سر
مدیریت و تکلیف نبوم منصرف از حال دو کلمه ی دولت عثمانی
بعد از دست قه دیرا از الطاف ملوکانه نسبت بمنبوعه منعم خود محروم نمیشوم
لهذا امروز بواسطه سفارت شاهنشاهی اعتنام دانسته و بدولت علیه ایران
تحریر میشود مستدعی است عریضه چاکر را بهوریکابینه پاریس
رسانیده جواب شافی حاصل نموده و تا زمان وصول جواب
هایونیهم گیلی با مرسلش و کلدانی خدمتی نخواهند

بنده عبد

شمارهٔ سند: ۹۹۹
موضوع: فرار و پناهندگی یکی از اتباع عثمانی به ایران
تاریخ: ۱۳۲۰. ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۱۲

فهرست عرض وزارت خارجه

سلیمان نام رعیت عثمانی که در دولت عثمانی متهم و محکوم به جزا گردید فراراً به ایران آمده و به شرح عریضه که از شرف عرض خاکپای مهراعتلای همایونی ارواحنافداه می‌گذرد، به مراحم ملوکانه ملتجی شده خلاصه استدعایش این است که یا مقرر گردد سفارت اسلامبول در عفو تقصیر و تهمتی که به او نسبت داده‌اند در باب‌عالی و حضور سلطانی اقدامی کرده آسوده‌اش نماید و یا معاشی مرحمت شود که بتواند در سایهٔ عدالت‌پایهٔ بندگان اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه زیست نماید، به هر نحو ارادهٔ مقدسه همایونی شرف‌صدور یابد جواب داده خواهد شد، امر امر همایون خسروانه روحنافداه است.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
جناب اشرف اتابک اعظم بنویسید ارفع‌الدوله در اسلامبول مذاکره کرده، اصلاح نماید. شهر شعبان ۱۳۲۰ امضا: مظفرالدین شاه

وزارت امور خارجه
اداره
امور
اسناد

فهرست عرض در ادارهٔ

شمارهٔ سند: ۱۰۰۰
موضوع: گزارش ارفع الدوله. اراضی خارج شهر نجف
نمره: ۳۱۳
تاریخ: ذی‌قعده ۱۳۲۰ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۱۸

گزارش ارفع الدوله از اسلامبول به وزارت خارجه

در لایحهٔ علی حده مورخهٔ ۵ جمادی الثانی مرقوم فرموده بودند که چندی قبل بعضی از اتباع ایرانی به تجویز و اشارهٔ قائم‌مقام نجف اشرف در اراضی خارج شهر بنای آبادی گذاشته مبلغی متضرر شدند پس از اندک روزی خود قائم‌مقام مزبور به‌مقام ممانعت برآمده بنای ایرانیان ناتمام و مصارف آنها بلا ثمر ماند. در این باب پس از صدور رقیمهٔ وزارت جلیلهٔ خارجه تفصیل را به کار پردازی بغداد نوشته تحقیقات و ایضاحات کافیه تحواسته بودم که از روی اطلاعات کامله اقدامات لازمه نمایم.

کار پردازی مزبور جواباً اشعار داشته بود که چند نفر از اتباع ایرانی زمینی از زن عربی خریداری کرده‌اند، بعد ازمدتی شخصی ادعای وقفیت آن زمین را نموده در محکمهٔ کربلای معلی حکم بر وقفیت آنجا صادر و به موجب حکم مزبور آن چند نفر را از مداخله به آن زمین منع نمودند، کار پردازی کربلا هر قدر به آنها اظهار کرده که هر کدام عرضحالی نوشته و وکیلی معین نموده در محکمه عثمانیه اعلام وقفیت آنجا را فسخ و یا مطالبه وجه ضرر خودشان را نمایند، از آن اشخاص نه عرضحال داده‌اند ونه خود ویا وکیل آنها در محکمه حاضرشده ومی‌شوند که به مدعی جواب بدهند تا عرضحال نداده و در محکمه حاضر نشوند به تحصیل حقوق خودشان نخواهند رسید. اظهارات کاپردازی بغداد این بود که عرض شد ولی به جهت مزید استحضار خاطر مبارک عالی عرض می‌نمایم که در مسائل اراضی واملاک به موجب عهود، کار پردازی‌ها حق مداخله نداشته و معاملهٔ آنها مستقلاً با حکومت محلیه است. به موجب قانون استملاک با وجودی که سفارت کبریٰ را هم در این باب به یک درجه حق اعتراض نیست باز بنده مجدداً به کار پردازی بغداد نوشته توضیحات خواستم که اشخاصی که در اراضی نجف بنای آبادی

گذاشته و متضرر شده‌اند اولاً اسامی آنها چیست، ثانیاً هر یک منفرداً عرضحال نوشته بفرستند، ثالثاً در بنای آبادی آنجا چه سندی و قباله و یا رخصت‌نامه از کدام مأمور و کدام محاکم حکومت محلیه در دست دارند، تماماً به سفارت کبری ارسال دارند که اطلاعات کافیه حاصل شده به عنوانی در این خصوص با باب‌عالی مذاکره نموده و اقدامات لازمه در تحصیل و انجام مقاصد ایرانی ها به عمل آرم البته از طرف وزارت جلیلهٔ خارجه هم به اشخاصی که در این باب عرض و شکایت نموده‌اند، همین طور جواب مرقوم فرمایند تا اسناد و اسامی خودشان را به سفارت کبری بفرستند آنچه لازم اقدامات است به عمل آید. مهر پرنس ارفع الدوله

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه]

بسیار خوب امضا: مظفرالدین شاه

شهرداری تهران ۱۳۲۰
۳۱۳

در لایحه علیه مورخه ۵ جهری الثانی مرقوم فرموده بودند درجه‌ی قهی نفتی از اتباع ایرانی
تجویز و اشاره قائمقام منجف اشرف در اراضی خارج شهر بنا آبادی گذاشته شده
پس از اندک زمانی خود قائمقام مزبور بمقام مأموریت برآمده بنای ایرانیان ها را
و مصارف آنها بلدیه شهر ما در انجاب پس از مدتها در رقیمه وزارت جلیله خارجه
تفصیل را لک برداری فهرداد نوشته تحقیقات و اینکه حالت کافیه خواسته بودم
در این باره اطلاعات کامله اقدامات نداشته ایم لکاربرداری مزبور موجب انتشار
داشته بود در چه تفر از اتباع ایرانی زمینی از زمین عربها خریداری کرده اند بعد از
شخصی ادعای وقفیت آن زمین را نموده در محکمه کربلا حکم بر وقفیت آن
حکم مزبور آن چه تفر را از مدافعه آن زمین منع نموده لکاربرداری کربلا هر قدر آنها
اطلاع رکهه و در هر کدام عرض ها نوشته و دیگر سخن نکهه در محکمه عثمانیه اعلام وقفیت آن
فتح و با مطالبه وجه ضرر خود شان از آن ادعای نه عرض ال حاله از دو محکمه
در محکمه حاضر شده و دیگر در بهر عی جواب نداده تا عرض ال مزبور را
تصحیح حقوق خودشان نخواهند رسید اطلاع رداری لکاربرداری فهرداد عرض شده
ولی بجهه مزید اکتفا رمقام مبارک شما عرض مینمایم در رسیدگی اراضی و اعلام
لکاربرداری ها حق مداخله نداشته و مسئله آنها مستقله با حکومت جلیله است

شمارهٔ سند: ۱۰۰۱
موضوع: اقدامات کار پردازی بصره در رفاه و آسایش حال مقیمین بصره
تاریخ: ۱۸ ذی‌حجه ۱۳۲۰ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵

عریضهٔ جمعی از اتباع دولت ایران مقیمین ناصریه منتفک به سفارت کبرای ایران در اسلامبول

عرض داشت اقل دوغاگویان [دعاگویان]، اتباع دولت جاویدآیت علیهٔ ایران مقیمین ناصریه منتفک از طرف پنجاه و چهار نفر به تاریخ هیجدهم شهر ذی‌حجة‌الحرام سنهٔ ۱۳۲۰ به حضور معدلت ظهور مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم اعظم اشرف پرنس آقای ارفع الدوله، سردار کل سفیرکبیر مدظله العالی.

خواطر [خاطر] مبارک آن ولی النعم مسبوق است که چندین سال بود چاکران در قید قرعه و عسکریه مبتلا و سرگردان بودیم الحمدالله رب‌العالمین در این سال نیکوفال که جناب جلالت‌مآب آقای حاجی میرزا تقی‌خان دام اقباله به کار پردازی بصره مامور شدند از روز ورود ایشان ناخوشی اتباع دولت علیهٔ ایران رو به صحت گذاشت باب آسودگی و رفاهیت برای عموم رعیت باز شد، خصوصاً در این ایام که جناب معزی‌الیه به جهت سرکشی به حال رعایای دولت علیه به ملحقات تشریف آوردند درهای ظلم و تعدی مأمورین عثمانیه را بست و تمام ماها را از قید عسکریه و قرعه خلاص نمود تذکرهٔ دولت خودمان را به همه توزیع نمود، آفرین باشد بر غیرت و حمیّت این گونه مأمورین، علاوه مقرب‌الخاقان سیدحسین خان مأمور حالیه ناصریه دقیقه در آسایش تبعه غفلت نورزیده کمال تشکر و ممنونیّت داریم، جناب کار پرداز بصره مدتی در ناصری متحمل هر نوع زحمات شدند همه اتباع را آسوده نموده،الحق این دو مأمور محترم مستحق هرگونه مرحمت و امتیاز می‌باشند، خداوند تبارک و تعالی سایهٔ مبارک حضرت سفارت‌پناهی را از سر چاکران کوتاه نفرماید، به محمد واله‌الامجاد.

ــ اقل خدام دولت جاویدآیت الحاج عبدالرضا ولد عبدالوهاب شیرازی
ــ رعیت دولت علیهٔ ایران، اسدالله ولد حیدرعلی قزوینی
ــ از مرحمت اولیای دولت و اقدام کار پردازی بحمدالله از قرعه عسگریه

خلاص شدیم ــ بندهٔ درگاه دولت، خلیل ولد اسماعیل حویزه‌ای
ــ اول الحاج میری الحمدالله بکلی از قرعه و عسکری خلاص شدیم
ــ الداعی لداوم دولت العلیه، الحاج عباس الشیخ عیسی حویزاوی
ــ رعیت دولت ایران، خواجه حسین ولد تقی
ــ الحمدلله از مرحمت اولیای دولت از قید قرعهٔ عسکری خلاص شده، بندهٔ درگاه الحاج نادعلی ولد سلیم‌خان
ــ رعیت دولت علیهٔ ایران، محمدمهدی ولد حاجی محمد صالح کاشانی
ــ خادم دولت جاویدآیت، حسن ولد نصیر شوشتری
ــ بندهٔ جان‌نثار، علی ولد نصیر شوشتری
ــ خادم دولت علیه، باقر بن احمد سراج دشتستانی
ــ کمترین بندگان دولت قوی‌شوکت، شعبان ولد رستم همدانی
ــ رعیت دولت علیهٔ ایران، نصرالله ولد حیدرعلی
ــ ابراهیم بذقا سید سقا
ــ جعفر ولد اسماعیل
ــ اسماعیل ولد جعفر حکه‌چی

جناب جلالت‌مآب اجل آقای حاجی میرزاتقی‌خان کار پرداز اول دولت علیهٔ ایران در این مسافرت اگرچه زحمت بسیار کشیدند ولی ضمناً سربلندی تمام ایرانیان به عمل آمد، چند روز در ناصریه منتفک توقف فرموده تذکره دولتی به پنجاه چهار نفر اشخاصی که در قید قرعه بودند توزیع فرموده. دیگر قصوری نمانده و این چاکر درگاه دولت علیه شب و روز در زحمت اینها بوده آسوده شدم، خداوند سایهٔ مبارک حضرت سفارت‌پناهی را از سر خاکسار کم نفرماید.

اول السادات حسین الحسینی شهبندر ناصریه

عرض داشت اقدس دعاگویان ابناء دولت جاوید آیت علیه ایران مقیمین ناصریه منسلک از طرف پنجاه و چهار نفر در پنجم شهر ذی حجه الحرام سنه ۱۳۲۰

بحضور مرحمت ظهور مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم اعظم اشرف برلیس اقای ارفع الدوله سرادجل سفیر کبیر مدظله العالی

خاطر مبارکان ولی النعم مسبوق است که چندین سال بود چاکرانی در قبه قرعه و عسکریه بتلاء و سرگردان بودیم الحمدلله رب العالمین امسال بفال گجاب جلدلتاب اقای حاجی میرزا تقی خان دام اقباله بکار پردازی بصره مامور شدند از ورود ایشان خوشوقت اتباع دولت علیه ایران رو بصحت گذاشت باب اسعد و در خایب برای عموم رعیت باز شد خصوصا در این ایام که جناب معزی الیه بجهة سرکشی بحال رعایای دولت علیه به ملحقات تشریف آورند دریای ظلم و تعدی مامورین مختفی و رعیت دولت و تمام ۱۱۵ نفر قبه عسکریه و قرعه خدمتگذار دولت خود دانسته به همه توزیع نمود افزون شد بر عزت و حمیت انکه نامورین علاوه مقرب الخاقان سید حسین خان مامور حالیه ناصریه دقیقه در آسایش تبعه غفلت نورزیده کمال تشکر و محرمیت دارند جناب کاربرداز بصره مدتی در ناصری متحمل هر نوع زحمات شده همه را منظم نموده الحق این چنین مامور محترم مستحق هر گونه مرحمت و اقبال زیاشند خداوند تبارک و تعالی سایه مبارک حضرت سفارتپناهی را از سر چاکران کوتاه نفرماید به محمد و آله الامجاد

الداعی لدوام دولت الله
الحاج عباس الشیخ عیسی
هویزاوی

اقل خدام دولت جاوید آیت
الحاج عبد الرضا ولد عبد الوهاب
شیبانی

رعیت دولت علیه ایران از رعیت اولیای دولت
اسد الله ولد حیدر علی واقدام کار پردازی
قره بینی

رعیت دولت ایران الحمدلله از رعیت اولیای
خواهم حسن ولد نفی دولت از قبه قرعه عسکری
خلاص شده بندرگاه
الحاج نادعلی ولد سلیم خان

اقل الحاج میرزا احمد حسینی
بنقل از قبه قرعه خدمتگذار شدیم

بنده حاج محمد
علی ولد ناصر شوشتری

بنده حاج محمد
حسن ولد نصر شوشتری

بندگان دولت
قره شوکت شعبانه
ولد میثم همدانی

رعیت دولت علیه ایران
نصر الله ولد حسن علی

رعیت دولت علیه
ایران محمد مهدی
ولد حاجی محمد صالح
کاشانی

ابراهیم به قاسم سقا

جعفر ولد اسماعیل

خادم دولت
جاوید آیت
حسن ولد نصر شوشتری

خادم دولت علیه
حاج ملا احمد سراج
دشتستانی

خاتم حاج علی ولد حسین شوشتری

خاتم حاج محمد حسین ولد حاج علی عسکر

خاتم حاج محمد حسین ولد حاج علی عسکر

خاتم حاج محمد حسین ولد حاج علی عسکر

شمارهٔ سند: ۱۰۰۲
موضوع: محاکم جنحه و جنایت ایرانیان در عثمانی
تاریخ: ۲۳ ذی‌حجه ۱۳۲۰. ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۱۸

ترجمهٔ روزنامهٔ عثمانی موسوم به «صباح» منطبعه در اسلامبول

صورت تلگرافی است که از وزارت جلیلهٔ عدلیه در تاریخ ذی‌حجه ۱۳۲۰ و ۶ ماه مارت به کافه مدعی عمومی های محاکم استینافیه شده است.

در باب تابع بودن اتباع ایران مقیمین خاک عثمانی به قوانین و نظامات و بلاواسطه ضابطه و محاکم دولت عثمانی در کافه خصوصیات متعلقه به جنایت و جنحه و قباحت و بعضی ایضاحات که در هفتم کانون اول ۱۳۱۸ در تحریرات عمومیه مسطور شده بود تغییر کافه خصوصات را در بعضی جاها سهواً مفهوم کرده و از معاملات واقعه چنان مستبان می شد که تغییر کافه خصوصات را شامل به معاملات که میان دو نفر ایرانی هم متحدث بود ظن کرده‌اند و حال آنکه تغییر مذکور موافق مقاوله‌نامهٔ موجوده مصروف به دعاوی است که مابین یک نفر ایرانی با یک نفر عثمانی و یا میان ایرانی ها و سایر اجانب واقع می شود و به موجب بند اول مقاوله‌نامهٔ مندرجه در جلد سیم و صحیفه یک صد و هشتاد و نه دستور دعاوی متحدثه مابین دونفر ایرانی و هر نوع تدقیقات و معاملات و اجرای آن دعاوی به قونسولهای ایران عاید بوده و همان طور معامله می شود و به موجب بند اول مقاوله‌نامهٔ مذکور یک صورت مصدق اعلاماتی که بر علیه ایرانی هایی که جرم آنها ثابت می شود به مأمورین ایران داده می شود.

صباح
نمرہ ٤٣
١٣٢٠
نمرہ ١٥٤

تبلیغات

عدلیه نظارت جلیله‌سندن ٢٠ ذی‌الحجه‌سنه ١٣٢٠ و ٦ مارت سنه ١٣١٩ تاریخیله بالعموم محاکم استینافیه مدعی‌ٔ عمومیلکلرینه کشیده قلنان تلغرافنامه صورتیدر:

ممالك دولتعلیه‌ده بولنان تبعهٔ ایرانیه‌نك جنایت وجنحه وقباحته متعلق کافهٔ خصوصاتده طوغریدن طوغری‌یه قوانین ونظامات دولت علیه‌یه وبلا واسطه‌ضابطه ومحاکم سلطنت سنیه‌یه تابع اولدقلرینه واولبابده بعض ایضاحاته دائر ٧ کانون اول سنه ٣١٨ تاریخنده تسطیر اولنان تحریرات عمومیه‌ده محرر [کافهٔ خصوصات] تعبیرینك بعض طرفلرجه یاکلش اکلاشیله‌رق ایکی ایرانی بیننده‌کی دعاوی‌یه‌ده شامل ظن ایدلدیکی معاملات واقعه‌دن مستبان اولوب حالبوکه بر عثمانلی ایله بر ایرانی بیننده ویا ایرانیلرله سائر اجانب آراسنده متحدث دعاوی مقاولهٔ موجوده مرجعنجه محاکم عثمانیه‌یه عائد اولدیغی جهتله تعبیر مذکورك اثبو معاملاته مصروف واوچنجی جلد دستورك یوز سکسان طقوزنجی صحیفه‌سنده مندرج بولنان مقاوله نامه‌نك برنجی ماده‌سی اقتضاسنجه ایکی ایرانی بیننده‌کی هرنوع دعاوینك تدقیقی شهبندرخانه‌لره عائد اولمغله اولصورتله معامله اجرا ومذکور مقاوله‌نامه‌نك برنجی ماده‌سنده محرر اولدیغی وجهله جرملری ثابت اولان ایرانیلر عایهنه ویریلان اعلامات صورت مصدقه‌سیله مأمورین ایرانیه‌یه اعطاسی.

(جریدهٔ محاکم عدلیه)

شمارهٔ سند: ۱۰۰۳
موضوع: عدم حضور ترجمان محاکم جنحه و جنایت ایرانیان در عثمانی
نمره: ۳۷۸
تاریخ: ۲۵ ذی‌حجه ۱۳۲۰ هـ.ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۱۸

نامهٔ ارفع‌الدوله از اسلامبول به وزارت خارجه

قربانت شوم، در خصوص مسئلهٔ حضور ترجمانها که چند روز قبل انتشارات روزنامه صباح را رمزاً تلغراف فرموده بودند همان وقت مختصراً با تلغراف [تلگراف] به عرض جواب مصدع شده بودم که با کمال شدت مشغول اقدامات هستم و چنانچه خاطر مبارک مستحضر است پس از آنکه عدم حضور ترجمانهای کار پردازخانه‌ها را به مجالس محاکمات و استنطاق عثمانی در روزنامهٔ صباح نوشته و انتشار دادند. در داخله و خارجه این مسئله را که از بیست سال به این طرف در میان سفارت کبریٰ و باب‌عالی مطرح مذاکره و مشاجره بوده و تازگی ندارد، بعضی از ارباب غرض جور دیگر تأویل کرده و به همه جا نوشته بودند که من‌بعد کلّیهٔ ایرانی حتی در دعاوی بین خودشان باید رجوع به محاکم عثمانی بکنند و دیگر کار پردازها حق مداخله به کارها و دعاوی ایرانی‌ها نخواهند داشت. لهذا لازم دیدم که قبل از اینکه مسئله حضور ترجمانها در دوایر استنطاق حل بشود (با کمال اصرار ومجدانه از سه ماه به این طرف در صدد حصول این مقصود هستم) به توسط وزارت خارجه و عدلیهٔ عثمانی در همه روزنامه‌ها تکذیب این شهرتها و انتشارات مغرضانه را بنمایم، بحمدالله به آرزوی خود نایل و اینک فصل روزنامهٔ صباح را لفاً برای مزید استحضار و اطلاع خاطر مبارک ایفاد داشتم، به نظر مسعود انور عالی خواهد رسید. زیاده عرض ندارم، ایام شوکت اجلال مستدام باد.

۲۵ شهر ذیحجه الحرام ۱۳۲۰

نمره ۳۷۸

قربانت شوم

موضوع: یک فقره کاغذ ارفع الدوله
تاریخ: ۱۳ محرم ۱۳۲۱ هـ.ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۱۸

[نوشتهٔ پشت پاکت]

یک فقره کاغذ ارفع الدوله است.

که از شرف عرض خاکپای مهراعتلای اقدس همایونی روحنافداه می‌گذرد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

هو، جناب اشرف اتابک اعظم کاغذ ارفع الدوله به عرض رسیده، تمجید نمایید.

امضای مظفرالدین شاه

۱۳۲۱

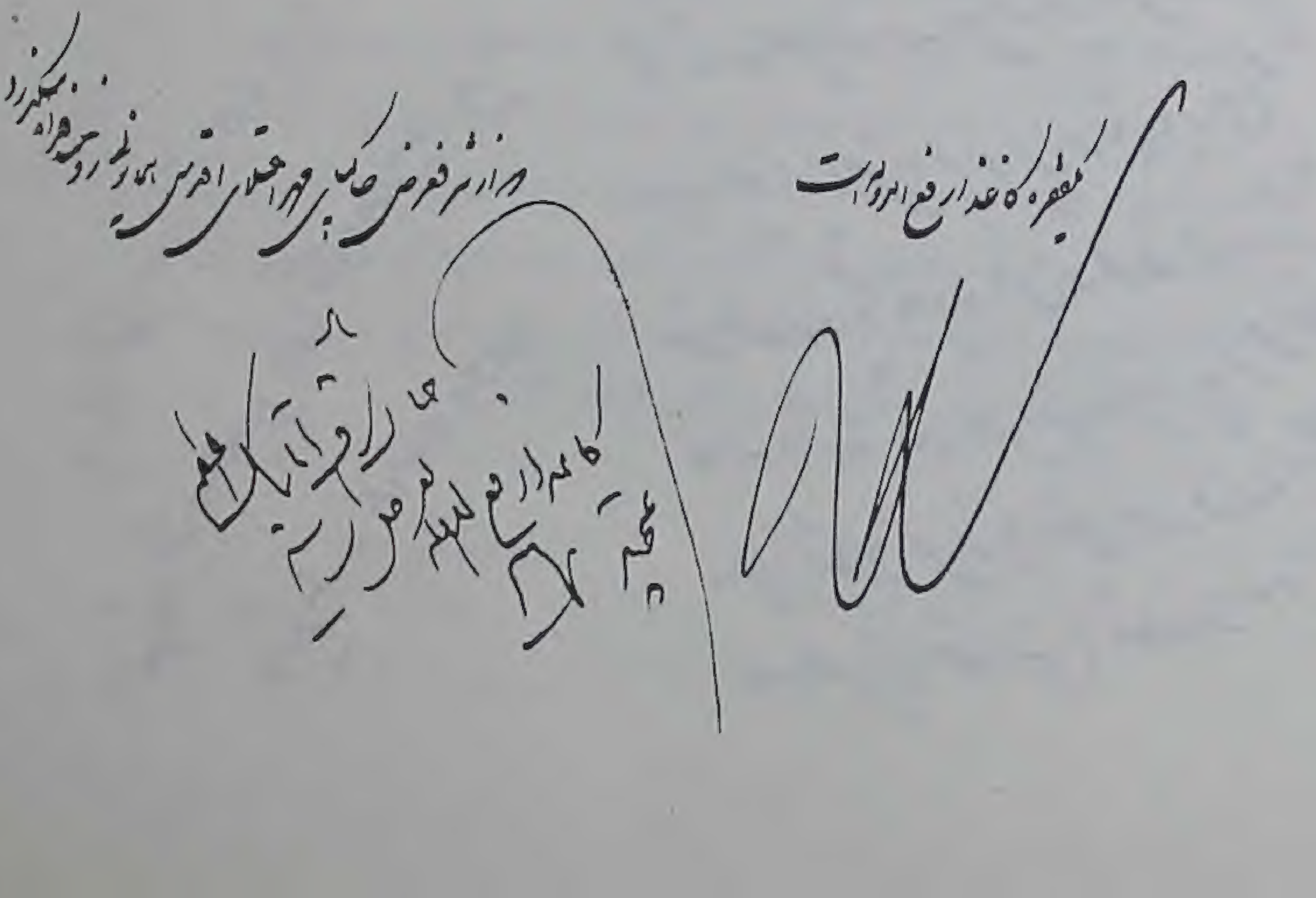

شمارهٔ سند: ۱۰۰٤
موضوع: تصرف املاک آقاحسن وکیل السفاره توسط شه‌بندر عثمانی
نمره: ۱٦
تاریخ: ۱٤ محرم ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: ۲

نامهٔ فرمانفرما از ایالت کرمانشاهان به وزارت جلیلهٔ خارجه

طلبکارهای حاجی عبدالرحیم و سایر اهالی کرمانشاهان اظهار می‌نمایند که چون حاجی آقاحسن وکیل السفاره اظهار تبعیت عثمانی می‌نمود، املاکی را که قباله کرده تماماً به اسم حاجی آقاخان امین الوزاره، پسر کوچک خودش، که تبعهٔ مسلمهٔ دولت علیهٔ ایران و بعد از فوت حاجی آقاحسن پدرش وفات یافت قباله نموده و املاک مخصوص او بوده و الّا تبعهٔ عثمانی از خریداری املاک در ایران مجاز نیست. ظن غالب این است که راست می‌گویند، ملاحظه بفرمایید در حالتی که همان وقت به همین واسطه املاک به اسم تبعهٔ ایران قباله شدهٔ حالا را، شهبندر می‌خواهد تصرف در این املاک و یک شهر را به صدا بیاورد و حکومت را به محظورات بیندازد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
هو، جناب اشرف اتابک اعظم، این فقره را فرمانفرما درست عرض کرده است به هرطوری که مقتضی است قرار آن را بدهید. امضا: مظفرالدین شاه

۱۴ شهریور ۱۳۲۱

نمره ۱۸

از ایالت کرمانشاهان

به وزارت جلیله خارجه

طبق رای جناب حاجی عبدالرحیم و سایر اهالی کرمانشاهان اظهار می‌نمایند که چون حاجی آقا حسن دکمی اخیراً اظهار تبعیت عثمانی
املاک را که قبالهٔ کرده تماماً باسم حاجی آقا خان این اوراق پر کرچک خوش که تبعهٔ دولت علیه ایران و بعد از فوت حاجی
آقا حسن پرتش وفات یافت قبالهٔ نموده و املاک مقبوض او بوده و در تبعهٔ عثمانی از خرمزری املاک در ایران ممنوعیت بطن
غالب این است که راست میگوید مدتخط بفرمایند در حالتی که ما از وقت بهین واسطه املاک باسم تبعهٔ ایران قبالهٔ شده
حالا در اشبندر میخواهد از تبعیت در این املاک دیگر را بصدا بیاورد و دولت را بمخاطرات مبتلا نماید

شمارهٔ سند: ۱۰۰۵
موضوع: پناهندگی یک زن روسی به کار پردازخانه
نمره: ۵۳۳
تاریخ: ۲٤ رمضان ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤

نامهٔ ارفع الدوله سفیرکبیر ایران درعثمانی به وزارت امور خارجه

بعد از وصول تلگراف مبارک جناب مستطاب اجل افخم عالی، در باب شکایت سفارت روس، از مکرم السلطان، کار پرداز ارزروم به جهت نگاهداری «مادام شرکوف» زن ویس قونسول روس، در حالتی که تلگراف نوشته می خواستم تفصیل را از مکرم السلطان تحقیق نمایم، از خود مشارالیه تلگرافی رسید که مادام شرکوف به واسطهٔ کدورتی که با شوهر خود حاصل کرده و مصراً به کار پردازخانه دخالت و التجا نموده، مراتب را به سفارت روس اطلاع بدهید و تفصیل را از پوسته نوشته ام.

بنده عین همین تلگراف مکرم السلطان را فوراً به توسط مترجم سفارت نزد مسیو زینویف سفیرکبیر روس، فرستاده گفتم که این تلگراف را ملاحظه نموده، تکلیف را معین نماید. سفیر مومی الیه به محض ورود مترجم و قبل از آنکه مترجم فرصت به اظهار مطلب نماید، گفته بود: «می دانم برای کار ارزروم آمده اید، ولی در آن باب حاجت به گفتگویی نمانده» و اسدالله خان کار پرداز، احضار طهران شده است. بعد خیلی تشدّد نموده، گفته بود که کار پرداز شما چه حق دارد زن مردم را برده نگاه دارد، مترجم هم به جوابهای لازمه اسکات نموده تلگراف را نشان داده، مسیو زینویف گفته بود که در هر صورت باید زن را تسلیم قونسولگری روس بکنند. بنده بعد از این مذاکرات به مکرم السلطان تلگراف نمودم که مادام شرکوف را تسلیم قونسولگری مومی الیها بکنید. سه چهار روز بعد، راپورتهای مکرم السلطان رسیده، معلوم شد که از طرف کار پردازی رفتار خلاف قاعده نشده و به موجب کاغذی که خود مادام شرکوف به بنده نوشته بود، خود مشارالیها با میل خود به کار پردازی التجا نموده و از رفتن به قونسول خانه روس و نزد زوج خود تحاشی دارد، تا اینکه دو سه روز بعد معلوم شد که برحسب امر وزارت جلیلهٔ

خارجه مادام شرکوف تسلیماً، به قونسول‌خانهٔ روس اعزام روسیه گردیده و پس از دو سه روز فاصله، تلگرافی از ارزروم از میرزاکریم خان، مأمور قارص، رسید که حسب‌الامر وزارت جلیلهٔ خارجه برای تحقیق مسئلهٔ مادام شرکوف به ارزروم آمده و تحقیقات نموده، اظهارات مکرم‌السلطان صحیح بوده، تفصیل را به وزارت جلیله اطلاع داده منتظر دستورالعمل هستم. بنده هم جواباً تلگراف کردم که هرچه از وزارت جلیله خارجه مقرر فرمایند، از آن قرار رفتار نمایید.

امروز تلگراف مجددی از مکرم‌السلطان رسید که حسب‌الاحضار وزارت جلیله خارجه، ماذوناً، عازم تهران و میرزا کریم خان را به سمت وکالت کار پردازی به حکومت معرفی نمودم، ولی قونسول روس تذکره مرا امضا نمی‌کند که از راه قارص عازم تهران باشم، اوامر لازمه در امضای تذکره من صادر و بفرستید، چون گذشته از اینکه سفارت روس در امضای تذکره مکرم‌السلطان مساعدت نمی‌کرد، محققاً هنگام عزیمت مکرم‌السلطان از روسیه، حکومت روسیه به واسطهٔ همین مسئله او را دچار زحمات و اشکالات غیرمتصوره می‌نمود، لهذا تلگراف کردم که البته از راه تبریز عازم مقصد باشید، البته خود مکرم‌السلطان تفصیل حالات را مشروحاً به عرض رسانده و از مراتب آن کاملاً استحضار دارند.

محض مزید استحضار خاطر مبارک عین تلگراف مکرم‌السلطان و میرزاکریم خان را لفاً ارسال داشتم، که ملاحظه فرمایند و معلوم استکه مکرم‌السلطان بعد از ورود به تهران، تفصیل مسئله را مشروحاً به حضور مبارک عالی عرض و خاطر انور را بیشتر مستحضر خواهد داشت. در ۲٤ شهر رمضان ۱۳۲۱ نمره ۵۳۳

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

وزیر،

گفتگوی این مسئله گذشته است تا مکرم‌السلطان وارد بشود و تحقیقات لازمه را به عمل خواهد آورد. شوال ۱۳۲۱. امضا: مظفرالدین شاه

۲۴ شهر رمضان ۱۳۲۱

۳۳ ک

بامهی خود بکار برداری التجا نمیده و از رفتن تفرنگانه روس و کف زدم خود کاری دارد تا اینکه
در سه روز بعد معلوم شد در جواب امر وزارت تبعیه خارجه ماکارام شرکوف تسلیما تفرنگان را روس
را عازم روسیه گویند پس از در سه روز فاصله تلغراف از اراضی دم از سیزدگریمان ما مرزا تا سی رسید
در جواب امر وزارت تبعیه خارجه برای تحقیق مسئله ماکارام شرکوف ما اضی دم آمده و تحقیقات نموده
از طرف راست گرم السطان صحیح قصیه را بوزارت تبعیه اطلاع داده منتظر دستور العمل میباشد
جواب تلغراف نکوم در هر چه از وزارت تبعیه خارجه مقرر فرمایند از آنقرار رفتار نمایند
تلغراف جدیدی از گرم السطان رسید در جواب امر خصار وزارت تبعیه خارجه ما دو ما عازم
و سیزدگریمان را بسمت دکالت کارپردازی بکومت سرخ نمهم
تکزه مرد انصار نکنه در راه قارص عازم طهران باشم اوامر لازمه در انصار تکزه
صادر و بفرستید چون گذشته از اینکه سفارت روس در انصار تکزه گرم السطان
ساعدت نکرد محققا هنگام عزیمت گرم السطان از روسیه حکومت روسیه
همین مسئله اورا در ارضار رخصات دادن که مدت غیر متصوره نشود لهذا تلغراف کردم
در آنجه از راه تبریز عازم مقصد باشید آنچه گرم السطان تقصیل صادرات را در روضه
وارد مرات آن کاملا انصار دارند خلص نیز انصار خط مبارک عالی تلغرافات
گرم السطان و سیزدگریمان را بسمت دکالت ارسال داشتم در هر خطه فرمایند معلوم است در گرم السطان
صدار در ربعه بطهران تقصیل مسئله را شروحا کضور مبارک عالی عرض و منتظر انوار رابنیه مقصر خواهد بود

شمارهٔ سند: ۱۰۰۶
موضوع: سوء رفتار شه‌بندر کرمانشاه
تاریخ: ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: ٤

نامهٔ عده‌ای از تجار و کسبهٔ کرمانشاه به وزارت خارجه

قربان حضور مبارکت شویم، هر وقت نسبت به تجار و کسبه هر بلد خوش و راحت باشد لازم است مراتب آسایش و شکرگزاری عموم کسبه را به عرض حضور معدلت دستور حضرت مستطاب اجل امجد اکرم افخم اعظم وزارت جلیلهٔ مدظله‌العالی برسانیم، پس از مرحوم میرزا عبدالخالق‌خان وزیر کارگزار همچو آسایش ندیده بودیم، در این سه ماه که جناب جلالت‌مآب فریدالملک کارگزار را که به کرمانشاهان مأمور فرموده‌اند از حسن سلوک و رفتار و مهربانی ایشان کمال رضایت را داریم که اسباب دعاگویی بقای ذات اقدس مبارک اعلی حضرت قوی‌شوکت شاهنشاهی روح‌العالمین فداه را فراهم آورده و به وجود مبارک حضرت مستطاب اجل افخم اعظم عالی دعاگوییم که همچو شخص کافی را مأمور فرموده‌اند که شب و روز اوقات خود را مصروف به آسودگی قاطبهٔ مردم دارد. ولی از روزی که کریم‌بیک باش‌شه‌بندر وارد شده آنچه مطالبات تبعهٔ عثمانی است بدون مهلت مطالبه و اخذ می‌نماید، هرچه طلب حقه تبعه دولت علیه است و به مهر شه‌بندر هم امضی [امضا] شده به مسامحه می‌گذراند حتی تحریک می‌کند شخص بدهکار در کارگزاری حاضر نشده رو به عربستان می‌رود هرگاه در این باب هم‌قسمی می‌شد که باش شهبندر همراهی و مساعدت می‌کرد اسباب ازدیاد دعاگویی برای وجود مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم افخم اعظم مدظله‌العالی فراهم می‌شد.

[توضیح: حدود ۵۰ مهر تجار و کسبه کرمانشاهان در پشت سند موجود می‌باشد.]

شمارهٔ سند: ۱۰۰۷
موضوع: روابط اقتصادی ایران و عثمانی و مسئلهٔ توتون
تاریخ: محرم ۱۳۲۲ هـ.ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱۰

نامهٔ وزیر خارجهٔ ایران به مظفرالدین شاه

فهرست عرض عبیدانه است

چندی قبل تفصیل تظلمات حاجی خلیل دیلمقانی که مدعی بود از طرف شیخ صدیق معادل هیجده هزار تومان به او خسارت وارد شده است به عرض خاکپای مبارک رسیده بود، از قراری که تازه ازکارگزاری آذربایجان راپرت رسیده است حضرت والا ولیعهد به حکومت ارومی امر داده‌اند که توتونهای شیخ صدیق را که در ارومی موجود است ضبط و توقیف نماید، شاید مشارالیه به این واسطه در صدد رفع تظلمات حاج خلیل برآید چون محتمل است که عثمانی ها در این باب به شکایت درآیند تفصیل را به عرض پیشگاه مقدّس همایونی ارواحنافداه رساند که هر طور امر و مقرر می فرمایند اقدام شود، زیاده جسارت می‌کند. الامر الاقدس الاعلی مطاع.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
وزیر اعظم، به طوری که ولیعهد حکم کرده است صحیح است. شهر محرم ۱۳۲۲. امضا: مظفرالدین شاه

وزارت امور خارجه

اداره دائره

مورخه

نمره

شمارهٔ سند: ۱۰۰۸
موضوع: معاملات توتون تجار ایرانی، شیخ صدیق
تاریخ: ۱۳۲۲ هـ.ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۱۰

از حکومت ارومی به وزارت خارجه

قربانت شوم، حاجی خلیل تاجر دیلمقانی که مدتها بود از نوچه خرید توتون می‌نمود، مدتی است که از بی‌حسابی های شیخ صدیق بالمره از پا افتاده و پریشان شده و مبالغی مقروض داخله وخارجه گردیده و خودش هم مبلغ کلی از شیخ طلبکار است و چندین مرتبه که مظلومیت او در حضور اولیای دولت ابدمدت قاهره مکشوف و معروف گردیده امر و مقرر فرموده‌اند که اموال شیخ در ارومی توقیف شده، معادل طلب حاج خلیل از اموال شیخ برداشته در عوض طلب او داده شود. حالا مدتی است که اموال شخصی و عاملین شیخ در تحت توقیف باقی است هنوز حکم مجددی صادر نشده که اقدامی در استرداد طلب ثابتهٔ مشارالیه بشود چون مدتی است که اموال شیخ در توقیف است و حاج خلیل هم بکلی از پا افتاده زیاده از این توانایی و اقتدار تحمیلات خسارتهای وارده بر خود را ندارد، مخصوصاً استدعا دارم طوری بفرمایید که معادل طلب حاج مزبور از اموال توقیف شدهٔ شیخ دریافت و به او مسترد شود. و هرگاه شیخ مجدداً حرفی داشته باشد یا وکیلش در طهران و یا خودش در اسلامبول حاضر شده با حاجی خلیل عمل خودشان را تمام نمایند. همواره منتظر خدماتم زیاده عرض ندارم.

اثر مهر نظام الدوله

زیست‌نامه حاج ضیاء تاجر دیلمقانی در مهابهٔ از نوچه خریده تون

می‌نویسد که آیت‌الله حاج شیخ صدیق طبرزه از پا افتاده و در بستر بیماری

و سالی مقروض و اضافه و خارجه کرده بنا و مخارجش هم سنگین که از شهر طلبکارانت

و چندین مرتبه مظلومیت او در حضور ولیعهد در دلت امر مرت قابل توقف

و معروض گردیده امر و مقرر فرموده‌اند که احوال شیخ در اردوی توقف شما

معادل طلب حاج ضیاء از احوال شیخ برداشته در عوض طلب او واگذار شود

حالا مدتی است که احلاف شخصی و عائلی شیخ در تحت توقف و بی‌اعتنایی است بدون حکم

مجددی صادر نشده که اقدامی در استرداد طلب نامبرده مشارالیه نشود چون مدتها

که احوال شیخ در توقف است و حاج ضیاء هم بکلی از پا افتاده نه از این

توانائی و اقتدار تحصیلات خارجه‌ای دارد و نه برخی را ندارد مخصوصاً

استدعا دارم طوری بفرمائید که معادل طلب حاج مزبور از احلاف توقیف شده

شیخ دریافت و باو مسترد شود و هرگاه شیخ مجدداً حرفی داشته

شمارهٔ سند: ۱۰۰۹
موضوع: مسئلهٔ توقیف توتونهای تجار
نمره: ۵
تاریخ: ۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۲ هـ.ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۱۰

از ارومنی به طهران

تلگراف از کارگزاری ارومی به وزارت خارجه

خدمت حضرت مستطاب اجل اکرم امجد اعظم آقای مشیرالدوله دام اقباله العالی تلگراف حضرت اجل زیارت شد، ولی حاجی خلیل حرکت کرده و به طهران آمده است که حضوراً عرایض خود را بنماید. چون خیلی مظلوم شده است البته توجهات لازمه را مبذول خواهند فرمود، مقرر فرمایند وکیل شیخ نیز حاضر شود، در وصول حاجی خلیل بدون معطلی رسیدگی فرمایند و اموال نیز تا وصول مشارالیه به طهران کماکان در توقیف باشد.

نظام‌الدوله
نمره ۳۱
۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۲ هـ.ق

از تبریز به طهران

تلگراف از تبریز به وزارت خارجه

جناب مستطاب اجل مشیرالدوله وزیر امور خارجه، اینکه شیخ صدیق حاضر شده که برای گفتگوی حاجی خلیل وکیلی به طهران بفرستد بسیار خوب است و من هم به حکومت ارومی تلگرافاً اطلاع داده که توتون شریف موصلی را از توقیف خارج نموده به صاحبش بسپارد. ولیعهد

نمره ۶۲
غره رجب ۱۳۲۲ هـ.ق

تلگراف از تبریز به طهران

جناب مستطاب اجل اکرم مشیرالدوله وزیر امور خارجه به حکومت ارومی تلگراف شد که توقیف را از توتونها بردارند.

ولیعهد

از اردو به طهران ✕ ادارهٔ تلگرافی دولت علیهٔ ایران ✕

نمره	عدد کلمات	تاریخ ادای مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
۵	۷۵	۷			

حضرت حضرت مستطاب امجد اکرم اعظم آقای شیرالدوله دام اقباله العالی ملتزم رکاب حضرت آصف نظارت ثانی دامت عظمته حرکت کرده و بطهران آمده است در حضور آمال فیض حضور را بنابر چندی خیلی متظلم شده البته ترحمات ملوکانه را سبب دل خوشی فرموده مقرر فرمایند و کیهای شیخ نیز حاضر شوند در وصول حاجی خلیلی بدون معطلی رسیدگی فرمایند و امرال نیز تا وصول شماره ایه بطهران کلکانی در توقیف باشی نظام الدوله

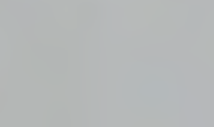

بواسطهٔ تلگرافخانه	گرفته شده	گیرندهٔ مطلب
بتاریخ ۸ شهر [illegible] ساعت	دقیقه	لرس بیل
		سنه ۱۳۲۲

از ترنیز به طهران ۵۰ اداره تلگرافی دولت علیهٔ ایران ۵۰

عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
	روز	ساعت	دقیقه	
۴۵	۱۳			

جناب مستطاب اجلی شیرالدوله وزیر امور خارجه اینکه شیخ صدیق حاضر شده در باب گفتگوی حاجی خلیلی و کیل طهران نفرستد بسیار خوب است
و خواهم به حکومت اردوی مذکور اطلاع دهم در تو توان شریف بوصول و از توقف خارج نمودن تفحص بسیار و لبعید

از تبریز به طهران ۱۰ راه تلگرافی دولت علیهٔ ایران ۱۰

عدد	عدد کلمات	تاریخ ارسال مطلب		اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه
حواله ۶	۲۰			

جناب مستطاب اجل اکرم شیرالدوله وزیر امور خارجه بکوشد اردوی سپهر افشار در توقف سوار تو تو نهایت تعلل و تعویق

واسطهٔ تلگرافخانه

تاریخ ۵ شهر ربیع الثانی ساعت دقیقه گرفته شده ۱۱ ایل سنه ۱۳۲۲ کیرنده مطلب

شمارهٔ سند: ۱۰۱۰
موضوع: طلب حاج خلیل تاجر از شیخ صدیق
تاریخ: ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۲ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۱۰

عریضهٔ اقل الحاج جان‌نثار خلیل دیلمقانی به حکومت ارومی

تصدق حضور مبارک شوم، پس از مراسم دعاگویی به عرض عریضهٔ عبیدانه مصدع اوقات مبارک می‌باشد از دویم شهر ربیع‌الاول در تبریز سرگردان منتظر حکم عادلانه و مراحم کامله هستم، تاکنون نه جواب عرایض معروضه کتباً و نه تلگرافاً این جان‌نثار را از این رهگذر آسوده فرموده‌اند- استدعای عاجزانه اینکه محض بذل الطاف کامله و مراحم شامله از این سه شق یکی را معمول و مقرر فرمایید. اولاً اینکه یک چندی راه نوچه را قدغن سخت بفرمایید تا اینکه شیخ عاجز بوده خوداش [خودش] ملتجی گردایده [گردیده] حقوق فدوی را مسترد بدارد.

ثانیاً اینکه جزیی اموالی که در توقیف باقی است آنها را حسب‌الحکم و رقم‌المبارک عجالتاً از بابت حقوق فدوی رد و مسترد بدارند. و ثالثاً بقیه حقوقم را تقریباً مبلغ سی و پنج هزار تومان نقداً به محل معتبری در ایران شیخ صدیق بسپارد هر وقت وکیل شیخ در طهران حاظر [حاضر] شد جان‌نثار هم پوستاً در طهران حاظر [حاضر] گردیده بعد از ثبوت ثلاثه حقوقم را از محل مزبور دریافت بدارم که مجدداً پنج سال دیگر دوندگی برای گرفتن حقوقم ننمایم، بعد از معمول شق ثالث در دادن کفیل به حرف بی‌قانون حاظرم [حاضرم] دیگر بسته به توجهات کاملهٔ حضرت مستطاب اجل اکرم افخم عالی روحی فدا است یک صد تومان از جناب سالار افخم و دویست و سی و چهار تومان از نواب والا امامقلی میرزا تاکنون نگرفته‌اند و به جان‌نثار مسترد نداشته‌اند. ای تصدقت شوم اینها که شیخ صدیق نیستند ملاحظه بعضی محظورات بشود استدعای عاجزانه می‌نماید به وصول عریضه دست‌خط مبارک تلگرافی از بندگان حضرت اجل اکرم اشرف عالی به عهدهٔ پیش کار کل تبریز و یا به خاکپای مبارک روحی فداه صادر و مرحمت شود بدون قبول عذر وجوه طلب حقهٔ جان‌نثار را گرفته مسترد بدارند تا اقلاً معونیاً چندی نموده به دعاگویی وجود مبارک اشتغال داشته و مشغول باشم.

عریضه اصل الحاج جانشار حسینی دلمقانی ۱۶ ربیع الاول ۱۳۲۲

تصدق حضور مبارک تبدیل از مراسم دعاگوی بندگی عریضه به مضمون ادعیات مبارکه ارزانی

شهر ربیع الاول در تبریز شرکت دادن منظر حکم عادلانه و مرحمت کامله همسر تا کنون نه جواب عریضه معروضه کتبیه

و نه تلگرافا این جانثار را از این رهگذر آگاهی فرمودند آیا بنده های عاجز این همه شرایط الطاف کامله

و مرحمت شامله از این سه شق یکی را معمول و مقرر فرمایند انشاء الله بلکه یک چندی راه توجه را قدغن

بفرمایند تا بکلیه شیخ با ضریبه خودش علیحده کرده حقوق فدوی را متردد ندارد تا شیخ الله خودش

در توقیف باقی است آنها را حسب الحکم در قم پارک عمارت بلات حقوق فدوی را متردد ندارند تا

بقیه حقوقم را تقریبا مسلم شده صحیح هرند گاه نقدا به محل معتبری در ایران صحیح صدق نسبیارد

هر وقت دلیلی شیخ در طهران حاضر شد جانثار هم پوستا در طهران حاضر کرده ببندر بوشهر تلگراف

حقوقم را از محل مزبور دریافت بدارم که فبدا پنج تای دیگر دونده گی برای گرفتن حقوقم نه نامم

ببندر معمولی شق ثالث در دادن تلگراف بحرف بی قانون حاضرم دیگر بشیراز تلگرافات

سایه حضرت مستطاب اجلی الاکرم افخم عالی روحی فداه است بنده ها از سایه افخم دور نیستیم

از نوازش والد ماجد مزار تا کنون تلگرافا نه و به جانثار متردد نداشته اند ای تصدق قدوم این

عریضه اصل الحاج جانثار حسینی دلمقانی ۱۶ ربیع الاول ۱۳۲۲

تصدق حضور مبارک تبدیل از مراسم دعاگوی بندگی عریضه به مضمون ادعیات مبارکه ارزانی

شهر ربیع الاول در تبریز شرکت دادن منظر حکم عادلانه و مرحمت کامله همسر تا کنون نه جواب عریضه معروضه کتبیه

و نه تلگرافا این جانثار را از این رهگذر آگاهی فرمودند آیا بنده های عاجز این همه شرایط الطاف کامله

و مرحمت شامله از این سه شق یکی را معمول و مقرر فرمایند انشاء الله بلکه یک چندی راه توجه را قدغن

بفرمایند تا بکلیه شیخ با ضریبه خودش علیحده کرده حقوق فدوی را متردد ندارد تا شیخ الله خودش

در توقیف باقی است آنها را حسب الحکم در قم پارک عمارت بلات حقوق فدوی را متردد ندارند تا

بقیه حقوقم را تقریبا مسلم شده صحیح هرند گاه نقدا به محل معتبری در ایران صحیح صدق نسبیارد

هر وقت دلیلی شیخ در طهران حاضر شد جانثار هم پوستا در طهران حاضر کرده ببندر بوشهر تلگراف

حقوقم را از محل مزبور دریافت بدارم که فبدا پنج تای دیگر دونده گی برای گرفتن حقوقم نه نامم

ببندر معمولی شق ثالث در دادن تلگراف بحرف بی قانون حاضرم دیگر بشیراز تلگرافات

سایه حضرت مستطاب اجلی الاکرم افخم عالی روحی فداه است بنده ها از سایه افخم دور نیستیم

از نوازش والد ماجد مزار تا کنون تلگرافا نه و به جانثار متردد نداشته اند ای تصدق قدوم این

شمارهٔ سند: ۱۰۱۱
موضوع: معاملات توتون تجار ایرانی با شیخ صدیق
تاریخ: ۲۲ شعبان ۱۳۲۲ هـ.ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۱۰

از حکومت ارومی به وزارت خارجه

قربانت شوم، مرقومهٔ مبارک مورخهٔ ششم شهر شعبان که حاکی بر سلامت مزاج مسعود حضرت مستطاب‌عالی بود، زیارت و اسباب مسرت خاطر گردید. شرحی بر طبق اظهار سفارت دولت علیه عثمانی دایر بر مسئلهٔ توتون محمدشریف موصلی مرقوم و استفسار فرموده بودند که اظهار می دارند توتونهای مشارالیه که به حکم اولیای دولت قاهر و وزارت جلیلهٔ امور خارجه به جهت طلب خیرالحاج حاجی خلیل تاجر کارگزاری توقیف کرده بود بعد برحسب حکم اولیای دولت به خود مشارالیه واگذار گردید و حُکومت دخالتی در این امر نداشته حاجی خلیل طلبی از شیخ صدیق ادعا می‌کند، دولت امر کرده بود توتونهای نوچه توقیف شود، توتونهای محمدشریف را هم همان وقت توقیف کرده بودند بعد که حکم برداشتی توقیف رسید صحیحاً و سالماً کارگزار ارومیه به خودش تحویل کرد و خسارتی وارد نیامده بود اگر خسارت وارد شده بود علت اینکه آن وقت خرابی توتونها را به مأمورین ارائه ننمود چیست و این توتونها معلوم نبود که مال محمدشریف باشد، تحقیقات به عمل نیامد که معلوم شود مال شیخ است یا مال محمدشریف، تفصیل ازاین قرار است که به عرض رساند. ایام جلالت مستدام باد.

اثر مهر نظام‌الدوله

[حاشیه:] توتون حاجی خلیل

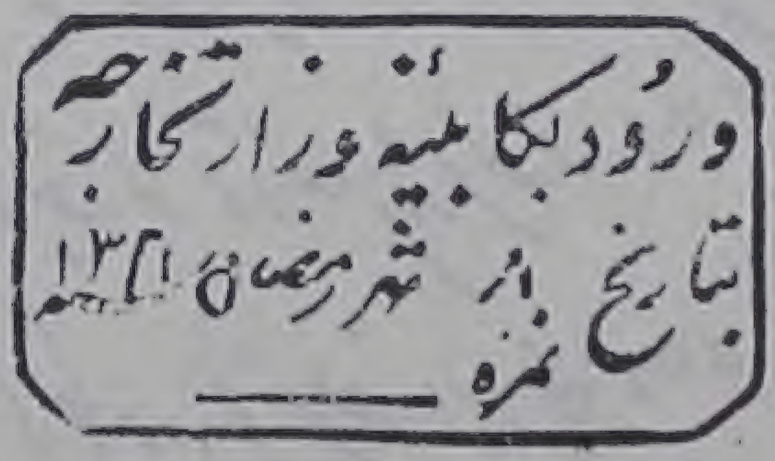

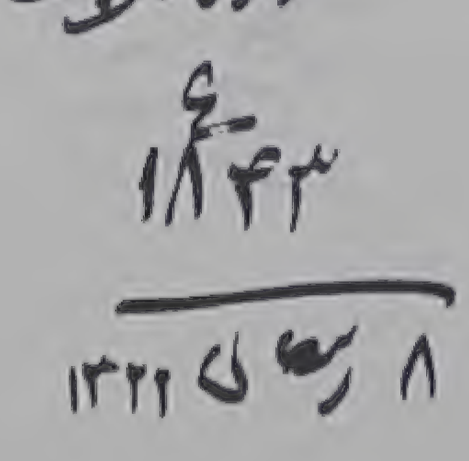

۲۲ شهر شعبان
۱۳۲۲

شمارهٔ سند: ۱۰۶۲
موضوع: اخذ سرانه از چادرنشینان ایرانی در عراق
نمره: ۹۵۷-۲۷٤
تاریخ: ۲۷ شعبان ۱۳۲۲ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۱۱

نامهٔ سفارت عثمانی به وزارت خارجه

جناب مستطاب اجل امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

در جواب مراسلهٔ محترمه مورخهٔ ۲٤ ذی‌حجه ۱۳۲۱ نمرهٔ ٤٤٤ مربوط به اخذ سرانه از چادرنشینان ایرانی در عراق عرب محترمانه زحمت‌افزا می‌شود که کیفیت را سفارت سنیه به باب‌عالی عرض و تبلیغ داشته، اینک جواب رسیده در تصدیق جواب سابق که در مراسلهٔ سفارت سنیهٔ مورخهٔ ۲۳ شهر ربیع‌الاول ۱۳۲۱ نمرهٔ ۸۹ به وزارت جلیلهٔ امور خارجه تبلیغ شده، می‌نویسد این رسم به هیچ وجه مدخلیت به بدلات عسکری ندارد و مخصوص زراع و اصناف می‌باشد و به موجب مقاوله‌نامهٔ اخیره هر چه زراع و اصناف عثمانیه می‌دهند، زراع و اصناف تبعه ایرانیه هم مکلف به تأدیهٔ آن هستند. بنابراین در این مسئله تبعهٔ ایرانیه به هیچ وجه دوچار هیچگونه تعدی و تعرض نشده‌اند. همواره احترامات فایقه را تجدید می‌نماید، زیاده چه زحمت دهم.

محل مهر شمس‌الدین بیک سفیر عثمانی

نمرهٔ تلگرافی

دولت علیهٔ عثمانیه

وارده

۹۵۷ عمومی

۲۴۳ خصوصی

۲۷ شعبان ۱۳۲۲

شمارهٔ سند: ۱۰۱۳
موضوع: ارسال عریضهٔ حاج خلیل
تاریخ: ۱۶ شوال ۱۳۲۲
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۱۰

از حکومت ارومی به وزارت خارجه

هو

فدایت شوم، شرح ملفوف عریضه[ای] از حاج خلیل دیلمقانی و لایحه‌ای از مسیو لاورس است برای اطلاع خاطر جناب مستطاب اجل اکرم عالی دام اقباله فرستاده و ضمناً زحمت‌افزا هستم که سابقاً جناب‌عالی در این باب مذاکره داشتید، نتیجهٔ مذاکرات و تحقیقاتی که فرمودید چه شد و به کجا منتهی گردید. مرقوم داشته و با نوشتجات ملفوفه اعاده فرمایید تا جوابی که لازم است نوشته شود، زیاده زحمت است.

۸

غ ۱۳۲۲ شفف

فدایت شوم شرح ملفوف عریضهٔ از حاج خلیل دیلمقانی
دلایحه‌ای از مسیو لاورس است برای اطلاع خاطر جناب مستطاب
اجل اکرم عالی دام اقباله فرستاده ضمناً زحمت افزا هستم که سابقاً جنابعالی
در این باب مذاکره داشتید نتیجه مذاکرات و تحقیقاتی که
چه شد و بکجا منتهی گردید مرقوم داشته با نوشجات ملفوفه
اعاده فرمایید تا جوابی که لازم است نوشته شود زیاده زحمت

شمارهٔ سند: ۱۰۱٤
موضوع: امور اتباع ـ حقوق عیال مرحوم دکتر رؤف بیک
نمره: ۱۲۸۹/۳۵۸
تاریخ: ۲۷ ذی‌حجه ۱۳۲۲ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۱

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب مستطاب اجل امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

در جواب مراسلهٔ محترمهٔ جوابیهٔ آن‌جناب مستطاب اجل عالی مورخهٔ ۲۱ ذی‌حجه‌الحرام ۱۳۲۲ نمرهٔ ۳٤۰ مربوط به مسئلهٔ عیال مرحوم محمد رؤف‌بیک دکتر دوم با احترام تمام زحمت‌افزا می‌شود که تکلیف و اظهار دکتر مشارالیه در مضبطه‌ای که در مجلس به ریاست جناب وزیر علوم و جمعی از دکترهای معروف نوشته شده مندرج است و چون از روی آن مضبطه همه شرایط به موجب تکلیفات او قبول شده، مأموریت او اجری گردیده است. بنابراین آن شرط معاش که در حق عیال خودش خواسته است طبیعی و ضروری است که قبول شده است، بنابراین اینکه حکومت جلیلهٔ ایرانیه می‌گویند طلب معاش قبول نشده نیست، مگر اینکه صراحةً [صراحتاً] از تعهد خود نکول می‌نمایند اگر حکومت ایرانیه از ایفای حکم تعهد صریح خودش سر می‌پیچند معلوم است که یک ضعیفه بی‌باعثه با قوه جبریه نمی‌تواند احقاق حقوق نماید. همواره احترامات فایقهٔ دوستدار را آن جناب مستطاب اجل عالی در حق خود برقرار دانند، زیاده چه زحمت دهم.

محل مهر: محمد شمس‌الدین

[پشت پاکت نامه:]

یک فقره مراسلهٔ سفارت عثمانی است، از شرف عرض خاکپای جواهرآسای اقدس همایون شهریاری ارواحنافداه خواهد گذشت.

شهر محرم ۱۳۲۲ نمره ۲۷

ـ جواب ندارد. امضا: مظفرالدین شاه

سفارت کبرای
دولت علیه عثمانیه

نومرو
۱۲۸۹ عمومی
۳۵۸ خصوصی
۲۷ شهر ذی حجه الحرام ۱۳۲۲

حضرت سلطنت مآب اجل اکرم امجد افخم اعلی اسعد ارفع سلطانم دامت شوکته

(۳۲۰)

جواب مراسله محرره جوابیه اجل سلطنت مآب عالی مرخمه ۲۱ ذی حجه الحرام ۱۳۲۲ مربوط مسئله عمال مرحوم مکرر دامت عظمته

در تکلیف و اظهار دکترت راجعه در مضمونه در مجلس بریاست خان ذی علوم و جمعی دکترای معروف نوشته مزبور مطرح مذاکره

برحسب تکلیفات اولیای دولت علیه مأموریت او اجرا گذارده است بنابراین ان شرط معاش مقرر در حق عمال

و قضیه مزبوره است بنابراین سکه حکومت جلیله ارائه نکرده طلب معاش قضیه نیست مگر اینکه صراحتاً در تعهد خود

بر حسب تکلیفات اولیای دولت علیه مأموریت او اجرا گذارده است بنابراین ان شرط معاش مقرر در حق عمال

و قضیه مزبوره است بنابراین سکه حکومت جلیله ارائه نکرده طلب معاش قضیه نیست مگر اینکه صراحتاً در تعهد خود

ارائه نکرده حکم قضیه صریح خود را مرتکب اعلام است در مضمونه یا ماده مقرره

نامبرده در ستاره لوای اجل سلطنت مآب اجل خود را قرار داده

۲۷
مهرماه ۱۳۲۴

وزارت امور خارجه

محرمانه

سفارت شاهنشاهی ایران

به سفارت

ضمن ابلاغ احترامات فائقه خود را نسبت به سفارت محترم دولت عثمانی تقدیم داشته و از شرف عرض خاتمی حرارت آمیز اعلیحضرت همایونی ارواحنا فداه را خلاصه که

گفته و مراسله سفارت عثمانی است

خواهد بود

شمارهٔ سند: ۱۰۱۵
موضوع: طلب و استمداد مادام رؤف بیک
تاریخ: ۱۱ فوریهٔ ۱۹۰۵ م (۱۳۲۳ هـ. ق)
کارتن: ۱
پرونده: $\frac{۱}{۱}$

نامهٔ مادام رؤف بیک به وزارت امور خارجه*

جناب وزیر

از حضرت مستطاب عالی مستدعی چنانم که این عریضهٔ مرا به نظر دقت بنگرند.

نه پول و نه وسیلهٔ تحصیل آن را دارم، آیا با احتیاجات یومیهٔ زندگی باید در جنگ باشم در صورتی که اشخاص متمول که تمام مکنتهای روی زمین را دارا هستند مدیون من اند، یعنی امین حضور ازخانوادهٔ بزرگ و شخص مهم سه سال است مبلغ صد و دو تومان و دو قران به من مقروض است، آیا این مسئله برای معزی الیه ننگ نیست و آیا صرف و میل پول زنی بیوه با انسانیت و شرع اسلام وفق می دهد، مگر نه چنین است که در قرآن فرموده، حامی بیوه زنان و ایتام باش. تصدق نمی طلبم، بلکه طلب خویش می خواهم و همچنین از برادر اتابیک اعظم حفظه الله تعالی قوطی سیگار نقرهٔ مینا شده که از باطوم برای شخص خود خریده ام یا عین آن را رد کند یا پول آنرا ایصال دارد.

حضرت مستطابا از صمیم قلب شما و پسران عزیز شما را که مردمان عادل و محبوب القلوب و محترم هستید قسم می دهم که حکم مرا بفرمایید. این پول برای من خیلی لازم است تا بتوانم یک ماه صبر کرده منتظر اتمام امور خویش شوم. خداوند بزرگ و قادر است، لکن شماها وزرای او در روی زمین باید وی را در اشاعهٔ قوانین عدالت کمک نمایید الحاصل اعتماد به حضرت مستطاب عالی داشته عرض می‌کنم خادمهٔ فدویهٔ شما هستم.

مادام رؤف بیک بیوه

اهدایی خانه فرهنگ
جمهوری اسلامی ایران
دهلی نو

* اصل نامه به زبان فرانسه ضمیمهٔ سند است.

[حاشیه:]

ــ فرمودند که یک کاغذی به امین حضور نوشته شود و مطالبه این مبلغ را بنمایند و بنویسند که سفارت عثمانی هر روزه مطالبه بنماید، کاغذی هم به جناب آقای محمدحسن خان در باب قرض او نوشته شود. یک کاغذ دیگر به جناب معاون‌الملک که بقیه طلب مادام را که تقریباً چهل تومان است بزودی عاید دارد، معاون‌الملک صد و بیست تومان مقروض بوده، هشتاد تومان داده شده و حال چهل تومان مقروض است.

KASHANI UNIVERSITY
Allameh Iqbal Library
Acc No 563095
Dated 6-2-09

سرپرستان

جناب وزیر

از حضرت مستطاب عالی مستدعی هستم در این عریضه مرا بنظر دقت بنگرند
تحصیل آنرا دارم آیا با اقتضائات بدینه زندگی باید در بنگ باشم در صورتیکه اشتغال مشغول
روی زمین ما دارا هستند مدیون شدند تمیز این حضرات از فقهاء بزرگ و شخص تهم سه سال است مبلغ
صدور فرمان و هر فرمان نیز مقدور است آیا این مسئله بطلان معرف به بنگ نیست و آیا صرف و میل پدر زنی بین باشد
و شرع اسلام دقیق میدهد اگر نه جایز است در در قرآن در مجلس حاضر بین زنان و ایتام باشد
تصدق نمیطلبم بلکه طلب حق میخواهم و همچنین از برادر اتابیک اعظم حضرت الله تعالی قرض میگیرد
نفرا من شئی در از باطوم بطلان نفس خط میدهد یا عین آنرا رد کند یا بدل آنرا تحویل دارد
حضرتستطاب از صمیم قلب شما و پسران عزیز شما را در میان عادل و محبوب القلوب و محترم میبینم
قسم میدهم در حکم ما تغیر نمائید این بدل بطلان حتمی لازم است تا بتوانم یک ماه صبر کنم قضیه
اتمام امر روشن شود
خداوند بزرگ و قادر است کمک شما و وزرای او در روی زمین باید و برای او در شرع حضرت قرآن عدالت کمک نماید
الی حصول حقالا کجا محترم مستطاب عالی داشته عرض میکنم خادمه ملت و دولت شما هستم

مادام رؤف بیکیه

(۱۱ فوریه ۱۹۰۵)

[illegible]

Mais il faut dire que le Karam :
[illegible] — Je me demande
pourquoi — je me demande
ce qui m'est dû ! C'est aussi
le tour des frères de notre Epouse
Abdelhak Ayam ! Que Dieu Puissant
Puissant me garde mon bien, mon
Honneur et Ce qu'elle me garde
Que Pharaon achète à Abdelhak
Seul Souverain ! au lieu, qu'il la
fasse . — Excellence . Je vous en
Conjure — Dieu qui aime l'homme
juste, Dieu Coeur droit, que tout
le monde aime et respecte Cadi
que Vos chers fils ! faites mes
Recherches partout . C'est très pressé !
Il me faut cet argent de suite —
cela peut me faire économiser deux
ou trois mois, en attendant Inch Allah !
— Par arrangement de mes affaires .

٥٧٩

11 janvier 1905

JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Kashmir Division - Srinagar

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
وابسته به وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران

تهران ــ خیابان شهید باهنر ــ خیابان شهید آقایی
صندوق پستی: ۱۷۹۳ ــ ۱۹۳۹۵

بها ۳۸۰۰ ریال